
القرآن الكريم

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کریم (تصویری)

نویسنده:

جمعی از راویان

ناشر چاپی:

سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قرآن کریم (تصویری)

مشخصات کتاب

شماره: ۲۸۲۸۴۹/د.ک
تاریخ: ۸۷/۱۰/۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

این مصحف شریف شامل: سی جزء کامل

و با مشخصات:

خطاط	: عثمان طه
نوع خط	: نسخ
مترجم	: ناصر مکارم شیرازی
نوع ترجمه	: زیر
زبان ترجمه	: فارسی
قطع	: وزیری
تعداد سطور در هر صفحه	: چهارده
تعداد صفحات متن قرآن	: ٦٠٤ **(مجموع صفحات:** ٦١٦)
نوبت چاپ	: دوم
محل چاپ و چاپخانه	: تهران – طلایه آفاق
تعداد	: سی و چهار هزار جلد

در تاریخ **۸۷/۱۰/۲۱** از جهت صحت کتابت و انطباق با قرائت عاصم به روایت حفص در اداره کل نظارت بر چاپ و نشر قرآن‌کریم سازمان دارالقرآن‌الکریم بررسی و تصحیح گردید که مراتب در پرونده شماره **(۲۳۶۱۰۴۹۱۰۴۶۱۱۰۳۱۴۰۶۰۴۰۰)** ثبت و چاپ آن توسط انتشارات **تلاوت وابسته به سازمان دارالقرآن‌الکریم** با رعایت مقررات اعلام شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع می‌باشد.

بدیهی است انتشار این مصحف شریف پس از چاپ منوط به دریافت مجوز نشر (توزیع) و تجدید چاپ آن مشروط به تأیید مجدد و صدور مجوز کتبی اداره کل نظارت بر چاپ و نشر قرآن‌کریم خواهد بود./ح

و من الله التوفیق
سازمان دارالقرآن‌الکریم
۸۷/۱۰/۲۲

ناشر: انتشارات تلاوت (وابسته به سازمان دارالقرآن الکریم)
خط: عثمان طه
مترجم: آیة الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
چاپ و صحافی: طلایه آفاق
سال نشر: زمستان ۱۳۸۷ ه.ش
نوبت چاپ: دوم
تیراژ: سی و چهار هزار جلد
شابک: ۹۷۸-٦۰۰-۹۰۳۵۲-۹-۸

تهران: میدان امام حسین (ع) خیابان خواجه نصیرالدین طوسی
شماره ۸۵ سازمان دارالقرآن الکریم تلفن: ۷۷٦۰۰۹۱۵

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۳۵۲-۹-۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۵۳۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور : قرآن کریم/خط عثمان طه ؛ مترجم ناصر مکارم شیرازی.

مشخصات نشر : تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : [۶۱۱] ص.

یادداشت : فارسی - عربی

عنوان قراردادی : قرآن. فارسی - عربی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۴۱

رده بندی کنگره : ژی ۱۳۸۷ BP۵۹/۶۶ /م۷

شناسه افزوده : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -، مترجم

شناسه افزوده : طه، عثمان، خوشنویس

شناسه افزوده : سازمان دارالقرآن الکریم. نشر تلاوت

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری

فهرست ۱

السورة	رقمها	الصفحة	
الفاتحة	١	١	مكية
البقرة	٢	٢	مدنية
آل عمران	٣	٥٠	مدنية
النساء	٤	٧٧	مدنية
المائدة	٥	١٠٦	مدنية
الأنعام	٦	١٢٨	مكية
الأعراف	٧	١٥١	مكية
الأنفال	٨	١٧٧	مدنية
التوبة	٩	١٨٧	مدنية
يونس	١٠	٢٠٨	مكية
هود	١١	٢٢١	مكية
يوسف	١٢	٢٣٥	مكية
الرعد	١٣	٢٤٩	مدنية
إبراهيم	١٤	٢٥٥	مكية
الحجر	١٥	٢٦٢	مكية
النحل	١٦	٢٦٧	مكية
الإسراء	١٧	٢٨٢	مكية
الكهف	١٨	٢٩٣	مكية
مريم	١٩	٣٠٥	مكية
طه	٢٠	٣١٢	مكية
الأنبياء	٢١	٣٢٢	مكية
الحج	٢٢	٣٣٢	مدنية
المؤمنون	٢٣	٣٤٢	مكية
النور	٢٤	٣٥٠	مدنية
الفرقان	٢٥	٣٥٩	مكية
الشعراء	٢٦	٣٦٧	مكية
النمل	٢٧	٣٧٧	مكية
القصص	٢٨	٣٨٥	مكية
العنكبوت	٢٩	٣٩٦	مكية
الروم	٣٠	٤٠٤	مكية
لقمان	٣١	٤١١	مكية
السجدة	٣٢	٤١٥	مكية
الأحزاب	٣٣	٤١٨	مدنية
سبأ	٣٤	٤٢٨	مكية
فاطر	٣٥	٤٣٤	مكية
يس	٣٦	٤٤٠	مكية
الصافات	٣٧	٤٤٦	مكية
ص	٣٨	٤٥٣	مكية
الزمر	٣٩	٤٥٨	مكية
غافر	٤٠	٤٦٧	مكية
فصلت	٤١	٤٧٧	مكية
الشورى	٤٢	٤٨٣	مكية
الزخرف	٤٣	٤٨٩	مكية
الدخان	٤٤	٤٩٦	مكية
الجاثية	٤٥	٤٩٩	مكية
الأحقاف	٤٦	٥٠٢	مكية
محمد	٤٧	٥٠٧	مدنية
الفتح	٤٨	٥١١	مدنية
الحجرات	٤٩	٥١٥	مدنية
ق	٥٠	٥١٨	مكية
الذاريات	٥١	٥٢٠	مكية
الطور	٥٢	٥٢٣	مكية
النجم	٥٣	٥٢٦	مكية
القمر	٥٤	٥٢٨	مكية
الرحمن	٥٥	٥٣١	مدنية
الواقعة	٥٦	٥٣٤	مكية
الحديد	٥٧	٥٣٧	مدنية
المجادلة	٥٨	٥٤٢	مدنية

عکس

فهرست ۲

عكس

فهرست ۳

فهرست الفبایی سوره‌ها

نام سوره	شماره	صفحه
آل عمران	۳	۵۰
ابراهیم	۱۴	۲۵۵
احزاب	۳۳	۴۱۸
احقاف	۴۶	۵۰۲
اخلاص*	۱۱۲	۶۰۴
اسراء*	۱۷	۲۸۲
اعراف	۷	۱۵۱
اعلی	۸۷	۵۹۱
انّا انزلناه*	۹۷	۵۹۸
انبیاء	۲۱	۳۲۲
انسان*	۷۶	۵۷۸
انشراح*	۹۴	۵۹۶
انشقاق	۸۴	۵۸۹
انعام	۶	۱۲۸
انفال	۸	۱۷۷
انفطار	۸۲	۵۸۷
برائت*	۹	۱۸۷
بروج	۸۵	۵۹۰
بقره	۲	۲
بلد	۹۰	۵۹۴
بنی‌اسرائیل*	۱۷	۲۸۲
بیّنه	۹۸	۵۹۸
تبّت*	۱۱۱	۶۰۳
تحریم	۶۶	۵۶۰
تغابن	۶۴	۵۵۶
تکاثر	۱۰۲	۶۰۰
تکویر	۸۱	۵۸۶
توبه*	۹	۱۸۷
توحید*	۱۱۲	۶۰۴
تین	۹۵	۵۹۷
جاثیه	۴۵	۴۹۹

نام سوره	شماره	صفحه
جمعه	۶۲	۵۵۳
جنّ	۷۲	۵۷۲
حاقه	۶۹	۵۶۶
حجّ	۲۲	۳۳۲
حجر	۱۵	۲۶۲
حجرات	۴۹	۵۱۵
حدید	۵۷	۵۳۷
حشر	۵۹	۵۴۵
حمد*	۱	۱
حم سجده*	۴۱	۴۷۷
دخان	۴۴	۴۹۶
دهر*	۷۶	۵۷۸
ذاریات	۵۱	۵۲۰
رحمن	۵۵	۵۳۱
رعد	۱۳	۲۴۹
روم	۳۰	۴۰۴
زخرف	۴۳	۴۸۹
زلزله	۹۹	۵۹۹
زُمَر	۳۹	۴۵۸
سبأ	۳۴	۴۲۸
سجده	۳۲	۴۱۵
شرح*	۹۴	۵۹۶
شعراء	۲۶	۳۶۷
شمس	۹۱	۵۹۵
شوری	۴۲	۴۸۳
ص	۳۸	۴۵۳
صافات	۳۷	۴۴۶
صفّ	۶۱	۵۵۱
ضُحی	۹۳	۵۹۶
طارق	۸۶	۵۹۱
طلاق	۶۵	۵۵۸

عکس

فهرست ۴

فهرست الفبایی سوره‌ها

نام سوره	شماره	صفحه
طه	۲۰	۳۱۲
طور	۵۲	۵۲۳
عادیات	۱۰۰	۵۹۹
عَبَس	۸۰	۵۸۵
عصر	۱۰۳	۶۰۱
عَلَق	۹۶	۵۹۷
عنکبوت	۲۹	۳۹۶
غاشیه	۸۸	۵۹۲
غافر*	۴۰	۴۶۷
فاتحه*	۱	۱
فاطر	۳۵	۴۳۴
فتح	۴۸	۵۱۱
فجر	۸۹	۵۹۳
فرقان	۲۵	۳۵۹
فصلت*	۴۱	۴۷۷
فَلَق	۱۱۳	۶۰۴
فیل	۱۰۵	۶۰۱
ق	۵۰	۵۱۸
قارعه	۱۰۱	۶۰۰
قدر*	۹۷	۵۹۸
قریش	۱۰۶	۶۰۲
قَصَص	۲۸	۳۸۵
قلم	۶۸	۵۶۴
قمر	۵۴	۵۲۸
قیامت	۷۵	۵۷۷
کافرون	۱۰۹	۶۰۳
کوثر	۱۰۸	۶۰۲
کهف	۱۸	۲۹۳
لقمان	۳۱	۴۱۱
لیل	۹۲	۵۹۵
مائده	۵	۱۰۶
ماعون	۱۰۷	۶۰۲
مجادله	۵۸	۵۴۲
محمّد	۴۷	۵۰۷
مُدَّثر	۷۴	۵۷۵
مرسلات	۷۷	۵۸۰
مریم	۱۹	۳۰۵
مزَّمل	۷۳	۵۷۴
مَسَد*	۱۱۱	۶۰۳
مطفّفین	۸۳	۵۸۷
مَعارج	۷۰	۵۶۸
مُلک	۶۷	۵۶۲
ممتحنه	۶۰	۵۴۹
منافقون	۶۳	۵۵۴
مؤمن*	۴۰	۴۶۷
مؤمنون	۲۳	۳۴۲
نازعات	۷۹	۵۸۳
ناس	۱۱۴	۶۰۴
نبأ	۷۸	۵۸۲
نجم	۵۳	۵۲۶
نحل	۱۶	۲۶۷
نساء	۴	۷۷
نصر	۱۱۰	۶۰۳
نمل	۲۷	۳۷۷
نوْح	۷۱	۵۷۰
نور	۲۴	۳۵۰
واقعه	۵۶	۵۳۴
هُمَزه	۱۰۴	۶۰۱
هود	۱۱	۲۲۱
یس	۳۶	۴۴۰
یوسف	۱۲	۲۳۵
یونس	۱۰	۲۰۸

۶۱۰

عکس

۱ – سوره الفاتحه

سُورَةُ الفاتِحَة ۱

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ (۱)

به نام خداوند هستی‌بخش مهربان (۱)

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (۲) اَلرَّحْمنِ

ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است. (۲) آن هستی

الرَّحِيمِ (۳) مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

بخش مهربان، (۳) صاحب روز جزا. (۴)

اِيّاكَ نَعْبُدُ وَاِيّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

[بار الها] تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. (۵)

اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِراطَ

ما را به راه راست هدایت فرما، (۶) راه آنان

الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

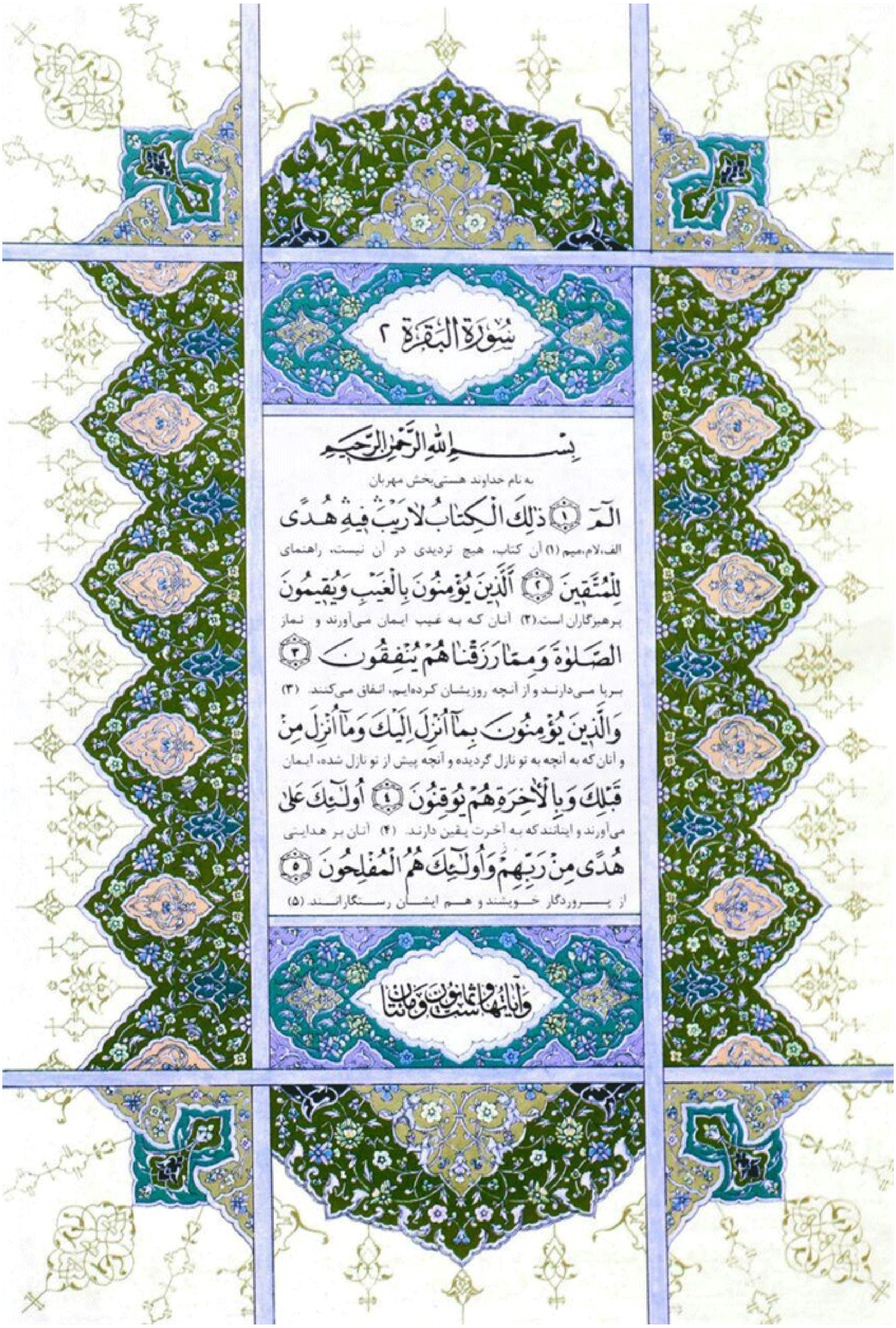
که موهبتشان دادی، نه راه غضب شدگان

عَلَيْهِمْ وَلَا الضّالِّينَ (۷)

و نه گمراهان. (۷)

وآیاتها سبع

۲ – سوره البقره



سُورَةُ البَقَرَة ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند هستی‌بخش مهربان

الٓمٓ ﴿۱﴾ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

الف،لام،میم (۱) آن کتاب، هیچ تردیدی در آن نیست، راهنمای

لِلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ

پرهیزگاران است.(۲) آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز

الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾

برپا می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند. (۳)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ

و آنان که به آنچه به تو نازل گردیده و آنچه پیش از تو نازل شده، ایمان

قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ

می‌آورند و ایناناند که به آخرت یقین دارند. (۴) آنان بر هدایتی

هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

از پروردگار خویشند و هم ایشان رستگاراند. (۵)

وآیاتها ست وثمانون ومائتان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
به راستی آنان که کفر ورزیدند یکسان است بر ایشان که بترسانیشان یا نترسانیشان، ایمان نمی‌آورند.
﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ
(۶) خدا بر دل‌ها و شنوایی‌شان مهر نهاده و بر چشمانشان پرده‌ای است
وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ
و آنها را عذابی بزرگ است. (۷) و از مردم کسانی می‌گویند: ما به خدا
وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ
و روز واپسین ایمان آورده‌ایم. ولی آنان مؤمن نیستند. (۸) خدا و مؤمنان را فریب دهند،
ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِمْ
در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند، ولی نمی‌فهمند. (۹) در دل‌هایشان
مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ
بیماری است، پس خدا ایشان را بیماری افزود، و آنان را به سزای اینکه دروغ می‌گفتند عذابی دردناک است.
﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ
(۱۰) و چون به ایشان گفته شود: در زمین فساد نکنید، گویند: جز این نیست که فقط ما
مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِنْ لَا يَشْعُرُونَ
اصلاح گرانیم. (۱۱) به هوش باش که همین‌ها تبهکارانند ولی نمی‌فهمند.
﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ
(۱۲) و چون به آنها گفته شود: شما نیز مانند [سایر] مردم ایمان بیاورید، گویند: آیا ما
السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا لَقُوا
چون کم‌خردان ایمان بیاوریم؟ بدان که آنان خود کم‌خردانند امّا نمی‌دانند. (۱۳) و چون با
الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا
مؤمنان روبه‌رو شوند گویند: ایمان آورده‌ایم، و چون با یاران شیطانی خود تنها شوند، گویند: ما بی‌تردید
مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ
با شما هستیم، جز این نیست که ما [آنها را] به مسخره گرفته‌ایم. (۱۴) خداست که آنها را به مسخره می‌گیرد و فرصتشان
فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ
می‌دهد تا در طغیان خود سرگردان بمانند. (۱۵) آنان کسانی هستند که گمراهی و ضلالت را
بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾
به بهای هدایت خریدند پس تجارتشان سودی نکرد و هدایت‌پذیر نبودند. (۱۶)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى ٱسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّآ أَضَآءَتْ مَا حَوْلَهُۥ ذَهَبَ

آنان [=منافقان] همانند کسانی هستند که آتشی افروخته‌اند(تا از تاریکی وحشتناک رهایی یابند)، ولی همین که آتش اطرافشان را روشن ساخت،

ٱللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِى ظُلُمَٰتٍ لَّا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ

خداوند روشنایی آنها را گرفته؛ و در تاریکیها رهایشان می‌سازد، در حالی که (چیزی را) نمی‌بینند. (۱۷) آنها کر و لال و کورند؛

فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَٰتٌ وَرَعْدٌ

لذا (از راه خطا) باز نمی‌گردند! (۱۸) یا همچون بارانی که از آسمان، در شب تاریک همراه با رعد

وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمْ فِىٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ ۚ

و برق (در بیابان) ببارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در گوشهای خود می‌گذارند؛ تا صدای صاعقه‌ها را نشنوند.

وَٱللَّهُ مُحِيطٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ ٱلْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَٰرَهُمْ ۖ كُلَّمَآ

و خداوند به کافران احاطه دارد. (۱۹) (روشنایی خیره‌کنندهٔ) برق، نزدیک است چشمانشان را برباید،

أَضَآءَ لَهُم مَّشَوْا۟ فِيهِ وَإِذَآ أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا۟ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ

هر زمان که (برق صفحهٔ بیابان را) برای آنها روشن می‌سازد، (چند گامی) در پرتو آن راه می‌روند؛ و چون تاریکی آنها را فرا می‌گیرد، می‌ایستند. و اگر

بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَٰرِهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ

خدا می‌خواست، گوش و چشم آنها را از بین می‌برد؛ زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۰) ای مردم!

ٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، پرستش کنید؛ تا پرهیزکار شوید.

﴿٢١﴾ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءً وَأَنزَلَ مِنَ

(۲۱) آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [=جوّ زمین] را سقفی بر فرازتان قرار داد؛ و از

ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ فَلَا تَجْعَلُوا۟ لِلَّهِ

آسمان آبی فروفرستاد؛ و بوسیلهٔ آن، میوه‌ها (و انواع محصولات) را برای روزی شما رویاند. بنابراین، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید

أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِن كُنتُمْ فِى رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا

(هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده، و نه روزی می‌دهند). (۲۲) و اگر دربارهٔ آنچه بر بندهٔ خود نازل کرده‌ایم

عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِۦ وَٱدْعُوا۟ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ

تردید دارید، یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را، غیر خدا، (برای این کار)

ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ وَلَن تَفْعَلُوا۟ فَٱتَّقُوا۟

فرا خوانید اگر راست می‌گویید! (۲۳) پس اگر چنین نکنید که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید

ٱلنَّارَ ٱلَّتِى وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكَٰفِرِينَ ﴿٢٤﴾

که مردم (گنهکار) و سنگها [= بتها] هیزم آن هستند؛ و برای کافران، آماده شده است!(۲۴)

وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي

به کساني که ايمان آورده، و کارهاي شايسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغهايي بهشتي براي آنهاست

مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ

که نهرها از پاي درختانش جاريست. هر زمان که ميوه‌اي از آن، روزي آنان شود، مي‌گويند:

هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗاۖ وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ

«اين همان است که قبلاً به ما روزي داده شده بود. (ولي اينها چقدر از آنها بهتر و عاليتر است.)» وميوه‌هايي که براي آنها آورده مي‌شود،

مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٥﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسۡتَحۡيِۦٓ

همه (ازنظرخوبي و زيبايي) يکسانند. و براي آنان همسراني پاکيزه است، و جاودانه در آن خواهند بود. (۲۵) خداوند از اين که به (موجودات ظاهراً

أَن يَضۡرِبَ مَثَلٗا مَّا بَعُوضَةٗ فَمَا فَوۡقَهَاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

کوچکي مانند) پشه، و حتي کمتر از آن، مثال بزند باکي ندارد.در اين ميان، کساني که ايمان آورده‌اند،

فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

مي‌دانند که آن (مثال، گوياي) حقيقتي است از طرف پروردگارشان؛ کساني که کافر شده‌اند (بهانه جويي کرده)

فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا

مي‌گويند: «منظور خداوند از اين مثال چه بوده است؟!» (آري،) خدا جمع زيادي را با آن گمراه،

وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٢٦﴾ ٱلَّذِينَ

و گروه بسياري را هدايت مي‌کند؛ ولي تنها فاسقان را با آن گمراه مي‌سازد! (۲۶) (همان) کساني که

يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ

پيمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، مي‌شکنند؛ و پيوندهايي را که خدا دستور داده برقرار سازند،

أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ

قطع نموده، و در روي زمين فساد مي‌کنند؛ آنها زيانکاران (واقعي) هستند.

﴿٢٧﴾ كَيۡفَ تَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَكُنتُمۡ أَمۡوَٰتٗا فَأَحۡيَٰكُمۡۖ

(۲۷) چگونه به خداوند کفر مي‌ورزيد، در حالي که شما مردگان (و اجسام بي‌روحي) بوديد، و او به شما زندگي بخشيد؛

ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ ٱلَّذِي

سپس شما را مي‌ميراند؛ و بار ديگر شما را زنده مي‌کند؛ سپس به سوي او بازگردانده مي‌شويد؟!(۲۸) او کسي است

خَلَقَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ

که همهٔ آنچه را در زمين وجود دارد، براي شما آفريد؛ سپس به آسمان پرداخت؛

فَسَوَّىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٩﴾

و آنها را به صورت هفت آسمان مرتّب نمود؛ و او به هر چيزي دانا است.(۲۹)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي ٱلْأَرْضِ خَلِيفَةًۖ قَالُوٓاْ

(به یاد آور) هنگامي را که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «من بر روی زمین،

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

جانشيني [= نماینده‌ای] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «(پروردگارا!) آیا کسي را در آن قرار مي‌دهي‌که فساد و خونریزی کند؟! حال آنکه

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَۖ قَالَ إِنِّيٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ وَعَلَّمَ

ما تسبیح و حمد تو را به جا مي‌آوریم، و تو را تقدیس مي‌کنیم(و برای جانشيني شایسته‌تریم)». فرمود: «من حقایقي را مي‌دانم که شما نمي‌دانید.» (۳۰) سپس،

ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِي

تمامي علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را به آدم آموخت. آنگاه آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود:

بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣١﴾ قَالُواْ سُبْحَٰنَكَ لَا عِلْمَ

«اگر راست مي‌گویید، (و از آدم شایسته‌تر هستید) اسامي اینها را به من خبر دهید!» (۳۱) گفتند: «منزّهي تو! ما جز آنچه به ما

لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئْهُم

تعلیم داده‌ای، نمي‌دانیم؛ زیرا تویي که دانا و حکیمي.» (۳۲) فرمود: «ای آدم! آنان را از اسامي (و اسرار)

بِأَسْمَآئِهِمْۖ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّيٓ أَعْلَمُ غَيْبَ

این موجودات آگاه کن.» هنگامي که آدم آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾

آسمانها و زمین را مي‌دانم؟! و مي‌دانم آنچه را شما آشکار مي‌کنید، و آنچه را پنهان مي‌داشتید!» (۳۳)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰ

و (یاد کن) هنگامي را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده (و خضوع) کنید!» همگي سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد،

وَٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ

و تکبّر ورزید، و (بخاطر نافرماني و تکبّرش) از کافران شد. (۳۴) و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛

ٱلْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا

و از (نعمتهای) آن، از هرجا مي‌خواهید، در کمال فراواني بخورید؛ (ولي) نزدیک این درخت نشوید؛ که

مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِۖ

از ستمکاران خواهید شد.» (۳۵) پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (دراین هنگام به‌آنها) گفتیم:

وَقُلْنَا ٱهْبِطُواْ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّۖ وَلَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ

«(همگي از مقام خویش) فرود آیید! در حالي که دشمن یکدیگر خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدّت معيّني محل اقامت و وسیلهٔ بهره‌برداری خواهد

حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

بود.» (۳۶) سپس آدم ازپروردگارش کلماتي دریافت‌داشت؛ (و باآنهاتوبه کرد.) و خداوند توبهٔ او راپذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است. (۳۷)

قُلْنَا ٱهْبِطُوا۟ مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَاىَ

گفتیم: «همگی از آن، فرود آیید! ولی هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند،

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟

نه ترسی بر آنهاست،و نه اندوهگین می‌شوند.» (۳۸) و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را

بِـَٔايَٰتِنَآ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٣٩﴾ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ

تکذیب کردند اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. (۳۹) ای بنی اسرائیل!

ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا۟ بِعَهْدِىٓ أُوفِ بِعَهْدِكُمْ

نعمتم را، که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید؛ و به پیمان من وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. و

وَإِيَّٰىَ فَٱرْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَ

(در این راه) تنها از من بترسید! (۴۰) و به آنچه نازل کرده‌ام ایمان بیاورید؛ که نشانه‌های آن، با آنچه در کتاب شماست،

لَا تَكُونُوٓا۟ أَوَّلَ كَافِرٍۭ بِهِۦ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّٰىَ فَٱتَّقُونِ

مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید؛ و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید؛ و تنها از (مخالفتِ) من بپرهیزید!

﴿٤١﴾ وَلَا تَلْبِسُوا۟ ٱلْحَقَّ بِٱلْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُوا۟ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ

(۴۱) و حق را با باطل نیامیزید؛ و حقیقت را با این‌که (از آن) آگاهید، کتمان نکنید.

﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرْكَعُوا۟ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ۞

(۴۲) و نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید. (۴۳)

أَتَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ ۚ أَفَلَا

آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او در تورات آمده) دعوت می‌کنید، امّا خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با این‌که شما کتاب آسمانی (تورات) را

تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾ وَٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى

می‌خوانید؟! آیا نمی‌اندیشید؟! (۴۴) از صبر و نماز یاری جویید؛ (و با شکیبایی و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛) و این کار، جز برای

ٱلْخَٰشِعِينَ ﴿٤٥﴾ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُوا۟ رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ

خاشعان، دشوار و سنگین است. (۴۵) (همان) کسانی که می‌دانند پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد، و به سوی او

رَٰجِعُونَ ﴿٤٦﴾ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ

باز می‌گردند. (۴۶) ای بنی‌اسرائیل! نعمتم را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که)

وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَٱتَّقُوا۟ يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ

من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم. (۴۷) و از روزی بترسید که کسی‌مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و شفاعتی از

شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾

کسی پذیرفته نمی‌شود؛و غرامتی از او قبول نخواهد شد؛ و (به هیچ صورت) یاری نخواهند شد. (۴۸)

وَإِذْ نَجَّيْنَٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ

و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم؛ که همواره شما را به بدترین صورت آزار می‌دادند:

يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِى ذَٰلِكُم بَلَآءٌ مِّن

پسران شما را سرمی‌بریدند؛ وزنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند. و در اینها، آزمایش

رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ ٱلْبَحْرَ فَأَنجَيْنَٰكُمْ وَأَغْرَقْنَآ

بزرگی از طرف پروردگارتان بود. (۴۹) و (یاد کنید) هنگامی که دریا را برایتان شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم؛

ءَالَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَٰعَدْنَا مُوسَىٰٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ

و فرعونیان را غرق ساختیم؛ در حالی که شما تماشا می‌کردید. (۵۰) و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم؛ (و او، برای‌گرفتن

ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ ظَٰلِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم

فرمانهای الهی، به میعادگاه آمد؛) سپس شما گوساله را بعد از او (برای پرستش) انتخاب نمودید؛ در حالی که ستمکار بودید. (۵۱) سپس شما را بعد از آن

مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ

(گناه بزرگ) بخشیدیم؛ شاید شکرگزاری کنید.(۵۲) و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب

وَٱلْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ

و وسیلهٔ تشخیص (حق از باطل) دادیم؛ شاید هدایت شوید. (۵۳) و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من!

إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلْعِجْلَ فَتُوبُوٓا۟ إِلَىٰ بَارِئِكُمْ

شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید؛ توبه کنید؛ و به سوی آفرینندهٔ خود بازگردید؛

فَٱقْتُلُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ

و خود را [= یکدیگر را] به قتل برسانید؛ این کار، برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛

ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى

زیرا اوست توبه‌پذیر مهربان. (۵۴) و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛

ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ

مگر این‌که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم.» پس صاعقه شما را گرفت؛ درحالی که تماشا می‌کردید. (۵۵) سپس

بَعَثْنَٰكُم مِّنۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا

شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم؛ شاید شکرگزاری کنید. (۵۶) و ابر را بر شما سایبان

عَلَيْكُمُ ٱلْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ

قرار دادیم؛ و «مَنّ»[=نوعی صمغ شیرین گیاهان] و «سلوی» [=پرنده‌ای مانند بلدرچین] را برای شما فرستادیم ؛ (و گفتیم:) «از نعمتهای پاکیزه‌ای

مَا رَزَقْنَٰكُمْ ۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

که به شما روزی داده‌ایم بخورید.» و(آنها کفران کردند، ولی با این کار؛) آنها به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم می‌نمودند. (۵۷)

وَإِذْ قُلْنَا ٱدْخُلُوا۟ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ فَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَٱدْخُلُوا۟

و (یاد کنید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [بیت‌المقدس] وارد شوید؛ و از نعمتهای فراوان آن، از هرجا می‌خواهید بخورید؛ و از در

ٱلْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَٰيَٰكُمْ ۚ وَسَنَزِيدُ

(معبد بیت المقدس) با خضوع واردگردید؛ و بگویید: «خداوندا! گناهان ما را بریز.» تا خطاهای شما را ببخشیم؛ و به نیکوکاران پاداش

ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِى قِيلَ

بیشتری خواهیم داد.» (۵۸) امّا افراد ستمکار، این سخن را به غیر آنچه آنها گفته شده بود،

لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ

(به صورتی استهزاآمیز) تغییر دادند؛ لذا بر ستمکاران، در برابر این نافرمانی،عذابی از آسمان فرستادیم.

﴿٥٩﴾ ۞ وَإِذِ ٱسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ فَقُلْنَا ٱضْرِب بِّعَصَاكَ

(۵۹) و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید؛ به او گفتیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!»

ٱلْحَجَرَ ۖ فَٱنفَجَرَتْ مِنْهُ ٱثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ

ناگاه دوازده چشمهٔ آب از آن جوشید؛ آن گونه که هر طایفه (از طوایف دوازده‌گانهٔ بنی‌اسرائیل)،

أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ مِن رِّزْقِ ٱللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى

چشمهٔ خود را می‌شناختند (و گفتیم:) «از روزی خداوند بخورید و بیاشامید؛ و در

ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ

زمین به فساد نکوشید.» (۶۰) و (نیز به یاد آورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم

وَٰحِدٍ فَٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلْأَرْضُ مِنۢ بَقْلِهَا

به یک نوع غذا اکتفا کنیم از پروردگارت بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات

وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۖ قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ ٱلَّذِى

و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟!

هُوَ أَدْنَىٰ بِٱلَّذِى هُوَ خَيْرٌ ۚ ٱهْبِطُوا۟ مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا

(اکنون که چنین می‌خواهید) در شهری فرود آیید؛ زیرا هرچه خواستید، (در آن‌جا)

سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلْمَسْكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٍ

برای شما هست.» و مُهر ذلّت و نیاز، بر آنها زده شد؛ و به خشم خداوند گرفتار شدند؛

مِّنَ ٱللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقْتُلُونَ

چرا که آنان نسبت به آیات خداوند، کفر می‌ورزیدند؛و پیامبران را

ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

به ناحق می‌کشتند. این به خاطر آن بود که نافرمانی کرده و تجاوز می‌نموده‌اند.(۶۱)

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنْ

کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صابئان

ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ

[= پیروان یحیی] هرکدام که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و کاری شایسته انجام دهند، پاداششان

رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا

نزد پروردگارشان مسلّم است؛ و نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند. (۶۲) و (به یاد آورید)

مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ

زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را به فرازتان برافراشتیم؛ (و گفتیم:) «آنچه را (از آیات و فرمان‌ها) به شما داده‌ایم،با قدرت بگیرید؛

وَٱذْكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ

و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ تا پرهیزکار شوید.» (۶۳) سپس شما پس از

فَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٦٤﴾

این، رویگردان شدید؛ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید. (۶۴)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعْتَدَوْاْ مِنكُمْ فِى ٱلسَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُواْ

به طور قطع از حال کسانی از شما، که‌در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید؛ ما به آنها گفتیم: «به صورت

قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ﴿٦٥﴾ فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا

بوزینه‌هایی طرد شده درآیید!» (۶۵) ما این مجازات را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسلهای بعد از آنان،

وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ

و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم. (۶۶) و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می‌دهد

أَن تَذْبَحُواْ بَقَرَةً ۖ قَالُوٓاْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۖ قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ

گاوی را ذبح کنید (و قطعه‌ای از آن را به بدن مقتول بزنید، تا زنده شود و قاتل را معرفی کند.)» گفتند: «آیا ما را مسخره می‌کنی؟» گفت: «به خدا پناه می‌برم از

ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ ۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ

این‌که از جاهلان باشم!» (۶۷) گفتند: «از پروردگارت بخواه که برای ما روشن کند این گاو چگونه گاوی باید باشد؟» گفت: او می‌فرماید:

إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذَٰلِكَ ۖ فَٱفْعَلُواْ مَا

«گاوی که نه پیر و از کارافتاده باشد، و نه بکر و جوان؛ بلکه میان این دو باشد. آنچه به شما دستور داده شده،

تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا ۚ قَالَ إِنَّهُۥ

(هر چه زودتر) انجام دهید.» (۶۸) گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد؟» گفت: او

يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّٰظِرِينَ ﴿٦٩﴾

می‌فرماید: «گاوی باشد زرد یکدست، که بینندگان را شاد و مسرور سازد.» (۶۹)

قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ ٱلۡبَقَرَ تَشَٰبَهَ عَلَيۡنَا وَإِنَّآ إِن

گفتند: «از پروردگارت بخواه برای ما روشن کند که چگونه (گاوی) باید باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده

شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهۡتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ لَّا ذَلُولٞ تُثِيرُ

و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد» (۷۰) گفت: او می‌فرماید: «گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده؛

ٱلۡأَرۡضَ وَلَا تَسۡقِي ٱلۡحَرۡثَ مُسَلَّمَةٞ لَّا شِيَةَ فِيهَاۚ قَالُواْ ٱلۡـَٰٔنَ

و نه برای زراعت آبکشی کند؛ از هر عیبی برکنار بوده، و رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «الان حق مطلب را آوردی.»

جِئۡتَ بِٱلۡحَقِّۚ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُواْ يَفۡعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذۡ قَتَلۡتُمۡ

سپس (چنان‌گاوی را با زحمت پیدا کردند و) آن را سر بریدند؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند. (۷۱) و (به یاد آورید)

نَفۡسٗا فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَاۖ وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ﴿٧٢﴾ فَقُلۡنَا

هنگامی را که فردی را به قتل رساندید؛ سپس دربارهٔ (قاتل) او به نزاع پرداختید؛ و خداوند آنچه را پنهان می‌کردید، آشکار می‌سازد. (۷۲) سپس گفتیم:

ٱضۡرِبُوهُ بِبَعۡضِهَاۚ كَذَٰلِكَ يُحۡيِ ٱللَّهُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ

«قسمتی از گاو را به مقتول بزنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند). خداوند این گونه مردگان را زنده می‌کند؛ و آیات خود را به شما نشان می‌دهد؛

لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتۡ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَٱلۡحِجَارَةِ

شاید بیندیشید.» (۷۳) سپس دلهای شما بعد از این (همه کفران) سخت شد؛ همچون سنگ،

أَوۡ أَشَدُّ قَسۡوَةٗۚ وَإِنَّ مِنَ ٱلۡحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنۡهُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ وَإِنَّ

یا سخت‌تر! چرا که پاره‌ای از سنگها می‌شکافد، و از آن نهرها جاری می‌شود؛

مِنۡهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخۡرُجُ مِنۡهُ ٱلۡمَآءُۚ وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا يَهۡبِطُ مِنۡ خَشۡيَةِ

و پاره‌ای از آنها شکاف برمی‌دارد، و آب از آن تراوش می‌کند؛ و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد؛ (امّا دلهای شما،

ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٧٤﴾ ۞ أَفَتَطۡمَعُونَ أَن يُؤۡمِنُواْ

نه از خوف خدا می‌تپد، و نه سرچشمه دانش و عواطف انسانی است) و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۷۴) آیا (شما مسلمانان) انتظار دارید

لَكُمۡ وَقَدۡ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ يَسۡمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ

آنها به آیینتان ایمان بیاورند، با این‌که عدّه‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند

مِنۢ بَعۡدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ

و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که آگاه بودند؟! (۷۵) و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.»

ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ قَالُوٓاْ أَتُحَدِّثُونَهُم

ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده،) می‌گویند: «چرا مطالبی را که (دربارهٔ صفات پیامبر اسلام) خداوند برای

بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٧٦﴾

شما بیان کرده، به مسلمانان بازگو می‌کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه پروردگارتان، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی‌فهمید؟!» (۷۶)

أَوَلَا يَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ ﴿٧٧﴾ وَ

آیا اینها نمی‌دانند خداوند آنچه را پنهان می دارند یا آشکار می‌کنند می‌داند؟! (۷۷)

مِنۡهُمۡ أُمِّيُّونَ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا

و پاره‌ای از آنان عوامانی هستندکه کتاب خدا را جز (یک مشت خیالات و) آرزوها نمی‌دانند؛ و تنها به پندارهایشان دل

يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ يَكۡتُبُونَ ٱلۡكِتَٰبَ بِأَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ يَقُولُونَ

بسته‌اند. (۷۸) پس وای بر آنها که نوشته‌ای بادست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند:

هَٰذَا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشۡتَرُواْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا

«این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای اندکی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛

كَتَبَتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا يَكۡسِبُونَ ﴿٧٩﴾ وَقَالُواْ لَن تَمَسَّنَا

و وای بر آنان از آنچه (از این راه) به دست می‌آورند! (۷۹) و گفتند: «هرگز آتش دوزخ،جز چند روزی،

ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَةٗۚ قُلۡ أَتَّخَذۡتُمۡ عِندَ ٱللَّهِ عَهۡدٗا فَلَن

به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته‌اید؟! ـ که خداوند هرگز از پیمانش

يُخۡلِفَ ٱللَّهُ عَهۡدَهُۥٓۖ أَمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٨٠﴾

تخلف نمی‌ورزد ـ یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید»؟! (۸۰)

بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةٗ وَأَحَٰطَتۡ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ

آری، کسانی که مرتکب گناه شوند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند،آنها

أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ

اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. (۸۱) و کسانی که ایمان آورده،

عَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ

و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند بود.

﴿٨٢﴾ وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ لَا تَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَ

(۸۲) و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛

بِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَانٗا وَذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَ

و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید؛

قُولُواْ لِلنَّاسِ حُسۡنٗا وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ

و به مردم سخن نیک بگویید؛ و نماز را برپا دارید؛ و زکات بپردازید.

ثُمَّ تَوَلَّيۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنكُمۡ وَأَنتُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٨٣﴾

سپس (با این‌که پیمان بسته بودید) همه شما ـ جز عدّهٔ کمی ـ سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی‌گردان شدید. (۸۳)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ

و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید؛ و یکدیگر را از سرزمین خود،

أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ

بیرون نکنید.سپس شما پذیرفتید؛ و (بر این پیمان) گواه بودید. (۸۴) و شما

أَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم

آنهایی هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید؛

مِّن دِيَٰرِهِمْ تَظَٰهَرُونَ عَلَيْهِم بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَإِن يَأْتُوكُمْ

و در این گناه و تجاوز، از یکدیگر پشتیبانی می‌کنید؛ (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید)

أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ

درحالی که اگربعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیه آنان را می‌دهید (و آزادشان می‌کنید)؛

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ ٱلْكِتَٰبِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا

با این‌که بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب خدا ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟!

جَزَآءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

کیفر کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد،جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود،

وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلْعَذَابِ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا

و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید

تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُا۟ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا بِٱلْءَاخِرَةِ

غافل نیست. (۸۵) آنها کسانی هستند که زندگی دنیا را با (از دست دادن) آخرت خریده‌اند؛

فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا

از این رو عذاب آنها کاسته نمی‌شود؛ و (به هیچ صورت) یاری نخواهند شد. (۸۶) ما به موسی کتاب

مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ بِٱلرُّسُلِ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ

(تورات) دادیم؛ و بعد از او، پیامبرانی پی در پی فرستادیم؛ و به عیسی بن

مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُولٌۢ بِمَا لَا

مریم دلایل روشن دادیم؛ و او را با روح‌القدس تأیید کردیم.آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی برخلاف هوای نفس شما آورد،

تَهْوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾

در برابر او تکبّر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عدّه‌ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟! (۸۷)

وَقَالُوا۟ قُلُوبُنَا غُلْفٌۢ بَل لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

و (آنها از روی استهزا) گفتند: «دلهای ما در غلاف است؛ خداوند آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته، و کمتر ایمان می‌آورند. (۸۸)

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَٰبٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا۟

و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که هماهنگ با نشانه‌هایی بود که با خود داشتند،

مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا

و پیش از این، به خود نوید (آمدن این کتاب و) پیروزی بر کافران را می‌دادند، با این همه، هنگامی که این (کتاب، و پیامبری) را

عَرَفُوا۟ كَفَرُوا۟ بِهِۦ ۚ فَلَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٨٩﴾ بِئْسَمَا

که شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ پس لعنت خدا برکافران بادا! (۸۹) آنها در

ٱشْتَرَوْا۟ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغْيًا أَن

مقابل بهای بدی، خود را فروختند؛ که به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند، و از روی حسادت گفتند:

يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۖ فَبَآءُو بِغَضَبٍ

چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می‌کند؟! از این رو به خشمی

عَلَىٰ غَضَبٍ ۚ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ

بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است. (۹۰) و هنگامی که به آنها گفته شود:

ءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُوا۟ نُؤْمِنُ بِمَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ

«به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می‌شوند؛

بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ۗ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ

در حالی که حق است؛ و با نشانه‌هایی که بر آنها نازل شده، هماهنگ می‌باشد. بگو:«اگر (راست می‌گویید، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده)

ٱللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ ۞ وَلَقَدْ جَآءَكُم

ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رساندید؟!» (۹۱) و (نیز)موسی آن همه دلایل روشن

مُّوسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ

برای شما آورد، و شما پس از (غیبت) او، گوساله را (برای پرستش) انتخاب کردید؛ در حالی که

ظَٰلِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ

ستمکار بودید. (۹۲) و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛

ٱلطُّورَ خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱسْمَعُوا۟ ۖ قَالُوا۟ سَمِعْنَا

و کوه طور را بر فرازتان برافراشتیم؛ (و گفتیم:) «آنچه را (از آیات و فرمان‌ها) به شما داده‌ایم با قدرت بگیرید، و بشنوید (و اطاعت کنید).» آنها گفتند:

وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا۟ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ۚ

«شنیدیم؛ ولی مخالفت کردیم.» و دلهای آنها، بر اثر کفرشان، با محبّت گوساله آمیخته شد.

قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾

بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می‌دهد، اگر ایمان دارید!» (۹۳)

قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّن
بگو: «اگر (آن چنان که مدّعي هستيد) سراي آخرت در نزد خدا، مخصوص شماست
دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَن
نه ساير مردم، پس آرزوي مرگ كنيد اگر راست مي‌گوييد.» (۹۴) ولي آنها،
يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾
بخاطر اعمال بدي كه پيش از خود فرستاده‌اند، هرگز آرزوي مرگ نخواهند كرد؛ و خداوند از ستمكاران آگاه است. (۹۵)
وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا ۚ يَوَدُّ
و (آنان نه تنها آرزوي مرگ نمي‌كنند، بلكه) آنها را حريص‌ترين مردم ـ حتي حريص‌تر از مشركان ـ بر زندگي (اين دنيا، و اندوختن ثروت) خواهي يافت؛
أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن
(تا آن‌جا) كه هر يک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود؛ در حالي كه اين عمر طولاني، او را از كيفر (الهي) باز نخواهد داشت.
يُعَمَّرَ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ
و خداوند به آنچه انجام مي‌دهند بيناست. (۹۶) (آنها مي‌گويند: «ما با جبرئيل، پيک وحي خدا بر تو، دشمن هستيم.) بگو: «كسي كه
فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى
دشمن جبرئيل باشد(دشمن خداست؛ چرا كه)او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل كرده است؛ در حالي كه با كتب آسماني پيشين هماهنگ بوده؛
وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَ
و هدايت و بشارت است براي مؤمنان.» (۹۷) كسي كه دشمن خدا و فرشتگانش و
رُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾
پيامبران او و جبرئيل و ميكائيل باشد (كافر است؛ و) خداوند دشمن كافران است. (۹۸)
وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا
به يقين ما نشانه‌هاي روشني براي تو فرستاديم؛ و جز فاسقان كسي به آنها
الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم ۚ
كفر نمي‌ورزد. (۹۹) و آياچنين نيست كه هر بار آنها [=يهود] پيماني (با خدا و پيامبر) بستند، گروهي از ايشان آن را شكستند؟!
بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ
آري، بيشتر آنان ايمان نمي‌آورند. (۱۰۰) و هنگامي كه فرستاده‌اي از سوي خدا به سراغشان آمد،
عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا
و با نشانه‌هايي كه نزد آنها بود هماهنگي داشت، گروهي از آنان كه به آنها كتاب آسماني
الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾
داده شده بود، كتاب خدا را پشت سر افكندند؛ گويي هيچ از آن آگاهي ندارند! (۱۰۱)

وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ
و (يهود) از آنچه شياطين در عصر سليمان بر مردم مي‌خواندند پيروي كردند. و
سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ
سليمان كافر نشد (و هرگز دست به سحر نيالود)؛ ولي‌شياطين كفر ورزيدند؛ و به مردم
ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَۚ وَمَا
سحر آموختند. و (نيز يهود) از آنچه بر دو فرشتهٔ بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پيروي كردند.
يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ
حال آنكه آن دو به هيچ كس چيزي (از سحر) ياد نمي‌دادند، مگر اين‌كه (از پيش به او) مي‌گفتند: «ما وسيلهٔ آزمايشيم، كافر نشو
مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ
(و سوء استفاده نكن.)» ولي آنها از آن دو فرشته، مطالبي را مي‌آموختند كه بتوانند بوسيلهٔ آن، ميان مرد و همسرش جدايي بيفكنند؛
بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا
در حالي كه هيچ‌گاه نمي‌توانند بدون اجازهٔ خداوند، به كسي زيان برسانند. آنها مطالبي را
يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ
فرا مي‌گرفتند كه به آنان زيان مي‌رسانيد و نفعي نمي‌داد. به يقين مي‌دانستند هر كسي خريدار اين گونه متاع باشد، در آخرت
خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ
بهره اي نخواهد داشت. و چه بد و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر مي‌دانستند!
﴿١٠٢﴾ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ خَيۡرٞۖ لَّوۡ
(۱۰۲) و اگر آنها ايمان مي‌آوردند و پرهيزكاري پيشه مي‌كردند، به يقين پاداشي كه نزد خداست، براي آنان بهتر بود،
كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿١٠٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقُولُواْ رَٰعِنَا
اگر آگاهي داشتند. (۱۰۳) اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! (هنگامي كه از پيامبر تقاضاي مهلت براي درک آيات قرآن مي‌كنيد) نگوييد: «راعنا»؛ بلكه بگوييد:
وَقُولُواْ ٱنظُرۡنَا وَٱسۡمَعُواْۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٞ
«انظرنا». (زيرا كلمهٔ اول، هم به معناي «ما را مهلت بده»، و هم به معناي «ما را تحميق كن» مي‌باشد؛ و دستاويزي براي دشمن است) و (به دستورات الهي)
﴿١٠٤﴾ مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا ٱلۡمُشۡرِكِينَ
گوش فرا دهيد! و براي كافران عذاب دردناكي است. (۱۰۴) كافران اهل كتاب، و (همچنين) مشركان،
أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۗ وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ
دوست ندارند كه از سوي پروردگارتان، خير و بركتي بر شما نازل گردد؛ در حالي كه خداوند،
بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾
هركس را بخواهد، ويژهٔ رحمت خود سازد؛ و خداوند، صاحب فضل و بخشش بزرگ است. (۱۰۵)

مَا نَنسَخْ مِنْ ءَايَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ أَوْ مِثْلِهَآ ۗ أَلَمْ

هر (حکم و) آیه‌ای را نسخ کنیم، و یا (نسخ) آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم.

تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ

آیا نمی دانستی که خداوند بر هرچیزی تواناست؟! (۱۰۶) آیا نمی‌دانستی که حکومت آسمانها و زمین، تنها از آن خداست؟!

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا

(و می‌تواند هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!) و جز خدا، سرپرست و یاوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می‌داند).

نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾ أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْـَٔلُوا۟ رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ

(۱۰۷) آیا می‌خواهید از پیامبر خود، همان تقاضا (ی نامعقولی) را بکنید که پیش از این، از

مُوسَىٰ مِن قَبْلُ ۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلْكُفْرَ بِٱلْإِيمَٰنِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ

موسی کردند؟! (و با این بهانه‌جویی‌ها، از ایمان آوردن سرباز زدند.) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، به یقین از راه مستقیم (عقل و فطرت)

ٱلسَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾ وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَوْ يَرُدُّونَكُم

گمراه شده است. (۱۰۸) بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می‌کردند

مِّنۢ بَعْدِ إِيمَٰنِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا

شما را بعد از ایمان آوردن، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما

تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْحَقُّ ۖ فَٱعْفُوا۟ وَٱصْفَحُوا۟ حَتَّىٰ يَأْتِىَ ٱللَّهُ بِأَمْرِهِۦٓ ۗ إِنَّ

آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛

ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ ۚ وَ

زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. (۱۰۹) و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید؛

مَا تُقَدِّمُوا۟ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا

و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾ وَقَالُوا۟ لَن يَدْخُلَ ٱلْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ

زیرا خداوند به اعمال شما بیناست. (۱۱۰) آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.»

هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ ۗ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ إِن

این (پندار و) آرزوی آنهاست. بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را

كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١١١﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ

(بر این موضوع) بیاورید.» (۱۱۱) آری، (بهشت در انحصار هیچ گروهی نیست) هر کس خود را تسلیم خدا کند

مُحْسِنٌ فَلَهُۥٓ أَجْرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٢﴾

و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش محفوظ است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند. (۱۱۲)

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ لَيْسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ
یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند:
لَيْسَتِ ٱلْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ ۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ
«یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)»؛ در حالی که هر دو دسته، کتاب خدا را می‌خوانند (و باید از این گونه تعصبها برکنار باشند).
لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ فَٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟
افراد نادان (دیگر، همچون مشرکان نیز)، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، دربارهٔ آنچه در آن
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذْكَرَ
اختلاف داشتند، میان آنها داوری می‌کند. (۱۱۳) کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد
فِيهَا ٱسْمُهُۥ وَسَعَىٰ فِى خَرَابِهَآ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَآ
او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! چنین کسانی نمی‌توانند، جز با ترس و وحشت،
إِلَّا خَآئِفِينَ ۚ لَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ
وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهرهٔ آنها در دنیا رسوایی است و در آخرت، عذاب
عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَلِلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا۟ فَثَمَّ وَجْهُ ٱللَّهِ ۚ
عظیم (الهی)! (۱۱۴) مشرق و مغرب، از آن خداست! پس به هر سو رو کنید، رو به خدا کرده‌اید.
إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَقَالُوا۟ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًا ۗ سُبْحَٰنَهُۥ ۖ
خداوند دارای قدرت وسیع و (به همه چیز) داناست. (۱۱۵) و (کافران) گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است».
بَل لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ﴿١١٦﴾ بَدِيعُ
- منزّه است او - بلکه آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و همه در برابر او خاضعند. (۱۱۶) پدید آورندهٔ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ
آسمانها و زمین اوست؛ و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید: «موجود باش!» و آن (چیز، بیدرنگ) موجود می‌شود.
﴿١١٧﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوْ تَأْتِينَآ ءَايَةٌ ۗ
(۱۱۷) افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟! و یا چرا نشانه‌ای برای (خود) ما نمی‌آید؟!»
كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ ۘ تَشَٰبَهَتْ
پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می‌گفتند؛ دلها و افکارشان مشابه یکدیگر است؛
قُلُوبُهُمْ ۗ قَدْ بَيَّنَّا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ
ولی ما (به اندازهٔ کافی) آیات و نشانه‌ها را برای اهل یقین (و حقیقت جویان) روشن ساخته‌ایم. (۱۱۸) ما تو را
بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۖ وَلَا تُسْـَٔلُ عَنْ أَصْحَٰبِ ٱلْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾
به حق، برای بشارت و بیم دادن (همهٔ مردم) فرستادیم؛ و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی. (۱۱۹)

وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ ٱلْيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَـٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنَّ هُدَى
هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، تا (به طور کامل تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافتهٔ) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت
ٱللَّهِ هُوَ ٱلْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم بَعْدَ ٱلَّذِى جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ ۙ
واقعی، هدایت خدا است.» واگر از هوا و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آن‌که آگاه شده‌ای، هیچ
مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَـٰهُمُ ٱلْكِتَـٰبَ
سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. (۱۲۰) کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده‌ایم [= یهود و نصاری]
يَتْلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُو۟لَـٰٓئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ
و آن را چنان که شایسته آن است می‌خوانند (و عمل می‌کنند)؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند،
ٱلْخَـٰسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَـٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّى
زیانکارند. (۱۲۱) ای بنی‌اسرائیل! نعمتم را، که به شما ارزانی داشتم، و شما را
فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَـٰلَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَٱتَّقُوا۟ يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْـًٔا
بر جهانیان برتری بخشیدم به یاد آورید. (۱۲۲) و از روزی بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد؛ و هیچ
وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَـٰعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾ ۞
گونه غرامتی از او قبول نمی‌شود؛ و شفاعتی، او را سود نمی‌دهد؛ و (به هیچ صورت) یاری نخواهند شد. (۱۲۳)
وَإِذِ ٱبْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَـٰتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ
و (یاد کنید) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با دستوراتی آزمود؛ و او به طور کامل از عهدهٔ آنها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم
قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِى ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿١٢٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا
قرار دادم.» ابراهیم گفت: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد (مگر آنها که شایسته‌اند)». (۱۲۴) و (به یاد
ٱلْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَٱتَّخِذُوا۟ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى ۖ وَعَهِدْنَآ
آورید) هنگامی که خانهٔ کعبه را محل بازگشت (و اجتماع) مردم و مرکز امن قرار دادیم. و (به مردم گفتیم:) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب
إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَـٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْعَـٰكِفِينَ
کنید. و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که: «خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان
وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَـٰذَا بَلَدًا
سجده گزار [= نماز گزاران] پاکیزه سازید.» (۱۲۵) و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده؛
ءَامِنًا وَٱرْزُقْ أَهْلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُم بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ ۖ قَالَ وَمَن
و اهل آن را ـ آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند ـ از ثمرات (گوناگون)، روزی ده.» فرمود: «(خواسته‌ات را پذیرفتم)
كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾
و به هرکس که کافر شود، بهرهٔ اندکی خواهم داد؛ سپس آنها را به عذاب دوزخ می‌کشانم؛ و چه بد فرجامی است!» (۱۲۶)

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَٰهِـۧمُ ٱلْقَوَاعِدَ مِنَ ٱلْبَيْتِ وَإِسْمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ ۖ
و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانهٔ کعبه را بالا می‌بردند؛ (و می‌گفتند:)
إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَٱجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن
«پروردگارا! از ما بپذیر، که تویی شنوا و دانا. (۱۲۷) پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرار ده؛
ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ
و از دودمان ما، امتی که تسلیم (فرمان) تو باشند، به وجود آور؛ و شیوهٔ عبادتمان را به ما نشان ده؛ و توبهٔ ما را بپذیر،
ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَٱبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ
که تویی توبه‌پذیر مهربان. (۱۲۸) پروردگارا! پیامبری در میان آنها از خودشان برانگیز، تا آیات تو را
ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنتَ
بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی
ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ
(و بر این کار، قادری).» (۱۲۹) جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم (که آیین پاکی و یگانه پرستی است)
نَفْسَهُۥ ۚ وَلَقَدِ ٱصْطَفَيْنَٰهُ فِى ٱلدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُۥ فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ لَمِنَ
روی‌گردان خواهد شد؟! ما او را در دنیا برگزیدیم؛ و او در آخرت، از
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسْلِمْ ۖ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ
صالحان است. (۱۳۰) (و یاد آورید) هنگامی را که پروردگارش به او فرمود: اسلام بیاور! گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.»
﴿١٣١﴾ وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبْرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَٰبَنِىَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰ
(۱۳۱) و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر،) فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند؛ (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند:) «فرزندان من! خداوند
لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ
این آیین (پاک) را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [و تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید.» (۱۳۲) آیا هنگامی که مرگ
إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ ٱلْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنۢ بَعْدِى
یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟»
قَالُوا۟ نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَ
گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خدای
إِسْحَٰقَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ
یگانه را؛ و ما در برابر او تسلیم هستیم.» (۱۳۳) آنها امتی بودند که درگذشتند؛
لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾
اعمال آنان، مربوط به خودشان بود؛ و اعمال شما نیز، مربوط به خود شماست؛ و شما مسؤول اعمال آنها نخواهید بود. (۱۳۴)

وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ تَهْتَدُواْۗ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَٰهِـۧمَ
(اهل کتاب) گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید.» بگو: «(این آیینهای تحریف شده و شرک آلود، هرگز نمی‌تواند موجب هدایت گردد،) بلکه از
حَنِيفًاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾ قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ
آیین ابراهیم، که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود، پیروی کنید.» (۱۳۵) بگویید: «ما به خدا ایمان آورده‌ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛
إِلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَٱلْأَسْبَاطِ
و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [=پیامبران از فرزندان یعقوب] نازل گردیده،
وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ
(و همچنین) آنچه به موسی و عیسی و سایر پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده است، و فرقی میان
بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾ فَإِنْ ءَامَنُواْ بِمِثْلِ مَآ ءَامَنتُم
آنها نمی‌گذاریم، و ما در برابر (فرمان) خدا تسلیم هستیم.» (۱۳۶) اگر آنها به مانند آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید ایمان بیاورند،
بِهِۦ فَقَدِ ٱهْتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍۖ فَسَيَكْفِيكَهُمُ
هدایت یافته‌اند؛ و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده‌اند و خداوند، شرّ آنها را از تو
ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾ صِبْغَةَ ٱللَّهِۖ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ
دفع می‌کند؛ و اوست شنوای دانا. (۱۳۷) رنگ خدایی (بپذیرید: رنگ ایمان و توحید و اسلام.) و چه رنگی از رنگ
ٱللَّهِ صِبْغَةًۖ وَنَحْنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ ﴿١٣٨﴾ قُلْ أَتُحَآجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ وَ
خدایی بهتر است؟! و (بگویید) ما تنها او را عبادت می‌کنیم. (۱۳۸) بگو: «آیا دربارهٔ خداوند با ما مجادله می‌کنید؟! در حالی که
هُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُۥ
او، پروردگار ما و شماست؛ و اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شماست؛ وما تنها بندگان
مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ
مخلص او هستیم.» (۱۳۹) یا می‌گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق
وَيَعْقُوبَ وَٱلْأَسْبَاطَ كَانُواْ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰۗ قُلْ ءَأَنتُمْ
و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند»؟! بگو: «شما بهتر می‌دانید یا خدا؟!
أَعْلَمُ أَمِ ٱللَّهُۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَٰدَةً عِندَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۗ
(چرا حقیقت را کتمان می‌کنید؟!)» و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می‌کند؟!
وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْۖ لَهَا مَا
و خدا از اعمال شما غافل نیست. (۱۴۰) (به هر حال) آنها امّتی بودند که درگذشتند.
كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْۖ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾
اعمال آنان مربوط به خودشان بود؛ و اعمال شما نیز، مربوط به خودتان است؛ و شما مسئول اعمال آنها نخواهید بود. (۱۴۱)

۞ سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ

به زودی مردم سبک مغز می‌گویند: «چه چیز آنها [= مسلمانان] را از قبله‌ای که بر آن بودند، بازگردانید؟!»

عَلَيْهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُۚ يَهْدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ

بگو: «مشرق و مغرب، از آن خداست؛ خدا هرکس را بخواهد، به راه راست

مُّسْتَقِيمٖ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَٰكُمْ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ

هدایت می‌کند.» (۱۴۲) همان گونه (که قبله شما، یک قبلهٔ میانه است) شما را نیز، امتی میانه (و معتدل) قرار دادیم تا

عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدٗاۗ وَمَا جَعَلْنَا ٱلْقِبْلَةَ

بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه باشد. و ما، آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی،

ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيْهَآ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِۚ

تنها برای این قبله قرار داده بودیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آنها که به جاهلیت باز می‌گردند، مشخص شوند.

وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ

و مسلّماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. و خدا هرگز ایمان (و نمازهای گذشته) شما را ضایع نمی‌گرداند؛

إِيمَٰنَكُمْۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ

زیرا خداوند، نسبت به مردم، رئوف و مهربان است. (۱۴۳) نگاههای انتظارآمیز تو را

وَجْهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةٗ تَرْضَىٰهَاۚ فَوَلِّ وَجْهَكَ

به سوی آسمان (برای تعیین قبلهٔ نهایی) می‌بینیم! اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می‌گردانیم؛

شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِۚ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥۗ

پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن. و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید.

وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْۗ

و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می‌دانند این فرمان حقی است از ناحیهٔ پروردگارشان؛ (که در کتابهای خود خوانده‌اند).

وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِنْ أَتَيْتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ

و خداوند از آنچه (برای مخفی داشتن این آیات) انجام می‌دهند، غافل نیست. (۱۴۴) سوگند که اگر برای (این گروه از) کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده

بِكُلِّ ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبْلَتَكَۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٖ قِبْلَتَهُمْۚ وَمَا بَعْضُهُم

شده، هر گونه (دلیل و) نشانه‌ای بیاوری، از قبلهٔ تو پیروی نخواهند کرد؛ و تو نیز،

بِتَابِعٖ قِبْلَةَ بَعْضٖۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم مِّنۢ بَعْدِ

هیچ گاه از قبلهٔ آنان، پیروی نخواهی نمود. و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبلهٔ دیگری نخواهد کرد.

مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٤٥﴾

و اگر تو، پس از این آگاهی، از هوسهای آنها پیروی کنی، به یقین از ستمکاران خواهی بود. (۱۴۵)

ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمْ ۖ وَإِنَّ

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او [=پیامبر] را همچون فرزندان خود می‌شناسند؛

فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ ٱلْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ ۖ

ولی جمعی از آنان،حق را در حالی که از آن آگاهند کتمان می‌کنند. (۱۴۶) این (فرمان تغییر قبله) حکم حقّی از طرف پروردگار توست؛

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا ۖ فَٱسْتَبِقُوا۟

بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش. (۱۴۷) هر امتی قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است؛ (و به جای گفتگو دربارهٔ قبله،) در نیکیها و

ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا۟ يَأْتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید. هر جا باشید، خداوند همهٔ شما را (در روز رستاخیز) حاضر می‌کند؛ زیرا او،

شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

بر هر چیزی تواناست. (۱۴۸) از هر سو خارج شدی، (به هنگام نماز،) روی خود را به جانب

ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ۖ وَإِنَّهُۥ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ ۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

«مسجد الحرام» کن. این دستور حقّی از جانب پروردگار توست؛ و خداوند، از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست.

﴿١٤٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ۚ وَحَيْثُ

(۱۴۹) و از هر سو خارج شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن. و هر جا

مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ

بودید، روی خود را به سوی آن کنید؛ تا مردم، دلیلی بر ضدّ شما نداشته باشند؛

حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَٱخْشَوْنِى وَلِأُتِمَّ

مگر آنها که ستمکار (و لجوج) هستند. از آنها نترسید؛ و از من بترسید! و (بدانید این تغییر قبله،

نِعْمَتِى عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ

بخاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید. (۱۵۰) همان گونه که (برای هدایت شما)

رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا۟ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ

پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاکیزه سازد؛ و به شما،

ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا۟ تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾

کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد. (۱۵۱)

فَٱذْكُرُونِىٓ أَذْكُرْكُمْ وَٱشْكُرُوا۟ لِى وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا

پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکر مرا به جای آورید و (نعمتهای مرا) کفران نکنید.(۱۵۲) ای

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾

کسانی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، یاری بگیرید؛ زیرا خداوند با صابران است. (۱۵۳)

وَلَا تَقُولُوا۟ لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتٌۢ ۚ بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن لَّا
و به آنها که در راه خدا کشته (و شهید) می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند،
تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ وَنَقْصٍ
ولی شما نمی‌فهمید. (۱۵۴) به یقین همه شما را با اموری همچون ترس، گرسنگی و کاهش
مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ ۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾ ٱلَّذِينَ
در مالها و جانها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به صابران. (۱۵۵) (همان) کسانی که
إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ
هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خداییم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم.» (۱۵۶) آنها کسانی
عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ
هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنانند هدایت‌یافتگان.
﴿١٥٧﴾ ۞ إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ ٱلْبَيْتَ أَوِ
(۱۵۷) «صفا» و «مروه» از شعائر الهی است؛ بنابراین، هرکس که حجّ خانهٔ خدا
ٱعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا
و یا عمره انجام دهد، باکی بر او نیست که برآن دو طواف کند؛ (و سعی صفا و مروه به جای آورد.) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند،
فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلْنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَٰتِ
خداوند (نسبت به عمل او) قدردان، و (از آن) آگاه است. (۱۵۸) کسانی که دلایل روشن، و هدایتی را که نازل کرده‌ایم،
وَٱلْهُدَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِى ٱلْكِتَٰبِ ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ
پس از آن‌که آن را در کتاب (آسمانی آنها) برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند؛
ٱللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ وَأَصْلَحُوا۟ وَبَيَّنُوا۟
و همه لعن‌کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند؛ (۱۵۹) مگر کسانی که توبه کردند، و (اعمال بد خود را) جبران نمودند،
فَأُو۟لَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
و (آنچه را کتمان کرده بودند،) بیان کردند؛ من توبهٔ آنها را می‌پذیرم؛ که من توبه‌پذیر و مهربانم. (۱۶۰) کسانی که
كَفَرُوا۟ وَمَاتُوا۟ وَهُمْ كُفَّارٌ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ ٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ
کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همهٔ مردم بر آنها
أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ
خواهد بود. (۱۶۱) و همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می‌مانند؛ نه از عذابشان کاسته می‌شود،و نه مهلتی به آنان داده
يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾ وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ ۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾
می‌شود. (۱۶۲) و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است، که غیر از او معبودی نیست!. اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت عام و خاصّ). (۱۶۳)

إِنَّ فِي خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ

در آفرينش آسمانها و زمين، و آمد و شد شب و روز،

وَٱلْفُلْكِ ٱلَّتِي تَجْرِي فِي ٱلْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ

و كشتيهايي كه در دريا به نفع مردم در حركتند، و آبي كه خداوند

ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٍ فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ

از آسمان نازل كرده، و با آن، زمين را پس از مردنش حيات بخشيده، و انواع

دَآبَّةٍ وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلْمُسَخَّرِ بَيْنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ

جنبندگان را در آن گسترده ساخته، و (همچنين) در وزش بادها و ابرهايي كه ميان زمين و آسمان قرار گرفته‌اند، نشانه‌هايي است (از ذات پاک خدا و

لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ

يگانگي او) براي گروهي كه عقل خود را به كار مي‌گيرند. (۱۶۴) بعضي از مردم، غير از خداوند همتاياني (براي پرستش) انتخاب مي‌كنند؛

أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ ٱللَّهِ ۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى

و آنها را همچون خدا دوست دارند. امّا كساني كه ايمان آورده‌اند، محبتشان به خدا، شديدتر است.

ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ إِذْ يَرَوْنَ ٱلْعَذَابَ أَنَّ ٱلْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ

و كساني كه ستم كردند، (و معبودي غير خدا برگزيدند،) هرگاه عذاب الهي را مشاهده كنند، خواهند دانست كه تمام قدرت، از آن خداست؛ و خداوند،

ٱلْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُوا۟ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوا۟ وَرَأَوُا۟

سخت كيفر است؛ (۱۶۵) در آن هنگام، پيشوايان (گمراه‌كننده) از پيروان خود، بيزاري مي‌جويند؛

ٱلْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ ٱلْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوا۟

و عذاب الهي را مشاهده مي‌كنند؛ و دستشان از همه جا كوتاه مي‌شود. (۱۶۶) (در اين هنگام) پيروان مي‌گويند:

لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا۟ مِنَّا ۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ

«كاش بار ديگر به دنيا برمي‌گشتيم، تا از آنها [= پيشوايان گمراه] بيزاري جوييم، آن چنان كه آنان (امروز) ازمابيزاري جستند!»

ٱللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ حَسَرَٰتٍ عَلَيْهِمْ ۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ ﴿١٦٧﴾

(آري،) خداوند اين چنين‌اعمال آنها را به صورتي حسرت‌آور به آنان نشان مي‌دهد؛ و از آتش دوزخ، هرگز خارج نخواهند شد. (۱۶۷)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُوا۟ مِمَّا فِي ٱلْأَرْضِ حَلَٰلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا۟

اي مردم! از نعمتهاي حلال و پاكيزه‌اي كه در زمين است بخوريد؛ و از

خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم

گامهاي شيطان، پيروي نكنيد؛ زيرا او، دشمن آشكار شماست. (۱۶۸) او شما را فقط به بدي و كار

بِٱلسُّوٓءِ وَٱلْفَحْشَآءِ وَأَن تَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

زشت فرمان مي‌دهد؛ (و نيز دستور مي‌دهد) آنچه را كه نمي‌دانيد، به خدا نسبت دهيد. (۱۶۹)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَآ أَلۡفَيۡنَا عَلَيۡهِ

و هنگامي كه به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل كرده است، پيروي كنيد.» مي‌گويند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن يافتيم، پيروي مي‌نماييم.» آيا

ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَهۡتَدُونَ

اگر پدران آنها، چيزي نمي‌فهميدند و هدايت نمي‌يافتند (باز هم بايد از آنها پيروي كنند)؟!

﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ كَمَثَلِ ٱلَّذِي يَنۡعِقُ بِمَا لَا يَسۡمَعُ إِلَّا

(١٧٠) مَثَل (تو در دعوت) كساني كه كافر شدند، بسان كسي است كه حيوانات را (براي نجات از خطر،) صدا مي‌زند؛ ولي آنها چيزي جز

دُعَآءٗ وَنِدَآءٗۚ صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ

سر و صدا نمي‌شنوند؛ (كافران) كر و لال و كورند؛ از اين رو چيزي نمي‌فهمند. (١٧١) اي كساني كه

ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمۡ

ايمان آورده‌ايد! از روزي‌هاي پاكيزه‌اي كه به شما داده‌ايم، بخوريد و شكر خدا را به جا آوريد؛

إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَ

اگر او را پرستش مي‌كنيد. (١٧٢) خداوند، تنها (خوردن گوشت) مردار، خون،

لَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيۡرِ ٱللَّهِۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا

گوشت خوك و حيواني كه نام غير خدا (به هنگام ذبح) بر آن گفته‌شود، حرام كرده است. ولي آن كس كه ناچار شود، درصورتي كه ستمكار و متجاوز نباشد،

عَادٖ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ

گناهي بر او نيست؛ زيرا خداوند آمرزندهٔ مهربان است. (١٧٣) كساني كه آيات كتاب آسماني را كه خدا

مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَشۡتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَـٰٓئِكَ

نازل كرده كتمان مي‌كنند؛ و آن را به بهاي كمي مي‌فروشند، آنها در درونشان

مَا يَأۡكُلُونَ فِي بُطُونِهِمۡ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوۡمَ

جز آتش چيزي نمي‌خورند؛ (و اموالي كه از اين رهگذر به دست مي‌آورند، درحقيقت آتش سوزاني است.) و خداوند، روز قيامت، با آنها سخن نمي‌گويد؛ و

ٱلۡقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُوْلَـٰٓئِكَ

آنان را پاكيزه نمي‌سازد؛ و براي آنها عذاب دردناكي است. (١٧٤) آنها كساني هستند كه

ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡعَذَابَ بِٱلۡمَغۡفِرَةِۚ

گمراهي را با (از دست دادن) هدايت، و عذاب را با آمرزش، خريده‌اند؛ راستي چه

فَمَآ أَصۡبَرَهُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَ

قدر در برابر آتش دوزخ، شكيبا هستند؟! (١٧٥) اينها، بخاطر آن است كه خداوند،كتاب آسماني را به حق، (و توأم

بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿١٧٦﴾

با نشانه‌ها و دلايل روشن،) نازل كرده؛ و آنها كه در آن اختلاف مي‌كنند، (و با كتمان و تحريف، اختلاف به وجود مي‌آورند،) از حق، بسيار دور شده‌اند. (١٧٦)

۞ لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ

نیکی، این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد؛)

ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ

بلکه نیکوکار کسی است که به خدا وروز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران، ایمان آورده؛

وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ

و مال خود را، با همهٔ علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان

وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى

و واماندگان در سفر و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ و نماز را برپا می‌دارد و

ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ

زکات را می‌پردازد؛ و(همچنین) کسانی که به عهد خود ـ به هنگامی که عهد بستند ـ وفا می‌کنند؛ و در برابر سختی‌ها

وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ

و زیان‌ها و هنگام جنگ، استقامت می‌ورزند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ (و گفتار و کردارشان با اعتقادشان هماهنگ است؛) و اینها پرهیزگارانند

(١٧٧) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِصَاصُ فِي ٱلۡقَتۡلَىۖ ٱلۡحُرُّ بِٱلۡحُرِّ

(۱۷۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما مقرر شده است: آزاد در برابر آزاد،

وَٱلۡعَبۡدُ بِٱلۡعَبۡدِ وَٱلۡأُنثَىٰ بِٱلۡأُنثَىٰۚ فَمَنۡ عُفِيَ لَهُۥ مِنۡ أَخِيهِ شَيۡءٞ فَٱتِّبَاعُۢ

و برده در برابر برده، و زن در برابر زن. پس اگر کسی ازسوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص تبدیل به خونبها گردد، ولیّ

بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيۡهِ بِإِحۡسَٰنٖۗ ذَٰلِكَ تَخۡفِيفٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَرَحۡمَةٞۗ

مقتول) باید از راه پسندیده پیروی کند؛ (و شرایط پرداخت کننده را در نظر بگیرد) و او نیز به نیکی دیه را (به ولیّ مقتول) بپردازد (و مسامحه نکند)؛

فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ (١٧٨) وَلَكُمۡ فِي

این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما. و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. (۱۷۸) و قصاص،

ٱلۡقِصَاصِ حَيَوٰةٞ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ (١٧٩)

برای شما مایهٔ حیات (و امنیت) است، ای صاحبان خرد! شاید پرهیزکاری پیشه کنید. (۱۷۹)

كُتِبَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ إِن تَرَكَ خَيۡرًا ٱلۡوَصِيَّةُ

بر شما مقرر شده: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد، اگر چیز ارزشمندی [= مالی] از خود به جای گذارده،

لِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ (١٨٠) فَمَنۢ

برای پدر و مادر و خویشاوندان، بطور شایسته وصیّت کند. این وظیفه‌ای است بر پرهیزگاران» (۱۸۰) و هرکس

بَدَّلَهُۥ بَعۡدَمَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثۡمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ (١٨١)

بعد از شنیدنش آن را تغییر دهد، گناه آن، بر همان کسانی است که آن (وصیّت) را تغییر می‌دهند؛ که خداوند، شنوا و داناست. (۱۸۱)

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَآ إِثْمَ
وكسى كه از انحراف وصيّت كننده (و تمايل يک جانبهٔ او به بعض ورثه)، يا از گناه او بترسد، و ميان آنها را اصلاح دهد، (مشمول حكم تبديل وصيت نمى‌باشد
عَلَيْهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُتِبَ
و) گناهى بر او نيست؛ زيرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (١٨٢) اى افرادى كه ايمان آورده‌ايد! روزه بر شما
عَلَيْكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
مقرر شده، همان گونه كه بر كسانى كه قبل از شما بودند مقرر شد؛ تا
تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ ۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ
پرهيزگار شويد. (١٨٣) روزهاى محدودى را (بايد روزه بداريد.) و هر كس از شما بيمار
عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۚ وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدْيَةٌ
يا مسافر باشد، بايد تعدادى از روزهاى ديگر را (روزه بدارد.) و بر كسانى كه روزه براى آنها طاقت فرساست، (همچون بيماران، و پيران) لازم است
طَعَامُ مِسْكِينٍ ۖ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ ۚ وَأَن تَصُومُوا۟ خَيْرٌ
با اطعام مستمندى، كفاره دهند. و هركس فرمان خدا را در انجام كارهاى نيک اطاعت كند، به نفع اوست. و روزه داشتن
لَّكُمْ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٤﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ فِيهِ
به نفع شماست اگر مى‌دانستيد. (١٨٤) (روزه، واجب در) ماه رمضان است؛ ماهى كه
ٱلْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ وَٱلْفُرْقَانِ ۚ
قرآن، به عنوان راهنماى مردم، و نشانه‌هاى هدايت و جدا كنندهٔ حق از باطل، در آن نازل شده است.
فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ
پس آن كس از شما كه در ماه رمضان در سفر نباشد، بايد آن را روزه بدارد. و آن كس
سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا
كه بيمار يا در سفر است، بايد روزهاى ديگرى را به همان مقدار، روزه بگيرد. خداوند، آسايش شما را مى‌خواهد،
يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا۟ ٱلْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا۟ ٱللَّهَ
نه زحمت شما را. هدف اين است كه اين روزها را تكميل كنيد؛ و خدا را به خاطر اين كه شما را
عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ
هدايت كرده، بزرگ بشماريد؛ باشد كه شكرگزارى كنيد. (١٨٥) و هنگامى كه بندگان من،
عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ
از تو درباره من سؤال كنند، (بگو:) من نزديكم؛ دعاى دعاكننده را، به هنگامى كه مرا مى‌خواند،
فَلْيَسْتَجِيبُوا۟ لِى وَلْيُؤْمِنُوا۟ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾
پاسخ مى‌گويم. پس بايد دعوت مرا بپذيرند، و به من ايمان بياورند، تا راه يابند (و به مقصد برسند). (١٨٦)

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمْ ۚ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند،

وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ

و شما لباس آنها؛ (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید).خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید؛

فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ ۖ فَٱلْـَٔـٰنَ بَـٰشِرُوهُنَّ وَٱبْتَغُوا۟ مَا كَتَبَ

(و این کار ممنوع را انجام می‌دادید؛) پس توبهٔ شما را پذیرفت و شما را بخشید.اکنون با آنها آمیزش کنید، و از آنچه خداوند

ٱللَّهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ مِنَ

به شما اجازه داده بهره‌مند شوید. و بخورید و بیاشامید،تا رشته سپید صبح، از

ٱلْخَيْطِ ٱلْأَسْوَدِ مِنَ ٱلْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا۟ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيْلِ ۚ وَلَا

رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد؛ سپس روزه را تا شب، کامل کنید و نیز،

تُبَـٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَـٰكِفُونَ فِى ٱلْمَسَـٰجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا

در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید. اینها، مرزهای الهی است؛

تَقْرَبُوهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَـٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

پس به آنها نزدیک نشوید! خداوند، این چنین‌آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، تا پرهیزگار شوند.

﴿١٨٧﴾ وَلَا تَأْكُلُوٓا۟ أَمْوَٰلَكُم بَيْنَكُم بِٱلْبَـٰطِلِ وَتُدْلُوا۟ بِهَآ إِلَى ٱلْحُكَّامِ

(۱۸۷) و اموال یکدیگر را بباطل (و ناحق) در میان خود نخورید. وبرای خوردن بخشی

لِتَأْكُلُوا۟ فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٨﴾

از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است). (۱۸۸)

۞ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ ۖ قُلْ هِىَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلْحَجِّ ۗ

دربارهٔ «هلالهای ماه» از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است».

وَلَيْسَ ٱلْبِرُّ بِأَن تَأْتُوا۟ ٱلْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَـٰكِنَّ ٱلْبِرَّ

و کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید (آنچنان که در جاهلیت در حال احرام مرسوم بود)؛ بلکه

مَنِ ٱتَّقَىٰ ۗ وَأْتُوا۟ ٱلْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَٰبِهَا ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ

نیکی این است که پرهیزگار باشید. و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید،

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَـٰتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ

تا رستگار گردید. (۱۸۹) و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند،

يُقَـٰتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

نبرد کنید؛ و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا متجاوزان را دوست ندارد. (۱۹۰)

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ ۚ وَالْفِتْنَةُ

و آنها[= مشركان فتنه‌گر] را هر كجا يافتيد، به قتل برسانيد؛ واز آن‌جا كه شما را بيرون ساختند، آنها را بيرون كنيد و فتنه از كشتار نيز بدتر است

أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۖ

و با آنها، در نزد مسجدالحرام [= در تمام حرم] جنگ نكنيد؛ مگر اين‌كه در آن جا با شما بجنگند.

فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ ۗ كَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ

پس اگر (در آن جا) با شما پيكار كردند، آنها را به قتل برسانيد. چنين است جزاى كافران! (۱۹۱) و اگر (از جنگ و فتنه) خودداري كردند، خداوند

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ۖ فَإِنِ

آمرزنده و مهربان است. (۱۹۲) و با آنها پيكار كنيد؛ تا فتنه (و بت پرستي، و سلب آزادي از مردم،) باقي نماند؛ و دين، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش

انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ

نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشويد؛ زيرا) تعدّي جز بر ستمكاران روا نيست. (۱۹۳) ماه حرام، در برابر ماه حرام. (اگر آنها، احترام آن را

وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ

شكستند، شما نيز مي‌توانيد مقابله به مثل كنيد.) و تمام حرمت‌ها (ى شكسته شده، قابل) قصاص است. و (بطور كلّي) هركس به شما حمله كرد، همانند حملهٔ

عَلَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنفِقُوا فِي

وى بر او حمله كنيد و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد (و زياده‌روي ننماييد)؛ و بدانيدخدا با پرهيزگاران است (۱۹۴) و در راه خدا انفاق كنيد؛

سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۛ وَأَحْسِنُوا ۛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

و (با ترك انفاق،) خود را به دست خود، به هلاكت نيفكنيد؛ و نيكي كنيد كه خداوند، نيكوكاران را

الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ

دوست مي‌دارد. (۱۹۵) و حجّ و عمره را براى خدا به اتمام برسانيد. و اگر محصور شديد (و از اتمام آن به جهت بيماري يا ممانعت دشمن بازمانديد)، آنچه از

الْهَدْيِ ۖ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا

قرباني فراهم شود (ذبح كنيد، و از احرام خارج شويد)!. و سرهاى خود را نتراشيد، تا قرباني به محلّش برسد (و در قربانگاه ذبح شود). و اگر كسي از شما

أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنتُمْ

بيمار بود، و يا ناراحتي در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را پيش از آن بتراشد،) بايد با روزه يا صدقه يا گوسفند كفاره دهد. و هنگامي كه (از بيماري و

فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي

دشمن) در امان بوديد، هر كس با اتمام عمره، حجّ را آغاز كند، آنچه از قرباني براى او ميسّر است (ذبح كند). و هر كه نيافت، سه روز در ايام

الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ

حجّ، و هفت روز هنگامي كه باز مي‌گرديد، روزه بدارد. اين، ده روز كامل است. (البتّه) اين براى كسي است كه خانواده او،

حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

نزد مسجد الحرام ساكن نباشد [= اهل مكّه و اطراف آن نباشد]. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد؛ و بدانيد كه خداوند، سخت‌كيفر است. (۱۹۶)

ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا

حجّ، در ماههای معینی است. و کسانی که (با بستن احرام،) در این ماهها حجّ را بر خود فرض کرده‌اند،

فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ

(باید بدانند که) در حجّ، آمیزش جنسی، و گناه و جدال، روا نیست و هر کار نیکی انجام دهید،

ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي

خدا آن را می‌داند. و زاد و توشه تهیه کنید، و بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است. و از (مخالفت) من بپرهیزید

ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٧ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا

ای خردمندان! (۱۹۷) گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایّام حجّ) بهره گیرید

مِّن رَّبِّكُمۡۚ فَإِذَآ أَفَضۡتُم مِّنۡ عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ

(که از منافع حجّ، پی‌ریزی، اقتصاد صحیح اسلامی است). و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید،

ٱللَّهَ عِندَ ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِۖ وَٱذۡكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمۡ

خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید. او را یاد کنید همانگونه که شما را هدایت نمود؛

وَإِن كُنتُم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ ١٩٨ ثُمَّ أَفِيضُواْ

و قطعاً پیش از این، از گمراهان بودید. (۱۹۸) سپس از همان جا که مردم کوچ می‌کنند،

مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ

(به سوی سرزمین منی) کوچ کنید؛ و از خداوند، طلب آمرزش کنید، زیرا خدا آمرزندهٔ

رَّحِيمٞ ١٩٩ فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ

مهربان است. (۱۹۹) و هنگامی که مناسک (حجّ) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید،

كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن

همانند یادآوری شما از پدرانتان (آن گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر. (در این مراسم، مردم دو گروهند:) بعضی از مردم

يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ

می‌گویند: «خداوندا! به ما در دنیا، (نیکی) عطا کن.» در حالی که در آخرت بهره‌ای ندارند.

خَلَٰقٖ ٢٠٠ وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا

(۲۰۰) و بعضی می‌گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا «نیکی» عطا کن؛

حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١

و در آخرت نیز «نیکی» مرحمت فرما؛ و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار.» (۲۰۱)

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّمَّا كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٢٠٢

این گروه به سبب آنچه انجام داده‌اند، نصیب و بهره‌ای (از فضل خدا) دارند؛ و خداوند، سریع‌الحساب است.(۲۰۲)

الحزب ٤

۞ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ ۚ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي

و خدا را در روزهای معیّنی یاد کنید: (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی‌حجّه). و هر کس شتاب کند، و (ذکر خدا را)

يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ لِمَنِ اتَّقَىٰ ۗ

در دو روز انجام دهد، باکی بر او نمی‌باشد؛ و هر که تاخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) باکی بر او نیست؛ برای کسی که تقوا پیشه کند.

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۲۰۳﴾ وَمِنَ النَّاسِ

و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد! (۲۰۳) بعضی از مردم،

مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ

گفتارشان در زندگی دنیا مایهٔ اعجاب تو می‌شود؛ (در ظاهر، اظهار محبّت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. در حالی

وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿۲۰۴﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ

که آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. (۲۰۴) (نشانهٔ آنها، این است که) هنگامی‌که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)،

فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ﴿۲۰۵﴾

در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعتها و چهارپایان و انسان‌ها را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. (۲۰۵)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ۚ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ ۚ

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از خدا بترسید!» لجاجت و تعصب، آنها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛

وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۲۰۶﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

و چه بد جایگاهی است! (۲۰۶) بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی ؑ در «لیلة المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ﷺ) جان خود را بخاطر

مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿۲۰۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

خشنودی خدا می‌فروشند؛ و خداوند نسبت به همهٔ بندگان مهربان است. (۲۰۷) ای کسانی که ایمان

آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

آورده‌اید! همگی (در پرتو ایمان) در صلح و آشتی درآیید! و از گامهای

الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۲۰۸﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ

شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست. (۲۰۸) و اگر بعد از (این همه) نشانه‌های روشن،

بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

که برای شما آمده است، لغزش کردید (و گمراه شدید)، بدانید (گریزی از مجازات الهی نخواهید داشت،) زیرا خداوند، توانا و حکیم است.

﴿۲۰۹﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ

(۲۰۹) آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه‌ها) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند

وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۲۱۰﴾

(و دلایل تازه‌ای در اختیارشان بگذارند؟!) درحالی که آنچه لازم بوده انجام شده، و همهٔ امور به سوی خدا باز می‌گردد. (۲۱۰)

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ ۗ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ

ازبني‌اسرائيل بپرس: «چه اندازه نشانه‌هاي روشن (و نعمت‌هاي فراوان) به آنها داديم؟» و كسي كه نعمت خدا را، پس از آن‌كه به سراغش آمد، تبديل كند

اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

(و در مسير خلاف به كار گيرد، گرفتار عذاب خواهد شد) كه خداوند سخت كيفر است. (٢١١) زندگي دنيا براي كافران زينت داده شده است؛

الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا ۘ وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ

(از اين رو) افراد باايمان (و تهي‌دست) را مسخره مي‌كنند؛در حالي كه پرهيزگاران در

يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً

روز رستاخيز، بالاتر از آنان هستند؛ و خداوند، هر كس را بخواهد بدون حساب روزي مي‌دهد. (٢١٢) مردم (در آغاز) امت

وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ

واحدي بودند؛ (بتدريج جوامع و طبقات پديد آمد و اختلافاتي پيدا شد؛ در اين حال) خداوند، پيامبران را برانگيخت؛

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَمَا اخْتَلَفَ

تا مردم را بشارت و بيم دهند و كتاب آسماني را، كه به سوي حق دعوت مي‌كرد، با آنها نازل نمود؛ تا در ميان مردم، دربارهٔ آنچه اختلاف داشتند، داوري كند.

فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۖ

تنها(گروهي‌از)كساني كه كتاب را دريافت داشته بودند، پس از آنكه نشانه‌هاي روشن به آنها رسيده بود،

فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ

به سبب انحراف از حق و ستمگري، در آن اختلاف كردند. ولي خداوند، كساني را كه ايمان آورده بودند، بر حقيقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش،

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا

هدايت نمود؛ و خدا، هر كس را بخواهد، به راه راست هدايت مي‌كند. (٢١٣) آيا گمان كرديد داخل

الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۖ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ

بهشت مي‌شويد، بي آن‌كه حوادثي همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان كه سختي‌ها

وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ

و زيان‌ها به آنها رسيد،و آنچنان بي قرار شدند كه پيامبر و افرادي كه با او ايمان آورده بودند گفتند: «پس ياري خدا كي خواهد آمد؟!»

نَصْرُ اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۖ

(به آنها گفته شد:) آگاه باشيد، ياري خدا نزديک است! (٢١٤) از تو سؤال مي‌كنند چه چيز انفاق كنند؟

قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

بگو: «هر خير و نيكي (و سرمايهٔ سودمند مادّي و معنوي) كه انفاق مي‌كنيد، بايد براي پدر و مادر و خويشاوندان و يتيمان و مستمندان

وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

و درماندگان در سفر باشد.» و هركار خيری كه انجام دهيد، خداوند از آن آگاه‌است. (و پاداش شما محفوظ خواهد بود). (٢١٥)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟

جهاد در راه خدا، بر شما مقرّر شده؛ در حالي كه برايتان ناخوشايند است. چه بسا چيزي را خوش نداشته باشيد،

شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ

حال آن‌كه خير شما در آن است؛و يا چيزي را دوست داشته باشيد، حال آن‌كه شرّ شما در آن است.

يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ

و خدا مي‌داند، و شما نمي‌دانيد. (۲۱۶) از تو، دربارهٔ جنگ كردن در ماه حرام، سؤال مي‌كنند؛

فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفْرٌۢ بِهِۦ

بگو: «جنگ در آن، (گناهي) بزرگ است؛ ولي جلوگيري از راه خدا (و گرايش مردم به آيين حق)و كفر ورزيدن نسبت به او و

وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِۦ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَٱلْفِتْنَةُ

(هتك احترام) مسجدالحرام، و اخراج ساكنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ايجاد فتنه، (و محيط نامساعد،

أَكْبَرُ مِنَ ٱلْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَـٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ

كه مردم را به كفر،تشويق و از ايمان بازمي‌دارد) حتّي از قتل مهم‌تر است. و مشركان، پيوسته با شما مي‌جنگند،

إِنِ ٱسْتَطَـٰعُوا۟ ۚ وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتْ وَهُوَ

تا اگر بتوانند شما را از آيينتان برگردانند؛ ولي هركس از شما كه از آيينش برگردد،

كَافِرٌ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ ۖ وَ

و در حال كفر بميرد، تمام اعمال (نيك گذشتهٔ) او، در دنيا و آخرت، بر باد مي‌رود؛

أُو۟لَـٰٓئِكَ أَصْحَـٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَـٰلِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ

و چنين كساني اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. (۲۱۷) كساني‌كه ايمان آورده

ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُوا۟ وَجَـٰهَدُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أُو۟لَـٰٓئِكَ يَرْجُونَ

و كساني كه هجرت كرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها اميد به

رَحْمَتَ ٱللَّهِ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ ۞ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ

رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۱۸) دربارهٔ شراب و قمار از تو سوال مي‌كنند،

ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَـٰفِعُ لِلنَّاسِ وَ

بگو: «در آن دو گناه و زيان بزرگي است؛ و منافعي (از نظر مادي) براي مردم در بردارد؛

إِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ ٱلْعَفْوَ ۗ

ولي گناه آنها از نفعشان بيشتر است.» و از تو مي‌پرسند: «چه چيز انفاق كنند؟» بگو: «از مازاد نيازمندي خود.»

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْـَٔايَـٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾

اينچنين خداوند آيات را براي شما روشن مي‌سازد؛ شايد بينديشيد.(۲۱۹)

فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ خَيۡرٞۖ

(بینديشيد) دربارهٔ دنيا و آخرت. و از تو دربارهٔ يتيمان سؤال مى‌كنند، بگو: «اصلاح كار آنان بهتر است. و اگر زندگى خود را با زندگى آنان بياميزيد،

وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ ٱلۡمُفۡسِدَ مِنَ ٱلۡمُصۡلِحِۚ

(مانعى ندارد؛)آنها برادر (دينى) شما هستند.» (و همچون يک برادر با آنها رفتار كنيد.) خداوند، مفسدان را از مصلحان، باز مى‌شناسد. و اگر خدا مى‌خواست،

وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعۡنَتَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنكِحُواْ

شما را (با دستورات سختگيرانه دربارهٔ يتيمان) به زحمت مى‌افكند (ولى چنين نكرد) زيرا خداوند توانا و حكيم است. (۲۲۰) و با زنان مشرک و بت پرست، تا

ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ

ايمان نياورده‌اند، ازدواج نكنيد؛ (اگر چه مجبور شويد با كنيزان ازدواج كنيد؛ زيرا) كنيز با ايمان، از زن (آزاد) بت‌پرست، بهتر است؛ هرچند (زيبايى يا ثروت

أَعۡجَبَتۡكُمۡۗ وَلَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤۡمِنُواْۚ وَلَعَبۡدٞ مُّؤۡمِنٌ خَيۡرٞ

او) توجه شما را به خود جلب كند. و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ايمان نياورده‌اند، در نياوريد؛ (زيرا) غلام باايمان، از مرد (آزاد) بت پرست،

مِّن مُّشۡرِكٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكُمۡۗ أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ

بهتر است؛ هر چند (ثروت يا موقعيّت او،) توجه شما را به خود جلب كند. آنها دعوت به سوى آتش مى‌كنند؛ و خدا به فرمان خود،

إِلَى ٱلۡجَنَّةِ وَٱلۡمَغۡفِرَةِ بِإِذۡنِهِۦۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ

دعوت به بهشت و آمرزش مى‌نمايد، و آيات خويش را براى مردم روشن مى‌سازد؛ شايد

يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ

متذكّر شوند! (۲۲۱) و از تو، درباره حيض (و عادت ماهانه) سؤال مى‌كنند، بگو: «مايهٔ ناراحتى و آلودگى است؛

ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ فَإِذَا تَطَهَّرۡنَ

از اين رو در حال حيض، از زنان كناره‌گيرى كنيد. و با آنها نزديكى ننماييد، تا پاک شوند. و هنگامى كه پاک شدند!

فَأۡتُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَكُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ

آنگونه كه خدا به شما فرمان داده، با آنها آميزش كنيد! چراكه خداوند، هم توبه‌كنندگان را دوست دارد،

ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾ نِسَآؤُكُمۡ حَرۡثٞ لَّكُمۡ فَأۡتُواْ حَرۡثَكُمۡ أَنَّىٰ شِئۡتُمۡۖ

و هم پاكان را.» (۲۲۲) زنان شما، محل بذرافشانى شما هستند؛ پس هر زمان كه بخواهيد، مى‌توانيد با آنها آميزش كنيد. و (با پرورش فرزندان صالح، اثر نيكى)

وَقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ

براى خود، از پيش بفرستيد. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد و بدانيد او را ملاقات خواهيد كرد. و به

ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن

مومنان، بشارت ده. (۲۲۳) خدا را در معرض سوگندهاى خود قرار ندهيد؛ و براى اين‌كه نيكى كنيد،

تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٢٤﴾

و تقوا پيشه سازيد، و در ميان مردم اصلاح كنيد (با سوگند خود به خداوند، مانع تراشى نكنيد و بدانيد) خداوند شنوا و داناست. (۲۲۴)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ

خداوند شما را بخاطر سوگندهایی که بدون توجّه یاد می‌کنید، مواخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دلهای شما با قصد و اختیار پذیرفته و کسب کرده،

قُلُوبُكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ

مواخذه می‌کند. و خداوند، آمرزنده و دارای حلم است. (۲۲۵) کسانی که زنان خود را «ایلاء» می‌نمایند [= سوگند می خورند که با آنها، آمیزش نکنند،] حق دارند

أَشْهُرٍ ۖ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ

چهار ماه انتظار بکشند؛ اگر بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست)؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۲۶) و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با

اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ

شرایطش مانعی ندارد؛) چراکه خداوند شنوا و داناست. (۲۲۷) زنان مطلّقه، باید تا سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند (و عدّه نگه دارند)؛

قُرُوءٍ ۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ

و اگر به خدا و روز بازپسین، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (به

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا ۚ

زندگی زناشویی) در این مدّت،(ازدیگران) سزاوارترند؛ این در صورتی است که (براستی) خواهان اصلاح باشند.

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ

و برای زنان، همانند وظایفی که بردوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا

حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ ۖ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ۗ وَ

و حکیم است. (۲۲۸) طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد،) دو مرتبه است؛ (و پس از دو طلاق،) باید یا به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و

لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَن يَخَافَا

آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد. و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید، پس بگیرید؛مگر این‌که (دو همسر،)

أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ

بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. در این حال اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، گناهی بر آنها نیست

عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ

که زن، فدیه و عوضی بپردازد، تا شوهر او را طلاق دهد. اینها حدود الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید.

اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْدُ

و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، ستمکار است. (۲۲۹) و اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر، شوهر) او را طلاق داد، بعد از آن، زن بر او حلال نخواهد

حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يَتَرَاجَعَا إِن

بود؛ مگراین که همسر دیگری انتخاب کند، که اگر (همسر دوّم) او را طلاق گفت، گناهی ندارند که بازگشت کنند؛ (و با یکدیگر ازدواج نمایند؛)

ظَنَّا أَن يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

اگر امید داشته باشند که حدود الهی را محترم می‌شمرند. و اینها حدود الهی است که خدا آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می‌نماید.(۲۳۰)

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ

و هنگامی‌که زنان را طلاق دادید، و به پایان عدة خود رسیدند، یا به طور شایسته آنها را نگاه دارید

سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ۚ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا۟ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ

(و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید؛ و آنها را به خاطر زیان رساندن نگاه ندارید تا (به حقوقشان) تجاوز کنید.

فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ ۚ وَلَا تَتَّخِذُوٓا۟ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوًا ۚ وَٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ

و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. و (با این کارها) آیات خدا را به استهزا نگیرید. و نعمت خدا را بر خود بیاد بیاورید.

عَلَيْكُمْ وَمَآ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْحِكْمَةِ يَعِظُكُم بِهِۦ ۚ

و کتاب آسمانی و علم و دانشی را که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می‌دهد. و

وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ

از خدا پروا کنید و بدانید خداوند از هر چیزی (حتی از نیّت‌های شما) آگاه است. (۲۳۱) و هنگامی‌که زنان راطلاق دادید

ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوْا۟

و به پایان عدّة خود رسیدند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند؛ اگر رضایت در میان آنان، به طرز پسندیده‌ای برقرار گردد.

بَيْنَهُم بِٱلْمَعْرُوفِ ۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ

این دستوری است که تنهاافرادی‌از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند،

ٱلْءَاخِرِ ۗ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾

از آن، پند می‌گیرند. این (دستور)، برای رشد (خانواده‌های) شما و پاکیزگی (جامعه) مفیدتر است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۳۲)

وَٱلْوَٰلِدَٰتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَ ۚ

مادران، فرزندان خود را دوسال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیردادن را تکمیل کند.

وَعَلَى ٱلْمَوْلُودِ لَهُۥ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ ۚ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا

و آن کس که فرزند برای او متولّد شده [=پدر]، باید خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدّت شیردادن) بپردازد. (البته) هیچ‌کس تکلیفی بیش از

وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَآرَّ وَٰلِدَةٌۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦ ۚ وَعَلَى ٱلْوَارِثِ

مقدار توانایی خود ندارد. (بنابراین) نباید بر مادر و فرزندش به خاطر یکدیگر زیانی وارد شود؛ و نه بر پدر و فرزندش (از ناحیهٔ یکدیگر ضرری وارد آید). و

مِثْلُ ذَٰلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ

بر وارث (او نیز) لازم است مثل این کار را انجام دهد (= هزینه مادر را در دوران شیردادن تامین نماید). واگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند

عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوٓا۟ أَوْلَٰدَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُم

(کودک را زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط

مَّآ ءَاتَيْتُم بِٱلْمَعْرُوفِ ۗ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾

این‌که حق مادران را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (۲۳۳)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ

و کساني که از شما مي‌ميرند و همسراني باقي مي‌گذارند، بايد چهار ماه و ده روز،

أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا

انتظار بکشند (و عدّه نگه دارند)؛و هنگامي که به پايان مدّتشان رسيدند، گناهي بر شما نيست که هر چه مي‌خواهند،

فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾ وَلَا

دربارهٔ خودشان به طور شايسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه انجام مي‌دهيد، آگاه است. (۲۳۴) و

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنتُمْ

گناهي بر شما نيست که به طور کنايه، (از زناني که همسرانشان مرده‌اند) خواستگاري کنيد، و يا (بي آنکه اظهار کنيد) دردل تصميم بگيريد.

فِي أَنفُسِكُمْ ۚ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ

خداوند مي‌دانست شما به ياد آنها خواهيد افتاد؛ البته پنهاني با آنها قرار (زناشويي) نگذاريد، مگر اين‌که

سِرًّا إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۚ وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ

به طرز پسنديده‌اي (بطور کنايه) اظهار کنيد؛ (ولي در هر حال،) اقدام به ازدواج ننماييد،

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنفُسِكُمْ

تا عدّهٔ مقرّر ج سرآيد. و بدانيد خداوند آنچه را در دل داريد، مي‌داند. از مخالفت او بپرهيزيد؛

فَاحْذَرُوهُ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾ لَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

و بدانيد خداوند، آمرزنده و داراي حلم است (و در مجازاتِ بندگان، عجله نمي‌کند). (۲۳۵) اگر زنان را قبل از

إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَمَتِّعُوهُنَّ

آميزش جنسي يا تعيين مهر، (به عللي) طلاق دهيد، گناهي بر شما نيست. و (در اين موقع،) آنها را(باهديه‌اي مناسب،) بهره‌مند سازيد! آن کس که توانايي

عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى

دارد، به اندازه تواناييش، و آن کس که تنگدست است، به اندازهٔ توانش، هديه‌اي شايسته (که مناسب حال دهنده و گيرنده باشد) بدهد. و

الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ

اين بر نيکوکاران، الزامي است. (۲۳۶) و اگر زنان را، پيش از آن‌که با آنها تماس بگيريد (و آميزش کنيد)

فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَن يَعْفُونَ

طلاق دهيد، در حالي که مَهري براي آنها تعيين کرده‌ايد، بايد نصف آنچه را تعيين کرده‌ايد به آنها بدهيد، مگر اين‌که آنها گذشت کنند؛

أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ

يا (در صورتي که صغير و سفيه باشند، وليّ آنها، يعني) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشيدن تمام مهر به

لِلتَّقْوَىٰ ۚ وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾

آنها) به پرهيزگاري نزديکتر است. و گذشت و نيکوکاري را در ميان خود فراموش نکنيد، که خداوند به آنچه انجام مي‌دهيد بيناست. (۲۳۷)

حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلْوُسْطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ

در انجام (به موقع و كامل) همهٔ نمازها و (به خصوص) نماز وسطى [= نماز ظهر] كوشا باشيد و از روى خضوع و اطاعت، براى خدا

قَٰنِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَآ أَمِنتُمْ

به پاخيزيد (٢٣٨) و اگر (به خاطر جنگ، يا خطر ديگرى) بترسيد، (نماز را) در حال پياده يا سواره انجام دهيد؛ امّا هنگامى كه امنيّت خود را باز يافتيد،

فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُواْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٩﴾

خدا را ياد كنيد [= نماز را به صورت معمول بخوانيد] همان گونه كه خداوند، چيزهايى را كه نمى‌دانستيد، به شما تعليم داد. (٢٣٩)

وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَٰجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَٰجِهِم

و كسانى كه از شما در آستانهٔ مرگ قرار مى‌گيرند و همسرانى از خود به جا مى‌گذارند، بايد براى همسران خود وصيّت كنند كه تا يک سال، آنها را

مَّتَٰعًا إِلَى ٱلْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

(با پرداختن هزينه زندگى) بهره‌مند سازند؛ به شرط اين‌كه آنها (از خانهٔ شوهر) بيرون نروند (و اقدام به ازدواج نكنند).

فِى مَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و اگر بيرون روند، (حقّى ندارند؛ ولى) گناهى بر شما نيست نسبت به آنچه آنها دربارهٔ خود، به طور شايسته انجام مى‌دهند. و خداوند، توانا و حكيم است.

﴿٢٤٠﴾ وَلِلْمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾

(٢٤٠) و (بر شوهران) لازم است كه به زنان مطلّقه، هديهٔ مناسبى بدهند. اين، حقّى است بر عهدهٔ مردان پرهيزگار. (٢٤١)

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾

اين چنين، خداوند آيات خود را براى شما شرح مى‌دهد؛ شايد بينديشيد! (٢٤٢)

۞ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ

آيا نديدى گروهى (از بنى اسرائيل) را كه از ترس مرگ، از خانه‌هاى خود فرار كردند و آنان هزاران نفر بودند؟

ٱلْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحْيَٰهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ

(و به بهانهٔ فرار از طاعون، از شركت در ميدان جهاد خوددارى نمودند)، و خداوند فرمان مرگ آنها را صادر كرد (و به همان بيمارى مردند).

عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾

سپس آنها را زنده كرد؛ زيرا خداوند نسبت به مردم، داراى احسان و بخشش است؛ ولى بيشتر مردم، شكر (او را) به جا نمى‌آورند. (٢٤٣)

وَقَٰتِلُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾

و در راه خدا، پيكار كنيد؛ و بدانيد كه خداوند، شنوا و داناست. (٢٤٤)

مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضْعَافًا

كيست كه به خدا قرض نيكويى دهد، (و بدون منت، انفاق كند،) تا خداوند آن را براى او، چندين برابر كند؟ و خداوند است كه (روزى بندگان را)

كَثِيرَةً وَٱللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

محدود يا گسترده مى‌سازد؛ (و انفاق، هرگز باعث كمبود روزى كسى نمى‌شود). و (سرانجام همگى) به سوى او بازمى‌گرديد. (٢٤٥)

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلْمَلَإِ مِنۢ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مِنۢ بَعْدِ مُوسَىٰٓ إِذْ قَالُوا۟
آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به یکی از
لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ٱبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَٰتِلْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ قَالَ هَلْ
پیامبرانشان گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما برگزین، تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم.» (پیامبر آنها) گفت:
عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ أَلَّا تُقَٰتِلُوا۟ ۖ قَالُوا۟ وَ
«شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا،جهاد و پیکار نکنید!» گفتند:
مَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَٰرِنَا وَ
«چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم،
أَبْنَآئِنَا ۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ تَوَلَّوْا۟ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۗ
(و شهرهای ما بوسیلهٔ دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند)؟!» امّا هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عدّهٔ کمی از آنان، همگی سرپیچی کردند.
وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ
و خداوند از (اعمال و نیات) ستمکاران، آگاه است. (۲۴۶) و پیامبرشان به آنها
بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوٓا۟ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلْمُلْكُ
گفت: «خداوند«طالوت» را برای زمامداری شما برگزیده است.» گفتند: «چگونه او بر ما
عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِٱلْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ ٱلْمَالِ ۚ
حکومت کند، با این‌که ما از او شایسته‌تریم،و او ثروت زیادی ندارد؟!»
قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُۥ بَسْطَةً فِي ٱلْعِلْمِ
گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را دردانش و توانایی جسمانی، فزونی بخشیده است،
وَٱلْجِسْمِ ۖ وَٱللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُۥ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ
خداوند، مُلکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، گسترده است؛ و (از لیاقت افراد)
عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ءَايَةَ مُلْكِهِۦٓ
آگاه است.» (۲۴۷) و پیامبرشان به آنها گفت: «نشانه حکومت او، این است که
أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ
«صندوق عهد» به سوی شما خواهد آمد. که در آن، آرامشی از پروردگار شما،
بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحْمِلُهُ
و یادگارهایی از خاندان موسی و هارون قرار دارد؛در حالی که فرشتگان، آن را
ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾
حمل می‌کنند. در این موضوع، نشانه‌ای (روشن) برای شماست؛ اگر ایمان داشته باشید.» (۲۴۸)

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی‌اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد،

فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا

(به آنها) گفت: «خداوند، شما را بوسیلهٔ یک نهر آب، آزمایش می‌کند؛ آنها که از آن بنوشند، از من نیستند؛

مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۚ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۚ فَلَمَّا

و آنها که بیشتر از یک پیمانه با دست خود، از آن نخورند، از من هستند.» و همگی جز عدهٔ کمی، از آن نوشیدند.

جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا

سپس هنگامی که او، و کسانی که به او ایمان آورده بودند، (و از بوتهٔ آزمایش، سالم به در آمدند،) از آن نهر گذشتند،

الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۚ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم

(از کمی نفرات خود، ناراحت شدند؛ و) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با «جالوت» و سپاهیان او را نداریم.» امّا آنها که می‌دانستند

مُّلَاقُو اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً

خدا را ملاقات خواهند کرد (و ایمان بیشتری داشتند) گفتند: «چه بسیار گروههای کوچک که به خواست خدا، بر گروههای بزرگ پیروز شدند.» و

بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ

خداوند با صابران (و استقامت کنندگان) است. (۲۴۹) و هنگامی که در برابر «جالوت» و

جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا

سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! شکیبایی و استقامت را بر ما فرو ریز؛ وقدمهای ما را ثابت بدار؛

وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُم

و ما را بر جمعیّت کافران، پیروز گردان.» (۲۵۰) آنگاه به خواست خدا،

بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ

آنها سپاه دشمن را به هزیمت وا داشتند؛ و «داوود» (نوجوان شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛

وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ

و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید؛ و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند،

بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ

بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت، ولی خداوند

ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ

نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد. (۲۵۱) اینها، آیات خداست که به حق،

نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

بر تو می‌خوانیم؛ و به یقین تو، از پیامبران (ما) هستی. (۲۵۲)

تِلْكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُ ۖ

ما بعضي از آن پيامبران را بر بعضي ديگر برتري بخشيديم؛ برخي از آنها، خدا با او سخن مي‌گفت؛

وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ ۚ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ

و بعضي را درجاتي برتر داد؛و به عيسي بن مريم، نشانه‌هاي روشن داديم؛

وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ

و او را با «روح القدس» تاييد نموديم؛ (ولي فضيلت و مقام آن پيامبران، مانع اختلاف امّتها نشد.) و اگر خدا مي‌خواست،كساني كه بعد از آنها بودند، پس از آن

بَعْدِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ وَلَٰكِنِ ٱخْتَلَفُوا۟ فَمِنْهُم

همه نشانه‌هاي روشن كه براي آنها آمد، جنگ و ستيز نمي‌كردند؛ ولي (خداوند آنها را آزاد گذارده و) آنها با هم اختلاف كردند؛بعضي ايمان آوردند و بعضي

مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلُوا۟ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ

كافر شدند؛ و (جنگ و خونريزي بروز كرد. و باز) اگر خدا مي‌خواست، با هم پيكار نمي‌كردند؛ ولي خداوند، آنچه را مي‌خواهد، انجام مي‌دهد (و هيچ كس را به

يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن

قبول چيزي مجبور نمي‌سازد). (۲۵۳) اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! از آنچه به شما روزي داده‌ايم، انفاق كنيد؛ پيش از آن‌كه

قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ ۗ وَٱلْكَٰفِرُونَ هُمُ

روزي فرا رسد كه در آن، نه خريد و فروشي هست (تا بتوانيد نجات را خريداري كنيد)، و نه دوستي سودي دارد، و نه شفاعتي شامل حالتان مي‌شود و

ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ

كافران، خود ستمكارند؛ (۲۵۴) هيچ معبودي جز خداوند يگانهٔ زنده و پاينده نيست، (خداوندي كه قائم به ذات خويش است، و موجودات ديگر، قائم به او).

وَلَا نَوْمٌ ۚ لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ

هيچ گاه خواب سبك و سنگيني او را فرا نمي‌گيرد؛ (و لحظه‌اي از تدبير جهان هستي، غافل نمي‌ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است،

إِلَّا بِإِذْنِهِۦ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَىْءٍ

از آن اوست. كيست كه در نزد او، جز به فرمانش شفاعت كند؟! آينده و گذشتهٔ بندگان را مي‌داند؛ و كسي از علم او آگاه نمي‌گردد؛ جز به مقداري كه‌او

مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۖ وَلَا

بخواهد. (اوست كه به همه چيز آگاه است؛ و علم و دانش محدود ديگران، پرتوي از علم بي‌پايان و نامحدود اوست).تخت (حكومت) او، آسمانها و زمين را

يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَآ إِكْرَاهَ فِى ٱلدِّينِ ۖ قَد

دربرگرفته؛ و نگاهداري آن دو [= آسمان و زمين]، او را خسته نمي‌كند. و اوست بلند مرتبه و با عظمت. (۲۵۵) اكراهي در قبول دين، نيست. (زيرا)

تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَىِّ ۚ فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ

راه درست از راه انحرافي، روشن شده است. بنابراين، كسي كه به طاغوت [= بت و شيطان، و هر موجود طغيانگر] كافر شود و به خدا ايمان آورد،

فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

به محكم‌ترين دستگيره چنگ زده است، كه گسستن براي آن نيست. و خداوند، شنوا و داناست.(۲۵۶)

ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُخْرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۖ

خداوند، ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمتها خارج ساخته، به سوی نور می‌برد،

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَوْلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ

ولی کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور خارج ساخته،

إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ ۗ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ

به سوی ظلمتها می‌برند؛ آنها اهل دوزخند و جاودانه در آن خواهند بود.

(۲۵۷) أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِى حَآجَّ إِبْرَٰهِۦمَ فِى رَبِّهِۦٓ أَنْ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ

(۲۵۷) آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [= نمرود] که بر اثر (غرور ناشی از) حکومتی که خدا به او داده بود

ٱلْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَٰهِۦمُ رَبِّىَ ٱلَّذِى يُحْىِۦ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحْىِۦ

با ابراهیم درباره پروردگارش محاجّه و گفتگو کرد؟ و هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» گفت: «من نیز زنده

وَأُمِيتُ ۖ قَالَ إِبْرَٰهِۦمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأْتِى بِٱلشَّمْسِ مِنَ ٱلْمَشْرِقِ فَأْتِ

می‌کنم و می‌میرانم.» (و دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد.) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از مشرق می‌آورد؛

بِهَا مِنَ ٱلْمَغْرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِى كَفَرَ ۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ

(اگر راست می‌گویی) تو آن را از مغرب بیاور!» به این صورت، آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، گروه ستمکاران را

ٱلظَّٰلِمِينَ (۲۵۸) أَوْ كَٱلَّذِى مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا

هدایت نمی‌کند. (۲۵۸) یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفهایش فرو ریخته بود،

قَالَ أَنَّىٰ يُحْىِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِا۟ئَةَ عَامٍ ثُمَّ

(و اهل آن همگی مرده بودند، او با خود) گفت: «چگونه خدا این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (دراین‌هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند؛

بَعَثَهُۥ ۖ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۖ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۖ قَالَ بَل

سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز.» فرمود:

لَّبِثْتَ مِا۟ئَةَ عَامٍ فَٱنظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ

«بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود، که هیچ گونه تغییر نیافته است! (پس بدان خدا بر همه چیز قادر است).

يَتَسَنَّهْ ۖ وَٱنظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِّلنَّاسِ ۖ

ولی به دراز گوش خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده)! آنچه می‌بینی، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای این‌که تو را نشانه‌ای

وَٱنظُرْ إِلَى ٱلْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۚ

برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آنها را برپا ساخته، به هم پیوند

فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (۲۵۹)

می‌دهیم، سپس گوشت بر آنها می‌پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر چیزی تواناست.» (۲۵۹)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ أَرِنِى كَيْفَ تُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أَوَلَمْ

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! به من بنمایان چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» فرمود: «مگر

تُؤْمِن ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِى ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ ٱلطَّيْرِ

ایمان نیاورده‌ای؟!» گفت: «آری (ایمان آورده‌ام)، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد.» فرمود: «در این صورت، چهار پرنده (از گونه‌های مختلف) را انتخاب کن؛

فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ ٱجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ٱدْعُهُنَّ

و آنها را (پس از ذبح کردن،) قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز)؛ سپس بر هر کوهی،قسمتی از آن را قرار بده؛ بعد آنها را صدا بزن،

يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۚ وَٱعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾ مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ

بسرعت به سوی تو می‌آیند. و بدان که خداوند توانا و حکیم است.» (۲۶۰) کسانی که‌اموال خود را در

أَمْوَٰلَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ

راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه،

سُنۢبُلَةٍ مِّا۟ئَةُ حَبَّةٍ ۗ وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ

یکصد دانه باشد؛ وخداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند؛ و لطف خدا گسترده، و او (به همه چیز) داناست.

﴿٢٦١﴾ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَآ أَنفَقُوا۟

(۲۶۱) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منّت نمی‌گذارند

مَنًّا وَلَآ أَذًى ۙ لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا

و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است؛ نه ترسی دارند،

هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾ ۞ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ

و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۶۲) گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از تندخویی آنها)، از صدقه‌ای که آزاری به دنبال آن باشد،

يَتْبَعُهَآ أَذًى ۗ وَٱللَّهُ غَنِىٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

بهتر است؛ و خداوند، بی‌نیاز و دارای حلم است. (۲۶۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

لَا تُبْطِلُوا۟ صَدَقَٰتِكُم بِٱلْمَنِّ وَٱلْأَذَىٰ كَٱلَّذِى يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ

صدقات خود را با منّت و آزار، باطل نسازید؛ همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند،

ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۖ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ

و به خدا و روز واپسین، ایمان نمی‌آورد؛ (عمل) او همچون قطعه سنگی است که

عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٌ فَتَرَكَهُۥ صَلْدًا ۖ لَّا يَقْدِرُونَ

بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشانده شود؛) و رگباری بر آن ببارد، (و همهٔ خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و

عَلَىٰ شَىْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا۟ ۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۲۶۴)

وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ

و (عمل) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و پایدار ساختن (فضایل انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند،

وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَـَٔاتَتْ

همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، و میوهٔ خود را دوچندان دهد.

أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا

واگر باران درشت به آن نرسد، بارانی نرم به آن می‌رسد. (و در هر حال، شاداب و با طراوت است) و خداوند به آنچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُۥ جَنَّةٌ مِّن

انجام می‌دهید، بیناست. (۲۶۵) آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان

نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ

خرما و انگور داشته باشد که از پای درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه

ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلْكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعْصَارٌ

میوه‌ای وجود داشته باشد، و در حالی که به سنّ پیری رسیده و فرزندانی ناتوان دارد؛ گردبادی (شدید)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و

فِيهِ نَارٌ فَٱحْتَرَقَتْ ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْـَٔايَٰتِ لَعَلَّكُمْ

(شعله‌ور گردد) و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منّت و آزار، باطل می‌کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما

تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنفِقُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا

آشکار می‌سازد؛ شاید بیندیشید (و راه حق را بیابید)! (۲۶۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از اموال پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید،

كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا۟ ٱلْخَبِيثَ

و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید؛ و برای انفاق، به سراغ بی ارزش آن نروید

مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُوا۟ فِيهِ ۚ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ

در حالی که خودِ شما، (به هنگام پذیرش اموال،) حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت. و

ٱللَّهَ غَنِىٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم

بدانید خداوند، بی‌نیاز و ستوده است. (۲۶۷) شیطان، شما را (هنگام انفاق،) وعدهٔ فقر و تهیدستی می‌دهد؛ و به زشتیها امر می‌کند؛

بِٱلْفَحْشَآءِ ۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ

ولی خداوند وعدهٔ «آمرزش» و «فزونی» به شما می‌دهد؛ و خداوند، رحمتش و قدرتش گسترده، و (به هر چیز) داناست.

عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِى ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ

(و به وعدهٔ خود وفا می‌کند.) (۲۶۸) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته باشد) می‌دهد؛

فَقَدْ أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٢٦٩﴾

و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکّر نمی‌گردند. (۲۶۹)

وَمَآ أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ

و هر چیز را که انفاق می‌کنید، یا نذر می‌کنید (که در راه خدا انفاق نمائید)، خداوند از آن آگاه است.

يَعْلَمُهُۥ ۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ﴿٢٧٠﴾ إِن تُبْدُوا۟

و ستمکاران (ریا کار و منت گذار)، هیچ یاوری ندارند. (۲۷۰) اگر صدقات (و انفاق‌های خود) را

ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِىَ ۖ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا ٱلْفُقَرَآءَ فَهُوَ

آشکار کنید، خوب است؛ و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید،

خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّـَٔاتِكُمْ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا

برای شما بهتر است؛ و از گناهان شما می‌کاهد؛ و خداوند به آنچه

تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾ ۞ لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَىٰهُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ

انجام می‌دهید، آگاه است. (۲۷۱) هدایت آنها (بطور اجبار) بر تو نیست؛ (بنابراین، ترک انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست؛)

يَهْدِى مَن يَشَآءُ ۗ وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ ۚ وَمَا

ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته باشد)، هدایت می‌کند. و آنچه را از اموال نیکو انفاق می‌کنید، به سود خودتان است؛

تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ ٱللَّهِ ۚ وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ

(و خدا به آن نیازی ندارد) ولی جز برای رضای خدا، انفاق نکنید. و آنچه از اموال نیکو انفاق می‌کنید، (پاداش آن) به طور

إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾ لِلْفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحْصِرُوا۟

کامل به شما بازگردانده می‌شود؛ و به شما ستم نخواهد شد. (۲۷۲) (بهتر است انفاق شما) برای نیازمندانی باشد

فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِى ٱلْأَرْضِ

که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ و نمی‌توانند (برای تأمین هزینهٔ زندگی) مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند؛)

يَحْسَبُهُمُ ٱلْجَاهِلُ أَغْنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم

و افراد نا آگاه آنها را از شدّت خویشتن‌داری، بی‌نیاز می‌پندارند؛ امّا آنها را از

بِسِيمَٰهُمْ لَا يَسْـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلْحَافًا ۗ وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ

چهره‌هایشان می‌شناسی؛ و هرگز با اصرار از مردم درخواست نمی‌کنند. (این است مشخّصات آنها!) و هر چیز خوبی

خَيْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُم

(در راه خدا) انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است. (۲۷۳) کسانی که اموال خود را،

بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ

شب یا روز، پنهان یا آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان

رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

(محفوظ) است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۷۴)

ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِى
کساني كه ربا مي‌خورند، (در قيامت) مانند كسي كه بر اثر تماس شيطان، ديوانه شده
يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيْطَـٰنُ مِنَ ٱلْمَسِّ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلْبَيْعُ مِثْلُ
(و تعادل خود را از دست داده) بر مي‌خيزند. اين، بخاطر آن است كه گفتند: «بيع (و داد و ستد) مانند ربا است»
ٱلرِّبَوٰاْ ۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلْبَيْعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْ ۚ فَمَن جَآءَهُۥ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ
در حالي كه خدا بيع را حلال كرده، و ربا را حرام. (زيرا فرق ميان اين دو، بسيار است.) و اگر كسي اندرزي از جانب پروردگارش به او رسد،
فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ ۖ وَمَنْ عَادَ فَأُوْلَـٰٓئِكَ
و (از رباخواري) خودداري كند، سودهاي پيشين (و قبل از تحريم) از آن اوست؛ و كار او به (عفو) خدا واگذار مي‌شود؛ امّا كساني كه
أَصْحَـٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَـٰلِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرْبِى
(به ربا خواري) بازگردند اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. (۲۷۵) خداوند، ربا را نابود مي‌كند؛ و صدقات را افزايش مي‌دهد
ٱلصَّدَقَـٰتِ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
و خداوند، هيچ ناسپاس گنهكاري را دوست نمي‌دارد. (۲۷۶) كساني كه ايمان آوردند
وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمْ
و كارهاي شايسته انجام دادند و نماز را برپا داشتندو زكات را پرداختند،
أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾
اجرشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است؛ نه ترسي بر آنهاست، و نه اندوهگين مي‌شوند. (۲۷۷)
يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِىَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم
اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد، و آنچه را از (سود) ربا باقي مانده، رها كنيد؛
مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۖ وَإِن
اگر ايمان داريد. (۲۷۸) اگر چنين نمي‌كنيد، بدانيد خدا و رسولش، به شما اعلان جنگ مي‌كنند.
تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ
و اگر توبه كنيد، سرمايه‌هايتان (بدون سود)، از آن شماست (و به اين صورت)؛ نه ستم مي‌كنيد، و نه بر شما ستم مي‌شود.
﴿٢٧٩﴾ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ
(۲۷۹) و اگر (بدهكار،) قدرت پرداخت نداشته باشد،او را تا هنگام توانايي، مهلت دهيد؛ و هرگاه
خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَٱتَّقُواْ يَوْمًا تُرْجَعُونَ
براي خدا به او ببخشيد بهتر است؛ اگر آگاه باشيد! (۲۸۰) و از روزي بپرهيزيد (و بترسيد) كه در آن روز، به سوي خدا
فِيهِ إِلَى ٱللَّهِ ۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾
باز گردانده مي‌شويد؛ سپس به هر كس، (پاداش) آنچه را انجام داده، به طور كامل بازپس داده مي‌شود؛ و به آنها ستم نخواهد شد. (۲۸۱)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدّت‌داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید،

فَٱكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِٱلْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ

آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد. و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد،

أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ ٱلَّذِى عَلَيْهِ

نباید از نوشتن - همان طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که

ٱلْحَقُّ وَلْيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْـًٔا ۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِى عَلَيْهِ

حق بر عهدهٔ اوست، باید املا کند؛ و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد؛ و چیزی را از آن فروگذار ننماید.

ٱلْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُۥ

و اگر کسی که حق بر عهدهٔ اوست، سفیه یا ضعیف (و دیوانه) است، یا (به خاطر لال بودن،) توانایی بر املا کردن ندارد،

بِٱلْعَدْلِ ۚ وَٱسْتَشْهِدُواْ شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ ۖ فَإِن لَّمْ يَكُونَا

باید ولیّ او (به جای او،) با رعایت عدالت، املا کند.و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید؛

رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَٱمْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ

و اگر دو مرد نبودند، یک مردو دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید!

إِحْدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَىٰهُمَا ٱلْأُخْرَىٰ ۚ وَلَا يَأْبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا

تا اگر یکی از آن دو انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و هنگامی که شهود را (برای ادای شهادت)دعوت می‌کنند،

مَا دُعُواْ ۚ وَلَا تَسْـَٔمُوٓاْ أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦ ۚ

نباید خودداری نمایند. و از نوشتن بدهی مدت دار، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید).

ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدْنَىٰٓ أَلَّا تَرْتَابُوٓاْ ۖ إِلَّآ

این کار، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مطمئن‌تر، و برای جلوگیری از تردید (و نزاع) بهتر می‌باشد؛

أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ

مگر این‌که‌داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می‌کنید. در این صورت، باکی بر شما نیست

جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا ۗ وَأَشْهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۚ وَلَا يُضَآرَّ

که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقد) می‌کنید، شاهد بگیرید. و نباید به

كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۚ وَإِن تَفْعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقٌۢ بِكُمْ ۗ وَ

نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی،) زیانی برسد. و اگر چنین کنید، از فرمان‌پروردگار خارج شده‌اید.

ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُ ۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و خداوند به شما تعلیم می‌دهد؛ خداوند به همه چیز داناست. (۲۸۲)

۞ وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ ۖ فَإِنْ

اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، (طلبکار، چیزی را) گروگان بگیرد و اگر به یکدیگر

أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ ٱلَّذِى ٱؤْتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلْيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ ۗ

اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که (بدون گروگان) امین شمرده شده، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد؛

وَلَا تَكْتُمُوا ٱلشَّهَٰدَةَ ۚ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٌ قَلْبُهُۥ ۗ

و از خدایی که پروردگار اوست، بپرهیزد. و شهادت را کتمان نکنید. وهر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است.

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾ لِّلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ

و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست. (۲۸۳) آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست.

وَإِن تُبْدُوا مَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ ٱللَّهُ ۖ

و اگر آنچه را در دلهایتان دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را مطابق آن، محاسبه می‌کند.

فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ

سپس هر کس را بخواهد (و شایسته باشد)، می‌بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و استحقاق داشته باشد)، مجازات می‌کند. و خداوند

قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلْمُؤْمِنُونَ ۚ

بر هر چیزی تواناست. (۲۸۴) پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است؛

كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ

و همهٔ مومنان (نیز)، به خدا و فرشتگانش و کتابهای او و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و گفتند:) «ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم (و به

مِّن رُّسُلِهِۦ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ

همه ایمان داریم)». و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو امیدواریم؛ و بازگشت (ما)

ٱلْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ

به سوی توست.» (۲۸۵) خداوند هیچ کس را، جز به اندازهٔ تواناییش، تکلیف نمی‌کند.(انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد،

وَعَلَيْهَا مَا ٱكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ إِن نَّسِينَآ أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ

به سود خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مومنان می‌گویند:) «پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مواخذه مکن.

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَآ إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن

پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (بخاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که

قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦ ۖ وَٱعْفُ عَنَّا وَٱغْفِرْ لَنَا

پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا! آنچه طاقت تحمّل آن را نداریم، بر ما مقرّر مدار و ما را عفو کن

وَٱرْحَمْنَآ ۚ أَنتَ مَوْلَىٰنَا فَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

و بیامرز و مورد رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیّت کافران، پیروز گردان.» (۲۸۶)

۳ – سوره آل عمران

ترتيبها ۳ — سُورَةُ آلِ عِمۡرَانَ — آياتها ۲۰۰

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الٓمٓ ﴿۱﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ﴿۲﴾ نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ

الم. (۱) معبودی جز خداوند یگانهٔ زنده و پاینده، نیست. (۲) (همان کسی که) کتاب را

بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ﴿۳﴾ مِن قَبۡلُ

بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، هماهنگ است؛ و «تورات» و «انجیل» را (۳) پیش از آن،

هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ

برای هدایت مردم فرستاد؛ و (همچنین قرآن، کتاب) جدا کنندهٔ حق از باطل را نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛

شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿۴﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخۡفَىٰ عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ

و خداوند (بر کیفر آنها) توانا و دارای مجازات است. (۴) هیچ چیز، نه در آسمان و نه در زمین، بر خدا مخفی نمی‌ماند.

وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ﴿۵﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُۚ

(بنابراین، تدبیر آنها بر او مشکل نیست.) (۵) او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آن چنان که می‌خواهد تصویر می‌کند.

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿۶﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ

معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست. (۶) او کسی است که این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرد؛ که بخشی از آن،

ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ

آیات «محکم» [صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می‌باشد؛ (و پیچیدگی آیات دیگر، را بر طرف می‌کند.) و بخشی دیگر، «متشابه» (و پیچیده) است.

زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦۖ وَمَا يَعۡلَمُ

امّا آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال آیات متشابه اند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ در حالی

تَأۡوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ

که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال درک اسرار آیات قرآنند) می‌گویند: «ما به آن ایمان آوردیم؛ تمامی آن از جانب

رَبِّنَاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿۷﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ

پروردگار ماست.» و جز خردمندان، متذکر نمی‌شوند (و این حقیقت را درک نمی‌کنند). (۷) (راسخان در علم، می‌گویند:) «پروردگارا! دلهایمان را، بعد از

هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ﴿۸﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ

آنکه ما را هدایت کردی، منحرف مگردان؛ و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تویی بخشنده. (۸) پروردگارا! تو مردم را برای روزی که تردیدی در

جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿۹﴾

آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند از وعدهٔ خود تخلّف نمی‌کند. (ما به تو و رحمت بی‌پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.)» (۹)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ

اموال و فرزندان کساني که کافر شدند، هرگز نمي‌تواند، چيزي از (عذاب) خداوند را از آنان بکاهد

ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ وَقُودُ ٱلنَّارِ ﴿١٠﴾ كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ

(و از کيفر، رهايي بخشد.) و آنان خود، آتشگيرهٔ دوزخند. (۱۰) (روش آنان در انکار و تحريف حقايق،) همچون

وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ

روش فرعونيان و کساني است که پيش از آنها بودند؛ آيات ما را تکذيب کردند، و خداوند آنها را به (کيفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند،

ٱلۡعِقَابِ ﴿١١﴾ قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغۡلَبُونَ وَتُحۡشَرُونَ إِلَىٰ

سخت‌کيفر است. (۱۱) به کساني که کافر شدند بگو: «(از پيروزي موقت خود در جنگ اُحُد، شاد نباشيد)، بزودي مغلوب خواهيد شد؛ و(سپس در رستاخيز) به

جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ﴿١٢﴾ قَدۡ كَانَ لَكُمۡ ءَايَةٞ فِي فِئَتَيۡنِ

سوي جهنم، محشور خواهيد شد. و چه بد جايگاهي است!» (۱۲) در دو گروهي که (در ميدان جنگ بدر،) با هم رو به رو شدند، نشانه (و عبرتي) براي شما

ٱلۡتَقَتَاۖ فِئَةٞ تُقَٰتِلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخۡرَىٰ كَافِرَةٞ يَرَوۡنَهُم

بود: يک گروه، در راه خدا نبرد مي‌کردند؛ و جمع ديگري کافر بودند، (و در راه شيطان و بت مي‌جنگيدند.) در حالي که کافران، مؤمنان را با چشم خود، دو

مِّثۡلَيۡهِمۡ رَأۡيَ ٱلۡعَيۡنِۚ وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصۡرِهِۦ مَن يَشَآءُۗ إِنَّ فِي

برابر آنچه بودند، مي‌ديدند. (و اين خود عاملي براي وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند،

ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿١٣﴾ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ

هر کس را بخواهد (و شايسته باشد)، با ياري خود، تاييد مي‌کند. در اين، عبرتي است براي صاحبان بصيرت. (۱۳)

ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ

محبت امور مادي، از (قبيل) زنان و فرزندان و اموال فراوان از

ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ

طلا و نقره و اسبهاي ممتاز و چهارپايان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ تا در پرتو آن، آزمايش و تربيت شوند؛

ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلۡمَـَٔابِ

(ولي) اينها وسايل گذران زندگي دنيا است (و هدف نهايي نمي‌باشد)؛ و سرانجام نيک (و زندگي والا و جاويدان)، نزد خداست.

﴿١٤﴾ ۞ قُلۡ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيۡرٖ مِّن ذَٰلِكُمۡۚ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ

(۱۴) بگو: «آيا شما را از چيزي آگاه کنم که از اين (سرمايه‌هاي مادي)، بهتر است؟» براي کساني که

رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ

پرهيزگاري پيشه کرده‌اند، (و از اين سرمايه‌ها، در راه مشروع استفاده مي‌کنند،) در نزد پروردگارشان، باغهايي بهشتي است که نهرها از پاي درختانش

مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ﴿١٥﴾

مي‌گذرد؛ جاودانه در آن خواهند بود؛ و همسراني پاکيزه، و خشنودي خداوند (نصيب آنهاست). و خدا به (اعمال) بندگان (با ايمان)، بيناست. (۱۵)

الحزب ٦

ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ

(همان) کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهان ما را بر ما ببخش، و ما را از عذاب دوزخ،

ٱلنَّارِ ﴿١٦﴾ ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْمُنفِقِينَ

نگاه‌دار.» (۱۶) آنها که (در مسیر اطاعت و ترک گناه،) استقامت می‌ورزند؛ راستگو هستند؛ (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می‌کنند؛

وَٱلْمُسْتَغْفِرِينَ بِٱلْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

و در سحرگاهان از خداوند، آمرزش می‌طلبند. (۱۷) خداوند، (با ایجاد نظام هماهنگ جهان هستی،) گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست؛ و

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَأُو۟لُوا۟ ٱلْعِلْمِ قَآئِمًۢا بِٱلْقِسْطِ ۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ

فرشتگان‌وصاحبان دانش، (نیز، بر این مطلب)گواهی می‌دهند؛ در حالی که (خداوند) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست،

ٱلْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلْإِسْلَٰمُ ۗ وَمَا ٱخْتَلَفَ

اوست توانا و حکیم. (۱۸) دین در نزد خدا، اسلام است. و کسانی که کتاب آسمانی

ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا

به آنان داده شد، (با یکدیگر) اختلاف نکردند، مگر بعد از آگاهی و

بَيْنَهُمْ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿١٩﴾

از روی ستم و حسد ورزی؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد،(بداند که) خداوند، سریع‌الحساب است (۱۹)

فَإِنْ حَآجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِىَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِ ۗ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُوا۟

اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آن‌ها مجادله نکن؛ و) بگو: «من و پیروانم، با تمام وجود در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده‌ایم.»

ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْأُمِّيِّۦنَ ءَأَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ أَسْلَمُوا۟ فَقَدِ ٱهْتَدَوا۟ ۖ وَّإِن

وبه‌آنهاکه اهل کتابند [=یهودونصاری] و عوامان [=مشرکان] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق،) تسلیم شوند، هدایت

تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ ٱلْبَلَٰغُ ۗ وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ ﴿٢٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ

می‌یابند؛ و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش؛ زیرا) وظیفهٔ تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست. (۲۰) کسانی که

يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقْتُلُونَ ٱلنَّبِيِّۦنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ

نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند،

يَقْتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِٱلْقِسْطِ مِنَ ٱلنَّاسِ

و (نیز) مردمی را که‌امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند،

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتْ

به کیفری دردناک بشارت ده! (۲۱) آنها کسانی هستند که اعمال نیک آنها

أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٢﴾

(بخاطر این گناهان بزرگ،) در دنیا و آخرت تباه شده، و یاوری (و شفاعت‌کننده‌ای) ندارند. (۲۲)

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ
آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب آسمانی داشتند، و به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها
لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ وَهُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٢٣﴾ ذَٰلِكَ
داوری کند، ولی گروهی از آنان، (با علم و آگاهی،) روی گردان می‌شوند، در حالی که (از قبول حق) ابا دارند؟! (۲۳) این، به خاطر آن است
بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۖ وَغَرَّهُمۡ فِي دِينِهِم
که می‌گفتند: «(به سبب امتیازی که به دیگران داریم) آتش (دوزخ)، جز چند روزی به ما نمی‌رسد.» این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند،) آنها را در
مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيۡفَ إِذَا جَمَعۡنَٰهُمۡ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ
دینشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (۲۴) پس چگونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای آن روز (رستاخیز) که شکّی در آن
فِيهِ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٢٥﴾
نیست جمع کنیم، و به هر کس، (پاداش) آنچه انجام داده، بطور کامل داده شود؟ و به آنها ستمی نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود رامی‌چینند). (۲۵)
قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ
بگو: «بار الها! ای مالک حکومتها! به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛
مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ
هر کس را بخواهی، عزّت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبیها به دست توست؛
كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَ
تو بر هر چیزی توانایی. (۲۶) شب را در روز داخل می‌کنی، وروز را در شب؛
تُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ
زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده؛ و به هر کس بخواهی،
بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٢٧﴾ لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ
بدون حساب، روزی می‌بخشی.» (۲۷) افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛
ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن
وهر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلّی از خدا گسسته می‌شود)؛ مگر این‌که از آنها تقیه کنید
تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ
(و بخاطر هدفهای مهمتری کتمان نمایید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می‌دارد؛و بازگشت (شما) به سوی خداست.
﴿٢٨﴾ قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ
(۲۸) بگو: «اگر آنچه را در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند؛
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٩﴾
و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می‌باشد؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست.» (۲۹)

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِن

روزی که هر کس، هر کار نیکی که انجام داده، حاضر می‌بیند؛ و آرزو می‌کند میان او، و هرکار بدی که انجام داده،

سُوٓءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُۥٓ أَمَدًۢا بَعِيدًا ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ

فاصلهٔ زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، برحذر می‌دارد؛ و (با این حال،) خدا

نَفْسَهُۥ ۗ وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِى

نسبت به همهٔ بندگان، مهربان است. (۳۰) بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید؛

يُحْبِبْكُمُ ٱللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا۟

تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزندهٔ مهربان است.» (۳۱) بگو: «از

ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٢﴾ ۞ إِنَّ

خدا و پیامبر، اطاعت کنید؛ و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.» (۳۲)

ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحًا وَءَالَ إِبْرَٰهِيمَ وَءَالَ عِمْرَٰنَ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ

خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد.

﴿٣٣﴾ ذُرِّيَّةًۢ بَعْضُهَا مِنۢ بَعْضٍ ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ إِذْ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ

(۳۳) آنها فرزندان (و دودمانی) بودند که(از نظر پاکی و تقوا و فضیلت،) همانند یکدیگر بودند؛ و خداوند، شنوا و داناست. (۳۴) (به یاد آورید) هنگامی را که

عِمْرَٰنَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّىٓ ۖ إِنَّكَ أَنتَ

همسر «عمران» گفت: «پروردگارا! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «مُحَرَّر» باشد (و آزاد برای خدمت خانهٔ تو). از من بپذیر،

ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ

که تو شنوا و دانایی.» (۳۵) ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت،) گفت: «پروردگارا! من او را دختر آوردم - و خدا

أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلْأُنثَىٰ ۖ وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّىٓ

از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود - و پسر، همانند دختر نیست. (دختر نمی‌تواند وظیفهٔ خدمتگزاری خانهٔ خدا را همانند پسر انجام دهد.)

أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا

من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش‌را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.» (۳۶) خداوند،او [=مریم]

رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ

را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛

عَلَيْهَا زَكَرِيَّا ٱلْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا ۖ قَالَ يَٰمَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ

و سرپرستی او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در کنار او می‌دید. پس از او پرسید:

هَٰذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

«ای مریم!این روزی از کجا نصیب تو شده؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی‌حساب روزی می‌دهد.» (۳۷)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ

آن‌جابودکه زکریا، (با مشاهدهٔ آن همه شایستگی در مریم،) پروردگار خویش را خواند و گفت: «پروردگارا! از سوی خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز)

إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ﴿٣٨﴾ فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي

به من عطا فرما،که تو دعا را می‌شنوی.» (۳۸) و در حالی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که:

ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا

«خدا تو را به «یحیی» بشارت می‌دهد؛(کسی)که کلمه خدا [=مسیح] را تصدیق می‌کند؛ و رهبر خواهد بود؛

وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ

و از هوسهای سرکش برکنار، وپیامبری از صالحان است.» (۳۹) او گفت: «پروردگارا! چگونه ممکن است پسری برای من باشد،

وَقَدۡ بَلَغَنِيَ ٱلۡكِبَرُ وَٱمۡرَأَتِي عَاقِرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفۡعَلُ مَا

در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم نازا است؟!» فرمود: «بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد

يَشَآءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ

انجام می‌دهد.» (۴۰) (زکریا) گفت: «پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده.» فرمود: «نشانهٔ تو آن است که سه روز، جز به اشاره ورمز،

ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمۡزٗاۗ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ كَثِيرٗا وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ

با مردم سخن نخواهی گفت. (و زبان تو، از کار می‌افتد.) و پروردگار خود را (به شکرانهٔ این نعمت بزرگ،) بسیار یاد کن و به هنگام صبح و شام،

وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ﴿٤١﴾ وَإِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ

او را تسبیح بگو!» (۴۱) و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده

وَطَهَّرَكِ وَٱصۡطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٤٢﴾ يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي

و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری بخشیده است. (۴۲) ای مریم! (به شکرانه این نعمت)

لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ

برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آور؛ و با رکوع کنندگان، رکوع کن.» (۴۳) (ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است

ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۚ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ أَيُّهُمۡ

که به تو وحی می‌کنیم؛و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه‌کشی به آب) می‌افکندند تا کدام یک کفالت و سرپرستی مریم را عهده‌دار شود،

يَكۡفُلُ مَرۡيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾ إِذۡ قَالَتِ

و (نیز) به هنگامی که (علمای بنی‌اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او،) با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی. (۴۴) (به یاد آورید)

ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٖ مِّنۡهُ ٱسۡمُهُ ٱلۡمَسِيحُ

هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای[=وجود با عظمتی] از سوی خود بشارت می‌دهد که نامش «مسیح،

عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ وَجِيهٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

عیسی پسر مریم» است؛ در حالی که در دنیا و آخرت، آبرومند؛ و از مقرّبان (الهی) خواهد بود. (۴۵)

وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ وَكَهۡلٗا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَتۡ

و با مردم، در گاهواره و در حال میانسالی سخن خواهد گفت؛ و از صالحان است.» (۴۶) (مریم) گفت:

رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكِ ٱللَّهُ يَخۡلُقُ

«پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نداشته است؟!» فرمود: «خداوند، این گونه

مَا يَشَآءُۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ

هر چه را بخواهد می‌آفریند. هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!» آن (چیز نیز، بیدرنگ) موجود می‌شود. (۴۷) و به

ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ﴿٤٨﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ

او، کتاب و دانش و تورات و انجیل، خواهد آموخت. (۴۸) و به سوی بنی‌اسرائیل فرستاده خواهد شد

بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنِّي قَدۡ جِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡۖ أَنِّيٓ أَخۡلُقُ لَكُم

(تا به آنها بگوید:) من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من

مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ

از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به اذن خدا، پرنده‌ای می‌گردد.

وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُنَبِّئُكُم

و به اذن خدا، کور مادر زاد و مبتلا به بیماری پیسی را بهبودی می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛

بِمَا تَأۡكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن

و به شما خبر می‌دهم از آنچه می‌خورید، و آنچه را در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به یقین در این (معجزات)، نشانه‌ای برای شماست،

كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٤٩﴾ وَمُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ

اگر ایمان داشته باشید. (۴۹) و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می‌کنم؛

وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡۚ وَجِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ

و(آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که(بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده،(مانند گوشت بعضی از حیوانات) حلال کنم؛ و نشانه‌ای

مِّن رَّبِّكُمۡ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿٥٠﴾ إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ

ازطرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ از (نافرمانی) خدا بپرهیزید، و مرا اطاعت کنید. (۵۰) خداوند، پروردگار من و پروردگار شماست؛

فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ﴿٥١﴾ ۞ فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ

او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگررا).این است راه مستقیم.» (۵۱) هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت:

مِنۡهُمُ ٱلۡكُفۡرَ قَالَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ

«کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریون [= شاگردان مخصوص او] گفتند:

نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ ﴿٥٢﴾

«ما یاوران خداییم؛ به خدا ایمان آوردیم؛ و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده‌ایم. (۵۲)

رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلْتَ وَٱتَّبَعْنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكْتُبْنَا مَعَ

پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ ما را در زمرهٔ

ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكَرُوا۟ وَمَكَرَ ٱللَّهُ وَٱللَّهُ خَيْرُ

گواهان قرار ده.» (۵۳) و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش) توطئه کردند؛ و خداوند (برای حفظ او و آیینش،) تدبیر نمود؛ و خداوند، بهترین

ٱلْمَٰكِرِينَ ﴿٥٤﴾ إِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّى مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىَّ

تدبیر کنندگان است. (۵۴) (به یاد آورید) هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی! من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم

وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوْقَ

و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک (و دور) می‌سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند،

ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ

تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و (آنگاه) در میان شما،

بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَأُعَذِّبُهُمْ

در آنچه اختلاف داشتید،داوری می‌کنم. (۵۵) امّا کسانی که کافر شدند، (و با شناخت حق، آن را انکار کردند،)

عَذَابًا شَدِيدًا فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ ۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٥٦﴾

آنان را در دنیا و آخرت، با عذاب دردناکی مجازات خواهم کرد؛ و برای آنها، هیچ یاوری نیست. (۵۶)

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ

امّا کسانی که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد؛

وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ ٱلْءَايَٰتِ

و خداوند، ستمکاران را دوست نمی‌دارد.» (۵۷) اینها را که بر تو می‌خوانیم، از نشانه‌ها(ی حقّانیّت تو)

وَٱلذِّكْرِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۖ خَلَقَهُۥ

و یادآوری حکیمانه است. (۵۸) مَثَل (خلقت) عیسی در نزد خدا، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» و (بی درنگ)

مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن

موجود شد. (بنابراین، ولادت عیسی بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیّت او نیست.) (۵۹) اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو؛ بنابراین،

مِّنَ ٱلْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ فَقُلْ

از تردید کنندگان مباش. (۶۰) هر گاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، (باز) کسانی دربارهٔ مسیح با تو به ستیز برخیزند،

تَعَالَوْا۟ نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَ

بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما نیز فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما نیز زنان خود را؛ ما از

أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٦١﴾

نفوس خود (و کسی که همچون جان ماست) دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود؛ آنگاه مباهله (و نفرین) کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (۶۱)

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡقَصَصُ ٱلۡحَقُّۚ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ

این همان سرگذشت واقعی (عیسی) است. (و ادعاهایی همچون الوهیت او، یا فرزند خدا بودنش، بی‌اساس است.) و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست؛ و به

ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٦٣﴾ قُلۡ

یقین، تنها خداوند توانا و حکیم است. (۶۲) اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی گردانند، خداوند از (اعمال) مفسدان، آگاه است (۶۳)

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم

نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا

و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعض دیگر را غیر از خدای یگانه - به ربوبیت نپذیرد.»

أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ

هر گاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم.»

﴿٦٤﴾ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمَآ أُنزِلَتِ

(۶۴) ای اهل کتاب! چرا دربارهٔ ابراهیم، گفتگو و نزاع می‌کنید (و هر کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می‌نمایید)؟!

ٱلتَّوۡرَىٰةُ وَٱلۡإِنجِيلُ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٦٥﴾ هَٰٓأَنتُمۡ

در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است. آیا نمی‌اندیشید؟! (۶۵) شما کسانی هستید

هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجۡتُمۡ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيۡسَ لَكُم

که دربارهٔ آنچه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید؛ چرا دربارهٔ آنچه آگاه نیستید، گفتگو می‌کنید؟!

بِهِۦ عِلۡمٞۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبۡرَٰهِيمُ يَهُودِيّٗا وَلَا

در حالی که خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (۶۶) ابراهیم نه یهودی بود و نه

نَصۡرَانِيّٗا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفٗا مُّسۡلِمٗا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٦٧﴾

نصرانی؛ بلکه موحّدی خالص و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود. (۶۷)

إِنَّ أَوۡلَى ٱلنَّاسِ بِإِبۡرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ وَٱلَّذِينَ

سزاوارترین مردم به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند

ءَامَنُواْۗ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ

(از همه سزاوارترند)؛ و خداوند، ولیّ و سرپرست مومنان است. (۶۸) جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می‌کردند)

لَوۡ يُضِلُّونَكُمۡ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ﴿٦٩﴾

شما را گمراه کنند؛ در حالی که گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را، و نمی‌فهمند!

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمۡ تَشۡهَدُونَ ﴿٧٠﴾

(۶۹) ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می‌شوید، در حالی که (به درستی آن) گواهی می‌دهید؟! (۷۰)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ

ای اهل کتاب! چرا (برای گمراه کردن مردم) حق را با باطل (می‌آمیزید و) مشتبه می‌کنید و حقیقت را کتمان می‌کنید

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي

در حالی که می‌دانید؟! (۷۱) و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «به آنچه بر مؤمنان نازل شده،

أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ

در آغاز روز (به ظاهر) ایمان بیاورید؛ و در پایان روز، کافر شوید (و به این وسیله مؤمنان را در ایمانشان متزلزل سازید)، شاید آنها

يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَى

(از آیین خود) باز گردند. (۷۲) و (گفتند:) جز به کسی که از آیین شما پیروی می‌کند، (واقعاً) ایمان نیاورید.» بگو: «هدایت (واقعی)، هدایت الهی است (و توطئه

اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ

آنها بی اثر است.» و گفتند: «تصوّر نکنید) به کسی همانند کتاب آسمانی شما داده می‌شود، یا این‌که می‌توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو

الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ

کنند.» بگو: «فضل به دست خداست؛ و به هر کس بخواهد (و شایسته باشد،) می‌دهد؛ و خداوند، دارای مواهب گسترده و آگاه است. (۷۳) هر کس را

بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ ۞ وَمِنْ

بخواهد، ویژهٔ رحمت خود می‌کند؛ و خداوند، دارای مواهب عظیم است.» (۷۴) و در میان اهل کتاب،

أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ

کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، آن را به تو باز می‌گردانند؛

تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلّط) باشی.

قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

این بخاطر آن است که گفتند: «ما در برابر امّیّین [= غیر یهود]، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می‌بندند؛ در حالی که

وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

(دروغ بودن آن را) می‌دانند. (۷۵) آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد؛ زیرا) خداوند

الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا

پرهیزگاران را دوست دارد. (۷۶) کسانی که‌پیمان الهی و سوگندهای خود را (به نام مقدّس او) به بهای ناچیزی می‌فروشند،

أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ

بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در

إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

قیامت نگاه (رحمت) نمی‌کند و آنها را پاک نمی‌سازد؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست. (۷۷)

وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ

در میان آنها [= یهود] کسانی هستند که به هنگام تحریف کتاب خدا، زبان خود را چنان می‌گردانند

ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ

که گمان کنید آن (چیزی را که می‌خوانند،) از کتاب خدا است؛ در حالی که از کتاب خدا نیست.

ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ

و (با صراحت) می‌گویند: «آن از سوی خداست.» با این‌که از سوی خدا نیست، و بر خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند.

(٧٨) مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ

(۷۸) برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوّت به او دهد

ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُواْ

سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید» بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید: ای مردم)

رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ (٧٩)

به سبب تعلیم دادن کتاب خدا و فرا گرفتن آن، خداپرست باشید.(۷۹)

وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۗ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ

و به شما دستور نمی‌دهد که فرشتگان و پیامبران را، (به عنوان) پروردگار انتخاب کنید. آیا شما را،

بَعۡدَ إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ (٨٠) وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ

پس از آن‌که مسلمان شدید، به کفر فرمان می‌دهد؟! (۸۰) و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند،از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکّد گرفت،

ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ

که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که با نشانه هایی که نزد شماست،

لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ

هماهنگ بود، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. و فرمود: «آیا پذیرفتید؟ و بر آن،

ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ

با من پیمان مؤکّد بستید؟» گفتند: «(آری) پذیرفتیم.» (خداوند به آنها) فرمود: «پس گواه باشید! و من (نیز)

ٱلشَّٰهِدِينَ (٨١) فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ

با شما از گواهانم.» (۸۱) و کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند،

ٱلۡفَٰسِقُونَ (٨٢) أَفَغَيۡرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبۡغُونَ وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن

فاسق است. (۸۲) آیا آنها (آیینی) غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین اسلام است؛) و تمام کسانی که

فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ (٨٣)

در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیمند؛ و به سوی او بازگردانده می‌شوند. (۸۳)

قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ
بگو: «به خدا ایمان آوردیم؛ و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم
وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ
و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [= پیامبران از فرزندان یعقوب] نازل گردیده؛ و آنچه به موسی
وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَ
و عیسی و سایر پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است؛ در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم؛ و تنها
نَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ
در برابر(فرمان) او تسلیم هستیم.» (۸۴) و هر کس جز اسلام(و تسلیم در برابر فرمان حق،) آیینی برای خود انتخاب کند،
مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيۡفَ يَهۡدِي ٱللَّهُ
از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است. (۸۵) چگونه خداوند گروهی را هدایت می‌کند
قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ
که بعد از ایمان و گواهی به حقانیّت پیامبر و رسیدن نشانه‌های روشن به آنها، کافر شدند؟!
ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُوْلَٰٓئِكَ
و خدا، گروه ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! (۸۶) کیفر آنها،
جَزَآؤُهُمۡ أَنَّ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةَ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ
این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست.
﴿٨٧﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ
(۸۷) همواره در این لعن (و دوری از رحمت خداوند) می‌مانند؛ نه از مجازاتشان کاسته می‌شود؛ و نه به آنها مهلت داده خواهد شد.
﴿٨٨﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ
(۸۸) مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند؛ (و گذشته را جبران کنند) زیرا خداوند، آمرزنده و
رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا
مهربان است. (۸۹) کسانی که‌پس از ایمان آوردن، کافر شدند و سپس بر کفر (خود) افزودند، هیچ گاه توبه آنان،
لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
(که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می‌گیرد،) پذیرفته نمی‌شود؛ و آنهاگمراهان (واقعی)اند. (۹۰) کسانی که کافر شدند و
وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا
درحال کفر از دنیا رفتند، اگر صفحهٔ زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیه
وَلَوِ ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٩١﴾
(و کفّارهٔ اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها پذیرفته نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازاتِ دردناکی است؛ و هیچ یاوری ندارند.(۹۱)

لَن تَنَالُوا۟ ٱلْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا۟ مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنفِقُوا۟ مِن شَىْءٍ فَإِنَّ

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید،

ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾ ۞ كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ

خداوند از آن آگاه است. (۹۲) همهٔ خوردنی‌ها بر بنی‌اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل [= یعقوب]

إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ مِن قَبْلِ أَن تُنَزَّلَ ٱلتَّوْرَىٰةُ ۗ قُلْ

پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ بگو: «اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید

فَأْتُوا۟ بِٱلتَّوْرَىٰةِ فَٱتْلُوهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٩٣﴾ فَمَنِ ٱفْتَرَىٰ

(تا معلوم شود این نسبتهایی که به پیامبران پیشین می‌دهید، حتی در تورات تحریف شدهٔ شما نیست.)» (۹۳) بنابراین، آنها که

عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلْ

بعد از این (علم و آگاهی) بر خدا دروغ می‌بندند، ستمکارند. (۹۴) بگو: «خدا راست گفته

صَدَقَ ٱللَّهُ ۗ فَٱتَّبِعُوا۟ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾

(و اینها در آیین پاک ابراهیم نبوده) است. بنابراین، از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت، و از مشرکان نبود.» (۹۵)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَٰلَمِينَ

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) بنا نهاده شد، همان است که در سرزمین مکّه است؛ که پربرکت، و مایه هدایت جهانیان است.

﴿٩٦﴾ فِيهِ ءَايَٰتٌۢ بَيِّنَٰتٌ مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ ۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنًا ۗ وَلِلَّهِ

(۹۶) در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن (حرم) شود، در امان خواهد بود؛

عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ

و برای خدا بر مردم (واجب) است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (وحجّ‌را‌ترک کند،به خود زیان

ٱللَّهَ غَنِىٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٧﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ

رسانده)، و خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است. (۹۷) بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟!

بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ

و در حالی که خدا بر اعمالی که انجام می‌دهید، گواه است.» (۹۸) بگو: «ای اهل کتاب! چرا افرادی را

لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ

که ایمان آورده‌اند، از راه خدا باز می‌دارید، و می‌خواهید این راه را منحرف کنید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید؛

شُهَدَآءُ ۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِن

و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست.» (۹۹) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی

تُطِيعُوا۟ فَرِيقًا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَٰنِكُمْ كَٰفِرِينَ ﴿١٠٠﴾

از اهل کتاب، (که کارشان نفاق‌افکنی است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر باز می‌گردانند. (۱۰۰)

وَكَيۡفَ تَكۡفُرُونَ وَأَنتُمۡ تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمۡ

و چگونه کفر می‌ورزید، با این‌که (در دامان وحی قرار گرفته‌اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می‌شود،

رَسُولُهُۥۗ وَمَن يَعۡتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدۡ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿١٠١﴾ يَٰٓأَيُّهَا

و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابراین، به خداتمسّک جویید.) و هر کس به خداتمسّک جوید، به راهی راست،هدایت‌شده‌است. (۱۰۱) ای

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ

کسانی‌که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزگاری است، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ و جز بر آیین اسلام از دنیا نروید

﴿١٠٢﴾ وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ

(۱۰۲) و همگی به ریسمان خدا [= قرآن، و هر گونه وسیلهٔ وحدت الهی]، چنگ زنید، وپراکنده نشوید؛ ونعمتِ (بزرگ)

ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ

خدا را بر خود،به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت برقرار ساخت، و به برکتِ نعمتِ

إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ

او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین،

ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ

خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید هدایت شوید. (۱۰۳) و (برای رسیدن به وحدت) باید

إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ

از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و

ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٠٤﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ

رستگاران آنها هستند. (۱۰۴) و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آن رسیده پراکنده شدند

بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿١٠٥﴾ يَوۡمَ

و اختلاف کردند؛ و آنها عذاب عظیمی دارند. (۱۰۵) (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود

تَبۡيَضُّ وُجُوهٞ وَتَسۡوَدُّ وُجُوهٞۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡوَدَّتۡ وُجُوهُهُمۡ أَكَفَرۡتُم

که چهره‌هایی سفید، و چهره‌هایی سیاه می‌گردد؛امّا آنها که صورتهایشان سیاه است، (به آنها گفته می‌شود:) آیا

بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ

بعد از ایمان، (و برادری در سایهٔ آن،) کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، بسبب آنچه انکار می‌کردید! (۱۰۶) و امّا آنها

ٱبۡيَضَّتۡ وُجُوهُهُمۡ فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلۡكَ

که چهره‌هایشان سفید است، در رحمتِ خداوند، جاودانه خواهند ماند. (۱۰۷) اینها

ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۗ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٨﴾

آیات خداست؛ که آن را بحق بر تو می‌خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی بر (احدی از) جهانیان روا نمی‌دارد. (۱۰۸)

وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾

و (چگونه ممکن است خدا ستم کند؟! در حالي که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است، از آن خداست؛ و همهٔ امور، به سوی خدا باز می‌گردد. (۱۰۹)

كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ

شما بهترين امّتي بوديدكه به سود انسانها آفريده شده‌ايد؛ (چه اين‌که) امر به معروف و نهی

عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ ۗ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ ٱلْكِتَٰبِ

از منكر مي‌كنيد و به خدا ايمان داريد. و اگر اهل كتاب، (به چنين برنامه و آيين درخشاني،) ايمان مي‌آوردند،

لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم ۚ مِّنْهُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿١١٠﴾

براي آنها بهتر بود؛ (ولي تنها) كمي از آنها با ايمانند؛ وبيشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار).

لَن يَضُرُّوكُمْ إِلَّآ أَذًى ۖ وَإِن يُقَٰتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ ٱلْأَدْبَارَ

(۱۱۰) آنها [= اهل كتاب، مخصوصاً يهود] هرگز نمي‌توانند به شما زيان برسانند، جز آزارهاي مختصر؛ و اگر با شما پيكار كنند، به شما پشت خواهند كرد (و

ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١١١﴾ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوٓا۟ إِلَّا بِحَبْلٍ

شكست مي‌خورند)؛ سپس ياري نخواهند شد. (۱۱۱) هر جا يافت شوند، مهر ذلّت بر آنان خورده است؛ مگر با ارتباط به خدا،

مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ ٱلنَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ

(و تجديد نظر در روش ناپسند خود،) يا با ارتباط به مردم (و وابستگي به اين و آن)؛ و به خشم خدا، گرفتار شده‌اند؛

ٱلْمَسْكَنَةُ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَ

و مُهر بيچارگي بر آنها زده شده؛ چرا كه آنهابه آيات خدا، كفر مي‌ورزيدند

يَقْتُلُونَ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾

و پيامبران را به ناحق مي‌كشتند. اين بخاطر آن بود كه نافرماني كردند؛ و (به حقوق ديگران،) تجاوز مي‌نمودند. (۱۱۲)

۞ لَيْسُوا۟ سَوَآءً ۗ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ

آنها يكسان نيستند؛ (زيرا) گروهي از اهل كتاب، (به حق و ايمان) قيام مي‌كنند؛ و پيوسته در اوقات شب،

ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ

آيات خدا را مي‌خوانند؛ در حالي كه سجده مي‌نمايند. (۱۱۳) به خدا و روز واپسين ايمان مي‌آورند؛

ٱلْـَٔاخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَ

امر به معروف و نهي از منكر مي‌كنند؛ و در انجام كارهاي نيك،

يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْخَيْرَٰتِ وَأُو۟لَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا

بر يكديگر پيشي مي‌گيرند؛ و آنها از صالحانند. (۱۱۴) و آنچه از

يَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

اعمال نيك انجام دهند، هرگز بدون پاداش نخواهد ماند؛ و خدا از پرهيزگاران، آگاه است. (۱۱۵)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ
کسانی که کافر شدند، هرگز اموال و فرزندانشان نمی‌تواند چیزی، از مجازات خدا را از
ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١١٦﴾ مَثَلُ
آنان بکاهد، آنهااصحاب دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (۱۱۶) آنچه آنها در این
مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَثَلِ رِيحٖ فِيهَا صِرٌّ
زندگی دنیا انفاق می‌کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده
أَصَابَتۡ حَرۡثَ قَوۡمٖ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَأَهۡلَكَتۡهُۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ
(و در جایگاه نامناسب، کشت نموده‌اند)، بوزد؛ و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده؛
ٱللَّهُ وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا
بلکه آنها، خودشان به خویشتن ستم می‌کنند. (۱۱۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!
تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ
محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید. آنها از هر گونه شرّ و فسادی دربارهٔ شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما
قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُۚ قَدۡ
در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از سخنانشان آشکار شده؛ و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راههای پیشگیری
بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿١١٨﴾ هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا
از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر بیاندیشید. (۱۱۸) شما کسانی هستید که آنها را دوست دارید؛ امّا آنها شما رادوست ندارند.
يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا
و (شما) به همهٔ کتابهای آسمانی ایمان دارید ولی (آنها) هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (بدروغ) می‌گویند:
خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ
«ایمان آورده‌ایم.» امّا هنگامی که تنها می‌شوند، از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان (خود را به دندان) می‌گزند! بگو: «با همین خشم بمیرید!
عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن
خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.» (۱۱۹) اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می‌کند؛ و اگر حادثهٔ ناگواری برای شما رخ دهد،
تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَاۖ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ
خوشحال می‌شوند. ولی اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، توطئه‌های آنان، به شما زیانی نمی‌رساند؛
كَيۡدُهُمۡ شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ﴿١٢٠﴾ وَإِذۡ غَدَوۡتَ
زیرا خداوند بر آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (۱۲۰) و (به یاد آور) زمانی را که (در آستانهٔ جنگ احد)
مِنۡ أَهۡلِكَ تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾
صبحگاهان، از میان خانوادهٔ خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان، بیرون رفتی، و خداوند، شنوا و داناست. (۱۲۱)

إِذۡ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمۡ أَن تَفۡشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَاۗ وَعَلَى ٱللَّهِ

(و به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه باز گردند)؛ و خداوند یاور آنها بود (که از این فکر بازگردند)؛ و

فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ

افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکّل کنند. (۱۲۲) خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و پیروز شدید)؛ در حالی که شما، (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذۡ تَقُولُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ أَلَن

(مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، تا شکر نعمت او را به جا آورده باشید! (۱۲۳) در آن هنگام که به مؤمنان می‌گفتی:

يَكۡفِيَكُمۡ أَن يُمِدَّكُمۡ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُنزَلِينَ

«آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که (از آسمان) فرود می‌آیند، یاری کند؟!»

﴿١٢٤﴾ بَلَىٰٓۚ إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا يُمۡدِدۡكُمۡ

(۱۲۴) آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، پروردگارتان

رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ

شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان نشان دار، مدد خواهد داد. (۱۲۵) ولی این (یاری فرشتگان) را خداوند

إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ

فقط برای بشارت، و اطمینان خاطر شما قرار داده؛وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند

ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقۡطَعَ طَرَفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡ يَكۡبِتَهُمۡ

توانای حکیم است. (۱۲۶) (این وعده را که خدا به شما داده،) برای این است که قسمتی از (پیکر لشکر) کافران را قطع کند؛یا آنها را با ذلّت برگرداند؛

فَيَنقَلِبُواْ خَآئِبِينَ ﴿١٢٧﴾ لَيۡسَ لَكَ مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡ

تا مأیوس و ناامید، (به وطن خود) بازگردند. (۱۲۷) هیچ گونه اختیاری (دربارهٔ عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ،) برای تو نیست؛ مگر این‌که (خدا)

أَوۡ يُعَذِّبَهُمۡ فَإِنَّهُمۡ ظَٰلِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي

بخواهدآنها را ببخشد، یا مجازات کند؛ زیرا آنها ستمکارند. (۱۲۸) و آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست،

ٱلۡأَرۡضِۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ

هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌آمرزد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می‌کند؛ و خداوند آمرزندهٔ مهربان است.

﴿١٢٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضۡعَٰفٗا مُّضَٰعَفَةٗۖ

(۱۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید.

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِيٓ أُعِدَّتۡ

و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید. (۱۳۰) و از آتشی بپرهیزید که برای

لِلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

کافران آماده شده است! (۱۳۱) و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید. (۱۳۲)

۞ وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا
و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان؛ و بهشتی که وسعت آن،
ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي
آسمانها و زمین است؛ و برای پرهیزگاران آماده شده است. (۱۳۳) (همان) کسانی که در توانگری و تنگدستی،
ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ
انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از (خطای) مردم درمی‌گذرند؛
وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ
و خدا نیکوکاران را دوست دارد (۱۳۴) و کسانی که هرگاه مرتکب عمل زشتی شوند،
ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ
یا به خود ستم کنند، خدا را یاد کرده؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند - و کیست
ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ
جز خدا که گناهان را ببخشد؟ - و اصرار بر گناه، نمی‌ورزند، در حالی که آگاهند.
﴿١٣٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَجَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن
(۱۳۵) چنین کسانی پاداششان آمرزش پروردگار است، و باغهایی بهشتی که از پای درختان آن،
تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدۡ
نهرها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ و چه نیکو است پاداش عمل کنندگان! (۱۳۶)
خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُمۡ سُنَنٞ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ
پیش از شما، سنّت‌ها (و مجازات‌های الهی بر طبق اعمال امت‌ها) وجود داشت پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان
عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَٰذَا بَيَانٞ لِّلنَّاسِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٞ
(آیات خدا) چگونه بوده است؟! (۱۳۷) این، بیان و هشداری است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است
لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن
برای پرهیزگاران. (۱۳۸) هرگز سست نشوید! و غمگین نگردید؛ و شما برترید
كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِن يَمۡسَسۡكُمۡ قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ
اگر ایمان داشته باشید. (۱۳۹) اگر (در جنگ اُحُد،) به شما جراحتی رسید (و ضربه‌ای وارد شد)،به آن جمعیّت (نیز در جنگ بدر)،
قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ
جراحتی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم؛ (و این خاصیّت زندگی دنیاست)تا خدا،
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٤٠﴾
افرادی را که ایمان آورده‌اند، مشخص سازد؛ و (خداوند) از میان خودتان، شاهدانی بگیرد. و خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد.(۱۴۰)

وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمۡحَقَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمۡ

و تا خداوند، افراد با ایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را (بتدریج) نابود سازد. (۱۴۱) آیا

حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ

چنین پنداشتید که (تنها با ادّعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد،در حالی که خداوند هنوز

مِنكُمۡ وَيَعۡلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدۡ كُنتُمۡ تَمَنَّوۡنَ ٱلۡمَوۡتَ مِن قَبۡلِ

مجاهدان از شما و صابران را مشخّص نساخته است؟! (۱۴۲) و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را، پیش از آن‌که با آن رو به رو شوید،

أَن تَلۡقَوۡهُ فَقَدۡ رَأَيۡتُمُوهُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ

آرزو می‌کردید؛ سپس آن را (با چشم خود) دیدید، در حالی که به آن نگاه می‌کردید (و حاضر نبودید به آن تن در دهید.) (۱۴۳) محمّد فقط فرستاده خداست؛

قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوۡ قُتِلَ ٱنقَلَبۡتُمۡ عَلَىٰٓ

و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود،

أَعۡقَٰبِكُمۡۚ وَمَن يَنقَلِبۡ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۗ وَ

شما به گذشته (و دوران جاهلیت) باز برمی‌گردید؟! و هر کس به گذشته بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌رساند؛

سَيَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفۡسٍ أَن تَمُوتَ

و خداوند بزودی شاکران (و ثابت قدمان) را پاداش خواهد داد. (۱۴۴) هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی‌میرد؛

إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِ كِتَٰبٗا مُّؤَجَّلٗاۗ وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ

سرنوشتی است تعیین شده؛ و هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد،)

مِنۡهَا وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلۡأٓخِرَةِ نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَاۚ وَسَنَجۡزِي ٱلشَّٰكِرِينَ

سهمی از آن را به او خواهیم داد؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، سهمی از آن به او می‌دهیم؛ و بزودی شکرگزاران را پاداش خواهیم داد.

﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ

(۱۴۵) چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند. آنها (هیچ گاه)

أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ

در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و تن به تسلیم ندادند؛ و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.

﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ

(۱۴۶) سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان و تندروی‌های ما در کارها را بر ما ببخش،

أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَـَٔاتَىٰهُمُ

قدمهای ما را استوار بدار، و ما را بر جمعیّت کافران، پیروز گردان.» (۱۴۷) از این رو

ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا وَحُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

خداوند پاداش دنیا، و پاداش نیک آخرت را به آنها داد؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۴۸)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید،
يَرُدُّوكُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ
شما را به گذشته‌هایتان باز می‌گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد. (۱۴۹)
ٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلنَّٰصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ
(آنها تکیه‌گاه شما نیستند،) بلکه ولیّ و پشتیبان شما، خداست؛ و او بهترین یاوران است. (۱۵۰) بزودی در دلهای کافران، به سبب این‌که،
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ
چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند که (خداوند) هیچ گونه دلیلی دربارهٔ آن نازل نکرده بود،
بِهِۦ سُلۡطَٰنٗاۖ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلظَّٰلِمِينَ
رعب و وحشت می‌افکنیم؛ و جایگاه آنها، آتش است؛ و چه بد است جایگاه ستمکاران!
﴿١٥١﴾ وَلَقَدۡ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥٓ إِذۡ تَحُسُّونَهُم
(۱۵۱) خداوند، وعدهٔ خود را به شما، (دربارهٔ پیروزی بر دشمن در اُحُد،) تحقّق بخشید؛
بِإِذۡنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَ
در آن هنگام که دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رساندید؛ تا این‌که سست شدید؛ و در کار
عَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَۚ مِنكُم مَّن
(حفظ سنگرها) به نزاع پرداختید؛ و بعد از آن که خداوند آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد،
يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۚ ثُمَّ صَرَفَكُمۡ
نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند؛ و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از غلبه بر آنان بازگرداند؛
عَنۡهُمۡ لِيَبۡتَلِيَكُمۡۖ وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ
(و پیروزی شما به شکست انجامید؛) تا شما را بیازماید. و او شما را بخشید؛ و خداوند نسبت
عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٥٢﴾ ۞ إِذۡ تُصۡعِدُونَ وَلَا تَلۡوُۥنَ
به مؤمنان، دارای احسان و بخشش است. (۱۵۲) (به خاطر بیاورید) هنگامی را که از کوه بالا می‌رفتید؛
عَلَىٰٓ أَحَدٖ وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ فِيٓ أُخۡرَىٰكُمۡ
و (یا در بیابان پراکنده می‌شدید؛ و از وحشت،) به هیچ کس (از عقب‌ماندگان) نگاه نمی‌کردید؛
فَأَثَٰبَكُمۡ غَمَّۢا بِغَمّٖ لِّكَيۡلَا تَحۡزَنُواْ عَلَىٰ مَا
در حالی که پیامبر از پشت سر، شما را صدا می‌زد. سپس اندوهها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد؛ این بخاطر آن بود که دیگر نه برای از
فَاتَكُمۡ وَلَا مَآ أَصَٰبَكُمۡۗ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٥٣﴾
دست رفتن چیزی (مانند غنایم جنگی) غمگین شوید، و نه بخاطر مصیبتهایی که بر شما وارد می‌گردد. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۱۵۳)

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنۢ بَعۡدِ ٱلۡغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغۡشَىٰ طَآئِفَةً

سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، به صورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه اُحُد،)

مِّنكُمۡۖ وَطَآئِفَةٌ قَدۡ أَهَمَّتۡهُمۡ أَنفُسُهُمۡ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ

گروهی از شما را فرا گرفت؛امّا گروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ (و خواب به چشمانشان نرفت.) آنها

ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ مِن شَيۡءٍۗ قُلۡ إِنَّ

گمانهای نادرستی ـ همچون گمانهای دوران جاهلیت ـ دربارهٔ خدا داشتند؛ و می‌گفتند: «آیا سهمی از پیروزی نصیب ما می‌شود؟!» بگو:

ٱلۡأَمۡرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِۗ يُخۡفُونَ فِيٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبۡدُونَ لَكَۖ يَقُولُونَ

«همهٔ کارها (و پیروزیها) به دست خداست.» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند؛ می‌گویند:

لَوۡ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ مَّا قُتِلۡنَا هَٰهُنَاۗ قُل لَّوۡ كُنتُمۡ فِي بُيُوتِكُمۡ

«اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی‌شدیم.» بگو: «اگر در خانه‌های خود نیز، بودید،

لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَتۡلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمۡۖ وَلِيَبۡتَلِيَ ٱللَّهُ مَا

آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرّر شده بود،قطعاً به سوی قتلگاه‌های خود، بیرون می‌آمدند (و کشته می‌شدند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه

فِي صُدُورِكُمۡ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ

در سینه‌هایتان پنهان دارید، بیازماید؛و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آنچه در درون

ٱلصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ مِنكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ إِنَّمَا

سینه‌هاست، آگاه است.» (۱۵۴) کسانی از شما که در روز رو به رو شدن دو جمعیّت با یکدیگر (در جنگ اُحُد)، فرار کردند،

ٱسۡتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِبَعۡضِ مَا كَسَبُواْۖ وَلَقَدۡ عَفَا ٱللَّهُ عَنۡهُمۡۗ

شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت؛ ولی خداوند آنها را بخشید.

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ ﴿١٥٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ

زیرا خداوند، آمرزنده و دارای حلم است. (۱۵۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند

كَفَرُواْ وَقَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ إِذَا ضَرَبُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ كَانُواْ غُزّٗى لَّوۡ

کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می‌روند (و می‌میرند) یا در جنگ شرکت می‌کنند (و کشته می‌شوند)، می‌گویند:

كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ لِيَجۡعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسۡرَةٗ فِي قُلُوبِهِمۡۗ

«اگر آنها نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند!» (شما از این گونه سخنان نگویید،) تا خدا این حسرت را بر دل آنها بگذارد.

وَٱللَّهُ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِن قُتِلۡتُمۡ فِي

خداوند، زنده می‌کند و می‌میراند؛ (و زندگی و مرگ، به دست اوست؛) و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (۱۵۶) و اگر در راه خدا کشته

سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوۡ مُتُّمۡ لَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحۡمَةٌ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

شوید یا بمیرید، (زیان نکرده‌اید؛ زیرا) آمرزش و رحمت خدا، از آنچه (آنها درطول عمر خود،) جمع‌آوری می‌کنند، بهتر است. (۱۵۷)

وَلَئِن مُّتُّمۡ أَوۡ قُتِلۡتُمۡ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحۡشَرُونَ (١٥٨) فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ

و اگر بميريد يا كشته شويد، به سوى خدا محشور مى‌شويد. (و در جوار رحمت او خواهيد بود.) (۱۵۸) به سبب رحمت الهى، در

ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ

برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدى! و اگرخشن و سنگدل بودى، از اطراف تو، پراكنده مى‌شدند.

فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِۖ فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ

پس آنها را ببخش و براى آنها آمرزش بطلب؛ و در كارها، با آنان مشورت كن! اما هنگامى كه تصميم گرفتى، (قاطع باش و)

عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ (١٥٩) إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ

بر خدا توكّل كن؛ زيرا خداوند توكّل كنندگان را دوست دارد. (۱۵۹) اگر خداوند شما را يارى كند،

لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ وَعَلَى ٱللَّهِ

هيچ كس بر شما غلبه نخواهد كرد؛ و اگر دست از يارى شما بردارد، كيست كه بعد از او، شما را يارى كند؟!

فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ (١٦٠) وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّۚ وَمَن يَغۡلُلۡ يَأۡتِ

و مؤمنان بايد، تنها بر خداوند توكّل كنند. (۱۶۰) ممكن نيست هيچ پيامبرى خيانت كند. و هر كس خيانت كند،

بِمَا غَلَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا

روز رستاخيز، آنچه را در آن خيانت كرده، (با خود به صحنهٔ محشر) مى‌آورد؛ سپس (نتيجهٔ) اعمال هركس، بطور كامل به او داده مى‌شود؛

يُظۡلَمُونَ (١٦١) أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٖ مِّنَ ٱللَّهِ

و به آنها ستم نخواهد شد. (۱۶۱) آيا كسى كه به دنبال رضاى خدا بوده، همانند كسى است كه به خشم الهى گرفتار شده

وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ (١٦٢) هُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ

و جايگاه او جهنّم، و پايان كار او بسيار بد است؟! (۱۶۲) هر يک از آنان، درجه و مقامى در پيشگاه خدا دارند؛

بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ (١٦٣) لَقَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ بَعَثَ

وخداوند به آنچه انجام مى‌دهند، بيناست. (۱۶۳) خداوند بر مؤمنان نعمت بزرگى بخشيد، هنگامى كه در ميان آنها،

فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَ

پيامبرى از خودشان برانگيخت؛ تا آيات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاكيزه سازد

يُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي

و كتاب و حكمت بياموزد؛ هر چند پيش از آن، در گمراهى آشكارى بودند.

ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ (١٦٤) أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ

(۱۶۴) آيا هنگامى كه مصيبتى (در اُحُد) به شما رسيد، در حالى كه دو برابر آن را (در بدر بر دشمن) وارد ساخته بوديد، گفتيد: «اين مصيبت از كجاست؟»؟!

أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ (١٦٥)

بگو: «از ناحيهٔ خود شماست (كه در جنگ احد، با دستور پيامبر مخالفت كرديد)! خداوند بر هر چيزى تواناست.(۱۶۵)

وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ

و آنچه - روزی که دو گروه با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و طبق سنّت الهی) بود؛ و برای این بود که مؤمنان را مشخص کند.

﴿١٦٦﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُواْۚ وَقِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ قَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ

(۱۶۶) و (نیز) برای این بود که منافقان شناخته شوند؛ آنهایی که به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدانبرد کنید؛

أَوِ ٱدۡفَعُواْۖ قَالُواْ لَوۡ نَعۡلَمُ قِتَالٗا لَّٱتَّبَعۡنَٰكُمۡۗ هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ

یا (از حریم خود،) دفاع نمایید.» گفتند: «اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می‌کردیم. (امّا می‌دانیم جنگی نمی‌شود.)»

أَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ لِلۡإِيمَٰنِۚ يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ

آنها در آن روز، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان؛ به زبان خود چیزی می‌گویند که در دلهایشان نیست.

وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ

و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند، آگاهتر است. (۱۶۷) همان کسانی (از منافقان) که به برادران (مؤمن) خود - در حالی که از حمایت آنها دست کشیده

أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ

بودند- گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می‌کردند، کشته نمی‌شدند.» بگو: «(اگر می‌توانید مرگ افراد را پیش‌بینی کنید،) پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر

صَٰدِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ

راست می‌گویید!» (۱۶۸) (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند! بلکه زنده‌اند،

أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ

و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (۱۶۹) آنها بخاطر نعمتهایی که خداوندازفضل خود به ایشان بخشیده است،

وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ

خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند [= مجاهدان و شهیدان آینده]، شادمانند؛ که نه ترسی بر آنهاست،

وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ ۞ يَسۡتَبۡشِرُونَ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ

و نه اندوهی خواهند داشت. (۱۷۰) و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند؛

الحزب ۸

وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٧١﴾ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ

و (می‌بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی‌کند. (۱۷۱) کسانی که دعوت خدا و پیامبر را، پس از (آن همه)

مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡقَرۡحُۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ مِنۡهُمۡ وَٱتَّقَوۡاْ

جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و به سوی میدان دیگری شتافتند؛) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیشه نمودند،

أَجۡرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾ ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ

پاداش بزرگی است. (۱۷۲) (همان) کسانی که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «دشمنان برای (حمله به) شما گرد آمده‌اند؛

فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

از آنها بترسید!» امّا این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را بس است؛ و او بهترین حامی ماست.» (۱۷۳)

فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ وَٱتَّبَعُواْ

به همین جهت، آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگار، بازگشتند؛ در حالی که هیچ بدی به آنان نرسید؛

رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ

و خشنودی خدا را بدست آوردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. (۱۷۴) این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان

يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَا

و شایعات بی‌اساس،) می‌ترساند. از آنها نترسید؛ و تنها از (مخالفت) من بترسید اگر ایمان دارید! (۱۷۵) کسانی که

يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِۚ إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۗ

در راه کفر، شتاب می‌کنند، تو را غمگین نسازند! به یقین، آنها هرگز زیانی به خداوند نمی‌رسانند.

يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجۡعَلَ لَهُمۡ حَظّٗا فِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾

و خدا می‌خواهد (آنها را به حال خودشان واگذارد؛ و در نتیجه،) بهره‌ای برای آنها در آخرت قرار ندهد. و برای آنها مجازات بزرگی است! (۱۷۶)

إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗا وَلَهُمۡ

(آری،) کسانی که‌ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زیانی نمی‌رسانند؛ و برای آنها،

عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٧٧﴾ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ

مجازات دردناکی است! (۱۷۷) آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) گمان نکنند مهلتی که به آنان می‌دهیم،

لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۚ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ

به سودشان است. ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای این‌که بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است.

﴿١٧٨﴾ مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ

(۱۷۸) ممکن نبود که خداوند، مومنان را به همین گونه که شما هستید واگذارد؛ مگر آن‌که ناپاک را از پاک جدا سازد.

مِنَ ٱلطَّيِّبِۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطۡلِعَكُمۡ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجۡتَبِي مِن

و ممکن نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید)؛ ولی خداوند از میان پیامبران خود، هر کس را بخواهد

رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَلَكُمۡ

برمی‌گزیند؛ (و برای رهبری مردم از غیب آگاهش می‌کند) پس به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید،

أَجۡرٌ عَظِيمٞ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن

پاداش بزرگی برای شماست (۱۷۹) کسانی که نسبت به آنچه خدا از فضل خویش به آنان داده، بخل می‌ورزند (و انفاق نمی‌کنند)،

فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوۡمَ

گمان نکنند این کار به سود آنهاست؛ بلکه برای آنها شرّ است؛ بزودی در روز قیامت، آنچه نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند

ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ﴿١٨٠﴾

طوقی به گردنشان افکنده می‌شود. و میراث آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خداوند، از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۱۸۰)

لَّقَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٞ وَنَحۡنُ أَغۡنِيَآءُۘ

خداوند، سخن آنها [= گروهی از یهود] را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی‌نیازیم»، شنید!

سَنَكۡتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتۡلَهُمُ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَنَقُولُ ذُوقُواْ

بزودی آنچه را گفتند، و(نیز) کشتن پیامبران را به نا حق، خواهیم نوشت؛ و به آنها خواهیم گفت:

عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ

«بچشید عذاب سوزان را!» (۱۸۱) این بخاطر کارهایی است که با دست خود از پیش فرستاده‌اید و اینکه خداوند،

لَيۡسَ بِظَلَّامٖ لِّلۡعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ عَهِدَ إِلَيۡنَآ

نسبت به بندگان (خود)، هرگز ستم روا نمی‌دارد. (۱۸۲) (اینها همان) کسانی (هستند) که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته

أَلَّا نُؤۡمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأۡتِيَنَا بِقُرۡبَانٖ تَأۡكُلُهُ ٱلنَّارُۗ قُلۡ قَدۡ

که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا (به عنوان معجزه) یک قربانی بیاورد، که آتش (صاعقه) آن را بسوزاند!» بگو:

جَآءَكُمۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِي بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَبِٱلَّذِي قُلۡتُمۡ فَلِمَ قَتَلۡتُمُوهُمۡ

«پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند؛ و دلایل روشن، و آنچه را گفتید آوردند؛ اگر راست می‌گویید

إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٨٣﴾ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَ رُسُلٞ مِّن

چرا آنها را به قتل رساندید؟!» (۱۸۳) پس اگر (این بهانه جویان) تو را تکذیب کنند، (چیز تازه‌ای نیست؛)

قَبۡلِكَ جَآءُو بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفۡسٖ

پیامبران پیش از تو (نیز) تکذیب شدند؛ (پیامبرانی) که دلایل آشکار، و نوشته‌های متین و محکم، و کتاب روشنی بخش آورده بودند. (۱۸۴) هر انسانی

ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوۡنَ أُجُورَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ فَمَن

مرگ را می‌چشد؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛

زُحۡزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدۡخِلَ ٱلۡجَنَّةَ فَقَدۡ فَازَۗ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ

و هر کس از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شود، نجات یافته و رستگار شده است و زندگی

ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ ۞ لَتُبۡلَوُنَّ فِيٓ أَمۡوَٰلِكُمۡ

دنیا، چیزی جز مایهٔ فریب نیست. (۱۸۵) به یقین (همهٔ شما) در اموال و جانهای خود،

وَأَنفُسِكُمۡ وَلَتَسۡمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ

آزمایش می‌شوید! و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب آسمانی داده شده

مِن قَبۡلِكُمۡ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَذٗى كَثِيرٗاۚ

و از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید. و اگر استقامت کنید

وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است؛ زیرا) این (استقامت و تقوا) از کارهای مهمّ است (۱۸۶)

وَإِذْ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده،

وَلَا تَكْتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَٱشْتَرَوْا۟ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ

پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید؛ ولی آنها، آن را پشت سر افکندند؛ و به بهای

فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أَتَوا۟

ناچیزی فروختند؛ و چه بد متاعی می‌خرند؟! (۱۸۷) گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند، و دوست دارند

وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا۟ بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا۟ فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ

در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند.

ٱلْعَذَابِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

(بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است! (۱۸۸) و حکومت و مالکیت آسمانها و

وَٱلْأَرْضِ ۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

زمین، از آن خداست؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. (۱۸۹) به یقین در آفرینش آسمانها

وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ

و زمین، و آمد و شد شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است.

﴿١٩٠﴾ ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ

(۱۹۰) (همان) کسانی که خدا را ایستاده و نشسته، و در حالی که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛

يَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا

و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند:) پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛

سُبْحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدْ

منزّهی تو! ما را از عذاب دوزخ، نگاهدار. (۱۹۱) پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمالش،) به آتش افکنی،

أَخْزَيْتَهُۥ ۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

او را خوار و رسوا ساخته‌ای؛ و برای ستمکاران، هیچ یاوری نیست. (۱۹۲) پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم

يُنَادِى لِلْإِيمَٰنِ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِرَبِّكُمْ فَـَٔامَنَّا ۚ رَبَّنَا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

که به ایمان دعوت می‌کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید.» و ما ایمان آوردیم.

وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا

پروردگارا! گناهان ما را ببخش؛ و بدیهای ما را بپوشان؛ و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران! (۱۹۳) پروردگارا! آنچه را

وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ ٱلْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

بوسیلهٔ پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن؛ و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان؛ زیرا تو هیچ‌گاه از وعدهٔ خود، تخلّف نمی‌کنی. (۱۹۴)

فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ

پروردگارشان، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود:) من عمل هیچ کسي از شما را،

أَوۡ أُنثَىٰۖ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ

زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما از جنس یکدیگر (و پیرو یک آیین). لذا کساني که در راه خدا هجرت کردند، و

وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ

از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند،بیقین گناهانشان را می‌بخشم؛

وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا مِّنۡ

و آنها را در باغهاي بهشتي، که از پاي درختانش نهرها جاري است، وارد مي‌کنم.

عِندِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ

این پاداشي است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد خدا است. (۱۹۵)آمد و شد (پیروزمندانه)

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ﴿١٩٦﴾ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ

کافران در شهرها،تو را نفریبد! (۱۹۶) این متاع ناچیزی است؛ و سپس جایگاهشان دوزخ است.

وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي

و چه بد جایگاهي است! (۱۹۷) ولي کساني که (ایمان دارند، و) از (نافرماني) پروردگارشان مي‌پرهیزند، براي آنها باغهایي بهشتي است،

مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ

که از پای درختانش نهرها جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود. این، (نخستین) پذیرایی است که از سوی خداوند به آنها می‌رسد؛ و آنچه در نزد خداست،

خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ ﴿١٩٨﴾ وَإِنَّ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ

براي نیکان بهتر است! (۱۹۸) و از اهل کتاب، کساني هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده،

وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشۡتَرُونَ

و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند؛ در برابر (فرمان) خدا خاضعند؛ و آیات خدا را به بهاي ناچیزي نمي‌فروشند.

بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ

پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع‌الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها

رَبِّهِمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٩٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

را بسرعت حساب مي‌کند، و پاداش مي‌دهد.) (۱۹۹) اي کساني که ایمان‌آورده‌اید! (دربرابرمشکلات و هوسها،)

ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان، پایدار باشید و ازمرزهای خود، مراقبت کنید و از (مخالفت فرمان) خداپرهیزید، شاید رستگار شوید! (۲۰۰)

سُورَةُ النِّسَاءِ

ترتیبها ٤ — آیاتها ١٧٦

۴ – سوره النساء

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا

ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید همان کسی که (همه) شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛

زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَآءً ۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ

و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که هرگاه چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید و (نیز) از

وَٱلْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾ وَءَاتُواْ ٱلْيَتَٰمَىٰٓ أَمْوَٰلَهُمْ ۖ وَلَا تَتَبَدَّلُواْ

(قطع رابطه با) خویشاوندان (پرهیز کنید) زیرا خداوند، مراقب شماست. (۱) و اموال یتیمان را (هنگامی که به حدّ رشد رسیدند) به آنها بدهید؛ و اموال بد

ٱلْخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِ ۖ وَلَا تَأْكُلُوٓاْ أَمْوَٰلَهُمْ إِلَىٰٓ أَمْوَٰلِكُمْ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

(خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید؛ و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است

﴿٢﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُواْ فِي ٱلْيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ

(۲) واگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم،) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان (پاک) مورد علاقهٔ خود ازدواج

ٱلنِّسَآءِ مَثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ

نمایید، دو یا سه یا چهار همسر؛ واگر می‌ترسید عدالت را (دربارهٔ همسران متعدّد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهایید

أَيْمَٰنُكُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُواْ ﴿٣﴾ وَءَاتُواْ ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحْلَةً ۚ

استفاده کنید. این کار، به ترک ظلم و ستم نزدیک‌تر است. (۳) و مهر زنان را (به طور کامل) بعنوان یک بدهی (یا هدیه)، به آنان بپردازید؛

فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيٓـًٔا مَّرِيٓـًٔا ﴿٤﴾ وَلَا تُؤْتُواْ

(ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید. (۴) اموالتان را که

ٱلسُّفَهَآءَ أَمْوَٰلَكُمُ ٱلَّتِي جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ قِيَٰمًا وَٱرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَٱكْسُوهُمْ

خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید؛ و از منافع آن، به آنها روزی دهید؛ و لباس بر آنان

وَقُولُواْ لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٥﴾ وَٱبْتَلُواْ ٱلْيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُواْ ٱلنِّكَاحَ فَإِنْ

بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید. (۵) و یتیمان را چون به حدّ بلوغ برسند، بیازمایید؛ اگر در آنها رشد (کافی) یافتید،

ءَانَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَٱدْفَعُوٓاْ إِلَيْهِمْ أَمْوَٰلَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَآ إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن

اموالشان را به آنها بدهید. و پیش از آن که بزرگ شوند، اموالشان را عجولانه و از روی اسراف نخورید هر کس که بی‌نیاز است،

يَكْبَرُواْ ۚ وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۖ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِٱلْمَعْرُوفِ ۚ

(از برداشت حق‌الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد) از آن مصرف کند.

فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَٰلَهُمْ فَأَشْهِدُواْ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾

و هنگامی که اموالشان را به آنها باز می‌گردانید، بر آنها شاهد بگیرید؛ (اگر چه) خداوند برای محاسبه کافی است. (۶)

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ
برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان، برجای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز،
مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا
از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن چیز، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده
مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾ وَإِذَا حَضَرَ ٱلْقِسْمَةَ أُو۟لُوا۟ ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ
و پرداختنی. (۷) و اگر به هنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه‌ای که ارث نمی‌برند) و یتیمان و مستمندان،
وَٱلْمَسَٰكِينُ فَٱرْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا۟ لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٨﴾
حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید؛ و با آنان بطور شایسته سخن بگویید. (۸)
وَلْيَخْشَ ٱلَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا۟ مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَٰفًا خَافُوا۟
کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند (از ستم دیگران) بر آنان می‌ترسند،
عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَلْيَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
باید (از ستم دربارهٔ یتیمان مردم) بترسند! و از (مخالفت) خدا بپرهیزند،و سخنی استوار بگویند. (۹) کسانی که
يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا
اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت،) تنها آتش می‌خورند؛ و بزودی در
وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾ يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ فِىٓ أَوْلَٰدِكُمْ لِلذَّكَرِ
شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند. (۱۰) خداوند دربارهٔ فرزندانتان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر،
مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَآءً فَوْقَ ٱثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا
به اندازهٔ سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛
تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَٰحِدَةً فَلَهَا ٱلنِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَٰحِدٍ
و اگر یک دختر باشد، نیمی (از میراث،) از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر میت، یک ششم میراث است،
مِّنْهُمَا ٱلسُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُۥ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُۥ وَلَدٌ وَ
اگر او فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادرش از او ارث می‌برند،
وَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُۥٓ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ ٱلسُّدُسُ مِنۢ
برای مادر او یک سوّم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد
بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِى بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ
(و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است و همه اینها) بعد از انجام وصیّتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما
أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾
نمی‌دانید پدران (و مادران) و فرزندانتان، کدام یک برای شما سودمندترند - این فریضهٔ الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است (۱۱)

۞ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَٰجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن

و برای شما، نصف میراث زنانتان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛

لَّهُنَّ وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا

و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم میراث آنها از آن شماست؛

تَرَكْنَ ۚ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ۚ وَلَهُنَّ

پس از انجام وصیّتی که به آن سفارش کرده‌اند، و ادای دین. و برای زنان شما،

ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَ

یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد،

لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم ۚ مِّنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ

یک هشتم میراث شما از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیّتی که به آن سفارش کرده‌اید،

تُوصُونَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ۗ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَـٰلَةً

و ادای دین. و اگر (میت) مرد یا زنی بوده باشد که خواهر یا برادر از او ارث می‌برند؛

أَوِ ٱمْرَأَةٌ وَلَهُۥٓ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا ٱلسُّدُسُ ۚ فَإِن

و یک برادر یا یک خواهر دارد، سهم هر کدام،یک ششم است (اگر برادر و خواهر مادری باشد)؛

كَانُوٓا۟ أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِى ٱلثُّلُثِ ۚ مِنۢ

و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوّم شریکند؛ پس از انجام وصیّتی

بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَآرٍّ ۚ وَصِيَّةً مِّنَ

که به آن سفارش شده، و ادای دین؛ به شرط آن که (از طریق وصیّت و اقرار به دین،) به ورثه ضرر نزند. این سفارش خداست؛

ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾ تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۚ وَمَن

و خدا دانا و دارای حلم است. (۱۲) اینها مرزهای الهی است؛ و هر کس خدا

يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدْخِلْهُ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن

و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باغهایی بهشتی وارد می‌کند

تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ خَـٰلِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ

که نهرها از پای درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود؛ و این، رستگاری بزرگ است.

ٱلْعَظِيمُ ﴿١٣﴾ وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ

(۱۳) و هر کس در برابر خدا و پیامبرش نا فرمانی کند و از مرزهای او تجاوز نماید، خداوند او را

يُدْخِلْهُ نَارًا خَـٰلِدًا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾

در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد بود؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است. (۱۴)

وَٱلَّٰتِي يَأۡتِينَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمۡ فَٱسۡتَشۡهِدُواْ

و كساني از زنان شما كه مرتكب زنا شوند، چهار نفر از شما مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبيد؛

عَلَيۡهِنَّ أَرۡبَعَةٗ مِّنكُمۡۖ فَإِن شَهِدُواْ فَأَمۡسِكُوهُنَّ فِي ٱلۡبُيُوتِ

اگر گواهي دادند، آن زنان را در خانه‌ها (ى خود) نگاه داريد تا مرگشان فرارسد؛

حَتَّىٰ يَتَوَفَّىٰهُنَّ ٱلۡمَوۡتُ أَوۡ يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلٗا ﴿١٥﴾ وَٱلَّذَانِ

يا اين كه خداوند، براى آنها راه نجاتي قرار دهد. (۱۵) و از ميان شما،

يَأۡتِيَٰنِهَا مِنكُمۡ فَـَٔاذُوهُمَاۖ فَإِن تَابَا وَأَصۡلَحَا فَأَعۡرِضُواْ

آن مرد و زني كه (همسر ندارند، و) مرتكب آن كار (زشت) مي‌شوند، آنها را (با اجراى حد) مجازات كنيد

عَنۡهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ تَوَّابٗا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾ إِنَّمَا ٱلتَّوۡبَةُ عَلَى ٱللَّهِ

و اگر توبه كنند، و (خود را) اصلاح نمايند، از آنها درگذريد زيرا خداوند، توبه‌پذير و مهربان است. (۱۶) پذيرش توبه از سوى خدا، تنها براى

لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٖ فَأُوْلَٰٓئِكَ

كساني است كه كار بد را از روى جهالت انجام مي‌دهند، سپس به زودى توبه مي‌كنند. خداوند،

يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿١٧﴾ وَلَيۡسَتِ

توبهٔ چنين كساني را مي‌پذيرد؛ و خدا دانا و حكيم است. (۱۷) ولي توبهٔ كساني كه

ٱلتَّوۡبَةُ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ

كارهاى بد را انجام مي‌دهند، تا هنگامي كه مرگ يكي از آنها فرا مي‌رسد مي‌گويد:

ٱلۡمَوۡتُ قَالَ إِنِّي تُبۡتُ ٱلۡـَٰٔنَ وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمۡ

«الان توبه كردم»، پذيرفته نيست؛ و نه كساني كه در حال كفر از دنيا مي‌روند؛

كُفَّارٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ﴿١٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا

اينها كساني هستند كه عذاب دردناكي برايشان فراهم كرده‌ايم. (۱۸) اى كساني كه

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَرِثُواْ ٱلنِّسَآءَ كَرۡهٗاۖ وَلَا

ايمان آورده‌ايد! براى شما حلال نيست كه از زنان، از روى اكراه (و ايجاد ناراحتي براى آنها) ارث ببريد

تَعۡضُلُوهُنَّ لِتَذۡهَبُواْ بِبَعۡضِ مَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ إِلَّآ أَن يَأۡتِينَ

و آنان را تحت فشار قرار ندهيد كه قسمتي از آنچه را (به عنوان مهر) به آنها داده‌ايد، تملك كنيد! مگر اين‌كه آنها عمل زشت آشكارى انجام دهند.

بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِن كَرِهۡتُمُوهُنَّ

و با آنان، بطور شايسته رفتار كنيد. و اگر از آنها، (بجهتي) كراهت داشتيد،

فَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَيَجۡعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيۡرٗا كَثِيرٗا ﴿١٩﴾

(فوراً تصميم به جدايي نگيريد؛) چه بسا چيزى خوشايند شما نباشد، و خداوند خير فراواني در آن قرار مي‌دهد. (۱۹)

وَإِنْ أَرَدتُّمُ ٱسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ
و اگر تصميم گرفتيد كه همسر ديگرى به جاى همسر خود انتخاب كنيد، و مال فراوانى (بعنوان مهر) به يكى
إِحْدَىٰهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُواْ مِنْهُ شَيْـًٔا أَتَأْخُذُونَهُۥ بُهْتَٰنًا
از آنها پرداخته‌ايد، چيزى از آن را پس نگيريد. آيا براى باز پس گرفتن آن، به تهمت و گناه آشكار
وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢٠﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُۥ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ
متوسّل مى‌شويد؟! (٢٠) و چگونه آن را باز پس مى‌گيريد، در حالى كه شما با يكديگر آميزش كامل داشته‌ايد؟!
إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا ﴿٢١﴾ وَلَا
و (از اين گذشته،) آنها (هنگام ازدواج،) از شما پيمان محكمى گرفته‌اند. (٢١) با زنانى كه
تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا قَدْ
پدران شما با آنها ازدواج كرده‌اند، ازدواج نكنيد؛ مگر آنچه در گذشته (پيش از نزول اين حكم)
سَلَفَ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً وَمَقْتًا وَسَآءَ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾
انجام شده است؛ زيرا اين، عملى زشت و تنفرآور و راه نادرستى است. (٢٢)
حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَٰتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَٰتُكُمْ وَ
حرام شده است بر شما،مادرانتان، و دختران، و خواهران، و
عَمَّٰتُكُمْ وَخَٰلَٰتُكُمْ وَبَنَاتُ ٱلْأَخِ وَبَنَاتُ ٱلْأُخْتِ وَ
عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما،
أُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِىٓ أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ
و مادرانى كه شما را شير داده‌اند، و خواهران رضاعى شما،
وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِى فِى حُجُورِكُم
و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان كه در دامان شما هستند
مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِى دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُواْ
از همسرانى كه با آنها آميزش جنسى داشته‌ايد - و چنانچه با آنها آميزش نداشته‌ايد،
دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَٰٓئِلُ أَبْنَآئِكُمُ
(دختران آنها) براى شما مانعى ندارد - و (همچنين) همسرهاى پسرانتان كه از نسل شما هستند
ٱلَّذِينَ مِنْ أَصْلَٰبِكُمْ وَأَن تَجْمَعُواْ بَيْنَ ٱلْأُخْتَيْنِ
(- نه پسرخوانده‌ها -) و (نيز حرام است بر شما) ميان دو خواهر جمع كنيد؛
إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾
مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا كه خداوند، آمرزنده و مهربان است. (٢٣)

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ
و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (در جنگ با کفار اسیر کرده و) مالک شده‌اید؛
كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا
(زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است؛) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرّر داشته است امّا زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)،
بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ
برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید.
فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا
و زنانی را که متعه [= ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه
تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾
بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است.
وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ
(۲۴) و هر کس که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن با ایمان را ندارد،
الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ۚ
می‌تواند با زنان پاکدامن از بردگان با ایمانی که در اختیار دارید ازدواج کند
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ ۚ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ۚ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ
خدا به ایمان شما آگاه‌تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید آنها را با اجازهٔ صاحبان آنان تزویج نمایید،
أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ
و مهرشان را به طور شایسته به خودشان بدهید؛ در حالی که پاکدامن باشند،
مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ ۚ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ
(یعنی) نه مرتکب زنا شوند، ونه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند
بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ۚ
(و کسی آنها را مجبور به زنا نکرده باشد) و مرتکب عمل منافی عفّت شوند، نصف مجازات زنان (آزاد) پاکدامن را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با
ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ ۚ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ
کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٥﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ
خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۵) خداوند می‌خواهد (با این دستورها راههای سعادت را) برای شما آشکار سازد،
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾
و به سنّتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند و توبهٔ شما را بپذیرد. و خداوند دانا و حکیم است. (۲۶)

وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡكُمۡ وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
خدا می‌خواهد توبهٔ شما را بپذیرد (و از آلودگی پاک نماید)؛ امّا آنها که پیرو
ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيۡلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ
شهواتند، می‌خواهند بکلّی منحرف شوید. (۲۷) خدا می‌خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن)
عَنكُمۡۚ وَخُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
کار را بر شما سبک (و آسان) کند؛ زیرا انسان، ضعیف آفریده شده (و در برابر تکالیف سنگین، کم توان) است. (۲۸) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید!
لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ إِلَّآ أَن تَكُونَ
اموال یکدیگر را در میان خود بباطل (و از طرق نامشروع) ج نخورید؛ مگر این‌که
تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ مِّنكُمۡۚ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ
تجارتی با رضایت طرفین انجام گیرد. و خودکشی نکنید. خداوند نسبت
بِكُمۡ رَحِيمًا ﴿٢٩﴾ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ عُدۡوَٰنًا وَظُلۡمًا فَسَوۡفَ
به شما مهربان است. (۲۹) و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند، بزودی
نُصۡلِيهِ نَارًاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ إِن
او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است. (۳۰) اگر
تَجۡتَنِبُواْ كَبَآئِرَ مَا تُنۡهَوۡنَ عَنۡهُ نُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ
از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم
وَنُدۡخِلۡكُم مُّدۡخَلًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَتَمَنَّوۡاْ مَا فَضَّلَ
(و می‌بخشیم)؛ و شما را در جایگاه با ارزشی وارد می‌کنیم. (۳۱) (امتیازات و) برتریهایی را که خداوند
ٱللَّهُ بِهِۦ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبُواْ
برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. (این تفاوتهای طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما است
وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبۡنَۚ وَسۡـَٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ
با این حال،) مردان به سبب آنچه به دست می‌آورند نصیبی دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد).
كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ﴿٣٢﴾ وَلِكُلّٖ جَعَلۡنَا مَوَٰلِيَ مِمَّا
و از فضل خدا، (برای رفع تنگناها) استمداد جویید؛ زیرا خداوند به هر چیز داناست. (۳۲) برای هر کس، وارثانی
تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَۚ وَٱلَّذِينَ عَقَدَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ
قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند؛ و (نیز) کسانی که با آنها پیمان
فَـَٔاتُوهُمۡ نَصِيبَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾
بسته‌اید، نصیبشان را به آنان بپردازید. خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (۳۳)

ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند(از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت

بَعْضٍ وَبِمَآ أَنفَقُوا۟ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ ۚ فَٱلصَّٰلِحَٰتُ قَٰنِتَٰتٌ

به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر هزینه هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان شایسته، زنانی هستند که متواضعند،

حَٰفِظَٰتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُ ۚ وَٱلَّٰتِى تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ

و در غیاب (همسر خود،) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند.

فَعِظُوهُنَّ وَٱهْجُرُوهُنَّ فِى ٱلْمَضَاجِعِ وَٱضْرِبُوهُنَّ ۖ فَإِنْ

و زنانی را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید؛

أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا۟ عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيًّا

و (اگر راهی جز شدت عمل نبود) آنها را تنبیه کنید. اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدّی بر آنها نجویید. (بدانید) خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است.

كَبِيرًا ﴿٣٤﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَٱبْعَثُوا۟ حَكَمًا

(و قدرت او، بالاترین قدرتهاست). (۳۴) و اگر از جدایی میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانوادهٔ شوهر،

مِّنْ أَهْلِهِۦ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَآ إِن يُرِيدَآ إِصْلَٰحًا يُوَفِّقِ ٱللَّهُ

و یک داور از خانوادهٔ زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند).اگر این دو (داور)، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند دل‌های آن دو را به هم نزدیک

بَيْنَهُمَآ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾ ۞ وَٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَلَا

می‌سازد؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است(و از نیّات همه، باخبر است). (۳۵) و خدا را بپرستید؛و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید؛

تُشْرِكُوا۟ بِهِۦ شَيْـًٔا ۖ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا وَبِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ

و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان

وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱلْجَارِ ذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْجَارِ ٱلْجُنُبِ

و مستمندان، و همسایهٔ نزدیک، و همسایهٔ دور، و دوست و همنشین،

وَٱلصَّاحِبِ بِٱلْجَنۢبِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ ۗ

و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند،

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾ ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ

کسی را که متکبر و فخرفروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند،) دوست نمی‌دارد. (۳۶) (همان) کسانی که بخل می‌ورزند،

وَيَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَآ ءَاتَىٰهُمُ

و مردم را نیز به بخل دعوت می‌کنند، و آنچه را که‌خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می‌نمایند،

ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٣٧﴾

(این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته؛) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم. (۳۷)

وَٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ

و (همان) کسانی که اموال خود را برای نشان دادن به مردم (و ریاکاری) انفاق می‌کنند، و ایمان به خدا

وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيۡطَٰنُ لَهُۥ قَرِينٗا فَسَآءَ قَرِينٗا

و روز بازپسین ندارند؛ (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنهاست؛)و کسی که شیطان همنشین او باشد، بد همنشینی انتخاب کرده است.

﴿٣٨﴾ وَمَاذَا عَلَيۡهِمۡ لَوۡ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَنفَقُواْ مِمَّا

(۳۸) چه زیانی داشت اگر آنها به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، (در راه او)

رَزَقَهُمُ ٱللَّهُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِهِمۡ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ مِثۡقَالَ

انفاق می‌کردند؟! و خداوند از (اعمال و نیّات) آنها آگاه است. (۳۹) خداوند (حتّی) به اندازهٔ سنگینی ذرّه‌ای ستم نمی کند؛

ذَرَّةٖۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةٗ يُضَٰعِفۡهَا وَيُؤۡتِ مِن لَّدُنۡهُ أَجۡرًا عَظِيمٗا

و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان (و بیشتر) می‌سازد؛ و از نزد خود، پاداش عظیمی (به آنها) می‌دهد.

﴿٤٠﴾ فَكَيۡفَ إِذَا جِئۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةِۭ بِشَهِيدٖ وَجِئۡنَا بِكَ عَلَىٰ

(۴۰) حال آنها چگونه است هنگامی که از هر امّتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می‌آوریم، و تو را

هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدٗا ﴿٤١﴾ يَوۡمَئِذٖ يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَعَصَوُاْ ٱلرَّسُولَ

نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟! (۴۱) در آن روز، آنها که کافر شدند و با پیامبر به مخالفت برخاستند،

لَوۡ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضُ وَلَا يَكۡتُمُونَ ٱللَّهَ حَدِيثٗا ﴿٤٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ

آرزو می‌کنند (خاک بودند،و) با زمین یکسان می‌شدند. و (در آن روز،) نمی‌توانند سخنی را از خدا پنهان کنند. (۴۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

ءَامَنُواْ لَا تَقۡرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمۡ سُكَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَعۡلَمُواْ مَا تَقُولُونَ

در حال مستی به نماز (و جماعت در مسجد) نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید؛

وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغۡتَسِلُواْۚ وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ

و همچنین در حالی که جُنُب هستید ـ مگر در حال عبور (از مسجد) ـ تا غسل کنید.

سَفَرٍ أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمۡ

و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا یکی از شما از محل پستی آمده (و قضای حاجت کرده)، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید،

تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُمۡۗ

و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، بر زمین پاکی تیمّم کنید؛(به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید.

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا

خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (۴۳) آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب آسمانی به آنها داده شده است،

مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يَشۡتَرُونَ ٱلضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

(به جای این‌که از آن، برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش) گمراهی می‌خرند، و می‌خواهند شما نیز گمراه شوید؟! (۴۴)

وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِأَعۡدَآئِكُمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَلِيّٗا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ نَصِيرٗا ﴿٤٥﴾

خدا دشمنان شما را بهتر می‌شناسد؛ (و آنها نمی‌توانند زیانی به شما برسانند.) و کافی است که خدا ولیّ شما باشد؛ و کافی است که خدا یاور شما باشد (۴۵)

مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَيَقُولُونَ

بعضی از یهود، سخنان را از موردش، تحریف می‌کنند؛ و (به جای این‌که بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می‌گویند: «شنیدیم

سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ وَرَٰعِنَا لَيَّۢا بِأَلۡسِنَتِهِمۡ وَطَعۡنٗا

و مخالفت کردیم و (نیز می‌گویند:) بشنو که هرگز نشنوی! (و از روی تمسخر می‌گویند:) راعنا [=ما را تحمیق کن.]؛ تا با زبان خود، حقایق را تحریف کنند و به

فِي ٱلدِّينِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَا وَٱسۡمَعۡ وَٱنظُرۡنَا لَكَانَ خَيۡرٗا

آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت) می‌گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک

لَّهُمۡ وَأَقۡوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٤٦﴾

کنیم)»، برای آنان بهتر، و استوارتر بود. ولی خداوند، آنها را به سبب کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این رو جز عدّهٔ کمی ایمان نمی‌آورند. (۴۶)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ ءَامِنُواْ بِمَا نَزَّلۡنَا مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُم

ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم ـ و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست ـ ایمان بیاورید،

مِّن قَبۡلِ أَن نَّطۡمِسَ وُجُوهٗا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰٓ أَدۡبَارِهَآ أَوۡ نَلۡعَنَهُمۡ كَمَا

پیش از آن‌که صورت (انسانی) گروهی را محو کنیم، سپس به پشت‌سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان‌گونه که «اصحاب سبت» [=گروهی

لَعَنَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلسَّبۡتِۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولًا ﴿٤٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا

از تبهکاران بنی‌اسرائیل] را از رحمت خود دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است. (۴۷) خداوند (هرگز)

يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ

شرک به او را نمی‌بخشد؛ و کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد. و آن کس که برای خدا، همتایی قرار دهد،

فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمۚ

گناه بزرگی مرتکب شده است. (۴۸) آیا ندیدی کسانی را که (بی جهت) خودستایی می‌کنند؟!

بَلِ ٱللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَآءُ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٤٩﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ

ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، ستایش می‌کند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (۴۹) ببین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند!

يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۖ وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثۡمٗا مُّبِينًا ﴿٥٠﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ

و همین گناه (بزرگ و) آشکار، (برای مجازات آنان) کافی است. (۵۰) آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از

أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡجِبۡتِ وَٱلطَّٰغُوتِ

کتاب آسمانی به آنان داده شده، (با این حال،) به «جبت» و «طاغوت» [= بت و بت‌پرستان] ایمان می‌آورند،

وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ هَٰٓؤُلَآءِ أَهۡدَىٰ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ سَبِيلًا ﴿٥١﴾

و درباره کافران می‌گویند: «آنها، از کسانی که ایمان آورده‌اند، به راه هدایت نزدیک‌ترند»؟! (۵۱)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ۖ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾ أَمْ

آنهاكساني هستند كه خداوند، ايشان را از رحمت خود، دور ساخته است؛ و هر كس را خدا از رحمتش دور سازد، هرگز ياوري براى او نخواهي يافت. (۵۲) آيا

لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾ أَمْ

آنها [= يهود] سهمي در حكومت دارند (كه بخواهند چنين داوري كنند)؟! در حالي كه اگر چنين بود كمترين حقي را به مردم نمي‌دادند. (۵۳) يا

يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ ۖ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ

اين‌كه نسبت به مردم [= پيامبر و خاندانش]، بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشيده،حسد مي‌ورزند؟! ما به خاندان ابراهيم،

إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُم مُّلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾ فَمِنْهُم

(كه يهود از آنها هستند نيز،) كتاب و حكمت داديم؛ و حكومت عظيمي در اختيار آنها [= پيامبران بني‌اسرائيل] قرار داديم. (۵۴) ولي جمعي

مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُم مَّن صَدَّ عَنْهُ ۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ

از آنها به آن‌ايمان آوردند؛ و جمعي راه (مردم) را بر آن بستند. و شعلهٔ (سوزان) آتش دوزخ، (براى آنها) كافي است! (۵۵) كساني

الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم

كه به آيات ما كافر شدند،بزودي آنها را در آتشي وارد مي‌كنيم كه هر گاه پوستهاى تن آنها (در آن) بسوزد،

بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

پوستهاى ديگري به جاى آن براى آنها قرار مي‌دهيم، تا كيفر (الهي) را بچشند. خداوند، توانا و حكيم است (و روى حساب، كيفر مي‌دهد).

﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي

(۵۶) و كساني كه ايمان آوردند و كارهاى شايسته انجام دادند، بزودي آنها را در باغهاى بهشتي وارد مي‌كنيم

مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۖ وَنُدْخِلُهُمْ

كه نهرها از پاى درختانش جاري است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و در آنجا همسراني پاكيزه براى آنها خواهد بود؛ و آنان را در سايهٔ

ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ ۞ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا

گسترده (و فرح‌بخش) وارد مي‌كنيم. (۵۷) خداوند به شما فرمان مي‌دهد كه امانتها را به صاحبانش بدهيد؛

وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ ۗ

و هنگامي كه ميان مردم داوري مي‌كنيد،بعدالت داوري كنيد. خداوند، اندرزهاى خوبي به شما مي‌دهد.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

خداوند، شنوا و بيناست. (۵۸) اى كساني كه ايمان آورده‌ايد! اطاعت كنيد خدا را! و اطاعت كنيد پيامبر (خدا)

الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ ۖ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

و پيشوايان (معصوم) خود را. و هر گاه در امرى نزاع داشتيد، آن را به خداو پيامبر باز گردانيد (و از آنها داوري بطلبيد)

إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

اگر به خدا و روز رستاخيز ايمان داريد. اين (كار براى شما) بهتر، و عاقبت و پايانش نيكوتر است. (۵۹)

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا۟ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ

آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و پیش از

أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓا۟ إِلَى ٱلطَّـٰغُوتِ وَقَدْ

تو نازل شده، ایمان آورده‌اند، در حالی که می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکّام باطل بروند؟

أُمِرُوٓا۟ أَن يَكْفُرُوا۟ بِهِۦ وَيُرِيدُ ٱلشَّيْطَـٰنُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَـٰلًۢا

با این‌که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. امّا شیطان می‌خواهد آنان را در گمراهی

بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى

دوری بیفکند. (۶۰) و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به سوی

ٱلرَّسُولِ رَأَيْتَ ٱلْمُنَـٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا ﴿٦١﴾

پیامبر بیایید»، منافقان را می‌بینی که از (قبول دعوت) تو، به شدّت اعراض می‌کنند. (۶۱)

فَكَيْفَ إِذَآ أَصَـٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ

پس چگونه وقتی به خاطر اعمالی که در گذشته انجام دادند، گرفتار مصیبتی می‌شوند، سپس

جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ إِحْسَـٰنًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾

به سراغ تو می‌آیند، به خدا سوگند یاد می‌کنند که منظور ما (از بردن داوری نزد دیگران)، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع،) نبوده است؟! (۶۲)

أُو۟لَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعْلَمُ ٱللَّهُ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ

آنها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند، می‌داند. از (مجازات) آنان صرف‌نظر کن؛

وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِىٓ أَنفُسِهِمْ قَوْلًۢا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾ وَمَآ

و آنها را اندرز ده؛ و با بیانی رسا، (نتایج اعمالشان را) به آنها گوشزد نما. (۶۳) ما هیچ

أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ

پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که

ظَّلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ

به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیرپا می‌گذاردند)، به نزد تو می‌آمدند، و از خدا طلب آمرزش می‌کردند،

لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُوا۟ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ

و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. (۶۴) به پروردگارت سوگند که

لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا

آنها ایمان نخواهند آورد، مگر این‌که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس

يَجِدُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (۶۵)

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ ٱقْتُلُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ أَوِ ٱخْرُجُوا۟ مِن

اگر (همانند بعضی از امّتهای پیشین،) به آنان دستور می‌دادیم: «خود را [= یکدیگر را] به قتل برسانید»،

دِيَٰرِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ ۖ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا۟ مَا يُوعَظُونَ بِهِۦ

و یا: «از خانه‌ها (و سرزمین) خود، بیرون روید»، تنها عدّه کمی از آنها به آن عمل می‌کردند. و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می‌شد

لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ﴿٦٦﴾ وَإِذًا لَّءَاتَيْنَٰهُم مِّن لَّدُنَّآ أَجْرًا

انجام می‌دادند، برای آنها بهتر بود؛ و موجب تقویت (ایمان) آنها می‌شد. (۶۶) و در این صورت، پاداش بزرگی از نزد خود

عَظِيمًا ﴿٦٧﴾ وَلَهَدَيْنَٰهُمْ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٦٨﴾ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ

به آنها می‌دادیم. (۶۷) و به یقین آنان را به راه راست، هدایت می‌کردیم. (۶۸) و کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند،

وَٱلرَّسُولَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ

(در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدّیقان

وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَ ۚ وَحَسُنَ أُو۟لَٰٓئِكَ رَفِيقًا ﴿٦٩﴾ ذَٰلِكَ

و شهدا و صالحان؛ و آنها همنشین خوبی هستند. (۶۹) این موهبتی از

ٱلْفَضْلُ مِنَ ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمًا ﴿٧٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

ناحیهٔ خداست، و کافی است که او، (از حال بندگان، و نیّات و اعمالشان) آگاه است (۷۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

خُذُوا۟ حِذْرَكُمْ فَٱنفِرُوا۟ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُوا۟ جَمِيعًا ﴿٧١﴾ وَإِنَّ

آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید؛ و در گروه‌های متعدّد، یا به صورت یک گروه، (طبق شرایط موجود، به سوی دشمن) حرکت نمایید. (۷۱) در میان

مِنكُمْ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَىَّ إِذْ لَمْ

شما، کسانی (از منافقان) هستند، که دیگران را به سستی می‌کشانند؛ اگر مصیبتی به شما برسد، می‌گویند: «خدا به ما نعمت داد که با آنها

أَكُن مَّعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٢﴾ وَلَئِنْ أَصَٰبَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ

[= مجاهدان] شاهد (آن مصیبت) نبودیم.» (۷۲) و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد،

كَأَن لَّمْ تَكُنۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ مَعَهُمْ

درست مثل این‌که هرگز میان شما و آنها دوستی و مودّتی نبوده، می‌گویند: «ای کاش ما هم با آنها بودیم، و به

فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾ ۞ فَلْيُقَٰتِلْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ

رستگاری (و پیروزی) بزرگی می‌رسیدیم!» (۷۳) کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند،

يَشْرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا بِٱلْءَاخِرَةِ ۚ وَمَن يُقَٰتِلْ فِى

باید در راه خدا پیکار کنند. و هر کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود

سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

یا پیروز گردد، به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۷۴)

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ

چرا در راه خدا، و (برای رهایی) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند،

وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ

پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستمدیده‌ای) که‌می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکّه)، که اهلش ستمگرند،

ٱلظَّالِمِ أَهْلُهَا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا

بیرون ببر (و رهایی ببخش)؛ و از سوی خود، برای ما سرپرستی قرار ده؛ و از جانب خود، یار و یاوری برای ما مقرر فرما.»

(٧٥) ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِي

(۷۵) کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر.]

سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓا۟ أَوْلِيَآءَ ٱلشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّ كَيْدَ ٱلشَّيْطَٰنِ كَانَ

پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید؛ (و از آنها نهراسید؛) زیرا که نقشهٔ شیطان، (همانند قدرتش)

ضَعِيفًا (٧٦) أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوٓا۟ أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَ

ضعیف است. (۷۶) آیا ندیدی کسانی را که (در مکّه) به آنها گفته شد: «(فعلاً) دست از جهاد بردارید؛ و نماز را برپا کنید؛

ءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ ٱلنَّاسَ

و زکات را بپردازید!» (امّا آنها از این دستور ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند،

كَخَشْيَةِ ٱللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا۟ رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا ٱلْقِتَالَ لَوْلَآ

همان گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر. و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرّر داشتی؟

أَخَّرْتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ قُلْ مَتَٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ وَٱلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ وَلَا

چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تاخیرنینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیزاست؛ و آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است. و

تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (٧٧) أَيْنَمَا تَكُونُوا۟ يُدْرِككُّمُ ٱلْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ

کمترین ستمی به شما نخواهد شد.» (۷۷) هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هر چند در برجهای محکم باشید؛

مُّشَيَّدَةٍ ۗ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا۟ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ

و اگربه آنها [= منافقان] نیکی (و پیروزی) برسد، می‌گویند: «این، از ناحیهٔ خداست.» و اگر به آنها بدی (و شکستی) برسد،

سَيِّئَةٌ يَقُولُوا۟ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِكَ ۚ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلْقَوْمِ لَا

می‌گویند: «این، از ناحیهٔ توست.» بگو: «همه از ناحیهٔ خداست.» پس چرا این گروه

يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (٧٨) مَّآ أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ ٱللَّهِ ۖ وَمَآ أَصَابَكَ

حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟! (۷۸) (آری،) آنچه از نیکی به تو می‌رسد،از طرف خداست؛

مِن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكَ ۚ وَأَرْسَلْنَٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا (٧٩)

و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم؛ و کافی است که خدا گواه (بر این امر) باشد.(۷۹)

مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و هر کس که سرباز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم

عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٞ فَإِذَا بَرَزُواْ مِنۡ عِندِكَ

(و در برابر او، مسوول نیستی). (۸۰) (آنها در حضور تو) می‌گویند: «فرمانبرداریم»؛

بَيَّتَ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ غَيۡرَ ٱلَّذِي تَقُولُۖ وَٱللَّهُ يَكۡتُبُ مَا يُبَيِّتُونَۖ

امّا هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته‌های تو، جلسات شبانه تشکیل می‌دهند؛ آنچه را در این جلسات می‌گویند،

فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ

خداوند می‌نویسد. اعتنایی به آنها نکن؛ (و از نقشه‌های آنان وحشت نداشته باش؛) و بر خدا توکل کن؛ کافی است که او یار و مدافع تو باشد (۸۱) آیا دربارهٔ

ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا

قرآن نمی‌اندیشند؟! در حالی که اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.

﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَآءَهُمۡ أَمۡرٞ مِّنَ ٱلۡأَمۡنِ أَوِ ٱلۡخَوۡفِ أَذَاعُواْ بِهِۦۖ وَلَوۡ

(۸۲) و هنگامی که خبری امید بخش یا نگران کننده به آنها برسد، (بدون تحقیق،) آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر

رَدُّوهُ إِلَى ٱلرَّسُولِ وَإِلَىٰٓ أُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنۡهُمۡ لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسۡتَنۢبِطُونَهُۥ

آن را به پیامبر و پیشوایانشان باز گردانند، کسانی که قدرت تشخیص کافی دارند،

مِنۡهُمۡۗ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَٱتَّبَعۡتُمُ ٱلشَّيۡطَٰنَ

از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد. (و به آنها اطلاع خواهند داد) و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، همگی، جز عدّه کمی،

إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٨٣﴾ فَقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفۡسَكَۚ وَ

از شیطان پیروی می‌کردید (و گمراه می‌شدید). (۸۳) در راه خدا پیکار کن، تنها مسؤول انجام وظیفهٔ خود هستی.

حَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأۡسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَٱللَّهُ

و مومنان را (بر این کار،) تشویق نما؛ امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی اگر تنها خودت به میدان بروی).

أَشَدُّ بَأۡسٗا وَأَشَدُّ تَنكِيلٗا ﴿٨٤﴾ مَّن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةً حَسَنَةٗ

و خداوند قدرتش بیشتر،و مجازاتش دردناک‌تر است. (۸۴) کسی که شفاعت [= تشویق و کمک]

يَكُن لَّهُۥ نَصِيبٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةٗ سَيِّئَةٗ يَكُن لَّهُۥ كِفۡلٞ

برای کار نیکی کند، سهمی از آن برای او خواهد بود؛ و کسی‌که شفاعت برای کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت.

مِّنۡهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقِيتٗا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٖ فَحَيُّواْ

و خداوند، حساب هر چیز را نگه می‌دارد. (۸۵) هر گاه‌به شما تحیتی گویند، پاسخ آن

بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان‌گونه پاسخ گویید. خداوند حساب همه چیز را دارد.(۸۶)

الحزب ١٠

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ وَمَنْ
معبودی جز خداوند نیست؛ و به یقین، همهٔ شما را در روز رستاخیز ـ که شکّی در آن نیست ـ جمع می‌کند و
أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ ۞ فَمَا لَكُمْ فِى ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ وَٱللَّهُ
کیست که از خداوند،راستگوتر باشد؟! (٨٧) چرا دربارهٔ منافقین دو دسته شده‌اید؟! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع و بعضی مجاز می‌دانید.)
أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوٓا۟ ۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا۟ مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ ۖ وَمَن
در حالي كه خداوند بخاطر اعمالشان، (افكار) آنها را كاملاً وارونه كرده است. آيا شما مي‌خواهيدكساني را كه خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه كرده،
يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾ وَدُّوا۟ لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا۟
هدايت كنيد؟! در حالي كه هر كس را خداوند گمراه كند، هرگز راهي براي (هدايت) او نخواهي يافت. (٨٨) آنان آرزو مي‌كنند كه شما هم مانند ايشان كافر
فَتَكُونُونَ سَوَآءً ۖ فَلَا تَتَّخِذُوا۟ مِنْهُمْ أَوْلِيَآءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا۟ فِى سَبِيلِ
شويد، و همانند يكديگر باشيد. بنابراين، از آنها دوستاني انتخاب نكنيد، مگر اين‌كه (توبه كنند، و) در راه خدا هجرت نمايند.
ٱللَّهِ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَخُذُوهُمْ وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ ۖ وَلَا
اگر از اين كار سر باز زنند،(و به اقدام بر ضدّ شما ادامه‌دهند،)هرجا آنهارا يافتيد،
تَتَّخِذُوا۟ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍۭ
اسيركنيد؛ و(در صورت احساس‌خطر)به قتل‌برسانيد. و ازميان آنها، هيچ دوست و ياوري اختيار نكنيد. (٨٩) مگر آنها كه با هم‌پيمانان شما،
بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوْ جَآءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَٰتِلُوكُمْ
پيمان بسته‌اند؛ يا آنها كه به سوي شما مي‌آيند، و از پيكار با شما، يا پيكار با قوم خود به تنگ آمده‌اند؛
أَوْ يُقَٰتِلُوا۟ قَوْمَهُمْ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَٰتَلُوكُمْ ۚ فَإِنِ
(نه سر جنگ با شما دارند، و نه توان مبارزه با قوم خود.) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلّط مي‌كند تا با شما پيكار كنند.
ٱعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا۟ إِلَيْكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ
پس اگر از شما كناره‌گيري كرده و با شما پيكار ننمودند، (بلكه) پيشنهاد صلح كردند، خداوند براي شما راهي براي
عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿٩٠﴾ سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا۟
تعرض بر آنان قرار نداده است. (٩٠) بزودي گروه ديگري را مي‌يابيد كه مي‌خواهند هم از ناحيهٔ شما در امان باشند، و هم از ناحيه قوم خودشان (كه مشركند؛
قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوٓا۟ إِلَى ٱلْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا۟ فِيهَا ۚ فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوٓا۟
ولي) هر زمان آنان را به سوي فتنه (و بت‌پرستي) فرا خوانند، با سر در آن فرو مي‌روند. اگر از درگيري با شما كنار نرفتند و
إِلَيْكُمُ ٱلسَّلَمَ وَيَكُفُّوٓا۟ أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ
پيشنهاد صلح نكردند و دست از شما نكشيدند، آنها را هر جا يافتيد اسير كنيد
ثَقِفْتُمُوهُمْ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا ﴿٩١﴾
و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانيد. آنها كساني هستند كه ما براي شما، تسلّط آشكاري نسبت به آنان قرار داده‌ايم. (٩١)

وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَـٔٗاۚ وَمَن قَتَلَ مُؤۡمِنًا

هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر این که (این کار) از روی خطا و اشتباه باشد؛ و اگر کسی مومنی را

خَطَـٔٗا فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ وَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦٓ إِلَّآ

از روی خطا به قتل رساند،باید یک بردهٔ مومن را آزاد کند و خونبهایی به کسان او بپردازد؛ مگر این‌که آنها خونبها را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که

أَن يَصَّدَّقُواْۚ فَإِن كَانَ مِن قَوۡمٍ عَدُوّٖ لَّكُمۡ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ

دشمن شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول با ایمان بوده، (تنها) باید یک بردهٔ مومن را آزاد کند (و پرداختن خونبها به کافران لازم نیست).

فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ وَإِن كَانَ مِن قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ

و اگر از گروهی باشدکه میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خونبهای او را به کسان او بپردازد،

وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ فَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ وَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ

و یک بردهٔ مومن (نیز) آزاد کند. و آن کس که نمی‌تواند (برده آزاد کند) باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

مُّؤۡمِنَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ

این، (یک نوع تخفیف، و) توبه الهی است.و خداوند، دانا و حکیم است. (۹۲) و هر کس،

تَوۡبَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿٩٢﴾ وَمَن

فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند،مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن خواهد بود؛

يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا

و خداوند بر او غضب می‌کند؛ و او را از رحمتش دور می‌سازد؛ و مجازات بزرگی برای او آماده ساخته است.

فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا

(۹۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا (و برای جهاد) سفر می‌کنید،

﴿٩٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَتَبَيَّنُواْ

تحقیق کنید؛ و بخاطر این‌که متاع ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید،

وَلَا تَقُولُواْ لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسۡتَ مُؤۡمِنٗا

به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید: «مسلمان نیستی»؛ زیرا

تَبۡتَغُونَ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ

غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛

كَثِيرَةٞۚ كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبۡلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ

و خداوند بر شما منّت نهاد (و هدایت شدید). پس، (به شکرانهٔ این نعمت بزرگ،)

فَتَبَيَّنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ﴿٩٤﴾

تحقیق کنید. خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۹۴)

لَّا يَسْتَوِي ٱلْقَٰعِدُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُو۟لِى ٱلضَّرَرِ وَٱلْمُجَٰهِدُونَ فِى

(هرگز) افراد باايماني كه بدون بيماري و ناراحتي، از جهاد خودداري مى‌كنند، با مجاهداني كه

سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ ۚ فَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلْمُجَٰهِدِينَ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ

در راه خدا با مال‌و جان خود جهاد كردند، يكسان نيستند. خداوند، مجاهداني را كه با مال و جان خود جهاد نمودند، بر كساني كه از جهاد خودداري كرده‌اند

عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ دَرَجَةً ۚ وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ ۚ وَفَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلْمُجَٰهِدِينَ

مقام برتري بخشيده؛ و به هر يك (از اين دو گروه به نسبت اعمال نيكشان،) خداوند وعدهٔ پاداش نيك داده؛ و مجاهدان را بر كساني كه از جهاد خودداري

عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ

كرده‌اند، با پاداش مهمّي برتري بخشيده است. (۹۵) درجات (والا) و آمرزش و رحمت از ناحيهٔ خود (نصيب آنان مى‌كند)؛ و (اگر لغزش‌هايي داشته‌اند،)

غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِىٓ أَنفُسِهِمْ

خداوندآمرزنده‌و مهربان است. (۹۶) كساني كه فرشتگان (قبض روح)، جان آنها را گرفتند در حالي كه به خويشتن ستم كرده بودند،

قَالُوا۟ فِيمَ كُنتُمْ ۖ قَالُوا۟ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِى ٱلْأَرْضِ ۚ قَالُوٓا۟ أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ

به آنها گفتند: «شما در چه حالي بوديد؟» گفتند: «ما در سرزمين خود، تحت فشار و مستضعف بوديم.» آنها [= فرشتگان] گفتند: «مگر زمين خدا،

ٱللَّهِ وَٰسِعَةً فَتُهَاجِرُوا۟ فِيهَا ۚ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَسَآءَتْ مَصِيرًا

پهناور نبود كه مهاجرت كنيد؟!» آنها (عذري نداشتند، و) جايگاهشان دوزخ است، و فرجام بدي دارند

﴿٩٧﴾ إِلَّا ٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

(۹۷) جز آن دسته از مردان و زنان و كودكاني كه براستي تحت فشار قرار گرفته‌اند؛ نه توان چاره جويي دارند،

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُو۟لَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْ ۚ

و نه راهي (براي نجات از آن محيط آلوده) مى‌يابند. (۹۸) اميد است خداوند، آنها را مورد عفو قرار دهد؛

وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ ۞ وَمَن يُهَاجِرْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدْ فِى ٱلْأَرْضِ

و خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (۹۹) و هر كس كه در راه خدا هجرت كند، مناطق امن فراوان

مُرَٰغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً ۚ وَمَن يَخْرُجْ مِنۢ بَيْتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ

و امكانات وسيعي در زمين مى‌يابد و هركس از خانهٔ خود بعنوان مهاجرت به سوي خدا و پيامبر او، خارج شود، سپس

يُدْرِكْهُ ٱلْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٠٠﴾

مرگش فرارسد، پاداش او بر خداست؛ وخداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۰۰)

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا۟ مِنَ ٱلصَّلَوٰةِ إِنْ

هنگامي كه سفر مى‌كنيد، گناهي بر شما نيست كه نماز را كوتاه كنيد در صورتي كه از فتنه

خِفْتُمْ أَن يَفْتِنَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ كَانُوا۟ لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿١٠١﴾

(و خطر) كافران بترسيد؛ زيرا كافران، دشمن آشكاري براي شما هستند. (۱۰۱)

وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُم

و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در کنار میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته‌ای از

مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن

آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را (با خود) برگیرند؛و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)،

وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا

باید در پشت سر شما قرار گیرند (و به میدان بازگردند) و آن دسته دیگرکه نماز نخوانده‌اند(و مشغول پیکار بوده‌اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند؛

مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ

آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان را (در حال نماز با خود) برگیرند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند

تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً

که شما از سلاحها و وسایل خود غافل شوید تا یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید،

وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ

و یا بیمار (و مجروح) هستید، گناهی بر شما نیست که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید؛

كُنتُم مَّرْضَىٰ أَن تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ

ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خُود) را برگیرید. خداوند، عذاب خوارکننده‌ای

اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٠٢﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ

برای کافران فراهم ساخته است. (۱۰۲) و هنگامی که نماز را به پایان رساندید،

فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنتُمْ

خدا را یاد کنید؛ ایستاده، و نشسته، و در حالی که به پهلو خوابیده‌اید. و هرگاه آرامش یافتید

فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا

(و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (بطور معمول) بر پا دارید، زیرا نماز، برای مومنان وظیفه‌ای است ثابت و

مَّوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ

دارای اوقات معین. (۱۰۳) و در تعقیب دشمن، (هیچ گاه) سست نشوید؛ (زیرا) اگر شما درد

يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ

و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند؛ در حالی که شما امیدی از خدا (برای پاداش) دارید که آنها ندارند؛

اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾ إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ

و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۰۴) ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته،

بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی. (۱۰۵)

وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٦﴾ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ

و از خداوند، طلب آمرزش نما، که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۰۶) و از آنها که به خود

الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا

خیانت کردند، دفاع مکن؛ زیرا خداوند، افراد خیانت پیشهٔ گنهکار را دوست ندارد.

أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَ

(۱۰۷) (آنها زشتکاری خود را) از مردم پنهان می‌دارند؛ امّا از خدا پنهان نمی‌دارند؛

هُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا

و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می‌گفتند، خدا با آنها بود؛ خدا به آنچه

يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿١٠٨﴾ هَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ

انجام می‌دهند،احاطه دارد. (۱۰۸) آری، شما کسانی هستید که در زندگی این جهان،

الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ

از آنان دفاع کردید؛ امّا کیست که در برابر خداوند، در روز رستاخیز از آنها دفاع کند؟! یا چه

عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿١٠٩﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ

کسی است که حامی آنها باشد؟! (۱۰۹) هر کس کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس

يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١١٠﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا

از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. (۱۱۰) و هر کس گناهی مرتکب شود،

فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ

به خود زیان رسانده؛ خداوند، دانا و حکیم است. (۱۱۱) و کسی که خطا

يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَ

یا گناهی مرتکب شود، سپس بی‌گناهی را به آن متهم سازد، بار بهتان و گناه آشکاری

إِثْمًا مُبِينًا ﴿١١٢﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ

را بر دوش گرفته است. (۱۱۲) اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان

طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ ۖ وَمَا

تصمیم داشتند تو را گمراه کنند؛ امّا جز خودشان را گمراه نمی‌کنند؛ و هیچ گونه زیانی به تو نمی‌رسانند.

يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ

خداوند، کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی‌دانستی، به

عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٣﴾

تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است. (۱۱۳)

۞ لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ
بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی ندارد؛ مگر کسی که (از این راه،)
أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ
دعوت به کمک کردن به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح‌در میان مردم کند؛ و هر کس برای به
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾ وَمَن يُشَاقِقِ
دست آوردن خشنودی خداوند چنین کند، به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۱۱۴) هر کس که بعد از آشکار شدن
الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ
هدایت برای او، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مومنان پیروی نماید،
نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ
ما او را به همان سو که می‌رود می‌بریم؛ و به دوزخ داخل می‌کنیم؛ و چه بد فرجامی است. (۱۱۵) خداوند،
لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن
شرک به او را نمی‌آمرزد؛ (ولی) کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌آمرزد. و هر کس
يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ
برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی‌دوری افتاده است. (۱۱۶) آنچه آنها غیر از خدا می‌خوانند، تنها بتهایی است
إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ﴿١١٧﴾ لَّعَنَهُ اللَّهُ
بی روح و بی اثر یا شیطانی سرکش و ویرانگر. (۱۱۷) (همان شیطانی که) خدا او را از رحمت خویش دور ساخت
وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٨﴾ وَ
و او گفت: «از بندگان تو، سهم معیّنی خواهم گرفت. (۱۱۸) و آنها را گمراه
لَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ
می‌کنم؛ و به آرزوها سرگرم می‌سازم؛ و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی
الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ ۚ وَمَن يَتَّخِذِ
انجام دهند، و) گوش چهار پایان را بشکافند، و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند؛ (و فطرت توحید را به شرک بیالایند.)» و هر کس،
الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا
شیطان را به جای خدا ولیّ خود برگزیند،زیان آشکاری کرده است.
مُّبِينًا ﴿١١٩﴾ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا
(۱۱۹) شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد؛ و به آرزوها، سرگرم می‌سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد.
﴿١٢٠﴾ أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾
(۱۲۰) آنها [= پیروان شیطان] جایگاهشان جهنّم است؛ و هیچ راه فراری از آن ندارند. (۱۲۱)

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ
و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بزودی آنان را در باغهای
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ
بهشتی وارد می‌کنیم که نهرها از پای درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود.
اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾ لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا
خداوند وعدهٔ حقی داده است و کیست که در گفتار و وعده‌هایش، از خدا راستگوتر باشد؟! (۱۲۲) (پاداش‌های الهی) به آرزوهای شما
أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ
و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، مطابق آن کیفر داده می‌شود؛ وکسی را جز خدا،
مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ
ولیّ و یاور خود نخواهد یافت. (۱۲۳) و کسانی که کار شایسته‌ای انجام دهند،
مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ
خواه مرد باشند یا زن، در حالی که ایمان داشته باشند، چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند؛
لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ
و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (۱۲۴) دین و آیین چه کسی بهتر از آن کس است که خود را تسلیم خدا کند،
لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ
و نیکوکار باشد، و از آیین ابراهیم که ایمانی خالص و پاک داشت پیروی کند؟! و خدا ابراهیم را به
خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ
دوستی انتخاب کرد. (۱۲۵) آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست؛ و خداوند
بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ﴿١٢٦﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ
به هر چیزی احاطه دارد. (۱۲۶) از تو در باره (حکم و حقوق) زنان سوال می‌کنند؛ بگو: «خداوند
يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ
در باره آنان به شما پاسخ می‌دهد و آنچه در قرآن درباره زنان
فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن
یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی‌دهید و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید،
تَنكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا
و نیز آنچه دربارهٔ کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است، (بخشی از سفارشهای خدا در این زمینه است؛ و به شما سفارش می‌کند که)
لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾
با یتیمان به عدالت رفتار کنید، و هر کار نیکی انجام می‌دهید، خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می‌دهد)». (۱۲۷)

وَإِنِ ٱمۡرَأَةٌ خَافَتۡ مِنۢ بَعۡلِهَا نُشُوزًا أَوۡ إِعۡرَاضٗا فَلَا جُنَاحَ

و اگر زنی، از سرکشی و ناسازگاری یا بی اعتنایی شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد

عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحٗاۚ وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٞۗ وَأُحۡضِرَتِ

با هم به گونه‌ای صلح کنند (و از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف‌نظر نمایند.) و صلح، بهتر است؛ اگر چه (بسیاری از) مردم (طبق هوای نفسشان،

ٱلۡأَنفُسُ ٱلشُّحَّۚ وَإِن تُحۡسِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا

در این گونه موارد) بخل می‌ورزند. و گذشت ندارند و اگر نیکی (و گذشت) کنید و پرهیزگاری پیشه سازید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید،

تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ١٢٨ وَلَن تَسۡتَطِيعُوٓاْ أَن تَعۡدِلُواْ بَيۡنَ ٱلنِّسَآءِ

آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد). (۱۲۸) شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبّت قلبی) در میان زنان خود، عدالت برقرار کنید،

وَلَوۡ حَرَصۡتُمۡۖ فَلَا تَمِيلُواْ كُلَّ ٱلۡمَيۡلِ فَتَذَرُوهَا كَٱلۡمُعَلَّقَةِۚ

هر چند کوشش نمایید؛ ولی تمایل خود را بکلّی متوجّه یک طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی بلا تکلیف در آورید.

وَإِن تُصۡلِحُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٢٩

و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۲۹)

وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغۡنِ ٱللَّهُ كُلّٗا مِّن سَعَتِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا

و اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوندهر کدام از آنها را با گشایش و فضل خویش، بی‌نیاز می‌کند؛ و خداوند، دارای فضل و

حَكِيمٗا ١٣٠ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ

احسان گسترده، و حکیم است. (۱۳۰) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است،ازآن خداست.

وَصَّيۡنَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَإِيَّاكُمۡ أَنِ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ

وما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، و نیز به شما سفارش کردیم، که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید.

وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ

و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد) ؛زیرا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خداست؛ و خداوند،

غَنِيًّا حَمِيدٗا ١٣١ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ

بی‌نیاز و ستوده است. (۱۳۱) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست؛ و کافی است که خدا، حافظ و

وَكِيلًا ١٣٢ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأۡتِ بِـَٔاخَرِينَۚ

نگاهبان (شما) باشد. (۱۳۲) ای مردم! اگر او بخواهد، شما را (از میان) می‌برد و افراد دیگری را

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرٗا ١٣٣ مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا

(به جای شما) می‌آورد؛ و خداوند، بر این کار تواناست. (۱۳۳) کسانی که پاداش دنیوی بخواهند،

فَعِندَ ٱللَّهِ ثَوَابُ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا ١٣٤

(و از پاداش اخروی غافل باشند، در اشتباهند؛ زیرا) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست؛ و خداوند، شنوا و بیناست. (۱۳۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره و همیشه قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید،
وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا
اگر چه به زیان شما، یاپدر و مادر و نزدیکانتان بوده باشد! (چرا که) اگر او [= کسی که گواهی شما به زیان اوست] غنی
أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا ۚ وَإِنْ تَلْوُوا
یا فقیر باشد، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوا و هوس پیروی نکنید؛ که منحرف خواهید شد.
أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (۱۳۵) ای کسانی که
آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ
ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب آسمانی که پیش از آن
وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ
فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید. کسی که خدا و فرشتگان او و
وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾
کتابها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دوری افتاده است. (۱۳۶)
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا
کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، و باز هم ایمان آوردند، و دیگر بار کافر شدند، سپس بر کفر خود افزودند،
لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ﴿١٣٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ
خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید، و آنها را به راه (راست) هدایت نخواهد کرد. (۱۳۷) به منافقان بشارت ده که
لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! (۱۳۸) (همان) کسانی که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند.
الْمُؤْمِنِينَ ۚ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٩﴾ وَ
آیا عزّت و سربلند را نزد آنان می‌جویندبا این‌که همه عزّتها از آن خداست؟! (۱۳۹) و
قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا
(خداونداین حکم را) در کتابش بر شما نازل کرده که هر گاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و
وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذًا
استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند؛ وگرنه، شما هم
مِثْلُهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾
مثل آنان خواهید بود. خداوند، همهٔ منافقان و کافران را در دوزخ جمع می‌کند. (۱۴۰)

ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ ٱللَّهِ قَالُوٓا۟ أَلَمْ نَكُن

(منافقان) کسانی (هستند) که پیوسته انتظار می‌کشند و اگر فتح و پیروزی از سوی خدا نصیب شما گردد، می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟

مَّعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَٰفِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوٓا۟ أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ

(پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم.)» و اگربهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: «مگر ما شما را به مبارزه و تسلیم نشدن در برابر مؤمنان،

وَنَمْنَعْكُم مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۚ فَٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ وَ

تشویق نمی‌کردیم؟! (پس با شما شریک خواهیم بود.)» خداونددر روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند؛

لَن يَجْعَلَ ٱللَّهُ لِلْكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ

و خداوند هرگز راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است. (۱۴۱) منافقان (به گمان خود)

يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوٓا۟ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُوا۟ كُسَالَىٰ

می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز بر می‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند؛

يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَٰلِكَ

ودر برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جزجز اندکی یاد نمی‌نمایند. (۱۴۲) آنها افراد بی‌هدفی هستند

لَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا

که نه سوی اینها هستند، و نه سوی آنها. (در واقع، نه در صف مومنان قرار دارند، و نه در صف کافران.) و هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای (نجات) او

﴿١٤٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ

نخواهی یافت. (۱۴۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کافران را به جای مؤمنان، ولیّ و تکیه گاه خود انتخاب نکنید.

ٱلْمُؤْمِنِينَ ۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا۟ لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا ﴿١٤٤﴾

آیا می‌خواهید (با این عمل،) دلیل آشکاری بر ضدّ خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟! (۱۴۴)

إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِى ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ

منافقان در پایین‌ترین درکات (و طبقات) دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یاوری برای آنها نخواهی یافت. (بنابراین، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق

نَصِيرًا ﴿١٤٥﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ وَأَصْلَحُوا۟ وَٱعْتَصَمُوا۟ بِٱللَّهِ

است، بپرهیزید.) (۱۴۵) مگر کسانی که توبه کنند، و اصلاح (و جبران) نمایند و به خدا تمسک جویند،

وَأَخْلَصُوا۟ دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَعَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۖ وَسَوْفَ يُؤْتِ

و دین خود را برای خدا خالص کنند؛ آنها با مومنان خواهند بود؛ و خداوند به افراد

ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾ مَّا يَفْعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمْ

با ایمان، پاداش عظیمی خواهد داد. (۱۴۶) اگر شکرگزاری کنید وایمان آورید چگونه ممکن است خداوند شما را

إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنتُمْ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾

مجازات کند؟! خداوند (در برابر اعمال شما) قدردان و (از آن) آگاه است. (۱۴۷)

۞ لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلْجَهْرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ
خداوند دوست ندارد کسي با سخنان خود، بديها (ی ديگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند،
سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾ إِن تُبْدُوا۟ خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا۟ عَن سُوٓءٍ فَإِنَّ
شنوا و داناست. (۱۴۸) اگر نيکيها را آشکار يا پنهان سازيد، و از بديها گذشت نماييد، خداوند آمرزنده و تواناست
ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿١٤٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ
(و با اينکه قادر بر مجازات است، عفو و گذشت مي‌کند). (۱۴۹) کساني که به خدا و پيامبران او کفر مي‌ورزند،
وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا۟ بَيْنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ
و مي‌خواهند ميان خدا و پيامبرانش جدايي بيفکنند، و مي‌گويند: «به بعضي ايمان مي‌آوريم،
بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا۟ بَيْنَ ذَٰلِكَ
و بعضي را انکار مي‌کنيم» و مي‌خواهند در ميان اين (دو)، راهي (براي خود)
سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَٰفِرُونَ حَقًّا ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ
انتخاب کنند، (۱۵۰) آنها کافران حقيقي‌اند؛ و براي کافران، مجازات خوارکننده‌اي
عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥١﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَلَمْ يُفَرِّقُوا۟ بَيْنَ
فراهم ساخته‌ايم. (۱۵۱) ولي کساني که‌به خدا و پيامبرانش ايمان آورده، و ميان هيچ يک از
أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُو۟لَٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا
آنها فرق نگذاشته‌اند، خداوند پاداششان را خواهد داد؛ خداوند، آمرزنده و
رَّحِيمًا ﴿١٥٢﴾ يَسْـَٔلُكَ أَهْلُ ٱلْكِتَٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَٰبًا مِّنَ
مهربان است. (۱۵۲) اهل کتاب از تو مي‌خواهند کتابي از آسمان (يکجا) بر آنها نازل کني؛
ٱلسَّمَآءِ ۚ فَقَدْ سَأَلُوا۟ مُوسَىٰٓ أَكْبَرَ مِن ذَٰلِكَ فَقَالُوٓا۟ أَرِنَا ٱللَّهَ جَهْرَةً
(در حالي که اين يک بهانه است؛) آنها از موسي، بزرگتر از اين را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده!»
فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ ٱتَّخَذُوا۟ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِ
و بخاطر ظلم و ستمشان، صاعقه آنها را فرا گرفت. سپس گوساله (سامري) را، پس از آن
مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَٰلِكَ ۚ وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَٰنًا
همه دلايل روشن که براي آنها آمد، (به خدايي) انتخاب کردند. ولي ما از آن در گذشتيم (و عفو کرديم)و به موسي، برهان
مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ ٱلطُّورَ بِمِيثَٰقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ
آشکاري داديم. (۱۵۳) و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتيم؛ و در همان حال از آنها پيمان گرفتيم، و به آنها گفتيم: «(براي توبه،) از در (بيت المقدس)
سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا۟ فِى ٱلسَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا ﴿١٥٤﴾
با خضوع در آييد.» و به آنان گفتيم: «در روز شنبه تعدّي نکنيد (و دست از کار بکشيد.)» و از آنان (در برابر همهٔ اينها) پيمان محکمي‌گرفتيم(۱۵۴)

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَقَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ

(ولي) بخاطر پيمان شكني آنها، و انكار آيات خدا، و كشتن پيامبران به ناحق، و اين كه (از روی استهزا)

بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌۢ ۚ بَلْ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا

مي‌گفتند: «دلهای ما، در غلاف است (و سخنان پيامبر را درک نمي‌كنيم.» راندهٔ درگاه خدا شدند.) آري، خداوند به سبب كفرشان، بر دلهای آنها مهر زده؛ كه

يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٥﴾ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَٰنًا

جز عدّه كمي (كه راه حق مي‌پويند) ايمان نمي‌آورند. (۱۵۵) و (نيز) بخاطر كفرشان، و تهمت بزرگي كه بر مريم زدند؛

عَظِيمًا ﴿١٥٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا ٱلْمَسِيحَ عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ

(۱۵۶) و اينكه گفتند: «ما، مسيح - عيسي بن مريم - پيامبر خدا را كشتيم.»

وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟

در حالي كه نه او را كشتند، و نه بر دار كردند؛ بلكه امر بر آنها مشتبه شد. و كساني كه در مورد (قتل) او اختلاف كردند،

فِيهِ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ ۚ مَا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًۢا

نسبت به آن در شک هستند و به هيچ صورت علم به آن ندارند و تنها از پندارهای بی اساس پيروی مي‌كنند؛ و به يقين او را نكشتند؛

﴿١٥٧﴾ بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾ وَإِن مِّنْ أَهْلِ

(۱۵۷) بلكه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حكيم است. (۱۵۸) و هيچ يک از اهل

ٱلْكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِۦ قَبْلَ مَوْتِهِۦ ۖ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ

كتاب نيست مگر اين‌كه پيش از مرگش به او [= حضرت مسيح] ايمان مي‌آورد؛ و روز قيامت،بر آنها گواه خواهد بود.

شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾ فَبِظُلْمٍ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتْ

(۱۵۹) بخاطر ظلمي كه از يهود صادر شد، و (نيز) بخاطر بازداشتن فراوان آنها از راه خدا، بخشي از چيزها (و خوراكي‌های) پاكيزه را كه

لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾ وَأَخْذِهِمُ ٱلرِّبَوٰا۟ وَقَدْ نُهُوا۟

برای آنها حلال شده بود، بر آنان حرام كرديم. (۱۶۰) و (همچنين) بخاطر ربا گرفتن، در حالي كه از آن نهي شده بودند؛

عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَٰطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا

و خوردن اموال مردم بباطل؛ و برای كافران آنها، عذاب دردناكي آماده كرده‌ايم.

أَلِيمًا ﴿١٦١﴾ لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِى ٱلْعِلْمِ مِنْهُمْ وَٱلْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ

(۱۶۱) ولي راسخان در علم از آنها، و مؤمنان (از امّت اسلام)، به تمام آنچه برتو نازل شده،

إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ ۚ وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ ۚ وَٱلْمُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ

و آنچه پيش از تو نازل گرديده، ايمان مي‌آورند. (همچنين) نمازگزاران وزكات‌دهندگان

وَٱلْمُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ أُو۟لَٰٓئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

و ايمان‌آورندگان به خدا و روز بازپسين، بزودی به همهٔ آنان پاداش عظيمي خواهيم داد. (۱۶۲)

إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ

ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او

وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَ

وحی فرستادیم؛ و (نیز) به ابراهیمو اسماعیل و اسحاق و یعقوب و

ٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ

اسباط [= پیامبران از فرزندان یعقوب] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم؛

وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ﴿١٦٣﴾ وَرُسُلٗا قَدۡ قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ مِن

و به داود زبور بخشیدیم. (۱۶۳) و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو بازگفته‌ایم؛

قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكۡلِيمٗا

و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده‌ایم؛ و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود.)

﴿١٦٤﴾ رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ

(۱۶۴) پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران، حجّتی برای مردم در برابر خدا باقی نماند،

حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ﴿١٦٥﴾ لَّٰكِنِ ٱللَّهُ يَشۡهَدُ

(و بر همه اتمام حجّت شود؛) و خداوند، تواناو حکیم است. (۱۶۵) (آنها نبوت تو را انکار می‌کنند) ولی خداوند گواهی می‌دهد

بِمَآ أَنزَلَ إِلَيۡكَۖ أَنزَلَهُۥ بِعِلۡمِهِۦۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَشۡهَدُونَۚ

به آنچه بر تو نازل کرده؛ که از روی علمش نازل کرده است؛ و فرشتگان (نیز) گواهی می‌دهند؛

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ

هر چند گواهی خدا کافی است. (۱۶۶) کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا باز داشتند،

ٱللَّهِ قَدۡ ضَلُّواْ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَظَلَمُواْ لَمۡ

در گمراهی دوری افتاده‌اند. (۱۶۷) کسانی که کافر شدند، و (به خود و دیگران) ستم کردند،

يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ

هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد، (۱۶۸) مگر به راه دوزخ،

خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿١٦٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ

که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این امر برای خدا آسان است! (۱۶۹) ای مردم!

قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ فَـَٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن

پیامبر (ی که انتظارش را می‌کشیدید،) حق را از جانب پروردگارتان برای شما آورده است، پس به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است.

تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿١٧٠﴾

و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد؛) زیرا آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۷۰)

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى

ای اهل کتاب! در دین خود، غلوّ (و زیاده‌روی) نکنید؛ و دربارهٔ خدا،

ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ إِنَّمَا ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ وَ

غیر از حق نگویید. مسیح - عیسی بن مریم - فقط فرستادهٔ خدا،

كَلِمَتُهُۥٓ أَلۡقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرۡيَمَ وَرُوحٞ مِّنۡهُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۖ

و کلمه (و مخلوق) اوست؛ که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. پس به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید؛

وَلَا تَقُولُواْ ثَلَٰثَةٌۚ ٱنتَهُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ إِنَّمَا ٱللَّهُ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓ

و نگویید: «(خداوند) سه گانه است.» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است. خدا، تنها معبود یگانه است؛

أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٞۘ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ

او منزّه است که فرزندی داشته باشد؛ (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است؛ و برای تدبیر و سرپرستی آنها،

وَكِيلٗا ﴿١٧١﴾ لَّن يَسۡتَنكِفَ ٱلۡمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبۡدٗا لِّلَّهِ

خداوندکافی است. (۱۷۱) هیچ گاه مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد؛

وَلَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ٱلۡمُقَرَّبُونَۚ وَمَن يَسۡتَنكِفۡ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَيَسۡتَكۡبِرۡ

و نه فرشتگان مقرّب (از این ابا دارند). و آنها که از بندگی او، روی برتابند و تکبّر کنند،

فَسَيَحۡشُرُهُمۡ إِلَيۡهِ جَمِيعٗا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ

بزودی خداوند همهٔ آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد. (۱۷۲) ولی کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند،

ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۖ وَأَمَّا

پاداششان را بطور کامل به آنان خواهد داد؛ و از فضل و بخشش خود، بر (پاداش) آنها خواهد افزود.

ٱلَّذِينَ ٱسۡتَنكَفُواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا

ولی کسانی را که ابا کردند و تکبّر ورزیدند، با مجازات دردناکی کیفر خواهد داد؛

وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ﴿١٧٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ

و برای خود، غیر از خدا، سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (۱۷۳) ای مردم!

قَدۡ جَآءَكُم بُرۡهَٰنٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ نُورٗا مُّبِينٗا ﴿١٧٤﴾

دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کرده‌ایم. (۱۷۴)

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱعۡتَصَمُواْ بِهِۦ فَسَيُدۡخِلُهُمۡ

ولی کسانی که به خدا ایمان آوردند و به آن (کتاب آسمانی) چنگ زدند،

فِي رَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَفَضۡلٖ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَيۡهِ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ﴿١٧٥﴾

بزودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت؛ و در راه راستی، به سوی خویش هدایت می‌کند. (۱۷۵)

يَسۡتَفۡتُونَكَ قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِي ٱلۡكَلَٰلَةِۚ إِنِ ٱمۡرُؤٌاْ هَلَكَ

از تو دربارهٔ حکم (ارث خواهران و برادران) سوال می‌کنند، بگو: «خداوند، حکم (ارث) خواهر و برادر را برای شما بیان می‌کند: اگر مردی از دنیا برود،

لَيۡسَ لَهُۥ وَلَدٌ وَلَهُۥٓ أُخۡتٌ فَلَهَا نِصۡفُ مَا تَرَكَۚ وَهُوَ يَرِثُهَآ إِن

که فرزندی نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که به جا گذاشته، از آن اوست؛ و (اگر خواهری از دنیا برود و وارث او یک برادر باشد،)

لَّمۡ يَكُن لَّهَا وَلَدٌۚ فَإِن كَانَتَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَۚ وَإِن

او تمام مال را از آن خواهر، به ارث می‌برد، در صورتی که آن خواهر فرزند نداشته باشد؛ و اگر (وارث او) دو خواهر باشند دو سوّم اموال را می‌برند؛

كَانُوٓاْ إِخۡوَةٗ رِّجَالٗا وَنِسَآءٗ فَلِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۗ

و اگر (وارثان) جمعی از برادران و خواهران باشند، سهم هر برادر به اندازهٔ سهم دو خواهر است.

يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ أَن تَضِلُّواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ﴿١٧٦﴾

خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می‌کند تا گمراه نشوید؛ و خداوند به همه چیز داناست.» (۱۷۶)

سُورَةُ المَائدَة

ترتیبها ۵ — آیاتها ۱۲۰

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوۡفُواْ بِٱلۡعُقُودِۚ أُحِلَّتۡ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلۡأَنۡعَٰمِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! چهار پایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود

إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ غَيۡرَ مُحِلِّي ٱلصَّيۡدِ وَأَنتُمۡ حُرُمٌۗ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١﴾

(و استثنا خواهد شد)، و در حالی که در احرام هستید، صید را حلال نشمرید. خداوند هر چه را بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می‌کند. (۱)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید؛ و مخالفت با حدود الهی) را حلال ندانید؛

لَا ٱلۡقَلَٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنٗاۚ

و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند.

وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ أَن صَدُّوكُمۡ عَنِ

امّا هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد، و دشمنی با جمعیّتی که شما را از آمدن به

ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ أَن تَعۡتَدُواْۘ وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا

مسجدالحرام (در سال حدیبیه) باز داشتند، نباید شما را وادار به تعدّی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری به یکدیگر کمک کنید.

تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٢﴾

و (هرگز) در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است! (۲)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ

(گوشت) مردار، وخون، وگوشت خوک، و حیوانی که به غیر نام خدا ذبح شود، و حیوان خفه شده، و به زجر کشته شده،

بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ

و حیوانی که براثر پرت شدن از بلندی بمیرد، و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشد، و باقیماندهٔ صید حیوان

السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ۚ

درنده ـ مگر آن‌که (بموقع به آن شکار برسید و) آن را سر ببرید ـ و حیوانی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می‌شود، (همه) بر شما حرام شده است؛

ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ ۗ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ

و (همچنین) تقسیم کردن (گوشت حیوان) بوسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اینها، فسق و گناه است. ـ امروز، کافران از (شکست) آیین

وَاخْشَوْنِ ۚ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ

شما مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها نترسید؛ و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛

رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ

و اسلام را بعنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم ـ امّا کسانی که در حال گرسنگی، ناچار شوند، و متمایل به گناه نباشند،

لِإِثْمٍ ۙ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ ۖ قُلْ أُحِلَّ

(مانعی ندارد که از گوشتهای ممنوع بخورند؛) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۳) از تو سوال می‌کنند چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟

لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۙ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ

بگو: «هر آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ و سگهای شکاری تعلیم یافته که از آنچه خداوند به شما یاد داده است به آنها تعلیم داده‌اید

اللَّهُ ۖ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ

از آنچه برای شما (صید می‌کنند و) نگاه می‌دارند، بخورید؛ و نام خدا را (به هنگام فرستادن آنها) بر آن ببرید؛ و از (نافرمانی) خدا بپرهیزید که خداوند

سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤﴾ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۖ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا

سریع الحساب است.» (۴) امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب،

الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ ۖ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ

برای شما حلال است؛و طعام شما برای آنها حلال؛ و (نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ

پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب آسمانی داده شده، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید

أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَنْ

و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی (و نامشروع) گیرید.و کسی که آنچه را باید به آن ایمان بیاورد،

يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾

انکار کند اعمال او تباه می‌گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود.(۵)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغۡسِلُواْ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز بر می‌خیزید،
وُجُوهَكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ إِلَى ٱلۡمَرَافِقِ وَٱمۡسَحُواْ بِرُءُوسِكُمۡ
صورت و دستها را تا آرنج بشویید؛ و سر و پاها را تا
وَأَرۡجُلَكُمۡ إِلَى ٱلۡكَعۡبَيۡنِۚ وَإِن كُنتُمۡ جُنُبٗا فَٱطَّهَّرُواْۚ
برآمدگی روی پا مسح کنید. و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید).
وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ
و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده (و قضای حاجت کرده)،
أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا
یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید، و آب (برای غسل یا وضو) نیافتید، بر زمین پاکی تیمّم کنید؛
فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُم مِّنۡهُۚ مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ
(به این طریق که) صورت [= پیشانی] و دست هایتان را با آن مسح کنید. خداوند نمی‌خواهد شما را
لِيَجۡعَلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ حَرَجٖ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمۡ وَلِيُتِمَّ
در تنگنا قرار دهد؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛
نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿٦﴾ وَٱذۡكُرُواْ
شاید شکر به جا آورید. (۶) و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما،
نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمِيثَٰقَهُ ٱلَّذِي وَاثَقَكُم بِهِۦٓ إِذۡ قُلۡتُمۡ سَمِعۡنَا
و پیمانی را که با تأکید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم».
وَأَطَعۡنَاۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا
و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه‌هاست، آگاه است. (۷) ای کسانی که
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ
ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیّتی،
شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۖ
شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت پیشه کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است.
وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
و از (نافرمانی) خدا بپرهیزید، که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۸) خداوند، به آنها که
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٞ ﴿٩﴾
ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعدهٔ آمرزش و پاداش بزرگی داده است. (۹)

ص :۱۰۸

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ

و کساني که کافر شدند و آيات ما را تکذيب کردند، آنان اهل دوزخند

(١٠) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذْكُرُواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ

(١٠) اى کساني که ايمان آورده‌ايد! نعمت خدا را بر خويشتن، به ياد آوريد؛

إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوٓاْ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ

آن زمان که گروهي (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوى شما دراز کنند (و شما را از ميان بردارند)،

أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ ۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ

امّا خدا دستشان را از شما کوتاه کرد. از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد. و مؤمنان بايد تنها بر خدا توکّل کنند.

(١١) ۞ وَلَقَدْ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَبَعَثْنَا

(١١) خدا از بني‌اسرائيل پيمان گرفت. و از آنها،

مِنْهُمُ ٱثْنَىْ عَشَرَ نَقِيبًا ۖ وَقَالَ ٱللَّهُ إِنِّى مَعَكُمْ ۖ لَئِنْ أَقَمْتُمُ

دوازده نقيب [= سرپرست] برانگيختيم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم؛

ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَيْتُمُ ٱلزَّكَوٰةَ وَءَامَنتُم بِرُسُلِى وَعَزَّرْتُمُوهُمْ

اگر نماز را برپا داريد، و زکات را بپردازيد، و به پيامبران من ايمان بياوريد

وَأَقْرَضْتُمُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ

و آنها را ياري کنيد، و به خدا قرض نيکويي دهيد (و به نيازمندان کمک کنيد)، گناهان شما را مي‌بخشم

وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۚ فَمَن

و شما را در باغهاى بهشتي، که نهرها از پاى درختانش جاري است، وارد مي‌کنم.

كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ

امّا هر کس از شما بعد از اين کافر شود، از راه راست منحرف شده است.»

(١٢) فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ لَعَنَّٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ

(١٢) ولي بخاطر پيمان شکني آنها، از رحمت خويش دورشان ساختيم؛ و دلهاى آنان را

قَٰسِيَةً ۖ يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَنَسُواْ

سخت و پر قساوت نموديم؛ آنها کلمات الهي را از موردش تحريف مي‌کنند؛

حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا

و بخشي از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند؛ و پيوسته از خيانتي (تازه) از آنها آگاه مي‌شوى، مگر عدهٔ کمي از آنان؛

مِّنْهُمْ ۖ فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱصْفَحْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ (١٣)

ولي از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نيکوکاران را دوست مي‌دارد. (١٣)

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ

و از کسانی که می‌گفتند: «ما نصرانی (و یاور مسیح) هستیم» (نیز) پیمان گرفتیم؛

فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ

ولی آنها بخش مهمّی از آنچه را به آنان تذکر داده شده بود به دست فراموشی سپردند؛ از این رو در میان آنها،

وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا

تا روز قیامت، (و پایان دنیا) دشمنی و کینه افکندیم. و خداوند، (در قیامت) آنها را از (نتایج)

كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ

اعمالشان آگاه خواهد ساخت. (۱۴) ای اهل کتاب! فرستادهٔ ما، به سوی شما آمد،

رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ

در حالی که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد؛

الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ۗ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ

و از بسیاری از آن، (که در این زمان مصلحت نیست،) صرف نظر می‌نماید. (آری،) از

اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ

طرف خدا، نور و کتاب روشنگری به سوی شما آمد. (۱۵) خداوند به برکت آن، کسانی را که

اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ

از رضای او پیروی کنند، به راههای سلامت و امنیت، هدایت می‌کند؛ و به فرمانش، آنان را از

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ

ظلمت‌ها خارج ساخته به سوی نور می‌برد؛ و آنها را به سوی راه

مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ

راست، هدایت می‌نماید. (۱۶) کسانی که گفتند:

اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ

«خدا، همان مسیح بن مریم است»، به یقین کافر شدند؛ بگو: «اگر خدا بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و

شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ

همهٔ کسانی را که روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی می‌تواند مانع شود؟ (آری،)

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

حکومت آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد از آن خداست؛

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

هر چه بخواهد، می‌آفریند؛ (حتی انسانی بدون پدر، مانند مسیح؛) و خدا، بر هر چیزی تواناست.» (۱۷)

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ وَٱلنَّصَٰرَىٰ نَحْنُ أَبْنَٰٓؤُا۟ ٱللَّهِ وَأَحِبَّٰٓؤُهُۥ ۚ قُلْ فَلِمَ

یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاصّ) او هستیم.» بگو:

يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم ۖ بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۚ يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ

«پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم انسانی هستید از مخلوقات او؛ هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)،

وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ ۚ وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ

می‌بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد)، مجازات می‌کند؛ و حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن اوست؛

وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٨﴾ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ

و بازگشت (همه)، به سوی اوست.» (۱۸) ای اهل کتاب! پیامبر ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد؛

عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ ٱلرُّسُلِ أَن تَقُولُوا۟ مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۖ فَقَدْ

در حالی که حقایق را برای شما بیان می‌کند؛ تا مبادا بگویید: «نه بشارت دهنده‌ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده‌ای».

جَآءَكُم بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَإِذْ قَالَ

هم اکنون، (پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد. و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۱۹) (یاد کنید) هنگامی را

مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَةَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ

که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را برخود به یاد آورید هنگامی که در میان شما،

أَنۢبِيَآءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا وَءَاتَىٰكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ

پیامبرانی قرار داد؛ (و از اسارت فرعونیان رهایی بخشید) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد؛ و به شما نعمتهایی داد که به هیچ یک از جهانیان نداده

﴿٢٠﴾ يَٰقَوْمِ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْأَرْضَ ٱلْمُقَدَّسَةَ ٱلَّتِى كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْ وَلَا

بود. (۲۰) ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما معین کرده، وارد شوید؛

تَرْتَدُّوا۟ عَلَىٰٓ أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا۟ خَٰسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا۟ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ

و به پشت سرخود بازنگردید (و عقب‌نشینی نکنید) که زیانکار خواهید بود.» (۲۱) گفتند: «ای موسی! در آن جا،

فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا۟ مِنْهَا فَإِن

گروهی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی‌شویم تا آنها از آن خارج شوند؛

يَخْرُجُوا۟ مِنْهَا فَإِنَّا دَٰخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ

اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد.» (۲۲) (ولی) دو نفر از مردان خدا ترس که خداود به آنها،

يَخَافُونَ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمَا ٱدْخُلُوا۟ عَلَيْهِمُ ٱلْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ

نعمت (عقل و ایمان و شجاعت) داده بود، گفتند: «شما (به یکباره) وارد دروازه (شهر آنان) شوید

فَإِنَّكُمْ غَٰلِبُونَ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓا۟ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

و هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکّل کنید اگر ایمان دارید.» (۲۳)

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ

(بني‌اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آن‌جا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد؛

وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا

تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید،ما همین جا نشسته‌ایم.» (۲۴) (موسی) گفت: «پروردگارا!

أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیّت گنهکار، جدایی بیفکن.»

﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي

(۲۵) خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدّس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛

الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ ۞ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ

پیوسته در زمین(در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و دربارهٔ (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش.» (۲۶) و داستان

نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ

دو فرزند آدم را به درستی بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرّب انجام دادند؛ امّا از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (برادری که

يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران

﴿٢٧﴾ لَئِن بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ

می‌پذیرد. (۲۷) اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی،من هرگز به قتل تو دست نمی‌گشایم،

لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَن تَبُوءَ

چون من از خداوند که پروردگار جهانیان است می‌ترسم. (۲۸) من می‌خواهم تو بار

بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

گناه من و گناه خود را بر دوش کشی؛ و از دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران!»

﴿٢٩﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ

(۲۹) نفس سرکش، به تدریج او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ و (سرانجام) او را کشت؛ و از

الْخَاسِرِينَ ﴿٣٠﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ

زیانکاران شد. (۳۰) سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کند و کاو) می‌کرد؛

كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ

تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من ناتوان‌تر از آن هستم که مانند

هَٰذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٣١﴾

این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و براثر فشار وجدان) از نادمان شد. (۳۱)

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ

به همین جهت، بر بنی‌اسرائیل مقرّر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل

نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ

یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛

النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا

و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی به همهٔ مردم حیات بخشیده است.

وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ

و پیامبران ما، دلایل روشن برای آنان [= بنی اسرائیل] آوردند، اما بسیاری از آنها، پس

ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ

از آن در روی زمین، تعدّی و زیاده روی کردند. (۳۲) کیفر آنها که با

يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا

خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و برای فساد در روی زمین تلاش می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند،)

أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ

فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا دست و پای آنها، بعکس یکدیگر (چهار انگشت از دست راست و چهار انگشت از پای چپ)،

يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۚ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ

بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛

فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ

و در آخرت، مجازات بزرگی دارند. (۳۳) مگر کسانی که پیش از دست یافتن شما بر آنان،

أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۖ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٤﴾ يَا أَيُّهَا

توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آنها را می‌پذیرد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است. (۳۴) ای کسانی

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا

که‌ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید؛

فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. (۳۵) بیقین کسانی که کافر شدند،

لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ

اگر تمام آنچه در زمین است و همانندش، از آن آنها باشد و همهٔ آن را برای نجات

مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾

از کیفر روز قیامت بدهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و مجازات دردناکی خواهند داشت. (۳۶)

يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنَ ٱلنَّارِ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنْهَا ۖ
پیوسته می‌خواهند از دوزخ خارج شوند، ولی آنها نمی‌توانند از آن خارج گردند؛
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٧﴾ وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقْطَعُوٓا۟
و برای آنها مجازاتی پایدار است. (۳۷) دست مرد دزد و زن دزد را،
أَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلًا مِّنَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٨﴾
به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی، (به مقدار چهار انگشت) قطع کنید. و خداوند توانا و حکیم است. (۳۸)
فَمَن تَابَ مِنۢ بَعْدِ ظُلْمِهِۦ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ
و هر کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبهٔ او را می‌پذیرد؛ (و از این مجازات، معاف می‌شود؛)
إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۳۹) آیا نمی‌دانی که حکومت و مالکیت آسمانها
وَٱلْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
و زمین تنها از آن خداست؟! هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد)، کیفر می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (وشایسته ببیند)، می‌بخشد؛ و خداوند
شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ ٱلَّذِينَ
بر هر چیزی توانا است. (۴۰) ای پیامبر! کسانی که در مسیر کفر شتاب می‌کنند
يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْكُفْرِ مِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِأَفْوَٰهِهِمْ وَلَمْ
و با زبان می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم» و قلب آنها ایمان نیاورده،
تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ ۛ وَمِنَ ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ ۛ سَمَّٰعُونَ لِلْكَذِبِ
تو را اندوهگین نسازند! و نیز گروهی از یهود که با دقت (به سخنان تو) گوش می دهند،
سَمَّٰعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ۖ يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ مِنۢ بَعْدِ
تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند؛ آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می‌کنند،
مَوَاضِعِهِۦ ۖ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ
و (به یکدیگر) می‌گویند: «اگر این (که ما می‌خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد،) بپذیرید؛
فَٱحْذَرُوا۟ ۚ وَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ فِتْنَتَهُۥ فَلَن تَمْلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ
وگرنه (از او) دوری کنید.» (ولی) کسی را که خدا (براثر گناهان پی در پی او) بخواهد مجازات کند، نمی‌توانی در
شَيْـًٔا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَمْ يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ ۚ لَهُمْ
برابر خداوند از او دفاع کنی؛ آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را پاک کند؛
فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ ۖ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾
در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد. (۴۱)

سَمَّٰعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحْتِ ۚ فَإِن جَآءُوكَ

آنها با دقت (به سخنان تو) گوش می‌دهند تا (دستاویزی پیدا کنند و آن را) تکذیب نمایند؛

فَٱحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ ۖ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ

و بسیار مال حرام می‌خورند؛ ولی اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) از آنان صرف نظر کن.

شَيْـًٔا ۖ وَإِنْ حَكَمْتَ فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ

و اگر از آنان صرف‌نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند؛ واگر داوری کنی، با عدالت در میان آنها داوری کن، که خدا

ٱلْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾ وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ ٱلتَّوْرَىٰةُ فِيهَا حُكْمُ

عدالت پیشه‌گان را دوست دارد. (۴۲) چگونه تو را به داوری می‌طلبند؟! در حالی که تورات نزد ایشان است؛

ٱللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۚ وَمَآ أُو۟لَـٰٓئِكَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ

و در آن، حکم خدا آمده است. (وانگهی) چرا پس از داوری، (از حکم تو،) روی می‌گردانند؟! آنها مؤمن نیستند.

﴿٤٣﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَا ٱلتَّوْرَىٰةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ ۚ يَحْكُمُ بِهَا ٱلنَّبِيُّونَ

(۴۳) ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نوری بود؛ و پیامبران (بنی اسرائیل)،

ٱلَّذِينَ أَسْلَمُوا۟ لِلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلرَّبَّـٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ بِمَا

که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان،

ٱسْتُحْفِظُوا۟ مِن كِتَـٰبِ ٱللَّهِ وَكَانُوا۟ عَلَيْهِ شُهَدَآءَ ۚ فَلَا

الهی بر اساس کتاب خداوند که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند.

تَخْشَوُا۟ ٱلنَّاسَ وَٱخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَـٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ وَ

بنابراین، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی،) از مردم نهراسید، و از (نافرمانی) من بترسید؛ و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید.

مَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَـٰفِرُونَ ﴿٤٤﴾ وَ

و آنها که به آنچه خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند. (۴۴) و بر آنها

كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَآ أَنَّ ٱلنَّفْسَ بِٱلنَّفْسِ وَٱلْعَيْنَ بِٱلْعَيْنِ

[= بنی‌اسرائیل] در آن [= تورات]، مقرّر داشتیم‌که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم،

وَٱلْأَنفَ بِٱلْأَنفِ وَٱلْأُذُنَ بِٱلْأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلْجُرُوحَ

و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان، قصاص می‌شود؛

قِصَاصٌ ۚ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُۥ ۚ وَمَن

و جراحات نیز، قصاص دارد؛ و اگر کسی از قصاص، در گذرد، کفّارهٔ (گناهان)

لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّـٰلِمُونَ ﴿٤٥﴾

او محسوب می‌شود؛ و هر کس آنچه خدا نازل کرده حکم نکند، ستمکار است.(۴۵)

وَقَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ

و در پی آنها [= پیامبران پیشین]، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت؛

ٱلتَّوۡرَىٰةِۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَ فِيهِ هُدٗى وَنُورٞ وَمُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ

وانجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نوری بود؛ و تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد؛

مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾ وَلۡيَحۡكُمۡ أَهۡلُ

و هدایت و موعظه‌ای‌برای پرهیزگاران بود. (۴۶) اهل انجیل (و پیروان مسیح)

ٱلۡإِنجِيلِ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فِيهِۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ

نیز باید مطابق آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند. و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده‌حکم نمی‌کنند،

هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا

فاسقند. (۴۷) و این کتاب [= قرآن] را بحق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند

لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم

و با آنها هماهنگ است، و نگاهبان و حاکم بر آنهاست؛ پس بر طبق آنچه خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن

بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ

و از هوا و هوسهای آنان پیروی نکن؛ و از احکام الهی، روی مگردان. ما برای هر کدام از شما (امتها)،

جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ

آیین و طریقهٔ روشنی قرار دادیم؛ و اگرخدا می‌خواست، همهٔ شما را امّت واحدی قرار می‌داد؛

وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ

ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما ارزانی داشته بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد) پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جویید.

مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأَنِ

بازگشت همهٔ شما، به سوی خداست؛ و از آنچه در آن اختلاف می‌کردید؛ (در قیامت) به شما خبر خواهد داد. (۴۸)

ٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ وَٱحۡذَرۡهُمۡ أَن

و در میان آنها [= اهل کتاب]،طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن؛ و از هوسهای آنان پیروی مکن؛ و از آنها برحذر باش،

يَفۡتِنُوكَ عَنۢ بَعۡضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ

مبادا تو را نسبت به بخشی از آنچه خداوند بر تو نازل کرده، منحرف سازند؛ و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند،

أَن يُصِيبَهُم بِبَعۡضِ ذُنُوبِهِمۡۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ لَفَٰسِقُونَ ﴿٤٩﴾

بدان که خداوند می‌خواهد آنان را بخاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم‌فاسقند. (۴۹)

أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

آیا آنها حکم جاهلیّت را (از تو) می‌خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل ایمان و یقین هستند، حکم می‌کند؟! (۵۰)

۞ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ ٱلْيَهُودَ وَٱلنَّصَـٰرَىٰٓ أَوْلِيَآءَ ۘ بَعْضُهُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را دوست و تکیه گاه خود، انتخاب نکنید. آنها اولیای یکدیگرند؛

أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُۥ مِنْهُمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ

و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند،از آنها هستند؛ خداوند، گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَـٰرِعُونَ فِيهِمْ

(۵۱) (ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می‌بینی که در (دوستی با)آنان، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند،

يَقُولُونَ نَخْشَىٰٓ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ ۚ فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِىَ بِٱلْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ

و می‌گویند: «می ترسیم حادثه‌ای برای ما پیش آید (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم.)» چه بسا خداوند پیروزی یا حادثه‌ای از سوی خود (به نفع مسلمانان)

عِندِهِۦ فَيُصْبِحُوا۟ عَلَىٰ مَآ أَسَرُّوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ نَـٰدِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ

پیش آورد؛ و این گروه، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند. (۵۲) کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند:

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَهَـٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَـٰنِهِمْ ۙ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۚ

«آیا اینها [= منافقان] همان کسانی هستند که با نهایت تاکید به خدا سوگند یاد کردند که با شما هستند؟!

حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ فَأَصْبَحُوا۟ خَـٰسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَن

(ولی) اعمالشان نابود گشت، و زیانکار شدند. (۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما،

يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَسَوْفَ يَأْتِى ٱللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى

از آیین‌خود بازگردد،(به خدا زیانی نمی‌رساند؛) خداوند گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان(نیز)او را دوست دارند؛

ٱلْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلْكَـٰفِرِينَ يُجَـٰهِدُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَآئِمٍ ۚ

در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند.

ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَ

این، فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد (وشایسته ببیند) می‌دهد؛ و فضل و احسان خداوند، گسترده و (او به همه چیز) داناست. (۵۴) سرپرست و ولیّ

رَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَٰكِعُونَ

شما، تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ آنها که نماز را بر پا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

﴿٥٥﴾ وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ فَإِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْغَـٰلِبُونَ

(۵۵) و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند،(پیروزند؛) زیرا حزب خدا [گروه خداپرستان] پیروزند.

﴿٥٦﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ ٱلَّذِينَ

(۵۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند از اهل کتاب

أُوتُوا۟ ٱلْكِتَـٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَٱلْكُفَّارَ أَوْلِيَآءَ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

و مشرکان را ولیّ خود انتخاب نکنید؛ و از (نافرمانی) خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید. (۵۷)

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا

هنگامی که (مردم را) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این بخاطر آن است که آنها

يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ أَنْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ

گروهی نابخردند. (۵۸) بگو: «ای اهل کتاب! آیا بر ما خرده می‌گیرید؟! مگر جز این است که ما به خداوند یگانه،

وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٥٩﴾ قُلْ هَلْ

و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه پیش از این نازل گردیده، ایمان آورده‌ایم، در حالی که بیشتر شما، از راه حق، خارج شده‌اید.» (۵۹) بگو:

أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ ٱللَّهِ مَن لَّعَنَهُ ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ

«آیا شما را از جایگاه و کیفری که نزد خدا بدتر از این است، با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم قرار داده،

وَجَعَلَ مِنْهُمُ ٱلْقِرَدَةَ وَٱلْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَ أُو۟لَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ

و بعضی از آنها را به صورت میمون‌ها و خوک‌ها قرار داده؛ و دربندگی طاغوت در آمده‌اند؛ موقعیّت و جایگاه آنها، بدتر است؛

عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا وَقَد دَّخَلُوا۟ بِٱلْكُفْرِ

و از راه راست، گمراهترند.» (۶۰) هنگامی که نزد شما می‌آیند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» (امّا) با کفر وارد شده‌اند،

وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا۟ بِهِۦ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا۟ يَكْتُمُونَ ﴿٦١﴾ وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ

و با کفر خارج شده‌اند؛ و خداوند، از آنچه کتمان می‌کردند، آگاهتر است. (۶۱) بسیاری از آنان را می‌بینی

يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا۟

که در گناه و تعدّی، و خوردن مال حرام، شتاب می‌کنند. چه بد و ناپسند است کاری که

يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ ٱلْإِثْمَ

انجام می‌دادند. (۶۲) چرا دانشمندان و علما (ی یهود و نصارا)، آنها را از سخنان گناه‌آمیز و

وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا۟ يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ

خوردن مال حرام، نهی نمی‌کنند؟! چه بد و ناپسند است عملی که انجام می‌دادند! (۶۳) و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.»

مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا۟ بِمَا قَالُوا۟ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ

دستهایشان بسته باد! و بخاطر آنچه گفتند، از رحمت دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هر گونه بخواهد، می‌بخشد،

وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا

ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید.

بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ كُلَّمَآ أَوْقَدُوا۟ نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا

و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکندیم. هر زمان آتش جنگی (در برابر شما) افروختند،خداوند آن را خاموش ساخت؛

ٱللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِى ٱلْأَرْضِ فَسَادًا وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند؛ و خداوند، مفسدان را دوست ندارد. (۶۴)

وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَكَفَّرۡنَا عَنۡهُمۡ

و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، گناهان آنها را می‌بخشیدیم؛

سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ أَقَامُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ

و آنها را در باغهای پرنعمت بهشت، وارد می‌ساختیم. (۶۵) و اگر آنان، تورات

وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِم مِّن رَّبِّهِمۡ لَأَكَلُواْ مِن فَوۡقِهِمۡ وَمِن

و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده [= قرآن] برپا می‌داشتند، از آسمان و زمین، روزی می‌خوردند؛

تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۚ مِّنۡهُمۡ أُمَّةٞ مُّقۡتَصِدَةٞۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ سَآءَ مَا يَعۡمَلُونَ

جمعی از آنها، معتدل و میانه‌رو هستند؛ ولی بیشتر آنها اعمالشان بد است.

﴿٦٦﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمۡ تَفۡعَلۡ

(۶۶) ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) ابلاغ کن؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

فَمَا بَلَّغۡتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعۡصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي

خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، حفظ می‌کند؛ و خداوند، گروه

ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَسۡتُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍ حَتَّىٰ

کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. (۶۷) بگو: «ای اهل کتاب! شما هیچ جایگاهی (نزد خداوند) ندارید،

تُقِيمُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡۗ وَ

مگر این‌که تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است،

لَيَزِيدَنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗاۖ فَلَا

برپا دارید.» ولی به یقین آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایهٔ بیداری آنها نمی‌گردد، بلکه) بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید.

تَأۡسَ عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ

بنابراین، از این (مخالفت و انحراف) گروه کافران غمگین مباش. (۶۸) کسانی که ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند

وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ

و صابئان [پیروان یحیی] و نصاری، هر کدام که به خداوند یگانه و روز بازپسین، ایمان بیاورند،

صَٰلِحٗا فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿٦٩﴾ لَقَدۡ أَخَذۡنَا

و کارهای شایسته انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می‌شوند. (۶۹)

مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ رُسُلٗاۖ كُلَّمَا جَآءَهُمۡ

ما از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم؛ و پیامبرانی به سوی آنها فرستادیم؛ (ولی) هر زمان

رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُهُمۡ فَرِيقٗا كَذَّبُواْ وَفَرِيقٗا يَقۡتُلُونَ ﴿٧٠﴾

پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس آنها می‌آورد، عده‌ای را تکذیب می‌کردند؛ و عده‌ای را می‌کشتند. (۷۰)

وَحَسِبُوٓاْ أَلَّا تَكُونَ فِتۡنَةٞ فَعَمُواْ وَصَمُّواْ ثُمَّ تَابَ ٱللَّهُ

آنها گمان کردند مجازاتی در کار نخواهد بود؛ از این رو (از دیدن حقایق) نابینا و (از شنیدن سخنان حق،) ناشنوا شدند؛

عَلَيۡهِمۡ ثُمَّ عَمُواْ وَصَمُّواْ كَثِيرٞ مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا

سپس (بیدار گشتند، و) خداوند توبه آنها را پذیرفت؛دیگر بار (در خواب غفلت فرو رفتند، و) بسیاری از آنها کور و کر شدند؛ و خداوند، به آنچه انجام

يَعۡمَلُونَ ﴿٧١﴾ لَقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ

می‌دهند، بیناست. (۷۱) کسانی که گفتند: «خداوند همان مسیح فرزند مریم است»،

ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ وَقَالَ ٱلۡمَسِيحُ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۖ

بیقین کافر شدند، (با اینکه خود) مسیح گفت: «ای بنی‌اسرائیل! خداوند یگانه را، که پروردگار من و شماست،

إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَ

پرستش کنید؛ زیرا هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده؛ و جایگاه او دوزخ است؛

مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ﴿٧٢﴾ لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ

و برای ستمکاران، هیچ یار و یاوری نیست.» (۷۲) کسانی که گفتند:

إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖۘ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ وَإِن لَّمۡ

«خداوند، یکی از سه خداست» بیقین کافر شدند؛ هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست؛

يَنتَهُواْ عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ

و اگر از آنچه می‌گویند دست برندارند،عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند،) خواهد رسید.

أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ

(۷۳) آیا به سوی خدا بازنمی‌گردند، و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟! (در حالی که) خداوند

غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٧٤﴾ مَّا ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ

آمرزنده و مهربان است. (۷۴) مسیح فرزند مریم، فقط پیامبر (خدا) بود؛

خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُ وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٞۖ كَانَا يَأۡكُلَانِ

پیش از وی نیز، پیامبرانی بودند؛ مادرش، زن بسیار راستگویی بود؛ هر دو، غذا می‌خوردند؛

ٱلطَّعَامَۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ ٱنظُرۡ

(با این حال، چگونه ادعای الوهیّت مسیح و پرستش مریم را دارید؟!) بنگر چگونه نشانه‌ها (ی حق) را برای آنها آشکار می‌سازیم؛

أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ﴿٧٥﴾ قُلۡ أَتَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا

سپس بنگر چگونه از حق منحرف می‌شوند! (۷۵) بگو:«آیا جز خدا چیزی را می پرستید

يَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗاۚ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٧٦﴾

که مالک سود و زیانی برای شما نیست؟! و خداوند، شنوا و داناست.» (۷۶)

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا تَغْلُوا۟ فِى دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ وَلَا

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده‌روی) نکنید؛ و غیر از حق نگویید؛

تَتَّبِعُوٓا۟ أَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا۟ مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا۟ كَثِيرًا

و از هوسهای گروهی که پیشتر گمراه شدندو بسیاری را گمراه کردند

وَضَلُّوا۟ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ﴿٧٧﴾ لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنۢ

و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید.» (۷۷) کافران بنی‌اسرائیل،

بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ ۚ ذَٰلِكَ

بر زبان داود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند. این بخاطر آن بود

بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا۟ لَا يَتَنَاهَوْنَ

که نافرمانی، و تجاوز می‌نمودند. (۷۸) آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند،

عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَىٰ

یکدیگر را نهی نمی‌کردند؛ چه بدکاری انجام می‌دادند! (۷۹) بسیاری

كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ لَبِئْسَ مَا

از آنها را می‌بینی که کافران (و بت‌پرستان) را دوست و تکیه گاه خود قرار می‌دهند

قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِى ٱلْعَذَابِ

نفس (سرکش)، آنها، چه بد اعمالی از پیش برای (قیامت) آنها فرستاد، که نتیجهٔ آن، خشم خداوند بود؛

هُمْ خَٰلِدُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا۟ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِىِّ وَمَآ

و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند. (۸۰) و اگر به خدا و پیامبر و

أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ

آنچه بر او نازل شده، ایمان می‌آوردند، (هرگز) آنان [= کافران] را به دوستی انتخاب نمی‌کردند؛ ولی بسیاری از آنها

فَٰسِقُونَ ﴿٨١﴾ ۞ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةً لِّلَّذِينَ

فاسقند. (۸۱) به یقین از میان مردم، یهود و مشرکان را سرسخت‌ترین دشمن نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛

ءَامَنُوا۟ ٱلْيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟ ۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً

و بیشترین دوستی و محبت نسبت به مؤمنان را در کسانی می‌یابی که

لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّا نَصَٰرَىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ

می‌گویند: «ما نصارا هستیم»؛این بخاطر آن است که بعضی از آنها

قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾

عالمانی روحانی یا تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند. (۸۲)

الجزء ۷ — الحزب ۱۳

وَإِذَا سَمِعُوا۟ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ

و هر زمان آياتي را كه بر پيامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمان آنها را مي‌بيني كه از شوق حقيقي كه دريافته‌اند اشک مي‌ريزد،

ٱلدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا۟ مِنَ ٱلْحَقِّ ۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكْتُبْنَا مَعَ

در حالي كه مي‌گويند: «پروردگارا! ايمان آورديم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمرهٔ ياران محمّد) بنويس،

ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٨٣﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلْحَقِّ

(۸۳) (و مي‌گويند:) چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسيده است، ايمان نياوريم،

وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٤﴾ فَأَثَٰبَهُمُ ٱللَّهُ

در حالي كه آرزو داريم پروردگارمان ما را در زمرهٔ صالحان قرار دهد؟!» (۸۴) خداوند بخاطر اين سخن،

بِمَا قَالُوا۟ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ

به آنها باغهاي بهشتي پاداش داد كه از پاي درختانش، نهرها جاري است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛

جَزَآءُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ أُو۟لَٰٓئِكَ

و اين است جزاي نيكوكاران! (۸۵) و كساني كه كافر شدند و آيات ما را تكذيب كردند،

أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُحَرِّمُوا۟ طَيِّبَٰتِ

همانها اهل دوزخند. (۸۶) اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! چيزهاي پاكيزه را كه خداوند

مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾

براي شما حلال كرده است، حرام نشمريد؛ و از حدّ، تجاوز ننماييد؛ زيرا خداوند متجاوزان را دوست نمي‌دارد. (۸۷)

وَكُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلًا طَيِّبًا ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ

و از روزي‌هاي حلال و پاكيزه‌اي كه خداوند به شما داده است، بخوريد و از (مخالفت) خداوندي كه به او ايمان داريد، بپرهيزيد.

﴿٨٨﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغْوِ فِىٓ أَيْمَٰنِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا

(۸۸) خداوند شما را بخاطر سوگندهايي كه بدون توجه ياد مي‌كنيد مؤاخذه نمي‌كند؛ ولي در برابر سوگندهايي كه (از روي اراده) محكم كرده‌ايد، مؤاخذه

عَقَّدتُّمُ ٱلْأَيْمَٰنَ ۖ فَكَفَّٰرَتُهُۥٓ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَٰكِينَ مِنْ أَوْسَطِ

مي‌نمايد. كفّارهٔ اين گونه سوگندها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهايي است كه غالباً

مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَن لَّمْ يَجِدْ

به خانوادهٔ خود مي‌دهيد؛ يا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ و يا آزاد كردن يک برده؛ و هركس كه نمي‌تواند،

فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيْمَٰنِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَٱحْفَظُوٓا۟

بايد سه روز روزه بگيرد؛ اين، كفّارهٔ سوگندهاي شماست به هنگامي كه سوگند ياد مي‌كنيد (و مخالفت مي‌نماييد).

أَيْمَٰنَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٨٩﴾

و سوگندهاي خود را حفظ كنيد (و نشكنيد.) خداوند آيات خود را اين چنين براي شما بيان مي‌كند، شايد شكر به جا آوريد. (۸۹)

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَـٰمُ رِجۡسٞ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازلام [= نوعی بخت آزمایی]، پلید و

مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَـٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَـٰنُ

از عمل شیطان است،از آن دوری کنید تا رستگارشوید. (۹۰) شیطان می‌خواهد بوسیلهٔ

أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ

شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا (با این همه زیان و فساد،

ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ

و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! (۹۱) اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر (خدا) را؛

وَٱحۡذَرُواْۚ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَـٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٩٢﴾

و (از نافرمانی) برحذر باشید. و اگر سرپیچی کنید، (مستحق مجازات خواهید بود؛ و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، نیست. (۹۲)

لَيۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ جُنَاحٞ فِيمَا طَعِمُوٓاْ إِذَا

بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، گناهی در آنچه (قبل از نزول حکم تحریم شراب) خورده‌اند نیست؛ هرگاه

مَا ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّ

تقوا پیشه کنند، و ایمان آورند، و اعمال صالح انجام دهند؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند؛ سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند.

أَحۡسَنُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَيَبۡلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَيۡءٖ

و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۹۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را با شکارهایی که (در حال احرام به شما نزدیک می‌شوند، به طوری

مِّنَ ٱلصَّيۡدِ تَنَالُهُۥٓ أَيۡدِيكُمۡ وَرِمَاحُكُمۡ لِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ فَمَنِ

که) دستها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید؛ تا مشخص کند چه کسی با ایمان به غیب از خدا می‌ترسد؛ و هر کس

ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٩٤﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا

بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت. (۹۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

تَقۡتُلُواْ ٱلصَّيۡدَ وَأَنتُمۡ حُرُمٞۚ وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآءٞ مِّثۡلُ مَا

در حال احرام، شکار نکنید؛ و هر کس از شما از روی عمد آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛

قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ يَحۡكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ هَدۡيَۢا بَـٰلِغَ ٱلۡكَعۡبَةِ أَوۡ كَفَّـٰرَةٞ

(کفاره‌ای) که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند؛و بصورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی،)

طَعَامُ مَسَـٰكِينَ أَوۡ عَدۡلُ ذَٰلِكَ صِيَامٗا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمۡرِهِۦۗ عَفَا ٱللَّهُ

با اطعام مستمندان کفاره دهد؛ یا معادل آن، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد.خداوند گذشته را عفو کرده است.

عَمَّا سَلَفَۚ وَمَنۡ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنۡهُۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

و هر کس تکرار کند، خدا او را مجازات می‌کند؛ و خداوند، توانا و دارای مجازات است. (۹۵)

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ ٱلْبَحْرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۖ وَحُرِّمَ

صید دریایی و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا (در حال احرام نیز) از آن بهره‌مند شوید؛ ولی تا زمانی که محرم هستید،

عَلَيْكُمْ صَيْدُ ٱلْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ۗ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ

شکار صحرایی برای شما حرام است؛ و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می‌شوید، بپرهیزید!

تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾ ۞ جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلْكَعْبَةَ ٱلْبَيْتَ ٱلْحَرَامَ قِيَٰمًا

(۹۶) خداوند، کعبه - بیت الحرام - را وسیله‌ای برای استواری ج و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده؛

لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهْرَ ٱلْحَرَامَ وَٱلْهَدْىَ وَٱلْقَلَٰٓئِدَ ۚ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ

و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی‌نشان، و قربانیهای نشاندار را؛ این گونه احکام بخاطر آن است که بدانید خداوند،

مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، می‌داند؛ و بدانید خدا بر هر چیزی داناست. (۹۷)

ٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ وَأَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَّا

بدانید خدا دارای مجازات شدید، و (در عین حال) آمرزنده و مهربان است. (۹۸)

عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُل

پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن پیام (الهی) ندارد؛ (و مسؤول اعمال شما نیست)، و خداوند آنچه را آشکار می‌کنید، و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند. (۹۹) بگو:

لَّا يَسْتَوِى ٱلْخَبِيثُ وَٱلطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ ٱلْخَبِيثِ ۚ فَٱتَّقُوا۟

«(هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند؛ هر چند فزونی ناپاکها، تو را به شگفتی اندازد. از (مخالفت) خدا

ٱللَّهَ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ

بپرهیزید ای صاحبان خرد، تا رستگار شوید.» (۱۰۰) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید!

ءَامَنُوا۟ لَا تَسْـَٔلُوا۟ عَنْ أَشْيَآءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْـَٔلُوا۟ عَنْهَا

از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد، شما را در رنج می‌افکند، سؤال نکنید؛ و اگر به هنگام

حِينَ يُنَزَّلُ ٱلْقُرْءَانُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا ٱللَّهُ عَنْهَا ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

نزول قرآن، از آنها سوال کنید، برای شما آشکار می‌شود؛ خداوند آنها را (برای سهولت) نادیده گرفته است. و خداوند، آمرزنده و دارای حلم است.

﴿١٠١﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا۟ بِهَا كَٰفِرِينَ

(۱۰۱) جمعی از پیشینیان شما، از چنان اموری سوال کردند؛ و سپس با آن به مخالفت برخاستند. (ممکن است شما هم چنین سرنوشتی پیدا کنید).

﴿١٠٢﴾ مَا جَعَلَ ٱللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٍ وَلَا سَآئِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ ۙ

(۱۰۲) خداوند هیچ گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است [اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی که در زمان جاهلیّت، استفاده از آنها را به

وَلَٰكِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ ۖ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

عللی حرام می‌دانستند؛ و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.] ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می‌بندند؛ و بیشتر آنها درک نمی‌کنند. (۱۰۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ قَالُواْ
هنگامي که به آنها گفته شود: «به سوي آنچه ج خدا نازل کرده، و به سوي پيامبر بياييد.»، مي‌گويند:
حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا
«آنچه پدران خود را بر آن يافته‌ايم، ما را بس است.»، آيا اگر پدران آنها چيزي نمي دانستند،
وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُم
و هدايت نيافته بودند (باز هم بايد از آنها پيروي کنند)؟! (۱۰۴) اي کساني که ايمان آورده‌ايد! مراقب خود باشيد. اگر شما هدايت يافته باشيد،
مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْ إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا
گمراهي کساني که گمراه شده‌اند، به شما زياني نمي‌رساند. بازگشت همهٔ شما به سوي خداست؛ و شما را به آنچه انجام مي‌داديد،
كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ شَهَـٰدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ
آگاه مي‌سازد. (۱۰۵) اي کساني که ايمان آورده‌ايد! هنگامي که مرگ يکي از شما فرا رسد،
أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ حِينَ ٱلْوَصِيَّةِ ٱثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخَرَانِ
در موقع وصيّت بايد از ميان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبيد؛
مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ فَأَصَـٰبَتْكُم مُّصِيبَةُ ٱلْمَوْتِ
يا اگر مسافرت کرديد، و مصيبت مرگ شما فرارسيد،(و در آن جا مسلماني نيافتيد،) دو نفر از غير خودتان را
تَحْبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعْدِ ٱلصَّلَوٰةِ فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ إِنِ ٱرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِى
(به گواهي بطلبيد). و اگر (به هنگام اداي شهادت، در راستگويي آنها) شک کرديد، آنها را بعد از نماز نگاه مي‌داريد تا سوگند ياد کنند که: «ما حاضر نيستيم
بِهِۦ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَـٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلْـَٔاثِمِينَ
حق را به چيزي بفروشيم، هر چند درمورد خويشاوندان ما باشد؛ و شهادت الهي را کتمان نمي‌کنيم، که در اين صورت، از گناهکاران خواهيم بود.»
﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰٓ أَنَّهُمَا ٱسْتَحَقَّآ إِثْمًا فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا
(۱۰۶) و اگر اطّلاعي حاصل شود که آن دو، مرتکب گناهي شده‌اند (و حق را کتمان کرده‌اند)، دو نفر از کساني که نسبت به ميّت، أولي هستند،
مِنَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْأَوْلَيَـٰنِ فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ لَشَهَـٰدَتُنَآ
به جاي آنها قرار مي‌گيرند، و به خدا سوگند ياد مي‌کنند که: «گواهي ما، ازگواهي آن دو، به حق نزديکتر است؛
أَحَقُّ مِن شَهَـٰدَتِهِمَا وَمَا ٱعْتَدَيْنَآ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ
و ما تجاوزي نکرده‌ايم؛ که اگر چنين کرده باشيم، از ستمکاران خواهيم بود.»
﴿١٠٧﴾ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يَأْتُواْ بِٱلشَّهَـٰدَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَآ أَوْ يَخَافُوٓاْ أَن تُرَدَّ أَيْمَـٰنٌۢ
(۱۰۷) اين کار، نزديکتر است به اين که (از خدا بترسند و) گواهي بحق دهند، يا بترسند که (دروغشان نزد مردم فاش گردد؛ و)
بَعْدَ أَيْمَـٰنِهِمْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱسْمَعُواْ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَـٰسِقِينَ ﴿١٠٨﴾
سوگندهايي جاي سوگندهاي آنها را بگيرد. از (مخالفت) خدا بپرهيزيد، و گوش فرا دهيد. و خداوند، گروه فاسقان را هدايت نمي‌کند. (۱۰۸)

۞ يَوْمَ يَجْمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبْتُمْ قَالُوا۟ لَا عِلْمَ لَنَآ إِنَّكَ

(به یاد آورید) روزی را که خداوند، پیامبران را جمع می‌کند، و می‌گوید: «(در برابر دعوت شما،) چه پاسخی به شما داده شد؟»، می گویند: «ما چیزی نمی‌دانیم؛

أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ (١٠٩) إِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱذْكُرْ

تو خود، دانای همهٔ اسرار نهان هستی.» (۱۰۹) (به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن

نِعْمَتِى عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ تُكَلِّمُ

نعمتم را که به تو ومادرت بخشیدم؛ زمانی که تو را با «روح القدس» تأیید کردم؛

ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا ۖ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ

که در گاهواره و نیز در حال میانسالی، با مردم سخن می‌گفتی؛ و هنگامی را که کتاب و حکمت

وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ ۖ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ بِإِذْنِى

و تورات و انجیل را به تو آموختم؛ و هنگامی را که به اذن من، از گل چیزی به صورت پرنده می‌ساختی،

فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِى ۖ وَتُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ

و در آن می‌دمیدی، و به اذن من، پرنده‌ای می شد؛ و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پیسی را به اذن من، شفا می‌دادی؛

بِإِذْنِى ۖ وَإِذْ تُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِى ۖ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ

و هنگامی که مردگان را به اذن من زنده می‌کردی؛ و هنگامی که بنی‌اسرائیل را از آسیب رساندن به تو،

عَنكَ إِذْ جِئْتَهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَآ

باز داشتم؛ در آن زمان که دلایل روشن برای آنها آوردی،ولی جمعی از کافران آنها گفتند:

إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (١١٠) وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى ٱلْحَوَارِيِّـۧنَ أَنْ ءَامِنُوا۟

«اینها جز سحر آشکار نیست.» (۱۱۰) و (به یاد آور) زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که:

بِى وَبِرَسُولِى قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا وَٱشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ (١١١) إِذْ قَالَ

«به من و فرستادهٔ من، ایمان بیاورید». آنها گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما مسلمانیم.» (۱۱۱) در آن هنگام

ٱلْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن

که‌حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟»

يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ۖ قَالَ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِن كُنتُم

او (در پاسخ) گفت: «از (از شک و تردید در قدرت) خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!»

مُّؤْمِنِينَ (١١٢) قَالُوا۟ نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا

(۱۱۲) گفتند: «(ما شک نداریم، ولی) می‌خواهیم از آن بخوریم، و دلهای ما

وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ (١١٣)

(به رسالت تو) مطمئن گردد؛ و بدانیم به ما راست گفته‌ای؛ و بر آن، گواه باشیم.» (۱۱۳)

قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلۡ عَلَيۡنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ

عیسی بن مریم گفت: «خداوندا! ای پروردگارما! از آسمان مائده‌ای بر ما نازل کن؛

تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةً مِّنكَ وَٱرۡزُقۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ

تا عیدی برای اوّل و آخر ما، و نشانه‌ای از تو باشد؛ و به ما روزی ده؛ تو بهترین

ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿١١٤﴾ قَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيۡكُمۡ فَمَن يَكۡفُرۡ بَعۡدُ مِنكُمۡ فَإِنِّيٓ

روزی دهندگانی.» (۱۱۴) خداوند (دعای او را مستجاب کرد؛ و) فرمود: «من آن را بر شما نازل می‌کنم؛ ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد

أُعَذِّبُهُۥ عَذَابًا لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدًا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١١٥﴾ وَإِذۡ قَالَ ٱللَّهُ

(و راه انکار پوید)، او را به گونه‌ای مجازات می‌کنم که هیچ کس از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!» (۱۱۵) و (به یاد آورید) آنگاه که‌خداوند

يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن

به عیسی بن مریم می‌گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود در برابر خدای یکتا انتخاب کنید؟!»

دُونِ ٱللَّهِۖ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّۚ إِن

او می‌گوید: «منزّهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایستهٔ من نیست، بگویم! اگر

كُنتُ قُلۡتُهُۥ فَقَدۡ عَلِمۡتَهُۥۚ تَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِي وَلَآ أَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِكَۚ

چنین سخنی را گفته باشم، تو می‌دانی. تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی؛ و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم.

إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ﴿١١٦﴾ مَا قُلۡتُ لَهُمۡ إِلَّا مَآ أَمَرۡتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعۡبُدُواْ

بیقین تنها تو دانای همهٔ اسرار نهان هستی. (۱۱۶) من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم؛

ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۚ وَكُنتُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيدًا مَّا دُمۡتُ فِيهِمۡۖ فَلَمَّا تَوَفَّيۡتَنِي

(به آنها گفتم:) خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست. و تا زمانی که در میان آنها بودم،

كُنتَ أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيۡهِمۡۚ وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِن

گواه بر (اعمال) آنها بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی؛ و تو بر هر چیز، گواهی. (۱۱۷)

تُعَذِّبۡهُمۡ فَإِنَّهُمۡ عِبَادُكَۖ وَإِن تَغۡفِرۡ لَهُمۡ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١١٨﴾

(با این حال،) اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند. (و اختیار آنها به دست توست)؛ و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی. (نه کیفر تو نشانهٔ بی‌حکمتی است، و

قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوۡمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدۡقُهُمۡۚ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا

نه بخشش تو نشانهٔ ناتوانی)» (۱۱۸) خداوند می‌گوید: «امروز (همان) روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می‌بخشد؛ برای آنها باغهای بهشتی است که

ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ

نهرها از پای درختان آن می‌گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند؛ خداوند از آنها خشنود است، و آنها نیز، از او خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است.»

﴿١١٩﴾ لِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا فِيهِنَّۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرُۢ ﴿١٢٠﴾

(۱۱۹) حکومت و مالکیت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، تنها از آن خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. (۱۲۰)

۶ – سوره الأنعام

آیاتها ۱۶۵ — سُورَةُ الأَنعَامِ — ترتیبها ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ

حمد و سپاس، مخصوص خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید، و ظلمتها و نور را پدید آورد؛ امّا کافران برای پروردگار خود،

ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ

همتا و شبیه قرار می دهند(با این که دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است). (۱) او کسی است که شما را از گل آفرید؛ سپس مدتی مقرّر

طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ۖ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ

داشت (تا انسان تکامل یابد)؛ و اجل (و مرگ) حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است).سپس شما (در یگانگی و قدرت او،) تردید می‌کنید. (۲) در

اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ ۖ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

آسمانها و زمین؛ خداوند یگانه اوست، پنهان و آشکار شما را می‌داند؛ و از آنچه (انجام می‌دهید و) به دست می‌آورید، باخبر است.

﴿٣﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

(۳) (کافران) هیچ نشانه و آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر این‌که از آن رویگردان می‌شوند.

﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ

(۴) آنان، حق را هنگامی که به سراغشان آمد، تکذیب کردند، ولی بزودی اخبار (و کیفر) آنچه را استهزا می‌کردند،

يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ

به آنان می‌رسد؛ (۵) آیا ندیدند چه بسیار از اقوام (بی ایمان) پیشین را هلاک کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند؛ و)

فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا

امکاناتی به آنها داده بودیم که به شما نداديم؛ بارانهای پی درپی برای آنها فرستادیم؛

الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ

و از میان زمینهای آنها، نهرها جاری ساختیم؛(اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند،) آنان را به سبب گناهانشان نابود کردیم؛ و اقوام

قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ

دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. (۶) (حتّی) اگر ما مکتوبی را بر روی کاغذی (از آسمان) بر تو نازل کنیم، و (علاوه بر دیدن و خواندن،) آن را

لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ

با دستهای خود لمس کنند، به یقین کافران می گویند: «این، جز یک سحر آشکار نیست!» (۷)(این بهانه جویان) گفتند: «چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده (تا او

عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ﴿٨﴾

را همراهی کند؟)» در حالی که اگر فرشته‌ای بفرستیم، کار تمام می‌شود؛ و دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد (و همگی هلاک می‌شوند)(۸)

وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَٰهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ

اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، به یقین وی را به صورت انسانی در می‌آوردیم؛ باز (به پندار آنان،) کار را بر آنها مشتبه می‌ساختیم؛ همان طور که آنها بر

﴿٩﴾ وَلَقَدِ ٱسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُوا۟

دیگران مشتبه می‌سازند. (۹) (با این‌حال، نگران نباش.) جمعی از پیامبران پیش از تو را نیز استهزا کردند؛ امّا سرانجام، آنچه را مسخره می‌کردند،

مِنْهُم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾ قُلْ سِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ ثُمَّ

دامانشان را گرفت؛ (و عذاب الهی بر آنها فرود آمد). (۱۰) بگو: «روی زمین سیر کنید؛

ٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ قُل لِّمَن مَّا

سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چگونه بود؟!» (۱۱) بگو:

فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ قُل لِّلَّهِ ۚ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ ۚ

«آنچه در آسمانها و زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست.» رحمت (و بخشش) را بر خود، لازم دانسته؛

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟

(و به همین دلیل،) بطور قطع همهٔ شما را در روز قیامت، که در آن شک و تردیدی نیست، گرد خواهد آورد. (آری،) فقط کسانی که سرمایه‌های وجود خویش

أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ ۞ وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِى ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ ۚ

را از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند. (۱۲) و برای اوست آنچه در شب و روز آرام می‌گیرد؛

وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

و او، شنوا و داناست. (۱۳) بگو: «آیا غیر خدا را ولیّ خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفرینندهٔ آسمانها

وَٱلْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ۗ قُلْ إِنِّىٓ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ

و زمین است؛ اوست که روزی می‌دهد، و نیازی به روزی ندارد.» بگو: «من مامورم که نخستین

مَنْ أَسْلَمَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلْ إِنِّىٓ أَخَافُ إِنْ

مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش.» (۱۴) بگو: «من (نیز) اگرنافرمانی پروردگارم کنم،

عَصَيْتُ رَبِّى عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ

از مجازات روزی بزرگ [قیامت] می‌ترسم. (۱۵) آن کس که در آن روز، مجازات الهی به او نرسد،

فَقَدْ رَحِمَهُۥ ۚ وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ

به یقین خداوند او را مشمول رحمت خویش ساخته؛ و این همان پیروزی آشکار است.» (۱۶) اگر خداوند زیانی به تو برساند،

بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ

هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد؛ و اگر خیری به تو رساند، او بر هر چیزی

قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ ٱلْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

تواناست؛ (۱۷) اوست که بر بندگان خود، تسلط کامل دارد؛ و اوست حکیم آگاه. (۱۸)

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَٰدَةً ۖ قُلِ ٱللَّهُ ۖ شَهِيدٌۢ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا

بگو: «بالاترین گواهی، گواهی کیست؟» (سپس) بگو: «خداوند، گواه میان من و شماست؛ و (بهترین دلیل این است که) این قرآن بر من وحی شده،

ٱلْقُرْءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ وَمَنۢ بَلَغَ ۚ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً

تا شما و تمام کسانی را که این (قرآن) به آنها می‌رسد، با آن بیم دهم. آیا براستی شما گواهی می‌دهید که معبودان دیگری با خداست؟!»

أُخْرَىٰ ۚ قُل لَّآ أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

بگو: «من هرگز چنین گواهی نمی‌دهم». بگو: «اوست تنها معبود یگانه؛ و من از آنچه همتای او قرار می‌دهید، بیزارم.» (۱۹)

ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمُ ۘ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟

کسانی که کتاب آسمانی به ایشان داده‌ایم، بخوبی او [= پیامبر] را می‌شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می‌شناسند؛ فقط کسانی که سرمایهٔ وجود خود را

أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا

از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند. (۲۰) چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته (و همتایی برای او قائل شده)،

أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ ۗ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ

یا آیات او را تکذیب کرده است؟! به یقین ستمکاران، رستگار نخواهند شد. (۲۱) (به یاد آور) آن روز را که همهٔ آنها را محشور می‌کنیم؛

نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوٓا۟ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُن

سپس به مشرکان می‌گوییم:«معبودهایتان، که همتای خدا می‌پنداشتید، کجایند؟!» (چرا به یاری شما نمی‌آیند؟!) (۲۲) سپس پاسخ و عذر آنها،

فِتْنَتُهُمْ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ وَٱللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾ ٱنظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا۟

چیزی جز این نیست که می‌گویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم!» (۲۳) ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌گویند،

عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ ۚ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ

و (آن روز) آنچه را بدروغ همتای خدا می‌پنداشتند، از دست می دهند! (۲۴) پاره‌ای از آنهابه (سخنان) تو، گوش فرا می‌دهند؛

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِن يَرَوْا۟

ولی بر دلهای آنان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند؛ و در گوش‌های آنها، سنگینی قرار داده‌ایم. و

كُلَّ ءَايَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا۟ بِهَا ۚ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟

اگر هر نشانه‌ای را ببینند، ایمان نمی‌آورند؛ تا آن‌جا که وقتی به سراغ تو می‌آیند با تو مجادله می‌کنند؛ و کافران می گویند:

إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْـَٔوْنَ عَنْهُ ۖ

«اینها فقط افسانه‌های پیشینیان است.» (۲۵) آنها دیگران را از ایمان به آن باز می‌دارند؛ و خود نیز از (ایمان به) آن دوری می‌کنند؛

وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ

آنها جز خود را هلاک نمی‌کنند؛ ولی نمی‌فهمند! (۲۶) اگر (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‌اند، ببینی!

فَقَالُوا۟ يَٰلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾

می‌گویند: «ای کاش (باردیگر به دنیا) بازگردانده می‌شدیم، و آیات پروردگارمان راتکذیب نمی‌کردیم، و از مومنان بودیم.»(۲۷)

بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُوا۟ يُخْفُونَ مِن قَبْلُ ۖ وَلَوْ رُدُّوا۟ لَعَادُوا۟ لِمَا نُهُوا۟ عَنْهُ

(آنها پشیمان نیستند) بلکه آنچه (از اعمال و نیات) که قبلاً پنهان می‌کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده‌اند). و اگر بازگردند، به آنچه که از

وَإِنَّهُمْ لَكَـٰذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوٓا۟ إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ

آن نهی شده بودند باز می‌گردند؛ و آنها دروغگویانند. (۲۸) آنها گفتند: «غیر از این زندگی دنیای ما چیزی در کار نیست؛ و ما هرگز برانگیخته

بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا۟ عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۚ قَالَ أَلَيْسَ هَـٰذَا بِٱلْحَقِّ ۚ

نخواهیم شد.» (۲۹) اگر (آنها را) به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان ایستاده‌اند، ببینی! (او به آنها) می‌گوید: «آیا این حق نیست؟!»

قَالُوا۟ بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾ قَدْ

می‌گویند: «آری، قسم به پروردگارمان (حق است)» می‌گوید: «پس مجازات را بچشید به سزای آنچه انکار می‌کردید!» (۳۰)

خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا۟

کسانی که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلّماً زیان دیدند؛ تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید؛ می‌گویند:

يَـٰحَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۚ

«ای افسوس بر ما که دربارهٔ آن، کوتاهی کردیم!» و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می‌کشند ۖ آگاه باشید؛

أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۖ وَلَلدَّارُ

چه بد باری بر دوش خواهند داشت! (۳۱) زندگی دنیا، جز بازی و سرگرمی نیست؛ و سرای آخرت، برای آنها که

ٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحْزُنُكَ

پرهیزگارند، بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟! (۳۲) به یقین می‌دانیم که گفتار آنها، تو را غمگین می‌کند؛

ٱلَّذِى يَقُولُونَ ۖ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَـٰكِنَّ ٱلظَّـٰلِمِينَ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ

ولی (غم مخور؛ و بدان که) آنها تو را تکذیب نمی‌کنند؛ بلکه ستمکاران، آیات خدا را

يَجْحَدُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا۟ عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا۟

انکار می‌نمایند. (۳۳) به یقین پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ و در برابر تکذیبها، صبر و استقامت کردند؛

وَأُوذُوا۟ حَتَّىٰٓ أَتَىٰهُمْ نَصْرُنَا ۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَـٰتِ ٱللَّهِ ۚ وَلَقَدْ جَآءَكَ مِن

و (در این راه،) آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید. و هیچ چیز سنّت‌های خدا را تغییر نمی‌دهد؛ و به یقین

نَّبَإِى۟ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾ وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ ٱسْتَطَعْتَ

اخبار پیامبران به تو رسیده است. (۳۴) و اگر اعراض کردن آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در زمین بزنی،

أَن تَبْتَغِىَ نَفَقًا فِى ٱلْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِى ٱلسَّمَآءِ فَتَأْتِيَهُم بِـَٔايَةٍ ۚ

یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری!

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى ٱلْهُدَىٰ ۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْجَـٰهِلِينَ ﴿٣٥﴾

امّا اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش. (۳۵)

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَٱلْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ

تنها کسانی (دعوت تو را) می‌پذیرند که گوش شنوا دارند؛ امّا مردگان (و آنها که گوش شنوا ندارند، ایمان نمی‌آورند؛ و) خدا آنها را (در قیامت) برمی‌انگیزد؛

يُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾ وَقَالُوا۟ لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ قَادِرٌ

سپس به سوی او، بازگردانده می‌شوند. (۳۶) و گفتند: «چرا نشانه (و معجزه‌ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟!» بگو: «خداوند،

عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَمَا مِن

قادر است که نشانه‌ای نازل کند؛» ولی بیشتر آنها نمی‌دانند. (۳۷) هیچ

دَآبَّةٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا طَٰٓئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم ۚ مَّا فَرَّطْنَا

جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر این‌که امتهایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را

فِى ٱلْكِتَٰبِ مِن شَىْءٍ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟

در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس (همگی) به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند. (۳۸) کسانی که آیات ما را تکذیب کردند،

بِـَٔايَٰتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ ۗ مَن يَشَإِ ٱللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ

کر و لالهایی هستند که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد(و مستحق باشد،) گمراه می‌کند؛ و هر کس را

يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُ

بخواهد (و شایسته ببیند،) در راه راست قرار خواهد داد. (۳۹) بگو: «به من خبردهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آید،

ٱللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيْرَ ٱللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٤٠﴾

یا قیامت فرا رسد، آیا (برای حل مشکل خود،) غیر خدا را می‌خوانید اگر راست می‌گویید؟!» (۴۰)

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوْنَ مَا

(نه،) بلکه تنها او را می‌خوانید؛ و او اگر بخواهد، مشکلی را که بخاطر آن او را خوانده‌اید، برطرف می‌سازد؛ و آنچه را (امروز) همتای خدا قرار می‌دهید، (در آن

تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَٰهُم

روز) فراموش خواهید کرد. (۴۱) ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند،)

بِٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾ فَلَوْلَآ إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَا

آنها را با سختی و رنج مواجه ساختیم؛ شاید تسلیم گردند. (۴۲) چرا هنگامی که سختی (و عذاب) ما به آنان رسید،

تَضَرَّعُوا۟ وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ مَا كَانُوا۟

(تضرع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد؛ و شیطان، آنچه را انجام می‌دادند، در نظرشان زینت داد.

يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا نَسُوا۟ مَا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَٰبَ كُلِّ

(۴۳) (آری،) هنگامی که آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملاً) به آن خوشحال

شَىْءٍ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُوا۟ بِمَآ أُوتُوٓا۟ أَخَذْنَٰهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾

شدند (و دل بستند،) ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مأیوس شدند؛ (و درهای امید به‌روی آنها بسته شد) (۴۴)

فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ۚ وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٥﴾

و (به این ترتیب،) ریشهٔ گروهی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است. (۴۵)

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَٰرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند، گوش و چشمهایتان را بگیرد، و بر دلهای شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)،

مَّنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ ۗ ٱنظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ ثُمَّ

کدام معبودی جز خدا آنها را به شما باز می‌گرداند؟» ببین چگونه آیات را به گونه‌های مختلف برای آنها شرح می‌دهیم،

هُمْ يَصْدِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُ ٱللَّهِ بَغْتَةً

سپس آنها روی می‌گردانند! (۴۶) بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب خدا ناگهان

أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا نُرْسِلُ

یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز گروه ستمکاران هلاک می‌شوند؟!» (۴۷) ما پیامبران را،

ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ

جز (بعنوان) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نمی‌فرستیم؛ کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَمَسُّهُمُ ٱلْعَذَابُ

بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند. (۴۸) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب (پروردگار)

بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ

بخاطر نافرمانیهایشان به آنان می‌رسد. (۴۹) بگو: «من به شما نمی‌گویم گنجینه‌های الهی نزد من است. و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد،)

أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّى مَلَكٌ ۖ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ ۚ قُلْ هَلْ

از غیب آگاه نیستم. و به شما نمی‌گویم من فرشته‌ام. تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم.» بگو: «آیا

يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنذِرْ بِهِ ٱلَّذِينَ

نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی‌اندیشید؟!» (۵۰) و بوسیله آن (قرآن)،

يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓا۟ إِلَىٰ رَبِّهِمْ ۙ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا

کسانی را که از محشور شدن به سوی پروردگارشان (در روز قیامت) می‌ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) هیچ یاور و سرپرست

شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ

و شفاعت کننده‌ای جز خدا ندارند؛ شاید پرهیزگاری پیشه کنند. (۵۱) و کسانی را که صبح و شام خدا را می‌خوانند،

وَٱلْعَشِىِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ وَمَا مِنْ

و ذات پاک او را می‌طلبند، از خود دور مکن. نه چیزی از حساب آنها بر توست،

حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَىْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٢﴾

و نه چیزی از حساب تو بر آنها. اگر آنها را طرد کنی، از ستمکاران خواهی بود. (۵۲)

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْهِم

و این گونه بعضی از آنها را با بعض دیگر آزمودیم؛ تا (توانگران) بگویند: «آیا این گروه (فقیران) هستند که خداوند

مِّنۢ بَيْنِنَآ ۗ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَعْلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٥٣﴾ وَإِذَا جَآءَكَ

از میان ما (برگزیده، و) بر آنها منّت گذارده (و نعمت ایمان بخشیده) است؟!» (بگو:) آیا خداوند، شاکران را بهتر نمی‌شناسد؟! (۵۳) هرگاه

ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ

کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما! پروردگارتان، رحمت را بر خود لازم شمرده است؛

نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ تَابَ

تا هرکس از شما کار بدی از روی نادانی انجام دهد، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید،

مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ

(مشمول رحمت خدا شود؛) زیرا او آمرزنده و مهربان است.» (۵۴) و این گونه آیات را شرح می‌دهیم،

ٱلْءَايَٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٥٥﴾ قُلْ إِنِّى نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ

تا (حقیقت بر شما روشن شود، و) راه گناهکاران آشکار گردد. (۵۵) بگو: «من از پرستش کسانی که غیر از خدا می‌خوانید، نهی شده‌ام.»

ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۚ قُل لَّآ أَتَّبِعُ أَهْوَآءَكُمْ ۙ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا

بگو: «من از هوا و هوسهای شما، پیروی نمی‌کنم؛ اگر چنین کنم، گمراه شده‌ام؛

وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّى عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَكَذَّبْتُم

و از هدایت‌یافتگان نخواهم بود.» (۵۶) بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم؛ ولی شما آن را تکذیب کرده‌اید.

بِهِۦ ۚ مَا عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦٓ ۚ إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ يَقُصُّ

آنچه شما (از عذاب الهی) درباره آن شتاب می‌کنید در اختیار من نیست. حکم و فرمان، تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می‌کند؛

ٱلْحَقَّ ۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْفَٰصِلِينَ ﴿٥٧﴾ قُل لَّوْ أَنَّ عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ

و او بهترین جدا کننده (حق از باطل) است.» (۵۷) بگو: «اگر آنچه درباره آن شتاب می‌کنید، در اختیار من بود، (و به درخواست شما ترتیب اثر می‌دادم، عذاب

بِهِۦ لَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِٱلظَّٰلِمِينَ

الهی بر شما نازل می‌گشت؛ و) کار میان من و شما پایان گرفته بود؛ ولی خداوند ستمکاران را بهتر می‌شناسد (و بموقع مجازات می‌کند).»

﴿٥٨﴾ ۞ وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِى

(۵۸) کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی‌داند. او آنچه را در

ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ

خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر این‌که از آن آگاه است؛ و هیچ دانه‌ای

فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٥٩﴾

در تاریکیهای زمین، و هیچ تر و خشکی وجود ندارد، جز این‌که در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است. (۵۹)

وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ

اوست آن کسی که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می‌گیرد؛ و از آنچه در روز انجام داده‌اید آگاه است؛

يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ

سپس در روز شما را (از خواب) برمی‌انگیزد؛ (و این وضع همچنان ادامه می‌یابد)تا سر آمد معیّنی فرا رسد؛

ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ

سپس بازگشت شما به سوی اوست؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد. (۶۰) و اوست که بر بندگان خود تسلّط کامل دارد؛ و مراقبانی بر شما

عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ

می‌گمارد؛ تا زمانی که مرگ یکی از شما فرا رسد؛ (در این هنگام،) فرستادگان ما جان او را می‌گیرند؛و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان،)

لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦١﴾ ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۚ أَلَا لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَهُوَ

کوتاهی نمی‌کنند. (۶۱) سپس (تمام بندگان) به سوی خدا، که مولای حقیقی آنهاست، باز می‌گردند. بدانید که حکم و داوری، مخصوص اوست؛ و او،

أَسۡرَعُ ٱلۡحَٰسِبِينَ ﴿٦٢﴾ قُلۡ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ تَدۡعُونَهُۥ

سریعترین حسابگران است. (۶۲) بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای صحرا و دریا رهایی می‌بخشد؟! در حالی که او را با

تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةٗ لَّئِنۡ أَنجَىٰنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلِ

حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می‌خوانید؛ (و می‌گویید:) اگر از این (خطرات و تاریکی‌ها) ما را رهایی بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.» (۶۳) بگو:

ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنۡهَا وَمِن كُلِّ كَرۡبٖ ثُمَّ أَنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ﴿٦٤﴾ قُلۡ هُوَ ٱلۡقَادِرُ

«خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و اندوهی، نجات می‌دهد؛ بازهم شما برای او همتا قرار می‌دهید. (و راه کفر می‌پویید.)» (۶۴) بگو: «او قادر است که

عَلَىٰٓ أَن يَبۡعَثَ عَلَيۡكُمۡ عَذَابٗا مِّن فَوۡقِكُمۡ أَوۡ مِن تَحۡتِ أَرۡجُلِكُمۡ أَوۡ يَلۡبِسَكُمۡ

از فرازتان یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛

شِيَعٗا وَيُذِيقَ بَعۡضَكُم بَأۡسَ بَعۡضٍۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ

و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.» ببین چگونه آیات گوناگون را(برای آنها) شرح می‌دهیم؛ شاید بفهمند (و بازگردند).

يَفۡقَهُونَ ﴿٦٥﴾ وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوۡمُكَ وَهُوَ ٱلۡحَقُّۚ قُل لَّسۡتُ عَلَيۡكُم

(۶۵) قوم و جمعیّت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و انکار کردند، در حالی که حق است. (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان آوردن و اجبار) شما نیستم. (وظیفهٔ

بِوَكِيلٖ ﴿٦٦﴾ لِّكُلِّ نَبَإٖ مُّسۡتَقَرّٞۚ وَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿٦٧﴾ وَإِذَا رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ

من، تنها ابلاغ رسالت است).» (۶۶) هر خبری قرارگاهی دارد، (و در موعد خود انجام می‌گیرد.) و به زودی خواهید دانست! (۶۷) هرگاه کسانی را دیدی که

يَخُوضُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦۚ وَإِمَّا

آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند. و

يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَلَا تَقۡعُدۡ بَعۡدَ ٱلذِّكۡرَىٰ مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٦٨﴾

اگر شیطان تو را به فراموشی افکند، پس از یاد آوری با این گروه ستمکار منشین. (۶۸)

وَمَا عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَلَٰكِن

و(اگر) افراد با تقوا(برای ارشاد و اندرز با آنها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنها بر ایشان نیست؛ ولی (باید تنها)

ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ دِينَهُمْ

برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوا پیشه کنند. (۶۹) و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را بازیچه و سرگرمی قرار دادند،

لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا ۚ وَذَكِّرْ بِهِۦٓ أَن تُبْسَلَ

و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته؛ و با این (قرآن)، به آنها یادآوری کن،

نَفْسٌۢ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن

تا گرفتار (عواقب شوم) اعمال خود نشوند؛ (و در قیامت) جز خدا، نه یاوری دارند، و نه شفاعت کننده‌ای؛

تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَآ ۗ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أُبْسِلُوا۟ بِمَا

و(چنین کسانی) هر گونه عوضی بپردازند، از آنها پذیرفته نخواهد شد. آنها کسانی هستند که به سبب اعمالی که انجام داده‌اند گرفتار شده‌اند؛

كَسَبُوا۟ ۖ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌۢ بِمَا كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ

نوشابه‌ای از آب سوزان و عذاب دردناکی برای آنهاست؛ به سزای این که کفر می‌ورزیدند (و آیات الهی را انکار می‌کردند).

﴿٧٠﴾ قُلْ أَنَدْعُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰٓ

(۷۰) بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال ما دارد، نه زیانی؛

أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ كَٱلَّذِى ٱسْتَهْوَتْهُ ٱلشَّيَٰطِينُ فِى ٱلْأَرْضِ

و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آن‌که خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که براثر وسوسه های شیاطین، در روی زمین راه را گم کرده،

حَيْرَانَ لَهُۥٓ أَصْحَٰبٌ يَدْعُونَهُۥٓ إِلَى ٱلْهُدَى ٱئْتِنَا ۗ قُلْ إِنَّ هُدَى

و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند:) به سوی ما بیا! بگو: «تنها هدایت خداوند،

ٱللَّهِ هُوَ ٱلْهُدَىٰ ۖ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا۟

هدایت (واقعی) است؛ و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم. (۷۱) و (نیز به ما فرمان داده شده به) این‌که:

ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّقُوهُ ۚ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى

نماز را برپادارید؛ و از (نافرمانی) او بپرهیزید؛ و تنها اوست آن کس که به سویش محشور خواهید شد.» (۷۲) اوست که

خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ ۖ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و آن روز که (به هر چیز) می‌گوید: «موجود باش!»

فَيَكُونُ ۚ قَوْلُهُ ٱلْحَقُّ ۚ وَلَهُ ٱلْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِى

موجود می‌شود؛ سخن او، حق است؛ و در آن روز که در «صور» دمیده می‌شود،

ٱلصُّورِ ۚ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

حاکمیت مخصوص اوست، از نهان و آشکار باخبر است، و اوست حکیم و آگاه. (۷۳)

۞ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً ۖ إِنِّىٓ أَرَىٰكَ
(به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش بود] «آزر» گفت: «آیا بتهایی را به عنوان معبود (خود) انتخاب
وَقَوْمَكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُرِىٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ
می‌کنی؟! به یقین تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم.» (۷۴) و این گونه، ملکوت
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ
آسمانها و زمین را به ابراهیم ۖ نشان دادیم؛ تا (به آن استدلال کند؛ و) اهل یقین گردد. (۷۵) هنگامی که (تاریکی)
ٱلَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلْءَافِلِينَ
شب او را فرا گرفت، ستاره‌ای را مشاهده کرد؛ گفت: «این پروردگار من است؟!» امّا هنگامی که غروب کرد، گفت:«غروب کنندگان را دوست ندارم.»
﴿٧٦﴾ فَلَمَّا رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِى
(۷۶) و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می‌شکافد، گفت: «این پروردگار من است؟!» امّا هنگامی که (آن هم) غروب کرد،
رَبِّى لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمْسَ
گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نمی‌کرد، مسلّماً از گروه گمراهان ۖ بودم.» (۷۷) و هنگامی که خورشید را دید
بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّى هَٰذَآ أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّآ أَفَلَتْ قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّى
(که سینهٔ افق را) می‌شکافت، گفت: «این پروردگار من است این (که از همه) بزرگتر است؟!» امّا هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من!
بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾ إِنِّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذِى فَطَرَ
به یقین من از آنچه همتای خدا قرار می‌دهید، بیزارم. (۷۸) من روی خود رابه سوی کسی متوجه کردم که ۖ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا ۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾
آسمانها و زمین را آفریده؛ ج در حالی که ایمان من خالص است؛ و از مشرکان نیستم.» (۷۹)
وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ ۚ قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّى فِى ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنِ ۚ وَلَآ أَخَافُ
ولی قوم او [=ابراهیم]، با وی به گفتگو و ستیز پرداختند؛ گفت: «آیا دربارهٔ خدا با من گفتگو و ستیز می‌کنید؟! در حالی که (خداوند با دلایل روشن)، مرا هدایت
مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّى شَيْـًٔا ۗ وَسِعَ رَبِّى كُلَّ شَىْءٍ
کرده؛ و من از آنچه شما همتای او قرار می‌دهید، نمی‌ترسم (و زیانی به من نمی‌رسانند)؛ مگر پروردگارم چیزی را بخواهد. وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز
عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ
را در بر می‌گیرد؛ آیا متذکّر (و بیدار) نمی‌شوید؟! (۸۰) چگونه من از آنچه همتای خدا قرار می‌دهید بترسم؟!
وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ عَلَيْكُمْ
در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید که هیچ گونه دلیلی دربارهٔ آن، برشما نازل نکرده است.
سُلْطَٰنًا ۚ فَأَىُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِٱلْأَمْنِ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾
(راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (مشرکان و خداپرستان)، شایسته‌تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می‌دانید؟! (۸۱)

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمْ يَلْبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُم

(آري،) آنها كه ايمان آوردند، و ايمان خود را با هيچ ستم (و شرک) نيالودند، ايمني تنها از آن آنهاست؛

مُّهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيْنَٰهَآ إِبْرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ نَرْفَعُ

و آنها هدايت يافتگانند.» (۸۲) اينها دلايل ما بود كه به ابراهيم در برابر قومش عطا كرديم. درجات هر كس را بخواهيم

دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ

(و شايسته ببينيم،) بالا مي‌بريم؛ پروردگار تو، حكيم و داناست. (۸۳) و

إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ

اسحاق و يعقوب را به او [= ابراهيم] بخشيديم؛ و همه را هدايت كرديم؛ و نوح را (نيز) پيش از آن هدايت نموديم؛

وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ

و از فرزندان او، داود و سليمان و ايوب و يوسف و موسي

وَهَٰرُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ

وهارون را (هدايت كرديم)؛ اين گونه نيكوكاران را پاداش مي‌دهيم. (۸۴) و (همچنين) زكريا و يحيي و عيسي

وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَيُونُسَ

و الياس را؛ كه همگي از صالحان بودند. (۸۵) و اسماعيل و اليسع و يونس

وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمِنْ ءَابَآئِهِمْ وَ

و لوط را؛ و همه را بر جهانيان برتري داديم. (۸۶) و از پدران و

ذُرِّيَّٰتِهِمْ وَإِخْوَٰنِهِمْ وَٱجْتَبَيْنَٰهُمْ وَهَدَيْنَٰهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ

فرزندان و برادران آنها (افرادي را برتري بخشيديم) و آنان را برگزيديم و به راه راست، هدايت نموديم.

﴿٨٧﴾ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَلَوْ أَشْرَكُواْ

(۸۷) اين، هدايت خداست؛ كه هر كس از بندگان خود را بخواهد با آن راهنمايي مي‌كند. و اگر مشرک شوند،

لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ

آنچه (از اعمال نيک) انجام داده‌اند، نابود مي‌گردد (و نتيجه‌اي عايد آنها نمي‌شود). (۸۸) آنها كساني هستند كه كتاب آسماني

وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰٓؤُلَآءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُواْ بِهَا

و حكم و نبوّت به آنان داديم؛ و اگر اين گروه نسبت به آن كفر ورزند، (آيين حق زمين نمي‌ماند؛ زيرا) كسان ديگري را نگاهبان آن مي‌سازيم كه

بِكَٰفِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقْتَدِهْ

نسبت به آن، كافر نيستند. (۸۹) آنها كساني هستند كه خداوند هدايتشان كرده؛ پس به هدايت آنان اقتدا كن؛

قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٠﴾

(و) بگو: «در برابر اين (رسالت و تبليغ)، پاداشي از شما نمي‌طلبم؛ اين (رسالت، چيزي) جز يک يادآوري براي جهانيان نيست. (و اين وظيفهٔ من است.)» (۹۰)

وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓ إِذۡ قَالُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٖ مِّن شَيۡءٖۗ قُلۡ

خدا را آنگونه که باید بشناسند، نشناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نازل نکرده است.» بگو:

مَنۡ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِي جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ نُورٗا وَهُدٗى لِّلنَّاسِۖ تَجۡعَلُونَهُۥ

«چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که ﺻﻠﮯ برای مردم، نور و هدایت بود؛ (امّا شما) آن را

قَرَاطِيسَ تُبۡدُونَهَا وَتُخۡفُونَ كَثِيرٗاۖ وَعُلِّمۡتُم مَّا لَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنتُمۡ وَلَآ

به صورت اوراق پراکنده‌ای قرار می‌دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید؛ در حالی که مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه

ءَابَآؤُكُمۡۖ قُلِ ٱللَّهُۖ ثُمَّ ذَرۡهُمۡ فِي خَوۡضِهِمۡ يَلۡعَبُونَ (۹۱) وَهَٰذَا كِتَٰبٌ

پدرانتان، از آن آگاه نبودید.» بگو: «خدا!» سپس آنها را در سخنان باطلشان رها کن، تا سرگرم بازی شوند. (۹۱) و این کتابی است

أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ مُّصَدِّقُ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَاۚ

مبارک و هماهنگ با آنچه پیش از آن آمده که ما آن را نازل کردیم؛ (تا مردم را بشارت دهی) و تا امّ‌القری و کسانی را که گرد آن هستند، [ساکنان سرزمین

وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَهُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ

وحی و همهٔ جهانیان را] بترسانی. (یقین بدان) کسانی که به آخرت ایمان دارند، به آن ایمان می‌آورند؛ در حالی که نسبت به نمازهای خویش، مراقبت می‌کنند.

(۹۲) وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ

(۹۲) چه کسی ستمکارتر است‌از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی شده»، در حالی که بر او چیزی وحی نشده است،

إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ

و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل خواهم کرد»؟! و اگر ببینی هنگامی که (این) ستمکاران

فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ

در شداید مرگ ﺻﻠﮯ فرو رفته‌اند، و فرشتگان دستها را گشوده، (به آنان می‌گویند:)

أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ

«جان خود را تسلیم کنید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبّر ورزیدید،

عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ (۹۳) وَلَقَدۡ

مجازات خوارکننده‌ای خواهید دید» (به حال آنها تأسف خواهی خورد)! (۹۳) و (روز قیامت به آنها گفته می‌شود:)

جِئۡتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَتَرَكۡتُم مَّا خَوَّلۡنَٰكُمۡ وَرَآءَ

همه شما تنها (و ﺻﻠﮯ با دست خالی) به سوی ما بازگشت نمودید، همان‌گونه که اوّلین بار شما را آفریدیم؛

ظُهُورِكُمۡۖ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمۡ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ أَنَّهُمۡ فِيكُمۡ

و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سرتان رها کردید؛ و شفیعانی را که شریک در شفاعت خود می‌پنداشتید،

شُرَكَٰٓؤُاْۚ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيۡنَكُمۡ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ (۹۴)

با شما نمی‌بینیم. پیوند شما بریده شده است؛ و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصور می‌کردید، از دست شما رفته است. (۹۴)

۞ إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلْحَبِّ وَٱلنَّوَىٰ ۖ يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ ٱلْمَيِّتِ

خداوند، شکافندهٔ دانه و هسته است؛ زنده را از مرده خارج می‌سازد، و بیرون آورندهٔ مرده

مِنَ ٱلْحَىِّ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ ٱلْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ ٱلَّيْلَ

از زنده است؛ این است خدای شما! پس چگونه (از حق) منحرف می‌شوید؟! (۹۵) او شکافندهٔ صبح است؛ و شب را

سَكَنًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ حُسْبَانًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ

مایهٔ آرامش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است؛ این، اندازه‌گیری خداوند توانای داناست.

﴿٩٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهْتَدُوا۟ بِهَا فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْبَرِّ وَ

(۹۶) او کسی است که ستارگان را برای شما آفرید، تا در تاریکیهای صحرا و

ٱلْبَحْرِ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُم

دریا، بوسیلهٔ آنها راه یابید. ما نشانه‌ها (ی خود) را برای گروهی که آگاهند، (و اهل فکر و اندیشه‌اند) بیان داشتیم. (۹۷) او کسی است که شما را از یک انسان

مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ

آفرید! (و شما از نظر ایمان یا آفرینش دو گروه مختلف هستید:) پایدار و ناپایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که

يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ

می‌فهمند، شرح دادیم. (۹۸) اوست آن کس که از آسمان، آبی نازل کرد؛ و بوسیله آن، انواع نباتات را رویاندیم؛

نَبَاتَ كُلِّ شَىْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا

و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم؛ و از آنها دانه‌های متراکم،

وَمِنَ ٱلنَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّٰتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَٱلزَّيْتُونَ

و از شکوفهٔ نخل، خوشه‌هایی با رشته‌های باریک خارج ساختیم؛ و باغهایی از انواع انگور و زیتون

وَٱلرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ ۗ ٱنظُرُوٓا۟ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثْمَرَ وَيَنْعِهِۦٓ ۚ

و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شباهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوهٔ آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن،

إِنَّ فِى ذَٰلِكُمْ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلْجِنَّ

نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای گروه مؤمنان است. (۹۹) آنان برای خدا همتایانی از جنّ قرار دادند،

وَخَلَقَهُمْ ۖ وَخَرَقُوا۟ لَهُۥ بَنِينَ وَبَنَٰتٍۭ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ

در حالی که آنها مخلوق او هستند؛ و برای خدا، بدروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی قائل شدند؛ منزّه است خدا، و برتر است

عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٌ

از آنچه وصف می‌کنند! (۱۰۰) او پدیدآورندهٔ آسمانها وزمین است؛ چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد؟!

وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ صَٰحِبَةٌ ۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَىْءٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

حال آن که همسری نداشته، و همه چیز را آفریده؛ و او به هر چیزی داناست. (۱۰۱)

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ خَٰلِقُ كُلِّ شَيْءٍ
(آری،) این خدای باعظمت، پروردگار شما است! هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار همه چیز است؛
فَٱعْبُدُوهُ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۰۲) لَّا تُدْرِكُهُ
او را بپرستید. و او نگهبان و مدبّر هر چیزی است. (۱۰۲) چشمها او را نمی‌بینند؛
ٱلْأَبْصَٰرُ وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَٰرَ ۖ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ (۱۰۳) قَدْ
ولی او همهٔ چشمها را می‌بیند؛ و او بخشندهٔ (نعمت‌ها) و با خبر از دقایق امور و آگاه (از همه چیز) است. (۱۰۳)
جَآءَكُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۚ
دلایل بصیرت آفرین از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیلهٔ آن،) بصیرت و آگاهی یافت، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم
وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (۱۰۴) وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلْأَيَٰتِ وَلِيَقُولُوا۟
پوشید، به زیان خودش می‌باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم(و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم). (۱۰۴) و این گونه آیات(خود) را شرح می‌دهیم؛ بگذار آنها
دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُۥ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۰۵) ٱتَّبِعْ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن
بگویند: «تو درس خوانده‌ای (و از دیگری آموخته‌ای)»! سرانجام می‌خواهیم آن را برای کسانی که آمادهٔ درک حقایقند، روشن سازیم. (۱۰۵) از آنچه که از
رَّبِّكَ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَأَعْرِضْ عَنِ ٱلْمُشْرِكِينَ (۱۰۶) وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ
سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و از مشرکان، روی بگردان؛ (۱۰۶) اگر خدا می‌خواست، (همه به اجبار ایمان
مَآ أَشْرَكُوا۟ ۗ وَمَا جَعَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۱۰۷)
می‌آوردند، و) هیچ یک مشرک نمی‌شدند؛ و ما تو را نگهبان (اعمال) آنها قرار نداده‌ایم؛ و وظیفهٔ اجبار آنها را نداری. (۱۰۷)
وَلَا تَسُبُّوا۟ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَسُبُّوا۟ ٱللَّهَ عَدْوًۢا بِغَيْرِ
(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند.
عِلْمٍ ۗ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم
این گونه برای هر امّتی عملشان را زینت دادیم. سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می‌کردند،
بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (۱۰۸) وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَتْهُمْ
آگاه می‌سازد (۱۰۸) آنها با نهایت اصرار، به خدا سوگند یاد کردند که اگر معجزه‌ای برای آنان بیاید،
ءَايَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا ٱلْأَيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ ۖ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَآ إِذَا
حتما به آن ایمان می‌آورند؛ بگو: «معجزات فقط به ارادهٔ خداست (و در اختیار من نیست)؛ و شما از کجا می‌دانید که هر گاه معجزه‌ای بیاید
جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۹) وَنُقَلِّبُ أَفْـِٔدَتَهُمْ وَأَبْصَٰرَهُمْ كَمَا لَمْ
(ایمان می‌آورند؟ خیر،) ایمان نمی‌آورند!» (۱۰۹) و ما دلهاو چشمهای آنها را (به سبب اعمالشان) واژگونه می‌سازیم؛ (آری آنها ایمان نمی‌آورند)
يُؤْمِنُوا۟ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱۰)
همان گونه که در آغاز، به آن ایمان نیاوردند؛ و آنان را در حال طغیان و سرکشی، به خود وامی‌گذاریم تا سرگردان شوند. (۱۱۰)

وَلَوۡ أَنَّنَا نَزَّلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَحَشَرۡنَا

و (حتّی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می‌کردیم، و مردگان با آنان سخن می‌گفتند،

عَلَيۡهِمۡ كُلَّ شَيۡءٖ قُبُلٗا مَّا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَلَٰكِنَّ

و همه چیز را در برابر آنها جمع می‌نمودیم،هرگز ایمان نمی‌آوردند؛ مگر آن‌که خدا بخواهد؛ ولی

أَكۡثَرَهُمۡ يَجۡهَلُونَ ﴿١١١﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا شَيَٰطِينَ

بیشتر آنها جهل می‌ورزند. (۱۱۱) این گونه در برابرهر پیامبری، دشمنی از شیاطین

ٱلۡإِنسِ وَٱلۡجِنِّ يُوحِي بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ زُخۡرُفَ ٱلۡقَوۡلِ غُرُورٗاۚ

انس و جنّ قرار دادیم؛ آنها بطور سرّی سخنان ظاهر فریب و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر القا می‌کردند؛

وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَلِتَصۡغَىٰٓ

و اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند؛ (ولی ایمان اجباری سودی ندارد.) بنابراین، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار. (۱۱۲) نتیجهٔ

إِلَيۡهِ أَفۡـِٔدَةُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ وَلِيَرۡضَوۡهُ وَلِيَقۡتَرِفُواْ

(وسوسه‌های شیاطین) این خواهد شد که دلهای کسانی که به قیامت ایمان ندارند، به آنها متمایل گردد؛ و به آن راضی شوند؛ و هر گناهی

مَا هُم مُّقۡتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡتَغِي حَكَمٗا وَهُوَ ٱلَّذِيٓ

که بخواهند، مرتکب شوند. (۱۱۳) (با این حال،) آیا غیر خدا را به داوری طلبم؟!

أَنزَلَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مُفَصَّلٗاۚ وَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡلَمُونَ

در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن بیان شده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده‌ایم می‌دانند

أَنَّهُۥ مُنَزَّلٞ مِّن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ﴿١١٤﴾ وَتَمَّتۡ

این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده؛ بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش. (۱۱۴)

كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدۡقٗا وَعَدۡلٗاۚ لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ

و کلام پروردگارتو، با صدق و عدل، به حدّ تمام حاصل شد؛ هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده

ٱلۡعَلِيمُ ﴿١١٥﴾ وَإِن تُطِعۡ أَكۡثَرَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ يُضِلُّوكَ عَن

داناست. (۱۱۵) و اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛

سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ﴿١١٦﴾ إِنَّ

(زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می‌نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می زنند. (۱۱۶)

رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِۦۖ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ

پروردگارت کسانی را که از راه او گمراه گشته‌اند، بهتر می‌شناسد؛ و همچنین کسانی را که هدایت یافته‌اند.

﴿١١٧﴾ فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كُنتُم بِـَٔايَٰتِهِۦ مُؤۡمِنِينَ ﴿١١٨﴾

(۱۱۷) از (گوشت) آنچه نام خدا (هنگام ذبح) بر آن گفته شده، بخورید (و از غیر آن نخورید) اگر به آیات او ایمان دارید. (۱۱۸)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم

چرا از آنچه نام خدا بر آن برده شده نمی‌خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است!

مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا ٱضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ

مگراین‌که ناچار باشید؛ (که در این صورت، خوردن از گوشت آن حیوانات جایز است.) و بسیاری از مردم،

بِأَهْوَآئِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُوا۟

بخاطر هوا و هوس و نادانی، (دیگران را) گمراه می‌سازند؛ و پروردگارت، تجاوزکاران را بهتر می‌شناسد. (۱۱۹)

ظَٰهِرَ ٱلْإِثْمِ وَبَاطِنَهُۥٓ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْسِبُونَ ٱلْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ

گناهان آشکار و پنهان را رها کنید، زیرا کسانی که گناه می‌کنند، بزودی در برابر آنچه مرتکب می‌شدند،

بِمَا كَانُوا۟ يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا۟ مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ وَ

مجازات خواهند شد. (۱۲۰) و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید که این کار گناه است؛

إِنَّهُۥ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَٰدِلُوكُمْ ۖ

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛

وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾ أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَٰهُ وَ

اگر ازآنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود. (۱۲۱) آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم،

جَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِى بِهِۦ فِى ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ

[= کافر بود و ایمان آورد] و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در تاریکی‌ها است

لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَٰفِرِينَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ

و از آن خارج نمی‌شود؟! این گونه برای کافران، آنچه که (از اعمال زشت) انجام می‌دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است.

﴿١٢٢﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِى كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا۟

(۱۲۲) و (نیز) این گونه در هرشهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم؛ (وهمه گونه قدرت در اختیارشان گذاردیم؛) و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و

فِيهَا ۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا

فریب مردم) پرداختند؛ ولی (اینگونه افراد) تنها خودشان را فریب می‌دهند و نمی‌فهمند. (۱۲۳) و هنگامی که

جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ قَالُوا۟ لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَآ أُوتِىَ رُسُلُ

آیه‌ای برای آنها بیاید، می‌گویند: «ما هرگز ایمان نمی‌آوریم، مگر این‌که همانند چیزی که به پیامبران خدا داده شده،

ٱللَّهِ ۘ ٱللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُۥ ۗ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟

به ما داده شود.» خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را در کجا (و به عهدهٔ چه کسی) قرار دهد. بزودی‌کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را

صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا كَانُوا۟ يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

از راه حق منحرف ساختند)، در برابر مکر (و فریب و نیرنگی) که می‌کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا، و عذاب شدید خواهند شد. (۱۲۴)

فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ وَمَن يُرِدۡ أَن

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد؛

يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي

و آن کس را که (بخاطر اعمال خلافش) بخواهد گمراه سازد،سینه‌اش را آنچنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود؛

ٱلسَّمَآءِۚ كَذَٰلِكَ يَجۡعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ

این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.

﴿١٢٥﴾ وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسۡتَقِيمٗاۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ

(۱۲۵) و این راه مستقیم (و سنّت جاویدان) پروردگار توست؛ ماآیات خود را برای کسانی که پند می‌گیرند،

يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ ۞ لَهُمۡ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمۡۖ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا

بیان کرده‌ایم. (۱۲۶) برای آنها نزد پروردگارشان (در بهشت) سرای امن و آرامش خواهد بود؛ و بخاطر اعمال (نیکی)که انجام می‌دادند،

كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ قَدِ

او ولیّ و یاور آنهاست. (۱۲۷) در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید:) ای گروه جنیان (و شیاطین)!

ٱسۡتَكۡثَرۡتُم مِّنَ ٱلۡإِنسِۖ وَقَالَ أَوۡلِيَآؤُهُم مِّنَ ٱلۡإِنسِ رَبَّنَا ٱسۡتَمۡتَعَ

شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می‌گویند: «پروردگارا! هر یک از ما دو گروه [=پیشوایان و پیروان گمراه] از

بَعۡضُنَا بِبَعۡضٖ وَبَلَغۡنَآ أَجَلَنَا ٱلَّذِيٓ أَجَّلۡتَ لَنَاۚ قَالَ ٱلنَّارُ مَثۡوَىٰكُمۡ

دیگری بهره بردیم؛ (ما به لذات زود گذر رسیدیم و آنها به حکومت بر ما) و به پایان مهلتی که برای ما مقرّر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند) می‌گوید: «آتش

خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَٰلِكَ

جایگاه شماست؛ جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد». پروردگار تو حکیم و داناست. (۱۲۸) ما این گونه بعضی از

نُوَلِّي بَعۡضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعۡضَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ

ستمکاران را بر بعضی دیگر می‌گماریم بسبب اعمالی که انجام می‌دادند. (۱۲۹) (در آن روز به آنها می‌گوید:)

وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَ

ای گروه جنّ و انس! آیا پیامبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بیان می‌کردند،

يُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ شَهِدۡنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَاۖ وَغَرَّتۡهُمُ

و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟!آنها می‌گویند: «(آری ما بد کردیم و) بر زبان خود گواهی می‌دهیم»؛

ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ﴿١٣٠﴾

و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد؛ و به زبان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند. (۱۳۰) این بخاطر آن است که پروردگارت

ذَٰلِكَ أَن لَّمۡ يَكُن رَّبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ بِظُلۡمٖ وَأَهۡلُهَا غَٰفِلُونَ ﴿١٣١﴾

هیچ گاه (بدون فرستادن پیامبران، مردم) شهرها و آبادی‌ها را بخاطر ستمها (و گناهانشان) در حالی که غافلند هلاک نمی‌کند. (۱۳۱)

وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُواْ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا

و برای هر یک (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند؛ و پروردگارت از اعمالی که انجام می‌دهند،

يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ ٱلْغَنِيُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ إِن يَشَأْ

غافل نیست. (۱۳۲) وپروردگارت بی‌نیاز و مهربان است؛ (پس به کسی ستم نمی‌کند؛ بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می‌گیرند؛) اگر بخواهد،

يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنۢ بَعْدِكُم مَّا يَشَآءُ كَمَآ

همه شما را (از این جهان) می‌برد؛ سپس هر کس را بخواهدجانشین شما می‌سازد؛ همان طور

أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخَرِينَ ﴿١٣٣﴾ إِنَّ مَا

که شما را از نسل اقوام دیگری آفرید. (۱۳۳) آنچه به شما وعده داده می‌شود،

تُوعَدُونَ لَءَاتٍ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَٰقَوْمِ

به یقین فرا می‌رسد؛ و شما نمی‌توانید از عدالت و کیفر خدا فرار کنید. (۱۳۴) بگو: «ای قوم من!

ٱعْمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

هرچه در توان دارید، انجام دهید! من (هم به وظیفهٔ خود) عمل می‌کنم؛ امّا بزودی خواهید دانست

مَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ

که سرانجام نیک (و رستگاری) از آن کیست! به یقین، ستمکاران رستگارنخواهند شد.»

﴿١٣٥﴾ وَجَعَلُواْ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلْحَرْثِ وَٱلْأَنْعَٰمِ

(۱۳۵) آنها [= مشرکان] سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده،

نَصِيبًا فَقَالُواْ هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَآئِنَا فَمَا

برای او قرار دادند؛ (و سهمی برای بتها.) و به گمان خود گفتند: «این، از آن خداست؛ و این هم از آن معبودهای ما.» آنچه برای معبودهایشان بود، به خدا

كَانَ لِشُرَكَآئِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ

نمی‌رسید؛ ولی آنچه برای خدا بود، به معبودهایشان می‌رسید. (چون، اگر سهم بتها با کمبودی مواجه می‌شد، سهم خدا را به بتها می‌دادند؛

فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمْ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾

امّا عکس آن را مجاز نمی‌دانستند.) چه بد داوری می‌کنند (که علاوه بر شرک، خدا را کمتر از بتها می‌دانند)! (۱۳۶)

وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ

و این گونه معبودهای آنها، قتل فرزندانشان را در نظر بسیاری از آنها جلوه دادند؛

قَتْلَ أَوْلَٰدِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُواْ عَلَيْهِمْ

(زیرا کودکان خود را قربانی بتها می‌کردند، و افتخار می‌نمودند.) سرانجام آنها را به هلاکت افکندند؛ و در نهایت، آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر خدا

دِينَهُمْ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

می‌خواست، چنین نمی‌کردند؛ (ولی اجبار سودی ندارد.) بنابراین، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار(و به آنها اعتنا مکن). (۱۳۷)

وَقَالُوا۟ هَـٰذِهِۦٓ أَنْعَـٰمٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ
و گفتند: «این چهارپایان و زراعت (که مخصوص بتهاست، برای همه)ممنوع است؛ و جز کسانی که ما بخواهیم - به گمان آنها - نباید
بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَـٰمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَـٰمٌ لَّا يَذْكُرُونَ ٱسْمَ
از آن بخورند. و(اینها)چهارپایانی استکه سوار شدن بر آنها حرام شده است.» و چهارپایانی (داشتند) که (هنگام ذبح،) نام خدا را بر آن نمی‌بردند،
ٱللَّهِ عَلَيْهَا ٱفْتِرَآءً عَلَيْهِ ۚ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ
و به خدا دروغ می‌بستند؛ (و می‌گفتند: «این احکام، همه از ناحیهٔ اوست.») بزودی (خدا) آنها را به سزای افتراهایی که می‌بستند کیفر می‌دهد.
(١٣٨) وَقَالُوا۟ مَا فِى بُطُونِ هَـٰذِهِ ٱلْأَنْعَـٰمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا
(۱۳۸) و گفتند: «بچه‌هایی که در شکم این حیوانات است، مخصوص مردان ماست؛ و
وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِنَا ۖ وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَآءُ ۚ
بر همسران ما حرام است؛ امّا اگر مرده باشد [= مرده متولّد شود]، همه در آن شریکند.»
سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ ۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (١٣٩) قَدْ خَسِرَ
بزودی (خدا) کیفر این سخنان ناروا (و احکام دروغین) آنها را می‌دهد؛ او حکیم و داناست. (۱۳۹) به یقین کسانی که
ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓا۟ أَوْلَـٰدَهُمْ سَفَهًۢا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا۟ مَا رَزَقَهُمُ
فرزندان خود را از روی سفاهت و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود،
ٱللَّهُ ٱفْتِرَآءً عَلَى ٱللَّهِ ۚ قَدْ ضَلُّوا۟ وَمَا كَانُوا۟ مُهْتَدِينَ (١٤٠)
برخود حرام کردند؛ و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند؛ و هدایت نیافتند. (۱۴۰)
۞ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَ جَنَّـٰتٍ مَّعْرُوشَـٰتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَـٰتٍ وَٱلنَّخْلَ
اوست کسی که باغهای معروش [= باغهایی که درختانش روی داربست‌ها قرار دارد]، و باغهای غیر معروش [= باغهایی که نیاز به داربست ندارد]را آفرید؛ و
وَٱلزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَـٰبِهًا وَغَيْرَ
(همچنین) نخل و انواع زراعت را، که ازنظر میوه و طعم باهم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و
مُتَشَـٰبِهٍ ۚ كُلُوا۟ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثْمَرَ وَءَاتُوا۟ حَقَّهُۥ يَوْمَ
ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، ولی طعم و میوه آنها متفاوت می‌باشد.) از میوهٔ آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند،
حَصَادِهِۦ ۖ وَلَا تُسْرِفُوٓا۟ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْرِفِينَ (١٤١)
بخورید؛ و حق آن را به هنگام برداشت (محصول)، بپردازید؛ و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد. (۱۴۱)
وَمِنَ ٱلْأَنْعَـٰمِ حَمُولَةً وَفَرْشًا ۚ كُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ
(اوست کسی که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید؛ از آنچه به شما روزی داده است، بخورید؛
ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَـٰنِ ۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (١٤٢)
و از گامهای شیطان پیروی ننمایید، که او برای شما دشمنی آشکار است. (۱۴۲)

ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۖ مِّنَ ٱلضَّأۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡمَعۡزِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ

هشت زوج از چهارپایان؛ از میش دو زوج (نر و ماده)، و از بز دو زوج (نر و ماده) (برای شما آفرید)؛ بگو:

ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ

«آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده، یا ماده‌ها را؟! یا آنچه شکم ماده‌ها در بر گرفته؟! اگر راست می‌گویید

ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ نَبِّـُٔونِي بِعِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٤٣﴾ وَمِنَ ٱلۡإِبِلِ

(و بر تحریم اینها دلیلی دارید،) به من از روی علم و آگاهی خبر دهید» (۱۴۳) و از شتر

ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ

دو زوج (نر و ماده)، و از گاو هم دو زوج (نر و ماده)؛ بگو: «آیا خداوند نرها را حرام کرده یا ماده‌ها را؟!

أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ

یا آنچه را شکم ماده‌ها در برگرفته؟! یا هنگامی که خدا شما رابه این موضوع سفارش کرد، شما گواه

إِذۡ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَاۚ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ

(بر این تحریم) بودید؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد،

كَذِبٗا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيۡرِ عِلۡمٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ

تا از روی جهل، مردم را گمراه سازد؟! خداوند هیچ‌گاه گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند»

﴿١٤٤﴾ قُل لَّآ أَجِدُ فِي مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٖ يَطۡعَمُهُۥٓ إِلَّآ أَن

(۱۴۴) بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ طعامی را برای خورندگان، حرام نمی‌یابم؛ بجز این‌که مردار باشد،

يَكُونَ مَيۡتَةً أَوۡ دَمٗا مَّسۡفُوحًا أَوۡ لَحۡمَ خِنزِيرٖ فَإِنَّهُۥ رِجۡسٌ أَوۡ

یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک ـ که اینها همه پلیدند ـ یا حیوانی که به گناه،

فِسۡقًا أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ

(هنگام ذبح) نام غیر خدا [=نام بتها] بر آن برده شده است.» امّا کسی که ناچار (از خوردن این محرمات) شود، در صورتی که ستمکار و متجاوز نباشد، (گناهی

رَبَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا

بر او نیست)؛ زیرا پروردگارت، آمرزنده و مهربان است. (۱۴۵) و بر یهودیان، هر حیوان ناخن‌دار [= حیواناتی که

كُلَّ ذِي ظُفُرٖۖ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ وَٱلۡغَنَمِ حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ

سم یکپارچه دارند] را حرام کردیم؛ و از گاو و گوسفند، پیه و چربیشان را بر آنان تحریم نمودیم؛

شُحُومَهُمَآ إِلَّا مَا حَمَلَتۡ ظُهُورُهُمَآ أَوِ ٱلۡحَوَايَآ أَوۡ مَا

مگر چربیهایی که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوها، و یا آنها که با

ٱخۡتَلَطَ بِعَظۡمٖۚ ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِبَغۡيِهِمۡۖ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿١٤٦﴾

استخوان آمیخته است؛ این کیفر را به سزای ستمشان به آنها دادیم؛ و ما راست می‌گوییم. (۱۴۶)

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ

اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، دارای رحمتی گسترده است؛

بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (١٤٧) سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا

امّا مجازات او هم از مجرمان بازگردانده نمی‌شود؛ (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است)». (۱۴۷) بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می‌گویند:

لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ

«اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما؛ و نه چیزی را تحریم می‌کردیم.» کسانی که پیش از آنها بودند نیز،

كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ

همین گونه (آیات خدا را) تکذیب کردند؛ و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا

عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ

دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید که آن را بر ما آشکار سازید؟! شما فقط از پندارهای بی‌اساس پیروی می‌کنید،

أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (١٤٨) قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ

و تخمینهای نابه جا می‌زنید.» (۱۴۸) بگو: «دلیل رسا برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد). و اگر او می‌خواست، همه شما را (به اجبار)

أَجْمَعِينَ (١٤٩) قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ

هدایت می‌کرد. (ولی هدایت اجباری بی‌ثمر است.)» (۱۴۹) بگو: «گواهان خود را، که گواهی می‌دهند خداوند اینها را حرام کرده است،

هَٰذَا فَإِن شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ

بیاورید!» اگر آنها (بدروغ) گواهی دهند، تو با آنان (همصدا نشو، و) گواهی نده؛ واز هوا و هوس کسانی که

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُم

آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای پروردگارشان

بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (١٥٠) قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ

همتا و شبیه قرار می‌دهند، پیروی مکن. (۱۵۰) بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم:

عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا

اینکه چیزی را همتای خدا قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛ و فرزندانتان را

أَوْلَادَكُم مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا

از (ترس) فقر، نکشید؛ ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ نزدیک کارهای زشت نزدیک نشوید،

الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ

چه آشکار باشد چه پنهان؛ و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید،

الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (١٥١)

مگر بحق (و از روی استحقاق). این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، تا بیندیشید. (۱۵۱)

وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۖ

و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حدّ رشد خود برسد؛

وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا

و حقّ پیمانه ووزن را بعدالت ادا کنید؛ - هیچ کس را، جز به مقدار تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم - و هنگامی که سخنی می‌گویید،

وُسۡعَهَاۖ وَإِذَا قُلۡتُمۡ فَٱعۡدِلُواْ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰۖ وَبِعَهۡدِ ٱللَّهِ

(و داوری می‌کنید،) عدالت را رعایت نمایید، حتّی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد؛ و به پیمان خدا وفا کنید.

أَوۡفُواْۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾ وَأَنَّ هَٰذَا

این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکر شوید. (۱۵۲) این‌راه مستقیم من است؛

صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ

از آن پیروی کنید؛ و از راههای پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از راه او، دور می‌سازد؛

عَن سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ

این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا پرهیزگاری پیشه کنید.» (۱۵۳) سپس

ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ تَمَامًا عَلَى ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ

به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ تا (نعمت خود را) برآنها که نیکوکار بودند، کامل کنیم؛ و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود،

شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ﴿١٥٤﴾ وَهَٰذَا

در آن) روشن سازیم؛ و آن را مایهٔ هدایت و رحمت قرار دهیم؛ شاید به لقای پروردگارشان (و روز رستاخیز)، ایمان آورند. (۱۵۴) و این

كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ فَٱتَّبِعُوهُ وَٱتَّقُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿١٥٥﴾ أَن

کتابی است پر برکت، که ما نازل کردیم؛ از آن پیروی کنید، و پرهیزگاری پیشه نمایید، تا مورد رحمت (خدا) قرار گیرید. (۱۵۵)

تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أُنزِلَ ٱلۡكِتَٰبُ عَلَىٰ طَآئِفَتَيۡنِ مِن قَبۡلِنَا وَإِن كُنَّا عَن

(ما این کتاب را نازل کردیم) تا مبادا بگویید: «کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه پیش از ما [= یهود و نصاری] نازل شده بود؛ و ما از بحث

دِرَاسَتِهِمۡ لَغَٰفِلِينَ ﴿١٥٦﴾ أَوۡ تَقُولُواْ لَوۡ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا ٱلۡكِتَٰبُ

و بررسی آنان بی‌خبر بودیم». (۱۵۶) یا بگویید: «اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می‌شد، از آنها هدایت یافته‌تر بودیم».

لَكُنَّآ أَهۡدَىٰ مِنۡهُمۡۚ فَقَدۡ جَآءَكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَهُدٗى

اینک آیات ج و دلایل روشن از جانب پروردگارتان،و هدایت و رحمت برای شما آمد.

وَرَحۡمَةٞۚ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَصَدَفَ عَنۡهَاۗ سَنَجۡزِي

پس، چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده، و از آن روی گردانده است؟!

ٱلَّذِينَ يَصۡدِفُونَ عَنۡ ءَايَٰتِنَا سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصۡدِفُونَ ﴿١٥٧﴾

و بزودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سبب اعراضشان، مجازات بدی خواهیم کرد! (۱۵۷)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ يَأْتِىَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِىَ بَعْضُ

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سراغشان آیند، یا پروردگارت (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز)؟!

ءَايَٰتِ رَبِّكَ ۗ يَوْمَ يَأْتِى بَعْضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَٰنُهَا لَمْ تَكُنْ

امّا آن روز که بعضی از آیات پروردگارت (نشانه‌های مرگ و عذاب) ظاهر شود، ایمان آوردن کسی که قبلاً ایمان نیاورده، یا در ایمانش عمل نیکی انجام

ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِىٓ إِيمَٰنِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ ٱنتَظِرُوٓا۟ إِنَّا مُنتَظِرُونَ

نداده، سودی به حالش نخواهد داشت. بگو: «(اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید،)انتظار بکشید! ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!»

﴿١٥٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُوا۟ دِينَهُمْ وَكَانُوا۟ شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِى شَىْءٍ ۚ إِنَّمَآ

(۱۵۸) کسانی که در آیین خود تفرقه ایجاد کردند، و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری.

أَمْرُهُمْ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ

سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند. (۱۵۹) هر کس کار نیکی به جا آورد،

فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا

ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها

يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنَّنِى هَدَىٰنِى رَبِّىٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا

نخواهد شد. (۱۶۰) بگو: «پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده؛ آیینی استوار (و ضامن سعادت دین و دنیا)؛

مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنَّ صَلَاتِى

آیین ابراهیم؛ که ایمانی خالص داشت؛ و از مشرکان نبود.» (۱۶۱) بگو: «نماز و تمام عبادات من،

وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُۥ ۖ وَبِذَٰلِكَ

و زندگی و مرگ من، همه برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۱۶۲) همتایی برای او نیست؛

أُمِرْتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْغِى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَىْءٍ ۚ

و به همین مأمور شده‌ام؛ و من نخستین مسلمانم.» (۱۶۳) بگو: «آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟!

وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ

هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی‌دهد؛ و هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ سپس بازگشت همهٔ شما به سوی

رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى

پروردگارتان است؛ و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، باخبر خواهد کرد. (۱۶۴) و او کسی است که

جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ ٱلْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ

شما را جانشینان (و نمایندگان خود) در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی‌دیگر قرار داد، تا شما را بوسیله آنچه

لِّيَبْلُوَكُمْ فِى مَآ ءَاتَىٰكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلْعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌۢ ﴿١٦٥﴾

در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو دارای مجازات سریع و (در عین حال نسبت به حق پویان) آمرزنده و مهربان است.(۱۶۵)

۷ – سوره الأعراف

ترتيبها ٧ — سُورَةُ الأَعْرَافِ — آياتها ٢٠٦

الحزب ١٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓمٓصٓ ﴿١﴾ كِتَٰبٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ

المص. (۱) این کتابی است که بر تو نازل شده ـ پس نباید از (ناحیهٔ ابلاغ) آن، ناراحتی در سینه داشته باشی ـ تا

لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ ٱتَّبِعُوا۟ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن

به وسیلهٔ آن، (مردم را از عواقب اعمال بد) بیم دهی؛ و تذکّری است برای مؤمنان. (۲) از چیزی که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید.

رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَكَم مِّن

و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید. هر چند کمتر متذکّر می‌شوید. (۳) چه بسیار

قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَا فَجَآءَهَا بَأْسُنَا بَيَٰتًا أَوْ هُمْ قَآئِلُونَ ﴿٤﴾ فَمَا كَانَ

شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم؛ و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. (۴) و

دَعْوَىٰهُمْ إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَآ إِلَّآ أَن قَالُوٓا۟ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٥﴾

در آن موقع که عذاب ما به سراغ آنها آمد، سخنی نداشتند جز این‌که گفتند: «ما ستمکار بودیم.» (ولی این اعتراف به گناه؛ دیگر دیر شده بود.) (۵)

فَلَنَسْـَٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْـَٔلَنَّ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾

به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد؛ و(هم) از پیامبران سؤال می‌کنیم. (۶)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ ۖ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ ﴿٧﴾ وَٱلْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ ۚ

و مسلّماً (اعمالشان را) با علم (خود) برای آنان شرح خواهیم داد؛ و ما هرگز غایب نبودیم (بلکه همه جا ناظر اعمال بندگان هستیم). (۷) وزن کردن (اعمال، و

فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾ وَمَنْ خَفَّتْ

سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است. کسانی که کفّه های (عمل) آنها سنگین است، تنها آنان رستگارند. (۸) و کسانی که کفّه‌های

مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُم بِمَا كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَظْلِمُونَ

(عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایهٔ وجود خود را، به سبب ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما روا می‌داشتند، از دست داده‌اند.

﴿٩﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّٰكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ ۗ قَلِيلًا

(۹) ما تسلّط بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم؛ هر چند کمتر

مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ

شکرگزاری می‌کنید. (۱۰) ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت‌بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم:

ٱسْجُدُوا۟ لِـَٔادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿١١﴾

«برای آدم سجده و خضوع کنید.» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود. (۱۱)

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسۡجُدَ إِذۡ أَمَرۡتُكَۖ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟!» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش

وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ﴿١٢﴾ قَالَ فَٱهۡبِطۡ مِنۡهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا

آفریده‌ای و او را از گِل!» (۱۲) فرمود: «از آن (مقام و مرتبه‌ات) فرود آی. تو حق نداری در آن (مقام و مرتبه) تکبّر کنی.

فَٱخۡرُجۡ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ أَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ﴿١٤﴾

بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی.» (۱۳) گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند مهلت ده (و زنده بگذار).» (۱۴)

قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فَبِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأَقۡعُدَنَّ لَهُمۡ صِرَٰطَكَ

فرمود: «تو از مهلت داده‌شدگانی.» (۱۵) به دروغ گفت: «به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در کمین

ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَأٓتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ وَعَنۡ أَيۡمَٰنِهِمۡ

آنها می‌نشینیم. (۱۶) سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها،

وَعَن شَمَآئِلِهِمۡۖ وَلَا تَجِدُ أَكۡثَرَهُمۡ شَٰكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ ٱخۡرُجۡ مِنۡهَا مَذۡءُومٗا

به سراغشان می روم؛ وبیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت.» (۱۷) فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری،

مَّدۡحُورٗاۖ لَّمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَٰٓـَٔادَمُ

بیرون رو! به یقین هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنّم را از شما همگی پر می‌کنم. (۱۸) و ای آدم!

ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ فَكُلَا مِنۡ حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ

تو و همسرت در بهشت ساکن شوید؛ و از هرجا که خواستید، بخورید! امّا به این درخت نزدیک نشوید،

ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسۡوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ لِيُبۡدِيَ لَهُمَا

که از ستمکاران خواهید بود.» (۱۹) سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از

مَا وُۥرِيَ عَنۡهُمَا مِن سَوۡءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنۡ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ

اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده

إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيۡنِ أَوۡ تَكُونَا مِنَ ٱلۡخَٰلِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا

مگر بخاطر این‌که (اگر از آن بخورید،) هر دو فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند.» (۲۰) و برای آنها سوگند یاد کرد

لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٖۚ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتۡ لَهُمَا

که من برای شما از خیرخواهانم. (۲۱) و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد.و هنگامی که از آن درخت چشیدند،

سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ

اندامشان [= عورتشان] بر آنها آشکار شد؛ و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند. و پروردگارشان آنها را ندا داد که:

أَلَمۡ أَنۡهَكُمَا عَن تِلۡكُمَا ٱلشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمَا عَدُوّٞ مُّبِينٞ ﴿٢٢﴾

«آیا شما را از آن درخت نهی نکردم، و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» (۲۲)

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم؛ و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، به یقین از

ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ ٱهْبِطُوا۟ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ وَلَكُمْ فِى

زیانکاران خواهیم بود.» (۲۳) فرمود: «(از مقام خویش،) فرود آیید، در حالی‌که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر، دشمن خواهید بود. (شیطان دشمن

ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ

شماست، و شما دشمن او.) و برای شما در زمین، تا زمان معیّنی محل اقامت و وسیلهٔ بهره برداری خواهد بود.» (۲۴) فرمود: «در آن [= زمین] زنده می‌شوید؛

وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَٰرِى سَوْءَٰتِكُمْ

و در آن می‌میرید؛ و (در رستاخیز) شما را از آن بیرون می‌آورند.» (۲۵) ای فرزندان آدم! لباسی برای شما آفریدیم که اندام شمارا می‌پوشاند

وَرِيشًا ۖ وَلِبَاسُ ٱلتَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۚ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ لَعَلَّهُمْ

و مایهٔ زینت شماست؛ امّا جامهٔ پرهیزگاری بهتر است. اینها (همه) از آیات خداست، تا

يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ كَمَآ أَخْرَجَ

متذکر (نعمتهای او) شوند. (۲۶) ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از

أَبَوَيْكُم مِّنَ ٱلْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَآ ۗ إِنَّهُۥ

بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت‌تا عورتشان را به آنها نشان دهد.

يَرَىٰكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا ٱلشَّيَٰطِينَ أَوْلِيَآءَ

چه این‌که او و طایفه‌اش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید؛ (امّا بدانید) ما شیاطین را اولیای

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُوا۟ فَٰحِشَةً قَالُوا۟ وَجَدْنَا عَلَيْهَآ ءَابَآءَنَا

کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. (۲۷) و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند می‌گویند: «پدران خود را بر این (عمل) یافتیم؛

وَٱللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا ۗ قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَآءِ ۖ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا

و خداوند ما را به آن فرمان داده است.» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی به خدا نسبت می‌دهید

لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّى بِٱلْقِسْطِ ۖ وَأَقِيمُوا۟ وُجُوهَكُمْ عِندَ

که نمی‌دانید؟!» (۲۸) بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و روی خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید؛

كُلِّ مَسْجِدٍ وَٱدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

و او را بخوانید، و دین (خود) را برای او خالص کنید.(و بدانید) همان‌گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) باز می‌گردید».

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُ ۗ إِنَّهُمُ ٱتَّخَذُوا۟ ﴿٢٩﴾

(۲۹) جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته‌اند،) گمراهی بر آنها مسلّم شده است.

ٱلشَّيَٰطِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند.(۳۰)

۞ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا
ای فرزندان آدم! زینت خود را در هنگام رفتن به هر مسجدی، با خود بردارید؛ و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید،
تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ
ولی اسراف نکنید که خداوندمسرفان را دوست نمی‌دارد. (۳۱) بگو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده،
لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «اینهادر زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی)
خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلۡ
در قیامت، فقط برای مؤمنان خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می‌دهیم. (۳۲) بگو:
إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ
«خداوند، تنها اعمال زشت را، حرام کرده است؛ چه آشکار باشد و چه پنهان؛ و (همچنین) گناه و ستم به نا حق را؛
ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا
و این‌که چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، همتای خداوند قرار دهید؛ و چیزی را که
لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٞۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَأۡخِرُونَ
نمی دانید به نسبت دهید.» (۳۳) برای هر قوم و جمعیّتی، زمان و اجل (معیّنی) است؛ و هنگامی که اجل آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند،
سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ﴿٣٤﴾ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ إِمَّا يَأۡتِيَنَّكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ
و نه بر آن پیشی می‌گیرند. (۳۴) ای فرزندان آدم! اگر پیامبرانی از خود شما به سراغتان بیایند
يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصۡلَحَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ
که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید؛) کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست
يَحۡزَنُونَ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَآ أُوْلَٰٓئِكَ
و نه اندوهگین می‌شوند. (۳۵) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبّر نمودند،
أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٣٦﴾ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى
اهل دوزخند؛جاودانه در آن خواهند ماند. (۳۶) چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ بستند،
ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ يَنَالُهُمۡ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِۖ حَتَّىٰٓ
یا آیات او را تکذیب کردند؟! آنهانصیبشان را از آنچه مقدّر شده (از نعمتها و مواهب این جهان) می‌برند؛
إِذَا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوۡنَهُمۡ قَالُوٓاْ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَدۡعُونَ مِن دُونِ
تا زمانی که فرستادگان ما (و فرشتگان قبض روح) به سراغشان آیند که جانشان را بگیرند؛ از آنها می‌پرسند: «کجایند معبودهایی‌که غیر از خدا می‌خواندید؟!
ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ﴿٣٧﴾
(چرا به یاری شما نمی‌آیند؟!)» می‌گویند: «آنها (همه) از نظر ما پنهان و گم شدند» و به زبان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند. (۳۷)

قَالَ ٱدۡخُلُواْ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ

(خداوند به آنها) می‌گوید: «در صف اقوام گمراهی از جنّ و انس که پیش از شما بودند

فِي ٱلنَّارِۖ كُلَّمَا دَخَلَتۡ أُمَّةٞ لَّعَنَتۡ أُخۡتَهَاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا ٱدَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعٗا

در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می‌شوند، گروه همسان خود را لعن می‌کنند؛ تا همگی با ذلّت در آن قرار گیرند.

قَالَتۡ أُخۡرَىٰهُمۡ لِأُولَىٰهُمۡ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ أَضَلُّونَا فَـَٔاتِهِمۡ عَذَابٗا

در این هنگام، گروه پیروان دربارهٔ پیشوایان خود می‌گویند: «پروردگارا! اینها بودند که ما را گمراه ساختند؛ پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن.

ضِعۡفٗا مِّنَ ٱلنَّارِۖ قَالَ لِكُلّٖ ضِعۡفٞ وَلَٰكِن لَّا تَعۡلَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَقَالَتۡ

(کیفری برای گمراهیشان، و کیفری به خاطر گمراه ساختن ما.)» می‌فرماید: «برای هر کدام (از شما) دو عذاب است؛ ولی نمی‌دانید.» (۳۸) و پیشوایان

أُولَىٰهُمۡ لِأُخۡرَىٰهُمۡ فَمَا كَانَ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن فَضۡلٖ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ

آنها به پیروان خود می‌گویند: «شما برتری بر ما نداشتید؛ پس بچشید عذاب (الهی) را در برابر

بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ

آنچه انجام می‌دادید!» (۳۹) کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و دربرابر آن تکبّر ورزیدند،

عَنۡهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمۡ أَبۡوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ وَلَا يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ فِي

(هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود؛ و(هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر این‌که شتر از سوراخ سوزن بگذرد!

سَمِّ ٱلۡخِيَاطِۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُم مِّن جَهَنَّمَ

این گونه، مجرمان را کیفر می‌دهیم. (۴۰) برای آنها بستری از (آتش) دوزخ،

مِهَادٞ وَمِن فَوۡقِهِمۡ غَوَاشٖۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤١﴾ وَٱلَّذِينَ

و روی آنها پوششی (از آن) است؛ و اینچنین ستمکاران را جزا می‌دهیم. (۴۱) و کسانی که

ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَآ

ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند ـ البتّه هیچ کس را جز به اندازهٔ تواناییش تکلیف نمی‌کنیم ـ آنها

أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعۡنَا مَا فِي

اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (۴۲) و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند،

صُدُورِهِم مِّنۡ غِلّٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي

برمی‌کنیم (تا در صفا با هم زندگی کنند)؛ و از زیر (قصرهای) آنها، نهرها جاری است؛ می‌گویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که

هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهۡتَدِيَ لَوۡلَآ أَنۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُۖ لَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا

ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی‌یافتیم. مسلّماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند.»

بِٱلۡحَقِّۖ وَنُودُوٓاْ أَن تِلۡكُمُ ٱلۡجَنَّةُ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٤٣﴾

و (در این هنگام) به آنان ندا داده می‌شود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می‌دادید، به ارث بردید.» (۴۳)

وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ أَن قَدۡ وَجَدۡنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقّٗا

و بهشتیان دوزخیان را صدا می‌زنند که: «آنچه را پروردگارمان صلے به ما وعده ج داده بود، همه را حق یافتیم؛

فَهَلۡ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمۡ حَقّٗاۖ قَالُواْ نَعَمۡۚ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنُۢ بَيۡنَهُمۡ أَن

آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟!» می‌گویند: «آری» دراین هنگام، ندادهنده‌ای در میان آنها ندا می‌دهد که:

لَّعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٤﴾ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا

«لعنت خدا بر ستمکاران بادا (۴۴) (همان) کسانی که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند. ج و (با القای شبهات) می‌خواهند آن را کج و معوج نشان دهند؛

وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ كَٰفِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيۡنَهُمَا حِجَابٞۚ وَعَلَى ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٞ يَعۡرِفُونَ

و آنها سرای دیگر را انکار می‌کنند.» (۴۵) و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی ج است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که

كُلَّۢا بِسِيمَىٰهُمۡۚ وَنَادَوۡاْ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَن سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡۚ لَمۡ يَدۡخُلُوهَا وَهُمۡ

هر یک از آن دو گروه را از چهره‌هایشان می‌شناسند؛ و بهشتیان را صدا می‌زنند که: «درود بر شما بادا!» اما داخل بهشت نمی‌شوند،

يَطۡمَعُونَ ﴿٤٦﴾ ۞ وَإِذَا صُرِفَتۡ أَبۡصَٰرُهُمۡ تِلۡقَآءَ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لَا

در حالی که امید آن را دارند. (۴۶) و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می‌افتد می‌گویند: «پروردگارا!

تَجۡعَلۡنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٗا يَعۡرِفُونَهُم

ما را با گروه ستمکاران قرار مده.» (۴۷) و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می‌شناسند،

بِسِيمَىٰهُمۡ قَالُواْ مَآ أَغۡنَىٰ عَنكُمۡ جَمۡعُكُمۡ وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٤٨﴾

صدا می‌زنند و می‌گویند: «(دیدید که) نه جمع آوری (مال و ثروت) شما و نه تکبر ورزیدن شما، به حالتان سودی نداد!» (۴۸)

أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمۡتُمۡ لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحۡمَةٍۚ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ لَا خَوۡفٌ

آیا اینها [=این واماندگان براعراف] همانان هستند که سوگند یاد کردید خداوند، هرگز رحمتش را شامل حال آنها نخواهد کرد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و

عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصۡحَٰبَ

کارهای نیکشان، آنها را بخشید؛ هم‌اکنون به آنها گفته می‌شود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید. ج (۴۹) و دوزخیان،

ٱلۡجَنَّةِ أَنۡ أَفِيضُواْ عَلَيۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ أَوۡ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُۚ قَالُوٓاْ إِنَّ

بهشتیان را صدا می‌زنند که: «(ترحم کنید و) مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید.» آنها (در پاسخ) می‌گویند:

ٱللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ

«خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است.» (۵۰) (همان) کسانی که دین و آیین خود را

لَهۡوٗا وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ فَٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰهُمۡ كَمَا

سرگرمی و بازیچه گرفتند؛ و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت؛ امروز ما آنها را فراموش می‌کنیم،

نَسُواْ لِقَآءَ يَوۡمِهِمۡ هَٰذَا وَمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ﴿٥١﴾

همان گونه که آنها دیدار چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار می‌نمودند. (۵۱)

وَلَقَدْ جِئْنَٰهُم بِكِتَٰبٍ فَصَّلْنَٰهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ

ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایهٔ هدایت و رحمت برای گروهی است که

يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُۥ يَوْمَ يَأْتِى تَأْوِيلُهُۥ يَقُولُ

ایمان می‌آورند. (۵۲) آیا آنها جز انتظار ظهور آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) را دارند؟! آن روز که ظهور آنها فرا رسد، (کار از کار گذشته، و پشیمانی

ٱلَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن

سودی ندارد؛ و) کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می‌گویند: «فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا (امروز) برای ما شفاعت کنندگانی وجود

شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُوا۟ لَنَآ أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ ٱلَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوٓا۟

دارند که برای ما شفاعت کنند، یا (به ما اجازه داده شود به دنیا) بازگردیم، و اعمالی غیر از آنچه انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟!» (ولی) آنها سرمایهٔ وجود خود

أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ

را از دست داده‌اند؛ و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان گم می‌شوند. (نه راه بازگشتی دارند، و نه شفاعت کننده‌ای) (۵۳) پروردگار

ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى

شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت)؛ با (پرده

ٱلْعَرْشِ يُغْشِى ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَ يَطْلُبُهُۥ حَثِيثًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ

تاریک) شب، روز را می‌پوشاند؛ و شب به سرعت، در پی روز می‌آید؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید،

مُسَخَّرَٰتٍۭ بِأَمْرِهِۦٓ ۗ أَلَا لَهُ ٱلْخَلْقُ وَٱلْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ

که مسخّر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پر برکت و بی زوال است خداوندی که پروردگار جهانیان

﴿٥٤﴾ ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾

است. (۵۴) پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع، و در پنهانی، بخوانید؛ (و از تجاوز، دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی‌دارد. (۵۵)

وَلَا تُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَٰحِهَا وَٱدْعُوهُ خَوْفًا

و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید، (بیم از مسوولیتها، و امید به رحمتش،

وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ

و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. (۵۶) او همان کسی است که

ٱلَّذِى يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِۦ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ

بادها را به عنوان بشارت، در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد؛ تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند؛

أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَٰهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ ٱلْمَآءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ

(سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می‌فرستیم؛ و بوسیلهٔ آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می‌کنیم؛ و با آن، میوه‌های گوناگون (از خاک تیره) بیرون

مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ ۚ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

می‌آوریم؛ این‌گونه (که زمینهای مرده را زنده کردیم،) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می‌کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکّر شوید. (۵۷)

وَٱلْبَلَدُ ٱلطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ ۖ وَٱلَّذِى خَبُثَ لَا يَخْرُجُ

سرزمين پاكيزه (و مستعد)، گياهش به فرمان پروردگار مى‌رويد؛ امّا سرزمين‌هاى ناپاک (و شوره‌زار)،

إِلَّا نَكِدًا ۚ كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾ لَقَدْ

جز گياه اندک و بى‌ارزش، از آن نمى‌رويد؛ اين گونه آيات (خود) را براى گروهى كه شكرگزارند، شرح مى‌دهيم. (۵۸)

أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ

ما نوح را به سوى قومش فرستاديم؛ او گفت: «اى قوم من! (تنها) خداوند يگانه را پرستش كنيد،كه معبودى جز او براى شما نيست.

غَيْرُهُۥٓ إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾ قَالَ ٱلْمَلَأُ مِن

(و اگر غير او را عبادت كنيد،) من بر شما از عذاب روز بزرگى مى‌ترسم!» (۵۹) (ولى) اشراف قومش به او گفتند:

قَوْمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِى

«ما تو را در گمراهى آشكارى مى‌بينيم.» (۶۰) گفت: «اى قوم من! من هيچگونه گمراهى ندارم؛

ضَلَٰلَةٌ وَلَٰكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦١﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ

بلكه من فرستاده‌اى از جانب پروردگار جهانيانم. (۶۱) رسالتهاى پروردگارم را به شما ابلاغ مى‌كنم؛

رَبِّى وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوَعَجِبْتُمْ

و خيرخواه شما هستم؛ و از خداوند چيزهايى مى‌دانم‌كه شما نمى‌دانيد. (۶۲) آيا تعجب كرده‌ايد

أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا۟ وَ

كه پيام آگاه كنندهٔ پروردگارتان بوسيله مردى از خودتان به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بيمتان دهد، و در پرتو آن، پرهيزگارى پيشه كنيد

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ وَ

و مشمول رحمت (الهى) شويد؟!» (۶۳) امّا سرانجام او را تكذيب كردند؛ ج و ما او و كسانى را كه با وى در كشتى بودند، رهايى بخشيديم؛

أَغْرَقْنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا عَمِينَ

و كسانى را كه آيات ما را تكذيب كردند، غرق كرديم؛ زيرا آنها گروهى نابينا (و كوردل) بودند. (۶۴)

﴿٦٤﴾ ۞ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۗ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ

و به سوى قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستاديم)؛گفت: «اى قوم من! (تنها) خدا را پرستش كنيد، كه جز او معبودى براى شما نيست.

غَيْرُهُۥٓ ۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦٓ إِنَّا

آيا پرهيزگارى پيشه نمى‌كنيد؟!» (۶۵) اشراف كافر قوم او گفتند:

لَنَرَىٰكَ فِى سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٦٦﴾ قَالَ

«ما تو را گرفتار سفاهت مى‌بينيم، و به يقين تو را از دروغگويان مى‌دانيم.» (۶۶) گفت:

يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِى سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٧﴾

«اى قوم من! دچار سفاهتى نيستم، بلكه فرستاده‌اى از سوى پروردگار جهانيانم. (۶۷)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنَا۠ لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾ أَوَعَجِبْتُمْ

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و من خیرخواه امینی برای شما هستم. (۶۸) آیا تعجب کرده‌اید

أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ

پیام آگاه‌کنندهٔ پروردگارتان بوسیلهٔ مردی از خودتان به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد؟!

وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي ٱلْخَلْقِ

و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد، و شما را از جهت خلقت (و توانایی جسمانی) فزونی بخشید؛

بَصْۜطَةً فَٱذْكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ قَالُوٓاْ

پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، تا رستگار شوید.» (۶۹) گفتند:

أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ ٱللَّهَ وَحْدَهُۥ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا

«آیا آمده‌ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم، و آنچه را پدران ما می‌پرستیدند، رها کنیم؟!

فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ

پس اگر راست می‌گویی آنچه را (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده می‌دهی، بیاور!» (۷۰) گفت:

عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَٰدِلُونَنِي فِيٓ أَسْمَآءٍ

«پلیدی و غضب از سوی پروردگارتان، شما را (به سبب اعمالتان) فرا گرفته است. آیا با من در مورد اسم‌هایی (بی مسمّا) که شما

سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ

و پدرانتان آنها را (خدا) نامیده‌اید مجادله می‌کنید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی دربارهٔ آن نازل نکرده است؟!

فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ ﴿٧١﴾ فَأَنجَيْنَٰهُ

پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می‌کشم! (شما انتظار شکست من، و من انتظار عذاب الهی برای شما!)» (۷۱) سرانجام،

وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا

او و کسانی را که با او بودند، با رحمتی از سوی خود نجات بخشیدیم؛ و ریشهٔ کسانی که آیات ما را تکذیب کردند

وَمَا كَانُواْ مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا قَالَ يَٰقَوْمِ

و مؤمن نبودند، قطع کردیم. (۷۲) و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من!

ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ قَدْ جَآءَتْكُم

(تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده:

بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةً فَذَرُوهَا

این «ناقه» الهی برای شما نشانه‌ای است؛ بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود؛

تَأْكُلْ فِيٓ أَرْضِ ٱللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

و هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت! (۷۳)

وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ عَادٖ وَبَوَّأَكُمۡ فِي
و به خاطر بیاورید هنگامی که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد،
ٱلۡأَرۡضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورٗا وَتَنۡحِتُونَ ٱلۡجِبَالَ
و در زمین مستقر ساخت،که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می‌کنید؛ و در کوهها، برای خود خانه‌ها می‌تراشید.
بُيُوتٗاۖ فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ
بنابراین، نعمتهای خدا را متذکر شوید؛ و در زمین، به فساد نکوشید.»
(٧٤) قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لِلَّذِينَ
(۷۴) (ولی) اشراف مستکبر قوم او، به مستضعفانی از آنها که ایمان آورده بودند، گفتند:
ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِمَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُمۡ أَتَعۡلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحٗا مُّرۡسَلٞ
«آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!»
مِّن رَّبِّهِۦۚ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلَ بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ (٧٥) قَالَ ٱلَّذِينَ
آنها گفتند: «ما به آنچه او برای آن فرستاده شده، ایمان آورده‌ایم.» (۷۵) مستکبران گفتند:
ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا بِٱلَّذِيٓ ءَامَنتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ (٧٦) فَعَقَرُواْ
«(ولی) ما به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، کافریم.» (۷۶) سپس «ناقه» را پی کردند،
ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِمۡ وَقَالُواْ يَٰصَٰلِحُ ٱئۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ
و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند؛ و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه را
إِن كُنتَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ (٧٧) فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ
(از عذاب الهی) به ما وعده می‌دهی، بیاور!» (۷۷) سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛و صبحگاهان،
فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ (٧٨) فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ
در خانه هایشان به رو افتاده و مرده بودند. (۷۸) (صالح) از آنها روی برتافت؛ و گفت:
أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ
«ای قوم من! رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما
ٱلنَّٰصِحِينَ (٧٩) وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ
خیرخواهان را دوست ندارید.» (۷۹) و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید
مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ (٨٠) إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ
که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! (۸۰) آیا شما از روی شهوت به جای زنان،
ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ (٨١)
به سراغ مردان می‌روید؟! آری شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید» (۸۱)

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوهُم مِّن
ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید،
قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ
که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند (و با ما همصدا نیستند.)» (۸۲) (چون کار به این جا رسید.) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛
إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ كَانَتْ مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًاۖ
جز همسرش، که از بازماندگان (و هلاک شدگان در شهر) بود. (۸۳) و آن چنان بارانی (از سنگ) بر آنها فرو ریختیم؛
فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ
(که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر سرانجام مجرمان چگونه بود! (۸۴) و به سوی مدین،
أَخَاهُمْ شُعَيْبًاۗ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ
برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست.
غَيْرُهُۥۖ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْۖ فَأَوْفُواْ ٱلْكَيْلَ
دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابراین، حق پیمانه و وزن را ادا کنید؛
وَٱلْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُواْ
و از اموال مردم کم نگذارید؛ و در روی زمین، بعد از آن که (در پرتو ایمان
فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَٰحِهَاۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن
و دعوت انبیا) اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر
كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا تَقْعُدُواْ بِكُلِّ صِرَٰطٍ تُوعِدُونَ
باایمان هستید. (۸۵) و بر سر هر راه ننشینید تا کسانی را که به خدا ایمان آورده‌اند تهدید کنید
وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبْغُونَهَا
و از راه خدا باز دارید، و بخواهید (با القای شبهات،) آن را کج و منحرف سازید.
عِوَجًاۚ وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْۖ
و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید، و او شما را فزونی بخشید؛
وَٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِن كَانَ
و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود! (۸۶) و اگر گروهی از شما به آنچه من
طَآئِفَةٌ مِّنكُمْ ءَامَنُواْ بِٱلَّذِىٓ أُرْسِلْتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ
به آن فرستاده شده‌ام ایمان آورده‌اند، و گروهی ایمان نیاورده‌اند،
يُؤْمِنُواْ فَٱصْبِرُواْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ ٱللَّهُ بَيْنَنَاۚ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ ﴿٨٧﴾
صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است.» (۸۷)

۞ قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَنُخۡرِجَنَّكَ يَٰشُعَيۡبُ

اشراف مستکبر قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند،

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَكَ مِن قَرۡيَتِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۚ قَالَ أَوَلَوۡ

از شهر و دیارمان بیرون خواهیم راند یا این که به آیین ما بازگردید.» گفت: «آیا (می‌خواهید ما را بازگردانید)

كُنَّا كَٰرِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدِ ٱفۡتَرَيۡنَا عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا إِنۡ عُدۡنَا فِي مِلَّتِكُم بَعۡدَ

اگر چه مایل نباشیم؟! (۸۸) اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آن‌که خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم؛

إِذۡ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنۡهَاۚ وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّنَاۚ

و برای ما ممکن نیست که ما به آن بازگردیم مگر این‌که خدایی که پروردگار ماست بخواهد؛علم پروردگارما،

وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَاۚ رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ

به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکّل کرده‌ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما

قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ ﴿٨٩﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن

بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی.» (۸۹) اشراف کافر قوم او گفتند:

قَوۡمِهِۦ لَئِنِ ٱتَّبَعۡتُمۡ شُعَيۡبًا إِنَّكُمۡ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ﴿٩٠﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ

«اگر از شعیب پیروی کنید، به یقین شما زیانکار خواهید شد.» (۹۰) سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛

فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ﴿٩١﴾ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَأَن لَّمۡ

و صبحگاهان در خانه هایشان به رو افتاده و مرده بودند. (۹۱) کسانی که شعیب را تکذیب کردند،

يَغۡنَوۡاْ فِيهَاۚ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَانُواْ هُمُ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٩٢﴾

(آنچنان نابود شدند که) گویا هرگز در آن (خانه‌ها) سکونت نداشتند! (آری) آنها که شعیب را تکذیب کردند، زیانکاران واقعی بودند. (۹۲)

فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَنَصَحۡتُ

و از آنان روی بر تافت و گفت: «ای قوم من! من رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛

لَكُمۡۖ فَكَيۡفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ﴿٩٣﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي

با این حال، چگونه بر حال قوم‌بی‌ایمان تأسف بخورم؟!» (۹۳) و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این‌که اهل آن را به سختی‌ها و رنج‌ها

قَرۡيَةٖ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّآ أَخَذۡنَآ أَهۡلَهَا بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَضَّرَّعُونَ

گرفتارساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرّع کنند. (۹۴) سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی

﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلۡنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلۡحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدۡ مَسَّ

نعمت و رفاه) را به جای بدی قرار دادیم؛ آنچنان که فزونی گرفتند، و گفتند: «(تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؛) به پدران ما نیز

ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ فَأَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٩٥﴾

ناراحتی و شادمانی رسید.» چون چنین شد، آنها را (به سبب اعمالشان) ناگهان گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که درک نمی‌کردند. (۹۵)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْقُرَىٰٓ ءَامَنُوا۟ وَٱتَّقَوْا۟ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَٰتٍ

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، به یقین برکات

مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا۟ فَأَخَذْنَٰهُم بِمَا كَانُوا۟

آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان

يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ ٱلْقُرَىٰٓ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَٰتًا وَهُمْ

مجازات کردیم. (۹۶) آیا اهل این آبادیها، از این ایمن هستند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید در حالی که

نَآئِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوَأَمِنَ أَهْلُ ٱلْقُرَىٰٓ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى

در خواب باشند؟! (۹۷) و یا اهل این آبادیها، از این در امان می‌باشند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید

وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا۟ مَكْرَ ٱللَّهِ ۚ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ ٱللَّهِ

در حالی که سرگرم بازی هستند؟! (۹۸) آیا آنها خود را از عذاب ناگهانی خدا در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران،

إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلْأَرْضَ

خود را از مجازات خدا ایمن نمی‌دانند. (۹۹) آیا کسانی که زمین را بعد از صاحبان (پیشین) آن به

مِنۢ بَعْدِ أَهْلِهَآ أَن لَّوْ نَشَآءُ أَصَبْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ ۚ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ

ارث می‌برند، عبرت نمی‌گیرند که اگر بخواهیم،آنها را نیز به گناهانشان هلاک می‌کنیم، و بر

قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ تِلْكَ ٱلْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ

دلهایشان مهر می‌نهیم تا (صدای حق را) نشنوند؟! (۱۰۰) اینها، شهرها و آبادیهایی است که‌قسمتی از

أَنۢبَآئِهَا ۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟

اخبار آن را برای تو شرح می‌دهیم؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند؛ ولی آنها (چنان لجوج بودند که)

بِمَا كَذَّبُوا۟ مِن قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ

به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، ایمان نمی‌آوردند. این گونه خداوند بر دلهای کافران مهر می‌نهد (و بر اثر لجاجت و ادامهٔ گناه،

ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ ۖ وَإِن وَجَدْنَآ

توان تشخیص را از آنها سلب می‌کند). (۱۰۱) و برای بیشتر آنها پایبندی به هیچ پیمانی نیافتیم؛ (بلکه) به یقین

أَكْثَرَهُمْ لَفَٰسِقِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ

اکثر آنها را فاسق و گنهکار یافتیم. (۱۰۲) سپس به دنبال آنها [= پیامبران پیشین] موسی را با آیات خویش به سوی

فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦ فَظَلَمُوا۟ بِهَا ۖ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ

فرعون و اطرافیان او فرستادیم؛ امّا آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. ببین سرانجام مفسدان چگونه بود!

﴿١٠٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرْعَوْنُ إِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾

(۱۰۳) و موسی گفت: «ای فرعون! من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۱۰۴)

حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ ۚ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ

سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛

مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِىَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِـَٔايَةٍ

پس بنی‌اسرائیل را با من بفرست.» (۱۰۵) (فرعون) گفت: «اگر نشانه‌ای آورده‌ای،

فَأْتِ بِهَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ

نشان بده اگر از راستگویانی.» (۱۰۶) (موسی) عصای خود را افکند؛

ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ

ناگهان اژدهای آشکاری شد. (۱۰۷) و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد؛ سفید و نورانی برای بینندگان بود. (۱۰۸) اشراف قوم

ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم

فرعون گفتند: «بی شک، این ساحری ماهر و داناست. (۱۰۹) می‌خواهد شما را از سرزمینتان

مِّنْ أَرْضِكُمْ ۖ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾ قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِى

بیرون کند؛ شما چه نظر می‌دهید؟» (۱۱۰) (سپس به فرعون) گفتند: «او و برادرش را مهلت ده، و مأموران را برای گردآوری

ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ

(ساحران) به تمام شهرها اعزام کن، (۱۱۱) تا هر ساحر ماهر و دانا را به خدمت تو بیاورند.» (۱۱۲) ساحران نزد فرعون آمدند

فِرْعَوْنَ قَالُوٓا۟ إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ

و گفتند: «آیا اگر ما پیروز گردیم، اجر و پاداش مهمّی خواهیم داشت؟!» (۱۱۳) گفت:

نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا۟ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلْقِىَ

«آری، و به یقین شما از مقرّبان خواهید بود.» (۱۱۴) (و چون روز مبارزه فرا رسید، ساحران) گفتند:

وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحْنُ ٱلْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا۟ ۖ فَلَمَّآ أَلْقَوْا۟

«ای موسی!یا تو (وسایل سحرت را) بیفکن، یا ما می‌افکنیم.» (۱۱۵) گفت: «شما بیفکنید.» و هنگامی که

سَحَرُوٓا۟ أَعْيُنَ ٱلنَّاسِ وَٱسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَآءُو بِسِحْرٍ

(وسایل سحر خود را) افکندند، مردم را چشم‌بندی کردند و ترساندند؛ و سحر عظیمی

عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾ ۞ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَإِذَا هِىَ

پدید آوردند. (۱۱۶) (ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن.» ناگهان (به صورت مار عظیمی در آمد و)

تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ ٱلْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾

وسایل دروغین آنها را (بسرعت) بلعید. (۱۱۷) (در این هنگام،)حق آشکار شد؛ و آنچه آنها انجام می‌دادند، باطل گشت. (۱۱۸)

فَغُلِبُوا۟ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُوا۟ صَٰغِرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأُلْقِىَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

و در آن جا (همگی) مغلوب شدند؛ و خوار و حقیر گشتند. (۱۱۹) و ساحران بی‌اختیار به سجده افتادند. (۱۲۰)

قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ
و گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم (۱۲۱) همان پروردگار موسی و هارون.» (۱۲۲) فرعون گفت:
فِرۡعَوۡنُ ءَامَنتُم بِهِۦ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَمَكۡرٞ مَّكَرۡتُمُوهُ فِي
«آیا پیش از آن‌که به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه‌ای است که در
ٱلۡمَدِينَةِ لِتُخۡرِجُواْ مِنۡهَآ أَهۡلَهَاۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿١٢٣﴾ لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ
این شهر (و دیار) به کار گرفته‌اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی (نتیجهٔ کار خود را) خواهید دانست! (۱۲۳) سوگند می‌خورم که دستها
وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿١٢٤﴾ قَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَىٰ
و پاهای شما را بطور مخالف (یکی از راست و دیگری از چپ) قطع می‌کنم؛ سپس همگی را به دار می‌آویزم!» (۱۲۴) (ساحران) گفتند: «(مهمّ نیست،) مابه سوی
رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا تَنقِمُ مِنَّآ إِلَّآ أَنۡ ءَامَنَّا بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا لَمَّا
پروردگارمان باز می‌گردیم. (۱۲۵) انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش ـ هنگامی که به سراغ ما آمد ـ ایمان آوردیم.
جَآءَتۡنَاۚ رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَتَوَفَّنَا مُسۡلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن
پروردگارا! صبر و استقامتی (کافی) بر ما فروریز؛ و ما را مسلمان بمیران.» (۱۲۶) و اشراف قوم فرعون(به او)گفتند:
قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوۡمَهُۥ لِيُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَيَذَرَكَ وَ
«آیاموسی وقومش رارها می‌کنی‌که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!»
ءَالِهَتَكَۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَنَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ وَإِنَّا فَوۡقَهُمۡ
گفت: «بزودی پسرانشان را می‌کشیم، و زنانشان را (برای خدمت کاری) زنده نگه می‌داریم؛ وما بر آنها
قَٰهِرُونَ ﴿١٢٧﴾ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ
کاملاً مسلّطیم.» (۱۲۷) موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید،
إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَٱلۡعَٰقِبَةُ
که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای
لِلۡمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾ قَالُوٓاْ أُوذِينَا مِن قَبۡلِ أَن تَأۡتِيَنَا وَمِنۢ بَعۡدِ مَا جِئۡتَنَاۚ
پرهیزگاران است.» (۱۲۸) گفتند: «پیش از آن که به سوی ما بیایی آزار دیدیم،
قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُهۡلِكَ عَدُوَّكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفَكُمۡ
(هم اکنون) پس ازآمدنت نیز آزار می‌بینیم! (کی این آزارها به سر خواهد آمد؟)» گفت: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند،
فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدۡ أَخَذۡنَآ ءَالَ
و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، تا ببیند چگونه عمل می‌کنید.» (۱۲۹) و ما فرعونیان را
فِرۡعَوۡنَ بِٱلسِّنِينَ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾
به خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کردیم، شاید متذکّر گردند. (۱۳۰)

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ
هنگامی که نیکی (ونعمت) به آنها می‌رسید، می‌گفتند: «این بخاطر خودِ ماست.»
يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ
و اگر بدی (و بلا) به آنها می‌رسید، می‌گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست.» آگاه باشید همه اینها، از سوی خداست؛
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (١٣١) وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا
ولی بیشتر آنها نمی‌دانند. (۱۳۱) و گفتند: «هر زمان نشانه و معجزه‌ای برای ما بیاوری که با آن سحرمان کنی،
بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (١٣٢) فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ
ما به تو ایمان نمی‌آوریم.» (۱۳۲) سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم:) طوفان
وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا
و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه‌ها و خون را ـ که نشانه‌هایی از هم جدا بودند ـ بر آنها فرستادیم؛ ولی (باز بیدار نشدند، و) تکبّر ورزیدند،
وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (١٣٣) وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى
و جمعیّت گنهکاری بودند. (۱۳۳) هنگامی که بلا بر آنها مسلّط می‌شد، می‌گفتند: «ای موسی!
ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ ۖ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا
از پروردگارت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند. اگر این بلا را از ما مرتفع سازی،
الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (١٣٤)
به یقین به تو ایمان می‌آوریم، و بنی‌اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد.»
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ
(۱۳۴) امّا هنگامی که بلا را، پس از مهلت معیّنی که به آن می‌رسیدند، از آنها برمی‌داشتیم، پیمان خویش را
يَنكُثُونَ (١٣٥) فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا
می‌شکستند. (۱۳۵) سرانجام از آنها انتقام گرفتیم،و آنان را در دریا غرق کردیم؛ زیرا
بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (١٣٦) وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا
آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند. (۱۳۶) و مشرقها و مغربهای
يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۖ وَ
پر برکت زمین را به آن قوم که (زیر زنجیر ظلم و ستم) به ضعف کشانده شده بودند، واگذار کردیم؛
تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۖ وَدَمَّرْنَا
و وعدهٔ نیک پروردگارت بر بنی‌اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقّق یافت؛
مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (١٣٧)
و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای مجلّل) می‌ساختند، و آنچه از باغهای داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم! (۱۳۷)

وَجَٰوَزْنَا بِبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْبَحْرَ فَأَتَوْاْ عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰٓ

و بني‌اسرائيل را (سالم) از دريا عبور داديم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهي رسيدند كه اطراف بتهايشان،

أَصْنَامٍ لَّهُمْ ۚ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱجْعَل لَّنَآ إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ ۚ قَالَ

براي عبادت، گرد آمده بودند. (در اين هنگام، بني‌اسرائيل) به موسي گفتند: «تو هم براي ما معبودي قرار ده، همان گونه كه آنها معبودان (و خداياني) دارند.»

إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَبَٰطِلٌ مَّا كَانُواْ

گفت: «شما جمعيّتي جاهل و نادان هستيد. (۱۳۸) اينها (را كه مي‌بينيد)، سرانجام كارشان نابودي است؛ و آنچه انجام مي‌دهند،

يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾ قَالَ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ

باطل وبي اساس است.» (۱۳۹) (سپس) گفت: «آيا غير از خداوند، معبودي براي شما بطلبم؟! در حالي كه او شما را

عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَنجَيْنَٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ

بر جهانيان (هم عصرتان) برتري داد.» (۱۴۰) (به خاطر بياوريد) زماني را كه از (چنگال) فرعونيان نجاتتان بخشيديم.

يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ ۖ يُقَتِّلُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

در حالي كه پيوسته شما را به بدترين صورت شكنجه مي‌دادند، پسرانتان را مي‌كشتند، و زنانتان را

نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ ۞ وَ

(براي خدمت كاري) زنده مي‌گذاشتند؛ و دراين، آزمايش بزرگي براي شما از سوي پروردگارتان بود. (۱۴۱) و

وَٰعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ

ما با موسي، سي شب وعده ج گذاشتيم؛ سپس آن را با ده شب (ديگر) تكميل نموديم؛ به اين ترتيب، ميعاد پروردگارش (با او)،

أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَٰرُونَ ٱخْلُفْنِي فِي قَوْمِي

چهل شب تمام شد. و موسي به برادرش هارون گفته بود: «در ميان قومم جانشين من باش.

وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ

و (امور آنها را) اصلاح كن. و از روش مفسدان، پيروي منما.» (۱۴۲) و هنگامي كه موسي

لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرْ إِلَيْكَ ۚ قَالَ لَن تَرَىٰنِي

به ميعادگاه ما آمد،و پروردگارش با او سخن گفت، عرض كرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببينم.» گفت:

وَلَٰكِنِ ٱنظُرْ إِلَى ٱلْجَبَلِ فَإِنِ ٱسْتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوْفَ تَرَىٰنِي ۚ

«هرگز مرا نخواهي ديد. ولي به كوه بنگر، اگر (تاب بياورد كه) در جاي خود ثابت بماند، مرا خواهي ديد.»

فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا ۚ فَلَمَّآ

امّا هنگامي كه پروردگارش بر كوه تجلي نمود، آن را همسان خاك قرار داد؛ و موسي مدهوش به زمين افتاد.

أَفَاقَ قَالَ سُبْحَٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾

چون به هوش آمد، عرض كرد: «خداوندا، منزّهي تو (از اين‌كه با چشم تو را ببينم)! من به سوي تو بازگشتم. و من نخستين مؤمنانم.» (۱۴۳)

قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصۡطَفَيۡتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي وَبِكَلَٰمِي

(خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالتهای خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛

فَخُذۡ مَآ ءَاتَيۡتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبۡنَا لَهُۥ

پس آنچه را به تو دادهام بگیر؛ واز شکرگزاران باش.» (۱۴۴) و برای او در الواح (تورات)

فِي ٱلۡأَلۡوَاحِ مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡعِظَةٗ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ

اندرزی از هر موضوعی نوشتیم؛ و هر چیزی را (که مورد نیازشان بود) شرح دادیم. پس (به او گفتیم:)

فَخُذۡهَا بِقُوَّةٖ وَأۡمُرۡ قَوۡمَكَ يَأۡخُذُواْ بِأَحۡسَنِهَاۚ سَأُوْرِيكُمۡ دَارَ

آن را با جدیّت بگیر؛ و به قوم خود دستور بده: به نیکوترین آنها عمل کنند. (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است؛) و بزودی جایگاه فاسقان

ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَأَصۡرِفُ عَنۡ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ

رابه شما نشان خواهم داد.» (۱۴۵) بزودی کسانی را که در روی زمین به نا حق تکبّر میورزند،

بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَا وَإِن يَرَوۡاْ

از(ایمان به) آیات خود، منصرف میسازم. (زیرا آنها چنانند که) اگر هر آیه و نشانهای را ببینند،

سَبِيلَ ٱلرُّشۡدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗا وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ ٱلۡغَيِّ يَتَّخِذُوهُ

به آن ایمان نمیآورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمیکنند؛ واگر طریق گمراهی را ببینند،

سَبِيلٗاۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ عَنۡهَا غَٰفِلِينَ ﴿١٤٦﴾

آن را راه خود انتخاب میکنند. (همه) اینها بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند. (۱۴۶)

وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآءِ ٱلۡأٓخِرَةِ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡۚ

و کسانی که آیات ما، و دیدار آخرت را تکذیب (و انکار) کنند، اعمالشان نابود میگردد؛

هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَٱتَّخَذَ قَوۡمُ مُوسَىٰ

آیا جز آنچه را عمل میکردند پاداش داده می شوند؟! (۱۴۷) ج قوم موسی بعد از

مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِنۡ حُلِيِّهِمۡ عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٌۚ أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّهُۥ لَا

(رفتن) او (به میعادگاه الهی)، از زیورهای خود مجسمهٔ گوسالهای ساختند؛ که صدایی همچون صدای گوساله داشت. آیا آنهانمیدیدند

يُكَلِّمُهُمۡ وَلَا يَهۡدِيهِمۡ سَبِيلًاۘ ٱتَّخَذُوهُ وَكَانُواْ ظَٰلِمِينَ

کهبا آنان سخن نمیگوید،و بهراه(راست)هدایتشان نمیکند؟!آن را(خدای خود)انتخاب کردند، و ستمکار بودند.

﴿١٤٨﴾ وَلَمَّا سُقِطَ فِيٓ أَيۡدِيهِمۡ وَرَأَوۡاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ

(۱۴۸) و هنگامی که حقیقت در دسترسشان قرار گرفت، و دیدند گمراه شدهاند،گفتند:

يَرۡحَمۡنَا رَبُّنَا وَيَغۡفِرۡ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

«اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، بطور قطع از زیانکاران خواهیم بود.» (۱۴۹)

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا قَالَ بِئۡسَمَا خَلَفۡتُمُونِي

و هنگامي كه موسي خشمگين و اندوهناك به سوي قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشيناني برايم بوديد

مِنۢ بَعۡدِيٓۖ أَعَجِلۡتُمۡ أَمۡرَ رَبِّكُمۡۖ وَأَلۡقَى ٱلۡأَلۡوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأۡسِ أَخِيهِ

(و آيين الهي را ضايع كرديد). آيا در موردفرمان پروردگارتان (و تمديد مدّت ميعاد او)، عجله نموديد (و زود قضاوت كرديد)؟!» سپس الواح را افكند،

يَجُرُّهُۥٓ إِلَيۡهِۚ قَالَ ٱبۡنَ أُمَّ إِنَّ ٱلۡقَوۡمَ ٱسۡتَضۡعَفُونِي وَكَادُواْ يَقۡتُلُونَنِي

و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانيّت) به سوي خود كشيد؛ (برادرش) گفت: «فرزند مادرم! اين گروه، مرا در فشار گذاردند

فَلَا تُشۡمِتۡ بِيَ ٱلۡأَعۡدَآءَ وَلَا تَجۡعَلۡنِي مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٥٠

و ناتوان كردند؛ و نزديك بود مرا بكشند؛ پس كاري نكن كه دشمنان مرا سرزنش كنند. و مرا در زمرهٔ ستمكاران قرار مده.» (١۵٠)

قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِأَخِي وَأَدۡخِلۡنَا فِي رَحۡمَتِكَۖ وَأَنتَ أَرۡحَمُ

(موسي) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بيامرز، و ما را در رحمت خود وارد كن، و تو مهربانترين

ٱلرَّٰحِمِينَ ١٥١ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ سَيَنَالُهُمۡ غَضَبٞ مِّن

مهرباناني.» (١۵١) كساني كه گوساله را (به خدايي) برگزيدند، بزودي خشمي از جانب پروردگارشان،

رَّبِّهِمۡ وَذِلَّةٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُفۡتَرِينَ ١٥٢

و ذلّتي (بزرگ) در زندگي دنيا به آنها مي‌رسد؛ و اينچنين، كساني را كه (بر خدا) افترا مي‌بندند، كيفر مي‌دهيم! (١۵٢)

وَٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِهَا وَءَامَنُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ

و كساني كه گناه كردند، و بعد از آن توبه نمودندو ايمان آوردند، (مشمول عفو او مي‌شوند؛ زيرا) پروردگار تو،

بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٥٣ وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى ٱلۡغَضَبُ

در پي آن، آمرزنده و مهربان است. (١۵٣) هنگامي كه خشم موسي فرو نشست؛ الواح (تورات) را بر گرفت؛

أَخَذَ ٱلۡأَلۡوَاحَۖ وَفِي نُسۡخَتِهَا هُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلَّذِينَ هُمۡ لِرَبِّهِمۡ يَرۡهَبُونَ

و در نوشته‌هاي آن، هدايت و رحمتي بود براي كساني كه از پروردگار خويش مي‌ترسند (و از مخالفت فرمانش بيم دارند).

١٥٤ وَٱخۡتَارَ مُوسَىٰ قَوۡمَهُۥ سَبۡعِينَ رَجُلٗا لِّمِيقَٰتِنَاۖ فَلَمَّآ أَخَذَتۡهُمُ

(١۵۴) موسي از قوم خود، هفتاد تن از مردان را براي ميعادگاه ما برگزيد؛ و هنگامي كه زمين لرزه آنها را فرا گرفت

ٱلرَّجۡفَةُ قَالَ رَبِّ لَوۡ شِئۡتَ أَهۡلَكۡتَهُم مِّن قَبۡلُ وَإِيَّٰيَۖ أَتُهۡلِكُنَا

(و هلاك شدند)، گفت: «پروردگارا! اگر مي‌خواستي، آنها و مرا پيش از اين هلاك مي‌كردي. آيا ما را به آنچه بي خردان ما انجام داده‌اند، (مجازات و) هلاك

بِمَا فَعَلَ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَّآۖ إِنۡ هِيَ إِلَّا فِتۡنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَآءُ وَ

مي‌كني؟! اين، جز آزمايش تو، چيز ديگر نيست؛ هر كس را بخواهي (و سزاوار بيني)، بوسيلهٔ آن گمراه مي‌سازي؛ و هر كس را بخواهي،

تَهۡدِي مَن تَشَآءُۖ أَنتَ وَلِيُّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَاۖ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡغَٰفِرِينَ ١٥٥

هدايت مي‌كني، تو وليّ مايي، پس ما را بيامرز، و بر ما رحم كن، و تو بهترين آمرزندگاني. (١۵۵)

۞ وَٱكۡتُبۡ لَنَا فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِنَّا هُدۡنَآ

و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرّر فرما؛ چه این‌که ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم.»

إِلَيۡكَۚ قَالَ عَذَابِيٓ أُصِيبُ بِهِۦ مَنۡ أَشَآءُۖ وَرَحۡمَتِي

(خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت: «مجازاتم را به‌هر کس بخواهم (و سزاوار ببینم) می‌رسانم؛ و رحمتم

وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ

همه چیز را فرا گرفته؛ و آن را برای کسانی که تقوا پیشه کنند، و زکات بپردازند،

ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ (١٥٦) ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ

و کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرّر خواهم داشت. (۱۵۶) همان کسانی که از

ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي

فرستادهٔ (خدا)، پیامبر «اُمّی» (و درس نخوانده) پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در

ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ

تورات و انجیلی که به صورت مکتوب نزدشان است، می‌یابند؛ که آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد؛

وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ

اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکیها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین،

إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ

و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند،

وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ

و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، تنها

هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ (١٥٧) قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ

آنان رستگارانند.» (۱۵۷) بگو: «ای مردم! من فرستادهٔ خدا به سوی همهٔ شما هستم؛

جَمِيعًا ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ

آن کس که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند

وَيُمِيتُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ

و می‌میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که

بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ (١٥٨)

به خدا و سخنانش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنیدتا هدایت یابید.» (۱۵۸)

وَمِن قَوۡمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ (١٥٩)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند؛ و با آن، عدالت را اجرا می‌کنند. (۱۵۹)

وَقَطَّعْنَٰهُمُ ٱثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ۚ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ

ما آنها را به دوازده گروه ـ که هر یک طایفه‌ای (از دودمان اسرائیل) بودند ـ تقسیم کردیم.

إِذِ ٱسْتَسْقَىٰهُ قَوْمُهُۥٓ أَنِ ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ ۖ

و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند،به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ مخصوص بزن.»

فَٱنۢبَجَسَتْ مِنْهُ ٱثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ

ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست؛آنچنان که هر طایفه، چشمه و آبشخور خود را می‌شناخت.

مَّشْرَبَهُمْ ۚ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْغَمَٰمَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ ۖ

و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم؛ و بر آنها «منّ» [= نوعی صمغ شیرین گیاهان] و «سلوی» [= پرنده‌ای مانند بلدرچین] فرستادیم؛

كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ ۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن

(و به آنان گفتیم:) از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید؛ (و آنها کفران کردند؛ ولی با این کار) به ما ستم نکردند،

كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ ٱسْكُنُوا۟ هَٰذِهِ

بلکه به خودشان ستم می‌نمودند. (۱۶۰) و (یاد آورید) هنگامی را که به آنها گفته شد:

ٱلْقَرْيَةَ وَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ وَٱدْخُلُوا۟

«در این شهر [= بیت المقدس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیّت) بخواهید، از آن تغذیه کنید؛ و بگویید: خداوندا! گناهان ما را بریز،»

ٱلْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيٓـَٰٔتِكُمْ ۚ سَنَزِيدُ

و از در (بیت المقدس) با خضوع وارد شوید، که اگر چنین کنید، گناهان شما را می‌بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را افزون

ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ

خواهیم ساخت. (۱۶۱) امّا ستمکاران آنها، این سخن را، به غیر آنچه به آنها گفته شده بود،

ٱلَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ

(به صورتی استهزاآمیز) تغییر دادند؛ از این رو بخاطر ستمی که روا می‌داشتند، عذابی از آسمان

بِمَا كَانُوا۟ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾ وَسْـَٔلْهُمْ عَنِ ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِى

بر آنها فرستادیم (و مجازاتشان کردیم). (۱۶۲) و از آنها دربارهٔ (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود بپرس،

كَانَتْ حَاضِرَةَ ٱلْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِى ٱلسَّبْتِ إِذْ

زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی خدا) می‌کردند؛همان هنگام که ماهیانشان،

تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ ۙ

روزشنبه (که روز تعطیل و عبادت بود، بر سطح آب،) آشکار می‌شد؛ امّا در غیر روز شنبه،

لَا تَأْتِيهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

به سراغ آنها نمی‌آمد؛ این گونه آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند. (۱۶۳)

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ٱللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ

و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها گفتند: «چرا گروهی (گنهکار) را که خداوند هلاکشان خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت، اندرز

عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا۟ مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾

می‌دهید؟!» گفتند: «این اندرزها، برای اعتذار (و انجام وظیفه) در پیشگاه پروردگار شماست؛ (بعلاوه) شاید آنها (بپذیرند، و) تقوا پیشه کنند.» (۱۶۴)

فَلَمَّا نَسُوا۟ مَا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦٓ أَنجَيْنَا ٱلَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ وَأَخَذْنَا

امّا هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (و لحظهٔ عذاب فرا رسید؛) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم؛

ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ بِعَذَابٍۭ بَـِٔيسٍۭ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾ فَلَمَّا عَتَوْا۟

و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. (۱۶۵) (آری،) هنگامی که در برابر

عَن مَّا نُهُوا۟ عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا۟ قِرَدَةً خَـٰسِـِٔينَ ﴿١٦٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ

آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند، به آنها گفتیم: «به شکل میمون‌هایی طرد شده در آیید!» (۱۶۶) و (نیز به خاطر بیاور)

رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ ۗ

هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا روز قیامت، کسی را بر آنها مسلّط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛

إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ ٱلْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾ وَقَطَّعْنَـٰهُمْ

زیرا پروردگارت مجازاتش سریع،و (در عین حال، نسبت به توبه‌کنندگان) آمرزنده و مهربان است. (۱۶۷) و آنها را در

فِى ٱلْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِّنْهُمُ ٱلصَّـٰلِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ ۖ

زمین بصورت گروههایی، پراکنده ساختیم؛ گروهی از آنها صالح، و گروهی ناصالحند.

وَبَلَوْنَـٰهُم بِٱلْحَسَنَـٰتِ وَٱلسَّيِّـَٔاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾ فَخَلَفَ مِنۢ

و آنها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازگردند. (۱۶۸) پس ازآنها، فرزندانی

بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا۟ ٱلْكِتَـٰبَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَـٰذَا ٱلْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ

(نا صالح) جای آنها را گرفتند که وارث کتاب (تورات) شدند؛ (امّا با این حال،) متاع زودگذر این دنیای پست را گرفته، (براطاعت فرمان خدا ترجیح می‌دهند) و

سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُۥ يَأْخُذُوهُ ۚ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَـٰقُ

می‌گویند: «(اگر ما گنهکاریم توبه می‌کنیم) و بزودی بخشیده خواهیم شد.» امّا اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیفتد، آن را (نیز) می‌گیرند، آیا در کتاب

ٱلْكِتَـٰبِ أَن لَّا يَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ وَدَرَسُوا۟ مَا فِيهِ ۗ وَٱلدَّارُ

آسمانی از آنها پیمان گرفته نشده که بر خدا (دروغ نبندند، و) جز حق نگویند، و آنها آنچه را در آن (کتاب آسمانی) است آموخته‌اند؟!

ٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾ وَٱلَّذِينَ

و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟! (۱۶۹) و آنها که

يُمَسِّكُونَ بِٱلْكِتَـٰبِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٠﴾

به کتاب (خدا) تمسّک جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد. (۱۷۰)

الحزب ۱۸

۞ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند برآنان فرود می‌آید؛

مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۷۱﴾ وَإِذْ أَخَذَ

(و گفتیم:) آنچه را به شما داده‌ایم، با قوت و جدّیت بگیرید! و آنچه در آن است،به یاد داشته باشید،(و عمل کنید،)تا پرهیزگار شوید. (۱۷۱) و(به خاطر

رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ

بیاور) زمانی را که پروردگارت از صلب فرزندان آدم، ذریّه آنها را برگرفت؛ و آنها را بر خودشان گواه ساخت؛

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا

(و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم.» (خداوند چنین فرمود، مبادا) روز رستاخیز بگویید:

عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ ﴿۱۷۲﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا

«ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری بی‌خبر ماندیم).» (۱۷۲) یا بگویید: «پدرانمان پیش از این مشرک بودند، ما هم فرزندانی بعد از آنها بودیم؛

ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿۱۷۳﴾ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ

(و چاره‌ای جز پیروی نداشتیم؛) آیا ما را به آنچه اهل باطل انجام دادند مجازات می‌کنی؟!» (۱۷۳) این گونه، آیات را شرح می‌دهیم؛

الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۱۷۴﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ

و شاید (به سوی حق) بازگردند. (۱۷۴) و سرگذشت کسی که آیات خود را به او دادیم،

آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

بر آنها بخوان که سرانجام خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد،و از گمراهان شد!

﴿۱۷۵﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ

(۱۷۵) و اگر می‌خواستیم،(مقام)او را با این آیات(و علوم الهی)بالا می‌بردیم؛ ولی (اجبار،برخلاف سنّت ماست؛پس او را به حال خود رها کردیم و) او به پستی

هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ

گرایید، و از هوای نفس خود پیروی کرد. مَثَل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، زبانش را بیرون می‌آورد،

تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

و اگر او را به حال خود واگذاری، باز زبانش را بیرون می‌آورد؛ (گویی چنان تشنه دنیا است که هرگز سیراب نمی‌شود.) این مَثَل گروهی است که آیات ما را

فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۷۶﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ

تکذیب کردند؛ این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند). (۱۷۶) چه بد است مَثَل گروهی که

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿۱۷۷﴾ مَنْ يَهْدِ

آیات ما را تکذیب کردند، و تنها به خودشان ستم می‌نمودند! (۱۷۷) هر کس را که

اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۱۷۸﴾

خدا هدایت کند، هدایت یافتهٔ (واقعی) اوست؛ و هر کس را که (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، همان‌ها زیانکارانند. (۱۷۸)

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ ۖ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا

یقین، گروه بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دلها [= عقلها] یی دارند که با آن

يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَآ ۚ

(اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند؛ و چشمانی که‌با آن نمی‌بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی‌شنوند؛

أُو۟لَٰٓئِكَ كَٱلْأَنْعَٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ

آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چون امکان هدایت دارند و بهره نمی‌گیرد). (۱۷۹)

ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ فَٱدْعُوهُ بِهَا ۖ وَذَرُوا۟ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ أَسْمَٰٓئِهِۦ ۚ

و بهترین نام‌ها برای خدا است؛ خدا را به آن (نامها) بخوانید. و کسانی که نام‌های او را تحریف می‌کنند (و بر غیر او می‌نهند)، رها سازید.

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِٱلْحَقِّ

آنها بزودی جزای اعمالی را که انجام می‌دادند، می‌بینند. (۱۸۰) و از آنها که آفریدیم، گروهی به سوی حق هدایت می‌کنند،

وَبِهِۦ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ

و با آن اجرای عدالت می‌نمایند. (۱۸۱) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، ما آنان را از جایی که نمی‌دانند، به تدریج به سوی عذاب پیش می‌بریم.

حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمْلِى لَهُمْ ۚ إِنَّ كَيْدِى مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أَوَلَمْ

(۱۸۲) و به آنها مهلت می‌دهم (تا مجازاتشان دردناکتر باشد)؛ زیرا تدبیر من، قوی و متین است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست.) (۱۸۳) آیا فکر نکردند

يَتَفَكَّرُوا۟ ۗ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾ أَوَلَمْ

که همنشین آنها [= پیامبر] هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می‌دهند؟!) او فقط بیم دهنده‌ای روشنگر است. (۱۸۴) آیا

يَنظُرُوا۟ فِى مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ وَأَنْ

در ملکوت آسمانها و زمین (و حاکمیت مطلق خداوند بر آنها)، و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه

عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ ۖ فَبِأَىِّ حَدِيثٍۭ بَعْدَهُۥ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾

نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده باشد؟! (اگر به‌این کتاب آسمانی روشن ایمان‌نیاورند،) بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهندآورد؟! (۱۸۵)

مَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِىَ لَهُۥ ۚ وَيَذَرُهُمْ فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾ يَسْـَٔلُونَكَ

هرکس راخداوند(به جرم اعمال‌زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد؛ و آنها را در طغیان و سرکشی شان رها می‌سازد، و سرگردان می‌شوند. (۱۸۶) از تو

عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّى ۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَآ إِلَّا

دربارهٔ زمان رستاخیز سؤال می‌کنند، کی فرا می‌رسد؟ بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و جز او (نمی‌تواند) وقت آن را آشکار سازد؛

هُوَ ۚ ثَقُلَتْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً ۗ يَسْـَٔلُونَكَ كَأَنَّكَ

(و آن، حتّی) در آسمانها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیّت)است؛ و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی‌آید.» (باز) از تو سؤال می‌کنند،

حَفِىٌّ عَنْهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری. بگو: «علمش تنها نزد خداست؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (۱۸۷)

قُلْ لَآ أَمْلِكُ لِنَفْسِى نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ وَلَوْ كُنتُ

بگو: «من مالک هیچ سود و زیانی برای خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد؛ (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم،

أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ لَٱسْتَكْثَرْتُ مِنَ ٱلْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِىَ ٱلسُّوٓءُ إِنْ

مگر آنچه خداوند اراده کند؛) و اگر از غیب باخبر بودم،سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم، و هیچ بدی(و زیانی)به من نمی‌رسید؛

أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾ هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن

من فقط بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ام برای گروهی که ایمان می‌آورند.(و آمادهٔ پذیرش حقند).» (۱۸۸) اوست کسی که (همهٔ) شما را از یک فرد آفرید؛ و

نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ۖ فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا

همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد،

حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِۦ ۖ فَلَمَّآ أَثْقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ

حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خدایی که پروردگارشان است خواستند:

ءَاتَيْتَنَا صَٰلِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٨٩﴾ فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحًا

«اگر فرزند صالحی به ما دهی، به یقین از شاکران خواهیم بود.» (۱۸۹) امّا هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنها [= پدران و مادران از نسل آدم] داد،

جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ فِيمَآ ءَاتَىٰهُمَا ۚ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾

(موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند؛ و) برای خدا، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، همتایانی قائل شدند؛خداوند برتر است از آنچه همتای او

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ

قرار می‌دهند. (۱۹۰) آیا موجوداتی را همتای او قرار می‌دهند که چیزی را نمی‌آفرینند، و خودشان آفریده شده‌اند. (۱۹۱) و (آن بت‌ها) نمی‌توانند

نَصْرًا وَلَآ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ لَا

آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می‌دهند. (۱۹۲) و اگر آنها را به سوی هدایت دعوت کنید،

يَتَّبِعُوكُمْ ۚ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَٰمِتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ

از شما پیروی نمی‌کنند؛ و برای شما یکسان است چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید؟! (۱۹۳) کسانی را

ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ ۖ فَٱدْعُوهُمْ

که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)،بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید

فَلْيَسْتَجِيبُوا۟ لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ

به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)! (۱۹۴) آیا (آنها حداقل همانند خود شما) پاهایی دارند که با آن راه بروند؟! یا دستهایی دارند که با آن چیزی را

بِهَآ ۖ أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَآ ۖ أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَآ ۖ أَمْ لَهُمْ

بگیرند(و کاری انجام دهند)؟! یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟!(نه، هرگز، چنین نیست) بگو: «شریکانتان را (و بت هایی

ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ قُلِ ٱدْعُوا۟ شُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾

که همتای خدا قرار داده‌اید، بر ضد من) بخوانید، و برای من توطئه کنید، و لحظه‌ای مهلتم ندهید (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست)! (۱۹۵)

إِنَّ وَلِـِّۧيَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٩٦﴾

ولیّ و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده؛ و او صالحان را سرپرستی می‌کند. (۱۹۶)

وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَكُمۡ وَلَآ

و کسانی را که جز او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه (حتی)

أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَسۡمَعُواْۖ وَتَرَىٰهُمۡ

خودشان را یاری دهند؛ (۱۹۷) و اگر آنها را به هدایت فراخوانید، نمی‌شنوند؛ و آنها را می‌بینی (که با چشمهای مصنوعیشان)

يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ وَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ خُذِ ٱلۡعَفۡوَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ

به تو نگاه می‌کنند، امّا چیزی را نمی‌بینند! (۱۹۸) (به هر حال) با عفو و مدارا رفتار کن،

وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ

و به کارهای شایسته دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن). (۱۹۹) و اگر وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد،

فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ إِذَا

به خدا پناه بر؛ که او شنونده و داناست. (۲۰۰) پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند،

مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ ﴿٢٠١﴾

به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) در این هنگام بینا می‌شوند. (۲۰۱)

وَإِخۡوَٰنُهُمۡ يَمُدُّونَهُمۡ فِي ٱلۡغَيِّ ثُمَّ لَا يُقۡصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذَا لَمۡ تَأۡتِهِم

و (مشرکان را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می‌برند، و (در این راه) کوتاهی نمی‌کنند. (۲۰۲) هنگامی که (در نزول وحی تاخیر افتد، و)

بِـَٔايَةٖ قَالُواْ لَوۡلَا ٱجۡتَبَيۡتَهَاۚ قُلۡ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ مِن رَّبِّيۚ هَٰذَا

آیه‌ای برای آنان نیاوری، می‌گویند: «چرا از پیش خود، آیه‌ای انتخاب نکردی؟!» بگو: «من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که از سوی پروردگارم بر من وحی

بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا

می‌شود؛ این (آیات) وسیله‌های بصیرت از جانب پروردگارتان، و مایهٔ هدایت و رحمت است برای گروهی که ایمان می‌آورند.» (۲۰۳) هنگامی که

قُرِئَ ٱلۡقُرۡءَانُ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾

قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت (خدا) شوید. (۲۰۴)

وَٱذۡكُر رَّبَّكَ فِي نَفۡسِكَ تَضَرُّعٗا وَخِيفَةٗ وَدُونَ ٱلۡجَهۡرِ مِنَ

پروردگارت را در درون خود، از روی تضرّع و خوف، آهسته و آرام،

ٱلۡقَوۡلِ بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡغَٰفِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ عِندَ

صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن؛ و از غافلان مباش. (۲۰۵) آنها که (در مقام قرب) نزد

رَبِّكَ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسۡجُدُونَ۩ ﴿٢٠٦﴾

پروردگار تو هستند، (هیچ گاه) از عبادتش تکبر نمی‌ورزند، و او را تسبیح می‌گویند، و تنها برای او سجده می‌کنند. (۲۰۶)

سجدة

۸ – سوره الأنفال

سُورَةُ الأَنفَالِ — آياتها ۷۵ — ترتيبها ۸

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَنفَالِ ۖ قُلِ ٱلْأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ ۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ

از تو دربارهٔ انفال [= غنایم، و اموال بدون مالک] سوال می‌کنند؛ بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است؛ پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ و

وَأَصْلِحُوا۟ ذَاتَ بَيْنِكُمْ ۖ وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

خصومتهایی را که در میان شماست، اصلاح کنید؛ و اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید!»

(۱) إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ

(۱) مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان می‌گردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود،

عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲) ٱلَّذِينَ

ایمانشان فزونتر می‌گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکّل دارند. (۲) همان کسانی که

يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (۳) أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ

نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (۳) (آری،) مؤمنان حقیقی آنها هستند؛

ٱلْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۚ لَّهُمْ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

برای آنان درجاتی (والا) نزد پروردگارشان است؛ و برای آنها، آمرزش و روزی پرارزش است.

(۴) كَمَآ أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيْتِكَ بِٱلْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ

(۴) همان گونه که پروردگارت تو را بحق از خانه‌ات (به سوی میدان بدر،) خارج ساخت، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند

لَكَٰرِهُونَ (۵) يُجَٰدِلُونَكَ فِى ٱلْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ

(ولی سرانجامش پیروزی بود). (۵) آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند؛ (و چنان ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود، که) گویی به

إِلَى ٱلْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ (۶) وَإِذْ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحْدَى ٱلطَّآئِفَتَيْنِ

سوی مرگ رانده می‌شوند، و آن را با چشم خود می‌نگرند. (۶) و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری،

أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ تَكُونُ

یا لشکر مسلح قریش] نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد؛

لَكُمْ وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَيَقْطَعَ دَابِرَ ٱلْكَٰفِرِينَ

ولی خداوند می‌خواهد حق را با دستورات خود تقویت، و ریشهٔ کافران را قطع کند؛ (از این رو شما را برخلاف میلتان، با لشکر قریش درگیر ساخت.)

(۷) لِيُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَيُبْطِلَ ٱلْبَٰطِلَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ (۸)

(۷) تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هرچند مجرمان کراهت داشته باشند. (۸)

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ

(به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدّت ناراحتی در میدان بدر،) از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواستهٔ شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با هزار

مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ

فرشته، که پیاپی فرود می‌آیند، یاری می‌کنم. (۹) ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان

بِهِ قُلُوبُكُمْ ۚ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

قلب شما قرار داد؛ و پیروزی جز از طرف خدا نیست؛ زیرا خداوند توانا و حکیم است.

﴿١٠﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ

(۱۰) و (یادآورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایهٔ آرامش بود از سوی خدا، شما را فرا گرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد،

مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ

تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما بر طرف سازد؛ و دلهایتان را محکم،

قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ

و گامها را با آن استوار دارد. (۱۱) و (به یاد آر) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد:

أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا ۚ سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا

«من با شما هستم؛ کسانی را که ایمان آورده‌اند، تقویت کنید. بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می‌افکنم؛

الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ

ضربه ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرودآرید؛ و همهٔ انگشتانشان را قطع کنید!»

﴿١٢﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

(۱۲) این بخاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش دشمنی ورزیدند؛ و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند،

فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ

(کیفر شدیدی می‌بیند؛ و) خداوند سخت کیفر است. (۱۳) این (مجازات دنیا) را بچشید! و برای کافران،

لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ

مجازات آتش (در جهان دیگر) خواهد بود. (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با

الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ ﴿١٥﴾ وَمَن يُوَلِّهِمْ

کافران در میدان نبرد رو به رو شوید،به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید). (۱۵) و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند

يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ

به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم است، و چه بد جایگاهی است! مگر آنکه هدفش از کناره‌گیری،

بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

تجدید نیرو برای حملهٔ (مجدد) و یا پیوستن به گروهی (از مجاهدان) باشد.(۱۶)

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمْ ۚ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ

این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت. و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) افکندی؛

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ ۚ وَلِيُبْلِيَ ٱلْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءً حَسَنًا ۚ إِنَّ

بلکه خدا افکند. و (خدا می‌خواست) تا مؤمنان را از این طریق به خوبی امتحان کند؛

ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ ٱلْكَٰفِرِينَ

خداوند شنوا و داناست. (۱۷) (سرنوشت مؤمنان و کافران،) همان بود (که دیدید!) وخداوند سست‌کننده توطئهٔ کافران است.

﴿١٨﴾ إِن تَسْتَفْتِحُوا۟ فَقَدْ جَآءَكُمُ ٱلْفَتْحُ ۖ وَإِن تَنتَهُوا۟ فَهُوَ

(۱۸) اگر شما فتح و پیروزی می‌خواهید، پیروزی صلى به سراغ شما آمد. و اگر (از مخالفت پیامبر) خودداری کنید، برای شما بهتر است.

خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَإِن تَعُودُوا۟ نَعُدْ وَلَن تُغْنِىَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا وَلَوْ

و اگر (به مخالفت) باز گردید، ما هم باز خواهیم گشت؛ و جمعیّت شما هر چند زیاد باشد،

كَثُرَتْ ۚ وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟

شما را (از یاری خدا) بی‌نیاز نخواهد کرد؛ و خداوند با مؤمنان است. (۱۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوْا۟ عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا۟

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ و از فرمان او سرپیچی ننماییددر حالی که (سخنان او را) می‌شنوید. (۲۰) و همانند کسانی نباشید

كَٱلَّذِينَ قَالُوا۟ سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ ۞ إِنَّ شَرَّ

که می‌گفتند: «شنیدیم» ولی در حقیقت نمی‌شنیدند. (۲۱) به یقین بدترین

ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ ٱلْبُكْمُ ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ

جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لال (و کور دلی) هستند که اندیشه نمی‌کنند. (۲۲) و اگر

ٱللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ ۖ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا۟ وَّهُم مُّعْرِضُونَ

خداوند خیری در آنها می‌دانست، (حرف حق را) به گوش آنها می‌رساند؛ ولی (با این حال که دارند،) اگر حق را به گوش آنها برساند، سرپیچی کرده و

﴿٢٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱسْتَجِيبُوا۟ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ

رویگردان می‌شوند. (۲۳) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند

لِمَا يُحْيِيكُمْ ۖ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَقَلْبِهِۦ

که شما را حیات می‌بخشد؛ و بدانید خداوند (به اندازه‌ای به شما نزدیک است که) میان انسان و قلب او حایل می‌شود،

وَأَنَّهُۥٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَٱتَّقُوا۟ فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ

و (همهٔ شما) به سوی او محشور صلى می‌شوید. (۲۴) و از فتنه و مجازاتی بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛

ظَلَمُوا۟ مِنكُمْ خَآصَّةً ۖ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٢٥﴾

(بلکه همه را فرا می‌گیرد؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند سخت کیفر است! (۲۵)

وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِى ٱلْأَرْضِ تَخَافُونَ
و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و زبون بودید؛
أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ فَـَٔاوَىٰكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِۦ وَرَزَقَكُم مِّنَ
آنچنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند؛ ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای
ٱلطَّيِّبَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ
پاکیزه بهره‌مند ساخت؛ تا شکر (نعمت هایش را) به جا آورید. (۲۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید؛
ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾ وَٱعْلَمُوٓاْ
و (نیز) در امانتهای خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه بزرگی است). (۲۷) و بدانید اموال
أَنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾
و فرزندان شما، وسیلهٔ آزمایش است؛ و (برای کسانی که از عهدهٔ امتحان برآیند،) پاداش عظیمی نزد خداست.
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا
(۲۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما (نورانیت درون و) وسیلهٔ تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد؛
وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾
و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است.
وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ ۚ
(۲۹) (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران برای تو نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکه) بیرون کنند؛
وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ ٱللَّهُ ۖ وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ
آنها توطئه می‌کردند، و خداوند هم تدبیر می‌کرد؛ و خدا بهترین تدبیرکنندگان است. (۳۰) و هنگامی که
عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا قَالُواْ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَآءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَآ ۙ
آیات ما بر آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: «شنیدیم؛ (چیز مهمّی نیست؛) اگر بخواهیم مثل آن را می‌گوییم؛
إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قَالُواْ ٱللَّهُمَّ إِن
اینها همان افسانه‌های پیشینیان است!» (۳۱) و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند:
كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً
«خداوندا! اگر این حقیقتی از سوی توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرو ریز؛
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ
یا عذاب دردناکی برای ما بفرست!» (۳۲) ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی،
لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ ۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾
خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا (گروهی از آنها) استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند. (۳۳)

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ ٱللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ

چرا خدا آنها را مجازات نکند، با این‌که آنان از (عبادت موحّدان در کنار) مسجدالحرام جلوگیری می‌کنند

وَمَا كَانُوٓا۟ أَوْلِيَآءَهُۥٓ ۚ إِنْ أَوْلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ

در حالی که سرپرست (و متولی) آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزگارانند؛

أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِندَ

ولی بیشتر آنها نمی‌دانند. (۳۴) (آنها که مدّعی بودند ما هم نماز داریم،) نمازشان نزد

ٱلْبَيْتِ إِلَّا مُكَآءً وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ

خانهٔ کعبه، چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را به سبب آنچه

تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ لِيَصُدُّوا۟

انکار می‌کردید! (۳۵) کسانی که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می‌کنند؛

عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ

آنان این اموال را (در این راه) صرف می‌کنند، امّا مایهٔ حسرت و اندوهشان خواهد شد؛ سپس شکست خواهند خورد؛

يُغْلَبُونَ ۗ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ

و (در جهان دیگر) کافران به سوی‌دوزخ گردآوری خواهند شد. (۳۶) (اینها همه)

ٱللَّهُ ٱلْخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ ٱلْخَبِيثَ بَعْضَهُۥ عَلَىٰ بَعْضٍ

بخاطر آن است که خداوند (می‌خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی یکدیگر بگذارد،

فَيَرْكُمَهُۥ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُۥ فِى جَهَنَّمَ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ

و همه را متراکم سازد، و (یکجا) در دوزخ قرار دهد؛ و اینها همان زیانکارانند.

﴿٣٧﴾ قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِن يَنتَهُوا۟ يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ

(۳۷) به کسانی که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند،) گذشتهٔ آنها بخشوده خواهد شد؛

سَلَفَ وَإِن يَعُودُوا۟ فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ وَ

و اگر (به اعمال سابق) بازگردند، سنّت (خداوند در مورد) گذشتگان، (دربارهٔ آنها) جاری می‌شود.» (و مجازات شدیدی خواهند شد). (۳۸)

قَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ

و با آنها پیکار کنید، تا فتنه (و بت پرستی و سلب آزادی) برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا گردد.

لِلَّهِ ۚ فَإِنِ ٱنتَهَوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾ وَإِن

و اگر آنها (از اعمال نادرست خود) دست بردارند، (خداوند آنها را می‌پذیرد؛) خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (۳۹) و اگر

تَوَلَّوْا۟ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَىٰكُمْ ۚ نِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ ﴿٤٠﴾

سرپیچی کنند، بدانید (ضرری به شما نمی‌رسانند؛) خداوند سرپرست شماست. چه سرپرست خوبی، و چه یاور نیکویی! (۴۰)

۞ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ
بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر،
وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ إِن كُنتُمۡ
و برای خویشاوندان (او) و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر (از آنها) است،
ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى
اگر به خدا و آنچه بر بندهٔ خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان در جنگ بدر) نازل کردیم،
ٱلۡجَمۡعَانِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذۡ أَنتُم بِٱلۡعُدۡوَةِ
ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۴۱) در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید،
ٱلدُّنۡيَا وَهُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلۡقُصۡوَىٰ وَٱلرَّكۡبُ أَسۡفَلَ مِنكُمۡۚ وَلَوۡ
و آنها در طرف بالا؛ (و دشمن بر شما برتری داشت؛) و کاروان (قریش)، پایین‌تر از شما بود؛
تَوَاعَدتُّمۡ لَٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡمِيعَٰدِ وَلَٰكِن لِّيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا
(و وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می‌گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید)،
كَانَ مَفۡعُولٗا لِّيَهۡلِكَ مَنۡ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٖ وَيَحۡيَىٰ مَنۡ حَيَّ
از انجام وعدهٔ خود تخلّف می‌کردید؛ ولی (همهٔ اینها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقّق بخشد؛ تا آنها که گمراه می‌شوند،
عَنۢ بَيِّنَةٖۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذۡ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِي
از روی اتمام حجّت باشد؛ و آنها که هدایت می‌یابند، از روی دلیل روشن باشد؛ و به یقین خداوند شنوا و داناست. (۴۲) در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را
مَنَامِكَ قَلِيلٗاۖ وَلَوۡ أَرَىٰكَهُمۡ كَثِيرٗا لَّفَشِلۡتُمۡ وَلَتَنَٰزَعۡتُمۡ
درخواب به تو کم نشان داد؛ و اگر آنان را فراوان نشان می‌داد، به یقین سست می‌شدید؛ و (دربارهٔ شروع جنگ با آنها)
فِي ٱلۡأَمۡرِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ
کارتان به اختلاف می‌کشید؛ ولی خداوند (شما را از شرّ اینها) سالم نگه داشت؛ خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، داناست.
﴿٤٣﴾ وَإِذۡ يُرِيكُمُوهُمۡ إِذِ ٱلۡتَقَيۡتُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِكُمۡ قَلِيلٗا
(۴۳) ودر آن هنگام که (در میدان نبرد)،با هم رو به رو شدید، آنها را در نظر شما کم نشان می‌داد؛
وَيُقَلِّلُكُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِهِمۡ لِيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗاۗ
و شما را (نیز) در نظر آنها کم می‌نمود؛ تا خداوند، کاری را که می‌بایست انجام گیرد، تحقق بخشد؛ (تا جنگ آغاز گردد و منتهی به شکست آنها شود شکست
وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ﴿٤٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمۡ
بخورند) و همهٔ امور به سوی خدا باز می‌گردد. (۴۴) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید، هنگامی که (در میدان نبرد)
فِئَةٗ فَٱثۡبُتُواْ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿٤٥﴾
با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید؛ و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید. (۴۵)

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ
و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید؛ و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان می‌رود!
وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ
و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است. (۴۶) و مانند کسانی نباشید که از روی سرمستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود
خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرٗا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ
(به سوی میدان بدر) بیرون آمدند؛ و (مردم را) از راه خدا باز می‌داشتند؛ (و سرانجام شکست خوردند)
ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ﴿٤٧﴾ وَإِذۡ زَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ
و خداوند به آنچه عمل می‌کنند، احاطه (و آگاهی) دارد. (۴۷) و (به یادآور) هنگامی را که شیطان،
أَعۡمَٰلَهُمۡ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَإِنِّي
اعمال آنها [= مشرکان] را در نظرشان جلوه داد، و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد؛
جَارٞ لَّكُمۡۖ فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلۡفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ وَقَالَ إِنِّي
و من، در کنار شما (و پناه‌دهنده شما) هستم» امّا هنگامی که دو گروه (کافران، ومؤمنان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت:
بَرِيٓءٞ مِّنكُمۡ إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا تَرَوۡنَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَۚ وَٱللَّهُ شَدِيدُ
«من از شما (پیروانم) بیزارم من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید؛ من از خدا می‌ترسم، خداوند سخت کیفر است!»
ٱلۡعِقَابِ ﴿٤٨﴾ إِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم
(۴۸) و هنگامی را که منافقان، و بیمار دلان می‌گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است.»
مَّرَضٌ غَرَّ هَٰٓؤُلَآءِ دِينُهُمۡۗ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ
(آنها نمی‌دانستند که) هر کس بر خدا توکّل کند، (پیروز می‌گردد؛) خداوند توانا و
حَكِيمٞ ﴿٤٩﴾ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
حکیم است. (۴۹) و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می‌گیرند،
يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ
در حالی که بر صورت و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند:) بچشید عذاب سوزنده را (، به حال آنان تاسف خواهی خورد)!
﴿٥٠﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ
(۵۰) (و به آنان گفته می‌شود:) این، در مقابل کارهایی است که با دست خود از پیش فرستاده‌اید؛ و خداوند نسبت به بندگان،
لِّلۡعَبِيدِ ﴿٥١﴾ كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ
هرگز ستم روا نمی‌دارد! (۵۱) (حال این گروه مشرکان،) همانند حال فرعونیان، و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آنها آیات خدا را انکار کردند؛
ٱللَّهِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٥٢﴾
خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد؛ خداوند توانا، و سخت کیفر است! (۵۲)

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمۡ يَكُ مُغَيِّرٗا نِّعۡمَةً أَنۡعَمَهَا عَلَىٰ قَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ

این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛

مَا بِأَنفُسِهِمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٥٣﴾ كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ

مگر آن که آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند،شنوا و داناست. (۵۳) این، (درست) شبیه حال فرعونیان

وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَ

و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ما هم بخاطر گناهانشان، آنها را هلاک کردیم،

أَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ وَكُلّٞ كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ

و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همگی ستمکار بودند. (۵۴) به یقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند

عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٥﴾ ٱلَّذِينَ عَٰهَدتَّ

که کافر شدند و (به هیچ وجه) ایمان نمی‌آورند. (۵۵) همان کسانی که از آنها پیمان گرفتی؛

مِنۡهُمۡ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهۡدَهُمۡ فِي كُلِّ مَرَّةٖ وَهُمۡ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾

سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند؛ و (از پیمان شکنی و خیانت،) پرهیز ندارند. (۵۶)

فَإِمَّا تَثۡقَفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡحَرۡبِ فَشَرِّدۡ بِهِم مَّنۡ خَلۡفَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ

اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی، آنچنان به آنها حمله کن که گروهی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند؛ شاید متذکّر گردند (و عبرت گیرند)!

﴿٥٧﴾ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوۡمٍ خِيَانَةٗ فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍۚ إِنَّ

(۵۷) و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی،) از خیانت گروهی بیم داشته باشی بطور عادلانه پیمان با آنها را لغو کن؛

ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ﴿٥٨﴾ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُوٓاْۚ إِنَّهُمۡ

زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد. (۵۸) کسانی که کافر شدند گمان نکنند (با این اعمال،) پیش برده‌اند، آنها هرگز نمی‌توانند از قلمرو

لَا يُعۡجِزُونَ ﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن

و کیفر ما بیرون روند! (۵۹) برای مقابله با آنها [= دشمنان]، هر چه در توان دارید از نیرو و

رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ وَءَاخَرِينَ

از اسبهای ورزیده آماده سازید، تا به وسیلهٔ آن، دشمن خدا و دشمن (شناخته شدهٔ) خویش را بترسانید!

مِن دُونِهِمۡ لَا تَعۡلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعۡلَمُهُمۡۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ

و دشمنان دیگری غیر از اینها، که شما آنها را (به علت نفاقشان) نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد.

فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ﴿٦٠﴾ ۞ وَإِن

و هر چه در راه خدا (و تقویت اسلام) انفاق کنید، بی کم و کاست به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد. (۶۰) و اگر

جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ فَٱجۡنَحۡ لَهَا وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٦١﴾

تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکّل کن، که او شنوا و داناست. (۶۱)

وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخۡدَعُوكَ فَإِنَّ حَسۡبَكَ ٱللَّهُۚ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَيَّدَكَ

و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای (حمایت) تو کافی است؛ او همان کسی است که تو را،

بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٦٢﴾ وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ مَا فِي

با یاری خود و مؤمنان، تأیید کرد؛ (۶۲) و دلهای آنها را با هم، پیوند داد. اگر تمام آنچه را روی

ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ

زمین است صرف می‌کردی که میان دلهای آنان پیوند دهی، نمی‌توانستی؛ ولی خداوند در میان آنها

بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٦٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَسۡبُكَ ٱللَّهُ وَمَنِ

پیوند ایجاد کرد. زیرا او توانا و حکیم است. (۶۳) ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند،

ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٦٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ

برای (حمایت) تو کافی است (؛ فقط بر آنها تکیه کن). (۶۴) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمنان خطرناک) برانگیز.

عَلَى ٱلۡقِتَالِۚ إِن يَكُن مِّنكُمۡ عِشۡرُونَ صَٰبِرُونَ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن

هرگاه از شما بیست نفر با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛

يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمۡ

و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها

قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ﴿٦٥﴾ ٱلۡـَٰٔنَ خَفَّفَ ٱللَّهُ عَنكُمۡ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمۡ

گروهی هستند که نمی‌فهمند. (۶۵) هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست‌که

ضَعۡفٗاۚ فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ صَابِرَةٞ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن

در شما نوعی ضعف است؛ بنابراین، هرگاه از شما یکصد نفر با استقامت باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛

مِّنكُمۡ أَلۡفٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفَيۡنِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٦٦﴾

و اگر یکهزار نفر باشند، به خواست خدا بر دو هزار نفر غلبه خواهند کرد؛ و خدا با صابران است. (۶۶)

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسۡرَىٰ حَتَّىٰ يُثۡخِنَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ تُرِيدُونَ

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (ازدشمن) بگیرد تا زمانی که کاملاً بر آنها غلبه کند. شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید؛

عَرَضَ ٱلدُّنۡيَا وَٱللَّهُ يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٦٧﴾ لَّوۡلَا

(و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، تا با گرفتن فدیه آزاد کنید؛) ولی خداوند، سرای دیگر را (برای‌شما) می‌خواهد؛ و خداوند توانا و حکیم است. (۶۷) اگر آنچه

كِتَٰبٞ مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمۡ فِيمَآ أَخَذۡتُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٦٨﴾ فَكُلُواْ

خداوند از قبل مقرر داشته، نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امتی را کیفر ندهد)، بخاطر چیزی [= اسیرانی] که گرفتید، مجازات بزرگی‌به شما می‌رسید. (۶۸) از

مِمَّا غَنِمۡتُمۡ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٦٩﴾

آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید؛ و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ خداوند آمرزنده و مهربان است. (۶۹)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ

ای پیامبر! به کسانی که در دست شما اسیرند بگو: «اگر خداوند، خیری در دلهای شما ببیند،

فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ

(و نیّات پاکی داشته باشید،) بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد؛ و شما را می‌بخشد؛ و خداوند

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧٠﴾ وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن

آمرزنده و مهربان است.» (۷۰) امّا اگر بخواهند به تو خیانت کنند، (تازگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند؛

قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ

و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد؛ خداوند دانا و حکیم است. (۷۱) کسانی که ایمان آوردند

هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ

وهجرت نمودند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که (به مؤمنان مهاجر)

آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ

پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران و پشتیبان یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردند و

يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ

مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایتی [= تعهّدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند. و(تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند،

فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ

بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضدّ گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ

و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (۷۲) کسانی که کافر شدند، اولیا و پشتیبان یکدیگرند؛

بَعْضٍ ۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾

اگر این (دستور) را انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد (۷۳)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّ

و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که (به آنها) پناه دادند

نَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۚ لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ

و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند؛ برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی با ارزشی است. (۷۴) و کسانی که

آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنكُمْ ۚ وَأُولُو

بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه شما جهاد نمودند، از شما هستند؛ و

الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرّر داشته، (از دیگران) سزاوارترند؛ خداوند به هر چیزی داناست. (۷۵)

۹ – سوره التوبه

سُورَةُ التَّوْبَةِ

ترتیبها ۹ — آیاتها ۱۲۹

بَرَآءَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿١﴾

این، (اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها پیمان بسته‌اید! (۱)

فَسِيحُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِ

(شما ای مشرکان!)، چهارماه (مهلت دارید آزادانه) در زمین رفت و آمد کنید (و بیندیشید)، و بدانید شما نمی‌توانید از قدرت خدا فرار کنید.

وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخۡزِي ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢﴾ وَأَذَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ

(و بدانید) خداوند خوارکنندهٔ کافران است! (۲) و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به مردم در

يَوۡمَ ٱلۡحَجِّ ٱلۡأَكۡبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِيٓءٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ وَرَسُولُهُۥۚ فَإِن

روز حجّ اکبر [= روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال،

تُبۡتُمۡ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي

اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید که شما نمی‌توانید از قلمرو قدرت خداوند خارج شوید.

ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم

و کافران را به مجازات دردناکی بشارت ده! (۳) مگر کسانی از مشرکان که با آنها پیمان بستید،

مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ثُمَّ لَمۡ يَنقُصُوكُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَمۡ يُظَٰهِرُواْ عَلَيۡكُمۡ أَحَدٗا

و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و هیچ کس را بر ضدّ شما تقویت ننمودند؛

فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيۡهِمۡ عَهۡدَهُمۡ إِلَىٰ مُدَّتِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٤﴾ فَإِذَا

پیمان آنها را در حق آنان تا پایان مدّتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. (۴) و هنگامی که

ٱنسَلَخَ ٱلۡأَشۡهُرُ ٱلۡحُرُمُ فَٱقۡتُلُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَيۡثُ وَجَدتُّمُوهُمۡ وَ

ماههای حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛

خُذُوهُمۡ وَٱحۡصُرُوهُمۡ وَٱقۡعُدُواْ لَهُمۡ كُلَّ مَرۡصَدٖۚ فَإِن تَابُواْ

و محاصره کنید؛ و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید. ولی اگر توبه کنند،

وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ

و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند

غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٥﴾ وَإِنۡ أَحَدٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٱسۡتَجَارَكَ فَأَجِرۡهُ حَتَّىٰ

آمرزنده و مهربان است. (۵) و اگر کسی از مشرکان از تو پناه بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود

يَسۡمَعَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ أَبۡلِغۡهُ مَأۡمَنَهُۥۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡلَمُونَ ﴿٦﴾

(و در آن بیندیشد)؛ سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند. (۶)

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِۦٓ
چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و پیامبرش خواهد بود (در حالی که آنها همواره آمادهٔ شکستن پیمانشان هستند)؟!
إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ۖ فَمَا ٱسْتَقَٰمُوا۟
مگر کسانی که‌نزد مسجدالحرام با آنان پیمان بستید؛ (و پیمان خود را محترم شمردند؛) تا زمانی که به پیمان شما پایبند باشند،
لَكُمْ فَٱسْتَقِيمُوا۟ لَهُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾ كَيْفَ
شما نیز به پیمان آنها پایبند باشید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. (۷) چگونه
وَإِن يَظْهَرُوا۟ عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا۟ فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً ۚ
(پیمان مشرکان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه رعایت خویشاوندی با شما را می‌کنند،
يُرْضُونَكُم بِأَفْوَٰهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٨﴾
و نه پیمان را؟!شما را با زبان خود خشنود می‌کنند، ولی دلهایشان ابا دارد؛ و بیشتر آنها گنهکارند.
ٱشْتَرَوْا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِهِۦٓ ۚ إِنَّهُمْ
(۸) آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند؛ و (مردم‌را) از راه او بازداشتند؛
سَآءَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِى مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً ۚ
آنها چه بد اعمالی انجام می‌دادند! (۹) (این روش آنهاست که) دربارهٔ هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی
وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِن تَابُوا۟ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ
و پیمان را نمی‌کنند؛ و آنها همان تجاوزکارانند! (۱۰) (ولی) اگر توبه کنند، و نماز را برپا دارند،
وَءَاتَوُا۟ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخْوَٰنُكُمْ فِى ٱلدِّينِ ۗ وَنُفَصِّلُ ٱلْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ
و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)،
يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِن نَّكَثُوٓا۟ أَيْمَٰنَهُم مِّنۢ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا۟ فِى
شرح می‌دهیم. (۱۱) و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن (و تمسخر) قرار دهند،
دِينِكُمْ فَقَٰتِلُوٓا۟ أَئِمَّةَ ٱلْكُفْرِ ۙ إِنَّهُمْ لَآ أَيْمَٰنَ لَهُمْ
با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که پیمان آنها اعتباری ندارد؛ شاید (با شدّت عمل) دست بردارند.
لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓا۟ أَيْمَٰنَهُمْ
(۱۲) آیا با گروهی‌که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اِخراج پیامبر گرفتند،
وَهَمُّوا۟ بِإِخْرَاجِ ٱلرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ
پیکار نمی‌کنید؟! در حالی که نخستین بار، آنها (پیکار با شما را) آغاز کردند؛
أَتَخْشَوْنَهُمْ ۚ فَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾
آیا از آنها می‌ترسید؟! با این‌که اگر ایمان دارید، خداوند سزاوارتر است که از او بترسید. (۱۳)

قَٰتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ ٱللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات کرده و رسوا می‌سازد؛ و شما را بر آنها یاری می‌دهد،

عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذْهِبْ غَيْظَ

و سینهٔ گروه مؤمنان را شفا می‌بخشد (؛ و بر قلب آنها مرهم می‌نهد) (۱۴) و خشم دلهای آنان را از میان می‌برد،

قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾ أَمْ

و خدا توبهٔ هرکس را بخواهد (و شایسته ببیند)، می‌پذیرد؛ و خداوند دانا و حکیم است. (۱۵) آیا

حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا۟ وَلَمَّا يَعْلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُوا۟ مِنكُمْ وَلَمْ

چنین پنداشتید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند،

يَتَّخِذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ۚ وَٱللَّهُ

وغیر از خدا و پیامبرش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخص نساخته است؟! (باید آزمایش شوید؛ تا مؤمنان واقعی شناخته

خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا۟ مَسَٰجِدَ

شوند؛) و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است. (۱۶) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند

ٱللَّهِ شَٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِٱلْكُفْرِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ

در حالی که بر کفر خویش گواهند! آنها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده؛

أَعْمَٰلُهُمْ وَفِى ٱلنَّارِ هُمْ خَٰلِدُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَٰجِدَ

و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند بود. (۱۷) مساجد خدا راتنها کسی آباد می‌کند

ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى

که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده، و نماز را برپا دارد، و

ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا ٱللَّهَ ۖ فَعَسَىٰٓ أُو۟لَٰٓئِكَ أَن يَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ

زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید می‌رود آنها از هدایت‌یافتگان باشند.

﴿١٨﴾ ۞ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ ٱلْحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ

(۱۸) آیا آب دادن به حاجیان، و آباد ساختن مسجدالحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید

بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَجَٰهَدَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ لَا يَسْتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ لَا

که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو،) نزد خدا یکسان نیستند.

يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهَاجَرُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ فِى سَبِيلِ

و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۱۹) کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند،

ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾

و با مال و جانشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها رستگارانند. (۲۰)

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَٰنٍ وَجَنَّـٰتٍ لَّهُمْ فِيهَا
پروردگارشان آنها را به رحمتي از ناحية خود، و خشنودي (خويش)، و ج باغهاي بهشتي بشارت مي‌دهد که در آن،
نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَـٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ
نعمتهاي پايدار دارند؛ (۲۱) جاودانه و تا ابد در اين باغها (و در ميان اين نعمتها) خواهند بود؛ زيرا پاداش
عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوٓا۟ ءَابَآءَكُمْ
عظيم نزد خداوند است. (۲۲) اي کساني که ايمان آورده‌ايد! اگر پدران و برادران شما،
وَإِخْوَٰنَكُمْ أَوْلِيَآءَ إِنِ ٱسْتَحَبُّوا۟ ٱلْكُفْرَ عَلَى ٱلْإِيمَـٰنِ ۚ وَمَن
کفر را بر ايمان ترجيح دهند، آنها را ولي (و يار و ياور و تکيه گاه) خود قرار ندهيد.
يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّـٰلِمُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ
وکساني از شما که آنان را ولي خود قرار دهند، آنان ستمکارانند. (۲۳) بگو: «اگر پدران و
وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَٰنُكُمْ وَأَزْوَٰجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَٰلٌ ٱقْتَرَفْتُمُوهَا
فرزندان و برادران و همسران و طايفة شما، و اموالي که به دست آورده‌ايد،
وَتِجَـٰرَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَـٰكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم
و تجارتي که از کساد شدنش مي‌ترسيد، و خانه هايي که به آن علاقه داريد،
مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٍ فِى سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُوا۟ حَتَّىٰ يَأْتِىَ ٱللَّهُ
در نظرتان از خداوند و پيامبرش و جهاد در راه او محبوبتر است، در انتظار اين باشيد که خداوند عذابش را بر شما نازل کند!
بِأَمْرِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَـٰسِقِينَ ﴿٢٤﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ
و خداوند گروه فاسقان را هدايت نمي‌کند.» (۲۴) خداوند شما را در مواضع بسياري ياري کرد
ٱللَّهُ فِى مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ۙ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ ۙ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ
(و بر دشمن پيروز شديد)؛ و در روز حنين (نيز ياري نمود)؛ در آن هنگام که فزوني جمعيّتتان
كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْـًٔا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ
شما را مغرور ساخت، ولي (اين فزوني جمعيّت) مشکلي را از شما حل نکرد
ٱلْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنزَلَ ٱللَّهُ
و زمين با همه وسعتش بر شما تنگ شد؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نموديد. (۲۵) سپس خداوند
سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ
«آرامش» خود را بر پيامبرش و بر ج مؤمنان نازل کرد؛ و لشکرهايي فرستاد
تَرَوْهَا وَعَذَّبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴿٢٦﴾
که شما آنها را نمي‌ديديد؛ و کافران را مجازات کرد؛ و اين است جزاي کافران! (۲۶)

ثُمَّ يَتُوبُ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ
سپس خداوند - بعد از آن - توبهٔ هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)، می‌پذیرد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است.
(۲۷) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡمُشۡرِكُونَ نَجَسٞ
(۲۷) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از این سال به
فَلَا يَقۡرَبُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ بَعۡدَ عَامِهِمۡ هَٰذَاۚ وَإِنۡ
مسجدالحرام نزدیک شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه
خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ فَسَوۡفَ يُغۡنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦٓ إِن شَآءَۚ إِنَّ
بخواهد، شما را به فضل (و کرم) خود بی‌نیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛)
ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ (۲۸) قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
خداوند دانا و حکیم است. (۲۸) با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا،
بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا
و نه به روز بازپسین ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و پیامبرش تحریم کرده حرام می‌شمرند،
يَدِينُونَ دِينَ ٱلۡحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعۡطُواْ
و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم،
ٱلۡجِزۡيَةَ عَن يَدٖ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ (۲۹) وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ
جزیه را به دست خود بپردازند. (۲۹) یهود گفتند:
عُزَيۡرٌ ٱبۡنُ ٱللَّهِ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ ٱللَّهِۖ
«عُزَیر پسر خداست.» و نصاری گفتند: «مسیح پسر خداست.»
ذَٰلِكَ قَوۡلُهُم بِأَفۡوَٰهِهِمۡۖ يُضَٰهِـُٔونَ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
این سخنی است که آنها به زبان می‌آورند، در حالی که همانند گفتار کافران پیشین (و مشرکان) است؛
مِن قَبۡلُۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۚ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ (۳۰) ٱتَّخَذُوٓاْ
خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می‌یابند! (۳۰) (آنها)
أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ
دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛
ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ
در حالی که دستور داشتند فقط خداوند یکتایی را که هیچ معبودی
لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ (۳۱)
جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزّه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند! (۳۱)

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَيَأْبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن
آنها مى‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش كنند؛ ولى خدا جز اين نمى‌خواهد
يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَـٰفِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ
كه نور خود را كامل كند، هر چندكافران ناخشنود باشند. (٣٢) او كسى است كه پيامبرش را
رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ وَدِينِ ٱلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوْ
با هدايت و آيين حق فرستاد، تا آن را بر همهٔ آيين‌ها پيروز گرداند،
كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ ۞ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ كَثِيرًا
هر چند مشركان ناخشنود باشند. (٣٣) اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! بسيارى
مِّنَ ٱلْأَحْبَارِ وَٱلرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَـٰطِلِ
از احبار (يهود) و راهبان (نصرانى)، اموال مردم را بباطل (و ناروا) مى‌خورند،
وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۗ وَٱلَّذِينَ يَكْنِزُونَ
و (آنان را) از راه خدا باز مى‌دارند. و كسانى كه طلا و نقره را گنجينه (و ذخيره و پنهان) مى‌سازند،
ٱلذَّهَبَ وَٱلْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرْهُم
و در راه خدا انفاق نمى‌كنند، به مجازات دردناكى بشارت ده!
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ
(٣٤) در آن روز كه آن (اندوخته‌ها) را در آتش جهنم، گرم و سوزان كرده،
فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۖ هَـٰذَا مَا كَنَزْتُمْ
و با آن پيشانى و پهلو و پشت آنان را داغ مى‌نهند؛ (و به آنها مى‌گويند:)
لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ
اين همان چيزى است كه براى خود اندوختيد و گنج ساختيد! پس بچشيد چيزى را كه براى خود مى‌اندوختيد! (٣٥) تعداد ماهها
عِندَ ٱللَّهِ ٱثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِى كِتَـٰبِ ٱللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ
نزد خداوند در كتاب (آفرينش) الهى، از آن روز كه آسمانها
وَٱلْأَرْضَ مِنْهَآ أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ ۚ فَلَا
و زمين را آفريده، دوازده ماه است؛ كه چهار ماه از آن، ماه حرام است؛
تَظْلِمُواْ فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ ۚ وَقَـٰتِلُواْ ٱلْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً
(و جنگ در آن ممنوع مى‌باشد.) اين، آيين هميشگى و استوار (الهى) است. بنابراين، در اين ماهها به خود ستم نكنيد (و از هرگونه
كَمَا يُقَـٰتِلُونَكُمْ كَآفَّةً ۚ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾
خونريزى بپرهيزيد)، و با همهٔ مشركان، پيكار كنيد، همان گونه كه آنها با همهٔ شما پيكار مى‌كنند؛ و بدانيد خداوند با پرهيزگاران است. (٣٦)

إِنَّمَا ٱلنَّسِيٓءُ زِيَادَةٞ فِي ٱلۡكُفۡرِۖ يُضَلُّ بِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

تاخیر ماههای حرام (و جا به جا کردن آنها) فقط، افزایشی در کفر (مشرکان) است؛ که با آن،

يُحِلُّونَهُۥ عَامٗا وَيُحَرِّمُونَهُۥ عَامٗا لِّيُوَاطِـُٔواْ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ

کافران گمراه می‌شوند؛ یک سال، آن را حلال، وسال دیگر آن را حرام می‌کنند، تا با مقدار ماههایی که خداوند

فَيُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُۚ زُيِّنَ لَهُمۡ سُوٓءُ أَعۡمَٰلِهِمۡۗ وَٱللَّهُ لَا

تحریم کرده هماهنگ شود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد)؛ و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند.

يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٣٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

اعمال زشتشان در نظرشان زینت داده شده؛ و خداوند جمعیّت کافران را هدایت نمی‌کند. (۳۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

مَا لَكُمۡ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلۡتُمۡ إِلَى ٱلۡأَرۡضِۚ

چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «در راه خدا (به سوی میدان جهاد) حرکت کنید،» بر زمین سنگینی می‌کنید

أَرَضِيتُم بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ فَمَا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ

(و سستی به خرج می‌دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با این‌که

ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبۡكُمۡ

متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست. (۳۸) اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات

عَذَابًا أَلِيمٗا وَيَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيۡـٔٗاۗ

دردناکی می‌کند، و گروه دیگری را جایگزین شما خواهد ساخت؛ و هیچ زیانی به او نمی‌رسانید؛

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدۡ

و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۳۹) اگر او [= پیامبر] را یاری نکنید، خداوند او را (در سخت‌ترین لحظات) یاری کرد؛

نَصَرَهُ ٱللَّهُ إِذۡ أَخۡرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثۡنَيۡنِ إِذۡ هُمَا

آن هنگام که کافران او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که یکی از دو نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت)؛

فِي ٱلۡغَارِ إِذۡ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَاۖ

در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همسفر خود می‌گفت: «غم مخور، خدا با ماست.»

فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَيۡهِ وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٖ لَّمۡ

آنگاه، خداوند، آرامش خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تأیید نمود؛

تَرَوۡهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفۡلَىٰۗ

و گفتار (و خواستهٔ) کافران را پایین‌تر قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت؛)

وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِيَ ٱلۡعُلۡيَاۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

و تنها سخن خدا (و آیین او)، برتر (و پیروز) است؛ و خداوند توانا و حکیم است. (۴۰)

انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي

(همگي به سوي ميدان جهاد) حركت كنيد؛ سبكبار يا سنگين بار؛ و با مال و جان خود،

سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

در راه خدا جهاد نماييد؛ اين براى شما بهتر است اگر بدانيد. (۴۱)

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ

(امّا گروهي از آنها، چنانند كه) اگر غنايمي نزديک (و در دسترس)، و سفري آسان باشد، (به طمع دنيا) از تو پيروي مي‌كنند؛ ولي (اكنون كه براي ميدان

الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ

تبوک،) راه بر آنها دور (و پر مشقّت) است، (سر باز مي‌زنند؛) و به خدا سوگند ياد مي‌كنند كه: «اگر توانايي داشتيم، همراه شما حركت مي‌كرديم!» (آنها با اين

يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٤٢﴾ عَفَا اللَّهُ عَنكَ

اعمال و اين دروغها، در واقع) خود را هلاک مي‌كنند؛ و خداوند مي‌داند آنها دروغگو هستند. (۴۲) خداوند تو را بخشيد؛ چرا پيش از آن‌كه

لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

راستگويان براي تو آشكار شوند و دروغگويان را بشناسي، به آنها اجازه دادي؟! (خوب بود صبر مي‌كردي، تا هر دو گروه خود را نشان دهند.)

﴿٤٣﴾ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن

(۴۳) كساني كه به خداو روز بازپسين ايمان دارند، هرگز براي ترک جهاد (در راه خدا)

يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا

با مال و جانشان، از تو اجازه نمي‌گيرند؛ و خداوند پرهيزگاران را مي‌شناسد. (۴۴) تنها كساني از

يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ

تو اجازه مي‌گيرند كه به خدا و روز بازپسين ايمان ندارند، و دلهايشان با شک

قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾ ۞ وَلَوْ أَرَادُوا

و ترديد آميخته است از اين رو؛ آنها در ترديد خود سرگردانند. (۴۵) اگر آنها (راست مي‌گفتند، و) مي‌خواستند كه

الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ

(به سوي ميدان جهاد) خارج شوند،وسيله‌اي براي آن فراهم مي‌ساختند؛ ولي خدا از حركت آنها ناخشنود بود؛ از اين رو (توفيقش را از آنان سلب كرد؛ و)

فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾ لَوْ خَرَجُوا

آنها را (از جهاد) بازداشت؛ و به آنان گفته شد:«با افراد ناتوان [= كودكان و پيران و بيماران] بنشينيد!» (۴۶) اگر آنها همراه شما (به سوي ميدان

فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ

جهاد) خارج مي‌شدند، جز اضطراب و ترديد و فساد، چيزي بر شما نمي‌افزودند؛ و بسرعت در بين شما به فتنه‌انگيزي (و ايجاد تفرقه و نفاق)مي‌پرداختند؛ و

الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

در ميان شما، افرادي (سست و ضعيف) هستند كه به سخنان آنها كاملاً گوش فرا مي‌دهند؛ و خداوند، ستمكاران را مي‌شناسد. (۴۷)

لَقَدِ ٱبْتَغَوُا۟ ٱلْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا۟ لَكَ ٱلْأُمُورَ حَتَّىٰ جَآءَ

آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه‌انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون (و آشفته) ساختند؛ تا آن‌که حق فرا رسید،

ٱلْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَهُمْ كَٰرِهُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنْهُم

وفرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها ناخشنود بودند. (۴۸) از آنها کسانی هستند

مَّن يَقُولُ ٱئْذَن لِّى وَلَا تَفْتِنِّىٓ ۚ أَلَا فِى ٱلْفِتْنَةِ سَقَطُوا۟ ۗ

که می‌گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم)، و ما را به گناه نیفکن»! آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده‌اند؛

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٤٩﴾ إِن تُصِبْكَ

و به یقین جهنم، کافران را احاطه کرده است. (۴۹) اگر نیکی به تو رسد،

حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۖ وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا۟ قَدْ

آنها را ناراحت می‌کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: «ما تصمیم خود را از پیش گرفته‌ایم.»

أَخَذْنَآ أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوا۟ وَّهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُل لَّن

و (از نزد تو) باز می‌گردند در حالی که خوشحالند. (۵۰) بگو: «هیچ حادثه ای

يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَىٰنَا ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما مقرّر داشته است؛ او پشتیبان و سرپرست ماست؛ و مؤمنان باید تنها

ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ إِحْدَى

بر خدا توکّل کنند.» (۵۱) بگو: «آیا دربارهٔ ما،جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟!

ٱلْحُسْنَيَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ بِعَذَابٍ

(: یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خود (در آن جهان) به شما برساند،

مِّنْ عِندِهِۦٓ أَوْ بِأَيْدِينَا ۖ فَتَرَبَّصُوٓا۟ إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ

یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم!»

﴿٥٢﴾ قُلْ أَنفِقُوا۟ طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ ۖ إِنَّكُمْ

(۵۲) بگو: «انفاق کنید؛ خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود؛ چرا

كُنتُمْ قَوْمًا فَٰسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ

که شما گروه فاسقی بوده‌اید.» (۵۳) هیچ چیز مانع قبول انفاقهای آنها نشد،

نَفَقَٰتُهُمْ إِلَّآ أَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ وَلَا يَأْتُونَ

جز این‌که آنها به خدا و پیامبرش کافر شده‌اند، و نماز به جا

ٱلصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَٰرِهُونَ ﴿٥٤﴾

نمی‌آورند جز با کسالت، و انفاق نمی‌کنند مگر با کراهت. (۵۴)

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَـٰدُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا

و (فزوني) ثروت‌ها و فرزندانشان، تو را در شگفتي فرو نبرد؛ (این برای آنها نعمت نیست، بلکه) خدا می‌خواهد

فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَـٰفِرُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَحْلِفُونَ

آنان را بوسیلهٔ آن، در زندگي دنيا عذاب كند،و در حال كفر بميرند. (۵۵) آنها به خدا سوگند

بِٱللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَـٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ

یاد می‌کنند که از شما هستند، در حالي كه از شما نيستند؛ ولي آنها گروهي هستند كه مي‌ترسند (و از ترس افشای اسرارشان دروغ می‌گویند)!

﴿٥٦﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَـًٔا أَوْ مَغَـٰرَٰتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا۟ إِلَيْهِ

(۵۶) اگر پناهگاه يا غارهايي يا راهي در زير زمين بيابند، با سرعت و

وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾ وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِى ٱلصَّدَقَـٰتِ فَإِنْ أُعْطُوا۟

شتاب به سوی آن فرار مي‌كنند. (۵۷) و در ميان آنها كساني هستند كه در (تقسیم) غنايم به تو خرده می‌گيرند؛

مِنْهَا رَضُوا۟ وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا۟ مِنْهَآ إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَوْ

اگر سهمي از آن (غنايم،) به آنها داده شود، راضي مي‌شوند؛ و اگر چيزي به آنها داده نشود، خشمگين مي‌شوند (؛ هر چند حقي نداشته باشند). (۵۸)

أَنَّهُمْ رَضُوا۟ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَقَالُوا۟ حَسْبُنَا ٱللَّهُ

(در حالي كه) اگر به آنچه خدا و پيامبرش به آنان داده راضي مي‌شدند و مي‌گفتند: «خداوند برای ما كافي است؛

سَيُؤْتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ رَٰغِبُونَ

و بزودی خدا و پيامبرش، از فضل خود به ما مي‌بخشند؛ و ما تنها رضای خدا را مي‌طلبيم،» (برای آنها بهتر بود).

﴿٥٩﴾ ۞ إِنَّمَا ٱلصَّدَقَـٰتُ لِلْفُقَرَآءِ وَٱلْمَسَـٰكِينِ وَٱلْعَـٰمِلِينَ

(۵۹) صدقات [= زكات] مخصوص نيازمندان و مستمندان و مأموران جمع آوري آن و برای جلب محبت افراد غير مسلمان،

عَلَيْهَا وَٱلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِى ٱلرِّقَابِ وَٱلْغَـٰرِمِينَ وَفِى سَبِيلِ

و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دين) بدهكاران، و در راه (تقويت آيين) خدا،

ٱللَّهِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ ۖ فَرِيضَةً مِّنَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و واماندگان در سفر است؛ اين، يک فريضه (مهمّ) الهي است؛ و خداوند دانا و حكيم است.

﴿٦٠﴾ وَمِنْهُمُ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلنَّبِىَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ ۚ قُلْ

(۶۰) از آنها كساني هستند كه پيامبر را آزار مي‌دهند و مي‌گويند: «او آدم خوش باوری است!» بگو:

أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ

«خوش باور بودن او به نفع شماست؛ (ولي بدانيد) او به خدا ايمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصديق مي‌كند؛

لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ ۚ وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾

و رحمت است براي كساني از شما كه ايمان آورده‌اند.» و آنها كه پيامبر خدا را آزار مي‌دهند، برای آنها عذاب دردناكي است! (۶۱)

يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَحَقُّ أَن

آنها برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که شایسته‌تر این است که

يُرْضُوهُ إِن كَانُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّهُۥ مَن

اگر ایمان دارند، خدا و پیامبرش را راضی کنند. (۶۲) آیا نمی‌دانستند هرکس با خدا و پیامبرش دشمنی کند،

يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدًا فِيهَا ذَٰلِكَ

برای او آتش دوزخ است؛جاودانه در آن می‌ماند؟! این، همان رسوایی بزرگ است!

ٱلْخِزْىُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾ يَحْذَرُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ

(۶۳) منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای برضدّ آنان نازل گردد، و به آنها

سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِى قُلُوبِهِمْ ۚ قُلِ ٱسْتَهْزِءُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ مُخْرِجٌ

از (اسرار) درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید،

مَّا تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا

آشکار می‌سازد.» (۶۴) و اگر از آنها بپرسی: (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!»)،

نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۚ قُلْ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ وَرَسُولِهِۦ كُنتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ

می‌گویند: «ما شوخی و بازی می‌کردیم.» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟!»

﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا۟ قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَٰنِكُمْ ۚ إِن نَّعْفُ عَن طَآئِفَةٍ

(۶۵) (بگو:) عذر (و بهانه) نیاورید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید.

مِّنكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةًۢ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾

اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را به سبب مجرم بودن، عذاب خواهیم کرد. (۶۶)

ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتُ بَعْضُهُم مِّنۢ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ

مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند. آنها امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند؛

بِٱلْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ ۚ

و دستهایشان را (از انفاق و بخشش) می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد

نَسُوا۟ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمْ ۗ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ

(، و رحمتش را از آنها قطع نمود)؛ به یقین، منافقان‌همان فاسقانند.

﴿٦٧﴾ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ

(۶۷) خداوند به مردان و زنان منافق و کفّار، وعدهٔ آتش دوزخ داده؛ جاودانه در آن خواهند ماند ـ همان برای آنها

خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ هِىَ حَسْبُهُمْ ۚ وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾

کافی است. ـ و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته؛ و عذابی پایدار برای آنهاست.(۶۸)

كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوٓا۟ أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَٰلًا

(شما منافقان،) همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه نفاق پیمودند؛ بلکه) آنها از شما نیرومندتر، و اموال

وَأَوْلَٰدًا فَاسْتَمْتَعُوا۟ بِخَلَٰقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُم بِخَلَٰقِكُمْ كَمَا

و فرزندانشان بیشتر بود. آنها از بهرهٔ خود (از مواهب الهی در راه گناه و هوس) استفاده کردند؛ شما نیز از بهرهٔ خود، (در این راه)

اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَٰقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِى

استفاده کردید،همان گونه که آنها استفاده کردند؛ شما (در کفر و نفاق و استهزای مؤمنان) فرو رفتید، همان گونه

خَاضُوٓا۟ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ

که آنها فرورفتند؛ (و سرانجام) اعمالشان در دنیا وآخرت نابود شد؛ و آنها همان

وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ الْخَٰسِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن

زیانکاراند. (۶۹) آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟!

قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَٰهِيمَ وَأَصْحَٰبِ

«قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مَدیَن»

مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَٰتِ ۚ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَٰتِ ۖ فَمَا

[= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= شهرهای قوم لوط]؛ (همان‌ها که) پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند،

كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾

(ولی نپذیرفتند؛) خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، امّا خودشان همواره بر خویشتن ستم می‌کردند. (۷۰)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَٰتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف،

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ

و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛

وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ

و خدا و پیامبرش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت (خویش) قرار می‌دهد؛ خداوند

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَٰتِ جَنَّٰتٍ

توانا و حکیم است. (۷۱) خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهای بهشتی وعده داده که

تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّٰتِ

نهرها از پای درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و (همچنین،) خانه‌ها (و قصرهای) پاکیزه در باغهای

عَدْنٍ ۚ وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

جاودان بهشتی (به آنها وعده داده)؛ و خشنودی خدا، (از همهٔ اینها) برتر است؛ و این، همان رستگاری و پیروزی بزرگ است.(۷۲)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ وَ

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر!

مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ مَا قَالُوا۟ وَلَقَدْ

جایگاهشان جهنم است؛ و بد فرجامی است! (۷۳) به خدا سوگند یاد می‌کنند که (در غیاب پیامبر، سخنان کفر آمیز) نگفته‌اند؛

قَالُوا۟ كَلِمَةَ ٱلْكُفْرِ وَكَفَرُوا۟ بَعْدَ إِسْلَٰمِهِمْ وَهَمُّوا۟ بِمَا لَمْ يَنَالُوا۟ ۚ

در حالی که به یقین سخنان کفرآمیز گفته‌اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده‌اند؛ و تصمیم به امری (خطرناک) گرفتند،

وَمَا نَقَمُوٓا۟ إِلَّآ أَنْ أَغْنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضْلِهِۦ ۚ فَإِن يَتُوبُوا۟ يَكُ

که به آن نرسیدند. آنها فقط از این ایراد می‌گیرند که خداوند و پیامبرش، آنان را به فضل (و کرم) خود، بی‌نیاز ساختند. (با این حال،)

خَيْرًا لَّهُمْ ۖ وَإِن يَتَوَلَّوْا۟ يُعَذِّبْهُمُ ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِى ٱلدُّنْيَا

اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است؛ و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا

وَٱلْءَاخِرَةِ ۚ وَمَا لَهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾ ۞ وَمِنْهُم

و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد؛ و در سراسر زمین، نه ولیّ و سرپرستی دارند، و نه یاوری. (۷۴) از آنها کسانی هستند

مَّنْ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا مِن فَضْلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ

که با خدا پیمان بسته بودند: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه و زکات خواهیم داد؛

مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُم مِّن فَضْلِهِۦ بَخِلُوا۟ بِهِۦ

و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود.» (۷۵) امّا هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، نسبت به آن بخل ورزیدند

وَتَوَلَّوا۟ وَّهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ

و سرپیچی کردند و روی برتافتند. (۷۶) این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت.

إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُۥ بِمَآ أَخْلَفُوا۟ ٱللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا۟

این سزای شکستن پیمانی است که با خدا بسته بودند و سزای دروغ‌هایی است

يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُمْ

که می‌گفتند. (۷۷) آیا نمی‌دانستند که خداوند، اسرار و سخنان درگوشی آنها را می‌داند؛

وَأَنَّ ٱللَّهَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾ ٱلَّذِينَ يَلْمِزُونَ ٱلْمُطَّوِّعِينَ

و خداوند دانای اسرار نهان است؟! (۷۸) کسانی که از مؤمنان فرمانبردار، در صدقاتشان عیبجویی می‌کنند،

مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ فِى ٱلصَّدَقَٰتِ وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا

وکسانی راکه (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند،

جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ ۙ سَخِرَ ٱللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

خدا آنها را استهزا می‌کند؛ (و کیفر می‌دهد؛) و برای آنها عذاب دردناکی است! (۷۹)

ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتّی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی،

يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ لَا

هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد؛ چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند؛ و خداوند

يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٨٠﴾ فَرِحَ ٱلْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ

گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. (۸۰) تخلف کنندگان (از جنگ تبوک،) از مخالفت با پیامبر خدا و کناره‌گیری از جهاد، خوشحال شدند؛

خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ وَكَرِهُوٓا۟ أَن يُجَٰهِدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى

و خوش نداشتند که با مال و جان خود، در راه خدا جهاد کنند؛ و گفتند: «در این گرما،

سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَالُوا۟ لَا تَنفِرُوا۟ فِى ٱلْحَرِّ ۗ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا ۚ لَّوْ كَانُوا۟

(به سوی میدان) حرکت نکنید.» (به آنان) بگو: «آتش دوزخ از این سوزان‌تر است!» اگر

يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ فَلْيَضْحَكُوا۟ قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا۟ كَثِيرًا جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟

می‌فهمیدند. (۸۱) از این رو آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند؛ (چرا که آتش جهنم در انتظارشان است) این، جزای کارهایی است

يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِن رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ فَٱسْتَـْٔذَنُوكَ

که انجام می‌دادند. (۸۲) هرگاه خداوند تو را به سوی گروهی از آنان بازگرداند،

لِلْخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخْرُجُوا۟ مَعِىَ أَبَدًا وَلَن تُقَٰتِلُوا۟ مَعِىَ عَدُوًّا ۖ إِنَّكُمْ

و از تو اجازهٔ خروج (به سوی میدان جهاد) بخواهند، بگو: «هیچ گاه با من خارج نخواهید شد؛ و هرگز همراه من، با دشمنی نخواهید جنگید.

رَضِيتُم بِٱلْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَٱقْعُدُوا۟ مَعَ ٱلْخَٰلِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تُصَلِّ

شما نخستین بار به کناره‌گیری (از جهاد) راضی شدید، اکنون نیز با متخلّفان بمانید.» (۸۳) هرگز بر

عَلَىٰٓ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِۦٓ ۖ إِنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ

مردهٔ هیچ یک از آنان، نماز نخوان؛ و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش،) نایست؛ چرا که آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند؛

وَرَسُولِهِۦ وَمَاتُوا۟ وَهُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٨٤﴾ وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَأَوْلَٰدُهُمْ ۚ

و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند. (۸۴) (فزونی) اموال و فرزندانشان، تو را در شگفتی فرو نبرد!

إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِى ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ

(این برای آنها نعمت نیست؛ بلکه) خدا می‌خواهد آنان را به وسیلهٔ آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند.

﴿٨٥﴾ وَإِذَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَجَٰهِدُوا۟ مَعَ رَسُولِهِ

(۸۵) و هنگامی، که سوره‌ای نازل شود (و به آنان دستور دهد) که: «به خدا ایمان بیاورید، و همراه پیامبرش جهاد کنید» افرادی از آنها [= گروه منافقان]

ٱسْتَـْٔذَنَكَ أُو۟لُوا۟ ٱلطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا۟ ذَرْنَا نَكُن مَّعَ ٱلْقَٰعِدِينَ ﴿٨٦﴾

که توانایی (بر جهاد) دارند، از تو اجازه می‌خواهند و می‌گویند: «بگذار ما با افراد ناتوان (و آنها که از جهاد معافند) باشیم.» (۸۶)

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ

(آري،) آنها راضي شدند که با واماندگان (و افراد ناتوان) باشند؛ و بر دلهايشان مهر نهاده شده؛ از اين رو (حقايق را)

لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَٰكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا

درک نمي‌کنند. (۸۷) ولي پيامبر و کساني که با او ايمان آوردند، با مال و جانشان

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

جهاد کردند؛ و همهٔ نيکيها براي آنهاست؛ و رستگاران آنها هستند.

الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

(۸۸) خداوند براي آنها باغهاي بهشتي آماده ساخته که نهرها از پاي درختانش جاري است؛

خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ

جاودانه در آن خواهند بود؛ و اين است رستگاري و پيروزي بزرگ. (۸۹) و معذوران از اعراب ، (نزد تو) آمدند

الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ

که به آنها اجازهٔ (عدم شرکت در جهاد) داده شود؛ ولي کساني که به خدا و پيامبرش دروغ گفتند، (بدون هيچ عذري) از جهاد کناره‌گيري کردند؛

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَّيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا

بزودي به کساني از آنها که کفر ورزيدند (و بدون عذر مخالفت کردند)، عذاب دردناکي خواهد رسيد! (۹۰) نه بر افراد ناتوان و نه

عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ

بر بيماران و نه بر کساني که چيزي براي انفاق (در راه جهاد) ندارند، گناهي نيست (که در ميدان جهاد شرکت نجويند،)

إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ وَاللَّهُ

به شرط آنکه براي خدا و پيامبرش خيرخواهي کنند (: و از آنچه در توان دارند، مضايقه ننمايند؛ زيرا) بر نيکوکاران راهي براي مواخذه نيست؛ وخداوند

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩١﴾ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ

آمرزنده و مهربان است. (۹۱) و (نيز) گناهي نيست بر آنها که وقتي نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبي (براي جهاد) سوار کني،

قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ

گفتي:«مرکبي که شما را بر آن سوار کنم، در اختيار ندارم.» (از نزد تو) بازگشتند در حالي که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛

مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ ﴿٩٢﴾ ۞ إِنَّمَا الجزء ١١ الحزب ٢١

زيرا چيزي نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به ميدان بروند). (۹۲) راه مواخذه تنها

السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن

به روي کساني باز است که از تو اجازه مي‌خواهند در حالي که توانگرند؛ (و امکانات کافي براي جهاد دارند؛)آنها راضي شدند

يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

که با واماندگان (و افراد معذور و ناتوان) بمانند؛ و خداوند بر دلهايشان مُهر نهاده؛ به همين جهت چيزي نمي‌دانند. (۹۳)

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ ۚ قُل لَّا تَعْتَذِرُوا۟ لَن نُّؤْمِنَ

هنگامي كه به سوي آنها (كه از جهاد تخلّف كردند) بازگرديد، براي شما عذر (و بهانه) مي‌آورند؛ بگو: «عذر نياوريد، ما هرگز (سخن) شما را باور نخواهيم كرد!

لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا ٱللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ ۚ وَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمْ

چرا كه‌خدا ما را از اخبارتان آگاه ساخته؛ و خدا و پيامبرش، اعمال شما را خواهند ديد؛

وَرَسُولُهُۥ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَـٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم

سپس به سوي كسي كه داناي پنهان و آشكار است بازگشت داده مي‌شويد؛ و او شما را به آنچه انجام مي‌داديد،

بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾ سَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمْ إِذَا ٱنقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ

آگاه مي‌كند (و جزا مي‌دهد.)» (۹۴) هنگامي كه به سوي آنان بازگرديد، براي شما

لِتُعْرِضُوا۟ عَنْهُمْ ۖ فَأَعْرِضُوا۟ عَنْهُمْ ۖ إِنَّهُمْ رِجْسٌ ۖ وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ

به خدا سوگند ياد مي‌كنند، تا از آنها اعراض (و صرف نظر) كنيد؛ (آري) از آنها اعراض كنيد (و روي بگردانيد)؛ چرا كه آنها پليدند؛ و به كيفر اعمالي كه انجام

جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ

مي‌دادند، جايگاهشان، دوزخ است. (۹۵) براي شما قسم ياد مي‌كنند تا از آنها راضي شويد؛

لِتَرْضَوْا۟ عَنْهُمْ ۖ فَإِن تَرْضَوْا۟ عَنْهُمْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ

اگر شما از آنها راضي شويد، خداوند (هرگز) از گروه فاسقان راضي نخواهد شد.

ٱلْقَوْمِ ٱلْفَـٰسِقِينَ ﴿٩٦﴾ ٱلْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا

(۹۶) باديه نشينان عرب،كفر و نفاقشان شديدتر است؛ و به ناآگاهي از حدود

وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا۟ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ

احكامي كه خدا بر پيامبرش نازل كرده، سزاوارترند؛ و خداوند دانا و حكيم است.

حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾ وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ

(۹۷) گروهي از(اين)اعراب باديه نشين، چيزي را كه(در راه خدا)انفاق مي‌كنند، غرامت محسوب مي‌دارند،

بِكُمُ ٱلدَّوَآئِرَ ۚ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِ ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾

و انتظار حوادث ناگوار براي شما مي‌كشند؛ حوادث بد، سزاوار خودشان است؛ و خداوند شنوا و داناست. (۹۸)

وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ وَيَتَّخِذُ

گروهي (ديگر) از عربهاي باديه‌نشين، به خدا و روز بازپسين ايمان دارند؛ و آنچه را انفاق مي‌كنند،

مَا يُنفِقُ قُرُبَـٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ وَصَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِ ۚ أَلَآ إِنَّهَا قُرْبَةٌ

مايهٔ تقرّب به خدا، و دعاي پيامبر مي‌دانند؛ آگاه باشيد اينها مايهٔ تقرّب آنهاست!

لَّهُمْ ۚ سَيُدْخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦٓ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٩﴾

خداوند بزودي آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت؛ به يقين، خداوند آمرزنده و مهربان است.(۹۹)

وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلْأَوَّلُونَ مِنَ ٱلْمُهَٰجِرِينَ وَٱلْأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ
پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند،
ٱتَّبَعُوهُم بِإِحْسَٰنٍ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ
خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛
جَنَّٰتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ
و باغهای بهشتی برای آنان آماده ساخته، که نهرها از پای درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است رستگاری و
ٱلْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ ٱلْأَعْرَابِ مُنَٰفِقُونَ ۖ وَمِنْ أَهْلِ
پیروزی بزرگ! (۱۰۰) و از (میان) اعراب بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل
ٱلْمَدِينَةِ ۖ مَرَدُوا۟ عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ ۖ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ۚ سَنُعَذِّبُهُم
مدینه (نیز)،گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می‌کنیم (:مجازاتی در زمان
مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾ وَءَاخَرُونَ ٱعْتَرَفُوا۟
حیات، ومجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس به سوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می‌شوند. (۱۰۱) و گروهی دیگر (مؤمنانی هستند که)
بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا۟ عَمَلًا صَٰلِحًا وَءَاخَرَ سَيِّئًا عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ
به گناهان خود اعتراف کرده‌اند؛ و کار خوب و بد را به هم آمیخته‌اند؛ امید می‌رود که خداوند توبهٔ آنها را بپذیرد؛
عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ
به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۰۲) از اموال آنها صدقه‌ای (بعنوان زکات) بگیر،تا بوسیلهٔ آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی؛
وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ
و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایهٔ آرامش آنهاست؛ و خداوند شنواو
عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَأْخُذُ
داناست. (۱۰۳) آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می‌پذیرد، و
ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ وَقُلِ ٱعْمَلُوا۟
صدقات را می‌گیرد، و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است؟! (۱۰۴) بگو: «عمل کنید!
فَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُۥ وَٱلْمُؤْمِنُونَ ۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ
خداوند و فرستادهٔ او و مومنان، اعمال شما را می‌بینند! و بزودی، به سوی دانای
ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَءَاخَرُونَ مُرْجَوْنَ
نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید؛ و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد!» (۱۰۵) و گروهی دیگر،به فرمان خدا واگذار شده‌اند
لِأَمْرِ ٱللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾
(و کارشان با خداست)؛ یا آنها را مجازات می‌کند، و یا توبهٔ آنان را می‌پذیرد (، هر طور که شایسته باشند)؛ و خداوند دانا و حکیم است. (۱۰۶)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

(گروهي ديگر از منافقان) كساني هستند كه مسجدي ساختند براي زيان رساندن (به اسلام)،

الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ

و (تقويت) كفر، و تفرقه‌افكني ميان مؤمنان، و كمينگاهي براي كسي كه از پيش با خدا و پيامبرش مبارزه كرده بود؛

وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۖ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (١٠٧)

آنها سوگند ياد مي‌كنند كه: «جز نيكي (و خدمت)، نظري نداشته‌ايم.» امّا خداوند گواهي مي‌دهد كه آنها قطعاً دروغگو هستند. (١٠٧)

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نايست! مسجدي كه از روز نخست بر پايهٔ تقوا بنا شده،

أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ

شايسته‌تر است كه در آن (به عبادت) بايستي؛ در آن، مرداني هستند كه دوست مي‌دارند پاكيزه باشند؛ و خداوند

الْمُطَّهِّرِينَ (١٠٨) أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ

پاكيزگان را دوست دارد. (١٠٨) آيا كسي كه شالودهٔ آن را بر تقواي الهي و خشنودي او بناكرده بهتر است،

اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ

يا كسي كه شالودهٔ آن را بر كنار پرتگاه سستي بنا نموده كه ناگهان در آتش دوزخ فرو مي‌ريزد؟!

فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (١٠٩) لَا

و خداوند گروه ستمكاران را هدايت نمي‌كند. (١٠٩) بنايي را كه آنها ساختند،

يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ

همواره بصورت وسيلهٔ شك و ترديد، در دلهايشان باقي مي‌ماند؛ مگر اين‌كه دلهايشان پاره پاره شود (و بميرند؛ وگرنه، هرگز از دل آنها بيرون نمي‌رود)؛ و

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١١٠) ۞ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوند دانا و حكيم است. (١١٠) خداوند از مؤمنان، ج جان و مالشان را خريداري كرده،

أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

كه (در برابرش) بهشت براي آنان باشد؛ (به اين گونه كه:) در راه خدا پيكار مي‌كنند،

اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ

مي‌كشند و كشته مي‌شوند؛ اين وعدهٔ حقّي است بر او، كه در تورات

وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۚ فَاسْتَبْشِرُوا

و انجيل و قرآن ذكر فرموده؛ و چه كسي از خدا به عهدش وفادارتر است؟!

بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (١١١)

اكنون، به داد و ستدي كه با خدا كرده‌ايد، شادمان باشيد؛ و اين است همان رستگاري و پيروزي بزرگ! (١١١)

ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلۡعَٰبِدُونَ ٱلۡحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ

توبه‌کنندگان، عبادت کنندگان، سپاسگویان، جهادگران،

ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ ٱلۡأٓمِرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ

رکوع‌کنندگان، سجده‌گزاران، امرکنندگان به معروف،

وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ

نهی‌کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به

ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٢﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسۡتَغۡفِرُواْ

(اینچنین) مؤمنان! (۱۱۲) برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نیست که برای مشرکان، پس از آنکه

لِلۡمُشۡرِكِينَ وَلَوۡ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرۡبَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمۡ

بر آنها روشن شد که این گروه اهل دوزخند، (از خداوند) طلب آمرزش کنند،

أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا كَانَ ٱسۡتِغۡفَارُ إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ

هر چند از نزدیکانشان باشند. (۱۱۳) و استغفار ابراهیم برای پدرش [= سرپرستش که در آن زمان، عمویش آزر بود]،

إِلَّا عَن مَّوۡعِدَةٖ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوّٞ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ

فقط بخاطروعده‌ای بود که به او داده بود؛ (تا وی را به سوی ایمان جذب کند)؛ امّا هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست،

مِنۡهُۚ إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٞ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوۡمَۢا

از او بیزاری جست؛ به یقین، ابراهیم دلسوز و بردبار بود. (۱۱۴) ممکن نیست خداوند قومی را، پس از آن‌که آنها را هدایت کرد (و ایمان آوردند)

بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰهُمۡ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ

گمراه (و مجازات) کند؛ مگر آن‌که اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند)؛ زیرا خداوند به هر چیزی داناست.

﴿١١٥﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۚ وَمَا

(۱۱۵) حکومت و مالکیت آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و

لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ﴿١١٦﴾ لَّقَد تَّابَ

جز خدا، سرپرست و یاوری ندارید. (۱۱۶) به یقین خداوند رحمت خود را

ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ ٱلَّذِينَ

شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدّت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند،

ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلۡعُسۡرَةِ مِنۢ بَعۡدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ

نمود؛ بعد از آن‌که نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛

فَرِيقٖ مِّنۡهُمۡ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّهُۥ بِهِمۡ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿١١٧﴾

سپس خدا توبهٔ آنها را پذیرفت، چرا که او نسبت به آنان رئوف و مهربان است. (۱۱۷)

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا

و(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند،) تا آن جا که زمین با همهٔ وسعتش بر آنها تنگ

رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ

شد؛ (حتّی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند؛ (و) دانستند پناهگاهی در برابر عذاب خدا جز رفتن به سوی او نیست؛

إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿١١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

(۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان و راستگویان باشید.

﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا

(۱۱۹) سزاوار نیست که اهل مدینه، و کسانی از اعراب بادیه نشین که اطراف آنها هستند،

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا

از پیامبر خدا جدا شوند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم بپوشند؛

يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا

زیرا هیچگونه تشنگی وخستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ

يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا

گامی که موجب خشم کافران می‌شود برنمی‌دارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند،

إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ

مگر این‌که بخاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش

الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً

نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (۱۲۰) و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) صرف نمی‌کنند، و هیچ سرزمینی را

وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ

(به سوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی‌پیمایند، جز این که برای آنها نوشته می‌شود؛ تا خداوند آن را

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ ۞ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا

بعنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد. (۱۲۱) و شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛

كَافَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي

چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (تا طایفه‌ای در مدینه بماند)، که در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند

الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

وبه هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنهارابیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! (۱۲۲)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ ٱلْكُفَّارِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (نخست) با کافرانی که به شما نزدیکترند، پیکار کنید؛ (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نسازد.)

وَلْيَجِدُواْ فِيكُمْ غِلْظَةً ۚ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا

آنها باید در شما شدّت و قدرت، احساس کنند؛و بدانید خداوند با پرهیزگاران است. (۱۲۳) و هنگامی که

مَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَٰذِهِۦٓ إِيمَٰنًا ۚ

سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آنان (به افراد دیگر) می‌گویند: «این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزون ساخت؟!» (به آنها بگو:)

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَزَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٤﴾ وَأَمَّا

امّا کسانی که ایمان آورده‌اند، بر ایمانشان افزوده است؛ و آنها (به فضل و رحمت الهی) خوشحالند. (۱۲۴) و امّا

ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَ

کسانی که در دلهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛

مَاتُواْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ ﴿١٢٥﴾ أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِى كُلِّ

و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند. (۱۲۵) آیا آنها نمی‌بینند که در هر

عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ

سال، یک یا دو بار آزمایش (مهمی) می‌شوند؟! باز نه توبه می‌کنند، و نه متذکر می‌شوند.

﴿١٢٦﴾ وَإِذَا مَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَىٰكُم

(۱۲۶) و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، ج بعضی از آنها [= منافقان] به یکدیگر نگاه می‌کنند (و می‌گویند:)

مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ ٱنصَرَفُواْ ۚ صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا

آیا کسی شما را می‌بیند؟ سپس منصرف می‌شوند (و از حضور پیامبر بیرون می‌روند)؛ خداوند دلهایشان را (از حق) منصرف ساخته؛ چرا که آنها گروهی

يَفْقَهُونَ ﴿١٢٧﴾ لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ

هستند که نمی‌فهمند (و بی‌دانشند). (۱۲۷) به یقین، پیامبری از میان شما به سویتان آمد

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِٱلْمُؤْمِنِينَ

که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان،

رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ

رئوف و مهربان است. (۱۲۸) اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می‌کند؛

إِلَّا هُوَ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم؛ و او پروردگار عرش عظیم است.» (۱۲۹)

سُورَةُ يُونُس

ترتيبها ۱۰ — آياتها ۱۰۹

۱۰ – سوره یونس

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓر ۚ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ ﴿١﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ

الر، این آیات کتاب حکیم است (کتابی حکمت‌آمیز و استوار). (۱) آیا برای مردم، موجب شگفتی بود

أَوْحَيْنَآ إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ ٱلنَّاسَ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنَّ لَهُمْ

که به مردی از آنها وحی فرستادیم (و گفتیم:) «مردم را (از عواقب کفر و گناه) بیم ده، و به کسانی که ایمان آورده‌اند بشارت ده

قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ ۗ قَالَ ٱلْكَٰفِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ مُّبِينٌ

که برای آنها، سابقهٔ نیک [= نیکنامی و پاداش] نزد پروردگارشان است»؟! (اما) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است!»

﴿٢﴾ إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

(۲) پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛

ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ ۖ يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ ۖ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ إِذْنِهِۦ ۚ

سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده‌ای، بی اذن او نیست؛

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ إِلَيْهِ

این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید. آیا متذکّر نمی‌شوید؟! (۳) بازگشت

مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا ۚ إِنَّهُۥ يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ لِيَجْزِىَ

همهٔ شما تنها به سوی اوست. خداوند وعدهٔ حقّی فرموده؛ او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند،

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلْقِسْطِ ۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَهُمْ

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بعدالت جزا دهد؛

شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌۢ بِمَا كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾ هُوَ

و برای کسانی که کافر شدند، نوشابه‌ای از آب سوزان و عذابی دردناک است، به سزای آن‌که کفر می‌ورزیدند! (۴) او

ٱلَّذِى جَعَلَ ٱلشَّمْسَ ضِيَآءً وَٱلْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا۟

کسی است که خورشید را روشنایی بخش، و ماه را نورافشان قرار داد؛ و برای آن منزلگاههایی مقدّر کرد،

عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلْحِسَابَ ۚ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ ۚ يُفَصِّلُ

تا عدد سالها و حساب (زمان) را بدانید؛ خداوند این را جز بحق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که

ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ فِى ٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَا

آمادهٔ درک حقایقند، شرح می‌دهد. (۵) به یقین در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند

خَلَقَ ٱللَّهُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٦﴾

در آسمانها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است برای گروهی که پرهیزگارند (و حقایق را می‌پذیرند). (۶)

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا وَرَضُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَٱطْمَأَنُّوا۟ بِهَا

کسانی که امید و ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند، و (تنها) به زندگی دنیا راضی شدند و بر آن تکیه کردند،

وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ ﴿٧﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ مَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ بِمَا

و کسانی که از آیات ما غافلند، (۷) آنها جایگاهشان آتش است، به سزای

كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟

آنچه که انجام می‌دادند. (۸) (ولی) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند،

ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمْ ۖ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَٰرُ

پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می‌کند؛ از زیر (قصرهای) آنها

فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعْوَىٰهُمْ فِيهَا سُبْحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ

در باغهای پر نعمت بهشتی، نهرها جاری است. (۹) گفتار (و دعای) آنها در آنجا این است که: «خداوندا، منزهی تو!» و تحیّت آنها

فِيهَا سَلَٰمٌ ۚ وَءَاخِرُ دَعْوَىٰهُمْ أَنِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠﴾

در آن‌جا: سلام؛ و آخرین سخنشان این است که: «حمد و سپاس، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.» (۱۰)

۞ وَلَوْ يُعَجِّلُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ ٱلشَّرَّ ٱسْتِعْجَالَهُم بِٱلْخَيْرِ لَقُضِىَ

اگر همان گونه که مردم در به دست آوردن «خوبی»ها عجله دارند، خداوند (نیز) در مجازاتشان شتاب می‌کرد، (بزودی) عمرشان به پایان می‌رسید

إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ ۖ فَنَذَرُ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ

(و همگی نابود می‌شدند)؛ ولی کسانی را که امید و ایمان به لقای ما ندارند، در سرکشی و طغیانشان رها می‌کنیم تا سرگردان شوند.

﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا

(۱۱) هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال:) در حالی که به پهلو خوابیده، یانشسته، یا ایستاده است، (برای حل مشکل خود) می‌خواند؛

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَآ إِلَىٰ ضُرٍّ مَّسَّهُۥ ۚ

امّا هنگامی که زیان را از او برطرف ساختیم، چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای برطرف کردن زیانی که به او رسیده بود،

كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ

نخوانده است. این گونه برای اسرافکاران، اعمالشان زینت داده شده است (که زشتی این عمل را درک نمی‌کنند). (۱۲)

أَهْلَكْنَا ٱلْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا۟ ۙ وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ

ما اقوام پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم؛ در حالی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند،

وَمَا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْقَوْمَ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ

ولی آنها هرگز ایمان نیاوردند؛ این گونه گروه مجرمان را کیفر می‌دهیم! (۱۳) سپس

جَعَلْنَٰكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِى ٱلْأَرْضِ مِنۢ بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

شما را پس از ایشان جانشینان آنها در روی زمین قرارداديم؛ تا ببينيم شما چگونه عمل می‌کنید. (۱۴)

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٍ ۙ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

و هنگامي كه آياتِ روشنِ ما بر آنها خوانده مي‌شود، كساني كه اميد و ايمان به لقاي ما ج (و روز رستاخيز) ندارند مي‌گويند:

لِقَآءَنَا ٱئْتِ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَٰذَآ أَوْ بَدِّلْهُ ۚ قُلْ مَا يَكُونُ لِيٓ

«قرآني غير از اين بياور، يا آن را تغيير ده. (و آيات نكوهش بتها را بردار)» بگو: «براي من روا نيست كه از

أَنْ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلْقَآيِٕ نَفْسِيٓ ۖ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ ۖ إِنِّيٓ أَخَافُ

پيش خود آن را تغيير دهم؛ فقط از چيزي كه بر من وحي مي‌شود، پيروي مي‌كنم. من اگر پروردگارم را

إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُل لَّوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا تَلَوْتُهُۥ

نافرماني كنم، از مجازاتِ روزِ بزرگ (قيامت) مي‌ترسم!» (۱۵) بگو: «اگر خدا مي‌خواست، من اين (قرآن) را بر شما نمي‌خواندم؛

عَلَيْكُمْ وَلَآ أَدْرَىٰكُم بِهِۦ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن

و (خداوند) از آن آگاهتان نمي‌كرد؛ چه اين‌كه مدّتها پيش از اين، در ميان شما زندگي نمودم؛

قَبْلِهِۦٓ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ

(و هرگز آيه‌اي نياوردم؛) آيا نمي‌فهميد؟!» (۱۶) چه كسي ستمكارتر است از آن كس كه بر خدا

كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْمُجْرِمُونَ

دروغ بسته، يا آيات او را تكذيب كرد؟! به يقين مجرمان رستگار نخواهند شد.

﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ

(۱۷) آنها غير از خدا، چيزهايي را مي‌پرستندكه نه به آنان زياني مي‌رساند، و نه سودي مي‌بخشد؛

وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِ ۚ قُلْ أَتُنَبِّـُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا

و مي‌گويند: «اينها شفيعان ما نزد خدا هستند.» بگو: «آيا خدا را به چيزي خبر مي‌دهيد كه

لَا يَعْلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلْأَرْضِ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا

در آسمانها و زمين سراغ ندارد؟!» منزّه است او، و برتر است از آنچه همتاي او

يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَٱخْتَلَفُوا ۚ

قرار مي‌دهند! (۱۸) (در آغاز) همهٔ مردم جز امّت واحدي نبودند؛ سپس اختلاف كردند؛ و اگر وعدهٔ

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ

قطعي پروردگارت (دربارهٔ عدم مجازات سريع آنان) از قبل صادر نشده بود، در ميان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوري مي‌شد (و بي درنگ مجرمان به

يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۖ فَقُلْ

مجازات مي‌رسيدند). (۱۹) مي‌گويند: «چرا معجزه‌اي از پروردگارش بر او نازل نمي‌شود؟!» بگو: «غيب (و ظهور معجزات) تنها براي خدا (و به فرمان او) است.

إِنَّمَا ٱلْغَيْبُ لِلَّهِ فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

شما درانتظار باشيد، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه‌جويانه باشيد، و من هم در انتظار مجازات شما!)» (۲۰)

وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ مِّنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ إِذَا لَهُم مَّكۡرٞ فِيٓ

هنگامی که به مردم، پس از زیانی که به آنها رسیده است، رحمتی بچشانیم، در مورد آیات ما (با توجیهات ناروا) توطئه می‌کنند؛

ءَايَاتِنَاۚ قُلِ ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًاۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكۡتُبُونَ مَا تَمۡكُرُونَ ﴿٢١﴾

بگو: «تدبیر خداوند (از شما) سریع‌تر است؛ و رسولان [=فرشتگان] ما، آنچه را توطئه می‌کنید، می‌نویسند.» (۲۱)

هُوَ ٱلَّذِي يُسَيِّرُكُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَجَرَيۡنَ

او کسی است که شما را در صحرا و دریا سیر می‌دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می‌گیرید،

بِهِم بِرِيحٖ طَيِّبَةٖ وَفَرِحُواْ بِهَا جَآءَتۡهَا رِيحٌ عَاصِفٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡمَوۡجُ

و بادهای موافق کشتی نشینان را (به سوی مقصد) می‌برد و خوشحال می‌شوند، (ناگهان) طوفان شدیدی می‌وزد؛ وامواج از

مِن كُلِّ مَكَانٖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ أُحِيطَ بِهِمۡ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ

هر سو به سراغ آنها می‌آید؛ و گمان می‌کنند هلاک خواهند شد؛ (در آن هنگام) خدا را از روی خلوص عقیده می‌خوانند

لَئِنۡ أَنجَيۡتَنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّآ أَنجَىٰهُمۡ

که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود.» (۲۲) امّا هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید،

إِذَا هُمۡ يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَا بَغۡيُكُمۡ

(بار دیگر) به ناحق، در زمین ستم می‌کنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست.

عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۖ مَّتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُكُمۡ فَنُنَبِّئُكُم

از زندگی دنیا بهرهٔ (اندکی می‌برید)، سپس بازگشت شما به سوی ماست؛ و ما، شما را به آنچه

بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٢٣﴾ إِنَّمَا مَثَلُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ

عمل می‌کردید، خبر می‌دهیم. (۲۳) مَثَل زندگی دنیا، همانند آبی است که‌از آسمان نازل کرده‌ایم؛

مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ مِمَّا يَأۡكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلۡأَنۡعَٰمُ

که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین ـ که مردم و چهارپایان (از آن) می‌خورند ـ (می‌روید) و در هم فرو می‌رود؛

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلۡأَرۡضُ زُخۡرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتۡ وَظَنَّ أَهۡلُهَآ أَنَّهُمۡ

تا زمانی که‌زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته گردید، و اهل آن مطمئن شدند که می‌توانند (بی هیچ مانعی) از آن بهره‌مند گردند،

قَٰدِرُونَ عَلَيۡهَآ أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارٗا فَجَعَلۡنَٰهَا حَصِيدٗا

(ناگهان) فرمان ما، شب هنگام‌یا در روز، فرا می‌رسد؛ (و سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلّط می‌سازیم؛) و آنچنان آن را درو می‌کنیم

كَأَن لَّمۡ تَغۡنَ بِٱلۡأَمۡسِۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که‌می‌اندیشند، شرح می‌دهیم. (۲۴)

وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٢٥﴾

و خداوند به سرای صلح و آرامش دعوت می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)، به راه راست هدایت می‌نماید. (۲۵)

۞ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا

برای کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک (همانند عملشان) و افزون بر آن خواهد بود؛ و غبار (غم) و ذلّت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند؛

ذِلَّةٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۶﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا

آنها اهل بهشتند،و جاودانه در آن خواهند ماند. (۲۶) امّا کسانی که مرتکب گناهان شدند،

السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ

جزای بدی به مقدار آن دارند؛ و ذلّت و خواری، چهرهٔ آنان را می‌پوشاند؛ و هیچ نگهدارنده‌ای در برابر (مجازات) خدا برای آنان نیست. (چهره‌هایشان

كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

آنچنان گرفته است که) گویی با پاره‌هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند؛

النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۷﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ

و جاودانه در آن خواهند ماند. (۲۷) (به خاطر بیاورید) روزی را که همهٔ آنها را جمع می‌کنیم، سپس به مشرکان می‌گوییم:

أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ ۚ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ ۖ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُمْ

«شما و معبودهایتان (هر کدام) در جای خودتان باشید» سپس آنها را (برای حساب) از هم جدا می‌سازیم، و معبودهایشان

مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ﴿۲۸﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا

(به آنها) می‌گویند: «شما هرگز ما را عبادت نمی‌کردید! (۲۸) همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، که به یقین ما

عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿۲۹﴾ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ ۚ

از عبادت شما بی خبر بودیم.» (۲۹) در آن جا، هر کس عملی را که قبلاً انجام داده است، می‌آزماید. و همگی به سوی خداوند

وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

یگانه که مولا و سرپرست حقیقی آنهاست بازگردانده می‌شوند؛ و چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قرارداده بودند، از نظرشان گم و نابود می‌شوند.

﴿۳۰﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ

(۳۰) بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش

وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ

و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان)

مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۚ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ ۚ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾ فَذَٰلِكُمُ اللَّهُ

را تدبیر می‌کند؟» بزودی (در پاسخ) می‌گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید (و راه شرک می‌پویید)؟!» (۳۱) این گونه است خداوند، پروردگار حقّ

رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۖ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۖ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ﴿۳۲﴾

شما (دارای همهٔ این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی‌گردان می‌شوید؟!» (۳۲)

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾

اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلّم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد. (۳۳)

قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۚ قُلِ ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، آفرینش را آغاز می‌کند و سپس باز می‌گرداند؟!» بگو: «تنها خدا آفرینش را آغاز کرده،

ثُمَّ يُعِيدُهُۥۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ﴿٣٤﴾ قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّۚ

سپس باز می‌گرداند؛ با این حال، چرا (از حق) روی‌گردان می‌شوید؟!» (۳۴) بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کند؟!»

قُلِ ٱللَّهُ يَهۡدِي لِلۡحَقِّۗ أَفَمَن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا

بگو: «تنها خدا به حق هدایت می‌کند. آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که هدایت نمی‌شود

يَهِدِّيٓ إِلَّآ أَن يُهۡدَىٰۖ فَمَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكۡثَرُهُمۡ

مگر هدایتش کنند؟! شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!» (۳۵) و بیشتر آنها جز از گمان (و پندارهای بی‌اساس)،

إِلَّا ظَنًّاۚ إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ﴿٣٦﴾

پیروی نمی‌کنند؛ با آنکه گمان، هرگز (انسان را) از حق بی‌نیاز نمی‌سازد (و به حق نمی‌رساند). به یقین، خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است. (۳۶)

وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ أَن يُفۡتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي

ممکن نبود که این قرآن، بدون وحی الهی به خدا نسبت داده شود؛ بلکه با کتب آسمانی پیشین هماهنگ است

بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمۡ

و شرح و تفصیل کتاب (الهی) است؛ که هیچ شکی در آن نیست، و از سوی پروردگار جهانیان است. (۳۷)

يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن

آیا آنها می‌گویند: «او قرآن را بدروغ (به خدا) نسبت داده است»؟ بگو: «اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید؛

دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٣٨﴾ بَلۡ كَذَّبُواْ بِمَا لَمۡ يُحِيطُواْ بِعِلۡمِهِۦ وَلَمَّا

و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید (به یاری) فراخوانید!» (۳۸) (ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛

يَأۡتِهِمۡ تَأۡوِيلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ

بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، در حالی که هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده بود! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند؛ پس

عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣٩﴾ وَمِنۡهُم مَّن يُؤۡمِنُ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن لَّا يُؤۡمِنُ

بنگر عاقبت کار ستمکاران چگونه بود! (۳۹) بعضی از آنها، به آن ایمان می‌آورند؛ و بعضی ایمان نمی‌آورند؛

بِهِۦۚ وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٤٠﴾ وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمۡ

و پروردگارت مفسدان را بهتر می‌شناسد. (۴۰) و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من برای من، و عمل شما برای شماست،

عَمَلُكُمۡۖ أَنتُم بَرِيٓـُٔونَ مِمَّآ أَعۡمَلُ وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنۡهُم

شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم.» (۴۱) گروهی از آنان،

مَّن يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوۡ كَانُواْ لَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤٢﴾

به تو گوش فرامی‌دهند (؛ امّا گویی کر هستند). آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هرچند نفهمند؟! (۴۲)

وَمِنْهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْكَ ۚ أَفَأَنتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا

و گروهي از آنان، به سوي تو مي‌نگرند (امّا گويي هيچ نمي‌بينند)! آيا تو مي‌تواني كوران را هدايت كني،

لَا يُبْصِرُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ

هرچند نبينند؟! (۴۳) خداوند هيچ به مردم ستم نمي‌كند؛ ولي اين مردمند كه به

أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ

خويشتن ستم مي‌كنند. (۴۴) (به ياد آور) روزي را كه (خداوند) آنها را جمع خواهد كرد؛ آنچنان كه (احساس مي‌كنند) گويي جز ساعتي از

النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ ۚ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا

روز، (در دنيا) توقف نكردند؛ به آن مقدار كه يكديگر را (ببينند و) بشناسند. به يقين آنها كه لقاي خداوند (و روز رستاخيز) را تكذيب كردند، زيان بردند

مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا

وهدايت نيافتند. (۴۵) اگرما،پاره‌اي از مجازاتهايي را كه به آنها وعده مي‌دهيم، به تو نشان دهيم، و يا (پيش از آن كه گرفتار عذاب شوند،)

مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ ۖ فَإِذَا

تو را از دنيا ببريم، در هر حال، بازگشتشان به سوي ماست؛ و خداوند بر آنچه آنها انجام مي‌دادند گواه است. (۴۶) براي هر امّتي، پيامبري است؛ هنگامي كه

جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ

پيامبرشان به سوي آنان بيايد، بعدالت در ميان آنها داوري مي‌شود؛ و ستمي به آنها نخواهد شد. (۴۷) و مي‌گويند: «اگر راست مي‌گوييد،

مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا

اين وعده (مجازات) كي خواهد بود؟» (۴۸) بگو:«من (حتّي) براي خودم، مالك زيان و سودي نيستم،(تا چه‌رسدبراي‌شما!)

نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۚ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ

مگر آنچه خدا بخواهد. (اين مقدار مي‌دانم كه) براي هر قومي، اجلي (معين) است؛ هنگامي كه اجل آنها فرا رسد، (و فرمان مجازات يا مرگشان صادر شود،)

سَاعَةً ۖ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا

نه ساعتي تاخير مي‌كنند، و نه پيشي مي‌گيرند. (۴۹) بگو: «به من خبر بدهيد اگر مجازات او، شب هنگام يا در روز به سراغ شما آيد

مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنتُم بِهِ ۚ آلْآنَ

(، آيا مي‌توانيد آن را از خود دفع كنيد؟!)» پس‌مجرمان براي چه چيزي عجله مي‌كنند؟! (۵۰) آيا پس از آنكه (عذاب) واقع شد، آنگاه به آن ايمان مي‌آوريد؟!

وَقَدْ كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ

(به شما گفته مي‌شود:)، حالا (چه سودي دارد)؟! در حالي كه قبلاً براي آن عجله مي‌كرديد! (۵۱) سپس به كساني كه ستم كردند گفته مي‌شود: «عذاب ابدي

الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾ ۞ وَيَسْتَنبِئُونَكَ

را بچشيد! آيا جز به آنچه انجام مي‌داديد كيفر داده مي‌شويد؟!» (۵۲) از تو مي‌پرسند: «آيا آن (وعدهٔ مجازات الهي) حقّ است؟»

أَحَقٌّ هُوَ ۖ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ ۖ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٥٣﴾

بگو: «آري، به پروردگارم سوگند، قطعاً حق است؛ و شما نمي‌توانيد (از مجازات الهي) فرار كنيد.» (۵۳)

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسَرُّوا

و هر كس ستم كرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختيار داشته باشد، (همه را برای نجات خويش) فديه می‌دهد. و هنگامی كه عذاب را

النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۚ وَهُمْ لَا

ببينند،(پشيمان می‌شوند؛ امّا)پشيمانی خود را كتمان می‌كنند(، مبادا رسواتر شوند).و در ميان آنها، بعدالت داوری می‌شود؛ و

يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ

ستمی بر آنها نخواهد شد. (۵۴) آگاه باشيد آنچه درآسمانها و زمين است، تنها از آن خداست. آگاه باشيد وعدهٔ خدا

حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ

حق است، ولی اكثر آنها نمی‌دانند. (۵۵) او زنده می‌كند ومی‌ميراند، و به سوی او

تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ

بازگردانده می‌شويد. (۵۶) ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه

لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ

در سينه‌هاست؛ و هدايت و رحمتی است برای مومنان. (۵۷) بگو: «تنها به فضل خدا

وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ

و رحمت او بايد خوشحال شوند؛ كه اين،از تمام آنچه گردآوری می‌كنند، بهتر است.» (۵۸) بگو:

أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا

«به من خبر بدهيد (چرا) روزيهايی را كه خداوند بر شما نازل كرده، بعضی از آن را حرام، و بعضی را حلال قرار داده‌ايد؟!»

قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ ۖ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ

بگو: «آيا خداوند به شما اجازهٔ (چنين كاری) داده، يا بر خدا افترا می‌بنديد (و از پيش خود، حلال و حرام درست می‌كنيد)؟!» (۵۹) آنها كه بر خدا به دروغ افترا

يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى

می‌بندند، دربارهٔ (مجازات) روز رستاخيز، چه گمان می‌كنند؟! خداوند نسبت به همهٔ مردم دارای فضل

النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا

(و رحمت) است، امّا اكثر آنها سپاسگزاری نمی‌كنند. (۶۰) در هيچ حال (و انديشه‌ای) نيستی،

تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا

و هيچ قسمتی از قرآن را از جانب خداوند، تلاوت نمی‌كنی، و هيچ عملی را انجام نمی‌دهيد، مگر اين‌كه در آن هنگام كه وارد آن می‌شويد

إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ

ما گواه بر شما هستيم. و هيچ چيز در زمين و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند؛ حتّی به اندازهٔ سنگينی ذرّه‌ای؛

وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾

و نه كوچكتر و نه بزرگتر از آن نيست، مگر اين‌كه (همهٔ آنها) در كتابِ آشكار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است. (۶۱)

أَلَآ إِنَّ أَوْلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند. (۶۲)

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَكَانُوا۟ يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ ٱلْبُشْرَىٰ فِى ٱلْحَيَوٰةِ

همان کسانی که ایمان آوردند، و(از مخالفت فرمان خدا، پیوسته) پرهیز می‌کردند. (۶۳) شادمانی (حقیقی) در زندگی

ٱلدُّنْيَا وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ ۚ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ

دنیا و در آخرت تنها برای آنهاست؛ وعده های الهی تخلف‌ناپذیر است! این است آن رستگاری و

ٱلْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۚ

پیروزی بزرگ! (۶۴) سخن آنها تو را غمگین نسازد! تمام عزّت (و قدرت)، از آنِ خداست؛

هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن

و او شنوا و داناست. (۶۵) آگاه باشید کسانی که در آسمانها و کسانی که

فِى ٱلْأَرْضِ ۗ وَمَا يَتَّبِعُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ

در زمین هستند، تعلق به خدا دارند. و آنها که غیر خدا را همتای او می‌خوانند،

شُرَكَآءَ ۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾

(از منطق و دلیلی) پیروی نمی‌کنند؛ آنها تنها از گمان بی‌اساس پیروی می‌نمایند و تخمین و حدس (واهی) می‌زنند.

هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ

(۶۶) او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید؛و روز را روشنی بخش

مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا۟

(تا به تلاش برای زندگی بپردازید). در این (نظام نور و ظلمت) نشانه‌هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند! (۶۷) گفتند:

ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًا ۗ سُبْحَٰنَهُۥ ۖ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ۖ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ

«خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است». (بدانید او از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزّه است! او بی‌نیاز است. از آنِ اوست آنچه در آسمانها

وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ إِنْ عِندَكُم مِّن سُلْطَٰنٍۭ بِهَٰذَآ ۚ أَتَقُولُونَ

و آنچه در زمین است. شما هیچ گونه دلیلی بر این ادّعا ندارید. آیا چیزی را که نمی‌دانید

عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ

به خدا نسبت می‌دهید؟! (۶۸) بگو:«آنها که به خدا دروغ می‌بندند، (هرگز)

ٱلْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَٰعٌ فِى ٱلدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ

رستگار نمی‌شوند. (۶۹) (برای آنها) بهره‌ای (ناچیز) از دنیا است؛ سپس بازگشتشان به سوی ماست؛

ثُمَّ نُذِيقُهُمُ ٱلْعَذَابَ ٱلشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

و آنگاه، مجازات شدیدی به سزای کفرشان به آنها می‌چشانیم!» (۷۰)

وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ نُوحٍ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكُم

سرگذشت نوح را بر آنها بخوان؛ در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر موقعیت من و تذکراتم نسبت به آیات‌الهی، بر شما سنگین (و سخت)

مَّقَامِي وَتَذۡكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡتُ فَأَجۡمِعُوٓاْ أَمۡرَكُمۡ

است، (هر کاری از شما ساخته است بکنید.) من بر خدا توکّل کرده‌ام! (شما اگر می‌توانید) توانایی خود و معبودهایتان را جمع کنید؛ سپس هیچ چیز از امورتان

وَشُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُنۡ أَمۡرُكُمۡ عَلَيۡكُمۡ غُمَّةٗ ثُمَّ ٱقۡضُوٓاْ إِلَيَّ وَلَا

بر شما پوشیده نماند؛ (و تمام جوانب کارتان را بنگرید؛) سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلتم ندهید! (امّا کاری از شما ساخته نیست.)

تُنظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَمَا سَأَلۡتُكُم مِّنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى

(۷۱) و اگر (از قبول دعوتم) روی بگردانید، (کار نادرستی کرده‌اید؛ چه این‌که) من از شما هیچ اجر و پاداشی نمی‌خواهم؛ اجر من، تنها بر خداست!

ٱللَّهِۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٧٢﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَمَن

و من مأمورم که از مسلمانان (و تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا) باشم.» (۷۲) سرانجام آنها او را تکذیب کردند. و ما

مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ خَلَٰٓئِفَ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَاۖ

او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم؛ و آنان را جانشین (و وارث کافران) قراردادیم؛ و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند،

فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ رُسُلًا

غرق نمودیم. پس ببین عاقبتِ کار کسانی که انذار شدند (و نپذیرفتند)، چگونه بود! (۷۳) سپس بعد از او [= نوح]، پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم؛

إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِۦ مِن

آنان دلایل روشن برایشان آوردند؛ امّا آنها، (بر اثر لجاجت) به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند.

قَبۡلُۚ كَذَٰلِكَ نَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِم

اینچنین بر دلهای تجاوزکاران مهر می‌نهیم (تا چیزی را درک نکنند). (۷۴) بعد از آنها،

مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ بِـَٔايَٰتِنَا فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا

موسی و هارون را با نشانه‌های خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم؛ امّا آنها تکبّر کردند و (زیر بار حق نرفتند؛ چرا که آنها) گروهی

مُّجۡرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰذَا لَسِحۡرٞ

مجرم بودند. (۷۵) و هنگامی که حق از جانب ما به سراغ آنها آمد، گفتند: «این، سحری است

مُّبِينٞ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمۡۖ أَسِحۡرٌ هَٰذَا وَلَا

آشکار!» (۷۶) موسی گفت: «آیا دربارهٔ حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می‌گویید؟! آیا این سحر است؟! در حالی که ساحران (هرگز)

يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَلۡفِتَنَا عَمَّا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَا

رستگار (و پیروز) نمی‌شوند.» (۷۷) گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، منصرف سازی؛

وَتَكُونَ لَكُمَا ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا نَحۡنُ لَكُمَا بِمُؤۡمِنِينَ ﴿٧٨﴾

و بزرگی (و ریاست) در روی زمین، از آنِ شما دو نفر باشد؟! ما (هرگز) به شما ایمان نمی‌آوریم!» (۷۸)

ص :۲۱۷

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ٱئْتُونِى بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ

فرعون گفت: «(بروید و) هر ساحر ماهري را نزد من آورید.» (۷۹) هنگامي که ساحران (براي مبارزه) آمدند،

لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُوا۟ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّآ أَلْقَوْا۟ قَالَ مُوسَىٰ مَا

موسي به آنها گفت: «آنچه (از وسايل سحر) را مي‌خواهيد بيفکنيد،بيفکنيد!» (۸۰) هنگامي که افکندند، موسي گفت:

جِئْتُم بِهِ ٱلسِّحْرُ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبْطِلُهُۥٓ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ ٱلْمُفْسِدِينَ

«آنچه شما انجام داديد، سحر است؛ که خداوند بزودي آن را باطل مي‌کند؛چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمي‌کند.

﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَآ

(۸۱) و او حق را به وعده‌هاي خويش، تحقق مي‌بخشد؛ هر چند مجرمان ناخشنود باشند!» (۸۲) (در آغاز،)

ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِۦ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَ

هيچ کس به موسي ايمان نياورد، مگر گروهي از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و

مَلَإِي۟هِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ ۚ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ

اطرافيانش، مبادا آنها راشکنجه کنند؛ زيرا فرعون، برتري‌جويي در زمين داشت؛ و از

ٱلْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰقَوْمِ إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوٓا۟

اسرافکاران بود. (۸۳) موسي گفت: «اي قوم من! اگر شما به خدا ايمان آورده‌ايد، و تسليم فرمان او هستيد،

إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً

تنها بر او توکل کنيد.» (۸۴) آنها گفتند: «تنها بر خدا توکّل داريم؛ پروردگارا! ما را مورد شکنجهٔ

لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٨٦﴾

گروه ستمکاران قرارمده. (۸۵) و ما را با رحمتت از (شرّ) گروه کافران رهايي بخش.» (۸۶)

وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَٱجْعَلُوا۟

و به موسي و برادرش وحي کرديم که: «براي قوم خود، خانه‌هايي در سرزمين مصر آماده کنيد؛ و خانه‌هايتان را مقابل يکديگر (و متمرکز) قراردهيد؛

بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾

و نماز را برپا داريد؛ و به مومنان بشارت ده (که سرانجام پيروز مي‌شوند.)» (۸۷)

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَآ إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةً وَأَمْوَٰلًا فِى

موسي گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافيانش را زينت و اموالي (سرشار) در

ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا۟ عَن سَبِيلِكَ ۖ رَبَّنَا ٱطْمِسْ عَلَىٰٓ أَمْوَٰلِهِمْ

زندگي دنيا داده‌اي، پروردگارا! در نتيجه (آنها بندگانت را) از راه تو گمراه مي‌سازند. پروردگارا!اموالشان را نابود کن؛

وَٱشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا۟ حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

و (به جرم گناهانشان،) دلهايشان را سخت و سنگين ساز، که ايمان نياورند تا عذاب دردناک را ببينند.» (۸۸)

قَالَ قَدۡ أُجِيبَت دَّعۡوَتُكُمَا فَٱسۡتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ ٱلَّذِينَ

فرمود: «دعای شما پذیرفته شد. استقامت به خرج دهید! و از راه (و رسم) کسانی که نمی‌دانند،

لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٨٩﴾ ۞ وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتۡبَعَهُمۡ

تبعیّت نکنید.» (۸۹) (سرانجام) بنی‌اسرائیل را از دریا [= رود عظیم نیل] عبور دادیم؛

فِرۡعَوۡنُ وَجُنُودُهُۥ بَغۡيٗا وَعَدۡوًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدۡرَكَهُ ٱلۡغَرَقُ قَالَ ءَامَنتُ

و فرعون و لشکریانش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند؛ تا زمانی که غرقاب دامن او را گرفت،

أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتۡ بِهِۦ بَنُوٓاْ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٩٠﴾

گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم.» (۹۰)

ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ عَصَيۡتَ قَبۡلُ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَٱلۡيَوۡمَ

(امّا به او خطاب شد:) الآن؟! در حالی که قبلاً نافرمانی کردی، و ج‌از مفسدان بودی! (۹۱) ولی امروز،

نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنۡ خَلۡفَكَ ءَايَةٗۚ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ

بدنت را (از آب) نجات می‌دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی. و بسیاری از مردم،

عَنۡ ءَايَٰتِنَا لَغَٰفِلُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَقَدۡ بَوَّأۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مُبَوَّأَ صِدۡقٖ

از نشانه‌های (عبرت‌انگیز) ما غافلند. (۹۲) (سپس) بنی‌اسرائیل را در جایگاه خوبی منزل دادیم؛

وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ فَمَا ٱخۡتَلَفُواْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُۚ إِنَّ رَبَّكَ

و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم؛ (امّا آنها به نزاع برخاستند.) و اختلاف نکردند، مگر بعد از آن‌که علم و آگاهی به سراغشان آمد. پروردگار تو روز

يَقۡضِي بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِن كُنتَ

قیامت، در آنچه اختلاف می‌کردند، میان آنها داوری می‌کند. (۹۳) و اگر در آنچه‌بر تو

فِي شَكّٖ مِّمَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ فَسۡـَٔلِ ٱلَّذِينَ يَقۡرَءُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِن

نازل کرده‌ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند بپرس؛

قَبۡلِكَۚ لَقَدۡ جَآءَكَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ

به یقین، حق از طرف پروردگارت به تو رسیده است؛ بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش![مسلّماً او تردیدی نداشت و این درسی برای مردم بود!]

﴿٩٤﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ

(۹۴) و هرگز از کسانی مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که از زیانکاران خواهی بود.

ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتۡ عَلَيۡهِمۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ

(۹۵) (و بدان) کسانی که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته، (و به جرم اعمالشان، توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز)ایمان نمی‌آورند.

﴿٩٦﴾ وَلَوۡ جَآءَتۡهُمۡ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ﴿٩٧﴾

(۹۶) هر چند تمام آیات به آنان برسد، تا زمانی که عذاب دردناک را ببینند! (زیرا تاریکی گناه، قلبهایشان را فراگرفته است.)(۹۷)

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَآ إِيمَٰنُهَآ إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ
چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند تا ایمانشان سبب نجاتشان شود؟! مگر قوم یونس،
ءَامَنُوا۟ كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْىِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَتَّعْنَٰهُمْ إِلَىٰ
هنگامی که آنها ایمان آوردند،عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدّت معیّنی [= سر آمدن اجلشان] آنها را
حِينٍ (۹۸) وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَءَامَنَ مَن فِى ٱلْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا
بهره‌مند ساختیم. (۹۸) و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی (به اجبار) ایمان می‌آوردند؛
أَفَأَنتَ تُكْرِهُ ٱلنَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ (۹۹) وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ
آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!) (۹۹) و هیچ‌کس نمی‌تواند ایمان بیاورد،
أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَيَجْعَلُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ
جز به خواست خدا (و توفیق و یاری و هدایت او). و خداوند، پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند.
(۱۰۰) قُلِ ٱنظُرُوا۟ مَاذَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِى ٱلْءَايَٰتُ
(۱۰۰) بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات عظمت خدا) در آسمانها و زمین است؟» امّا این آیات و انذارها برای کسانی که
وَٱلنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱) فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ
(بخاطر لجاجت) ایمان نمی‌آورندمفید نخواهد بود. (۱۰۱) آیا آنها (چیزی) جز همانند
أَيَّامِ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ
روزهای (مجازات) پیشینیان را انتظار می‌کشند؟! بگو: «شما انتظار بکشید،من نیز با شما
ٱلْمُنتَظِرِينَ (۱۰۲) ثُمَّ نُنَجِّى رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۚ كَذَٰلِكَ
انتظار می‌کشم!» (۱۰۲) سپس (هنگام نزول بلا و مجازات،) پیامبران خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می‌آوردند، نجات می‌دادیم
حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۱۰۳) قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ فِى شَكٍّ مِّن
و همین گونه، بر ما لازم است که مؤمنان (به تو) را (نیز) نجات بخشیم. (۱۰۳) بگو: «ای مردم! اگر در آیین من شک دارید،
دِينِى فَلَآ أَعْبُدُ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِى
من کسانی را که جز خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم! تنها خداوندی را پرستش می‌کنم که شما را می‌میراند؛
يَتَوَفَّىٰكُمْ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۱۰۴) وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ
و من مامورم که از مؤمنان باشم. (۱۰۴) و (به من دستور داده شده که:) روی خود را با اخلاص
لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۱۰۵) وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ
به آیین الهی متوجّه ساز؛ و از مشرکان مباش! (۱۰۵) و جز خدا، چیزی را که نه سودی
ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ (۱۰۶)
به تو می‌رساند و نه زیانی، مخوان (و پرستش مکن)! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود. (۱۰۶)

۱۱ – سوره هود

وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ

و اگر خداوند، (برای امتحان و مانند آن،) زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف کند؛ و اگر ارادهٔ خیری برای تو کند،

لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۱۰۷﴾

هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می‌رساند؛ و او آمرزنده و مهربان است.» (۱۰۷)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي

بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد،

لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ﴿۱۰۸﴾

به نفع خود هدایت می‌شود؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و من مأمور(به اجبار) شما نیستم.» (۱۰۸)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿۱۰۹﴾

و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن، و شکیبا باش (و استقامت نما)، تا خداوند حکم (پیروزی) را صادر کند؛ و او بهترین حاکمان است. (۱۰۹)

سُورَةُ هُودٍ

ترتیبها ۱۱ — آیاتها ۱۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿۱﴾

الر، این کتابی است که آیاتش استوار گردیده؛ سپس (هر مطلبی در جایگاه خود) بیان شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است. (۱)

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿۲﴾ وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا

(دعوت من این است) که: جز خداوند یگانه را نپرستید. من از سوی او برای شما بیم‌دهنده و بشارت دهنده‌ام. (۲) و: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛

رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ

سپس به سوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدّت معیّنی، از مواهب خوب (زندگی این جهان،) بهره‌مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی،

كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

به مقدار فضیلتش عطا کند؛ و اگر (از این دعوت) روی‌گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم!

كَبِيرٍ ﴿۳﴾ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۴﴾ أَلَا إِنَّهُمْ

(۳) (بدانید) بازگشت شما تنها بسوی خداوند یگانه است؛ و او بر هر چیزی تواناست. (۴) آگاه باشید، آنها (برای نجوا،) سینه‌هاشان را در کنار

يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ

هم قرار می‌دهند، تا خود (و سخنان خویش) را از او [= پیامبر] پنهان دارند. آگاه باشید، آنگاه که آنها لباسهایشان را به خود می‌پیچند و خویش را در آن

يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۵﴾

پنهان می‌کنند، (خداوند) آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند می‌داند؛ چرا که او، از اسرار درون سینه‌ها، آگاه است. (۵)

الجزء ۱۲ الحزب ۲۳

۞ وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست. او قرارگاه و محل نقل و انتقالشان را می‌داند؛

وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ

همهٔ اینها در کتاب مبین (لوح محفوظ) ثبت است. (۶) او کسی است که

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُۥ عَلَى ٱلْمَآءِ

آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ وعرش (قدرت) او، بر آب قرار داشت؛ (و جهان در آغاز تودهٔ مذابی بود،

لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ

او آن را آفرید) تا شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است. و اگر (به آنها) بگویی: «شما

مِنۢ بَعْدِ ٱلْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید.»، به یقین کافران می‌گویند: «این سحری آشکار است!»

﴿٧﴾ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ إِلَىٰٓ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا

(۷) و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا) می‌گویند:

يَحْبِسُهُۥٓ ۗ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا

«چه چیز مانع آن شده است؟!» آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید،از آنها بازگردانده نخواهد شد؛ و آنچه را

كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً

مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گیرد. (۸) و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم،

ثُمَّ نَزَعْنَٰهَا مِنْهُ إِنَّهُۥ لَيَـُٔوسٌ كَفُورٌ ﴿٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ

سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود. (۹) و اگر بعد از ناراحتی و زیانی که به او رسیده،

نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّيٓ ۚ إِنَّهُۥ

نعمتهایی به او بچشانیم، به یقین می‌گوید: «بدی‌ها از من برطرف شده، (و دیگر باز نخواهد گشت).»

لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿١٠﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ

و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می‌شود؛ (۱۰) مگر آنها که (در سایهٔ ایمان راستین،) صبر واستقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛

لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌۢ بَعْضَ مَا يُوحَىٰٓ

که برای آنها، آمرزش و اجر بزرگی است. (۱۱) شاید (ابلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می‌شود، (به خاطر عدم پذیرش آنها)

إِلَيْكَ وَضَآئِقٌۢ بِهِۦ صَدْرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَآءَ

ترک کنی (و به تاخیر اندازی)؛ و سینه‌ات از این جهت تنگ (و ناراحت) شود که می‌گویند: «چرا گنجی بر او نازل‌نشده و یا چرا فرشته‌ای همراه

مَعَهُۥ مَلَكٌ ۚ إِنَّمَآ أَنتَ نَذِيرٌ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾

او نیامده است؟!»(نگران مباش! چرا که) تو فقط بیم دهنده‌ای؛ و خداوند، نگاهبان و ناظر بر همه چیز است (؛ و به حساب آنان می‌رسد). (۱۲)

أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِعَشۡرِ سُوَرٖ مِّثۡلِهِۦ مُفۡتَرَيَٰتٖ وَٱدۡعُواْ

آیا می‌گویند: «او به دروغ قرآن را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)»! بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سورهٔ ساختگی همانند این قرآن بیاورید؛ و

مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٣﴾ فَإِلَّمۡ

هر کس را که می‌توانید - غیر از خدا - (برای این کار) دعوت کنید» (۱۳) و اگر

يَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أُنزِلَ بِعِلۡمِ ٱللَّهِ وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَهَلۡ

کافران دعوت شما را نپذیرفتند (به آنها بگویید:)، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل شده؛ و هیچ معبودی جز او نیست. آیا

أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿١٤﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ

(با این حال،) تسلیم (حق) می‌شوید؟! (۱۴) کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند،

إِلَيۡهِمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فِيهَا وَهُمۡ فِيهَا لَا يُبۡخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ

(نتیجهٔ) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می‌دهیم؛ و چیزی در این (دنیا) از آنها کم و کاست نخواهد شد. (۱۵) (ولی) آنها کسانی هستند که در

لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٞ مَّا

آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت؛ و آنچه را در دنیا (برای غیرخدا) انجام دادند، نابود می‌شود؛ و آنچه را عمل می‌کردند،

كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ وَيَتۡلُوهُ

باطل و بی‌اثر خواهد شد. (۱۶) آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و به دنبال آن، شاهدی از سوی (خدا) آمده،

شَاهِدٞ مِّنۡهُ وَمِن قَبۡلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامٗا وَرَحۡمَةًۚ أُوْلَٰٓئِكَ

و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بوده (گواهی بر آن می‌دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟!

يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِهِۦ مِنَ ٱلۡأَحۡزَابِ فَٱلنَّارُ مَوۡعِدُهُۥۚ فَلَا تَكُ

آنها [= حق طلبان] به او ایمان می‌آورند. و هر کس از گروههای مخالف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست. پس،

فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُۚ إِنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ

تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت؛ ولی بیشتر مردم

لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ

ایمان نمی‌آورند. (۱۷) چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته؟!

يُعۡرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمۡ وَيَقُولُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ

آنان، (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند، در حالی که شاهدان [= پیامبران و فرشتگان] می‌گویند: «اینها همان کسانی هستند که به

عَلَىٰ رَبِّهِمۡۚ أَلَا لَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٨﴾ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ

پروردگارشان دروغ بستند. اینک لعنت خدا بر ستمکاران باد!» (۱۸) همانها که (مردم را)

عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ﴿١٩﴾

از راه خدا باز می‌دارند؛ و (با القای شبهات) آن را کج و معوج نشان می‌دهند؛ و به سرای آخرت کافرند. (۱۹)

أُوْلَـٰٓئِكَ لَمۡ يَكُونُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ

آنها هیچ‌گاه توانایی فرار از کیفر خدا را در زمین نداشتند؛ و جز خدا، پشتیبانهایی نمی‌یافتند.

ٱللَّهِ مِنۡ أَوۡلِيَآءَۘ يُضَٰعَفُ لَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ مَا كَانُواْ يَسۡتَطِيعُونَ ٱلسَّمۡعَ وَمَا

عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود؛(چرا که هم خودشان گمراه بودند، و هم دیگران را گمراه ساختند؛) آنها هرگز توانایی

كَانُواْ يُبۡصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَضَلَّ

شنیدن (حق را) نداشتند؛ و (حقیقت را) نمی‌دیدند. (۲۰) آنان‌کسانی هستند که سرمایهٔ وجود خود را از دست داده‌اند؛

عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ

و از آنچه را به دروغ همتای خدا می‌پنداشتند از نظرشان گم شد. (۲۱) بی تردید آنها در آخرت، از همه

ٱلۡأَخۡسَرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَٰتِ وَأَخۡبَتُوٓاْ

زیانکارترند! (۲۲) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر

إِلَىٰ رَبِّهِمۡ أُوْلَـٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٣﴾ ۞

پروردگارشان خاضع و تسلیم بودند، آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (۲۳)

مَثَلُ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ كَٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡأَصَمِّ وَٱلۡبَصِيرِ وَٱلسَّمِيعِۚ هَلۡ

حال این دو گروه [= مؤمنان و منکران]حال «نابینا و ناشنوا» و «بینا و شنوا» است؛

يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ إِنِّي

آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (۲۴) و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم

لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾ أَن لَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ

(؛ او به آنها گفت): «من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم. (۲۵) جز خدای یگانه را نپرستید؛ زیرا بر شما از

عَذَابَ يَوۡمٍ أَلِيمٖ ﴿٢٦﴾ فَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ

عذاب روز دردناکی می‌ترسم!» (۲۶) اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم؛

مَا نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرٗا مِّثۡلَنَا وَمَا نَرَىٰكَ ٱتَّبَعَكَ إِلَّا ٱلَّذِينَ هُمۡ

و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز افراد پست ساده‌لوح، مشاهده نمی‌کنیم؛

أَرَاذِلُنَا بَادِيَ ٱلرَّأۡيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن فَضۡلِۭ بَلۡ نَظُنُّكُمۡ

و برای شما فضیلتی‌نسبت به خود نمی‌بینیم؛ بلکه گمان می‌کنیم که شما دروغگو هستید.»

كَٰذِبِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي

(۲۷) گفت: «ای قوم من! به من خبر دهید اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم، و او از سوی خود رحمتی که شما از آن بی خبرید، به من داده باشد

رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِهِۦ فَعُمِّيَتۡ عَلَيۡكُمۡ أَنُلۡزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمۡ لَهَا كَٰرِهُونَ ﴿٢٨﴾

(آیا باز هم رسالت مرا انکار می‌کنید)؟! آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با این‌که شما کراهت دارید؟! (۲۸)

وَيَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مَالًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۚ وَمَآ أَنَا۠

«ای قوم من! به خاطر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من، تنها بر خداست. و من، کسانی را که ایمان آورده‌اند، (بخاطر شما) از خود طرد

بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۚ إِنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا

نمی‌کنم؛چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد؛ (اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود؛) ولی شما را گروهی می‌بینم که

تَجۡهَلُونَ (٢٩) وَيَٰقَوۡمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمۡۚ أَفَلَا

جهالت به خرج می‌دهید. (۲۹) ای قوم من ! چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می‌دهد اگر آنان را طرد کنم؟!

تَذَكَّرُونَ (٣٠) وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ

آیا متذکر نمی‌شوید؟! (۳۰) من هرگز به شما نمی‌گویم خزائن الهی نزد من است؛ و غیب هم نمی‌دانم؛ (جز آنچه خدا به من بیاموزد)

وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٞ وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزۡدَرِيٓ أَعۡيُنُكُمۡ لَن يُؤۡتِيَهُمُ

و نمی‌گویم من فرشته‌ام؛ و (نیز) نمی‌گویم کسانی که در نظر شما خوار می‌آیند، خداوند خیری به آنها نخواهد داد؛ خدا از آنچه در دل آنهاست آگاهتر است.

ٱللَّهُ خَيۡرًاۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا فِيٓ أَنفُسِهِمۡ إِنِّيٓ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ (٣١) قَالُواْ

(و اگر آنها را از خود برانم،) در این صورت از ستمکاران خواهم بود.» (۳۱) گفتند:

يَٰنُوحُ قَدۡ جَٰدَلۡتَنَا فَأَكۡثَرۡتَ جِدَٰلَنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ

«ای نوح! با ما جرّ و بحث کردی، و زیاد مجادله کردی! (بس است!) اکنون اگر راست می‌گویی، آنچه را (از عذاب الهی)

مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ (٣٢) قَالَ إِنَّمَا يَأۡتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ وَمَآ أَنتُم

به ما وعده می‌دهی بیاور!» (۳۲) (نوح) گفت: «اگر خدا اراده کند، (عذابش را) خواهد آورد؛ و شما قدرت فرار (از آن را)

بِمُعۡجِزِينَ (٣٣) وَلَا يَنفَعُكُمۡ نُصۡحِيٓ إِنۡ أَرَدتُّ أَنۡ أَنصَحَ لَكُمۡ إِن كَانَ

نخواهید داشت! (۳۳) و هر گاه خدا بخواهد شما را (به خاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز

ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغۡوِيَكُمۡۚ هُوَ رَبُّكُمۡ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ (٣٤) أَمۡ

من سودی به حالتان نخواهد داشت. او پروردگار شماست؛ و به سوی او بازگشت داده می‌شوید.» (۳۴) آیا (مشرکان) می‌گویند:

يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَعَلَيَّ إِجۡرَامِي وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا

«او [= محمد] قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است.»؟! بگو: «اگر من آن را به دروغ به خدا نسبت داده باشم، گناهش بر عهده من است؛ ولی من از گناهانی

تُجۡرِمُونَ (٣٥) وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُۥ لَن يُؤۡمِنَ مِن قَوۡمِكَ إِلَّا

که شما مرتکب می‌شوید بیزارم.» (۳۵) به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد.

مَن قَدۡ ءَامَنَ فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ (٣٦) وَٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ

پس، از کارهایی که انجام می‌دادند، غمگین مباش. (۳۶) و (اکنون) در محضر ما و طبق وحی ما، کشتی بساز.

بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ (٣٧)

و دربارهٔ آنها که ستم کردند با من سخن مگو (و شفاعت مکن،) که (همهٔ) آنها غرق شدنی هستند!» (۳۷)

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ ۚ

او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند؛

قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَسَوْفَ

(ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین گونه مسخره خواهیم کرد. (۳۸) بزودی خواهید

تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾

دانست چه کسی عذاب رسوا کننده به سراغش خواهد آمد، و عذاب ابدی بر او وارد خواهد شد!» (۳۹)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ

(این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرارسید، و تنور جوشیدن گرفت؛ (به نوح) گفتیم: «از هر یک از انواع حیوانات، یک جفت (نر و ماده)

اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ ۚ وَمَا آمَنَ

در آن (کشتی) حمل کن. همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) مگر آنها که قبلاً وعدهٔ هلاک آنان داده شده [= همسر و یکی از فرزندانت]؛ و همچنین

مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾ ۞ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا

مؤمنان را.» امّا جز عدهٔ کمی همراه او ایمان نیاوردند. (۴۰) او گفت: «بر آن (کشتی) سوار شوید به نام خدا؛ در هنگام حرکت آن و توقفش،

وَمُرْسَاهَا ۚ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ

که پروردگارم آمرزنده و مهربان است.» (۴۱) و کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوهها حرکت می‌داد؛

وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا

(در این هنگام،) نوح فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو،

وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي

و با کافران مباش!» (۴۲) گفت: «بزودی به کوهی پناه می‌برم که مرا از آب حفظ می‌کند!»

مِنَ الْمَاءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ۚ وَحَالَ

(نوح) گفت: «امروز هیچ نگهدارنده‌ای در برابر فرمان خدا نیست؛ مگر آن کس را که او رحم کند.» در این هنگام،

بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي

موج در میان آن دو جدایی افکند؛ و او در زمرهٔ غرق شدگان قرارگرفت! (۴۳) و گفته شد: «ای زمین، آبت را فروبر!

مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى

و ای آسمان، (از بارش) خودداری کن!» و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنهٔ کوه) جودی، پهلو گرفت؛

الْجُودِيِّ ۖ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ

و (در این هنگام،) گفته شد: «دور باد گروه ستمکاران (از رحمت خدا)!» (۴۴) نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا!

إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٤٥﴾

پسرم از خاندان من است؛ و وعدهٔ تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو بهترین حکم‌کنندگانی.» (۴۵)

قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ ۖ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٍ ۖ فَلَا تَسْـَٔلْنِ

فرمود: «ای نوح! او از خاندان تو نیست؛ او عمل غیرصالحی است [= فرد ناشایسته‌ای است]؛ پس، آنچه را از آن آگاه نیستی،

مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ ۖ إِنِّىٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَ

از من مخواه؛ من به تو اندرز می‌دهم که از جاهلان نباشی.» (۴۶) عرض کرد:

رَبِّ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِى بِهِۦ عِلْمٌ ۖ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِى

«پروردگارا! من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم. و اگر مرا نیامرزی،

وَتَرْحَمْنِىٓ أَكُن مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٤٧﴾ قِيلَ يَٰنُوحُ ٱهْبِطْ بِسَلَٰمٍ

و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود.» (۴۷) (به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت

مِّنَّا وَبَرَكَٰتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَكَ ۚ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ

و برکاتی از ناحیهٔ ما بر تو و بر تمام امتهایی که با تواند، فرود آی! و امتهایی نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره‌مند خواهیم ساخت،

يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾ تِلْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهَآ

سپس (به سبب کفران نعمت) عذاب دردناکی از سوی ما به آنها می‌رسد.» (۴۸) (ای پیامبر!) اینها از اخبار غیبی است

إِلَيْكَ ۖ مَا كُنتَ تَعْلَمُهَآ أَنتَ وَلَا قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَٰذَا ۖ فَٱصْبِرْ ۖ إِنَّ

که به تو وحی می‌کنیم؛ نه تو، و نه قومت،اینهارا پیش از این نمی‌دانستید. بنابراین، صبر و استقامت کن، که

ٱلْعَٰقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۚ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟

عاقبت از آن پرهیزگاران است. (۴۹) و به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آنها) گفت:«ای قوم من! خدا را پرستش کنید،

ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ ۖ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾

که معبودی جز او برای شما نیست؛ شما فقط افترا می‌بندید (و بتها را همتای او می‌خوانید). (۵۰)

يَٰقَوْمِ لَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِى فَطَرَنِىٓ ۚ

ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی‌طلبم؛ پاداش من، تنها برکسی است که مرا آفریده است؛

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾ وَيَٰقَوْمِ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ

آیا نمی‌اندیشید؟! (۵۱) و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او باز گردید،

يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ

تا باران را پی در پی بر شما بفرستد؛ ونیرویی بر نیرویتان بیفزاید، و گنهکارانه،

وَلَا تَتَوَلَّوْا۟ مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا۟ يَٰهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا

روی (از حق) برنتابید.» (۵۲) گفتند: «ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده‌ای؛

نَحْنُ بِتَارِكِىٓ ءَالِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾

و ما خدایان خود را بخاطر گفتار تو، رها نخواهیم کرد! و ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم». (۵۳)

إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعْتَرَىٰكَ بَعْضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٍ ۗ قَالَ إِنِّىٓ أُشْهِدُ ٱللَّهَ

ما (دربارهٔ تو) فقط می‌گوییم: «بعضی از خدایان ما، به (عقل) تو آسیب رسانده‌اند.» (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می‌طلبم، شما نیز گواه باشید

وَٱشْهَدُوٓا۟ أَنِّى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ مِن دُونِهِۦ ۖ فَكِيدُونِى جَمِيعًا

که من از آنچه همتای (خدا) قرار می‌دهید، بیزارم (۵۴) (بیزار از آنچه) غیر او (می‌پرستید)! حال که چنین است، همگی برای من توطئه کنید؛ و مهلتم ندهید

ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ﴿٥٥﴾ إِنِّى تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّى وَرَبِّكُم ۚ مَّا مِن دَآبَّةٍ

(امّا بدانید کاری از شما ساخته نیست.) (۵۵) من، بر خدای یگانه که پروردگار من و شماست، توکّل کرده‌ام، هر جنبنده‌ای

إِلَّا هُوَ ءَاخِذٌۢ بِنَاصِيَتِهَآ ۚ إِنَّ رَبِّى عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾ فَإِن تَوَلَّوْا۟

در قبضهٔ قدرت (توأم با عدالت) اوست؛ زیرا پروردگار من بر صراط مستقیم است. (۵۶) پس اگر روی گردان شوید،

فَقَدْ أَبْلَغْتُكُم مَّآ أُرْسِلْتُ بِهِۦٓ إِلَيْكُمْ ۚ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّى قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا

من رسالتی را که مأمور بودم به شما رساندم؛ و پروردگارم گروه دیگری را جایگزین شما خواهد ساخت؛

تَضُرُّونَهُۥ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ رَبِّى عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ ﴿٥٧﴾ وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا

و شما هیچ زیانی به او نمی‌رسانید؛ پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است.» (۵۷) و هنگامی که فرمان ما فرارسید،

نَجَّيْنَا هُودًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنَٰهُم مِّنْ عَذَابٍ

هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم!

غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ عَادٌ ۖ جَحَدُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا۟ رُسُلَهُۥ وَٱتَّبَعُوٓا۟

(۵۸) و این قوم «عاد» بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند؛ و از اطاعت پیامبرانش سر برتافتند؛

أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾ وَأُتْبِعُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ

و از فرمان هر ستمگر حق ستیز، پیروی کردند! (۵۹) آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) به دنبال دارند!

أَلَآ إِنَّ عَادًا كَفَرُوا۟ رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾ ۞ وَإِلَىٰ ثَمُودَ

بدانید قوم «عاد» نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند. دور باد «عاد» قوم هود (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)! (۶۰) و به سوی قوم «ثمود»،

أَخَاهُمْ صَٰلِحًا ۚ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ ۖ هُوَ

برادرشان «صالح» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست!

أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَٱسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَٱسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّى

اوست که شما را از زمین آفرید؛ و آباد کردن آن را به شما سپرد! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید، که پروردگارم (به بندگان خود)

قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ﴿٦١﴾ قَالُوا۟ يَٰصَٰلِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَآ ۖ أَتَنْهَىٰنَآ

نزدیک، و اجابت کننده (خواسته‌های آنها) است!» (۶۱) گفتند: «ای صالح! تو پیش ازاین، در میان ما مایهٔ امید بودی! آیا ما را از پرستش

أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٦٢﴾

آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، نهی می‌کنی؟! در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می‌کنی، در شکی توأم با بد گمانی هستیم!» (۶۲)

قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَءَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي مِنْهُ

گفت: «ای قوم من! به من خبر بدهید اگر دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد،

رَحْمَةً فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُۥ ۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

پس اگر من نافرمانی او کنم، چه کسی می‌تواند مرا در برابر خداوند یاری دهد؟! پس شما، جز زیان، چیزی بر من نخواهید افزود.

﴿٦٣﴾ وَيَٰقَوْمِ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ

(۶۳) ای قوم من! این «ناقه» از سوی خداوند برای شما معجزه‌ای است؛ بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود؛

فِىٓ أَرْضِ ٱللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾

و هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که به زودی عذاب (خدا) شما را خواهدگرفت!» (۶۴)

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا۟ فِى دَارِكُمْ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ ۖ ذَٰلِكَ وَعْدٌ

سرانجام، ناقه را پی کردند؛ و (صالح به آنها) گفت: «(مهلت شما تمام شد!) سه روز در خانه‌هایتان بهره‌مند گردید؛ (و بعد از آن، عذاب الهی فراخواهد رسید؛)

غَيْرُ مَكْذُوبٍ ﴿٦٥﴾ فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَٰلِحًا وَٱلَّذِينَ

این وعده‌ای است که‌دروغ نخواهد بود.» (۶۵) و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرارسید، صالح و کسانی را که

ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْىِ يَوْمِئِذٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ

با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب)و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم؛ چرا که پروردگارت

ٱلْقَوِىُّ ٱلْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾ وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا۟

توانا و شکست‌ناپذیر است. (۶۶) و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحهٔ (مرگبار آسمانی) فروگرفت؛ و بامدادان

فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ﴿٦٧﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟ فِيهَآ ۗ أَلَآ إِنَّ ثَمُودَا۟

در خانه‌هایشان به روی افتاده و مرده بودند؛ (۶۷) آنچنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند.

كَفَرُوا۟ رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ ﴿٦٨﴾ وَلَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُنَآ إِبْرَٰهِيمَ

دور باد قوم ثمود (از رحمت خداوند)! (۶۸) فرستادگان ما [= فرشتگان] برای ابراهیم بشارت آوردند؛

بِٱلْبُشْرَىٰ قَالُوا۟ سَلَٰمًا ۖ قَالَ سَلَٰمٌ ۖ فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجْلٍ

گفتند: «سلام!» (او نیز) گفت: «سلام!» و چندان درنگ نکرد که گوسالهٔ بریانی (برای آنها)

حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَءَآ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ

آورد. (۶۹) (امّا) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی‌رسد (و از آن نمی‌خورند) آنها را نا آشنا (و دشمن) شمرد؛ و از آنان احساس ترس نمود.

مِنْهُمْ خِيفَةً ۚ قَالُوا۟ لَا تَخَفْ إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾ وَٱمْرَأَتُهُۥ

به او گفتند: «نترس! ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم.» (۷۰) و همسرش ایستاده بود،

قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَٰهَا بِإِسْحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسْحَٰقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

(از خوشحالی) خندید؛ پس او را به اسحاق، و بعد از اسحاق به یعقوب بشارت دادیم. (۷۱)

قَالَتۡ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٞ وَهَٰذَا بَعۡلِي شَيۡخًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ

گفت: «ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم در حالی که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز

عَجِيبٞ ﴿٧٢﴾ قَالُوٓاْ أَتَعۡجَبِينَ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۖ رَحۡمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ

عجیبی است!» (۷۲) گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛

عَلَيۡكُمۡ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٞ مَّجِيدٞ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنۡ إِبۡرَٰهِيمَ

چرا که او ستوده و دارای مجد و عظمت است.» (۷۳) هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست،

ٱلرَّوۡعُ وَجَآءَتۡهُ ٱلۡبُشۡرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِي قَوۡمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ

و بشارت به او رسید، دربارهٔ قوم لوط با ما مجادله می‌کرد؛ (و تقاضای عفو آنان را داشت) (۷۴) چرا که ابراهیم، بردبار و دلسوز و

أَوَّٰهٞ مُّنِيبٞ ﴿٧٥﴾ يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَآۖ إِنَّهُۥ قَدۡ جَآءَ أَمۡرُ رَبِّكَۖ

همواره رجوع کننده (به سوی خدا) بود. (۷۵) (گفتیم:) ای ابراهیم! از این (درخواست) صرف نظر کن، که فرمان پروردگارت فرا رسیده؛

وَإِنَّهُمۡ ءَاتِيهِمۡ عَذَابٌ غَيۡرُ مَرۡدُودٖ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا

و به یقین عذاب بدون بازگشت (الهی) به سراغ آنها می‌آید. (۷۶) و هنگامی که فرستادگان ما [= فرشتگان عذاب] به سراغ لوط آمدند،

سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗا وَقَالَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَصِيبٞ ﴿٧٧﴾ وَجَآءَهُۥ

از آمدنشان ناراحت شد؛ و قلبش پریشان گشت؛ و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را نشناخت؛ و ترسید قوم تبهکار مزاحم آنها شوند.) (۷۷) قوم

قَوۡمُهُۥ يُهۡرَعُونَ إِلَيۡهِ وَمِن قَبۡلُ كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ

او (به قصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند ـ و قبلاً کارهای بد و زشتی انجام می‌دادند ـ گفت: «ای قوم من!

هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطۡهَرُ لَكُمۡۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ فِي ضَيۡفِيٓۖ

اینها دختران منند؛ که برای شما پاکیزه‌ترند؛ (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم بپوشید.) از خدا بترسید؛ و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید؛

أَلَيۡسَ مِنكُمۡ رَجُلٞ رَّشِيدٞ ﴿٧٨﴾ قَالُواْ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنۡ

آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!» (۷۸) گفتند: «تو می‌دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم؛

حَقّٖ وَإِنَّكَ لَتَعۡلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوۡ أَنَّ لِي بِكُمۡ قُوَّةً أَوۡ ءَاوِيٓ إِلَىٰ رُكۡنٖ

و خوب می‌دانی ما چه می‌خواهیم.» (۷۹) گفت: «(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم؛ یا پناهگاه نیرومندی در اختیار من بود. (آنگاه می‌دانستم با

شَدِيدٖ ﴿٨٠﴾ قَالُواْ يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓاْ إِلَيۡكَۖ فَأَسۡرِ

شما زشت سیرتان چه کنم.)» (۸۰) (فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم؛ آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد؛

بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٌ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَۖ إِنَّهُۥ

در تاریکی شب، خانواده‌ات را (از این شهر) حرکت ده ـ و هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکند ـ مگر همسرت،

مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمۡۚ إِنَّ مَوۡعِدَهُمُ ٱلصُّبۡحُۚ أَلَيۡسَ ٱلصُّبۡحُ بِقَرِيبٖ ﴿٨١﴾

که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می‌شوند، گرفتار خواهد شد. موعد آنها صبح است؛ آیا صبح نزدیک نیست؟!» (۸۱)

فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا جَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهَا حِجَارَةٗ

و هنگامی که فرمان ما فرارسید، آن (شهرها) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سنگ به صورت گِلهای متحجّر متراکم،

مِّن سِجِّيلٖ مَّنضُودٖ ﴿٨٢﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَۖ وَمَا هِيَ مِنَ

بر آنها فرو ریختیم. (۸۲) (سنگهایی) که نزد پروردگارت (برای مجازات گناهکاران) نشانه گذاری شده بود؛

ٱلظَّٰلِمِينَ بِبَعِيدٖ ﴿٨٣﴾ ۞ وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ

و آن (مجازات)، از (سایر) ستمکاران دور نیست. (۸۳) و به سوی «مَدْیَن» برادرشان شعیب را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من!

ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ وَلَا تَنقُصُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ

خدا را پرستش کنید، که جز او، معبودی برای شما نیست. پیمانه و وزن را کم نکنید

وَٱلۡمِيزَانَۖ إِنِّيٓ أَرَىٰكُم بِخَيۡرٖ وَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ

(و دست به کم‌فروشی نزنید)، که من خیرخواه شما هستم و از عذاب روز فراگیر،

يَوۡمٖ مُّحِيطٖ ﴿٨٤﴾ وَيَٰقَوۡمِ أَوۡفُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَ

بر شما بیمناکم. (۸۴) و ای قوم من! حق پیمانه و وزن را با عدالت، ادا کنید؛

بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي

و از اموال مردم چیزی کم نگذارید؛ و در زمین به فساد نکوشید؛

ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم

(۸۵) آنچه (از سرمایه‌های حلال،) خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر

مُّؤۡمِنِينَۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ ﴿٨٦﴾ قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ

ایمان داشته باشید. و من، نگهبان شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم.» (۸۶) گفتند: «ای شعیب!

أَصَلَوٰتُكَ تَأۡمُرُكَ أَن نَّتۡرُكَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَآ أَوۡ أَن نَّفۡعَلَ فِيٓ

آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می‌خواهیم

أَمۡوَٰلِنَا مَا نَشَٰٓؤُاْۖ إِنَّكَ لَأَنتَ ٱلۡحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ

در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!» (۸۷) گفت: «ای قوم من!

أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنۡهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَمَآ

به من خبر دهید، اگر دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و روزی و موهبت نیکویی به من داده باشد، (آیا می‌توانم برخلاف فرمان او رفتار کنم؟!)

أُرِيدُ أَنۡ أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُۚ إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ

من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم. من جز اصلاح ـ تا آن‌جا که توانایی دارم ـ نمی‌خواهم.

مَا ٱسۡتَطَعۡتُۚ وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِۚ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

و توفیق من (در این کار)، جز به (یاری) خدا نیست. تنها بر او توکّل کردم؛ و به سوی او باز می‌گردم. (۸۸)

الحزب ٢٤

وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَآ أَصَابَ قَوْمَ
و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم
نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَٰلِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ
نوح یا قوم هود یاقوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید. و (سرزمین) قوم لوط از شما چندان دور نیست.
(٨٩) وَٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّى رَحِيمٌ وَدُودٌ
(۸۹) از پروردگار خود، آمرزش بطلبید؛ و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه‌کار) است.»
(٩٠) قَالُوا۟ يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا
(۹۰) گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، ما نمی‌فهمیم؛ و ما تو را در میان خود،ضعیف می‌یابیم؛
ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ وَمَآ أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (٩١) قَالَ
و اگر (بخاطر) قبیلهٔ کوچکت نبود، تو را سنگسار می‌کردیم؛ و تو در برابر ما قدرتی نداری.» (۹۱) گفت:
يَٰقَوْمِ أَرَهْطِىٓ أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ
«ای قوم من! آیا قبیلهٔ کوچکم، نزد شما عزیزتر از خداوند است؟! در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته‌اید!
ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّى بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (٩٢) وَيَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟
پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید،احاطه دارد (و آگاه است)! (۹۲) ای قوم من! هر چه در توان دارید،
عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَٰمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ
انجام دهید؛ من هم کار خود را انجام می‌دهم؛ و بزودی خواهید دانست چه کسی
عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَٰذِبٌ وَٱرْتَقِبُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُمْ
عذاب رسواکننده به سراغش می‌آید، وچه کسی دروغگوست! شما انتظار بکشید، من هم با شما
رَقِيبٌ (٩٣) وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ
در انتظارم!» (۹۳) و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند،
بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا۟ فِى دِيَٰرِهِمْ
با رحمت خود نجات دادیم؛ وآنها را که ستم کردند، صیحهٔ (مرگبار آسمانی) فروگرفت؛ و بامدادان در خانه هایشان، به رو افتاده
جَٰثِمِينَ (٩٤) كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟ فِيهَآ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ
و مرده بودند؛ (۹۴) آنچنان که گویی هرگز ساکن آن (دیار) نبودند!دورباد مَدْیَن (و اهل آن از رحمت خدا)، همان گونه که قوم ثمود دور شدند!
(٩٥) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ (٩٦) إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
(۹۵) ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم... (۹۶) به سوی فرعون
وَمَلَإِي۟هِۦ فَٱتَّبَعُوٓا۟ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَآ أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (٩٧)
و اطرافیانش؛ امّا آنها از فرمان فرعون پیروی کردند؛ در حالی که فرمان فرعون، مایهٔ رشد و نجات نبود.(۹۷)

يَقْدُمُ قَوْمَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ ٱلنَّارَ ۖ وَبِئْسَ ٱلْوِرْدُ ٱلْمَوْرُودُ

روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود؛ و (به جای چشمه‌های زلال بهشت) آنها را وارد آتش می‌کند؛ و چه بد آبشخوری است (آتش)، که بر آن وارد

(۹۸) وَأُتْبِعُوا۟ فِى هَٰذِهِۦ لَعْنَةً وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ بِئْسَ ٱلرِّفْدُ ٱلْمَرْفُودُ

می‌شوند! (۹۸) آنان در این جهان و روز قیامت، لعنتی به دنبال دارند؛ و چه بد عطایی است (لعن و دوری از رحمت خدا)، که نصیب آنان می‌شود!

(۹۹) ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْقُرَىٰ نَقُصُّهُۥ عَلَيْكَ ۖ مِنْهَا قَآئِمٌ وَحَصِيدٌ

(۹۹) این از اخبار شهرها و آبادیهاست که ماجرای تو شرح می‌دهیم؛ که بعضی (هنوز) برپا هستند، و بعضی درو شده‌اند (و از میان رفته‌اند).

(۱۰۰) وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ ۖ فَمَآ أَغْنَتْ عَنْهُمْ

(۱۰۰) ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند؛

ءَالِهَتُهُمُ ٱلَّتِى يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ لَّمَّا جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ

و هنگامی که فرمان (مجازات) پروردگارت فرا رسید، معبودهایی را که غیر از خدا می‌خواندند،

وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (۱۰۱) وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ

آنها را نجات نبخشیدند؛ وجز بر هلاکت آنان نیفزودند. (۱۰۱) و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که (مردم)

ٱلْقُرَىٰ وَهِىَ ظَٰلِمَةٌ ۚ إِنَّ أَخْذَهُۥٓ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (۱۰۲) إِنَّ فِى ذَٰلِكَ

شهرها و آبادیها را مجازات می‌کند، در حالی که آنها ستمکارند! به یقین مجازات او، دردناک و شدید است! (۱۰۲) در این (سرگذشت پیشینیان)،

لَءَايَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ ٱلْءَاخِرَةِ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ ٱلنَّاسُ وَذَٰلِكَ

نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد؛ همان روزی که مردم در آن جمع آوری می‌شوند، و

يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (۱۰۳) وَمَا نُؤَخِّرُهُۥٓ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (۱۰۴) يَوْمَ

روزی که همه آن را مشاهده می‌کنند. (۱۰۳) و ما آن (مجازات) را، جز تا زمان محدودی، تأخیر نمی‌اندازیم! (۱۰۴) آن روز

يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِىٌّ وَسَعِيدٌ (۱۰۵)

که (قیامت و زمان مجازات) فرارسد، هیچ کس جز به اجازهٔ او سخن نمی‌گوید؛ گروهی از آنها بدبختند و گروهی سعادتمند. (۱۰۵)

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُوا۟ فَفِى ٱلنَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (۱۰۶) خَٰلِدِينَ

امّا کسانی که بدبخت شدند، در آتشند؛ و برای آنان در آن‌جا، ناله‌های دردناک و نعره‌های طولانی است؛ (۱۰۶)

فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ

تا آسمانها و زمین برپاست، جاودانه در آن خواهند ماند؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد. به یقین پرورگارت

لِّمَا يُرِيدُ (۱۰۷) ۞ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ سُعِدُوا۟ فَفِى ٱلْجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا

آنچه را بخواهد انجام می‌دهد. (۱۰۷) امّا کسانی که سعادتمند شدند، تا آسمانها و زمین برپاست،

مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ۖ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (۱۰۸)

جاودانه در بهشت خواهند ماند؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد. (این) بخششی است قطع نشدنی. (۱۰۸)

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَٰؤُلَاءِ ۚ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
پس تردیدی در (باطل بودن) معبودهایی که آنها می‌پرستند، به خود راه مده. آنها همان گونه این معبودها را پرستش می‌کنند که
آبَاؤُهُم مِّن قَبْلُ ۚ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ (۱۰۹) وَلَقَدْ
پدرانشان قبلاًمی‌پرستیدند؛ و ما نصیبشان را بی کم و کاست به آنان خواهیم داد. (۱۰۹) ما به موسی
آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن
کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمان پیشین خدا (در زمینهٔ آزمایش و اتمام حجّت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می‌شد.
رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۱۰) وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا
و آنها (هنوز) در شکّی آمیخته با بدگمانی‌اند. (۱۱۰) و پروردگارت‌اعمال هر یک را
لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ ۚ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱) فَاسْتَقِمْ
بی کم و کاست به آنها خواهد داد؛ زیرا او به آنچه عمل می‌کنند آگاه است. (۱۱۱) پس همان گونه که فرمان یافته‌ای،
كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ۚ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
استقامت کن؛ و (همچنین) کسانی که با تو، (به سوی خدا) آمده‌اند (باید استقامت کنند)؛ و سرپیچی نکنید، که او آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند.
(۱۱۲) وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم
(۱۱۲) و بر ستمکاران تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال،
مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳) وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
هیچ ولیّ و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ سپس یاری نمی‌شوید. (۱۱۳) در دو طرف روز،
طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ ۚ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ
و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیّئات (و آثار آنها) را از بین می‌برند؛
ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ (۱۱۴) وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
این تذکّری است برای کسانی که اهل تذکّرند. (۱۱۴) و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را
الْمُحْسِنِينَ (۱۱۵) فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ
ضایع نخواهد کرد. (۱۱۵) چرا در اقوام قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که
يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ
از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم.
وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶) وَمَا
و آنان که ستم می‌کردند، به دنبال نعمتها و لذات رفتند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند). (۱۱۶) و چنین نبود
كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ (۱۱۷)
که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلش در صدد اصلاح بوده باشند. (۱۱۷)

۱۲ – سوره یوسف

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾ إِلَّا
و اگر پروردگارت می‌خواست، همهٔ مردم را (به اجبار) امت واحدی (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می‌داد؛ ولی آنها همواره با هم اختلاف دارند؛ (۱۱۸) مگر
مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ
کسی را که پروردگارت رحم کند؛ و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید. و وعدهٔ پروردگارت قطعی شده که: دوزخ را از همهٔ
مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾ وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلرُّسُلِ مَا
(سرکشان و طاغیان) جنّ و انس پُر خواهم کرد! (۱۱۹) ما از سرگذشتهای همه پیامبران برای تو شرح می‌دهیم،
نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَ وَجَآءَكَ فِى هَٰذِهِ ٱلْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ
تا بوسیلهٔ آن، قلبت را آرامش بخشیم؛ (و اراده‌ات قوی گردد.)و در این (اخبار و سرگذشتها) برای تو حقّ آمده، و برای مؤمنان موعظه و تذکّری است.
﴿١٢٠﴾ وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَٰمِلُونَ ﴿١٢١﴾
(۱۲۰) و به کسانی که ایمان نمی‌آورند، بگو: «هر چه در توان دارید، انجام دهید؛ ما هم انجام می‌دهیم! (۱۲۱)
وَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ
و انتظار بکشید؛ ما هم منتظریم!» (۱۲۲) و (آگاهی از) غیب (و اسرار نهانی) آسمانها و زمین، تنها از آن خداست؛ و همهٔ کارها تنها به او بازگردانده می‌شود؛
ٱلْأَمْرُ كُلُّهُۥ فَٱعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾
پس او را پرستش کن؛ و بر او توکّل نما؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید، هرگز غافل نیست. (۱۲۳)

سُورَةُ يُوسُفَ

ترتيبها ۱۲ — آياتها ۱۱۱

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓر تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿١﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا
الر، این آیات کتاب مبین و روشنگر است (۱) ما آن را قرآنی عربی (و فصیح و گویا) نازل کردیم،
لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ ٱلْقَصَصِ
تا شما (آن را) درک کنید. (۲) ما بهترین سرگذشتها را به وسیلهٔ این قرآن که
بِمَآ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِۦ
به تو وحی کردیم، برای تو شرح می‌دهیم؛ و به یقین پیش از این، از آن
لَمِنَ ٱلْغَٰفِلِينَ ﴿٣﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ إِنِّى رَأَيْتُ
غافل بودی. (۳) (به خاطر بیاور) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت:
أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِى سَٰجِدِينَ ﴿٤﴾
«پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابرم سجده می‌کنند.» (۴)

قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰٓ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيْدًاۖ إِنَّ

گفت: «پسرم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، مبادا برای تو نقشه (خطرناکی) بکشند؛

ٱلشَّيْطَٰنَ لِلْإِنسَٰنِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ

زیرا شیطان، دشمن آشکار انسان است. (۵) و این گونه پروردگارت تو را بر می‌گزیند؛

وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكَ وَعَلَىٰٓ ءَالِ

و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب کامل می‌کند، همان گونه که پیش از این،

يَعْقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ

بر پدرانت ابراهیم و اسحاق کامل کرد؛ به یقین، پروردگار تو دانا و

حَكِيمٌ ﴿٦﴾ ۞ لَّقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٌ لِّلسَّآئِلِينَ

حکیم است.» (۶) به یقین در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه‌ها(ی هدایت) برای سؤال کنندگان بود.

﴿٧﴾ إِذْ قَالُواْ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ

(۷) هنگامی که (برادران) گفتند: «یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدر، از ما محبوبترند؛ در حالی که ما مردان نیرومندی هستیم.

إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٨﴾ ٱقْتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ ٱطْرَحُوهُ أَرْضًا

مسلّماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است. (۸) یوسف را به قتل رسانید؛ یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید؛

يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُواْ مِنۢ بَعْدِهِۦ قَوْمًا صَٰلِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ

تا توجّه پدرتان، فقط به شما باشد؛ و بعد از آن، (از گناه خود توبه می‌کنید؛ و)افراد صالحی خواهید بود.» (۹) یکی از آنها گفت:

قَآئِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُواْ يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ

«یوسف را به قتل نرسانید؛ و اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را در مخفی گاه چاه بیفکنید؛

بَعْضُ ٱلسَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَ۫نَّا

تا بعضی از قافله‌ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند).» (۱۰) (برادران نزد پدر آمدند و) گفتند: «ای پدر! چرا تو درباره یوسف،

عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ ﴿١١﴾ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَ

به ما اطمینان نمی‌کنی؟!در حالی که ما خیرخواه او هستیم! (۱۱) فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد

يَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِيٓ أَن تَذْهَبُواْ بِهِۦ

و تفریح کند؛ و به یقین ما از او محافظت خواهیم کرد.» (۱۲) (پدر) گفت: «من از بردن او غمگین می‌شوم؛

وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ ٱلذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَٰفِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُواْ

و از این می‌ترسم که گرگ او را بخورد، در حالی که شما از او غافل باشید!» (۱۳) گفتند:

لَئِنْ أَكَلَهُ ٱلذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّآ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ ﴿١٤﴾

«با این‌که ما مردان نیرومندی هستیم، اگر گرگ او را بخورد، ما از زیانکاران خواهیم بود (و هرگز چنین چیزی ممکن نیست).» (۱۴)

فَلَمَّا ذَهَبُوا۟ بِهِۦ وَأَجْمَعُوٓا۟ أَن يَجْعَلُوهُ فِى غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّ ۚ وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِ

هنگامی که او را با خود بردند، و به اتفاق تصمیم گرفتند وی را در مخفی‌گاه چاه قرار دهند، و (مقصد خود را عملی ساختند؛)

لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَآءُوٓ أَبَاهُمْ

به او وحی فرستادیم که آنها را در آینده از این کارشان با خبر خواهی ساخت؛ در حالی که آنها نمی‌دانند. (۱۵) (برادران یوسف)

عِشَآءً يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا

شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند. (۱۶) گفتند: «ای پدر! ما رفتیم تا مشغول مسابقه شویم، و

يُوسُفَ عِندَ مَتَٰعِنَا فَأَكَلَهُ ٱلذِّئْبُ ۖ وَمَآ أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ

یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم؛ و گرگ او را خورد! و (می‌دانیم) تو هرگز سخن ما را باور نخواهی کرد،

كُنَّا صَٰدِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ بِدَمٍ كَذِبٍ ۚ قَالَ بَلْ

هر چند راستگو باشیم.» (۱۷) و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت:

سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۖ وَٱللَّهُ ٱلْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا

«نفس (سرکش) شما این کار (زشت) را برایتان زینت داده؛ من صبر جمیل خواهم داشت (و شکیبایی خالی از ناسپاسی)؛ و در برابر آنچه می‌گویید،

تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَجَآءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا۟ وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُۥ ۖ قَالَ

از خداوند یاری می‌طلبم.» (۱۸) و (در همین حال) کاروانی فرا رسید؛ و مأمور آب را فرستادند (تا آب بیاورد)؛ او دلو خود را (در چاه) افکند؛ (ناگهان) صدا زد:

يَٰبُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٌ ۚ وَأَسَرُّوهُ بِضَٰعَةً ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ

«مژده باد! این کودکی است (زیبا و دوست داشتنی!)» و او را بعنوان کالایی (از دیگران) مخفی داشتند. و خداوند به آنچه آنها انجام می‌دادند، آگاه بود.

﴿١٩﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۭ بَخْسٍ دَرَٰهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا۟ فِيهِ

(۱۹) و (سرانجام) او را به بهایی اندک، به چند درهم فروختند؛ و نسبت به (فروختن) او، بی‌رغبت بودند (؛ چرا که می‌ترسیدند رازشان فاش شود).

مِنَ ٱلزَّٰهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِى ٱشْتَرَىٰهُ مِن مِّصْرَ لِٱمْرَأَتِهِۦٓ

(۲۰) و آن کس از (مردم) مصر که او را خرید [= عزیز مصر] به همسرش گفت:

أَكْرِمِى مَثْوَىٰهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا ۚ وَكَذَٰلِكَ

«مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد؛ و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم.»

مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ ۚ وَٱللَّهُ

و اینچنین یوسف را درآن سرزمین، جایگاه (ویژه‌ای) دادیم. (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم؛ و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم؛

غَالِبٌ عَلَىٰٓ أَمْرِهِۦ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا

خداوند بر کارش توانا و پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۲۱) و هنگامی که

بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾

به بلوغ و رشد رسید، ما حکم (پیامبری) و «علم» به او دادیم؛ و اینچنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (۲۲)

وَرَٰوَدَتۡهُ ٱلَّتِي هُوَ فِي بَيۡتِهَا عَن نَّفۡسِهِۦ وَغَلَّقَتِ ٱلۡأَبۡوَٰبَ وَقَالَتۡ

و آن زن که یوسف در خانهٔ او بود، از او تمنّای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا به سوی آنچه برای تو مهیّاست!» (یوسف) گفت:

هَيۡتَ لَكَۚ قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ رَبِّيٓ أَحۡسَنَ مَثۡوَايَۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ

«پناه می برم به خدا! او [= عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟!) به یقین

ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدۡ هَمَّتۡ بِهِۦۖ وَهَمَّ بِهَا لَوۡلَآ أَن رَّءَا

ستمکاران رستگار نمی‌شوند.» (۲۳) آن زن قصد او کرد؛ و او نیز، اگر برهان پروردگار را نمی‌دید،

بُرۡهَٰنَ رَبِّهِۦۚ كَذَٰلِكَ لِنَصۡرِفَ عَنۡهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلۡفَحۡشَآءَۚ إِنَّهُۥ مِنۡ

قصد وی می‌نمود. اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او

عِبَادِنَا ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَٱسۡتَبَقَا ٱلۡبَابَ وَقَدَّتۡ قَمِيصَهُۥ

از بندگان خالص شده ما بود. (۲۴) و هر دو به سوی در، دویدند و (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد)؛

مِن دُبُرٖ وَأَلۡفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلۡبَابِۚ قَالَتۡ مَا جَزَآءُ مَنۡ أَرَادَ بِأَهۡلِكَ

پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد. و در این هنگام، همسر آن زن را نزدیک در یافتند. آن زن گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به خانوادهٔ

سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسۡجَنَ أَوۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِيَ رَٰوَدَتۡنِي عَن نَّفۡسِيۚ

تو خیانت کند، جز زندان یا عذاب دردناک، چیست؟!» (۲۵) (یوسف) گفت: «او مرا به کامجویی از خود دعوت کرد!»

وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۡ أَهۡلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٖ

و در این هنگام، شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد که: «اگر پیراهنش از پیش رو پاره شده، آن زن راست می‌گوید؛

فَصَدَقَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن

و او از دروغگویان است. (۲۶) و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، آن زن

دُبُرٖ فَكَذَبَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ

دروغ می‌گوید؛ و او از راستگویان است.» (۲۷) هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن او از پشت پاره شده،

مِن دُبُرٖ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيۡدِكُنَّۖ إِنَّ كَيۡدَكُنَّ عَظِيمٞ ﴿٢٨﴾

گفت: «این از مکر و حیلهٔ شما زنان است؛ که مکر و حیلهٔ شما زنان، عظیم است! (۲۸)

يُوسُفُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَاۚ وَٱسۡتَغۡفِرِي لِذَنۢبِكِۖ إِنَّكِ كُنتِ

یوسف! از این (جریان)، صرف‌نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهت استغفار کن، زیرا تو از

مِنَ ٱلۡخَاطِـِٔينَ ﴿٢٩﴾ ۞ وَقَالَ نِسۡوَةٞ فِي ٱلۡمَدِينَةِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ تُرَٰوِدُ

خطاکاران بودی.» (۲۹) (این جریان در شهر منعکس شد؛) گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، غلامش را به سوی خود دعوت می‌کند.

فَتَىٰهَا عَن نَّفۡسِهِۦۖ قَدۡ شَغَفَهَا حُبًّاۖ إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٣٠﴾

عشق (این جوان)، در اعماق قلبش نفوذ کرده؛ ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.» (۳۰)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَـًٔا وَءَاتَتْ كُلَّ

هنگامي كه (همسر عزيز) نيرنگ آنها را شنيد، به سراغشان فرستاد؛ و براي آنها پشتي (گرانبها، و مجلس باشكوهي) فراهم ساخت؛

وَٰحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ ٱخْرُجْ عَلَيْهِنَّ ۖ فَلَمَّا رَأَيْنَهُۥٓ أَكْبَرْنَهُۥ وَقَطَّعْنَ

و به دست هر كدام، كاردي (براي بريدن ميوه) داد؛ و (به يوسف) گفت: «بر آنان وارد شو!» هنگامي كه چشمشان به او افتاد، او را بسيار با شكوه (و زيبا)

أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَـٰشَ لِلَّهِ مَا هَـٰذَا بَشَرًا إِنْ هَـٰذَآ إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾

يافتند؛ و (بي‌توجه) دستهاي خود را بريدند؛ و گفتند: «منزّه است خدا! اين بشر نمي‌باشد؛ اين جز يک فرشتهٔ بزرگوار نيست!» (۳۱)

قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ ٱلَّذِى لُمْتُنَّنِى فِيهِ ۖ وَلَقَدْ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفْسِهِۦ فَٱسْتَعْصَمَ ۖ

(همسر عزيز) گفت: «اين همان كسي است كه بخاطر (عشق) او مرا سرزنش كرديد. (آري) من او را به خويشتن دعوت كردم؛

وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَآ ءَامُرُهُۥ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ ٱلصَّـٰغِرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ

و او خودداري كرد. و اگر آنچه را به او دستور مي‌دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد؛ و به يقين خوار و حقير خواهد شد.» (۳۲) (يوسف) گفت:

رَبِّ ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَىَّ مِمَّا يَدْعُونَنِىٓ إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ

«پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اينها مرا به سوي آن مي‌خوانند؛ و اگر مكر و نيرنگ آنها را از من بازنگرداني،

أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلْجَـٰهِلِينَ ﴿٣٣﴾ فَٱسْتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ

به سوي آنان متمايل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود.» (۳۳) پروردگارش دعاي او را اجابت كرد؛ و مكر آنان را

عَنْهُ كَيْدَهُنَّ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّنۢ بَعْدِ مَا

از او بازگرداند؛ چرا كه او شنوا و داناست. (۳۴) سپس با اينكه نشانه‌هاي (پاكي يوسف) را ديدند،

رَأَوُا۟ ٱلْـَٔايَـٰتِ لَيَسْجُنُنَّهُۥ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجْنَ

تصميم گرفتند او را تا مدّتي زنداني كنند. (۳۵) و (در اين هنگام) دو جوان، همراه او وارد زندان شدند؛

فَتَيَانِ ۖ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّىٓ أَرَىٰنِىٓ أَعْصِرُ خَمْرًا ۖ وَقَالَ ٱلْـَٔاخَرُ إِنِّىٓ

يكي از آن دو گفت: «من در خواب ديدم كه (انگور براي ساختن) شراب مي‌فشارم.» و ديگري گفت: «من درخواب ديدم

أَرَىٰنِىٓ أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِى خُبْزًا تَأْكُلُ ٱلطَّيْرُ مِنْهُ ۖ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِۦٓ ۖ

نان بر سرم حمل مي‌كنم؛ كه پرندگان از آن مي‌خورند؛ ما را از تعبير اين خواب آگاه كن

إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِۦٓ

كه تو را از نيكوكاران مي‌بينيم.» (۳۶) (يوسف) گفت: «غذاي روزانهٔ شما را نمي‌آورند،

إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِۦ قَبْلَ أَن يَأْتِيَكُمَا ۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِى رَبِّىٓ ۚ إِنِّى

مگر اينكه پيش از آن، شما را از تعبير خوابتان آگاه خواهم ساخت. اين، از دانشي است كه پروردگارم به من آموخته است.

تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَهُم بِٱلْـَٔاخِرَةِ هُمْ كَـٰفِرُونَ ﴿٣٧﴾

زيرا من آيين قومي را كه به خدا ايمان ندارند، و به سراي ديگر كافرند، ترک گفتم (و شايستهٔ چنين موهبتي شدم). (۳۷)

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَاءِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ مَا كَانَ لَنَا أَنْ

و من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم. برای ما شایسته نبود

نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ

چیزی را همتای خدا قرار دهیم؛این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ

ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند. (۳۸) ای دوستان زندانی من! آیا خدایان متعدد

مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٣٩﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ

و پراکنده بهترند، یا خداوند یگانه‌ای که بر همه چیز قاهر است؟! (۳۹) آنچه غیر از خدا می‌پرستید،

دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

جز اسمهایی (بی‌مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را (خدا) نامیده‌اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده؛

بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۚ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۚ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ

حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر ازاو را نپرستید. این است آیین ثابت و پایدار؛

الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾ يَا صَاحِبَيِ

ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۴۰) ای دوستان زندانی من! امّا

السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا ۖ وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ

(تعبیر خواب شما چنین است که) یکی از شما (دو نفر، آزاد می‌شود؛ و) ساقی شراب برای آقای خود خواهد شد؛

فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ ۚ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

و امّا دیگری به دار آویخته می‌شود؛ و پرندگان از سر او می‌خورند. و مطلبی که دربارهٔ آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است.»

﴿٤١﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ

(۴۱) و از میان آن دو نفر، به آن کس که می‌دانست رهایی می‌یابد، گفت: «مرا نزد آقایت [= سلطان مصر] یاد کن (تا از زندان رهایی یابم.)»

فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

ولی شیطان یاد او را نزد آقایش از خاطر وی برد؛ و از این رو، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند.

﴿٤٢﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَىٰ سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ

(۴۲) و (در این هنگام) پادشاه گفت: «من درخواب دیدم هفت گاو چاق را که هفت گاو لاغر آنها را می‌خورند؛

سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ ۖ

و هفت خوشهٔ سبز و هفت خوشه خشکیده؛ (که خشکیده‌ها بر سبزها پیچیدند؛ و آنها را از بین بردند.)

يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ﴿٤٣﴾

ای گروه اشراف! درباره خواب من نظر دهید، اگر خواب را تعبیر می‌کنید.» (۴۳)

قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمٖۖ وَمَا نَحۡنُ بِتَأۡوِيلِ ٱلۡأَحۡلَٰمِ بِعَٰلِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَقَالَ

گفتند: «اینها خوابهای پریشان و آشفته‌ای است؛ و ما از تعبیر این گونه خوابها آگاه نیستیم.» (۴۴) و یکی

ٱلَّذِي نَجَا مِنۡهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعۡدَ أُمَّةٍ أَنَا۠ أُنَبِّئُكُم بِتَأۡوِيلِهِۦ فَأَرۡسِلُونِ

از آن دو که نجات یافته بود ـ وبعد از مدتی به یاد آورد ـ گفت: «من تعبیر آن را به شما خبر می‌دهم؛ مرا (به سراغ آن جوان زندانی) بفرستید.»

﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ أَفۡتِنَا فِي سَبۡعِ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ

(۴۵) (او به زندان آمد، و گفت:) یوسف، ای مرد بسیار راستگو! دربارهٔ این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را

يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖ

هفت گاو لاغر می‌خورند؛ و هفت خوشه تر، و هفت خوشه خشکیده؛تا من به سوی مردم بازگردم،

لَّعَلِّيٓ أَرۡجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ تَزۡرَعُونَ سَبۡعَ سِنِينَ

تا (از تعبیر این خواب) آگاه شوند. (۴۶) گفت: «هفت سال پی در پی زراعت می‌کنید؛

دَأَبٗا فَمَا حَصَدتُّمۡ فَذَرُوهُ فِي سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا تَأۡكُلُونَ ﴿٤٧﴾

و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید). (۴۷)

ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ سَبۡعٞ شِدَادٞ يَأۡكُلۡنَ مَا قَدَّمۡتُمۡ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا

پس از آن، هفت سال سخت (قحطی و خشکسالی) می‌آید، که آنچه را برای آن سالها اندوخته‌اید، می‌خورند؛ جز کمی که (برای بذر)

تُحۡصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَامٞ فِيهِ يُغَاثُ ٱلنَّاسُ وَفِيهِ

ذخیره خواهید کرد. (۴۸) سپس سالی فرا می‌رسد که باران‌فراوان نصیب مردم می‌شود؛ و در آن سال، مردم عصاره (میوه‌ها را) می‌گیرند

يَعۡصِرُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦۖ فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرۡجِعۡ

(و سال پربرکتی است.)» (۴۹) پادشاه گفت: «او را نزد من آورید.» ولی هنگامی که فرستادهٔ او نزد وی آمد، یوسف گفت:

إِلَىٰ رَبِّكَ فَسۡـَٔلۡهُ مَا بَالُ ٱلنِّسۡوَةِ ٱلَّٰتِي قَطَّعۡنَ أَيۡدِيَهُنَّۚ إِنَّ رَبِّي

«به سوی آقایت بازگرد، و از او بپرس ماجرای زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ به یقین پروردگار من

بِكَيۡدِهِنَّ عَلِيمٞ ﴿٥٠﴾ قَالَ مَا خَطۡبُكُنَّ إِذۡ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفۡسِهِۦۚ

به نیرنگ آنها آگاه است.» (۵۰) (پادشاه آن زنان را طلبید و)گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار شما چه

قُلۡنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمۡنَا عَلَيۡهِ مِن سُوٓءٖۚ قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ

بود؟» گفتند: «منزّه است خدا، ما هیچ (خطا و) عیبی در او نیافتیم!» (در این هنگام) همسر عزیز گفت:

ٱلۡـَٰٔنَ حَصۡحَصَ ٱلۡحَقُّ أَنَا۠ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ

«الآن حق آشکار گشت. من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم؛ و او از راستگویان است.

﴿٥١﴾ ذَٰلِكَ لِيَعۡلَمَ أَنِّي لَمۡ أَخُنۡهُ بِٱلۡغَيۡبِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي كَيۡدَ ٱلۡخَآئِنِينَ ﴿٥٢﴾

(۵۱) این سخن را بخاطر آن گفتم تا بداند من در غیاب به او [= یوسف] خیانت نکردم؛ و خداوند مکر خائنان را هدایت نمی‌کند. (۵۲)

الجزء ١٣
الحزب ٢٥

۞ وَمَآ أُبَرِّئُ نَفۡسِيٓۚ إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيٓۚ

من خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند.

إِنَّ رَبِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ (٥٣) وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦٓ أَسۡتَخۡلِصۡهُ لِنَفۡسِيۖ

پروردگارم آمرزنده و مهربان است.» (۵۳) پادشاه گفت: «او [= یوسف] را نزد من آورید، تا وی را از خالصان خود قرار دهم.»

فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلۡيَوۡمَ لَدَيۡنَا مَكِينٌ أَمِينٞ (٥٤) قَالَ ٱجۡعَلۡنِي عَلَىٰ

هنگامی که با او صحبت کرد، (پادشاه) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و امین ما هستی.» (۵۴) (یوسف) گفت:

خَزَآئِنِ ٱلۡأَرۡضِۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٞ (٥٥) وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي

«مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرارده، که من نگاهبانی آگاهم.» (۵۵) و این گونه مابه یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم،

ٱلۡأَرۡضِ يَتَبَوَّأُ مِنۡهَا حَيۡثُ يَشَآءُۚ نُصِيبُ بِرَحۡمَتِنَا مَن نَّشَآءُۖ وَلَا

که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید (و تصرّف می‌کرد). ما رحمت خود را به هرکس بخواهیم (و شایسته ببینیم) می‌بخشیم؛

نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (٥٦) وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ

و پاداش نیکوکاران را (حتی در این دنیا) ضایع نمی‌کنیم. (۵۶) (امّا) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و

وَكَانُواْ يَتَّقُونَ (٥٧) وَجَآءَ إِخۡوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَعَرَفَهُمۡ

پرهیزگاری‌داشتند، بهتر است. (۵۷) (سرزمین کنعان را قحطی فراگرفت؛) برادران یوسف (به مصر) آمدند؛ و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت؛

وَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ (٥٨) وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ قَالَ ٱئۡتُونِي بِأَخٖ لَّكُم

ولی آنها او را نشناختند. (۵۸) و هنگامی که (یوسف) بارهای آنان را آماده ساخت، گفت: «(نوبت آینده) آن برادری را که از پدر دارید، نزد من آورید.

مِّنۡ أَبِيكُمۡۚ أَلَا تَرَوۡنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلۡكَيۡلَ وَأَنَا۠ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ (٥٩) فَإِن لَّمۡ

آیا نمی‌بینید من حق پیمانه را ادا می‌کنم، و من بهترین میزبانان هستم؟! (۵۹) و اگر او را نزد من نیاورید،

تَأۡتُونِي بِهِۦ فَلَا كَيۡلَ لَكُمۡ عِندِي وَلَا تَقۡرَبُونِ (٦٠) قَالُواْ سَنُرَٰوِدُ

نه پیمانه‌ای (از غلّه) نزد من خواهید داشت؛ و نه (هیچ گاه) به من نزدیک شوید.» (۶۰) گفتند: «ما دربارهٔ او با پدرش گفتگو خواهیم کرد؛

عَنۡهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ (٦١) وَقَالَ لِفِتۡيَٰنِهِ ٱجۡعَلُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ فِي

و ما (این کار را) انجام خواهیم داد.» (۶۱) (سپس) به کارگزاران خود گفت: «بهایی را که پرداخته‌اند، در بارهایشان بگذارید!

رِحَالِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَعۡرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ

شاید هنگامی که به سوی خانوادهٔ خویش بازگشتند، آن را بشناسند؛ شاید بازگردند.»

(٦٢) فَلَمَّا رَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيهِمۡ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلۡكَيۡلُ

(۶۲) هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر! دستورداده شده که(بدون حضور برادرمان بنیامین) پیمانه‌ای (از غلّه) به ما ندهند؛

فَأَرۡسِلۡ مَعَنَآ أَخَانَا نَكۡتَلۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ (٦٣)

پس برادرمان را با ما بفرست، تا پیمانه‌ای (از غلّه) دریافت داریم؛ و به یقین ما او را محافظت خواهیم کرد.» (۶۳)

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمْ عَلَىٰٓ أَخِيهِ مِن قَبْلُ

گفت: «آیا نسبت به او به شما اطمینان کنم همان گونه که قبلاً نسبت به برادرش (یوسف) اطمینان کردم (و دیدید چه شد)؟!

فَٱللَّهُ خَيْرٌ حَٰفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا۟ مَتَٰعَهُمْ

و (در هر حال،) خداوند بهترین حافظ، ومهربانترین مهربانان است.» (۶۴) و هنگامی که متاع خود را گشودند،

وَجَدُوا۟ بِضَٰعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبْغِى هَٰذِهِۦ

دیدند سرمایهٔ آنها به آنها بازگردانده شده؛ گفتند: «پدرا! ما دیگر چه می‌خواهیم؟! این سرمایهٔ ماست

بِضَٰعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ

که به ما بازپس داده شده است؛ (پس چه بهتر که برادر را با ما بفرستی؛) و ما برای خانوادهٔ خویش موادّ غذایی می‌آوریم؛ و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و

بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٥﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُۥ مَعَكُمْ حَتَّىٰ

یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت؛ این پیمانه (باری که اکنون گرفته‌ایم، پیمانهٔ) کوچکی است.» (۶۵) گفت: «من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد،

تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأْتُنَّنِى بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ

تا تعهد الهی مؤکدی بدهیدکه او را حتماً نزد من خواهید آورد؛ مگر این‌که قدرت از شما سلب گردد. و هنگامی که آنها تعهد مؤکد خود را در اختیار او

مَوْثِقَهُمْ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ يَٰبَنِىَّ لَا تَدْخُلُوا۟

گذاردند، گفت: «خداوند، نسبت به آنچه می‌گوییم، ناظر و نگهبان است.» (۶۶) و (به هنگام حرکت، یعقوب) گفت: «پسران من؛ همگی

مِنۢ بَابٍ وَٰحِدٍ وَٱدْخُلُوا۟ مِنْ أَبْوَٰبٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَآ أُغْنِى عَنكُم مِّنَ

از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای مختلف وارد گردید (تا توجّه مردم به سوی شما جلب نشود)؛ و (من با این دستور،) نمی‌توانم

ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

تقدیر حتمی الهی را از شما دفع کنم. حکم و فرمان، تنها از آن خداست. بر او توکّل کرده‌ام؛ و توکل کنندگان باید تنها

ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا۟ مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا

بر او توکّل کنند.» (۶۷) و هنگامی که از همان طریق که پدرشان به آنها دستور داده بود وارد شدند،

كَانَ يُغْنِى عَنْهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِى نَفْسِ

این کار تقدیر حتمی الهی را نمی‌توانست از آنها دور سازد، جز اینکه خواستهٔ قلبی یعقوب (از این طریق) انجام شد

يَعْقُوبَ قَضَىٰهَا وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَٰهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ

(و خاطرش آرام گرفت)؛ و او بخاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت؛ ولی بیشتر

ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا۟ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيْهِ

مردم نمی‌دانند. (۶۸) هنگامی که (برادران) بر یوسف وارد شدند،برادرش را نزد خود جای داد

أَخَاهُ قَالَ إِنِّىٓ أَنَا۠ أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

و گفت: «من برادر تو هستم، از آنچه آنها انجام می‌دادند، غمگین مباش.» (۶۹)

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِى رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ

و هنگامی که (مأمور یوسف) بارهای آنها را بست، جام آبخوری (گران قیمت) پادشاه را در بار برادرش گذاشت؛

مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَٰرِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا۟ وَأَقْبَلُوا۟ عَلَيْهِم

سپس کسی صدا زد: «ای اهل قافله! شما سارقید.» (۷۰) (برادران یوسف) رو به سوی آنها کردند و گفتند:

مَّاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا۟ نَفْقِدُ صُوَاعَ ٱلْمَلِكِ وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ

«چه چیز گم کرده‌اید؟» (۷۱) گفتند: «جام مخصوص پادشاه را! و هرکس آن را بیاورد، یک بار شتر (غلّه) به او داده می‌شود؛

حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا۟ تَٱللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا

و من ضامن این (پاداش) هستم.» (۷۲) گفتند: «به خدا سوگند شما می‌دانید ما نیامده‌ایم که در این سرزمین

لِنُفْسِدَ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا۟ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن

فساد کنیم؛ و ما هیچ گاه دزد نبوده‌ایم!» (۷۳) آنها گفتند: «اگر دروغگو باشید،

كُنتُمْ كَٰذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا۟ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِى رَحْلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥ

کیفرش چیست؟» (۷۴) گفتند: «هر کس (آن جام) در بار او پیدا شود، خودش کیفر آن خواهد بود؛ (و بخاطر این کار، بردهٔ شما خواهد شد؛)

كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَآءِ

ما این گونه ستمکاران را کیفر می‌دهیم.» (۷۵) در این هنگام، (یوسف) قبل از بار برادرش،

أَخِيهِ ثُمَّ ٱسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَآءِ أَخِيهِ ۚ كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۖ

به کاوش بارهای آنها [= سایر برادرانش] پرداخت؛ سپس آن را از بار برادرش [= بنیامین] بیرون آورد؛

مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِى دِينِ ٱلْمَلِكِ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ نَرْفَعُ

این گونه راه چاره را به یوسف یاد دادیم! او هرگز نمی‌توانست برادرش را مطابق آیین پادشاه (مصر) بگیرد، مگر آن‌که خدا بخواهد (و راه چاره را به او

دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ ۗ وَفَوْقَ كُلِّ ذِى عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ ۞ قَالُوٓا۟

بیاموزد). درجات هر کس را بخواهیم بالا می‌بریم؛ و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است (و از همه برتر خداست). (۷۶) (برادران) گفتند:

إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُۥ مِن قَبْلُ ۚ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِى

«اگر او [= بنیامین] سرقت کند، (جای تعجب نیست؛) برادرش (یوسف) نیز قبل از او سرقت کرد!» یوسف (سخت ناراحت شد، و) این (ناراحتی) را در

نَفْسِهِۦ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۖ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا

درون خود پنهان داشت، و برای آنها آشکار نکرد؛ (همین اندازه) گفت: «شما از نظر منزلت (نزد من) از او بدترید. و خدا از آنچه

تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا

وصف می‌کنید، آگاهتر است.» (۷۷) گفتند: «ای عزیز! او پدر بسیار پیری دارد

فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ ۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾

(که طاقت دوری او را ندارد)؛ یکی از ما را به جای او بگیر؛ ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.» (۷۸)

قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَٰعَنَا عِندَهُۥٓ إِنَّآ إِذًا لَّظَٰلِمُونَ

گفت: «پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته‌ایم بگیریم؛ که در آن صورت، از ستمکاران خواهیم بود.»

﴿٧٩﴾ فَلَمَّا ٱسْتَيْـَٔسُوا۟ مِنْهُ خَلَصُوا۟ نَجِيًّا ۖ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ

(۷۹) هنگامی که (برادران) از او مأیوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند؛ (برادر) بزرگشان گفت:

تَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ ٱللَّهِ وَمِن قَبْلُ

«آیا نمی‌دانید پدرتان ازشما پیمان الهی گرفته؛ و پیش از این دربارهٔ یوسف نیز، کوتاهی کردید؟!

مَا فَرَّطتُمْ فِى يُوسُفَ ۖ فَلَنْ أَبْرَحَ ٱلْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِىٓ أَبِىٓ أَوْ

من از این سرزمین حرکت نمی‌کنم، تا پدرم به من اجازه دهد؛ یا خدا دربارهٔ من حکم کند، که

يَحْكُمَ ٱللَّهُ لِى ۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ ﴿٨٠﴾ ٱرْجِعُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَبِيكُمْ فَقُولُوا۟

او بهترین حکم‌کنندگان است. (۸۰) شما به سوی پدرتان بازگردید و بگویید:

يَٰٓأَبَانَآ إِنَّ ٱبْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَآ إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا

پدر (جان)، پسرت سرقت کرد؛ و ما جز به آنچه آگاه بودیم گواهی ندادیم؛

كُنَّا لِلْغَيْبِ حَٰفِظِينَ ﴿٨١﴾ وَسْـَٔلِ ٱلْقَرْيَةَ ٱلَّتِى كُنَّا فِيهَا

و ما از غیب خبر نبودیم. (۸۱) (و اگر اطمینان نداری،) از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن،

وَٱلْعِيرَ ٱلَّتِىٓ أَقْبَلْنَا فِيهَا ۖ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ

و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (بپرس)؛ و ما (در گفتار خود) صادق هستیم.» (۸۲) (یعقوب) گفت: «هوای نفس شما،

لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِيَنِى بِهِمْ

این امر را چنین در نظرتان جلوه داده است؛ من صبری جمیل (و خالی از بی تابی) خواهم داشت؛ امیدوارم خداوند

جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾ وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ

همهٔ آنها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است (۸۳) و از آنها روی‌برگرداند و گفت:

يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَٱبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ ٱلْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

«وا اسفا بر یوسف!» و چشمان او از اندوه سفید شد؛ امّا خشم خود را فرو می‌برد (و هرگز کفران و بی تابی نمی‌کرد).

﴿٨٤﴾ قَالُوا۟ تَٱللَّهِ تَفْتَؤُا۟ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا

(۸۴) گفتند: «به خدا سوگند که تو آن قدر یاد یوسف می‌کنی

أَوْ تَكُونَ مِنَ ٱلْهَٰلِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ إِنَّمَآ أَشْكُوا۟ بَثِّى

تا مشرف به مرگ شوی، یا بمیری!» (۸۵) گفت: «من غم و اندوهم را

وَحُزْنِىٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

تنها به خدا شکوه می‌کنم؛ و از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۸۶)

يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَاْيۡـَٔسُواْ مِن

پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛

رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡـَٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٨٧﴾

که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.» (۸۷)

فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيۡهِ قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهۡلَنَا ٱلضُّرُّ وَجِئۡنَا

هنگامی که آنها بر او [= یوسف] وارد شدند، گفتند: «ای عزیز مصر! ما و خاندان ما را پریشانی (و قحطی) فراگرفته،

بِبِضَٰعَةٖ مُّزۡجَىٰةٖ فَأَوۡفِ لَنَا ٱلۡكَيۡلَ وَتَصَدَّقۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَجۡزِي

و بهای اندکی (برای تهیهٔ موادّ غذایی) با خود آورده‌ایم؛ پیمانه را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدّق و بخشش نما،که خداوند

ٱلۡمُتَصَدِّقِينَ ﴿٨٨﴾ قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُم مَّا فَعَلۡتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذۡ

بخشندگان را پاداش می‌دهد.» (۸۸) گفت: «آیا دانستید، آنگاه که جاهل بودید، با یوسف و

أَنتُمۡ جَٰهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوٓاْ أَءِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُۖ قَالَ أَنَا۠

برادرش چه کردید؟!» (۸۹) گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: (آری،) من

يُوسُفُ وَهَٰذَآ أَخِيۖ قَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَآۖ إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ

یوسفم، و این برادر من است؛ خداوند بر ما منّت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید،

فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ

(سرانجام پیروز می‌شود؛) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.» (۹۰) گفتند: «به خدا سوگند،

ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَإِن كُنَّا لَخَٰطِـِٔينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا

خداوند تو را بر ما برتری بخشید؛ و ما خطاکار بودیم.» (۹۱) (یوسف) گفت:

تَثۡرِيبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَۖ يَغۡفِرُ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ

«امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست؛ خداوند شما را می‌آمرزد؛ و او مهربانترین

ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٩٢﴾ ٱذۡهَبُواْ بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلۡقُوهُ عَلَىٰ وَجۡهِ

مهربانان است؛ (۹۲) این پیراهن مرا ببرید، و بر صورت پدرم بیندازید

أَبِي يَأۡتِ بَصِيرٗا وَأۡتُونِي بِأَهۡلِكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا

تا بینا شود؛ و همهٔ خانوادهٔ خود را نزد من بیاورید.» (۹۳) هنگامی که

فَصَلَتِ ٱلۡعِيرُ قَالَ أَبُوهُمۡ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَۖ لَوۡلَآ

کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان [= یعقوب] گفت: «من بوی یوسف را احساس می‌کنم،اگر مرا به نادانی و

أَن تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾ قَالُواْ تَٱللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَٰلِكَ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

کم‌عقلی نسبت ندهید.» (۹۴) گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابقت هستی!» (۹۵)

فَلَمَّآ أَن جَآءَ ٱلْبَشِيرُ أَلْقَىٰهُ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ فَٱرْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ أَلَمْ

امّا هنگامی که بشارت‌دهنده آمد، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند؛ ناگهان بینا شد؛ گفت:

أَقُل لَّكُمْ إِنِّىٓ أَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَا

«آیا به شما نگفتم من‌از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟!» (۹۶) گفتند: «پدر! از خدا

ٱسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا كُنَّا خَٰطِـِٔينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ

آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم.» (۹۷) گفت: «بزودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم،

لَكُمْ رَبِّىٓ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا۟ عَلَىٰ

که او آمرزنده و مهربان است.» (۹۸) و هنگامی که بر یوسف وارد شدند،

يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ٱدْخُلُوا۟ مِصْرَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ

او پدر و مادر خود را (در آغوش گرفت و) نزدیک خود جای داد و گفت: «همگی وارد مصر شوید، که ان شاءالله در

ءَامِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى ٱلْعَرْشِ وَخَرُّوا۟ لَهُۥ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ

امنیت خواهید بود.» (۹۹) و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی برای او (در پیشگاه خداوند) به سجده افتادند؛ و گفت:

يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُءْيَٰىَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّى حَقًّا ۖ وَقَدْ أَحْسَنَ

«پدر! این تعبیر همان خوابی است که پیش از این دیدم؛ پروردگارم آن را تحقق بخشد؛ و او به من نیکی کرد

بِىٓ إِذْ أَخْرَجَنِى مِنَ ٱلسِّجْنِ وَجَآءَ بِكُم مِّنَ ٱلْبَدْوِ مِنۢ بَعْدِ أَن نَّزَغَ

آنگاه که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را نیز از آن بیابان (به این‌جا) آورد بعد از آن‌که

ٱلشَّيْطَٰنُ بَيْنِى وَبَيْنَ إِخْوَتِىٓ ۚ إِنَّ رَبِّى لَطِيفٌ لِّمَا يَشَآءُ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ

شیطان، میان من و برادرانم فتنه کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می‌خواهد (و شایسته می‌بیند،) صاحب لطف است؛ چرا

ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ ۞ رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِى مِنَ ٱلْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِى مِن

که اودانا و حکیم است. (۱۰۰) پروردگارا! بهره‌ای (عظیم) از حکومت به من بخشیدی،

تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ أَنتَ وَلِىِّۦ فِى ٱلدُّنْيَا

و مرا از علم تعبیر خواب آگاه ساختی، ای آفرینندهٔ آسمانها و زمین! تو ولیّ و سرپرست من در دنیا

وَٱلْءَاخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِى مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِى بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَٰلِكَ مِنْ

و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما.» (۱۰۱) (ای پیامبر!) این از

أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۖ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوٓا۟ أَمْرَهُمْ وَهُمْ

اخبار غیبی است که به تو وحی می‌فرستیم؛ تو (هرگز) نزد آنها نبودی هنگامی که به اتفاق تصمیم می‌گرفتند

يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَآ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

و توطئه می‌کردند. (۱۰۲) ولی اکثر مردم، هر چند اصرار داشته باشی، ایمان نمی‌آورند. (۱۰۳)

وَمَا تَسْـَٔلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾ وَ
و تو (هرگز) از آنها در برابر این دعوت پاداشی نمی‌طلبی؛ آن نیست مگر تذکّری برای جهانیان. (۱۰۴) و
كَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ
چه بسیار نشانه‌ای (از خدا) درآسمانها و زمین است که آنها از کنارش می‌گذرند، در حالی که
عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ
از آن روی گردان و غافلند. (۱۰۵) و بیشتر آنها به خدا ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه ایمان خود را با شرک آلوده می‌کنند.
﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوٓا۟ أَن تَأْتِيَهُمْ غَٰشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ
(۱۰۶) آیا از این ایمن هستید که عذاب فراگیری از سوی خدا به سراغ آنان بیاید، یا قیامت ناگهان فرا رسد،
بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۚ
در حالی که متوجّه نیستند؟! (۱۰۷) بگو: «این راه من است! من و پیروانم،
عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِى ۖ وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ
با بصیرت کامل، به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم.»
﴿١٠٨﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ
(۱۰۸) و ما نفرستادیم پیش از تو،جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می‌کردیم.
ٱلْقُرَىٰٓ ۗ أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ
آیا (مخالفان دعوت تو،) در زمین سیر نکردند تا ببینند سرانجام کسانی که
عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ ۗ أَفَلَا
پیش از آنها بودند چگونه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است! آیا
تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسْتَيْـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا۟
فکر نمی‌کنید؟! (۱۰۹) (پیامبران به دعوت خود، و دشمنان به مخالفت با آنها، همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که پیامبران مأیوس شدند، و (گروهی) گمان کردند
جَآءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَن نَّشَآءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ
که به آنان دروغ گفته شده‌است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار
ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ۗ
بازگردانده نمی‌شود. (۱۱۰) به راستی در سرگذشت آنها عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.
مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ
اینها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) با کتب آسمانی پیشین هماهنگ است؛
وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَىْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾
و در آن است شرح هر چیزی (که مایهٔ سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (۱۱۱)

سُورَةُ الرَّعْدِ

ترتيبها ۱۳ — آياتها ۴۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓمٓرۚ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِۗ وَٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ وَلَٰكِنَّ

المر، اینها آیات کتاب الهی است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است؛

أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَاۖ

هر چند بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۱) خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که بتوانید آنها را ببینید، برافراشت،

ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَۖ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ

سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت؛ (و به تدبیر جهان پرداخت)؛ و خورشید و ماه را مسخر ساخت، که هر کدام تا زمان معیّنی حرکت دارند.

مُّسَمًّىۚ يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ يُفَصِّلُ ٱلْأَيَٰتِ لَعَلَّكُم بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴿۲﴾

کارها را او تدبیر می‌کند؛ آیات را (برای شما) تشریح می‌نماید؛ شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید. (۲)

وَهُوَ ٱلَّذِي مَدَّ ٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنْهَٰرًاۖ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ

و او کسی است که زمین را گسترد؛ و در آن کوههای استوار و نهرهایی قرارداد؛ و در آن از انواع میوه‌ها

جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ ٱثْنَيْنِۖ يُغْشِي ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ

یک جفت آفرید؛ (پردهٔ سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند؛ در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که

يَتَفَكَّرُونَ ﴿۳﴾ وَفِي ٱلْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَٰوِرَٰتٌ وَجَنَّٰتٌ مِّنْ أَعْنَٰبٍ

تفکّر می‌کنند. (۳) و در روی زمین، قطعات متفاوتی در کنار هم وجود دارد؛ و باغهایی از انگور

وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَآءٍ وَٰحِدٍ وَنُفَضِّلُ

و زراعت و نخلها، (و درختان میوهٔ گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجب آن که) همهٔ آنها از یک آب سیراب می‌شوند!

بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي ٱلْأُكُلِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ

و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که

يَعْقِلُونَ ﴿۴﴾ ۞ وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا

می‌اندیشند. (۴) و اگر (از چیزی) در شگفتی فرو می‌روی، عجیب گفتار آنهاست که می‌گویند:

أَءِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ

«آیا هنگامی که ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می‌شویم و) به خلقت جدیدی باز می‌گردیم؟!» آنها کسانی هستند که

ٱلْأَغْلَٰلُ فِيٓ أَعْنَاقِهِمْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿۵﴾

به پروردگارشان کافر شده‌اند؛ و غل و زنجیرها در گردنشان است؛ و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند. (۵)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبْلَ ٱلْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ

آنها پیش از تقاضای حسنه (و رحمت)، از تو تقاضای شتاب در سیّئه (و عذاب) می‌کنند؛ با این‌که پیش از آنها

ٱلْمَثُلَٰتُ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ

بلاهای عبرت‌انگیز نازل شده است. وپروردگار تو نسبت به مردم - با این‌که ظلم می‌کنند - دارای آمرزش است؛ و (در عین حال،)

لَشَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٦﴾ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ

پروردگارت سخت کیفر است! (۶) کسانی که کافر شدند می‌گویند:«چرا آیه (و معجزه‌ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!»

مِّن رَّبِّهِۦٓ ۗ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرٌ ۖ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾ ٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ

تو فقط بیم‌دهنده‌ای؛ و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است؛ (و اینها همه بهانه است). (۷) خدا از جنین‌هایی که هر (انسان یا حیوان)

كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَىْءٍ عِندَهُۥ

ماده‌ای حمل می‌کند آگاه است؛ و نیز از آنچه رحمها کم می‌کنند (و پیش از موعد مقرّر به دنیا می‌آورند)، و هم از آنچه افزون می‌کنند (و بعد از موقع به دنیا

بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْكَبِيرُ ٱلْمُتَعَالِ ﴿٩﴾

می‌آورند)؛ و هر چیز نزد او مقدار معیّنی دارد. (۸) او دانای پنهان و آشکار، و بزرگ و متعالی است. (۹)

سَوَآءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ ٱلْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍۭ

کسانی از شما که به طور پنهان سخن بگویند، یا آشکار، برای او یکسان است؛ و (نیز) کسانی که

بِٱلَّيْلِ وَسَارِبٌۢ بِٱلنَّهَارِ ﴿١٠﴾ لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٌ مِّنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ

شبانگاه به طور مخفیانه حرکت می‌کنند، یا در روشنایی روز. (۱۰) برای هر کس، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سر او را

يَحْفَظُونَهُۥ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا

از فرمان خدا [=حوادث غیر حتمی] حفظ می‌کنند؛ و خداوند سرنوشت هیچ قومی (وملّتی) راتغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آنان آنچه را در (وجود) خودشان است

بِأَنفُسِهِمْ ۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوْمٍ سُوٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥ ۚ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ

تغییر دهند. و هنگامی که خدا برای قومی (به خاطر اعمالشان) بدی (و عذاب) بخواهد، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، (نجات دهنده و)

مِن وَالٍ ﴿١١﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُرِيكُمُ ٱلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا

سرپرستی‌نخواهند داشت. (۱۱) او کسی است که برق (و صاعقه) را به شما نشان می‌دهد، که هم مایهٔ بیم است و هم مایهٔ امید؛

وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ ﴿١٢﴾ وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعْدُ بِحَمْدِهِۦ

و ابرهای سنگین بار ایجاد می‌کند. (۱۲) و رعد، تسبیح و حمد او می‌گوید؛

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِۦ وَيُرْسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا

و (همچنین) فرشتگان از خوف او! و (اوست که) صاعقه‌ها را می‌فرستد؛ و هر کس را بخواهد گرفتار آن می‌سازد،

مَن يَشَآءُ وَهُمْ يُجَٰدِلُونَ فِى ٱللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ ٱلْمِحَالِ ﴿١٣﴾

با این حال آنها (همچنان) دربارهٔ خدا به مجادله مشغولند؛ با اینکه قدرت او بی انتهاست! (۱۳)

لَهُۥ دَعۡوَةُ ٱلۡحَقِّۖ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيۡءٍ إِلَّا كَبَٰسِطِ

دعوت حق (و دعای مستجاب) از آن اوست؛ و کسانی را که (مشرکان) غیر از او می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی‌گویند. آنها همچون کسی هستند

كَفَّيۡهِ إِلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦۚ وَمَا دُعَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ

که کفهای (دست) خود را به سوی آب می‌گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید. و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست.

(١٤) وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَظِلَٰلُهُم

(۱۴) کسانی که در آسمانها و زمین هستند از روی اختیار یا اجبار ـ و همچنین سایه‌هایشان ـ هر صبح و شام برای خدا سجده می‌کنند.

بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ۩ (١٥) قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ قُلِ ٱللَّهُۚ قُلۡ

سجدة

(۱۵) بگو: «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» بگو: «خداوند یگانه!» (سپس) بگو:

أَفَٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ لَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ نَفۡعٗا وَلَا ضَرّٗاۚ قُلۡ هَلۡ

«آیا خدایانی غیر از او برای خود برگزیده‌اید که (حتی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما)؟!» بگو:

يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ أَمۡ هَلۡ تَسۡتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُۗ أَمۡ جَعَلُواْ

«آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا ظلمتها و نور برابرند؟! آیا آنها همتایانی برای

لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلۡقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ ٱلۡخَلۡقُ عَلَيۡهِمۡۚ قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ

خدا قرار دادند بخاطر این‌که آنان همچون خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینشها بر آنها مشتبه شده است؟!» بگو: «خدا آفرینندهٔ همه چیز است؛

ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّٰرُ (١٦) أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَالَتۡ أَوۡدِيَةُۢ بِقَدَرِهَا

و اوست یکتا و حاکم بر همه چیز.» (۱۶) (خداوند) از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه‌ای

فَٱحۡتَمَلَ ٱلسَّيۡلُ زَبَدٗا رَّابِيٗاۖ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيۡهِ فِي ٱلنَّارِ ٱبۡتِغَآءَ حِلۡيَةٍ

به اندازهٔ آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیلاب بر روی خود کفی حمل کرد؛ (همچنین) و از آنچه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل

أَوۡ مَتَٰعٖ زَبَدٞ مِّثۡلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ وَٱلۡبَٰطِلَۚ فَأَمَّا ٱلزَّبَدُ فَيَذۡهَبُ

زندگی، آتش بر آن می‌افروزند، کفهایی مانند آن به وجود می‌آید ـ خداوند برای، حق و باطل چنین مثالی می‌زند. سرانجام کفها به بیرون پرتاب می‌شوند،

جُفَآءٗۖ وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمۡكُثُ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَالَ

ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلزّ خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند اینچنین مثال می‌زند!

(١٧) لِلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُۥ

(۱۷) برای آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، پاداش نیکو است؛ و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند،

لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦٓۚ

(آنچنان در وحشت عذاب الهی فرو می‌روند، که) اگر تمام آنچه در روی زمین است، و همانندش، از آن آنها باشد، همه را برای رهایی

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡحِسَابِ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ (١٨)

از عذاب فدیه می‌دهند. (ولی از آنها پذیرفته نخواهد شد.) برای آنها حساب بدی است؛ و جایگاهشان جهنم، وچه بد جایگاهی است! (۱۸)

الحزب ٣٦

۞ أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰٓ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ

آيا كسي كه مي‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند كسي است كه ناييناست؟! تنها خردمندان

ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلْمِيثَٰقَ ﴿٢٠﴾ وَٱلَّذِينَ

متذكّر مي‌شوند. (١٩) همان كساني كه به عهد الهي وفا مي‌كنند، و پيمان را نمي‌شكنند؛ (٢٠) و كساني كه

يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلْحِسَابِ

پيوندهايي را كه خدا دستور به برقراري آن داده، برقرار مي‌دارند؛ و از پروردگارشان مي‌ترسند؛ و از بدي حساب (روز قيامت) بيم دارند؛

﴿٢١﴾ وَٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا

(٢١) و كساني كه براي جلب رضاي پروردگارشان شكيبايي مي‌كنند؛ و نماز را برپا مي‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزي داده‌ايم،

رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ عُقْبَى

پنهان و آشكار، انفاق مي‌كنند؛ و با حسنات، سيّئات را برطرف مي‌سازند؛ سرانجام (نيک) سراي آخرت، از آن آنهاست.

ٱلدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ

(٢٢) (همان) باغهاي جاويدان بهشتي كه همراه پدران و همسران و فرزندان صالحشان، وارد آن مي‌شوند؛

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ

و فرشتگان از هر دري بر آنان وارد مي‌گردند؛ (٢٣) (و به آنان مي‌گويند:) سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان!

فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٤﴾ وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَ

چه نيكوست سرانجام سراي جاويدان! (٢٤) آنها كه‌عهد الهي را پس از محكم كردن مي شكنند،

يَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ

و پيوندهايي را كه خدا دستور به برقراري آن داده قطع مي‌كنند، و در روي زمين فساد مي‌نمايند، براي آنهاست لعنت (و دوري از رحمت الهي)؛

ٱللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴿٢٥﴾ ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُواْ

و مجازات سراي آخرت! (٢٥) خدا روزي رابراي هر كس بخواهد گسترده مي‌سازد، يا تنگ مي‌گيرد ولي آنها [=كافران] به زندگي دنيا، شاد (وخوشحال)

بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا مَتَٰعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ

شدند؛ در حالي كه زندگي دنيا در برابر آخرت، جز متاع ناچيزي نيست. (٢٦) كساني كه كافر شدند مي‌گويند:

كَفَرُواْ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن

«چرا نشانه (و معجزه)اي از پروردگارش بر او نازل نشده است؟!» بگو: «خداوند هر كس را بخواهد گمراه،

يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ ﴿٢٧﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطْمَئِنُّ

و هر كس را كه بازگردد، به سوي خودش هدايت مي‌كند.» (٢٧) همان كساني كه ايمان آورده‌اند، و دلهايشان به ياد خدا مطمئن

قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

(و آرام) است؛ آگاه باشيد، تنها با ياد خدا دلها آرام مي‌گيرد. (٢٨)

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ طُوبَىٰ لَهُمۡ وَحُسۡنُ مَـَٔابٖ ﴿٢٩﴾

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنها پاکیزه‌ترین (زندگی) و سرانجام نیک است.

كَذَٰلِكَ أَرۡسَلۡنَٰكَ فِيٓ أُمَّةٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهَآ أُمَمٞ لِّتَتۡلُوَاْ عَلَيۡهِمُ

(۲۹) همان گونه (که پیامبران پیشین را مبعوث کردیم،)تو را به میان امّتی فرستادیم که پیش از آنها امّتهای دیگری آمدند

ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَهُمۡ يَكۡفُرُونَ بِٱلرَّحۡمَٰنِۚ قُلۡ هُوَ رَبِّي لَآ إِلَٰهَ

و رفتند، تا آنچه را به تو وحی نموده‌ایم بر آنان بخوانی، درحالی که به خداوندی که رحمتش عام است، کفر می‌ورزند؛ بگو: «او پروردگار من است؛

إِلَّا هُوَ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾ وَلَوۡ أَنَّ قُرۡءَانٗا سُيِّرَتۡ

معبودی جز او نیست؛ تنها بر او توکّل کردم؛ و بازگشتم به سوی اوست.» (۳۰) اگربوسیلهٔ قرآن، کوهها به حرکت در آیند

بِهِ ٱلۡجِبَالُ أَوۡ قُطِّعَتۡ بِهِ ٱلۡأَرۡضُ أَوۡ كُلِّمَ بِهِ ٱلۡمَوۡتَىٰۗ بَل لِّلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ

یا زمین قطعه قطعه شود، یا بوسیلهٔ آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم کافران، ایمان نخواهند آورد.) ولی تمام امور در اختیار خداست.

جَمِيعًاۗ أَفَلَمۡ يَاْيۡـَٔسِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَهَدَى ٱلنَّاسَ

آیا آنها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همهٔ مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند؟!

جَمِيعٗاۗ وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُواْ قَارِعَةٌ أَوۡ تَحُلُّ

(امّا هدایت اجباری سودی ندارد.)و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران به سبب اعمالشان وارد می‌شود،

قَرِيبٗا مِّن دَارِهِمۡ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ وَعۡدُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿٣١﴾

و یا به نزدیکی خانه آنها فرود می‌آید، تا وعدهٔ (نهایی) خدا فرارسد؛به یقین خداوند از وعدهٔ خود تخلّف نمی‌کند. (۳۱)

وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَأَمۡلَيۡتُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ثُمَّ أَخَذۡتُهُمۡۖ

(تنها تو را استهزا نکردند، بلکه) پیامبران پیش از تو نیز مورد استهزا قرار گرفتند؛ من به کافران مهلت دادم؛ سپس آنها را مجازات کردم؛

فَكَيۡفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٣٢﴾ أَفَمَنۡ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۗ

و چه مجازات شدیدی بود؟! (۳۲) آیا کسی که بر همه سلطه دارد (و مراقب همه است) و اعمالشان را می‌بیند (،همچون کسی است که هیچ یک از این صفات

وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلۡ سَمُّوهُمۡۚ أَمۡ تُنَبِّـُٔونَهُۥ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلۡأَرۡضِ

را ندارد)؟!آنان برای خدا همتایانی قراردادند؛ بگو: «آنها را نام ببرید! آیا چیزی رابه او خبر می‌دهید که از وجود آن در روی زمین بی‌خبر است،

أَم بِظَٰهِرٖ مِّنَ ٱلۡقَوۡلِۗ بَلۡ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ مَكۡرُهُمۡ وَصُدُّواْ عَنِ

یا سخنان ظاهری و بی‌محتوا می‌گویید؟!» (او همتایی ندارد؛) ولی در نظر کافران، دروغ و نیرنگشان جلوه داده شده است، (و می‌پندارند واقعیتی دارد) و آنها

ٱلسَّبِيلِۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ﴿٣٣﴾ لَّهُمۡ عَذَابٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ

(به سبب اعمالشان) از راه (خدا) بازداشته شده‌اند؛ و هر کس را خدا گمراه کند، هدایت کننده‌ای برای او وجود نخواهد داشت. (۳۳) در زندگی دنیا، برای آنها

ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَشَقُّۖ وَمَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ﴿٣٤﴾

عذابی (دردناک) است؛ و عذاب آخرت سخت‌تر است؛ و در برابر (عذاب) خدا، هیچ نگهدارنده‌ای برای آنها نیست. (۳۴)

مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ ۖ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ

وصف بهشتي كه به پرهيزگاران وعده داده شده، (اين است كه) نهرها از پاى درختانش جارى است، ميوه‌هاى آن

أُكُلُهَا دَآئِمٌ وَظِلُّهَا ۚ تِلْكَ عُقْبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا۟ ۖ وَّعُقْبَى ٱلْكَٰفِرِينَ

هميشگي، و سايه‌اش دائمي است؛ اين سرانجام كساني است كه پرهيزگاري پيشه كردند؛ و سرانجام كافران،

ٱلنَّارُ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ ۖ

آتش دوزخ است. (۳۵) كساني كه كتاب آسماني به آنان داده‌ايم، از آنچه بر تو نازل شده، شادمانند؛

وَمِنَ ٱلْأَحْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُۥ ۚ قُلْ إِنَّمَآ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ وَلَآ

و بعضي از احزاب (و گروهها)، قسمتي از آن را انكار مي‌كنند؛ بگو: «من مامورم كه خداوند يگانه را بپرستم؛

أُشْرِكَ بِهِۦٓ ۚ إِلَيْهِ أَدْعُوا۟ وَإِلَيْهِ مَـَٔابِ ﴿٣٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَٰهُ حُكْمًا

و همتايي براى او قائل نشوم. تنها به سوى او دعوت مي‌كنم؛ و بازگشتم فقط به سوى اوست.» (۳۶) همان گونه (كه به پيامبران پيشين كتاب آسماني داديم،)

عَرَبِيًّا ۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم بَعْدَمَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ

بر تو نيز اين (قرآن) را بعنوان فرمان روشن و صريحي نازل كرديم؛ و اگر بعد از علم و دانشي كه به تو رسيده از هوسهاى آنان پيروى كني، در برابر خدا، نه

مِن وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ

سرپرستي خواهي داشت و نه نگهدارنده‌اى. (۳۷) و ما پيش از تو (نيز) پيامبراني فرستاديم؛

أَزْوَٰجًا وَذُرِّيَّةً ۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۗ لِكُلِّ

و براى آنها همسران و فرزنداني قرار داديم؛ و هيچ پيامبرى نمي‌توانست معجزه‌اى بياورد، مگر به اذن خدا. و براى هر سرنوشتي

أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٨﴾ يَمْحُوا۟ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ وَيُثْبِتُ ۖ وَعِندَهُۥٓ أُمُّ

موعد مقررى است. (۳۸) خداوند هر چه را بخواهد محو، و هر چه را بخواهد ثابت نگه مي‌دارد؛ و «ام الكتاب» [= لوح محفوظ] نزد اوست.

ٱلْكِتَٰبِ ﴿٣٩﴾ وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ

(۳۹) و اگر پاره‌اى از مجازاتها را كه به آنها وعده مي‌دهيم به تو نشان دهيم، يا (پيش از فرا رسيدن اين مجازاتها) تو را بميرانيم،

فَإِنَّمَا عَلَيْكَ ٱلْبَلَٰغُ وَعَلَيْنَا ٱلْحِسَابُ ﴿٤٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَأْتِي ٱلْأَرْضَ

در هر حال وظيفهٔ تو فقط ابلاغ (وحي الهي) است؛ و حساب (آنها) بر ماست. (۴۰) آيا نديدند كه ما پيوسته از اطراف (و جوانب) زمين مي‌كاهيم؟!

نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ وَٱللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِۦ ۚ وَهُوَ سَرِيعُ

(و جامعه‌ها، به تدريج از ميان مي‌روند.) و خداوند حكم مي‌كند؛ و هيچ كس را ياراى جلوگيرى از حكم او نيست؛ و او

ٱلْحِسَابِ ﴿٤١﴾ وَقَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ ٱلْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ

سريع الحساب است. (۴۱) پيش از آنان نيز كساني طرحها و نقشه‌ها كشيدند؛ ولي تمام تدبيرها از آن خداست.

يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۗ وَسَيَعْلَمُ ٱلْكُفَّٰرُ لِمَنْ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٤٢﴾

او از اعمال هر كس آگاه است؛ و بزودى كفار مي‌دانند سرانجام (نيك) سراى ديگر از آن كيست! (۴۲)

۱۴ – سوره ابراهیم

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۚ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ

آنها که کافر شدند می‌گویند: «تو پیامبر نیستی!» بگو: «کافی است که خداوند،

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند.» (۴۳)

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

ترتيبها ۱۴　　آياتها ۵۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الر ۚ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

الر. (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها (ی شرک و ظلم و جهل) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)،

النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾ اللَّهِ الَّذِي

به خواست پروردگارشان بیرون آوری، و (و هدایت کنی) به سوی راه خداوند توانا و ستوده. (۱)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ

همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ وای بر کافران

مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى

از مجازات شدید (الهی)! (۲) همان کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند؛

الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ أُولَٰئِكَ

و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند؛ و می‌خواهند آن را منحرف سازند؛ آنها

فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ

در گمراهی دوری هستند. (۳) ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، جز به زبان قومش؛

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَهُوَ

تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد؛ سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته باشد) هدایت می‌کند؛

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

و او توانا و حکیم است. (۴) ما موسی را با آیات (و معجزات) خود فرستادیم؛

أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ

(و دستور دادیم:) قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج ساز؛ و «ایام الله» [= روزهای خاص الهی

بِأَيَّامِ اللَّهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾

را به آنان یادآوری کن. در این، نشانه‌هایی است برای هر شکیبای شکرگزار. (۵)

وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را نسبت به خود به یاد داشته باشید،

أَنجَىٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ

زمانی که شما را از (چنگ) فرعونیان رهایی بخشید؛ همانها که شما را به بدترین وجهی پیوسته شکنجه می‌کردند؛

أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٌ

پسرانتان را سر می‌بریدند، و زنانتان را (برای خدمتکاری) زنده می‌گذاشتند؛و در این، آزمایش بزرگی

مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ٦ وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكُمۡ لَئِن شَكَرۡتُمۡ

از طرف پروردگارتان بود!» (۶) و نیز به یاد آورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت:

لَأَزِيدَنَّكُمۡۖ وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٞ ٧ وَقَالَ

«اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما افزون خواهم کرد؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (۷) و موسی (به بنی‌اسرائیل) گفت:

مُوسَىٰٓ إِن تَكۡفُرُوٓاْ أَنتُمۡ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

«اگر شما و همهٔ مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد؛ چرا که) خداوند، بی‌نیاز و شایستهٔ ستایش است.»

٨ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ

(۸) آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسیده؟! «قوم نوح» و «عاد»

وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا ٱللَّهُۚ جَآءَتۡهُمۡ

و «ثمود» و کسانی که پس از ایشان بودند؛ همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست؛

رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرَدُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فِيٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَقَالُوٓاْ إِنَّا كَفَرۡنَا

پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغ آنان آمدند، ولی آنها (از روی تعجب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند:

بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ وَإِنَّا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَنَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ٩

«ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم؛ و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می‌خوانید، در شک و تردیدی آمیخته با بدگمانی هستیم.» (۹)

۞ قَالَتۡ رُسُلُهُمۡ أَفِي ٱللَّهِ شَكّٞ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ

پیامبران آنها گفتند: «آیا در خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، شک و تردیدی است؛

يَدۡعُوكُمۡ لِيَغۡفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرَكُمۡ إِلَىٰٓ

او شما را دعوت می‌کند تا گناهانتان را بیامرزد، و تا موعد مقرّری شما را باقی گذارد.»

أَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ قَالُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا

آنها گفتند: «(ما اینها را نمی‌فهمیم! همین اندازه می‌دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، که می‌خواهید

عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتُونَا بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ١٠

ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید؛ پس (اگر راست می‌گویید) دلیل و معجزهٔ روشنی برای ما بیاورید.» (۱۰)

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَمُنُّ

پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس

عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۖ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَٰنٍ

از بندگانش بخواهد (و شایسته باشد)، نعمت می‌بخشد (و مقام رسالت عطا می‌کند)؛ و برای ما ممکن نیست جز به فرمان خدا معجزه‌ای بیاوریم؛

إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَآ

و (از تهدیدهای شما نمی‌هراسیم؛) مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند! (۱۱) و چرا بر خدا

أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنَا سُبُلَنَا ۚ وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ

توکّل نکنیم، با این‌که ما را به راههای (سعادت)مان رهبری کرده است؟! و ما به یقین در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد

مَآ ءَاذَيْتُمُونَا ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ

(و دست از رسالت خویش بر نمی‌داریم)؛ و توکّل‌کنندگان، باید فقط بر خدا توکّل کنند.» (۱۲) (ولی) کافران

كَفَرُوا۟ لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُم مِّنْ أَرْضِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ

به پیامبران خود گفتند: «ما به یقین شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر این‌که به

فِى مِلَّتِنَا ۖ فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٣﴾ وَ

آیین ما بازگردید.» در این هنگام، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ستمکاران را هلاک می‌کنیم. (۱۳)

لَنُسْكِنَنَّكُمُ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِهِمْ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِى

و شما را بعد از آنان در این سرزمین سکونت خواهیم داد. این (موهبت)، برای کسی است که از مقام (عدالت) من بترسد؛

وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ وَٱسْتَفْتَحُوا۟ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

و از تهدیدم بیمناک باشد.» (۱۴) و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفّار) کردند؛ و (سرانجام) هر گردنکش حق ستیزی نومید و نابود شد.

﴿١٥﴾ مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّآءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُۥ

(۱۵) به دنبال او جهنم خواهد بود؛ و از آب بد بوی متعفّنی نوشانده می‌شود. (۱۶) آن را جرعه جرعه سر می‌کشد؛

وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ وَيَأْتِيهِ ٱلْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا

و هرگز حاضر نیست به میل خود آن را بیاشامد؛ و مرگ از هر جا به سراغ او می‌آید؛ ولی

هُوَ بِمَيِّتٍ ۖ وَمِن وَرَآئِهِۦ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾ مَّثَلُ ٱلَّذِينَ

با این همه نمی‌میرد؛ و در پی او، عذاب‌شدیدی است! (۱۷) کسانی که به پروردگارشان

كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَٰلُهُمْ كَرَمَادٍ ٱشْتَدَّتْ بِهِ ٱلرِّيحُ فِى يَوْمٍ عَاصِفٍ ۖ

کافر شدند،اعمالشان همچون خاکستری است در برابر وزش تند باد در یک روز طوفانی؛

لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا۟ عَلَىٰ شَىْءٍ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلْبَعِيدُ ﴿١٨﴾

آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده‌اند، به دست آورند؛ و این همان گمراهی دور و دراز است. (۱۸)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنْ يَشَأْ

آیا ندیدی خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفریده است؟! اگر بخواهد،

يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾

شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد. (۱۹) و این کار برای خدا مشکل نیست. (۲۰)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا

و (در قیامت،) همه آنها در برابر (دادگاه عدل) خدا ظاهر می‌شوند؛ در این هنگام، ضعفا (و پیروان نادان) به مستکبران (و پیشوایان گمراه) می‌گویند:

لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ قَالُوا لَوْ

«ما پیروان شما بودیم؛ آیا (اکنون که گرفتار مجازات الهی شده‌ایم،) حاضرید سهمی از عذاب الهی را از ما بردارید؟» آنها می‌گویند:

هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ ۖ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا

«اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می‌کردیم؛ (ولی اکنون) چه بی‌تابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد؛

لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿٢١﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ

راه گریزی‌برای ما نیست.» (۲۱) و هنگامی که کار تمام می‌شود، شیطان می‌گوید: «خداوند به شما وعدهٔ حق داد؛

وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ ۖ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ

و من به شما وعدهٔ (باطل) دادم، و تخلّف کردم. من بر شما تسلّطی نداشتم،

مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي ۖ فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا

جز این‌که دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید؛ بنابراین، مرا سرزنش نکنید؛

أَنْفُسَكُمْ ۖ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ ۖ

و خود را سرزنش کنید. نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من. من نسبت به شرک شما دربارهٔ خود،

إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ ۗ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ

که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم؛» به یقین ستمکاران

عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

عذاب دردناکی دارند! (۲۲) و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند،

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ۖ

به باغهای بهشتی وارد می‌کنند؛ باغهایی که نهرها از پای درختانش جاری است؛ به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می‌مانند؛

تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

و تحیّت آنها در آن، «سلام» است. (۲۳) آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمهٔ طیّبه» (و گفتار پاکیزه) را

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾

به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشهٔ آن (در زمین) ثابت، و شاخهٔ آن در آسمان است؟! (۲۴)

تُؤْتِيٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينِۭ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۗ وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ

هر زمان میوهٔ خود را به اذن پروردگارش می‌دهد. و خداوند برای مردم مثلها می‌زند،

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ

شاید متذکر شوند (و پند گیرند). (۲۵) و «کلمهٔ خبیثه» (و سخن ناپاک) را به درخت

خَبِيثَةٍ ٱجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ ٱلْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُثَبِّتُ ٱللَّهُ

ناپاکی تشبیه کرده که از زمین ریشه کن شده، و قرار و ثباتی ندارد. (۲۶) خداوند

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِى

کسانی را که ایمان آوردند، به سبب گفتار و اعتقاد استوار در این جهان، و در سرای دیگر، ثابت قدم می‌دارد؛

ٱلْءَاخِرَةِ ۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَ ۚ وَيَفْعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ﴿٢٧﴾

و ستمکاران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها به سبب اعمالشان بر می‌گیرد)؛ و خداوند هر چه را اراده کند (و مصلحت باشد) انجام می‌دهد. (۲۷)

۞ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ بَدَّلُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا۟ قَوْمَهُمْ دَارَ

آیا ندیدی کسانی را که (شکر) نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و

ٱلْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا ۖ وَبِئْسَ ٱلْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا۟

نابودی کشاندند؟! (۲۸) (سرای نیستی و نابودی، همان) دوزخ است که آنها در آتش آن وارد می‌شوند؛ و چه بد قرارگاهی است! (۲۹) آنها برای

لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا۟ عَن سَبِيلِهِۦ ۗ قُلْ تَمَتَّعُوا۟ فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى

خدا همتایانی قرار داده‌اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند؛ بگو: «(چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن) بهره گیرید؛ امّا سرانجام کار شما

ٱلنَّارِ ﴿٣٠﴾ قُل لِّعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُوا۟ مِمَّا

(رفتن) به سوی آتش (دوزخ) است!» (۳۰) به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو نماز را برپا دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار،

رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَٰلٌ

انفاق کنند؛ پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن، نه داد و ستدی است، و نه دوستی. (نه با مال می‌توانند از کیفر خدا رهایی یابند، و نه با پیوندهای مادّی.)

﴿٣١﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ

(۳۱) خداوند، کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی فرو فرستاد؛

مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْفُلْكَ

و با آن، میوه‌ها (و محصولات گوناگون) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد؛ و کشتیها را مسخّر شما ساخت،

لِتَجْرِىَ فِى ٱلْبَحْرِ بِأَمْرِهِۦ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْأَنْهَٰرَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ

تا بر صفحهٔ دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نهرها را (نیز) مسخّر شما نمود؛ (۳۲) و

لَكُمُ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

خورشید و ماه را ـ که با برنامه منظمی در حرکتند ـ به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را (نیز) مسخّر شما ساخت؛ (۳۳)

وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ ۚ وَإِن تَعُدُّوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ

و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید،

لَا تُحْصُوهَآ ۗ إِنَّ ٱلْإِنسَـٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾ وَإِذْ قَالَ

هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید. انسان، ستمکار و ناسپاس است.» (۳۴) (به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت:

إِبْرَٰهِيمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَـٰذَا ٱلْبَلَدَ ءَامِنًا وَٱجْنُبْنِى وَبَنِىَّ أَن نَّعْبُدَ

«پروردگارا! این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده؛ و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار،

ٱلْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ ۖ فَمَن تَبِعَنِى فَإِنَّهُۥ

(۳۵) پروردگارا! آنها [= بتها] بسیاری از مردم را گمراه ساختند. هر کس از من پیروی کند از من است؛

مِنِّى ۖ وَمَنْ عَصَانِى فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَّبَّنَآ إِنِّىٓ أَسْكَنتُ مِن

و هر کس نافرمانی من کند، تو آمرزنده و مهربانی. (۳۶) پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را

ذُرِّيَّتِى بِوَادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ ٱلْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ

در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛

فَٱجْعَلْ أَفْـِٔدَةً مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهْوِىٓ إِلَيْهِمْ وَٱرْزُقْهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ

تو دلهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛

لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِى وَمَا نُعْلِنُ ۗ وَمَا يَخْفَىٰ

شاید آنان شکر تو را به جای آورند. (۳۷) پروردگارا!تو آنچه را که پنهان کرده و یا آشکار می‌سازیم می‌دانی؛

عَلَى ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ ﴿٣٨﴾ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى

و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست. (۳۸) ستایش مخصوص خدایی است که

وَهَبَ لِى عَلَى ٱلْكِبَرِ إِسْمَـٰعِيلَ وَإِسْحَـٰقَ ۚ إِنَّ رَبِّى لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ

در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ به یقین پروردگار من، شنونده (و اجابت‌کنندهٔ) دعاست.

﴿٣٩﴾ رَبِّ ٱجْعَلْنِى مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِى ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ

(۳۹) پروردگارا! مرا بر پادارندهٔ نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا! دعای مرا بپذیر.

دُعَآءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ

(۴۰) پروردگارا! من و پدر و مادرم و همهٔ مؤمنان را، در آن روزی که حساب برپا می‌شود، بیامرز!»

ٱلْحِسَابُ ﴿٤١﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ غَـٰفِلًا عَمَّا يَعْمَلُ

(۴۱) (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر که خدا، از آنچه ستمکاران انجام می‌دهند، غافل است!

ٱلظَّـٰلِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصَـٰرُ ﴿٤٢﴾

(نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی که چشمها در آن (بخاطر ترس و وحشت) از حرکت باز می‌ایستد تأخیر می‌اندازد؛ (۴۲)

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ

در حالي كه (در آن روز) گردنها را كشيده، سرها را بالا نگهداشته، حتّى پلك چشمهايشان (به سبب وحشت) از حركت باز مى‌ماند؛ و دلهايشان (فرو مى‌ريزد؛

﴿٤٣﴾ وَأَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ ٱلْعَذَابُ فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ رَبَّنَآ

و از انديشه و اميد) خالي مى‌گردد. (۴۳) و مردم را از روزى كه عذاب الهى به سراغشان مى‌آيد، بترسان! آن روز كه ستمكاران مى‌گويند: «پروردگارا!

أَخِّرْنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَ ۗ أَوَلَمْ

مدّت كوتاهى ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذيريم و از پيامبران پيروى كنيم!» (امّا پاسخ مى‌شنوند كه:)

تَكُونُوٓا۟ أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ﴿٤٤﴾ وَ

مگر شما نبوديد كه پيش از اين سوگند ياد كرديد كه زوال و فنايى براى شما نيست؟! (۴۴)

سَكَنتُمْ فِى مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ

(آرى شما بوديد كه) در منازل (و كاخهاى) كسانى كه به خويشتن ستم كردند، ساكن شديد؛ و براى شما آشكار شدچگونه با آنان رفتار كرديم؛

لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ ٱلْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾ وَقَدْ

و براى شما، مثالها (از سرگذشت پيشينيان) زديم (باز هم بيدار نشديد)! (۴۵) آنها

مَكَرُوا۟ مَكْرَهُمْ وَعِندَ ٱللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ

نهايت مكر (و نيرنگ) خود را به كار زدند؛ وهمه مكرها (و توطئه‌هايشان) نزد خدا (آشكار و بى اثر) است، هر چند مكرشان

لِتَزُولَ مِنْهُ ٱلْجِبَالُ ﴿٤٦﴾ فَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِۦ رُسُلَهُۥٓ ۚ

چنان باشد كه كوهها از جا بركنده شود. (۴۶) پس هرگز گمان مبر كه خدا از وعده‌اى كه به پيامبرانش داده، تخلّف كند.

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ تُبَدَّلُ ٱلْأَرْضُ غَيْرَ ٱلْأَرْضِ

چرا كه خداوند توانا و مجازات كننده است. (۴۷) در آن روز كه اين زمين به زمين ديگر، و

وَٱلسَّمَٰوَٰتُ ۖ وَبَرَزُوا۟ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾ وَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ

آسمانها (به آسمانهاى ديگرى) مبدّل مى‌شود، و همه در پيشگاه خداوند يگانهٔ حاكم بر همه چيز ظاهر مى‌گردند. (۴۸) و در آن روز، مجرمان را

يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِى ٱلْأَصْفَادِ ﴿٤٩﴾ سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَ

با هم در غل و زنجير مى‌بينى؛ (۴۹) لباسهايشان از قطران [= مادّه چسبنده بد بوى قابل اشتعال] است؛

تَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ ﴿٥٠﴾ لِيَجْزِىَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۚ

و صورتهايشان را آتش مى‌پوشاند؛ (۵۰) تا خداوند هر كس را، (مطابق) آنچه انجام داده، جزا دهد؛

إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿٥١﴾ هَٰذَا بَلَٰغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا۟

به يقين، خداوند سريع‌الحساب است. (۵۱) اين (قرآن، ابلاغى براى عموم مردم است؛

بِهِۦ وَلِيَعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٥٢﴾

تا بوسيلهٔ آن انذار شوند، و بدانند او خداى يكتاست؛ و تا خردمندان پند گيرند. (۵۲)

۱۵ – سوره الحجر

سُورَةُ الحِجرِ

ترتيبها ۱۵ — آياتها ۹۹

الجزء ۱۴ — الحزب ۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓر تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ وَقُرْءَانٍ مُّبِينٍ ﴿١﴾ رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ

الر، این آیات کتاب الهی، و قرآن مبین است. (۱) کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،)

كَفَرُوا۟ لَوْ كَانُوا۟ مُسْلِمِينَ ﴿٢﴾ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا۟ وَيَتَمَتَّعُوا۟

چه بسا آرزو می‌کنند که ای کاش مسلمان بودند! (۲) آنها را به حال خود واگذار تا بخورند، و (از دنیا) بهره گیرند،

وَيُلْهِهِمُ ٱلْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَ

و آرزوها آنان را غافل سازد؛ ولی بزودی خواهند فهمید! (۳) ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم

لَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤﴾ مَّا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَـْٔخِرُونَ

جز این‌که اجل معیّن (و زمان تغییرناپذیری) داشتند. (۴) هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد؛ و از آن عقب نخواهد افتاد.

وَقَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِى نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾ لَّوْ

(۵) و (کافران) گفتند: «ای کسی که «ذکر» [= قرآن] بر تو نازل شده، تو به یقین دیوانه‌ای! (۶)

مَا تَأْتِينَا بِٱلْمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٧﴾ مَا نُنَزِّلُ

اگر راست می‌گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری؟!» (۷) (آنان بدانند) ما فرشتگان را،

ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَمَا كَانُوٓا۟ إِذًا مُّنظَرِينَ ﴿٨﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا

جز بحق، نازل نمی‌کنیم؛ و آنگاه که نازل شوند، دیگر به آنان مهلت داده نمی‌شود (؛ و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می‌گردند)! (۸) ما قرآن را نازل

ٱلذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِى شِيَعِ

کردیم؛ و ما بطور قطع آن را حفظ می‌کنیم. (۹) ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی در میان امتهای

ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١١﴾

نخستین فرستادیم. (۱۰) هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی‌آمد مگر این‌که او را مسخره می‌کردند. (۱۱)

كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُۥ فِى قُلُوبِ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَقَدْ خَلَتْ

ما اینچنین (و از هر طریق ممکن) قرآن را به درون دلهای مجرمان راه می‌دهیم. (۱۲) (امّا با این حال،) آنها به آن ایمان نمی‌آورند؛ و

سُنَّةُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّوا۟ فِيهِ

روش اقوام پیشین نیز چنین بود. (۱۳) و اگر دری از آسمان به روی آنان می‌گشودیم، و آنها پیوسته در آن

يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾ لَقَالُوٓا۟ إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَٰرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿١٥﴾

بالا می‌رفتند؛ (۱۴) باز می‌گفتند: «ما چشم‌بندی شده‌ایم؛ بلکه ما قومی سحر شده‌ایم!» (۱۵)

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ ﴿١٦﴾ وَ
ما در آسمان برجهایی قرار دادیم؛ و آن را برای بینندگان آراستیم. (۱۶) و
حَفِظْنَٰهَا مِن كُلِّ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنِ ٱسْتَرَقَ ٱلسَّمْعَ فَأَتْبَعَهُۥ
آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم؛ (۱۷) مگر آن کس که استراق سمع کند (و دزدانه گوش فرادهد) که
شِهَابٌ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ وَٱلْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتْنَا
«شهابی آشکار» او را تعقیب می‌کند (و می‌راند). (۱۸) و زمین را گستردیم؛ و در آن کوههای استواری قرار دادیم؛
فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن لَّسْتُمْ
و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم؛ (۱۹) و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم؛ همچنین برای کسانی که شما
لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا
نمی‌توانید به آنها روزی دهید. (۲۰) و هیچ چیز نیست، مگر آنکه خزاین آن نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازهٔ
بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢١﴾ وَأَرْسَلْنَا ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً
معیّنی آن رانازل نمی‌کنیم. (۲۱) ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها) فرستادیم؛ و از آسمان آبی نازل کردیم،
فَأَسْقَيْنَٰكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمْ لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ ﴿٢٢﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِۦ
و شما را با آن سیراب ساختیم؛در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید. (۲۲) ماییم که زنده می‌کنیم
وَنُمِيتُ وَنَحْنُ ٱلْوَٰرِثُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا ٱلْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ
و می‌میرانیم؛ و ماییم وارث (همهٔ جهانیان). (۲۳) ما، هم از پیشینیان شما آگاه بودیم؛
عَلِمْنَا ٱلْمُسْتَـْٔخِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ وَ
و هم از آیندگان. (۲۴) به یقین پروردگار تو، آنها را (در قیامت) جمع و محشور می‌کند؛ چرا که او حکیم و داناست. (۲۵)
لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ وَٱلْجَآنَّ خَلَقْنَٰهُ
ما انسان را از گل خشکیده‌ای (همچون سفال) که از گل بدبوی (تیره‌رنگی) گرفته شده بود آفریدیم. (۲۶) و جنّ را پیش از آن،
مِن قَبْلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ ﴿٢٧﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقٌۢ
از آتش گرم و سوزان خلق کردیم. (۲۷) و (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از
بَشَرًا مِّن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ
گل خشکیده‌ای که از گل بدبوی (تیره رنگی) گرفته شده، می‌آفرینم. (۲۸) هنگامی که آن را نظام بخشیدم، و در او از روح خود
فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا۟ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ
[= روحی شایسته و بزرگ] دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (۲۹) پس همهٔ فرشتگان، بی‌استثنا،
أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٣١﴾
سجده کردند؛ (۳۰) جز ابلیس، که ابا کرد از این‌که با سجده‌کنندگان باشد. (۳۱)

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمۡ أَكُن لِّأَسۡجُدَ
(خداوند) فرمود: «ای ابليس! چرا با سجده‌كنندگان نيستي؟!» (۳۲) گفت: «من هرگز برای بشری كه او را
لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا
از گل خشكيده‌ای كه‌از گل بدبويي آفريده‌ای، سجده نخواهم كرد.» (۳۳) فرمود: «از آن [= صف فرشتگان] بيرون رو،
فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ
كه تو (از درگاه ما) رانده‌شده‌ای! (۳۴) و لعنت (و دوری از رحمت حق)تا روز قيامت بر تو خواهد بود.» (۳۵) گفت:
رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿٣٧﴾
«پروردگارا! مرا تا روز رستاخيز مهلت ده (و زنده بگذار.)» (۳۶) فرمود: «تو ازمهلت يافتگاني! (۳۷)
إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ
(امّا نه تا روزرستاخيز،بلكه)تا روزو وقت معيّني.» (۳۸) گفت:«پروردگارا! به سبب آنكه مرا گمراه ساختي، من (نعمتهای مادّی را) در زمين در نظر آنها جلوه
فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ
می‌دهم، و به يقين همگی را گمراه خواهم ساخت، (۳۹) مگر بندگان خالص شده‌ات را.»
﴿٤٠﴾ قَالَ هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَيَّ مُسۡتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ
(۴۰) فرمود: «اين راه مستقيمی است كه بر عهدهٔ من است (و سنّت هميشگی‌ام)؛ (۴۱) كه بر بندگانم هيچ
عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ
تسلطی نخواهی يافت؛ مگر گمراهانی كه از تو پيروی می‌كنند؛ (۴۲) و دوزخ،
لَمَوۡعِدُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٤٣﴾ لَهَا سَبۡعَةُ أَبۡوَٰبٖ لِّكُلِّ بَابٖ مِّنۡهُمۡ جُزۡءٞ
ميعادگاه همهٔ آنهاست! (۴۳) هفت در دارد؛ و برای هر دری، بخشی از آنها تعيين و
مَّقۡسُومٌ ﴿٤٤﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ٱدۡخُلُوهَا
تقسيم شده‌اند.» (۴۴) به يقين، پرهيزگاران در باغهای (سرسبز) بهشتی و در كنار چشمه‌ها هستند. (۴۵) (فرشتگان به آنها می‌گويند:)
بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ
داخل اين باغها شويد با (نهايت) سلامت و امنيّت! (۴۶) و ما هر گونه حسد و كينه را از سينهٔ آنها بر می‌كنيم؛ در حالی كه همه برادرند، و بر تختها رو به روی
مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ
يكديگر قرار دارند. (۴۷) هيچ خستگی و رنجی در آن‌جا به آنها نمی‌رسد، و هيچ گاه از آن اخراج نمی‌شوند!
﴿٤٨﴾ ۞ نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّ عَذَابِي
(۴۸) (ای پيامبر!) بندگانم را آگاه كن كه آمرزندهٔ مهربان منم. (۴۹) و (اين‌كه) عذاب من،
هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّئۡهُمۡ عَن ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٥١﴾
همان عذاب دردناک است! (۵۰) و به آنها از مهمانهای ابراهيم خبر ده. (۵۱)

إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗا قَالَ إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُواْ لَا

هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند؛ (ابراهیم) گفت: «ما از شما بیمناکیم!» (۵۲) گفتند:

تَوۡجَلۡ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشَّرۡتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ

«نترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می‌دهیم!» (۵۳) گفت: «آیا به من (چنین) بشارت می‌دهید با این‌که پیر شده‌ام؟!

ٱلۡكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ

با این حال به چه چیز بشارت می‌دهید؟!» (۵۴) گفتند: «تو را بحق بشارت دادیم؛ بنابراین جزء

ٱلۡقَٰنِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ

مأیوسان مباش.» (۵۵) گفت: «چه کسی جز گمراهان، از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟!»

﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٖ

(۵۶) (سپس) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟» (۵۷) گفتند: «ما به سوی قومی گنهکار فرستاده شده‌ایم

مُّجۡرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا

(تا آنها را هلاک کنیم)؛ (۵۸) مگر خاندان لوط، که همگی آنها را نجات خواهیم داد؛ (۵۹) بجز

ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ

همسرش، که مقدّر داشتیم از بازماندگان (در شهر، و هلاک‌شوندگان) باشد.» (۶۰) هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط

ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُواْ بَلۡ جِئۡنَٰكَ

آمدند، (۶۱) (لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی هستید!» (۶۲) گفتند: «ما همان چیزی را برای تو آورده‌ایم که آنها [= کافران]

بِمَا كَانُواْ فِيهِ يَمۡتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَتَيۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ

در آن پیوسته تردید داشتند (آری، ما مأمور عذابیم)! (۶۳) ما واقعیّت مسلّمی را برای تو آورده‌ایم؛ و به یقین ما راستگو هستیم.

﴿٦٤﴾ فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ

(۶۴) پس، خانواده‌ات را در دل شب با خود بردار، و از این جا ببر؛ و خودت به دنبال آنها حرکت کن؛ و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد؛

أَحَدٞ وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ ذَٰلِكَ ٱلۡأَمۡرَ

و به همان جا که مأمور می‌شوید بروید.» (۶۵) و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم

أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقۡطُوعٞ مُّصۡبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ

که صبحگاهان، همهٔ آنها ریشه‌کن خواهند شد. (۶۶) اهل شهر (از ورود میهمانان باخبر شدند، و به طرف خانهٔ لوط) آمدند

يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيۡفِي فَلَا تَفۡضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَٱتَّقُواْ

در حالی که شادمان بودند. (۶۷) (لوط) گفت: «اینها میهمانان منند؛ آبروی مرا نریزید؛ (۶۸) و از (خشم) خدا بترسید،

ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ نَنۡهَكَ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧٠﴾

و مرا شرمنده نسازید!» (۶۹) گفتند: «مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و نگفتیم کسی را به میهمانی نپذیر؟!)» (۷۰)

قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيٓ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

گفت: «اگر می‌خواهید کار صحیحی انجام دهید، این دختران من حاضرند (با آنها ازدواج کنید؛ و از گناه بپرهیزید!)» (۷۱) (ای پیامبر!) به جان تو سوگند، اینها

﴿٧٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا

در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده‌اند)! (۷۲) سرانجام هنگام طلوع آفتاب، صیحهٔ (مرگبار) آنها را فرا گرفت! (۷۳) سپس

عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ

شهرهای آنها را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ به صورت گلهای متحجّر بر آنها فرو ریختیم! (۷۴) در این (سرگذشت عبرت‌انگیز)، نشانه‌هایی است برای

﴿٧٥﴾ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَ

هوشیاران. (۷۵) و آن (سرزمین ویران) همواره، بر سر راه (کاروانها) است. (۷۶) در این، نشانه‌ای است‌برای مومنان! (۷۷)

إِن كَانَ أَصْحَٰبُ ٱلْأَيْكَةِ لَظَٰلِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ

اصحاب «ایکه» [= قوم شعیب، صاحبان سرزمین‌های پر درخت] به یقین قوم ستمکاری بودند. (۷۸) ما آنان را مجازات کردیم؛ و (شهرهای ویران شده) این

مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ ٱلْحِجْرِ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾ وَءَاتَيْنَٰهُمْ

دو [= قوم لوط و شعیب] بر سر راه آشکار است! (۷۹) و «اصحاب حجر» [= قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند. (۸۰) ما آیات خود را به آنان دادیم؛

ءَايَٰتِنَا فَكَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُوا۟ يَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا

ولی آنها از آن روی گردان بودند. (۸۱) در دل کوهها خانه هایی می‌تراشیدند که در آن در

ءَامِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم

امنیت بودند. (۸۲) امّا سرانجام صیحهٔ (مرگبار)، صبحگاهان آنان را فراگرفت؛ (۸۳) وآنچه را به دست آورده بودند، آنها را

مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ

از عذاب الهی نجات نداد. (۸۴) ما آسمانها و زمین و آنچه رامیان آن دو است،

إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٌ فَٱصْفَحِ ٱلصَّفْحَ ٱلْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾

جز بحق نیافریدیم؛ و قیامت یقین فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می‌رسد)؛ پس، به نحو شایسته‌ای از آنها صرف نظر کن. (۸۵)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلْخَلَّٰقُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ سَبْعًا مِّنَ ٱلْمَثَانِي وَ

به یقین، پروردگار تو، آفرینندهٔ آگاه است. (۸۶) ما به تو سورهٔ حمد و

ٱلْقُرْءَانَ ٱلْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا

قرآن عظیم دادیم! (۸۷) (بنابراین،) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادّی)، که به گروههایی از آنها [= کفّار] دادیم؛ میفکن!

مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَٱخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلْ

و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش؛ و پر و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر. (۸۸) و بگو:

إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَآ أَنزَلْنَا عَلَى ٱلْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

«منم بیم دهندهٔ آشکار!» (۸۹) (ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همان گونه که بر تجزیه‌گران (آیات الهی) فرو فرستادیم. (۹۰)

۱۶ – سوره النحل

ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلْقُرْءَانَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسْـَٔلَنَّهُمْ

همان کسانی که قرآن را تقسیم کردند (؛ و فقط آنچه را به سودشان بود پذیرفتند)! (۹۱) به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همهٔ آنها سؤال

أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَٱصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ

خواهیم کرد، (۹۲) از آنچه انجام می‌دادند! (۹۳) آنچه را مأموریت داری، آشکار ساز؛ و از مشرکان روی گردان

عَنِ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَٰكَ ٱلْمُسْتَهْزِءِينَ ﴿٩٥﴾ ٱلَّذِينَ

(و به آنها اعتنا نکن). (۹۴) به یقین ما شرّ ج استهزاکنندگان را از تو دفع کردیم؛ (۹۵) همان کسانی که

يَجْعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ

معبود دیگری با خدا قرار می‌دهند؛ امّا بزودی می‌فهمند (که در اشتباه بودند)! (۹۶) ما می‌دانیم

أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن

سینه‌ات از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را سخت ناراحت می‌کنند). (۹۷) (برای دفع این ناراحتی) پروردگارت را تسبیح‌گو و ستایش نما؛

مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَٱعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ ٱلْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

و از سجده‌کنندگان باش، (۹۸) و پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو را فرارسد (و از جهان چشم فروبندی). (۹۹)

سُورَةُ النَّحْلِ

ترتیبها ۱۶ | آیاتها ۱۲۸

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَتَىٰٓ أَمْرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١﴾ يُنَزِّلُ

فرمان خدا (برای مجازات مشرکان)، فرا رسیده است؛ برای آن عجله نکنید! او منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند! (۱)

ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦٓ أَنْ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ

فرشتگان را با روح (و وحی الهی) به فرمانش بر هر کس از بندگانش بخواهد نازل می‌کند؛ (و به آنها دستور می‌دهد) که (مردم را) انذار کنید؛ (و بگویید:)

إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ ﴿٢﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ ۚ تَعَٰلَىٰ

معبودی جز من نیست؛ از (مخالفت دستور) من، بپرهیزید! (۲) آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ او برتر است از آنچه

عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ

همتای او قرار می‌دهند! (۳) انسان را از نطفهٔ بی‌ارزشی آفرید؛ و (این موجود ضعیف) سرانجام (موجودی فصیح، و) مدافع گویا و آشکار خویش گردید.

مُّبِينٌ ﴿٤﴾ وَٱلْأَنْعَٰمَ خَلَقَهَا ۗ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَٰفِعُ وَمِنْهَا

(۴) و چهارپایان را برای شما آفرید؛ در حالی که در آنها، وسیلهٔ پوشش، و منافع دیگری است؛ و از (گوشت و شیر) آنها می‌خورید. (۵) و در آنها

تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾

برای شما زینت و شکوه (فراوانی) است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان باز می‌گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید. (۶)

وَتَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ إِلَىٰ بَلَدٖ لَّمۡ تَكُونُواْ بَٰلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ ٱلۡأَنفُسِۚ

آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می‌کنند که خودتان جز با مشقّت زیاد، به آن نمی‌رسیدید؛

إِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿٧﴾ وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ

پروردگارتان به یقین رووف و مهربان است. (۷) (همچنین) اسبها و استرها و الاغها را (آفرید)، تا بر آنها سوار شوید

لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٨﴾ وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ

و زینت شما باشد؛ و چیزهایی می‌آفریندکه نمی‌دانید. (۸) و بر خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد؛

ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ

امّا بعضی از راهها بیراهه است. و اگر خدا می‌خواست، همهٔ شما را (به اجبار) هدایت می‌کرد (؛ ولی هدایت اجباری ارزش ندارد). (۹)

ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ

او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که هم از آن می‌نوشید و هم گیاهانی که حیوانات خود را در آن به

فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَ

چرا می‌برید، از آن حاصل می‌شود. (۱۰) خداوند با آن (آب)، برای شما زراعت و زیتون و

ٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ

نخل و انگور، و از همهٔ میوه‌ها می‌رویاند؛ به یقین در این، نشانه‌ای (روشن از عظمت خدا)

لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَ

برای اندیشمندان است. (۱۱) او شب و روزو خورشید و ماه را مسخّر شما ساخت؛

ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

و ستارگان نیز به فرمان او مسخّر (و در خدمت شما) هستند؛ در این نیز، نشانه‌هایی است

لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ

(از عظمت خدا،) برای گروهی که می‌اندیشند. (۱۲) و (همچنین،) مخلوقاتی را که در زمین به

مُخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ

رنگهای گوناگون آفریده (نیز مسخّر و در خدمت شما) قرار داد؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکّر می‌شوند.

﴿١٣﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا

(۱۳) او کسی است که دریا را مسخّر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛

وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ

و زیوری که آن را بر خود می‌پوشانید (همچون مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می‌بینی که

فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿١٤﴾

سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت بپردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر او را به جای آورید. (۱۴)

وَأَلْقَىٰ فِي ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَٰرًا وَسُبُلًا

و در زمین، کوههای استواری قرار داد تا شما را نلرزاند؛ و نهرها و راههایی ایجاد کرد،

لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَٰمَٰتٍ ۚ وَبِٱلنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾

تا (به مقصدتان) راه یابید. (۱۵) و (نیز) علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) بوسیلهٔ ستارگان راه (خود را) می‌یابند. (۱۶)

أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِن تَعُدُّوا۟ نِعْمَةَ

آیا کسی که می‌آفریند، همچون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (۱۷) و اگر نعمتهای خدا را بشمارید،

ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨﴾ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ

هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید؛ خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۸) خداوند آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار

وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾ وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا

می‌سازید، می‌داند. (۱۹) معبودهایی را که غیر از خدا می‌خوانند، چیزی را نمی‌آفرینند؛ بلکه خودشان

وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَٰتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٍ ۖ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

هم آفریده شده‌اند. (۲۰) آنها مردگانی هستند بی جان؛ و نمی‌دانند (عبادت کنندگانشان) چه زمانی بر انگیخته می‌شوند؟!

﴿٢١﴾ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ ۚ فَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ

(۲۱) معبود شما معبودی یگانه است؛ امّا کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، در حالی که مستکبرند

وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

دلهایشان (حق را) انکار می‌کند. (۲۲) بی تردید خداوند از آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکار می‌سازند

يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ

باخبر است؛ او مستکبران را دوست نمی‌دارد. (۲۳) و هنگامی که به آنها گفته شود:

أَنزَلَ رَبُّكُمْ ۙ قَالُوٓا۟ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ لِيَحْمِلُوٓا۟ أَوْزَارَهُمْ

پروردگار شما چه نازل کرده است؟ می‌گویند: «اینها افسانه‌های پیشینیان است.» (۲۴) آنها باید روز قیامت، بار گناهان خود

كَامِلَةً يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۙ وَمِنْ أَوْزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ

را بطور کامل بر دوش کشند؛ و همچنین سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می‌سازند.

أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾ قَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می‌کشند! (۲۵) کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) مکر و توطئه کردند؛

فَأَتَى ٱللَّهُ بُنْيَٰنَهُم مِّنَ ٱلْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ ٱلسَّقْفُ

ولی خداوند شالودهٔ (زندگی) آنها را از اساس ویران کرد؛ و سقف از بالای سرشان بر آنها فرو ریخت؛

مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

و عذاب (الهی) از جایی که نمی‌دانستند (و انتظار نداشتند) به سراغشان آمد. (۲۶)

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ

سپس روز قیامت خدا آنها را رسوا می‌سازد؛ و می‌گوید: «کجایند همتایان من (به پندار شما) که به خاطر آنها

تُشَاقُّونَ فِيهِمْ ۚ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ

(با مؤمنان) دشمنی می‌کردید؟!» (در این هنگام،) کسانی که از علم بهره دارند می‌گویند: «رسوایی و بدبختی،

عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ ۖ

امروز بر کافران است!» (۲۷) همان کسانی که فرشتگان (مرگ) جانشان را می‌گیرند در حالی که به خود ظلم کرده بودند!

فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ ۚ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ

در این موقع آنها (به ظاهر) تسلیم می‌شوند (و بدروغ می‌گویند:) ما کار بدی انجام نمی‌دادیم! (به آنها گفته می‌شود:) آری، خداوند به آنچه

تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ فَلَبِئْسَ مَثْوَى

انجام می‌دادید عالم است، (۲۸) اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود؛ چه بد است

الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ ۞ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۚ قَالُوا

جایگاه متکبران! (۲۹) و (هنگامی که) به پرهیزگاران گفته شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» گفتند:

خَيْرًا ۗ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۚ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ ۚ

«خیر (و سعادت)،» (آری،) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن بهتر است؛

وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٠﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

و چه خوب است سرای پرهیزگاران! (۳۰) باغهای جاویدان بهشتی که همگی وارد آن می‌شوند؛

الْأَنْهَارُ ۖ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾

نهرها از پای درختانش جاری است؛ هر چه بخواهند در آن‌جا برای آنها فراهم است؛ خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می‌دهد. (۳۱)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ۙ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا

همان کسانی که فرشتگان (مرگ) جانشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: «سلام بر شما!

الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ

به پاداش آنچه انجام می‌دادید، وارد بهشت شوید.» (۳۲) آیا آنها [= کافران] انتظاری جز این دارند که

الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ ۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ وَمَا

فرشتگان (قبض روح) به سراغشان بیایند، یا فرمان پروردگارت (برای مجازاتشان) فرا رسد (آن گاه توبه کنند؟! ولی توبه‌ای بی اثر!

ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾ فَأَصَابَهُمْ

آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند. خداوند به آنها ستم نکرد؛ ولی آنان به خویشتن ستم می‌نمودند. (۳۳) و بدیهای

سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٤﴾

اعمالشان سرانجام به آنها رسید؛ و آنچه را (از وعدهٔ عذاب الهی) استهزا می‌کردند، دامانشان را گرفت. (۳۴)

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖ
مشركان گفتند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او چیزی را پرستش نمی‌کردیم؛
نَّحۡنُ وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ
و چیزی را بدون اجازهٔ او حرام نمی‌ساختیم.» (آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند؛
ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدۡ
ولی آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! (۳۵) ما در هر امتی
بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ
رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از (پرستش) طاغوت اجتناب کنید.»
ٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ حَقَّتۡ عَلَيۡهِ
خداوند گروهی از آنان را هدایت کرد؛ و گروهی از آنان ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛
ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ
پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود!
ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٣٦﴾ إِن تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن
(۳۶) هر قدر بر هدایت آنها حریص باشی، (سودی ندارد؛ چرا که) خداوند کسی را که (به سبب اعمالش)
يُضِلُّۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٣٧﴾ وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ
گمراه ساخت، هدایت نمی‌کند؛ و آنها هیچ یاوری نخواهند داشت. (۳۷) آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که:
لَا يَبۡعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُۚ بَلَىٰ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ
«هرگز خداوند کسی را که می‌میرد، بر نمی‌انگیزد!» آری، (آنها در اشتباهند) این وعدهٔ قطعی خداست (که همهٔ مردگان را برای جزا باز می‌گرداند)؛
لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٨﴾ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي يَخۡتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ
ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۸) هدف این است که آنچه را در آن اختلاف می‌کردند، برای آنها روشن سازد؛
كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰذِبِينَ ﴿٣٩﴾ إِنَّمَا قَوۡلُنَا لِشَيۡءٍ إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ
و کسانی که کافر شدند، بدانند که خود دروغ می‌گفتند. (۳۹) (رستاخیز مردگان برای ما مشکل نیست؛ زیرا) وقتی چیزی را اراده می‌کنیم، سخن ما این است که
أَن نَّقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ
می‌گوییم: «موجود باش!» بی درنگ موجود می‌شود. (۴۰) کسانی که پس از آنکه مورد ستم واقع شدند، در راه خدا هجرت کردند،
مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ
در این دنیا جایگاه (و مقام) شایسته‌ای به آنها می‌دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم مهم‌تر است
كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٤١﴾ ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾
اگر می‌دانستند. (۴۱) همان کسانی که صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۴۲)

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم.

ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٤٣﴾ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِۗ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ

اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. (۴۳) تا از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین) آگاه شوید

ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾

و بر تو نیز، قرآن را نازل کردیم، تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ شاید اندیشه کنند. (۴۴)

أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ

آیا کسانی که توطئه‌های شومی کردند از این ایمن گشتند که خدا آنها را در زمین فرو برد، و یا مجازات (الهی)،

ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ فِي تَقَلُّبِهِمۡ

از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟! (۴۵) یا به هنگامی که (برای زندگی دنیا) در رفت و آمدند (عذاب خدا)، دامانشان را بگیرد

فَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ

در حالی که قادر به فرار نیستند؟! (۴۶) یا پس از هشدارهای خوف‌انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، رؤوف و مهربان است.

﴿٤٧﴾ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ يَتَفَيَّؤُاْ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلۡيَمِينِ

(۴۷) آیا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه‌هایشان از راست و چپ حرکت دارند،

وَٱلشَّمَآئِلِ سُجَّدٗا لِّلَّهِ وَهُمۡ دَٰخِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ

درحالی که با خضوع برای خدا سجده می‌کنند؟! (۴۸) (نه تنها سایه ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها

وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن دَآبَّةٖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٤٩﴾

و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می‌کنند، در حالی که تکبر نمی‌ورزند. (۴۹)

الحزب ۲۸ سجدة

يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ۩ ﴿٥٠﴾ ۞ وَقَالَ ٱللَّهُ

آنها (تنها) از (عذاب) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، خائفند؛ و آنچه را مأموریت دارند انجام می‌دهند. (۵۰) خداوند فرمان داده:

لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَٰهَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ﴿٥١﴾ وَلَهُۥ

«دو معبود(برای‌خود)انتخاب نکنید؛ معبود (شما) تنها خدای یگانه است؛ فقط از (کیفر) من بترسید» (۵۱)

مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًاۚ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾ وَمَا

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و دین خالص (نیز) همواره از آن او می‌باشد؛ آیا با این حال از غیر خداوند یگانه می‌ترسید؟! (۵۲)

بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ ﴿٥٣﴾

آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست؛ و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می‌خوانید. (۵۳)

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنكُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ﴿٥٤﴾

(امّا) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف ساخت، آنگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می‌شوند. (۵۴)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَجْعَلُونَ

(بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده‌ایم کفران کنند! (چند روزی از لذات دنیا) بهره گیرید، امّا بزودی خواهید دانست (راه خطا پیموده‌اید) (۵۵) آنان برای

لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ

بتهایی که هیچ گونه سود و زیانی از آنها سراغ ندارند، سهمی از آنچه به آنان روزی داده‌ایم قرار می‌دهند؛ به خدا سوگند، از این افتراها که می‌بندید، بازپرسی

تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ

خواهید شد! (۵۶) آنها (در پندار خود،) برای خداوند دخترانی قرار می‌دهند؛ - منزّه است (از این که فرزندی داشته باشد) - در حالی که برای خودشان، آنچه

﴿٥٧﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾

را دوست دارند قائل می‌شوند؛ (۵۷) و هنگامی که به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود؛ و بشدّت

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ

خشمگین می‌گردد. (۵۸) بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیلهٔ خود پنهان می‌شود؛ (و نمی‌داند) آیا آن (دختر) را با قبول ننگ نگهدارد، یا

فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ

(زنده) در خاک پنهانش کند؟! آگاه باشید که‌بد حکم می‌کنند! (۵۹) صفات زشت برای آنهایی است که به سرای آخرت ایمان نمی‌آورند؛

السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ

و بهترین صفات برای خدا است؛ و او توانا و حکیم است. (۶۰) و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می‌کرد،

النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى

جنبنده‌ای را بر روی زمین باقی نمی‌گذارد؛ ولی (مجازات) آنها را تا زمان معیّنی به تاخیر می‌اندازد.

فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾ وَ

و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تاخیر می‌کنند، و نه ساعتی پیشی می‌گیرند. (۶۱)

يَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ

وآنها برای خدا چیزهایی [= دخترانی] قرار می‌دهند که خودشان از آن کراهت دارند؛ با این حال زبانشان بدروغ می‌گوید

لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾ تَاللَّهِ لَقَدْ

که برای آنها پاداش نیک است! بی تردید برای آنان آتش است؛ و آنها از پیشگامان (دوزخ)اند. (۶۲) به خدا سوگند،

أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ

به سوی امّتهای پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ امّا شیطان اعمال آنها را در نظرشان آراست؛ و امروز او ولیّ و سرپرستشان است؛

الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ

و (در سرای آخرت) مجازات دردناکی برای آنهاست! (۶۳) ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر

لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

برای این‌که آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند، برای آنها روشن کنی؛ و(این قرآن) مایهٔ هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند. (۶۴)

وَٱللَّهُ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ

خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد؛ و زمین را، پس از آن‌که مرده بود، با آن حیات بخشید. در این، نشانهٔ روشنی است

لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِى ٱلْأَنْعَٰمِ لَعِبْرَةً ۖ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِى

برای گروهی که گوش شنوا دارند. (۶۵) و در آفرینش چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است:

بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ ﴿٦٦﴾ وَمِن

از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارابه شما می‌نوشانیم. (۶۶) و از

ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلْأَعْنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ

میوه‌های درختان خرما و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید؛ در این،

فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحْلِ أَنِ ٱتَّخِذِى مِنَ

نشانهٔ روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند. (۶۷) و پروردگار تو، به زنبور عسل «وحی» [= الهام غریزی] نمود

ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِى مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ

که: «از کوهها و درختان و داربستهایی که (مردم) می‌سازند، خانه‌هایی برگزین. (۶۸) سپس از تمام ثمرات (و شیرهٔ گلها)

فَٱسْلُكِى سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ

بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بپیما.» از درون (چینه دان) آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود

فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ

که در آن، شفا و درمانی برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانهٔ روشنی است برای گروهی که فکر می‌کنند. (۶۹) خداوند شما را آفرید؛

ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمْ ۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرْذَلِ ٱلْعُمُرِ لِكَىْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ

سپس شما را می‌میراند؛ بعضی از شما به نامطلوب‌ترین (مراحل) عمر می‌رسند، که بعد از آگاهی، چیزی نمی‌دانند (و همه چیز را فراموش می‌کنند)؛

ٱللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِى ٱلرِّزْقِ ۚ فَمَا

خداونددانا و تواناست. (۷۰) خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که تلاشهایتان متفاوت است).

ٱلَّذِينَ فُضِّلُوا۟ بِرَآدِّى رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَهُمْ فِيهِ

ولی کسانی که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند تا همگی در آن مساوی گردند؛

سَوَآءٌ ۚ أَفَبِنِعْمَةِ ٱللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧١﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ

آیا آنان نعمت خدا را انکار می‌نمایند (که شکر او را ادا نمی‌کنند)؟! (۷۱) خداوند برای شما از جنس خودتان

أَزْوَٰجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم

همسرانی قرارداد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛

مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ ۚ أَفَبِٱلْبَٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ ٱللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٢﴾

و از نعمت‌های پاکیزه به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (۷۲)

وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ رِزۡقٗا مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

و آنها غير از خدا، موجوداتي را مي‌پرستند كه هيچ رزقي را براي آنان از آسمانها

وَٱلۡأَرۡضِ شَيۡـٔٗا وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضۡرِبُواْ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡثَالَۚ

و زمين در اختيار ندارند؛ و توان آن را نيز ندارند. (۷۳) پس، براي خدا امثال (و شبيه) قائل نشويد.

إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٧٤﴾ ۞ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبۡدٗا مَّمۡلُوكٗا

زيرا خدا مي‌داند، و شما نمي‌دانيد. (۷۴) خداوند مثالي زده: برده مملوكي را كه قادر بر هيچ چيز نيست؛

لَّا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنٗا فَهُوَ يُنفِقُ

و شخص (آزاد و با ايماني) را كه از جانب خود، رزقي نيكو به او بخشيده‌ايم،

مِنۡهُ سِرّٗا وَجَهۡرًاۖ هَلۡ يَسۡتَوُۥنَۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ

و او پنهان و آشكار از آن، انفاق مي‌كند؛ آيا آنها يكسانند؟! ستايش مخصوص خداست؛ ولي اكثر

لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا رَّجُلَيۡنِ أَحَدُهُمَآ أَبۡكَمُ

آنها نمي‌دانند. (۷۵) خداوند مثالي (ديگر) زده است: دو نفر را، كه يكي از آن دو، گنگ مادر زاد است؛

لَا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوۡلَىٰهُ أَيۡنَمَا يُوَجِّههُّ

و قادر بر هيچ كاري نيست؛ و سربار صاحبش مي‌باشد؛ او را در پي هر چيز مي‌فرستد،

لَا يَأۡتِ بِخَيۡرٍ هَلۡ يَسۡتَوِي هُوَ وَمَن يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَهُوَ عَلَىٰ

كاري از پيش نمي‌برد؛ آيا او، با كسي كه امر به عدل و داد مي‌كند، و بر راهي راست قرار دارد،

صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَآ أَمۡرُ

برابر است؟! (۷۶) غيب آسمانها و زمين، مخصوص خداست (و او همه را مي‌داند)؛

ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمۡحِ ٱلۡبَصَرِ أَوۡ هُوَ أَقۡرَبُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

و امرقيامت (به قدري نزديک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و يا از آن هم نزديكتر؛ چرا

شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٧٧﴾ وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ

كه خدا بر هر چيزي تواناست. (۷۷) و خداوند شما را از شكم مادرانتان خارج نمود

شَيۡـٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ

در حالي كه هيچ چيز نمي‌دانستيد؛ و براي شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا

تَشۡكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ مُسَخَّرَٰتٖ فِي جَوِّ

شكر به جا آوريد. (۷۸) آيا آنها به پرندگاني كه بر فراز آسمان نگه داشته شده‌اند، نظر نيفكندند؟

ٱلسَّمَآءِ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٧٩﴾

هيچ كس جز خدا آنها را نگاه نمي‌دارد؛ در اين امر، نشانه‌هايي (از عظمت و قدرت خدا) است براي كساني كه ايمان مي‌آورند. (۷۹)

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ

و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست

ٱلۡأَنۡعَٰمِ بُيُوتٗا تَسۡتَخِفُّونَهَا يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ وَيَوۡمَ إِقَامَتِكُمۡ وَمِنۡ

چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی [= خیمه‌هایی] قرار دادکه روز کوچ کردن و روز اقامتتان،

أَصۡوَافِهَا وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ﴿٨٠﴾ وَٱللَّهُ

به آسانی می‌توانید آنها را جا به جا کنید؛ و از پشم‌ها و کرک‌ها و موهای آنها، برای شما وسایل زندگی تا زمان معیّنی قرار داد. (۸۰)

جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡجِبَالِ

و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه‌هایی برای شما قرار داده؛ و از کوهها پناهگاههایی؛

أَكۡنَٰنٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ ٱلۡحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ

و برای شما پوشش هایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند؛ و پوشش‌هایی که به

تَقِيكُم بَأۡسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ

هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمتش را بر شما کامل می‌کند، شاید تسلیم

تُسۡلِمُونَ ﴿٨١﴾ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٨٢﴾ يَعۡرِفُونَ

(فرمان او) شوید. (۸۱) (با این همه،) اگر روی برتابند، (نگران مباش؛) وظیفهٔ تو تنها ابلاغ آشکار است. (۸۲)

نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ

آنها نعمت خدا را می‌شناسند؛ سپس آن را انکار می‌کنند؛ و اکثرشان کافرند.

﴿٨٣﴾ وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا ثُمَّ لَا يُؤۡذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ

(۸۳) (به خاطر بیاور) روزی را که از هر امّتی گواهی (بر آنان) بر می‌انگیزیم؛ سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازهٔ (سخن گفتن) داده نمی‌شود؛ (بلکه اعضای

وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ﴿٨٤﴾ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلۡعَذَابَ فَلَا

آنها گواهی می‌دهند؛) و اجازهٔ عذرخواهی و تقاضای عفو نیز به آنان نمی‌دهند. (۸۴) و هنگامی که ستمکاران عذاب را ببینند،

يُخَفَّفُ عَنۡهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ

دیگر نه از مجازاتشان کاسته می‌شود، و نه مهلت داده می‌شوند. (۸۵) و هنگامی که مشرکان معبودهایی را

شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدۡعُواْ

که همتای خدا قرار دادند می‌بینند، می‌گویند: «پروردگارا! اینها همتایانی هستند که ما به جای تو، آنها را می‌خواندیم (و پرستش می‌کردیم).»

مِن دُونِكَۖ فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿٨٦﴾

در این هنگام، معبودان به آنها می‌گویند: «شما دروغگو هستید! (شما هوای نفس خود را پرستش می‌کردید.)» (۸۶)

وَأَلۡقَوۡاْ إِلَى ٱللَّهِ يَوۡمَئِذٍ ٱلسَّلَمَۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿٨٧﴾

ودر آن روز، آنها (ناگزیر) در پیشگاه خدا تسلیم می‌شوند؛ و آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می‌بستند، از نظرشان گم و نابود می‌شود. (۸۷)

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدْنَٰهُمْ عَذَابًا فَوْقَ

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، بخاطر فسادی که می‌کردند،

ٱلْعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ

عذابی بر عذابشان می‌افزاییم. (۸۸) (به یاد آور) روزی را که از هر امتی،

شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ

گواهی از خودشان بر آنها بر می‌انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرار می‌دهیم،

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ تِبْيَٰنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَ

و این کتاب را که بیانگر همه چیز، و مایهٔ هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است،

بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ وَٱلْإِحْسَٰنِ

بر تو نازل کردیم. (۸۹) خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد و (همچنین) به بخشش به نزدیکان؛

وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ وَٱلْبَغْيِ

و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد،

يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُواْ بِعَهْدِ ٱللَّهِ إِذَا

شاید متذکر شوید. (۹۰) و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید؛

عَٰهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلْأَيْمَٰنَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ

و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید،در حالی که خدا را ضامن بر (سوگند)

ٱللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا

خود قرار داده‌اید. به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۹۱) همانند آن

تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثًا تَتَّخِذُونَ

زن (سبک مغز) نباشید که پشمهای تابیدهٔ خود را، پس از استحکام، وا می‌تابید! درحالی که سوگندها (و پیمان) خود را وسیلهٔ خیانت و فساد در میان خود قرار

أَيْمَٰنَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا

می‌دهید؛ بخاطر این‌که گروهی، جمعیّتشان از گروه دیگر بیشتر است (و کثرت دشمن را بهانه‌ای برای شکستن بیعت با پیامبر می‌شمرید).

يَبْلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِۦ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ

خدا شما را با این وسیله می‌آزماید؛ و به یقین روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما

تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَلَٰكِن

روشن می‌سازد. (۹۲) و اگر خدا می‌خواست، شما را (به اجبار) امّت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا هرکس را بخواهد

يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِي مَن يَشَآءُ وَلَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

(و شایسته باشد) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق باشد) هدایت می‌کند. و به یقین شما از آنچه انجام می‌دادید، بازپرسی خواهید شد. (۹۳)

وَلَا تَتَّخِذُوٓا۟ أَيْمَٰنَكُمْ دَخَلًۢا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌۢ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَ

سوگندهایتان را وسیلهٔ فساد و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گامی بعد از ثابت گشتن (بر ایمان) متزلزل شود؛

تَذُوقُوا۟ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ وَلَكُمْ عَذَابٌ

و بخاطر بازداشتن (مردم)از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود!

عَظِيمٌ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِعَهْدِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ إِنَّمَا عِندَ ٱللَّهِ هُوَ

(۹۴) و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (که هر بهایی در برابر آن ناچیز است.)آنچه نزد خداست،

خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ ۖ وَمَا عِندَ

برای شما بهتر است اگر می‌دانستید. (۹۵) آنچه نزد شماست از میان می‌رود؛ و آنچه نزد خداست

ٱللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓا۟ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا۟

باقی می‌ماند؛ و به یقین به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش

يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

خواهیم داد. (۹۶) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است،

فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا۟

به طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم؛ و پاداش آنها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند،

يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ فَإِذَا قَرَأْتَ ٱلْقُرْءَانَ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ

خواهیم داد. (۹۷) هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شرّ شیطان رانده شده (از درگاه خدا)، به خدا پناه بر (و بر او توکل کن).

﴿٩٨﴾ إِنَّهُۥ لَيْسَ لَهُۥ سُلْطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

(۹۸) زیرا او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند،

يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلْطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُۥ وَٱلَّذِينَ

سلطه‌ای ندارد. (۹۹) سلطهٔ او تنها بر کسانی است که او را سرپرست خود قرار داده‌اند، و کسانی که او را شریک (خدا در اطاعت و بندگی) قرار می‌دهند

هُم بِهِۦ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا بَدَّلْنَآ ءَايَةً مَّكَانَ ءَايَةٍ ۙ

(و به فرمان شیطان گردن می‌نهند). (۱۰۰) و هنگامی که آیه‌ای را به آیهٔ دیگر مبدّل کنیم

وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوٓا۟ إِنَّمَآ أَنتَ مُفْتَرٍۭ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا

(و حکمی را نسخ نماییم) - و خدا بهتر می‌داند چه حکمی را نازل کند - آنها می‌گویند:«تو (بر خدا) افترا می‌بندی!» امّا اکثر آنها

يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ قُلْ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ

(حقیقت را) نمی‌دانند. (۱۰۱) بگو: «روح‌القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده،

لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

تا افراد با ایمان را ثابت‌قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی باشد برای عموم مسلمانان.» (۱۰۲)

وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّهُمۡ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٞۗ لِّسَانُ ٱلَّذِي
ما می‌دانیم که آنها می‌گویند: «(این آیات را) انسانی به او تعلیم می‌دهد.» در حالی که زبان کسی که اینها را
يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ مُّبِينٌ
به او نسبت می‌دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است.
(١٠٣) إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَا يَهۡدِيهِمُ ٱللَّهُ وَلَهُمۡ
(۱۰۳) به یقین، کسانی که به آیات الهی ایمان نمی‌آورند،خدا آنها را هدایت نمی‌کند؛
عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٠٤) إِنَّمَا يَفۡتَرِي ٱلۡكَذِبَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ
و برای آنان عذاب دردناکی است. (۱۰۴) تنها کسانی (به خدا) دروغ می‌بندند که به
ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ (١٠٥) مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ
آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری،) دروغگویان (واقعی) آنها هستند. (۱۰۵) کسانی که بعد
بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَٰكِن
از ایمانشان، به خدا کافر شوند (مجازات می‌شوند) بجز آنها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان با ایمان،
مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمۡ
آرام است ـ آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفرگشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست؛
عَذَابٌ عَظِيمٞ (١٠٦) ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا
و عذاب عظیمی در انتظارشان! (۱۰۶) این بخاطر آن است که زندگی پست دنیا را
عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ (١٠٧)
بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی‌ایمان (لجوج) را هدایت نمی‌کند. (۱۰۷)
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَسَمۡعِهِمۡ وَ
آنها کسانی هستند که (بر اثر فزونی گناه،) خدا بر دلها و گوش و چشمانشان مُهر نهاده؛
أَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ (١٠٨) لَا جَرَمَ
(به همین دلیل نمی‌فهمند،) و غافلان (واقعی) همانها هستند. (۱۰۸) بی تردید
أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ (١٠٩) ثُمَّ إِنَّ
آنها در آخرت زیانکارند. (۱۰۹) امّا پروردگار تو نسبت به کسانی
رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَٰهَدُواْ
که بعد از فریب خوردن، (به ایمان) بازگشتند و) هجرت کردند؛ سپس جهاد نمودند
وَصَبَرُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ (١١٠)
و (در راه خدا) استقامت ورزیدند؛ پروردگارت، پس از این (امور)، آمرزنده و مهربان است. (۱۱۰)

۞ يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ

(به یاد آور) روزی را که هر کس (در فکر خویشتن است؛ و تنها) به دفاع از خود برمی‌خیزد؛ و نتیجهٔ اعمال هر کسی، بی کم و کاست،

مَّا عَمِلَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿١١١﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ

به او داده می‌شود؛ و به آنها ستم نخواهد شد. (۱۱۱) خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند،)

كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ

مثلی زده است: سرزمینی که امن و آرام بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛

مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ

امّا نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند؛ و خداوند بخاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی

وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ﴿١١٢﴾ وَلَقَدۡ جَآءَهُمۡ

و ترس را بر آنها پوشانید. (۱۱۲) پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد،

رَسُولٞ مِّنۡهُمۡ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ

ولی او را تکذیب کردند؛ از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ستمکار بودند.

﴿١١٣﴾ فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَٱشۡكُرُواْ

(۱۱۳) پس، از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خدا به شما روزی داده است بخورید؛ و شکر

نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ﴿١١٤﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ

نعمت خدا را به جا آورید اگر او را می‌پرستید. (۱۱۴) خداوند، تنها

ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۖ فَمَنِ

مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده، بر شما حرام کرده است؛

ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١١٥﴾ وَلَا تَقُولُواْ

امّا کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمکار و متجاوز نباشد، (خدا او را می‌بخشد؛ چرا که) خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۱۵) بخاطر

لِمَا تَصِفُ أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ

دروغی که بر زبانتان جاری می‌شود نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببندید.

عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ

به یقین کسانی که به خدا افترا می‌بندند، رستگار نخواهند شد!

﴿١١٦﴾ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا مَا قَصَصۡنَا

(۱۱۶) بهرهٔ کمی است (که در این دنیا نصیبشان می‌شود)؛ و عذاب دردناکی در انتظار آنان است! (۱۱۷) چیزهایی را که پیش از این برای

عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُۖ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿١١٨﴾

تو شرح داده‌ایم، بر یهود حرام کردیم؛ ما به آنها ستم نکردیم، امّا آنها بودند که به خودشان ستم می‌کردند. (۱۱۸)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِ

امّا پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، کار بدی انجام داده‌اند، سپس توبه کرده

ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ

و در مقام جبران و اصلاح برآمده‌اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است. (۱۱۹) ابراهیم

إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِّلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٠﴾

(به تنهایی) امّتی بود مطیع فرمان خدا؛ خالی از هر گونه انحراف؛ و از مشرکان نبود؛ (۱۲۰)

شَاكِرًا لِّأَنْعُمِهِ ۚ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾ وَ

شکرگزار نعمتهای او بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود. (۱۲۱)

آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ

ما در دنیا به او پاداش نیکویی دادیم؛ و در آخرت از صالحان است. (۱۲۲) سپس

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم - که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود - پیروی کن.

﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ

(۱۲۳) (تحریمهای) روز شنبه (برای یهود) یک مجازات بود،که در آن هم اختلاف کردند؛ و پروردگارت

لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾

روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می‌کند. (۱۲۴)

ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۖ وَجَادِلْهُم

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است،

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ

استدلال و مناظره کن. پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او

بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِ ۖ وَ

هدایت‌یافتگان را بهتر می‌شناسد. (۱۲۵) و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها همان گونه که به شما تعدّی شده کیفر دهید؛

لَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا

و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. (۱۲۶) شکیبایی کن، و شکیبائی تو فقط برای خدا

بِاللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

(و به توفیق خدا) باشد؛ و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و (دلسرد) مشو؛ و از توطئه‌های آنها، در تنگناقرار مگیر.

﴿١٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

(۱۲۷) زیرا خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند، و کسانی که نیکوکارند. (۱۲۸)

۱۷ – سوره الإسراء

سُورَةُ الإِسۡرَاءِ
ترتيبها ۱۷ آياتها ۱۱۱

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الجزء ۱۵ الحزب ۲۹

سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى
پاک و منزّه است آن کس که بنده‌اش را در یک شب، از مسجدالحرام به
ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ
مسجدالاقصی ـ که‌گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم ـ برد، تا برخی از نشانه‌های خود را به او ارائه دهیم؛
ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ۝١ وَءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى
چرا که او شنوا و بیناست. (۱) ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و آن را وسیلهٔ هدایت
لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا ۝٢ ذُرِّيَّةَ مَنۡ
بنی‌اسرائیل ساختیم؛ (و گفتیم:) غیر مرا تکیه‌گاه خود قرار ندهید. (۲) ای فرزندان کسانی که
حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا ۝٣ وَقَضَيۡنَآ إِلَىٰ بَنِيٓ
با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بندهٔ شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید.) (۳) ما به بنی‌اسرائیل در کتاب آسمانی اعلام کردیم
إِسۡرَٰٓءِيلَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَتُفۡسِدُنَّ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَّتَيۡنِ وَلَتَعۡلُنَّ عُلُوّٗا
که دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود.
كَبِيرٗا ۝٤ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثۡنَا عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ
(۴) هنگامی که نخستین وعده فرارسد، گروهی از بندگان پیکار جوی خود را بر ضدّ شما بر می‌انگیزیم تا (شما را سخت در هم کوبند؛
شَدِيدٖ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِۚ وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا ۝٥ ثُمَّ رَدَدۡنَا
حتی برای به‌دست آوردن مجرمان)، درون خانه‌ها را جستجو کنند؛ و این وعده‌ای است قطعی. (۵) سپس شما را بار دیگر
لَكُمُ ٱلۡكَرَّةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ
بر آنها چیره می‌کنیم؛ و شما را بوسیلهٔ اموال و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرات شما را
أَكۡثَرَ نَفِيرًا ۝٦ إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ
بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم. (۶) (و به آنها گفتیم:) اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.
فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ لِيَسُـُٔواْ وُجُوهَكُمۡ وَلِيَدۡخُلُواْ
و هنگامی که وعدهٔ آخر فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در چهرهٔ شما ظاهر می‌شود؛ و آنها داخل
ٱلۡمَسۡجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوۡاْ تَتۡبِيرًا ۝٧
مسجد (الاقصی) می‌شوند همان گونه که بار اوّل وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطهٔ (خود) می‌گیرند، درهم کوبیده و نابود می‌کنند. (۷)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ

امید است پروردگارتان بر شما رحمت آورد. و اگر برگردید، ما هم باز می‌گردیم؛ و جهنم را برای کافران، زندان

حَصِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ يَهْدِى لِلَّتِى هِىَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ

سختی قرار دادیم. (۸) این قرآن،به راهی که استوارترین راههاست، هدایت می‌کند؛ و به

ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾ وَأَنَّ

مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (۹) و این‌که

ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾ وَيَدْعُ

آنها که به سرای دیگر ایمان نمی‌آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته‌ایم. (۱۰) انسان

ٱلْإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلْخَيْرِ وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ عَجُولًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْنَا

(بر اثر شتابزدگی)،بدیها را طلب می‌کند آن گونه که نیکیها را می‌طلبد؛ و انسان، همیشه عجول بوده است.! (۱۱)

ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيْنِ فَمَحَوْنَآ ءَايَةَ ٱلَّيْلِ وَجَعَلْنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبْصِرَةً

ما شب و روز را دو نشانهٔ (عظمت و رحمت خود) قرار دادیم؛سپس نشانهٔ شب را محو کرده، و نشانهٔ روز را روشنی‌بخش ساختیم

لِّتَبْتَغُوا۟ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا۟ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلْحِسَابَ

تا (در پرتو آن،) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش برای زندگی برخیزید)،و عدد سالها و حساب را بدانید؛

وَكُلَّ شَىْءٍ فَصَّلْنَٰهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلْزَمْنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ

و هر چیزی را بطور مشخص (و آشکار،) بیان کردیم. (۱۲) و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛

فِى عُنُقِهِۦ وَنُخْرِجُ لَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ كِتَٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ ٱقْرَأْ

و روز قیامت، نامهٔ (اعمالش را) برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند. (۱۳) (و به او می‌گوییم:)

كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ مَّنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى

نامهٔ (اعمال) خود را بخوان، کافی است‌که امروز، خود حسابرس خویش باشی! (۱۴) هر کس هدایت شود، به نفع خود هدایت می‌یابد؛

لِنَفْسِهِۦ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا

و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌شود؛ و هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر

مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَإِذَآ أَرَدْنَآ أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا

آن‌که پیامبری مبعوث کنیم. (تا وظایفشان را بیان کند). (۱۵) و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین»

فَفَسَقُوا۟ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا ٱلْقَوْلُ فَدَمَّرْنَٰهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا

[= ثروتمندان مست ثروت] آن‌جا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدّت در هم می‌کوبیم. (۱۶)

مِنَ ٱلْقُرُونِ مِنۢ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

چه بسیار اقوامی را که بعد از نوح، می‌زیستند (طبق همین سنت) هلاک کردیم. و کافی است که پروردگارت نسبت به گناهان بندگانش آگاه، و بیناست. (۱۷)

مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ
هر کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار را که بخواهیم به هر کس اراده کنیم، می‌دهیم؛
جَعَلْنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصْلَىٰهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ
سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که درآتش‌سوزانش می‌سوزددر حالی که نکوهیده و راندهٔ (درگاه خدا) است. (۱۸) و هر کس که
ٱلْـَٔاخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُم
سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند، در حالی که ایمان داشته باشد، چنین کسانی سعی و تلاش آنها، (از سوی خدا)
مَّشْكُورًا ﴿١٩﴾ كُلًّا نُّمِدُّ هَـٰٓؤُلَآءِ وَهَـٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ ۚ وَمَا كَانَ
پاداش داده خواهد شد. (۱۹) هر یک از این دو گروه را (به اندازهٔ شایستگی آنها) از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم؛ و
عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾ ٱنظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ
عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است. (۲۰) ببین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم،
وَلَلْـَٔاخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَـٰتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾ لَّا تَجْعَلْ مَعَ ٱللَّهِ
درجات آخرت مهم‌تر و برتریهایش، (از این هم) بیشتر است. (۲۱) هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده،
إِلَـٰهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا ﴿٢٢﴾ ۞ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟
که نکوهیده و بی یار و یاور خواهی ماند. (۲۲) و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید؛
إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَـٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ
و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به سنّ پیری رسند،
أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا
کمترین اهانتی به آنها روا مدار؛ و بر آنها فریاد مزن؛ و گفتار (لطیف و سنجیده و) بزرگوارانه به آنها بگو.
﴿٢٣﴾ وَٱخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا
(۲۳) و پر و بال تواضع خویش را از روی محبّت و لطف، در برابر آنان فرود آر؛ و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا
كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِى نُفُوسِكُمْ ۚ إِن تَكُونُوا۟
در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.» (۲۴) پروردگار شما از درون دلهایتان آگاهتر است؛ (هرگاه لغزشی در این زمینه داشتید)
صَـٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلْأَوَّٰبِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ
اگر صالح باشید (و جبران کنید) او بازگشت‌کنندگان را می‌آمرزد. (۲۵) و حقّ خویشاوندان را بپرداز، و (همچنین حقّ) مستمند
حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ
و وامانده در راه را؛ و هرگز اسراف و تبذیر مکن، (۲۶) چرا که تبذیرکنندگان،
كَانُوٓا۟ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَـٰطِينِ ۖ وَكَانَ ٱلشَّيْطَـٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا ﴿٢٧﴾
برادران شیاطینند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود. (۲۷)

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ٱبْتِغَآءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا

و هر گاه از آنان [= مستمندان] روی برتابی، و انتظار رحمت (و نعمت) پروردگارت را داشته باشی، (تا توانایی یابی و به آنها کمک کنی) با گفتار نرم و آمیخته

مَّيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ

با لطف با آنها سخن بگو. (۲۸) هرگز دستت رابرگردنت بسته مگذار، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، که مورد

ٱلْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ

سرزنش قرارح گیری و از کار فرومانی. (۲۹) به یقین، پروردگارت روزی را برای هرکس بخواهد، گشاده یا محدود می‌دارد؛

وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَلَا تَقْتُلُوٓا۟ أَوْلَٰدَكُمْ خَشْيَةَ

به یقین او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست. (۳۰) و فرزندانتان را از ترس فقر، به قتل نرسانید؛

إِمْلَٰقٍ ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۚ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْـًٔا كَبِيرًا ﴿٣١﴾

ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ به یقین کشتن آنها گناه بزرگی است! (۳۱)

وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلزِّنَىٰٓ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً وَسَآءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا تَقْتُلُوا۟

و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و راه بدی است! (۳۲) و کسی را که خداوند

ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِى حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ ۗ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ

خونش را حرام شمرده، جز بحق به قتل نرسانید. و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیّش سلطه (و حقّ قصاص) قرار دادیم؛

سُلْطَٰنًا فَلَا يُسْرِف فِّى ٱلْقَتْلِ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرَبُوا۟

امّا در قتل زیاده روی نکند، چرا که او مورد حمایت است. (۳۳) و به مال یتیم،

مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُۥ ۚ وَأَوْفُوا۟ بِٱلْعَهْدِ ۖ إِنَّ

جز به بهترین طریق نزدیک نشوید، تا به سر حدّ بلوغ رسد. و به عهد (خود) وفا کنید،

ٱلْعَهْدَ كَانَ مَسْـُٔولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ

که از عهد سؤال می‌شود. (۳۴) و هنگامی که (چیزی را برای معامله) پیمانه می‌کنید، حقّ پیمانه را ادا نمایید،

ٱلْمُسْتَقِيمِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ

و با ترازوی درست وزن کنید. این (کار) بهتر، و عاقبتش نیکوتر است. (۳۵) از آنچه

بِهِۦ عِلْمٌ ۚ إِنَّ ٱلسَّمْعَ وَٱلْبَصَرَ وَٱلْفُؤَادَ كُلُّ أُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔولًا

به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند.

﴿٣٦﴾ وَلَا تَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ ٱلْأَرْضَ وَلَن

(۳۶) و بر زمین، با تکبّر راه مرو؛ تو هرگز نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت

تَبْلُغَ ٱلْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

هرگز به کوهها نمی‌رسد. (۳۷) همهٔ اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است. (۳۸)

ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا

این (احکام)، از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده؛ و هرگز معبود دیگری با خدا قرار مده،

ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا ﴿٣٩﴾ أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم

که در جهنم افکنده می‌شوی، در حالی که سرزنش شده، و راندهٔ (درگاه خدا) خواهی بود. (۳۹) آیا پروردگارتان پسران را مخصوص شما ساخته،

بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا ﴿٤٠﴾ وَلَقَدۡ

و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار ناروایی) می‌گویید! (۴۰) ما در این

صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا ﴿٤١﴾ قُل لَّوۡ كَانَ

قرآن، حقایق را به صورت‌های گوناگون بیان کردیم تا متذکر شوند؛ ولی (کوردلان،) جز بر نفرتشان نمی‌افزاید. (۴۱) بگو: «اگرآنچنان

مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا ﴿٤٢﴾ سُبۡحَٰنَهُۥ

که آنها می‌گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می‌کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند (و بر او غالب شوند).» (۴۲) او

وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ﴿٤٣﴾ تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَ

منزه و برتر است از آنچه آنها می‌گویند؛ بسیار برتر و والاتر! (۴۳) آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند،

مَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۗ

همه تسبیح او می‌گویند؛ و هیچ موجودی نیست، جز آنکه، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید؛

إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ

او دارای حلم و آمرزنده است. (۴۴) و هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و آنها که به

ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ

آخرت ایمان نمی‌آورند، حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم؛ (۴۵) و بر دلهایشان (به سبب بی ایمانی و لجاجت)

أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ

پوششهایی می‌نهیم، تا آن را نفهمند؛ و در گوشهایشان سنگینی قرار می‌دهیم. و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی،

وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا ﴿٤٦﴾ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ

آنها با حال نفرت پشت می‌کنند و از توروی بر می‌گردانند. (۴۶) هنگامی که به سخنان تو گوش فرا می‌دهند، ما بهتر می‌دانیم برای چه گوش فرا می‌دهند؛ (و

إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا

همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می‌کنند؛ آنگاه که ستمکاران می‌گویند: «شما تنها از مردی افسون شده، پیروی می‌کنید.»

﴿٤٧﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا

(۴۷) ببین چگونه برای تو مَثَلها زدند؛ در نتیجه گمراه شدند،و نمی توانند راه حق را پیدا کنند.

﴿٤٨﴾ وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ﴿٤٩﴾

(۴۸) و گفتند: «آیا هنگامی که ما، استخوانهایی پوسیده و پراکنده‌ای شدیم، دگر بار با آفرینش تازه‌ای برانگیخته خواهیم شد؟!» (۴۹)

۞ قُلْ كُونُوا۟ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِى

بگو: «شما سنگ باشید یا آهن، (۵۰) یا هر مخلوقی که در نظرشما، بزرگ است، (باز خدا قادر است شما را به زندگی

صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا ۖ قُلِ ٱلَّذِى فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ

مجدّد بازگرداند)». آنها بزودی می‌گویند: «چه کسی ما را باز می‌گرداند؟!» بگو: «همان کسی که نخستین بار شما را آفرید.»

فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۖ قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ

آنان سر خود را (از روی تعجّب و انکار،) به سوی تو خم می‌کنند و می‌گویند: «در چه زمانی خواهد بود؟!» بگو: «شاید نزدیک باشد!

قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن

(۵۱) همان روز که شما را (از قبرهایتان) فرا می‌خواند؛ شما هم اجابت می‌کنید در حالی که حمد او را می‌گویید؛ و می‌پندارید

لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ

تنها مدّت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کرده‌اید.» (۵۲) به، بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین (سخن) باشد.» چرا که شیطان (به وسیلهٔ سخنان ناروا)

يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلْإِنسَٰنِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَّبُّكُمْ

میان آنها فتنه و فساد می‌کند؛ زیرا (همیشه) شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است. (۵۳) پروردگار شما، از (نیّات و اعمال)

أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ ۚ وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ

شما آگاهتر است؛ اگر بخواهد (و شایسته باشید)، شما را مشمول رحمت خود می‌سازد؛ و اگر بخواهد، مجازات می‌کند؛ و ما تو را بعنوان مأمور بر آنان

عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ

نفرستاده‌ایم (که آنان را مجبور به ایمان کنی.)» (۵۴) پروردگار تو، از (حال همه) کسانی که در آسمانهاو زمین هستند، آگاهتر است؛

فَضَّلْنَا بَعْضَ ٱلنَّبِيِّۦنَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۖ وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱلَّذِينَ

و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، به خاطر شایستگی توست؛) ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داود، «زبور» بخشیدیم. (۵۵) بگو:

زَعَمْتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

«کسانی را که غیر از او (معبود خود) می‌پندارید، بخوانید! آنها نه می‌توانند زیانی را از شما برطرف سازند، و نه هیچ تغییری در آن ایجاد کنند.»

﴿٥٦﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ

(۵۶) کسانی را که آنان (به عنوان معبود) می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرّب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر؛

أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ

و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می‌ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره هراسناک است!

مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ

(۵۷) هیچ شهر و آبادی نیست مگر این‌که آن را پیش از روز قیامت هلاک می‌کنیم؛ یا (اگر گناهکارند،)

ٱلْقِيَٰمَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب (علم الهی) ثبت شده است. (۵۸)

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرْسِلَ بِٱلْـَٔايَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلْأَوَّلُونَ ۚ وَ

هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (در خواستی بهانه جویان) را بفرستیم جز این‌که پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند)،

ءَاتَيْنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا۟ بِهَا ۚ وَمَا نُرْسِلُ بِٱلْـَٔايَٰتِ إِلَّا

آن را تکذیب کردند؛ (از جمله،) ما به (قوم) ثمود، ناقه دادیم؛ در حالی‌که (معجزه‌ای) روشنگر بود؛ امّا بر آن ستم کردند (و ناقه را کشتند). ما معجزات را فقط

تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِ ۚ وَمَا جَعَلْنَا

برای بیم دادن (و اتمام حجّت) می‌فرستیم. (۵۹) (به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطهٔ (و آگاهی کامل) به مردم دارد؛

ٱلرُّءْيَا ٱلَّتِىٓ أَرَيْنَٰكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلْمَلْعُونَةَ فِى ٱلْقُرْءَانِ ۚ

و رؤیایی را که به تو نشان دادیم و درخت نفرین شده را که در قرآن ذکر کرده‌ایم، فقط برای آزمایش مردم بود. و ما آنها را بیم می‌دهیم؛

وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَٰنًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ

امّا جز طغیان شدید، چیزی بر آنها نمی‌افزاید!» (۶۰) (به یاد آور) زمانی را که به فرشتگان گفتیم:

ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا

«برای آدم سجده کنید.» همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از گل آفریده‌ای؟!»

﴿٦١﴾ قَالَ أَرَءَيْتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِى كَرَّمْتَ عَلَىَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ

(۶۱) (سپس) گفت: «آیا خبر می‌دهی، این کسی را که بر من برتری داده‌ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری،

ٱلْقِيَٰمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ ٱذْهَبْ فَمَن

همه فرزندانش را، جز اندکی از ایشان، گمراه و ریشه کن خواهم ساخت.» (۶۲) فرمود: «برو! هر کس

تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَآءً مَّوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَٱسْتَفْزِزْ

از آنان از تو تبعیّت کند، جهنم کیفری کامل برای شماست! (۶۳) هر کدام از آنها را می‌توانی

مَنِ ٱسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ

با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار؛ و در ثروت و

وَشَارِكْهُمْ فِى ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَوْلَٰدِ وَعِدْهُمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ

فرزندانشان شرکت جوی؛ و آنان را با وعده‌ها سرگرم سازا - ولی شیطان، جز فریب و دروغ،

ٱلشَّيْطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنٌ ۚ

وعده‌ای به آنها نمی‌دهد - (۶۴) امّا (بدان) تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها به دام تو گرفتار نمی‌شوند)!

وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ رَّبُّكُمُ ٱلَّذِى يُزْجِى لَكُمُ

همین بس که پروردگارت حافظ آنها است.» (۶۵) پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می‌آورد،

ٱلْفُلْكَ فِى ٱلْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾

تا از فضل و موهبت او بهره‌مند شوید؛ به یقین او نسبت به شما مهربان است. (۶۶)

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ

و هنگامی که در دریا زیان (و ناراحتی) به شما رسید، تمام کسانی را که جز او (برای حل مشکلات خود)، می‌خوانید، از نظرتان گم شد،

إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ

امّا هنگامی که شما را به خشکی رساند و نجات داد، روی گردان شدید؛ وانسان، بسیار ناسپاس است. (۶۷) آیا از این ایمن شدید که در خشکی

بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ

(با یک زلزلهٔ شدید) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و مدفونتان کند)، سپس حافظ (و یاوری)

وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ

برای خود نیابید؟! (۶۸) یا این‌که ایمن شدید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده‌ای بر شما بفرستد،

قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ

و شما را به سزای ناسپاسیتان غرق کند، آنگاه فریادرسی در برابر ما برای خویش نیابید؟!

تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ ۞ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

(۶۹) ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنها را در صحرا و دریا، (بر مرکبهای راهوار) سوار کردیم؛

وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا

و از نعمتهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ وآنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم،

تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ

برتری بخشیدیم. (۷۰) (به یاد آور) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم. کسانی که نامهٔ عملشان به دست راستشان داده شود،

بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾

آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (۷۱)

وَمَنْ كَانَ فِي هَٰذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا

امّا کسی که در این جهان (از دیدن چهرهٔ حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است.

﴿٧٢﴾ وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ

(۷۲) نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه‌های خود) از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی؛

عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ

و آنگاه تو را به دوستی خودبرمی‌گزینند. (۷۳) و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت،

لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذًا لَأَذَقْنَاكَ

مصون از انحراف نبودی)، نزدیک بود اندکی به آنان تمایل پیدا کنی. (۷۴) اگر چنین می‌کردی،ما دو برابر مجازات (مشرکان)

ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات آنها) را بعد از مرگ، به تو می‌چشاندیم؛ سپس در برابر ما، یاوری برای خود نمی‌یافتی. (۷۵)

وَإِن كَادُواْ لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا ۖ وَإِذًا

و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) جایگاه تو را در این سرزمین سست ساخته، تا از آن بیرونت کنند؛ و هر گاه چنین می‌کردند،

لَّا يَلْبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾ سُنَّةَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا

(گرفتار مجازات سخت الهی شده، و)پس از تو، جز مدّت کمی باقی نمی‌ماندند. (۷۶) این سنّت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛

قَبْلَكَ مِن رُّسُلِنَا ۖ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ

و هرگز برای سنّت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت. (۷۷) نماز را از زوال خورشید [= هنگام ظهر]

لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيْلِ وَقُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ ۖ إِنَّ قُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ

تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپادار؛ و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را؛ چرا که قرآن‌فجر،

كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِۦ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰٓ

مشهود (فرشتگان شب و روز) است. (۷۸) و پاسی از شب را از خواب برخیز، و قرآن (و نماز) بخوان. این یک وظیفهٔ اضافی برای توست؛

أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿٧٩﴾ وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِى مُدْخَلَ

امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برساند. (۷۹) و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن،

صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِى مُخْرَجَ صِدْقٍ وَٱجْعَل لِّى مِن لَّدُنكَ سُلْطَٰنًا نَّصِيرًا

و با صداقت خارج ساز؛ و از سوی خود، حجّتی یاری کننده برایم قرار ده.»

﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَزَهَقَ ٱلْبَٰطِلُ ۚ إِنَّ ٱلْبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾

(۸۰) و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ زیرا باطل نابود شدنی است.» (۸۱)

وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۙ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت برای مؤمنان است، نازل می‌کنیم؛ ولی ستمکاران را جز

إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى ٱلْإِنسَٰنِ أَعْرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ ۖ وَإِذَا مَسَّهُ

خسران (و زیان) نمی‌افزاید. (۸۲) هنگامی که به انسان (مغرور) نعمت می‌بخشیم، (از حق) روی می‌گرداند و متکبرانه دور می‌شود؛

ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسًا ﴿٨٣﴾ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ

و هنگامی که بدی به او می‌رسد،(از همه چیز) مأیوس می‌گردد. (۸۳) بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند؛ و پروردگارتان کسانی را که

هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا ﴿٨٤﴾ وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِ ۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنْ أَمْرِ

راهشان هدایت بخش‌تر است، بهتر می‌شناسد.» (۸۴) واز تو دربارهٔ «روح» سؤال می‌کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛

رَبِّى وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾ وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ

و از علم و دانش، جز اندکی به شما داده نشده است.» (۸۵) و اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی

بِٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾

فرستاده‌ایم، از یادت می‌بریم؛ سپس کسی را نمی‌یابی که در برابر ما، از تو دفاع کند؛(۸۶)

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُۥ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾ قُل

مگر رحمتي از سوی پروردگارت (شامل حالت گردد)، که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است. (۸۷) بگو:

لَّئِنِ ٱجْتَمَعَتِ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأْتُوا۟ بِمِثْلِ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ

«اگر انس و جن دست به دست هم دهند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛

لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِۦ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا

هر چند (در این کار) پشتیبان یکدیگر باشند.» (۸۸) ما در این قرآن، به صورت‌های گوناگون

لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

برای مردم از هر چیز نمونه‌ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است)؛ امّا بیشتر مردم جز کفر و انکار را، ابا داشتند.

﴿٨٩﴾ وَقَالُوا۟ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ ٱلْأَرْضِ يَنۢبُوعًا ﴿٩٠﴾

(۸۹) و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا این‌که چشمهٔ جوشانی از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی، (۹۰)

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ ٱلْأَنْهَٰرَ خِلَٰلَهَا

یاباغی از نخل و انگور از آن تو باشد؛ و در لابه لای آن نهرها جاری سازی،

تَفْجِيرًا ﴿٩١﴾ أَوْ تُسْقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ

(۹۱) یا قطعات (سنگهای) آسمان را آنچنان که می‌پنداری، بر سر ما فرود آری؛ یا خداوند و

بِٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ

فرشتگان را در برابر ما بیاوری، (۹۲) یا برای تو خانه‌ای (پر نقش و نگار) از طلا باشد؛

فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَٰبًا نَّقْرَؤُهُۥ قُلْ

یا به آسمان بالا روی؛ و حتّی اگر به آسمان روی، ایمان نمی‌آوریم مگر آن‌که نامه‌ای (از سوی خدا) بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم.»

سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن

بگو:«منزّه است پروردگارم (از این سخنان بی‌معنی)! مگر من جز انسانی فرستادهٔ (از سوی خدا) هستم؟!» (۹۳) تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت،

يُؤْمِنُوٓا۟ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓا۟ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا ﴿٩٤﴾

مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود که (از روی نادانی و بی‌خبری) گفتند: «آیا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟!» (۹۴)

قُل لَّوْ كَانَ فِي ٱلْأَرْضِ مَلَٰٓئِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا

بگو: «(آری) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می‌کردند، و)با آرامش گام بر می‌داشتند، ما فرشته‌ای را از آسمان بعنوان رسول،

عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُولًا ﴿٩٥﴾ قُلْ كَفَىٰ بِٱللَّهِ

بر آنها می‌فرستادیم.» (چرا که رهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد). (۹۵) بگو:«همین بس که خداوند،

شَهِيدًۢا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا ﴿٩٦﴾

میان من و شما گواه باشد؛ چرا که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.» (۹۶)

وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِ ۖ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ

هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافتهٔ (واقعي) اوست؛ و کساني را که (به سبب اعمالشان) گمراه سازد،

مِن دُونِهِۦ ۖ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَ

سرپرستاني (هدایت کننده) غیر خدا برای آنها نخواهي یافت؛ وروز قیامت، آنها را بر صورتهایشان محشور مي‌کنیم،

صُمًّا ۖ مَّأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾ ذَٰلِكَ

در حالي که نابینا و گنگ و کرند؛ جایگاهشان دوزخ است؛ هر زمان آتش آن فرو نشیند، شعلهٔ سوزاني بر آنان مي‌افزاییم! (۹۷)

جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا

این کیفر آنهاست، بخاطر این‌که نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامي که ما استخوانهای پوسیده و

أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ ۞ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِى خَلَقَ

خاکهای پراکنده‌ای شدیم، آیا بار دیگر آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟!» (۹۸) آیا نمي‌دانند خدایي که

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ

آسمانها و زمین را آفریده،قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگي جدید بازشان گرداند)؟!

أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾ قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ

و برای آنان سرآمدي قطعي ـ که شکي در آن نیست ـ قرار داده ؛ امّا ستمکاران، جز کفر و انکار را ابا داشتند. (۹۹) بگو: «اگر شما مالک

خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّىٓ إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ ٱلْإِنفَاقِ ۚ وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ

خزاین رحمت پروردگار من بودید، در آن صورت، (بخاطر تنگ نظري) امساک مي‌کردید، مبادا انفاق، مایهٔ تنگدستي شما شود» و

قَتُورًا ﴿١٠٠﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ ۖ فَسْـَٔلْ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ

انسان تنگ نظر است. (۱۰۰) ما به موسي نُه معجزهٔ روشن دادیم؛ پس از بني‌اسرائیل سؤال کن

إِذْ جَآءَهُمْ فَقَالَ لَهُۥ فِرْعَوْنُ إِنِّى لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾

آن زمان که (موسي) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟ فرعون به او گفت: «ای موسي! گمان مي‌کنم تو افسون شده‌ای.» (۱۰۱)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

(موسي) گفت: «تو مي‌داني این معجزات را جز پروردگار آسمانها و زمین نفرستاده؛

بَصَآئِرَ وَإِنِّى لَأَظُنُّكَ يَٰفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم

در حالي که مایهٔ روشني دلهاست و من گمان مي‌کنم ای فرعون، تو (بزودي) هلاک خواهي شد!» (۱۰۲) پس (فرعون) تصمیم گرفت آنان را

مِّنَ ٱلْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ لِبَنِىٓ

از آن سرزمین براند؛ ولي ما، او و تمام کساني را که با او بودند، غرق کردیم. (۱۰۳) و بعد از آن به بني‌اسرائیل گفتیم:

إِسْرَٰٓءِيلَ ٱسْكُنُوا۟ ٱلْأَرْضَ فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ ٱلْـَٔاخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

«در این سرزمین ساکن شوید؛ امّا هنگامي که وعدهٔ آخرت فرا رسد، همهٔ شما را دسته جمعي (به آن دادگاه عدل) مي‌آوریم.» (۱۰۴)

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۱۰۵) وَقُرْءَانًا

و ما آن [= قرآن] را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بشارت دهنده و بیم دهنده، نفرستادیم. (۱۰۵) و قرآنی

فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا (۱۰۶) قُلْ ءَامِنُوا بِهِ

(بر تو نازل کردیم) که (آیات) آن را از هم جدا کردیم، تا آن را به تدریج و با آرامش بر مردم بخوانی؛ و به یقین آن را ما نازل کردیم. (۱۰۶) بگو: «خواه به آن

أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ

ایمان بیاورید، یا نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود، سجده کنان به

سُجَّدًا (۱۰۷) وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (۱۰۸) وَ

خاک می‌افتند.» (۱۰۷) و می‌گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده‌اش به یقین انجام شدنی است.» (۱۰۸) آنها

يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۩ (۱۰۹) قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا

(بی‌اختیار) به خاک می‌افتند و گریه می‌کنند؛ و (این آیات، همواره) بر خشوعشان می‌افزاید. (۱۰۹) بگو: «اللّه» را بخوانید

الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ

یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است؛ و) بهترین نامها برای اوست.» و نمازت را زیاد بلند، یا زیاد آهسته نخوان؛

بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا (۱۱۰) وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن. (۱۱۰) و بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که نه فرزندی اختیار کرده،

وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا (۱۱۱)

و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست.» و او را بسیار بزرگ بشمار. (۱۱۱)

سُورَةُ الكَهْفِ

ترتیبها ۱۸ — آیاتها ۱۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجًا (۱)

حمد مخصوص خدایی است که این کتاب را بر بندهٔ (برگزیده)‌اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد؛ (۱)

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

در حالی که پایدار و بر پا دارندهٔ (دیگر کتب آسمانی) است؛ تا از جانب او (بدکاران را) از عذاب شدیدی بترساند؛ و مؤمنانی را

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲) مَّاكِثِينَ

که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست؛ (۲) (همان بهشت برین)

فِيهِ أَبَدًا (۳) وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (۴)

که جاودانه در آن خواهند ماند. (۳) و (نیز) آنها را که گفتند: «خداوند، فرزندی اختیار کرده است»، انذار کند. (۴)

مَّا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٖ وَلَا لِأٓبَآئِهِمۡۚ كَبُرَتۡ كَلِمَةٗ تَخۡرُجُ مِنۡ

نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند، و نه پدرانشان. سخن بزرگی از دهانشان

أَفۡوَٰهِهِمۡۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبٗا ﴿٥﴾ فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ عَلَىٰٓ

خارج می‌شود! آنها فقط دروغ‌می‌گویند! (۵) گویی می‌خواهی، خود را به خاطر اعمال آنها

ءَاثَٰرِهِمۡ إِن لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾ إِنَّا جَعَلۡنَا

از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند! (۶) ما آنچه را

مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا لِنَبۡلُوَهُمۡ أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا ﴿٧﴾ وَإِنَّا

روی زمین است زینت آن قراردادیم، تا آنها را بیازماییم که کدام یک دارای بهترین عمل هستند. (۷) (ولی این

لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيۡهَا صَعِيدٗا جُرُزًا ﴿٨﴾ أَمۡ حَسِبۡتَ أَنَّ أَصۡحَٰبَ

زیورها پایدار نیست،) وما (سرانجام) آنچه را بر روی زمین است خاک بی حاصلی قرار می‌دهیم. (۸) آیا گمان کردی اصحاب

ٱلۡكَهۡفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُواْ مِنۡ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾ إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ

کهف و رقیم از آیات شگفت‌انگیز ما بودند؟! (۹) زمانی را (به خاطر بیاور) که آن

إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا

جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! از سوی خودت رحمتی به ما عطا کن، و از کار (فرو بستهٔ) ما راه نجاتی بر

رَشَدٗا ﴿١٠﴾ فَضَرَبۡنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمۡ فِي ٱلۡكَهۡفِ سِنِينَ عَدَدٗا

ایمان فراهم ساز.» (۱۰) ما (پردهٔ خواب را) سالیانی دراز در آن غار بر گوششان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند.

﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِنَعۡلَمَ أَيُّ ٱلۡحِزۡبَيۡنِ أَحۡصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓاْ أَمَدٗا ﴿١٢﴾ نَّحۡنُ

(۱۱) سپس آنان را برانگیختیم تا آشکار گردد که کدام یک از آن دو گروه، مدّت خواب خود را بهتر احصا کرده‌اند. (۱۲)

نَقُصُّ عَلَيۡكَ نَبَأَهُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّهُمۡ فِتۡيَةٌ ءَامَنُواْ بِرَبِّهِمۡ وَزِدۡنَٰهُمۡ

ما داستان آنان را به درستی برای تو بازگو می‌کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر

هُدٗى ﴿١٣﴾ وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ إِذۡ قَامُواْ فَقَالُواْ رَبُّنَا رَبُّ

هدایتشان افزودیم. (۱۳) و به دلهایشان نیرو بخشیدیم در آن هنگام که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَن نَّدۡعُوَاْ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهٗاۖ لَّقَدۡ قُلۡنَآ إِذٗا شَطَطًا

آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی بگزاف گفته‌ایم.

﴿١٤﴾ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمُنَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ لَّوۡلَا يَأۡتُونَ

(۱۴) این قوم ما هستند که معبودهایی جز او انتخاب کرده‌اند؛ چرادلیل آشکاری (بر این کار)

عَلَيۡهِم بِسُلۡطَٰنِۭ بَيِّنٖۖ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ﴿١٥﴾

نمی‌آورند؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟!» (۱۵)

وَإِذِ ٱعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأْوُۥٓا۟ إِلَى ٱلْكَهْفِ

و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید؛

يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحْمَتِهِۦ وَيُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا

که پروردگارتان رحمتش را بر شما می‌گستراند؛ و در کارتان، آرامشی برای شما فراهم می‌سازد.

١٦ ۞ وَتَرَى ٱلشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ ٱلْيَمِينِ

(۱۶) و (اگر در آن‌جا بودی) خورشید را می‌دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می‌گردد؛

وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمْ فِى فَجْوَةٍ مِّنْهُ ۚ ذَٰلِكَ

و به هنگام غروب، به سمت چپ؛ و آنها در فراختایی از آن (غار) قرار داشتند؛ این از نشانه‌های خداست.

مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ۗ مَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِ ۖ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن

هرکس را خدا هدایت کند، هدایت یافتهٔ (واقعی) اوست؛ و هرکس را گمراه نماید، هرگز ج سرپرست و

تَجِدَ لَهُۥ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ١٧ وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ ۚ وَنُقَلِّبُهُمْ

راهنمایی برای اونخواهی یافت. (۱۷) و (اگر به آنها نگاه می‌کردی) آنها را بیدار می‌پنداشتی؛

ذَاتَ ٱلْيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِ ۖ وَكَلْبُهُم بَٰسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِٱلْوَصِيدِ ۚ

در حالی که در خواب فرو رفته بودند. و ما آنها را به سمت راست و چپ می‌گرداندیم (تا بدنشان سالم بماند). و سگ آنها (مانند نگهبان)

لَوِ ٱطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا

دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود. اگر از حال آنان آگاه می‌شدی، از آنان می‌گریختی؛ و تمام ج وجودت را وحشت فرا می‌گرفت!

١٨ وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَٰهُمْ لِيَتَسَآءَلُوا۟ بَيْنَهُمْ ۚ قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ

(۱۸) این گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند؛ یکی از آنها گفت: «چه مدّت در خواب بوده‌اید؟» گفتند:

كَمْ لَبِثْتُمْ ۖ قَالُوا۟ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۚ قَالُوا۟ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ

«یک روز، یا بخشی از یک روز.» (و چون نتوانستند مدّت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگارتان از مدّت خوابتان آگاهتر است.

بِمَا لَبِثْتُمْ فَٱبْعَثُوٓا۟ أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِۦٓ إِلَى ٱلْمَدِينَةِ

اکنون یک نفر از خودتان را با این سکّه‌ای که دارید به شهر بفرستید، پس بنگرد کدام

فَلْيَنظُرْ أَيُّهَآ أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ

یک از آنها غذای پاکیزه‌تری دارند، و مقداری از آن را برای روزی شما بیاورد. امّا باید مراقب باشید،

وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ١٩ إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا۟ عَلَيْكُمْ

و هیچ کس را از وضع شما باخبر نسازد؛ (۱۹) زیرا اگر آنان به شما دسترسی پیدا کنند،

يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِى مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوٓا۟ إِذًا أَبَدًا ٢٠

سنگسارتان می‌کنند؛ یا شما را به آیین خویش باز می‌گردانند؛ و در آن صورت، هیچگاه روی رستگاری را نخواهید دید.» (۲۰)

وَكَذَٰلِكَ أَعۡثَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ لِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَأَنَّ

و اینچنین مردم را از حال آنها آگاه کردیم، تا بدانند که وعدهٔ خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛

ٱلسَّاعَةَ لَا رَيۡبَ فِيهَآ إِذۡ يَتَنَٰزَعُونَ بَيۡنَهُمۡ أَمۡرَهُمۡۖ فَقَالُواْ

و در قیام قیامت شکی نیست؛ (و به یاد آور) هنگامی را که میان خود دربارهٔ کار آنها نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند:

ٱبۡنُواْ عَلَيۡهِم بُنۡيَٰنٗاۖ رَّبُّهُمۡ أَعۡلَمُ بِهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِمۡ

«بنایی بر آنان بسازید (تا از نظرها پنهان شوند که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است.» ولی کسانی که از راز آنها آگاهی یافتند

لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيۡهِم مَّسۡجِدٗا (٢١) سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٞ رَّابِعُهُمۡ

(و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما عبادتگاهی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطرهٔ آنان فراموش نشود).» (۲۱) به زودی گروهی خواهند گفت:

كَلۡبُهُمۡ وَيَقُولُونَ خَمۡسَةٞ سَادِسُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ رَجۡمَۢا بِٱلۡغَيۡبِۖ وَ

«آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود.» و گروهی می‌گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» در حالی که اینها سخنانی

يَقُولُونَ سَبۡعَةٞ وَثَامِنُهُمۡ كَلۡبُهُمۡۚ قُل رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا

بی‌دلیل است ـ و گروهی می‌گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است.»

يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا قَلِيلٞۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمۡ إِلَّا مِرَآءٗ ظَٰهِرٗا وَلَا تَسۡتَفۡتِ فِيهِم

جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس دربارهٔ آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس دربارهٔ آنها

مِّنۡهُمۡ أَحَدٗا (٢٢) وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْيۡءٍ إِنِّي فَاعِلٞ ذَٰلِكَ غَدًا

سؤال مکن. (۲۲) و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام می‌دهم»،

(٢٣) إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَۖ وَقُلۡ عَسَىٰٓ أَن

(۲۳) مگر این‌که خدا بخواهد. و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو:

يَهۡدِيَنِ رَبِّي لِأَقۡرَبَ مِنۡ هَٰذَا رَشَدٗا (٢٤) وَلَبِثُواْ فِي كَهۡفِهِمۡ ثَلَٰثَ

«امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشن‌تر از این هدایت کند.» (۲۴) آنها در غارشان سیصد سال درنگ کردند،

مِاْئَةٖ سِنِينَ وَٱزۡدَادُواْ تِسۡعٗا (٢٥) قُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثُواْۖ لَهُۥ غَيۡبُ

و نُه سال (نیز) بر آن افزودند. (۲۵) بگو: «خداوند از مدّت درنگ آنها آگاهتر است؛

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ أَبۡصِرۡ بِهِۦ وَأَسۡمِعۡۚ مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن

غیب آسمانها و زمین تنها از آن اوست. خداوند چه بینا و شنواست! آنها هیچ ولیّ و سرپرستی جز او ندارند.

وَلِيّٖ وَلَا يُشۡرِكُ فِي حُكۡمِهِۦٓ أَحَدٗا (٢٦) وَٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن

و او هیچ کس را در حکومت خود شرکت نمی‌دهد.» (۲۶) آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن؛

كِتَابِ رَبِّكَۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدٗا (٢٧)

هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی‌سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی‌یابی. (۲۷)

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ
با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و شام می‌خوانند، و تنها رضای
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
او را می‌طلبند؛ و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر.
وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ
و از کسانی که قلبشان را از یادمان غافل ساختیم و از هوای نفس پیروی کردند، و کارشان افراطی است،
فُرُطًا (۲۸) وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ
اطاعت مکن. (۲۸) بگو: «حق از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ هرکس می‌خواهد ایمان بیاورد
إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۚ وَإِن يَسْتَغِيثُوا
(و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می‌خواهد کافر گردد.» ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده‌ایم که سرا پرده‌اش آنان را از هر
يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ
سو احاطه کرده است. و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می‌آورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می‌کند. چه نوشیدنی بدی، و چه
مُرْتَفَقًا (۲۹) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ
اجتماع ناپسندی! (۲۹) به طور مسلّم کسانی که ایمان آوردندو کارهای شایسته انجام دادند، (به آنها پاداش نیک می‌دهیم) به یقین ما
أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (۳۰) أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ
پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد. (۳۰) آنها کسانی هستند که برای آنان باغهای جاویدان بهشتی است؛
الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن
که نهرها از پای درختان و قصرهایش جاری است؛ در آن‌جا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند؛ و لباسهایی (فاخر) به رنگ سبز،
سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ۚ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ
از حریر نازک و ضخیم، در بر می‌کنند؛ در حالی که در آنجا بر تختها تکیه کرده‌اند. چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی!
مُرْتَفَقًا (۳۱) ۞ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ
(۳۱) (ای پیامبر!) برای آنان مثلی بزن: دو مردی، که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم؛
أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا (۳۲) كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ
و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم؛ و در میان آن دو، کشتزاری (پر برکت) قرار دادیم. (۳۲) هر دو باغ، به ثمر نشسته بود،
أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا ۚ وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا (۳۳) وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ
و چیزی از آن فروگذار نکرده بود؛ و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم. (۳۳) و برای او، درآمد فراوانی داشت؛
فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا (۳۴)
پس به دوستش ـ در حالی که با او گفتگو می‌کرد ـ گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرات نیرومندترم.» (۳۴)

وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا

و در حالي كه نسبت به خود ستمكار بود، در باغ خويش گام نهاد، و گفت: «باور نمي‌كنم هرگز اين باغ نابود شود.

﴿٣٥﴾ وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ

(۳۵) و باور نمي‌كنم قيامت برپا گردد؛ و اگر به سوي پروردگارم بازگردانده شوم (و قيامتي در كار باشد)، جايگاهي

خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرۡتَ

بهتر از اين جا خواهم يافت.» (۳۶) دوست (باايمان) وي- در حالي كه با او گفتگو مي‌كرد - گفت:

بِٱلَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا ﴿٣٧﴾ لَّٰكِنَّا۠

«آيا به كسي كه تو را از خاك، سپس از نطفه آفريد، و پس از آن تو را مرد كاملي قرار داد، كافر شدي؟! (۳۷) ولي من

هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ﴿٣٨﴾ وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ

كسي هستم كه خداي يگانه، پروردگار من است؛ و هيچ كس را همتاي پروردگارم قرار نمي‌دهم. (۳۸) چرا هنگامي كه وارد باغت شدي،

قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَ

نگفتي اين نعمتي است كه خدا خواسته است؟! قوت (و نيرويي) جز از ناحيهٔ خدا نيست. و اگر مي‌بيني من از نظر مال و

وَلَدٗا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرۡسِلَ عَلَيۡهَا

فرزند از تو كمترم!(۳۹) اميد است پروردگارم بهتر از باغ تو، به من بدهد؛ و مجازات حساب شده‌اي از آسمان بر باغ

حُسۡبَانٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوۡ يُصۡبِحَ مَآؤُهَا

تو فرو فرستد، بگونه‌اي كه آن را به زمين بي گياهي مبدل كند. (۴۰) و يا آب آن (در زمين) فرو رود،

غَوۡرٗا فَلَن تَسۡتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبٗا ﴿٤١﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ

آن گونه كه هرگز نتواني به آن دست يابي.» (۴۱) (سرانجام عذاب الهي فرا رسيد،) و ميوه‌هاي آن نابود شد؛

كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ

و او بخاطر هزينه‌هايي كه در آن صرف كرده بود، پيوسته دستهايش را به هم مي‌ماليد در حالي كه تمام باغ بر داربستهايش فرو ريخته بود. و مي‌گفت: «اي

بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ﴿٤٢﴾ وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٞ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا

كاش هيچ كس را همتاي پروردگارم قرار نداده بودم!» (۴۲) و گروهي نداشت كه‌او را در برابر (عذاب) خداوند ياري دهند؛ و كاري هم از دستش ساخته نبود.

﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ ٱلۡوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلۡحَقِّۚ هُوَ خَيۡرٞ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ عُقۡبٗا ﴿٤٤﴾ وَٱضۡرِبۡ لَهُم

(۴۳) در آن جا ثابت شد كه ولايت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است. اوست كه برترين ثواب، و بهترين فرجام را (براي مطيعان) دارد. (۴۴) (اي پيامبر!)

مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ

زندگي دنيا را براي آنان به آبي تشبيه كن كه از آسمان فرو مي‌فرستيم؛ و بوسيلهٔ آن، گياهان زمين (سرسبز مي‌شود و) درهم فرو مي‌رود،

ٱلۡأَرۡضِ فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقۡتَدِرًا ﴿٤٥﴾

امّا (بعد از مدتي) مي‌خشكد؛ به گونه‌اي كه بادها آن را به هر سو پراكنده مي‌كند؛ و خداوند بر همه چيز تواناست. (۴۵)

ٱلْمَالُ وَٱلْبَنُونَ زِينَةُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ

اموال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات [= آثار ماندگار شایسته] ثوابش نزد

خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ ٱلْجِبَالَ وَتَرَى ٱلْأَرْضَ

پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است. (۴۶) و روزی را (به خاطر بیاور) که کوهها را به حرکت درآوریم؛

بَارِزَةً وَحَشَرْنَٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعُرِضُوا۟ عَلَىٰ رَبِّكَ

و زمین را آشکار را (و هموار) می‌بینی؛ و همهٔ مردم را محشور می‌کنیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد. (۴۷) آنها در یک صف به (پیشگاه)

صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍۭ ۚ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ

پروردگارت عرضه می‌شوند؛ (و به آنان گفته می‌شود:) همگی نزد ما آمدید، آن گونه که نخستین بار شما را آفریدیم؛ امّا شما گمان کردید که ما هرگز موعدی

لَكُم مَّوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا

برایتان قرار نخواهیم داد. (۴۸) و نامهٔ اعمال (آنها) در آن جا گذارده می‌شود، پس گنهکاران را می‌بینی در حالی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند؛ و

فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلْكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ

می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو گذار نمی‌کند

لَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحْصَىٰهَا ۚ وَوَجَدُوا۟ مَا عَمِلُوا۟ حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ

مگر این‌که آن را احصار کرده است؟!» و (این در حالی است که همه) اعمال خود را حاضر می‌بینند؛ و پروردگارت به

أَحَدًا ﴿٤٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ

هیچ کس ستم نمی‌کند. (۴۹) و (به یاد آورید) زمانی راکه به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده‌کنید!» همگی سجده کردندجز

كَانَ مِنَ ٱلْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِۦٓ ۗ أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوْلِيَآءَ

ابلیس ـ که از جنّ بود ـ و از فرمان پروردگارش بیرون شد. آیا (با این حال،) او و فرزندانش را به جای من به سرپرستی انتخاب می‌کنید،

مِن دُونِى وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّۢ ۚ بِئْسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ ۞ مَّآ

در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! چه جایگزین بدی است برای ستمکاران! (۵۰) هرگز آنها

أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ

[= ابلیس و فرزندانش] را به هنگام آفرینش آسمانهاو زمین، و نه به هنگام‌آفرینش خودشان، حاضر نساختم؛

مُتَّخِذَ ٱلْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا۟ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ

و هیچ گاه گمراه‌کنندگان را دستیار خود قرار نمی‌دادم. (۵۱) (به خاطر بیاورید) روزی را که (خداوند) می‌گوید: «همتایانی را که برای من می‌پنداشتید،

زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَءَا

بخوانید (تا به کمک شما بشتابند)!» ولی هرچه آنها را می‌خوانند، جوابشان نمی‌دهند؛ و در میان این دو گروه، کانون هلاکتی قرار داده‌ایم. (۵۲)

ٱلْمُجْرِمُونَ ٱلنَّارَ فَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا۟ عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

و گنهکاران، آتش (دوزخ) را می‌بینند؛ و یقین می‌کنند که در آن گرفتار می‌شوند؛ و هیچ گونه راه گریزی از آن نخواهند یافت. (۵۳)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَكَانَ

و به یقین در این قرآن، از هرگونه مَثَلی برای مردم بیان کرده‌ایم؛ ولی

ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓا۟

انسان بیش از هر چیز، به‌مجادله می‌پردازد. (۵۴) و چیزی مردم را باز نداشت از این‌که ـ وقتی هدایت به سراغشان آمد ـ ایمان بیاورند

إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّهُمْ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ ٱلْأَوَّلِينَ

و از پروردگارشان طلب آمرزش کنند، جزاین‌که (خیره‌سری کردند؛ گویی می‌خواستند) به سرنوشت پیشینیان دچار شوند،

أَوْ يَأْتِيَهُمُ ٱلْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ

یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد. (۵۵) ما پیامبران را، جز بشارت دهنده و انذار کننده، نمی‌فرستیم؛

وَمُنذِرِينَ ۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِٱلْبَٰطِلِ لِيُدْحِضُوا۟ بِهِ

امّا کافران همواره با سخنان باطل مجادله می‌کنند، تا (به گمان خود،) حق را بوسیلهٔ آن از میان بردارند.

ٱلْحَقَّ ۖ وَٱتَّخَذُوٓا۟ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُوا۟ هُزُوًا ﴿٥٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ

و آیاتم و هشدارها را به استهزا گرفتند. (۵۶) چه کسی ستمکارتر است از آن کس که

بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ ۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

آیات پروردگارش به او تذکر داده شد، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای خود پیش فرستاد فراموش کرد؟!

أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۖ وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ

ما بر دلهای آنها (به سبب اعمالشان) پرده‌هایی افکنده‌ایم تا نفهمند؛ و در گوشهایشان سنگینی قرار داده‌ایم؛ (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را

فَلَن يَهْتَدُوٓا۟ إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ ٱلْغَفُورُ ذُو ٱلرَّحْمَةِ ۖ لَوْ يُؤَاخِذُهُم

به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند. (۵۷) و پروردگارت، آمرزنده و دارای رحمت است؛ اگر می‌خواست آنان را بخاطر

بِمَا كَسَبُوا۟ لَعَجَّلَ لَهُمُ ٱلْعَذَابَ ۚ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا۟ مِن

اعمالشان مجازات کند، عذاب را هرچه زودتر برای آنها می‌فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه

دُونِهِۦ مَوْئِلًا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ ٱلْقُرَىٰٓ أَهْلَكْنَٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا۟ وَ

فراری نخواهند داشت. (۵۸) این شهرها و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاک نمودیم؛ و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم.

جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ

(آنها را با چشم می‌بینند، ولی عبرت نمی‌گیرند.) (۵۹) (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به یار همسفرش گفت: «دست (از جستجو) برنمی‌دارم

أَبْرَحُ حَتَّىٰٓ أَبْلُغَ مَجْمَعَ ٱلْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا

تا به محل تلاقی دو دریا برسم؛ هر چند مدّت طولانی به راه خودادامه دهم.» (۶۰) (ولی) هنگامی که

بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

به محل تلاقی دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند؛ و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت. (۶۱)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا

هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذایمان را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده‌ایم!»

نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَءَيْتَ إِذْ أَوَيْنَآ إِلَى ٱلصَّخْرَةِ فَإِنِّى نَسِيتُ ٱلْحُوتَ وَ

(۶۲) گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را

مَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيْطَٰنُ أَنْ أَذْكُرَهُۥ وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِى ٱلْبَحْرِ عَجَبًا

بازگو کنم - و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد و ماهی به طرز شگفت‌آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!»

﴿٦٣﴾ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَٱرْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا

(۶۳) (موسی) گفت: «آن همان بود که ما می‌خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی‌جویی می‌کردند. (۶۴) و (در آن جا)

عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ ءَاتَيْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا

بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او

عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ

آموخته بودیم. (۶۵) موسی به او گفت: «آیا (اجازه می‌دهی) از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایهٔ رشد و صلاح است،

رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ

به من بیاموزی؟» (۶۶) گفت: «تو هرگزنمی‌توانی با من شکیبایی کنی! (۶۷) و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از

مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا وَلَآ

رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی؟!» (۶۸) (موسی) گفت: «به خواست خدا مراشکیبا خواهی یافت؛

أَعْصِى لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ فَإِنِ ٱتَّبَعْتَنِى فَلَا تَسْـَٔلْنِى عَن شَىْءٍ حَتَّىٰٓ

و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو را نخواهم کرد.» (۶۹) (خضر) گفت: «پس اگر می‌خواهی به دنبال من بیایی، از من چیزی مپرس تا خودم

أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ

(به موقع، راز) آن را برای تو بازگو کنم.» (۷۰) آن دو به راه افتادند؛ تا آن‌که سوار کشتی شدند،

خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ

(خضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: «آیا آن را سوراخ کردی که اهل کشتی را غرق کنی؟! راستی چه کار ناپسندی انجام دادی!» (۷۱) گفت:

أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِى بِمَا

«آیا نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من‌شکیبایی کنی؟!» (۷۲) (موسی) گفت: «مرا بخاطر فراموشکاریم مؤاخذه مکن

نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِى مِنْ أَمْرِى عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا

و به سبب این کارم بر من سخت مگیر.» (۷۳) باز به راه خود ادامه دادند، تااین‌که جوانی رادیدند؛

فَقَتَلَهُۥ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا ﴿٧٤﴾

و او آن جوان راکشت. (موسی) گفت: «آیا انسان پاکی را، بی آن‌که کسی را به قتل رسانده باشد، کشتی؟! براستی کار زشتی انجام دادی!» (۷۴)

قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِن سَأَلْتُكَ

(خضر) گفت: «آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی با من صبر کنی؟!» (۷۵) (موسی) گفت: «بعد از این

عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٦﴾ فَانطَلَقَا

اگر دربارهٔ چیزی از تو سؤال کردم،دیگر با من مصاحبت نکن؛ (زیرا) از ناحیهٔ من معذور خواهی بود.» (۷۶) باز به راه خود

حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا

ادامه دادند تا به اهل شهری رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از پذیرایی آن دو خودداری نمودند؛

فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ ۖ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ

(با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد؛ و (خضر) آن را برپاداشت. (موسی) گفت: «(لااقل) اگر می‌خواستی در

عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ ۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ

مقابل این کار مزدی می‌گرفتی.» (۷۷) او گفت: «اینک جدایی من و تو فرارسیده؛ امّا بزودی راز آنچه را که

تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ

نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبرمی‌دهم. (۷۸) امّا آن کشتی برای گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می‌کردند؛

فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ

و من خواستم آن را معیوب کنم؛ (چراکه) پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالمی) را

غَصْبًا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن

بزور می‌گرفت. (۷۹) و امّا آن جوان، پدر و مادرش باایمان بودند؛ و بیم داشتیم که

يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾ فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا

آنان را به طغیان و کفر وادارد. (۸۰) از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر

مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ

و با محبّت‌تر به آن دو بدهد. (۸۱) و امّا آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛

فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ

و زیر آن، گنجی متعلّق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می‌خواست

رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۚ

آنها به حدّ بلوغ برسند و گنجشان را بیرون آورند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛

وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۚ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾ وَ

و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز آنچه نتوانستی در برابر آن شکیبایی کنی.» (۸۲) و

يَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

از تو دربارهٔ «ذوالقرنین» می‌پرسند؛ بگو: «بزودی بخشی از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.» (۸۳)

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ﴿٨٤﴾ فَأَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾

ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم؛ و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. (۸۴) او از این اسباب، پیروی (و استفاده) کرد، (۸۵)

حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغۡرِبَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ وَوَجَدَ

تا هنگامی که به غروبگاه آفتاب رسید؛ (در آن جا) چنان به نظرش آمد که خورشید در چشمهٔ تیره و گل آلودی غروب می‌کند؛

عِندَهَا قَوۡمٗاۗ قُلۡنَا يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمۡ حُسۡنٗا

و در آن جا قومی را یافت؛ گفتیم: «ای ذوالقرنین! یا (آنان را) مجازات می‌کنی، و یاروش نیکویی درمورد آنها انتخاب می‌نمایی.»

﴿٨٦﴾ قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوۡفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا

(۸۶) گفت: «امّا کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش باز گردانده می‌شود، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد!

نُّكۡرٗا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُۥ جَزَآءً ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ

(۸۷) و امّا کسی که ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت؛ و ما دستور

مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَطۡلِعَ ٱلشَّمۡسِ

آسانی به او خواهیم داد.» (۸۸) سپس (بار دیگر) از اسبابی (که در اختیار داشت) بهره گرفت، (۸۹) تا زمانی که به خاستگاه خورشید رسید؛

وَجَدَهَا تَطۡلُعُ عَلَىٰ قَوۡمٖ لَّمۡ نَجۡعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتۡرٗا ﴿٩٠﴾ كَذَٰلِكَ وَقَدۡ

(در آن جا) دید خورشید بر جمعیّتی طلوع می‌کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم. (و سایبانی نداشتند). (۹۰) (آری) اینچنین

أَحَطۡنَا بِمَا لَدَيۡهِ خُبۡرٗا ﴿٩١﴾ ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيۡنَ ٱلسَّدَّيۡنِ

بود (کار ذوالقرنین)! و ما بخوبی بر آنچه نزد او بود احاطه داشتیم. (۹۱) (باز) از اسباب مهمّی (که در اختیار داشت) استفاده کرد؛ (۹۲) (و همچنان به راه خود

وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوۡمٗا لَّا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ قَوۡلٗا ﴿٩٣﴾ قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ

ادامه داد) تا هنگامی که به میان دو کوه رسید؛ و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود). (۹۳)

إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن

(آن گروه با اشاره به او) گفتند: «ای ذوالقرنین! (قوم) یأجوج و مأجوج در این سرزمین فساد می‌کنند؛ آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم،

تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ

که میان ما و آنها سدّی ایجاد کنی؟!» (۹۴) ذوالقرنین گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتراست؛ (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید؛ کافی است)

أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا ﴿٩٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ

مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سدّ محکمی قراردهم. (۹۵) قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و روی هم بچینید).» تا وقتی که کاملاً میان دو کوه

بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ قَالَ ٱنفُخُواْۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارٗا قَالَ ءَاتُونِيٓ أُفۡرِغۡ عَلَيۡهِ

را پوشانید، گفت: بدمید (آنها دمیدند) تا آتش، قطعات آهن را سرخ کرد، گفت: (اکنون) «مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم (و شکافهای آن را پر

قِطۡرٗا ﴿٩٦﴾ فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا ﴿٩٧﴾

کنم).» (۹۶) (سرانجام چنان سدّی ساخت) که آنها [= طایفهٔ یأجوج و مأجوج] قادر نبودند از آن بالا روند؛ و نمی‌توانستند سوراخی در آن ایجاد کنند. (۹۷)

قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي ۖ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۖ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا

(آنگاه) گفت: «این رحمتی از جانب پروردگار من است؛ و هنگامی که وعدهٔ پروردگارم فرا رسد، آن را درهم می‌کوبد؛ و وعدهٔ پروردگارم حق است.»

﴿٩٨﴾ ۞ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۖ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ

(۹۸) و در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد)، ما آنان را چنان رها می‌کنیم که در هم موج می‌زنند؛ و در صور [= شیپور] دمیده می‌شود؛ و ما آنها را کاملاً جمع

جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾ الَّذِينَ كَانَتْ

می‌کنیم. (۹۹) و در آن روز، جهنم رابر کافران آشکارا عرضه می‌داریم. (۱۰۰) همان کسانی که پرده‌ای

أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ

چشمانشان را از یاد من پوشانده بود، و قدرت شنوایی نداشتند. (۱۰۱) آیا کافران پنداشتند

الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ ۚ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ

می‌توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند؟! ما جهنّم را برای پذیرایی

لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ

کافران آماده کرده‌ایم. (۱۰۲) بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ (۱۰۳) همان کسانی که

سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَٰئِكَ

سعی و تلاششان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ در حالی که، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند.» (۱۰۴) آنها

الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ

کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد؛ از این رو روز قیامت، میزانی برای (سنجش اعمال)

الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي

آنها برپا نخواهیم کرد. (۱۰۵) (آری،) این گونه است! کیفرشان دوزخ است، بخاطر آن‌که کافر شدند، و آیات من و پیامبرانم را به

هُزُوًا ﴿١٠٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ

استهزا گرفتند. (۱۰۶) امّا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت برین محل پذیرایی

نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾ قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا

آنان خواهد بود. (۱۰۷) آنها جاودانه در آن خواهند ماند؛ و هرگز خواهان نقل مکان از آن جا نیستند. (۱۰۸) بگو: «اگر دریا برای (نوشتن)

لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

کلمات پروردگارم مرکّب شود، دریا پایان می‌گیرد، پیش از آن‌که کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریا) را کمک آن قرار دهیم.»

﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ فَمَن كَانَ

(۱۰۹) بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (ولی) به من وحی می‌شود که معبودتان، تنها معبود یگانه است؛

يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.» (۱۱۰)

۱۹ – سوره مریم

سُورَةُ مَرْيَمَ

ترتيبها ١٩ — آياتها ٩٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

كٓهيعٓصٓ ﴿١﴾ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُۥ زَكَرِيَّآ ﴿٢﴾ إِذْ نَادَىٰ

کهیعص. (۱) (این) یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا، (۲) در آن هنگام که پروردگارش

رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيًّا ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّي وَٱشْتَعَلَ

را در خلوتگاه (عبادت) خواند، (۳) گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعلهٔ پیری سرم را فراگرفته؛

ٱلرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٤﴾ وَإِنِّي

و من هرگز در دعای تو ای پروردگار من، از اجابت محروم نبوده‌ام. (۴) و من از

خِفْتُ ٱلْمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِي وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ

بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند)؛ و در حالی که همسرم نازا و عقیم است؛

لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا ﴿٥﴾ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ ءَالِ يَعْقُوبَ ۖ وَٱجْعَلْهُ

تو ازنزد خود جانشینی به من ببخش، (۵) که وارث من و وارث دودمان یعقوب باشد؛ و او را ای پروردگار من مورد

رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾ يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسْمُهُۥ يَحْيَىٰ

رضایت خود قرار ده.» (۶) ای زکریا! ما تو را به پسری بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است؛

لَمْ نَجْعَل لَّهُۥ مِن قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٧﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ

و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم. (۷) گفت: «پروردگارا! چگونه برای من

لِي غُلَٰمٌ وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ ٱلْكِبَرِ

پسری خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا است، و من نیز به سبب پیری ناتوان شده‌ام!»

عِتِيًّا ﴿٨﴾ قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ

(۸) فرمود: «این گونه است؛ پروردگارت گفته این کار بر من آسان است؛ و قبلاً تو را

مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْـًٔا ﴿٩﴾ قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّيٓ ءَايَةً

آفریدم در حالی که چیزی نبودی!» (۹) عرض کرد: «پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده!»

قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿١٠﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ

فرمود: «نشانهٔ تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلّم با مردم را نخواهی داشت؛ در حالی که سالم هستی.» (۱۰) او از محراب عبادت

قَوْمِهِۦ مِنَ ٱلْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا۟ بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١﴾

به سوی مردم بیرون آمد؛ و با اشاره به آنها گفت: «(به شکرانهٔ این موهبت،) صبح و شام (خدا را) تسبیح گویید.» (۱۱)

يَٰيَحْيَىٰ خُذِ ٱلْكِتَٰبَ بِقُوَّةٍ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾ وَحَنَانًا

ای یحیی! کتاب الهی را باقوّت بگیر. و ما در کودکی فرمان (نبوت) به او دادیم! (۱۲) و محبت و پاکی (روح)

مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةً وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾ وَبَرًّۢا بِوَٰلِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا

از ناحیهٔ خود به او بخشیدیم. و او پرهیزگار بود! (۱۳) و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و جبّار (و متکبّر)

عَصِيًّا ﴿١٤﴾ وَسَلَٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

و عصیانگر نبود. (۱۴) سلام بر او، روزی که تولّد یافت،و روزی که می‌میرد، و روزی که زنده برانگیخته می‌شود!

﴿١٥﴾ وَٱذْكُرْ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَرْيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا

(۱۵) و مریم را در این کتاب یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش در ناحیهٔ شرقی (بیت المقدس) کناره گرفت؛

﴿١٦﴾ فَٱتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ

(۱۶) و میان خود و آنان حجابی افکند. (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح (و فرشتهٔ مقرب) خود را به سوی او

لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا

فرستادیم؛ و او در شکل‌انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد. (۱۷) (مریم سخت ترسید و) گفت: «اگر خدا ترس هستی، من از تو، به خدای رحمان پناه

﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَآ أَنَا۠ رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾

می‌برم». (۱۸) گفت: «من تنها فرستادهٔ پروردگار توام؛ (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم.» (۱۹)

قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾

گفت: «چگونه ممکن است پسری برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای نبوده‌ام!» (۲۰)

قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُۥٓ ءَايَةً لِّلنَّاسِ

گفت: «این گونه پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است. (ما او را می‌آفرینیم) تا او را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم؛

وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢١﴾ ۞ فَحَمَلَتْهُ فَٱنتَبَذَتْ

و رحمتی باشد از سوی ما؛ و این امری است پایان یافته (و گفتگو ندارد).» (۲۱) سرانجام (مریم) به او [= عیسی] باردار شد؛

بِهِۦ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَآءَهَا ٱلْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ

و او را به نقطه دور دستی برد. (۲۲) درد زایمان او را به کنار تنهٔ درخت خرمایی کشاند؛

ٱلنَّخْلَةِ قَالَتْ يَٰلَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا

(آن قدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم،و کاملاً فراموش شده بودم!»

﴿٢٣﴾ فَنَادَىٰهَا مِن تَحْتِهَآ أَلَّا تَحْزَنِى قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

(۲۳) ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمهٔ آبی (گوارا) قرار داده است.

﴿٢٤﴾ وَهُزِّىٓ إِلَيْكِ بِجِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ تُسَٰقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾

(۲۴) و این تنهٔ نخل را به طرف خود تکان ده، تا رطب تازه‌ای بر تو فرو ریزد. (۲۵)

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي
پس (از این غذای لذیذ و آب گوارا) بخور و بنوش؛ و چشمت (به فرزندت) روشن باد! و هرگاه کسی از انسانها را دیدی، (با اشاره) بگو:
نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتْ بِهِ
من برای خداوند رحمان ۖ روزه‌ای نذر کرده‌ام؛ بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم. (و بدان که این نوزاد از تو دفاع خواهد کرد.)» (۲۶) (مریم) در
قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۖ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَا أُخْتَ
حالی که او را در آغوش گرفته بود، وی را نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! (۲۷) ای خواهر
هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ
هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!» (۲۸) (مریم) به او اشاره کرد؛
إِلَيْهِ ۖ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي
گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!» (۲۹) (ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت:
عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا
«من بندهٔ خدایم؛ او کتاب آسمانی به من داده؛ و مرا پیامبر قرار داده است. (۳۰) و هر جا که باشم مرا وجودی پربرکت قرار داده؛
كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّا
و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است. (۳۱) و مرا نسبت
بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ
به مادرم نیکوکار قرار داده؛ و جبّار و عصیانگر قرار نداده است. (۳۲) و سلام (خدا) بر من، روزی که
وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ
متولّد شدم، و روزی که می‌میرم، و روزی که زنده برانگیخته خواهم شد!» (۳۳) این است عیسی پسر مریم؛
مَرْيَمَ ۚ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ
گفتار حقّی ۖ که در آن تردید می‌کنند. (۳۴) هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند؛
مِنْ وَلَدٍ ۖ سُبْحَانَهُ ۚ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ
منزّه است او! هرگاه امری را اراده کند، تنها ۚ به آن می‌گوید: «موجود باش!» بی درنگ موجود می‌شود. (۳۵)
اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَاخْتَلَفَ
و (عیسی گفت:) خداوند، پروردگار من ۖ و پروردگار شماست؛ او را پرستش کنید؛ این است راه راست. (۳۶) ولی (بعد از او)
الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾
گروههایی از میان آنها اختلاف کردند؛ پس وای ۖ به حال کسانی که کافر شدند از حضور روز بزرگ (رستاخیز)! (۳۷)
أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا ۖ لَٰكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾
روزی که نزد ما می‌آیند، چه گوشهای شنوا و چه چشمهای بینایی پیدا می‌کنند! ولی این ستمکاران امروز در گمراهی آشکارند. (۳۸)

وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ إِذۡ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ وَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٩﴾

آنان را از روز حسرت [=روز رستاخیز که برای همه مایهٔ تأسف است] بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد؛ ولی (امروز) آنها در غفلتند و ایمان

إِنَّا نَحۡنُ نَرِثُ ٱلۡأَرۡضَ وَمَنۡ عَلَيۡهَا وَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ﴿٤٠﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ

نمی‌آورند. (۳۹) ما، زمین و تمام کسانی را که روی آن هستند، به ارث می‌بریم؛ و همگی به سوی ما بازگردانده می‌شوند. (۴۰) در این کتاب،

إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا ﴿٤١﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا

ابراهیم را یاد کن، که او پیامبری بسیار راستگو بود. (۴۱) هنگامی که به پدرش گفت: «ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود،

يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي عَنكَ شَيۡـٔٗا ﴿٤٢﴾ يَٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ

و نه می‌بیند، و نه هیچ نیازی را از تو برطرف می‌سازد؟! (۴۲) ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛

ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا سَوِيّٗا ﴿٤٣﴾ يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ

بنابراین از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم. (۴۳) ای پدر! شیطان را

ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا ﴿٤٤﴾ يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن

پرستش مکن، که شیطان نسبت به خداوند رحمان، نافرمان بود. (۴۴) ای پدر! من از این می‌ترسم که از

يَمَسَّكَ عَذَابٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا ﴿٤٥﴾ قَالَ

سوی خداوند رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!» (۴۵) گفت:

أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنۡ ءَالِهَتِي يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ لَأَرۡجُمَنَّكَۖ

«ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی‌گردانی؟! اگر (از این کار) دست برنداری، تو را سنگسار می‌کنم؛

وَٱهۡجُرۡنِي مَلِيّٗا ﴿٤٦﴾ قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ

و برای مدتی طولانی از من دور شو!» (۴۶) (ابراهیم) گفت: «سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌طلبم؛ چرا که

كَانَ بِي حَفِيّٗا ﴿٤٧﴾ وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ

او همواره نسبت به من مهربان بوده است. (۴۷) و از شما، و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم؛

وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا ﴿٤٨﴾ فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ

و پروردگارم را می‌خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگارم محروم و بی‌پاسخ نمانم!» (۴۸) هنگامی که از آنان و آنچه

وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلًّا جَعَلۡنَا

غیر خدا می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم.

نَبِيّٗا ﴿٤٩﴾ وَوَهَبۡنَا لَهُم مِّن رَّحۡمَتِنَا وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ لِسَانَ صِدۡقٍ عَلِيّٗا

(۴۹) و از رحمت خود به آنان عطا کردیم؛ و برای آنها نام نیک و مقام برجسته‌ای (در میان همه امتها) قرار دادیم.

﴿٥٠﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مُوسَىٰٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخۡلَصٗا وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿٥١﴾

(۵۰) و در این کتاب از موسی یاد کن، که او خالص شده و رسول و پیامبر (والا مقامی) بود. (۵۱)

وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (۵۲) وَوَهَبْنَا لَهُ مِن

ما او را از جانب راست (کوه) طور فرا خواندیم؛ و (همچون) نجوا کننده او را (به خود) نزدیک ساختیم. (۵۲) و ما از رحمت خود، برادرش

رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ

هارون را ـ که پیامبر بود ـ به او بخشیدیم. (۵۳) و در این کتاب از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌اش صادق،

الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (۵۴) وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

و رسول و پیامبری (بزرگ) بود. (۵۴) او همواره‌خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛

وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا

و پیوسته مورد رضایت پروردگارش بود. (۵۵) و در این کتاب، از ادریس (نیز) یاد کن، اوبسیار راستگو و

نَّبِيًّا (۵۶) وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۵۷) أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ

پیامبر (بزرگی) بود. (۵۶) و ما او را به مقام والایی رساندیم. (۵۷) آنها پیامبرانی بودند

النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ

از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح (برکشتی) سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم

وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَٰنِ

و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم، کسانی که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، هنگامی که آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده

خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۩ (۵۸) فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ

می‌شد به خاک می‌افتادند، در حالی که سجده می‌کردند و گریان بودند. (۵۸) امّا پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای جای آنها را گرفتند که نماز را تباه کرده، و

وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (۵۹) إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ

از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی (خود) را خواهند دید! (۵۹) مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند،

صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (۶۰) جَنَّاتِ عَدْنٍ

و کاری شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. (۶۰) باغهای جاویدان بهشتی

الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (۶۱) لَّا يَسْمَعُونَ

که خداوند رحمان بندگانش رابه‌آن‌وعده‌داده‌است، هرچند آن را ندیده‌اند؛ به یقین وعدهٔ خدا تحقق یافتنی است. (۶۱) در آن جا هرگز گفتار

فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۶۲) تِلْكَ الْجَنَّةُ

لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند؛ و جز سلام در آن جا سخنی نیست؛ و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت آماده است. (۶۲) این همان بهشتی است

الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا (۶۳) وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ

که به بندگان ما که پرهیزگار باشند، به ارث می‌دهیم. (۶۳) (پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز به فرمان پروردگار تو،

مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۶۴)

نازل نمی‌شویم؛ آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان آن است، همه از آن اوست؛ و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست). (۶۴)

رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَٱعْبُدْهُ وَٱصْطَبِرْ لِعِبَٰدَتِهِۦ هَلْ

اوست پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد. او را پرستش کن، و در عبادتش شکیبا باش. آیا

تَعْلَمُ لَهُۥ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ ٱلْإِنسَٰنُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

همنام و مانندی برای او می‌دانی؟! (۶۵) انسان می‌گوید: «آیا هنگامی که مُردم، پس از آن، زنده (از قبر) بیرون آورده می‌شوم؟!»

﴿٦٦﴾ أَوَلَا يَذْكُرُ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْـًٔا ﴿٦٧﴾

(۶۶) آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما پیش از این، او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟! (۶۷)

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ

به پرورگارت سوگند که همهٔ آنها را همراه با شیاطین (در قیامت) جمع می‌کنیم؛ سپس آنان را ـ در حالی که به زانو درآمده‌اند ـ گرداگرد جهنم

جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا

حاضر می‌سازیم. (۶۸) سپس از پیروان هر گروهی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش‌تر بوده‌اند، جدا می‌کنیم.

﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِٱلَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾ وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا

(۶۹) سپس ما بخوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاهتریم. (۷۰) و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید؛

وَارِدُهَا ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّى ٱلَّذِينَ

این امر، نزد پروردگارت، حتمی و پایان یافته است. (۷۱) سپس کسانی را که تقوا پیشه کردند

ٱتَّقَوا۟ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا

(از آن) رهایی می‌بخشیم؛ و ستمکاران را- در حالی که به زانو درآمده‌اند ـ در آن رها می‌سازیم. (۷۲) و هنگامی که آیات روشنگر ما

بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَىُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا

بر آنان خوانده می‌شود، کافران به مؤمنان می‌گویند: «کدام یک از (ما) دو گروه جایگاهش بهتر،

وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَٰثًا

و محفل انسش زیباتر است؟!» (۷۳) چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم مال و ثروتشان و هم ظاهرشان از آنها

وَرِءْيًا ﴿٧٤﴾ قُلْ مَن كَانَ فِى ٱلضَّلَٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ مَدًّا ۚ حَتَّىٰٓ إِذَا

بهتر بود. (۷۴) بگو: «آنها که در گمراهی بوده‌اند، باید خداوند به آنها مهلت دهد تا زمانی که وعدهٔ الهی را با چشم خود ببینند؛

رَأَوْا۟ مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلْعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ

یا مجازات (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت را! (و به زودی) خواهند دانست چه کسی جایگاهش

شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا ﴿٧٥﴾ وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهْتَدَوْا۟

بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!» (۷۵) و کسانی که پذیرای هدایت شوند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید؛

هُدًى ۗ وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿٧٦﴾

و آثار ماندگار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش نیکوتر است. (۷۶)

أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِى كَفَرَ بِـَٔايَـٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾

آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد، و گفت: «ثروت و فرزند فراوانی به من داده خواهد شد»؟! (۷۷)

أَطَّلَعَ ٱلْغَيْبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحْمَـٰنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾ كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ

آیا او از غیب آگاه گشته، یا نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی گرفته است؟! (۷۸) هرگز چنین نیست! ما بزودی

مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾ وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا

آنچه را می‌گوید می‌نویسیم و عذاب را برای او مستمر می‌سازیم! (۷۹) آنچه را او می‌گوید (از اموال و فرزندان)، از او به ارث می‌بریم، و

فَرْدًا ﴿٨٠﴾ وَٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لِّيَكُونُوا۟ لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾

تنها نزد ما خواهد آمد. (۸۰) و آنان غیر از خدا، معبودانی رابرای خود برگزیدند تا مایهٔ عزّتشان باشد. (چه پندار خامی!) (۸۱)

كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّآ

هرگز چنین نیست! بزودی (معبودهایشان) منکر عبادت آنان خواهند شد؛ و بر ضدّ آنها گواهی می‌دهند. (۸۲) آیا ندیدی‌که

أَرْسَلْنَا ٱلشَّيَـٰطِينَ عَلَى ٱلْكَـٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۖ

ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟! (۸۳) پس دربارهٔ آنان شتاب مکن؛

إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿٨٤﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ ٱلْمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحْمَـٰنِ وَفْدًا

ما آنها (و اعمالشان)را به دقت شماره می‌کنیم. (۸۴) در آن روز که پرهیزگاران را به صورت گروهی به سوی خداوند رحمان (و پاداش‌های او) محشور

﴿٨٥﴾ وَنَسُوقُ ٱلْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾ لَّا يَمْلِكُونَ ٱلشَّفَـٰعَةَ

می‌کنیم، (۸۵) و مجرمان را تشنه کام (همچون شترانی که به طرف آب گاه می‌روند) به سوی جهنم می‌رانیم. (۸۶) آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر

إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحْمَـٰنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا۟ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحْمَـٰنُ

کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی گرفته است. (۸۷) و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی اختیار

وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَّقَدْ جِئْتُمْ شَيْـًٔا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ ٱلسَّمَـٰوَٰتُ

کرده است». (۸۸) راستی مطلب زشت و زننده‌ای گفتید! (۸۹) نزدیک است به سبب این سخن آسمانها

يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ ٱلْأَرْضُ وَتَخِرُّ ٱلْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَن دَعَوْا۟

از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوهها بشدّت فرو ریزد؛ (۹۰) از این رو که برای خداوند

لِلرَّحْمَـٰنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنۢبَغِى لِلرَّحْمَـٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِن كُلُّ

رحمان فرزندی قائل شدند! (۹۱) در حالی که سزاوار نیست خداوند رحمان، فرزندی اختیار کند! (۹۲) تمام کسانی که

مَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّآ ءَاتِى ٱلرَّحْمَـٰنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَّقَدْ أَحْصَىٰهُمْ

در آسمانها و زمین هستند، تنها به سوی خداوند رحمان می‌آیند در حالی که بندهٔ اویند. (۹۳) خداوند همه آنها را احصا کرده

وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

و کاملاً شمارش کرده است. (۹۴) و همگی روز رستاخیز، تک و تنها نزد او حاضر می‌شوند. (۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ
به يقين كساني كه ايمان آورده و كارهاي شايسته انجام داده‌اند، به زودي خداوند
الرَّحْمَٰنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ
رحمان محبّتي براي آنان (در دلها) قرار مي‌دهد! (۹۶) و ما فقط قرآن را بر زبان تو آسان ساختيم براي آنكه پرهيزگاران را بوسيلهٔ آن بشارت دهي،
الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴿٩٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ
و گروه دشمنان سرسخت را با آن انذار كني. (۹۷) چه بسيار اقوام (بي‌ايمان و گنهكاري) را كه پيش از آنان هلاک كرديم؛
مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾
آيا (اثري) از هيچيک از آنها احساس مي‌كني؟! يا كمترين صدايي از آنان مي‌شنوي؟! (۹۸)

سُورَةُ طه

ترتيبها ٢٠ — آياتها ١٣٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الحزب ٣٢

طه ﴿١﴾ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ﴿٢﴾ إِلَّا تَذْكِرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ
طه (۱) ما قرآن را بر تو نازل نكرديم كه خود را سخت به زحمت بيفكني! (۲) آن را فقط براي يادآوري كساني كه (از خدا) مي‌ترسند نازل ساختيم.
﴿٣﴾ تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ﴿٤﴾ الرَّحْمَٰنُ عَلَى الْعَرْشِ
(۳) (اين قرآن) از سوي كسي نازل شده كه زمين و آسمانهاي بلند را آفريده است. (۴) همان بخشنده‌اي كه بر عرش
اسْتَوَىٰ ﴿٥﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا
مسلّط است. (۵) از آن اوست آنچه درآسمانها، و آنچه در زمين، و آنچه ميان آن دو،
تَحْتَ الثَّرَىٰ ﴿٦﴾ وَإِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾
و آنچه در زير خاک (پنهان) است. (۶) اگر آشكارا سخن بگويي (يا پنهان)، او اسرار پنهاني، و پنهان‌تر از آن را نيز مي‌داند. (۷)
اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ﴿٨﴾ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ
او خداوندي يگانه است كه معبودي جز او نيست؛ و نيكوترين نامها از آن اوست. (۸) و آيا خبر موسي به تو رسيده است؟
﴿٩﴾ إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ
(۹) هنگامي كه (از دور) آتشي مشاهده كرد، و به خانواده خود گفت: «(اندكي) درنگ كنيد كه من آتشي ديدم!
مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَىٰ
شايد شعله‌اي از آن براي شما بياورم؛ يا بوسيله اين آتش راهي پيدا كنم.» (۱۰) هنگامي كه نزد آتش آمد، ندا داده شد كه: اي موسي!
﴿١١﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٢﴾
(۱۱) من پروردگار تو هستم! كفشهايت را بيرون آر، كه تو در سرزمين مقدّس «طوي» هستي. (۱۲)

۲۰ – سوره طه

وَأَنَا ٱخۡتَرۡتُكَ فَٱسۡتَمِعۡ لِمَا يُوحَىٰٓ ﴿١٣﴾ إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠

و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه (بر تو) وحی می‌شود، گوش فرا ده. (۱۳) منم خداوند یگانه؛ معبودی جز من نیست؛

فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ ﴿١٤﴾ إِنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ

مرا پرستش کن، و نماز رابرای یاد من بپادار. (۱۴) به یقین قیامت خواهد آمد؛ می‌خواهم آن را پنهان کنم،

أُخۡفِيهَا لِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا تَسۡعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنۡهَا مَن لَّا

تا هرکس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود. (۱۵) پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می‌کند،

يُؤۡمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرۡدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَا تِلۡكَ بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ

تو را از آن باز دارد؛ که هلاک خواهی شد! (۱۶) و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟!

﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيۡهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي

(۱۷) گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می‌ریزم؛

وَلِيَ فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخۡرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلۡقِهَا يَٰمُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَلۡقَىٰهَا

و من در آن منافع دیگری نیز دارم.» (۱۸) گفت: «ای موسی! آن رابیفکن.» (۱۹) پس موسی آن (عصا) را افکند

فَإِذَا هِيَ حَيَّةٞ تَسۡعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذۡهَا وَلَا تَخَفۡۖ سَنُعِيدُهَا

و ناگهان اژدهایی شدکه به هر سو می‌شتافت. (۲۰) گفت: «آن را بگیر و نترس، به زودی آن را به

سِيرَتَهَا ٱلۡأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَٱضۡمُمۡ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ

صورت اوّلش باز می‌گردانیم. (۲۱) و دستت را به گریبانت ببر، تا سفید و بی‌عیب بیرون آید؛

غَيۡرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخۡرَىٰ ﴿٢٢﴾ لِنُرِيَكَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا ٱلۡكُبۡرَى ﴿٢٣﴾ ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ

این معجزهٔ دیگری (از سوی خداوند) است. (۲۲) تا (به این صورت) از نشانه‌های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (۲۳) (اینک) به سوی

فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي

فرعون برو، که او طغیان کرده است.» (۲۴) (موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن؛ (۲۵) و کارم را برایم آسان گردان؛

﴿٢٦﴾ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ﴿٢٨﴾ وَٱجۡعَل لِّي وَزِيرٗا

(۲۶) و گره از زبانم بگشای؛ (۲۷) تا سخن مرا بفهمند. (۲۸) و وزیری از خاندانم

مِّنۡ أَهۡلِي ﴿٢٩﴾ هَٰرُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾ ٱشۡدُدۡ بِهِۦٓ أَزۡرِي ﴿٣١﴾ وَأَشۡرِكۡهُ فِيٓ أَمۡرِي

برای من قرار ده، (۲۹) برادرم هارون را. (۳۰) با او پشتم را محکم کن؛ (۳۱) و او را در کارم شریک ساز؛

﴿٣٢﴾ كَيۡ نُسَبِّحَكَ كَثِيرٗا ﴿٣٣﴾ وَنَذۡكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرٗا ﴿٣٥﴾

(۳۲) تا تو را بسیار تسبیح گوییم؛ (۳۳) و تورا بسیار یاد کنیم؛ (۳۴) چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای.» (۳۵)

قَالَ قَدۡ أُوتِيتَ سُؤۡلَكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَيۡكَ مَرَّةً أُخۡرَىٰٓ ﴿٣٧﴾

فرمود: «ای موسی! خواسته‌ات به تو داده شد. (۳۶) و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساخته بودیم». (۳۷)

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ
آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم؛ (۳۸) که: «او را در صندوقی بیفکن،
فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۚ وَأَلْقَيْتُ
و آن را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند؛ تا کسی که هم دشمن من و هم دشمن اوست، آن را برگیرد.»
عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٣٩﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ
و من محبّتی از خودم بر تو افکندم، تا تحت مراقبت من پرورش یابی. (۳۹) در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت
هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا
و گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت کند (و دایهٔ خوبی برای او باشد)؟!» پس تو را به مادرت بازگرداندیم،
تَحْزَنَ ۚ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ
تا چشمش (به تو) روشن شود؛ و غمگین نگردد. و تو کسی (از فرعونیان) را کُشتی؛ امّا ما تو را از اندوه (تعقیب فرعونیان) نجات دادیم؛ و بارها تو را آزمودیم.
فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ ﴿٤٠﴾ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي
پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی؛ سپس بنابر تقدیر الهی (برای فرمان رسالت به این جا) آمدی. (۴۰) و من تو را برای خودم پرورش
﴿٤١﴾ اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾ اذْهَبَا إِلَىٰ
دادم. (۴۱) (اکنون) تو و برادرت با نشانه‌های من بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید. (۴۲) به سوی فرعون بروید؛
فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٤٤﴾
که او طغیان کرده است. (۴۳) و به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا (از مجازات الهی) بترسد. (۴۴)
قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَا ۖ
(موسی و هارون) گفتند: «پروردگارا! از این می‌ترسیم که به ما مهلت ندهد یا طغیان کند (و نپذیرد)!» (۴۵) فرمود: «نترسید!
إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ﴿٤٦﴾ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ
من با شما هستم؛ (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم.» (۴۶) به سراغ او بروید و بگویید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم؛
فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۖ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ ۖ
بنی‌اسرائیل را با ما بفرست؛ و آنان را شکنجه و آزار مکن؛ ما با نشانه (و معجزهٔ روشنی) از سوی پروردگارت به سوی تو آمده‌ایم؛
وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ
و درود بر آن کس که از هدایت پیروی کند! (۴۷) به ما وحی شده که مجازات الهی بر کسی است که (آیات او را)
مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ ﴿٤٩﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي
تکذیب کند و سرپیچی نماید.» (۴۸) (فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!» (۴۹) گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه
أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥٠﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٥١﴾
را لازمهٔ آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است.» (۵۰) گفت: «تکلیف اقوام پیشین (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!» (۵۱)

قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ﴿٥٢﴾ الَّذِي
گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است؛ پروردگارم هرگز گمراه نمی‌شود، و فراموش نمی‌کند.» (۵۲) همان
جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
خداوندی که زمین را برای شما محلّ آسایش قرار داد؛ و راههایی برای شما در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان،
مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ
آبی فرستاد که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم. (۵۳) (از آن) بخورید؛ و چهارپایانتان را
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ ﴿٥٤﴾ ۞ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا
در آن به چرا برید. به یقین در اینها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. (۵۴) ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم؛
نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا
و به آن باز می‌گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم. (۵۵) ما همهٔ نشانه‌های خود را به او نشان دادیم؛
فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ
امّا او تکذیب کرد و سرباز زد. (۵۶) گفت: «ای موسی! آیا آمده‌ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان
يَا مُوسَىٰ ﴿٥٧﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ
بیرون کنی؟! (۵۷) به یقین ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون موعدی میان ما و خودت قرار ده
مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ
که نه ما و نه تو، از آن تخلّف نکنیم؛ در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد.» (۵۸) (موسی) گفت: «وعده‌گاهتان
يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٥٩﴾ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ
روز عید است؛ (به شرط این‌که همهٔ) مردم، هنگامی که روز، بالا می‌آید، جمع شوند!» (۵۹) فرعون آن مجلس را ترک گفت؛ و تمام
كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ
مکر و فریب خود را جمع کرد؛ و سپس آمد. (۶۰) موسی به آنان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید،
كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ ﴿٦١﴾ فَتَنَازَعُوا
که شما را با عذابی (بزرگ) نابود می‌سازد؛ و هرکس که (بر خدا) دروغ ببندد، نومید می‌شود!» (۶۱) آنها در میان خود،
أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَىٰ ﴿٦٢﴾ قَالُوا إِنْ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ
در مورد کارشان به نزاع برخاستند؛ و پنهانی به نجوا پرداختند. (۶۲) گفتند: «به یقین اینها دو نفر ساحرند که می‌خواهند
أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَىٰ ﴿٦٣﴾
با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم شایستهٔ شما را از بین ببرند. (۶۳)
فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَىٰ ﴿٦٤﴾
اکنون‌که چنین است، تمام تدبیر و نقشهٔ خود را جمع کنید، و در یک صف (به میدان مبارزه) بیایید؛ و امروز رستگاری از آن کسی است که برتری یابد.» (۶۴)

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا

(ساحران) گفتند: «اي موسي! يا تو (عصاي خود را) بيفكن، يا ما كساني باشيم كه اوّل بيفكنيم؟!» (۶۵) گفت: «شما اوّل بيفكنيد!»

فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ

پس در آن هنگام طنابها وعصاهاي آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر مي‌رسيد كه حركت مي‌كنند! (۶۶) موسي ترس خفيفي

فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾

در دل احساس كرد (مبادا مردم گمراه شوند). (۶۷) گفتيم: «نترس! به يقين تو (پيروز و) برتري. (۶۸)

وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا ۖ إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ ۖ وَلَا يُفْلِحُ

و آنچه را در دست راست خود داري بيفكن، تمام آنچه را ساخته‌اند مي‌بلعد! آنچه ساخته‌اند حيلهٔ ساحر است؛ و

السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ

ساحر هر جا آيد رستگار نخواهد شد.» (۶۹) (موسي عصاي خود را افكند، و آنچه را آنها ساخته بودند بلعيد.) ساحران به سجده افتادند و گفتند: «ما به

وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾ قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي

پروردگار هارون و موسي ايمان آورديم.» (۷۰) (فرعون) گفت: «پيش از آن‌كه به شما اجازه دهم به او ايمان آورديد؟! به طور مسلم او بزرگ شماست كه به

عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ

شما سحر آموخته است؛ به يقين دستها و پاهايتان را بطور مخالف قطع مي‌كنم؛ و شما را از تنه‌هاي نخل به دار مي‌آويزم؛

فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ ﴿٧١﴾ قَالُوا لَن

و خواهيد دانست مجازات كدام يک از ما شديدتر و پايدارتر است!» (۷۱) گفتند:

نُّؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا ۖ فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ ۖ

«سوگند به آن كسي كه ما را آفريده، هرگز تو را بر دلايل روشني كه براي ما آمده، ترجيح نخواهيم داد؛ هر حكمي مي‌خواهي بكن؛

إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا

تو تنها در اين زندگي دنيا مي‌تواني حكم كني. (۷۲) ما به پروردگارمان ايمان آورديم تا گناهانمان و آنچه را

وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ ۗ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ

از سحر بر ما تحميل كردي بيامرزد؛ و (پاداش) خدا بهتر و پايدارتر است!» (۷۳) هركس در محضر

رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٤﴾ وَمَن يَأْتِهِ

پروردگارش حاضر شود در حالي كه مجرم است، آتش دوزخ براي اوست؛ در آن جا، نه مي‌ميرد و نه زندگي مي‌كند! (۷۴) و هركس با

مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ﴿٧٥﴾ جَنَّاتُ

ايمان نزد او آيد، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنين كساني درجات عالي دارند، (۷۵) باغهاي

عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّىٰ ﴿٧٦﴾

جاويدان بهشتي، كه نهرها از پاي درختانش جاري است، جاودانه در آن خواهند بود؛ اين است پاداش كسي كه خود را تزكيه نمايد. (۷۶)

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِى فَٱضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا

ما به موسی وحی فرستادیم که: «شبانه بندگانم را (از مصر) با (خود) حرکت ده؛ و برای آنها راهی خشک

فِى ٱلْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَٰفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ﴿٧٧﴾ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِۦ

در دریا بگشا؛ که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه (از غرق شدن در دریا) به هراس می‌افتی.» (۷۷) (به این ترتیب) فرعون با لشکریانش آنها را

فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ ﴿٧٩﴾

تعقیب کردند؛ و (امواج خروشان) دریا آنان را بطور کامل پوشانید. (۷۸) فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد! (۷۹)

يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ قَدْ أَنجَيْنَٰكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَٰعَدْنَٰكُمْ جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنَ

ای بنی‌اسرائیل! ما شما را از (چنگال) دشمنتان نجات دادیم؛ و در جانب راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم؛

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ ﴿٨٠﴾ كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ

و «منّ» [نوعی صمغ شیرین گیاهان] و «سلوی» [پرنده‌ای مانند بلدرچین] بر شما نازل کردیم. (۸۰) بخورید از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم؛

وَلَا تَطْغَوْا۟ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِى ۖ وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِى فَقَدْ

ودر آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هرکس غضبم بر او وارد شود، هلاک خواهد شد.

هَوَىٰ ﴿٨١﴾ وَإِنِّى لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا ثُمَّ ٱهْتَدَىٰ ﴿٨٢﴾

(۸۱) و من هر که را توبه کند،و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمرزم. (۸۲)

۞ وَمَآ أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أُو۟لَآءِ عَلَىٰٓ

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و(برای‌آمدن به کوه طور)عجله کنی؟! (۸۳) گفت: «پروردگارا! آنان در پی منند؛

أَثَرِى وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ

و من به سوی تو شتاب کردم، تا خشنود شوی.» (۸۴) فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو،آزمودیم

مِنۢ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ ٱلسَّامِرِىُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوْمِهِۦ

و سامری آنها را گمراه ساخت.» (۸۵) موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت

غَضْبَٰنَ أَسِفًا ۚ قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا ۚ أَفَطَالَ

و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعدهٔ نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت (جدایی من از) شما به طول انجامید،

عَلَيْكُمُ ٱلْعَهْدُ أَمْ أَرَدتُّمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم

یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که از وعدهٔ من تخلف کردید؟!»

مَّوْعِدِى ﴿٨٦﴾ قَالُوا۟ مَآ أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَآ

(۸۶) گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعدهٔ تو تخلف نکردیم؛بلکه مقداری از

أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ ٱلْقَوْمِ فَقَذَفْنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى ٱلسَّامِرِىُّ ﴿٨٧﴾

زیورهای قوم (فرعون) را (که با خود داشتیم) افکندیم.» و سامری این چنین القا کرد. (۸۷)

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ فَقَالُوا۟ هَٰذَآ إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ

و برای آنان مجسّمه گوساله‌ای که صدایی همچون صدای گوساله داشت پدید آورد؛ و گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است.» و او (حقیقت را) فراموش

مُوسَىٰ فَنَسِىَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ

کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود). (۸۸) آیا نمی‌دیدند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی‌دهد، و مالک هیچ گونه سود

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَٰرُونُ مِن قَبْلُ يَٰقَوْمِ إِنَّمَا

و زیانی برای آنها نیست؟! (۸۹) و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما فقط به وسیلهٔ

فُتِنتُم بِهِۦ ۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحْمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِى وَأَطِيعُوٓا۟ أَمْرِى ﴿٩٠﴾ قَالُوا۟ لَن

آن مورد آزمایش قرار گرفته‌اید؛ و پروردگار شما خداوند رحمان است؛ پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!» (۹۰) ولی آنها گفتند:

نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾ قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ

«ما همچنان گردِ آن می‌مانیم (و آن را پرستش می‌کنیم) تا موسی به سوی ما بازگردد.» (۹۱) (هنگامی که موسی) بازگشت، گفت: «ای هارون!

إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوٓا۟ ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ ۖ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِى ﴿٩٣﴾ قَالَ

هنگامی که‌دیدی آنها گمراه شدند، چه چیز مانع بود (۹۲) که از من پیروی کنی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» (۹۳) (هارون) گفت:

يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِى وَلَا بِرَأْسِىٓ ۖ إِنِّى خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ

«ای فرزند مادرم! (ای برادر!) ریش و سر مرا مگیر! زیرا من ترسیدم بگویی تو میان بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی،

بَيْنَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِى ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ

و سفارش مرا مراعات نکردی.» (۹۴) (موسی رو به سامری کرد و) گفت: «، تو چرا این کار را کردی

يَٰسَٰمِرِىُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا۟ بِهِۦ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً

ای سامری؟!» (۹۵) گفت: «من چیزی دیدم که آنها ندیدند؛ من قسمتی از آثار (و در پای)

مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ لِى نَفْسِى

فرستادهٔ (خدا، جبرئیل) را گرفتم، سپس آن را (در درون گوساله) افکندم، و این کاری بود که (هوای) نفس من در نظرم جلوه داد.»

﴿٩٦﴾ قَالَ فَٱذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ ۖ

(۹۶) (موسی) گفت: «برو، که مجازات تو در زندگی دنیا این است که (به مردم) بگویی «با من تماس نگیرید!»

وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُۥ ۖ وَٱنظُرْ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِى ظَلْتَ

و تو میعادی (از عذاب خدا) داری، که هرگز از آن تخلّف نخواهد شد. (اکنون) به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی؛

عَلَيْهِ عَاكِفًا ۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِى ٱلْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَآ

بنگر که آن را می‌سوزانیم؛ سپس تمام ذرّات آن را به دریا می‌پاشیم. (۹۷) معبود شما تنها

إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَسِعَ كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

خداوند یگانه است که جز او هیچ معبودی نیست؛ و علم او همه چیز را فرا گرفته است.» (۹۸)

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا

این گونه از اخبار پیشین برای تو بازگو می‌کنیم؛ و ما از نزد خود، ذکری [= قرآن] به تو دادیم،

(۹۹) مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (۱۰۰) خَالِدِينَ

(۹۹) هرکس از آن روی‌گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه) بر دوش خواهد داشت! (۱۰۰) در حالی که

فِيهِ ۖ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (۱۰۱) يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ

جاودانه در آن خواهند ماند؛ و بد باری است برای آنها در روز قیامت! (۱۰۱) روزی که در «صور» دمیده می‌شود؛ و مجرمان را با بدنهای کبود،

الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (۱۰۲) يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا

در آن روز جمع می‌کنیم! (۱۰۲) آنها آهسته با هم گفتگو می‌کنند؛ (بعضی می‌گویند:) شما فقط ده روز (در عالم برزخ) درنگ کردید.

(۱۰۳) نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا

(۱۰۳) ما به آنچه آنها می‌گویند آگاهتریم، هنگامی که نیکوروش‌ترین آنها می‌گوید: «شما تنها یک روز درنگ کردید.»

يَوْمًا (۱۰۴) وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (۱۰۵)

(۱۰۴) و از تو درباره کوهها سوال می‌کنند؛ بگو: «(در پایان جهان) پروردگارم آنها را به کلی (متلاشی کرده) بر باد می‌دهد! (۱۰۵)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (۱۰۶) لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (۱۰۷)

سپس زمین را صاف و هموار و بی‌آب و گیاه رها می‌سازد، (۱۰۶) در آن، هیچ پستی و بلندی نمی‌بینی.» (۱۰۷)

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ ۖ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ

در آن روز، همه از دعوت‌کننده الهی که هیچ انحرافی ندارد پیروی می‌کنند، (و همگی از قبرها بر می‌خیزند) و همهٔ صداها در برابر(عظمت)خداوند رحمان،

فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (۱۰۸) يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ

خاضع می‌شود؛ و جز صدای آهسته نمی‌شنوی. (۱۰۸) در آن روز، شفاعت (هیچ کس) سودی نمی‌بخشد، جز کسی که

لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۱۰۹) يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

خداوند رحمان به او اجازه داده، و از گفتار او راضی است. (۱۰۹) خداوند آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته‌اند می‌داند؛

وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (۱۱۰) ۞ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ

در حالی که آنها به او احاطهٔ علمی ندارند. (۱۱۰) و (در آن روز) همهٔ چهره‌ها در برابر خداوند زندهٔ پاینده، خاضع می‌شود؛

وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (۱۱۱) وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ

و آن که بار ستمی بر دوش دارد، مأیوس (و زیان‌کار) است. (۱۱۱) (امّا) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مومن باشد،

مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۱۱۲) وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا

نه از ستمی می‌ترسد، و نه از کمبود (حقش). (۱۱۲) و این گونه آن را قرآنی عربی (و فصیح و گویا) نازل کردیم،

عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۳)

و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، شاید آن تقوا پیشه کنند؛ یا برایشان سبب یادآوری شود. (۱۱۳)

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِٱلْقُرْءَانِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَىٰٓ

پس بلند مرتبه است خداوندي كه فرمانرواي حقيقي است! و (اي پيامبر) نسبت به (تلاوت) قرآن، پيش از آن‌كه وحي آن بر تو تمام شود،

إِلَيْكَ وَحْيُهُۥ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَآ إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن

شتاب مكن؛ و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون كن.» (۱۱۴) و پيش از اين، از آدم پيمان (اطاعت) گرفته بوديم؛

قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُۥ عَزْمًا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ

امّا او فراموش كرد؛ و عزم استواري براي او نيافتيم. (۱۱۵) و (به ياد آور) هنگامي را كه به فرشتگان گفتيم:

ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰ ﴿١١٦﴾ فَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ

«براي آدم سجده كنيد.» همگي سجده كردند؛ جز ابليس كه سرباز زد (و سجده نكرد). (۱۱۶) پس گفتيم: «اي آدم!

هَٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ ٱلْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰٓ ﴿١١٧﴾

اين دشمن تو و (دشمن) همسر توست؛ مبادا شما را از بهشت بيرون كند؛ كه به زحمت و رنج خواهي افتاد! (۱۱۷)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا۟ فِيهَا وَلَا

زيرا تو در بهشت (در آسايش) و) گرسنه و برهنه نخواهي شد؛ (۱۱۸) و در آن تشنه نمي‌شوي، و حرارت آفتاب

تَضْحَىٰ ﴿١١٩﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ ٱلشَّيْطَٰنُ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلْ أَدُلُّكَ

آزارت نمي‌دهد.» (۱۱۹) ولي شيطان او را وسوسه كرد و گفت: «اي آدم! آيا مي‌خواهي تو را به درخت زندگي جاويدان،

عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا

و مُلكي بي‌زوال راهنمايي كنم؟!» (۱۲۰) سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتي آنها فرو ريخت،)

سَوْءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ

و عورتشان آشكار گشت و از برگهاي (درختان) بهشتي براي پوشاندن خود جامه دوختند. (آري) آدم پروردگارش را نافرماني كرد،

رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ ﴿١٢١﴾ ثُمَّ ٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾

و (از پاداش او و ماندن در بهشت) محروم شد. (۱۲۱) سپس پروردگارش او را برگزيد، و توبه‌اش را پذيرفت، و (او را) هدايت نمود. (۱۲۲)

قَالَ ٱهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًۢا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم

(خداوند) فرمود: «همگي شما از بهشت خارج شويد، در حالي كه دشمن يكديگر خواهيد بود؛ ولي هرگاه هدايتي از

مِّنِّي هُدًى فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ

سوي من به سراغ شما آيد، هركس از هدايت من پيروي كند، نه گمراه مي‌شود، و نه در رنج خواهد بود. (۱۲۳) و هركس از

عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

ياد من روي‌گردان شود، زندگي (سخت و) تنگي خواهد داشت؛ و روز قيامت، او را نابينا محشور مي‌كنيم.»

أَعْمَىٰ ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيٓ أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾

(۱۲۴) مي‌گويد: «پروردگارا! چرا مرا نابينا محشور كردي؟! من كه بينا بودم!» (۱۲۵)

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَا ۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ ﴿١٢٦﴾ وَكَذَٰلِكَ

می‌فرماید: «همان‌گونه که آیات ما برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ همان‌طور امروز تو فراموش خواهی شد.» (۱۲۶) و این گونه

نَجْزِى مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ۚ وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰٓ

کسی را که اسراف کند، وبه آیات پروردگارش ایمان نیاورد، جزا می‌دهیم! و عذاب آخرت، شدیدتر و ماندگارتر است.

﴿١٢٧﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ يَمْشُونَ فِى مَسَٰكِنِهِمْ ۗ

(۱۲۷) آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از اقوام پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نمودیم، در حالی که اینها در مسکنهای (ویران شده)

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلنُّهَىٰ ﴿١٢٨﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ

آنان راه می‌روند؟! به یقین در این امر، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. (۱۲۸) و اگر سنّت و تقدیر پروردگارت و اجل مقرّر (آنها) نبود،

لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾ فَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ

مجازات الهی دامان آنان را می‌گرفت! (۱۲۹) پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن؛ و پیش از

بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ ءَانَآئِ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْ

طلوع آفتاب،و قبل از غروب آن، تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور؛ و در ساعاتی از شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی؛

وَأَطْرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ

باشد که (ازالطاف‌الهی) خشنود شوی. (۱۳۰) و هرگز چشمان خود را به مواهب مادّی، که به گروههایی از آنان داده‌ایم،

أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

مدوز؛ اینها گلهای (ناپایدار) زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و ماندگارتر است.

﴿١٣١﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْـَٔلُكَ رِزْقًا ۖ نَّحْنُ

(۱۳۱) خانوادهٔ خود را به نماز دستور ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش؛ ما از تو روزی نمی‌خواهیم؛

نَرْزُقُكَ ۗ وَٱلْعَٰقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ﴿١٣٢﴾ وَقَالُوا۟ لَوْلَا يَأْتِينَا بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ ۚ

(بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم؛ و عاقبت نیک در (سایهٔ) تقواست. (۱۳۲) و (گروهی از آنها) گفتند: «چرا (پیامبر) نشانه‌ای از سوی پروردگارش

أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِى ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾ وَلَوْ أَنَّآ أَهْلَكْنَٰهُم

برای ما نمی‌آورد؟!» (بگو:) آیا خبرهای روشنی که در کتابهای آسمانی پیشین بوده، برای آنها نیامد؟! (۱۳۳) اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود)

بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِۦ لَقَالُوا۟ رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ

با عذابی هلاک می‌کردیم، (در قیامت) می‌گفتند: «پروردگارا! چرا پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم،

ءَايَٰتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ ﴿١٣٤﴾ قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ

پیامبری برای‌ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم؟!» (۱۳۴) بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم؛ (ما در انتظار وعده پیروزی،

فَتَرَبَّصُوا۟ ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِىِّ وَمَنِ ٱهْتَدَىٰ ﴿١٣٥﴾

و شما در انتظار شکست ما)؛ پس انتظار بکشید! امّا بزودی خواهید دانست چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است!» (۱۳۵)

۲۱ – سوره الأنبیاء

سُورَةُ الأَنبِيَاءِ — آیاتها ۱۱۲ — ترتیبها ۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الجزء ۱۷ الحزب ۳۳

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿۱﴾ مَا يَأْتِيهِم

حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی‌گردانند! (۱) هیچ یادآوری تازه‌ای

مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ

از سوی پروردگارشان برای آنها نمی‌آید، مگر آن‌که آن را می‌شنوند در حالی که سرگرم بازی‌اند!

﴿۲﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا إِلَّا

(۲) و دلهایشان در بی‌خبری فرو رفته است. و ستمکاران پنهانی نجوا کردند (و گفتند):

بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۖ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿۳﴾

«آیا جز این است که او بشری همانند شماست؟! آیا به سراغ سحر می‌روید، در حالی که (چشم دارید و) می‌بینید؟!» (۳)

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۴﴾

(پیامبر) گفت: «پروردگارم هر سخنی را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می‌داند؛ و او شنوا و داناست.» (۴)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ

آنها گفتند: «(آنچه محمد آورده وحی نیست؛) بلکه خوابهایی آشفته است؛ اصلاً آن را بدروغ به خدا بسته؛ بلکه او یک شاعر است؛ (اگر راست می‌گوید) باید

كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ﴿۵﴾ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۖ

معجزه‌ای برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیامبران پیشین (با معجزات) فرستاده شدند.» (۵) تمام آبادیهایی که پیش از اینها هلاک کردیم (به معجزات

أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي

پیامبرانشان) ایمان نیاوردند؛ آیا اینها ایمان می‌آورند؟! (۶) ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم،

إِلَيْهِمْ ۖ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۷﴾ وَمَا

(همه انسان بودند) اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. (۷) آنان را پیکرهایی

جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿۸﴾

که غذا نمی‌خوردند قرار ندادیم و عمر جاویدان هم نداشتند. (۸) سپس وعده‌ای را

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَاهُمْ وَمَن نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ

که به آنان داده بودیم، وفا کردیم. آنها و هر کس را که می‌خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم؛ و مسرفان را هلاک نمودیم!

﴿۹﴾ لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۰﴾

(۹) ما بر شما کتابی نازل کردیم که تذکر (و بیداری) شما در آن است؛ آیا نمی‌اندیشید؟! (۱۰)

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا

چه بسیار آبادیهای ستمکاری را که در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری آفریدیم.

ءَاخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأْسَنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾

(۱۱) هنگامی که (نزدیک شدن) عذاب ما را احساس کردند، ناگهان از (ترس) آن فرار کردند. (۱۲)

لَا تَرْكُضُواْ وَٱرْجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ

(گفتیم:) فرار نکنید؛ و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای (پر زرق و برق) خود بازگردید! شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را

تُسْـَٔلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُواْ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَت تِّلْكَ

محروم باز گردانید)! (۱۳) گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمکار بودیم.» (۱۴) و همچنان

دَعْوَىٰهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَٰهُمْ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ

این سخن را تکرار می‌کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم. (۱۵) ما آسمان

وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّٱتَّخَذْنَٰهُ

و زمین، و آنچه را در میان آنهاست به بازی (و بی‌هدف) نیافریدیم. (۱۶) (به فرض محال) اگر می‌خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم،

مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَى ٱلْبَٰطِلِ

چیزی متناسب خود انتخاب می‌کردیم؛ اگر اهل این کار بودیم. (۱۷) بلکه ما حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را هلاک می‌سازد؛

فَيَدْمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۚ وَلَكُمُ ٱلْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَلَهُۥ مَن فِى

و این گونه، باطل محو و نابود می‌شود. و وای بر شما از وصفی که می‌کنید! (۱۸) واز آن اوست هر کس که در

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَمَنْ عِندَهُۥ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَلَا

آسمانها و زمین است. و کسانی که نزد اویند [= فرشتگان] هیچ‌گاه از عبادتش استکبار نمی‌ورزند، و

يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ

هرگز خسته نمی‌شوند. (۱۹) شب و روز، او را تسبیح می‌گویند؛ و هرگز سست نمی‌شوند. (۲۰) آیا آنها معبودانی از زمین برگزیدند

ءَالِهَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ

که (خلق می‌کنند و) منتشر می‌سازند؟! (۲۱) (در حالی که) اگر در آسمان و زمین، جز خداوند یگانه، خدایان دیگری بود، نظام جهان به هم می‌خورد. منزّه

فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ

است خداوند پروردگار عرش (و جهان هستی)، از آنچه وصف می‌کنند! (۲۲) از آنچه انجام می‌دهد بازخواست نمی‌شود، در حالی که آنان بازخواست

يُسْـَٔلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً ۖ قُلْ هَاتُواْ بُرْهَٰنَكُمْ ۖ هَٰذَا ذِكْرُ

می‌شوند! (۲۳) آیا آنها معبودانی جز او برگزیدند؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید. این سخن کسانی است که با من همراهی دارند،

مَن مَّعِىَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِى ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْحَقَّ ۖ فَهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

و سخن کسانی [= پیامبرانی] است که پیش از من بودند.» امّا بیشتر آنها حق را نمی‌دانند؛ و به همین دلیل (از آن) روی‌گردانند. (۲۴)

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ
ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «هیچ معبودی جز من نیست؛
إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ بَلۡ
پس فقط مرا پرستش کنید.» (۲۵) آنها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است.» او منزّه است،
عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ
بلکه (فرشتگان) بندگان شایستهٔ اویند. (۲۶) هیچگاه در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او
يَعۡمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يَشۡفَعُونَ
عمل می‌کنند. (۲۷) آنچه پیش رو و پشت سر آنهاست [= گذشته و آیندهٔ آنان] را می‌داند؛ و آنها جز برای کسی که خدا راضی
إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ ﴿٢٨﴾ ۞ وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ
(به شفاعت برای او) است شفاعت نمی‌کنند؛ و از ترس او بیمناکند. (۲۸) و هر کس از آنها بگوید:
إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
«من معبودی جز او هستم»، او را با (عذاب) دوزخ کیفر می‌دهیم! و این‌گونه ستمکاران را
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ أَوَلَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
کیفر خواهیم داد. (۲۹) آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند،
كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا
و ما آنها را از یکدیگر جدا ساختیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم؟! آیا
يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ وَجَعَلۡنَا فِيهَا
ایمان نمی‌آورند؟! (۳۰) و در زمین، کوههای استواری قرار دادیم، مبادا آنان را بلرزاند! ودر آن،
فِجَاجٗا سُبُلٗا لَّعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ سَقۡفٗا
دره‌ها و راههایی قرار دادیم تا راه یابند. (۳۱) و آسمان را سقف (محکم و) محفوظی قرار دادیم؛
مَّحۡفُوظٗاۖ وَهُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهَا مُعۡرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلَّيۡلَ
ولی آنها از نشانه‌های آن (به عظمت خدا) روی‌گردانند. (۳۲) او کسی است که شب و
وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلۡنَا لِبَشَرٖ
روز و خورشید و ماه را آفرید؛ در حالی که هر یک در مداری شناورند. (۳۳) و پیش از تو (نیز) برای هیچ بشری
مِّن قَبۡلِكَ ٱلۡخُلۡدَۖ أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلۡخَٰلِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفۡسٖ
جاودانگی قرار ندادیم؛ آیا اگر تو بمیری، آنان (که انتظار مرگ تو را می‌کشند) جاوید خواهند بود؟! (۳۴) هر انسانی
ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ﴿٣٥﴾
طعم مرگ را می‌چشد. و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می‌کنیم؛ و به سوی ما بازگردانده می‌شوید. (۳۵)

وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا

هنگامی که کافران تو را می‌بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند؛ (و می‌گویند:) آیا این همان کسی است که

ٱلَّذِي يَذۡكُرُ ءَالِهَتَكُمۡ وَهُم بِذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ هُمۡ

معبودهای شما را نکوهش می‌کند؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می‌کنند.

كَٰفِرُونَ ﴿٣٦﴾ خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ ءَايَٰتِي

(۳۶) (گرچه) انسان از عجله آفریده شده؛ ولی با عجله چیزی از من نخواهید؛ بزودی آیاتم را

فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ

به شما نشان خواهم داد! (۳۷) آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی

صَٰدِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوۡ يَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن

فرا می‌رسد؟!» (۳۸) اگر کافران می‌دانستند زمانی که (فرا می‌رسد) نمی‌توانند آتش را

وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمۡ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾

از صورت‌ها و پشتهای خود دور کنند، و هیچ کس آنان را یاری نمی‌کند (این قدر درباره قیامت شتاب نمی‌کردند)! (۳۹)

بَلۡ تَأۡتِيهِم بَغۡتَةٗ فَتَبۡهَتُهُمۡ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمۡ

آری، (این مجازات الهی) بطور ناگهانی به سراغشان می آید و مبهوتشان می‌کند؛ آنچنان که توانایی دفع آن را ندارند،

يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ

و به آنها مهلت داده نمی‌شود. (۴۰) (اگر تو را استهزا کنند نگران نباش،) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند؛

سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٤١﴾ قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم

امّا سرانجام، آنچه را استهزا می‌کردند دامان استهزاکنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید). (۴۱) بگو: «چه کسی شما را

بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم

در شب و روز از (مجازات) خداوند رحمان نگاه می‌دارد؟!» بلکه آنان از یاد پروردگارشان

مُّعۡرِضُونَ ﴿٤٢﴾ أَمۡ لَهُمۡ ءَالِهَةٞ تَمۡنَعُهُم مِّن دُونِنَاۚ لَا يَسۡتَطِيعُونَ

رویگردانند. (۴۲) آیا آنها غیر از ما معبودانی دارند که می‌توانند از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی)

نَصۡرَ أَنفُسِهِمۡ وَلَا هُم مِّنَّا يُصۡحَبُونَ ﴿٤٣﴾ بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ

نه می‌توانند خودشان را یاری دهند؛ و نه از ناحیه ما همراهی می‌شوند. (۴۳) آری، ما آنها و

وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي

پدرانشان را (از نعمتها) بهره‌مند ساختیم، تا آن‌جا که عمرشان طولانی شد (و مایه غرور و طغیانشان گردید)؛

ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾

آیا نمی‌بینند که ما پیوسته از زمین (و اهلش) می‌کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟! (۴۴)

قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا

بگو: «من تنها بوسیله وحی به شما هشدار می‌دهم.» ولی آنها که گوشهایشان کر است، هنگامی که هشدار داده می‌شوند،

مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ

سخنی را نمی‌شنوند. (۴۵) واگر شمه‌ای از عذاب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می‌شود که:

لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ ٱلْمَوَٰزِينَ ٱلْقِسْطَ

«ای وای بر ما! ما همگی ستمکار بودیم!» (۴۶) ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم؛

لِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا ۖ وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ

پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود؛ و اگر به مقدار سنگینی دانهٔ خردلی (کار نیک و بدی) باشد،

مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا

ما آن را حاضر می‌کنیم؛ و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم. (۴۷) ما به

مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ ٱلَّذِينَ

موسی و هارون، وسیلهٔ جدا کردن حق از باطل و نور، و آنچه مایهٔ یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم. (۴۸)

يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾

همان کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، و از قیامت بیم دارند. (۴۹)

وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ ۚ أَفَأَنتُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ ﴿٥٠﴾ ۞ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَآ

و این (قرآن) یادآوری پربرکتی است که (بر شما) نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می‌کنید؟! (۵۰) ما وسیله رشد

إِبْرَٰهِيمَ رُشْدَهُۥ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِۦ عَٰلِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم. (۵۱) آن هنگام که به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش آزر بود]

وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِىٓ أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا۟ وَجَدْنَآ

و قوم او گفت: «این مجسمه‌ها (ی بی‌روح) چیست که شما همواره آنها را پرستش می‌کنید؟!» (۵۲) گفتند: «ما پدران

ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمْ فِى

خود را یافتیم که آنها را عبادت می‌کنند.» (۵۳) گفت: «به یقین شما و پدرانتان، در

ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا بِٱلْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَل

گمراهی آشکاری بوده‌اید.» (۵۴) گفتند: «آیا مطلب حقّی برای ما آورده‌ای، یا ما را به بازی گرفته‌ای؟!» (۵۵) گفت: «بلکه

رَّبُّكُمْ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلَّذِى فَطَرَهُنَّ وَأَنَا۠ عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ

(حق آورده‌ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را آفریده؛ و من بر این امر،

ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا۟ مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

از گواهانم. (۵۶) و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بتهایتان می‌کشم!» (۵۷)

فَجَعَلَهُمْ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾

سرانجام (با استفاده از یک فرصت مناسب)، همهٔ بتها ـ جز بت بزرگشان ـ را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند. (۵۸)

قَالُوا۟ مَن فَعَلَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَآ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٩﴾

(هنگامی که منظرهٔ بتها را دیدند،) گفتند: «هر کس با خدایان ما چنین کرده، به یقین از ستمکاران است!» (۵۹)

قَالُوا۟ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا۟ فَأْتُوا۟ بِهِۦ عَلَىٰٓ

(گروهی) گفتند: «شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بتها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند.» (۶۰) (جمعیّت) گفتند:

أَعْيُنِ ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوٓا۟ ءَأَنتَ فَعَلْتَ هَٰذَا

«او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا گواهی دهند.» (۶۱) (هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند،) گفتند: «ای ابراهیم!

بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ

تو این کار را با خدایان ما چنین کرده‌ای؟!» (۶۲) گفت: «بلکه بزرگشان، چنین کرده باشد؛ از آنها بپرسید

إِن كَانُوا۟ يَنطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا۟ إِنَّكُمْ

اگر سخن می‌گویند.» (۶۳) آنها به (وجدان) خویش بازگشتند؛ و (به خود) گفتند:

أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نُكِسُوا۟ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا

«حقا که شما ستمکارید!» (۶۴) سپس بر سرهایشان واژگونه شدند: (و حکم وجدان را به کلی فراموش کردند و گفتند:) تو می‌دانی که

هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا

اینها سخن نمی‌گویند. (۶۵) (ابراهیم)گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که

لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ

نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی به شما می‌رساند؟! (۶۶) اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید!

مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا۟ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا۟

آیا نمی‌اندیشید؟!» (۶۷) گفتند: «او را بسوزانید و معبودهای خود را یاری کنید،

ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا

اگر کاری از شما ساخته است.» (۶۸) (سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر

عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا۟ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾

ابراهیم سرد و سالم باش.» (۶۹) آنها خواستند برای ابراهیم نقشهٔ (خطرناکی) بکشند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم (۷۰)

وَنَجَّيْنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾

و او و لوط را به آن سرزمین که آن را برای همهٔ جهانیان پربرکت ساختیم [= سرزمین شام] نجات دادیم. (۷۱)

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ ﴿٧٢﴾

و اسحاق و ـ علاوه بر او ـ یعقوب را به وی بخشیدیم؛ و همه آنان را افرادی صالح قرار دادیم. (۷۲)

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ
و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند؛ و انجام کارهای
الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ ۖ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ
نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می‌کردند.
﴿٧٣﴾ وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي
(۷۳) و لوط را (به یادآور) که به او نبوت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت
كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ﴿٧٤﴾
و پلید انجام می‌دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و نافرمانی بودند. (۷۴)
وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا ۖ إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ
و او را در رحمت خود وارد کردیم؛ چرا که او از صالحان بود. (۷۵) و نوح را (به یاد آور)
مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ
هنگامی که پیش از آن (زمان، پروردگار خود را) خواند؛ و دعای او را مستجاب کردیم؛ و او و خاندانش را از اندوه
الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ إِنَّهُمْ
بزرگ رهایی بخشیدیم؛ (۷۶) و او را در برابر گروهی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛
كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾ وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ
چرا که بدگروهی بودند؛ از این رو همهٔ آنها را غرق کردیم. (۷۷) و داود و سلیمان را (به خاطر بیاور)
يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا
هنگامی که دربارهٔ کشتزاری که گوسفندان (بی‌شبان) مردم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباه کرده) بودند، داوری می‌کردند؛
لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۚ وَكُلًّا آتَيْنَا
و ما گواه بر حکم آنان بودیم. (۷۸) ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر یک از آنان (شایستگی)
حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا
داوری، و علم فراوانی دادیم؛ وکوهها و پرندگان را مسخر داود ساختیم، که با او تسبیح (خدا) می‌گفتند؛ و ما بر این کار
فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ
توانایی داشتیم. (۷۹) و ساختن زره را بخاطر شما به او آموختیم، تا شما را در جنگهایتان (از آسیب) حفظ کند؛
مِنْ بَأْسِكُمْ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي
آیا شما شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟! (۸۰) و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم،
بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾
که به فرمان او به سوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم حرکت می‌کرد؛ و ما از همه چیز آگاه بوده‌ایم. (۸۱)

وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعۡمَلُونَ عَمَلٗا دُونَ

و گروهی از شیاطین (را نیز مسخّر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غوّاصی می‌کردند؛ و کارهایی جز این (نیز) برای او انجام می‌دادند؛

ذَٰلِكَۖ وَكُنَّا لَهُمۡ حَٰفِظِينَ ﴿٨٢﴾ ۞ وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ

و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می‌کردیم. (۸۲) و ایّوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت):

أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٨٣﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ

«ناراحتی (و مشکلات شدید) به من روی آورده؛ و تو مهربان‌ترین مهربانانی.» (۸۳) ما دعای او را مستجاب کردیم؛

فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ

و ناراحتی‌هایی را که داشت برطرف ساختیم؛ و خاندانش و همانندشان را با آنان به او بازگرداندیم؛

رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِدۡرِيسَ

تا رحمتی از سوی ما و تذکّری برای عبادت‌کنندگان باشد. (۸۴) و اسماعیل و ادریس

وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٨٥﴾ وَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ فِي

و ذالکفل (به یاد آور) که همه از صابران بودند. (۸۵) و ما آنان را در رحمت

رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُم مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ

خود وارد ساختیم؛ چرا که آنها از صالحان بودند. (۸۶) و ذالنون [= یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که

مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ

خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،)

إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٧﴾

در آن ظلمتها (ی متراکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست؛ منزهی تو! من از ستمکاران بودم.» (۸۷)

فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ

ما دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

﴿٨٨﴾ وَزَكَرِيَّآ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ

(۸۸) و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن)؛ و تو

ٱلۡوَٰرِثِينَ ﴿٨٩﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَ

بهترین وارثانی.» (۸۹) ما هم دعای او را مستجاب کردیم، و یحیی را به او بخشیدیم؛

أَصۡلَحۡنَا لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ

و همسرش را (که نازا بود) برایش شایسته (بارداری) ساختیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره

وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ ﴿٩٠﴾

در کارهای خیر بسرعت اقدام می‌کردند؛ و از روی بیم و امید ما را می‌خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند. (۹۰)

وَٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا

و (به یاد آور) زنی را که دامان خود را پاک نگه داشت؛ و ما از روح خود در او دمیدیم؛

وَجَعَلۡنَٰهَا وَٱبۡنَهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦٓ

و او و پسرش [= مسیح] را نشانه (و معجزهٔ) بزرگی برای جهانیان قرار دادیم. (۹۱) این امت شما که

أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ ﴿٩٢﴾ وَتَقَطَّعُوٓاْ

همگی امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید. (۹۲) و (گروهی از پیروان ناآگاه آنها)

أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡۖ كُلٌّ إِلَيۡنَا رَٰجِعُونَ ﴿٩٣﴾ فَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ

کار خود را به تفرقه در میان خود کشاندند؛ (سرانجام) همگی به سوی ما باز می‌گردند (و جزای کار خویش را می‌بینند). (۹۳) و هر کس عمل شایسته‌ای به جا

ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا كُفۡرَانَ لِسَعۡيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ

آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او بدون پاداش نخواهد بود؛ و ما اعمال او را

كَٰتِبُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَآ أَنَّهُمۡ لَا

(برای پاداش) می‌نویسیم. (۹۴) و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند)؛ آنها

يَرۡجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتۡ يَأۡجُوجُ وَمَأۡجُوجُ وَهُم مِّن

هرگز باز نخواهند گشت. (۹۵) تا آن زمان که (راه بر) «یأجوج» و «مأجوج» گشوده شود؛ و آنها

كُلِّ حَدَبٖ يَنسِلُونَ ﴿٩٦﴾ وَٱقۡتَرَبَ ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ فَإِذَا هِيَ

از هر محل مرتفعی بسرعت عبور کنند. (۹۶) و وعدهٔ حق (و رستاخیز) نزدیک شود؛ در آن هنگام

شَٰخِصَةٌ أَبۡصَٰرُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَٰوَيۡلَنَا قَدۡ كُنَّا فِي غَفۡلَةٖ

چشمهای کافران (از وحشت) از حرکت باز می‌ماند؛ (می‌گویند:) ای وای بر ما که از این (امر) در غفلت بودیم؛

مِّنۡ هَٰذَا بَلۡ كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ

بلکه ما ستمکار بودیم! (۹۷) به یقین شما و آنچه غیر خدا می‌پرستید،

مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمۡ لَهَا وَٰرِدُونَ ﴿٩٨﴾

هیزم جهنم خواهید بود؛ و همگی در آن وارد می‌شوید. (۹۸)

لَوۡ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةٗ مَّا وَرَدُوهَاۖ وَكُلّٞ فِيهَا خَٰلِدُونَ

اگر اینها معبودهای حقی بودند، هرگز وارد دوزخ نمی‌شدند؛ در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود.

﴿٩٩﴾ لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٞ وَهُمۡ فِيهَا لَا يَسۡمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ

(۹۹) برای آنان در آنجا ناله‌های دردناکی است و در آن چیزی نمی‌شنوند. (۱۰۰) (امّا) کسانی که

سَبَقَتۡ لَهُم مِّنَّا ٱلۡحُسۡنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنۡهَا مُبۡعَدُونَ ﴿١٠١﴾

(صالح بودند و) از قبل، وعدهٔ نیک از سوی ما به آنها داده شده از آن دور نگاهداشته می‌شوند. (۱۰۱)

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۖ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ

آنها صدای آتش دوزخ را نمی‌شنوند؛ و در آنچه دلشان بخواهد،

خَالِدُونَ ﴿۱۰۲﴾ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ

جاودانه خواهند بود. (۱۰۲) وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی‌کند؛ و

الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۱۰۳﴾

فرشتگان به استقبالشان می‌آیند، (و می‌گویند:) این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد. (۱۰۳)

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۚ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ

روزی که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم،

خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۚ وَعْدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿۱۰۴﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا

آن را باز می‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و به یقین آن را انجام خواهیم داد. (۱۰۴) در «زبور» بعد

فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

از ذکر [= تورات] نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»

﴿۱۰۵﴾ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿۱۰۶﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

(۱۰۵) در این، پیام روشنی است برای گروه عبادت‌کنندگان (پروردگار). (۱۰۶) ما تو را

إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۷﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ

جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷) بگو: «تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود

إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۸﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ

شما خدای یگانه است؛ آیا تسلیم (حق) می‌شوید (و بتها را کنار می‌گذارید)»؟! (۱۰۸) اگر (باز) روی‌گردان شوند،

آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۖ وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ

بگو: «من به همهٔ شما یکسان هشدار می‌دهم؛ و (هر چند) نمی‌دانم این وعدهٔ (عذاب) که به شما داده می‌شود نزدیک است یا دور!

﴿۱۰۹﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

(۱۰۹) او سخنان آشکار را می‌داند، و آنچه را کتمان می‌کنید (نیز) می‌داند (و چیزی بر او پوشیده نیست).

﴿۱۱۰﴾ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۱۱﴾ قَالَ

(۱۱۰) و من نمی‌دانم شاید این آزمایشی برای شماست؛ و مایهٔ بهره‌گیری تا مدّتی (معین).» (۱۱۱) (و پیامبر) گفت:

رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿۱۱۲﴾

«پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده). و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبتهای ناروای شما، از او استمداد می‌طلبیم.» (۱۱۲)

ترتیبها ۲۲ — سُورَةُ الْحَجِّ — آیاتها ۷۸

۲۲ – سوره الحج

الحزب ۳۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزلهٔ رستاخیز امر

عَظِيمٌ ﴿۱﴾ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ

عظیمی است! (۱) روزی که آن را می‌بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرا می‌گیرد که) هر مادر شیردهی،

وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا

از شیرخوارش (به کلی) غافل می‌شود؛ و هر بارداری جنین خود را سقط می‌کند؛ و مردم را مست می‌بینی،

هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿۲﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است! (۲) بعضی از مردم،

يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ﴿۳﴾

بدون هیچ علم و دانشی، دربارهٔ خدا مجادله می‌کنند؛ و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نمایند. (۳)

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ

بر او مقرر شده که هرکس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلّم گمراهش می‌سازد، و به آتش سوزان راهنماییش می‌کند.

﴿۴﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ

(۴) ای مردم! اگر در رستاخیز شکی دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم،

تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ

سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است

مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى

و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم). و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدّت معیّنی در رحم (مادران) نگاه می‌داریم؛

ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ

(و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم؛) بعد شما را بصورت طفلی بیرون می‌آوریم؛

مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

سپس هدف این است که به حدّ کمالی و بلوغ خویش برسید. و بعضی از شما قبض روح می‌شوند؛ و بعضی از شما به نامطلوب‌ترین مرحلهٔ عمر می‌رسند؛

يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا

آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند. و همچنین زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، و هنگامی که

عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿۵﴾

آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به جنبش در می‌آید و رویش می‌کند؛ و از هر نوع گیاهان بهجت انگیز می‌رویاند. (۵)

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است؛ و اوست که مردگان را زنده می‌کند؛ و بر هر چیزی تواناست.

(٦) وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي ٱلْقُبُورِ

(۶) و این‌که رستاخیز آمدنی است،و شکی در آن نیست؛ و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می‌کند.

(٧) وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَٰبٍ

(۷) و بعضی از مردم، بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری، دربارهٔ خدا مجادله می‌کنند.

مُّنِيرٍ (٨) ثَانِيَ عِطْفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُۥ فِي ٱلدُّنْيَا خِزْيٌ وَ

(۸) آنها با تکبر و بی‌اعتنایی (نسبت به سخنان الهی)، می‌خواهند (مردم را) از راه خدا گمراه سازند. برای آنان در دنیا رسوایی است؛

نُذِيقُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (٩) ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَ

و روز قیامت، عذاب سوزان به آنها می‌چشانیم! (۹) (و به آنان می‌گوییم:) این در برابر چیزی است که دستهایتان از پیش فرستاده؛

أَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ (١٠) وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعْبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ

و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند. (۱۰) و بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند،

فَإِنْ أَصَابَهُۥ خَيْرٌ ٱطْمَأَنَّ بِهِۦ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ

اگر (دنیا به آنها رو کند و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد،

خَسِرَ ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ (١١) يَدْعُواْ

دگرگون می‌شوند (و به کفر رو می‌آورند)؛ (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده‌اند، و هم آخرت را؛ و این همان خسران و زیان آشکار است. (۱۱) او جز

مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ وَمَا لَا يَنفَعُهُۥ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ

خدا چیزی را می‌خواند که نه زیانی به او می‌رساند، و نه سودی؛ این همان گمراهی بسیار عمیق است.

ٱلْبَعِيدُ (١٢) يَدْعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِۦ لَبِئْسَ ٱلْمَوْلَىٰ

(۱۲) او کسی را می‌خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است؛ چه بد سرپرست و یاوری،

وَلَبِئْسَ ٱلْعَشِيرُ (١٣) إِنَّ ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ

و چه بد مونس و همنشینی! (۱۳) خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،

ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ إِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

در باغهای بهشتی وارد می‌کند که نهرها از پای درختانش جاری است؛(آری،) خدا هرچه را اراده کند انجام می‌دهد.

(١٤) مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ

(۱۴) هرکس گمان می‌کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر خشمگین است،هر کاری از دستش ساخته است بکند)،ریسمانی

بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا يَغِيظُ (١٥)

به سقف بیاویزد، و (خود را حلق‌آویز و) نفس خود را قطع کند (و تا لبهٔ پرتگاه مرگ پیش رود)؛ ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند؟! (۱۵)

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَٰهُ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يُرِيدُ
این گونه ما قرآن را بصورت آیات روشنی نازل کردیم؛ و خداوند هرکس را اراده کند هدایت می‌نماید.
(١٦) إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ
(۱۶) به یقین کسانی که ایمان (به پیامبر اسلام) آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و صابئان [= پیروان یحیی] و نصاری
وَٱلْمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ
و مجوس و مشرکان، خداونددر میان آنان روز قیامت داوری می‌کند؛ (و حق را از باطل جدا می‌سازد؛)
ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ (١٧) أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسْجُدُ لَهُۥ
زیرا خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است. (۱۷) آیا نمی‌دانی تمام کسانی که در
مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِى ٱلْأَرْضِ وَٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلْجِبَالُ
آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می‌کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوهها
وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ ٱلنَّاسِ ۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ ٱلْعَذَابُ ۗ
ودرختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! امّا بسیاری (ابا دارند، و فرمان) عذاب دربارهٔ آنان حتمی است؛
وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكْرِمٍ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ۩ (١٨)
و هرکس را خدا خوار کند،کسی او را گرامی نخواهد داشت. خداوند هر چه را اراده کند (و صلاح بداند) انجام می‌دهد. (۱۸)
۞ هَٰذَانِ خَصْمَانِ ٱخْتَصَمُوا۟ فِى رَبِّهِمْ ۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ قُطِّعَتْ
این دو گروه، دشمن یکدیگرند که دربارهٔ پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند؛ کسانی که کافر شدند، لباسهایی
لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ ٱلْحَمِيمُ (١٩) يُصْهَرُ بِهِۦ
از آتش برای آنها بریده شده، و مایع سوزان بر سرشان ریخته می‌شود؛ (۱۹) هم آنچه که درونشان است
مَا فِى بُطُونِهِمْ وَٱلْجُلُودُ (٢٠) وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنْ حَدِيدٍ (٢١)
با آن آب می‌شود، و هم پوستهایشان. (۲۰) و برای آنان گرزهایی از آهن (سوزان) است. (۲۱)
كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا۟ فِيهَا وَذُوقُوا۟
هرگاه بخواهنداز غم و اندوههای دوزخ خارج شوند، به آن باز گردانده می‌شوند؛ و (به آنان گفته می‌شود:) بچشید
عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ (٢٢) إِنَّ ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟
عذاب سوزان را! (۲۲) خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ يُحَلَّوْنَ
در باغهای بهشتی وارد می‌کند که از پای درختانش نهرها جاری است؛
فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (٢٣)
در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می‌شوند؛ و لباسهایشان از حریر است. (۲۳)

وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَهُدُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡحَمِيدِ ﴿٢٤﴾

و بسوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند، و به راهِ خداوند شایستهٔ ستایش، راهنمایی می‌گردند. (۲۴)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ

کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجدالحرام،

ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ

که آن را برای همهٔ مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آن‌جا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند؛

بِإِلۡحَادِۭ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿٢٥﴾ وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ

و (نیز) هرکس بخواهد در این سرزمین به انحراف و ستم روی آورد، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم! (۲۵) (به خاطر بیاور) زمانی را که

مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ

محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا آن را بنا کند؛ و به او گفتیم:) چیزی را همتای من قرار مده؛ و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان

وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ

وقیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجده گزار (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز. (۲۶) و مردم را به حج دعوت کن؛

يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ

تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر [= چابک و ورزیده] از هر راه دوری به سوی تو بیایند.

لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ ﴿٢٧﴾

(۲۷) تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامهٔ حیاتبخش) باشند؛ و در روزهای

مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ

معیّنی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است، (به هنگام قربانی کردن) ببرند؛

مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ

پس از گوشت آنها بخورید؛ و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید. (۲۸) سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند؛

وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ﴿٢٩﴾

و به نذرهای خودوفا کنند؛ و بر گرد خانهٔ گرامی کعبه، طواف کنند. (۲۹)

ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦۗ وَ

(مناسک حج) این است؛ و هرکس آنچه را خدا حرمت بخشیده بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است. و

أُحِلَّتۡ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱجۡتَنِبُواْ

چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می‌شود.

ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ قَوۡلَ ٱلزُّورِ ﴿٣٠﴾

از پلیدی بتها اجتناب کنید، و از سخن باطل بپرهیزید.(۳۰)

حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ

(مناسک حج را انجام دهید) درحالي که خالص براي خدا باشيد. و هيچگونه همتايي براي او قائل نشويد. و هرکس همتايي براي خدا قرار دهد،

ٱلسَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ ٱلرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ

گويي از آسمان سقوط کرده، و پرندگان (در هوا) او رامي‌ربايند؛ و يا تند باد او را به جاي دور دستي پرتاب مي‌کند.

(٣١) ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ (٣٢)

(٣١) اين است (مناسک حج)؛ و هرکس شعائر الهي را بزرگ دارد، اين کار نشانهٔ تقواي دلها (ی آنها) است. (٣٢)

لَكُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ

در آن (حيوانات قرباني)، منافعي براي شماست تا زمان معيّني (و تا روز ذبح آنها مي‌توانيد از آن‌ها استفاده کنيد)؛ سپس محل (ذبح) آن، (نزديک) خانهٔ

(٣٣) وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم

گرامي (کعبه) است. (٣٣) براي هر امّتي قربانگاهي قرار داديم، تا نام خدا را (به هنگام قرباني)

مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ ۗ فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَلَهُۥٓ أَسْلِمُوا۟ ۗ وَبَشِّرِ

بر چهارپاياني که به آنان روزي داده‌ايم ببرند، و خداي شما معبود واحدي است؛ تنها در برابر (فرمان) او تسليم باشيد. و افراد مطيع و متواضع را بشارت ده،

ٱلْمُخْبِتِينَ (٣٤) ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ

(٣۴) همان کساني که چون نام خدا برده مي‌شود، دلهايشان پر از خوف (پروردگار) مي‌گردد؛ و آنها که در برابر مصيبتهايي که به آنان مي‌رسد، شکيبا هستند؛

أَصَابَهُمْ وَٱلْمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (٣٥) وَٱلْبُدْنَ

و آنها که نماز را برپا مي‌دارند، و از آنچه به آنان روزي داده‌ايم انفاق مي‌کنند. (٣۵) و شتران فربه را (در مراسم حج)

جَعَلْنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ ٱللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۖ فَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا

براي شما از شعائر الهي قرار داديم؛ در آنها براي شما خير (و برکت) است؛ نام خدا را در حالي که (براي قرباني)

صَوَآفَّ ۖ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا۟ مِنْهَا وَأَطْعِمُوا۟ ٱلْقَانِعَ وَٱلْمُعْتَرَّ ۚ

به صف ايستاده‌اند بر آنها ببريد؛ و هنگامي که پهلوهايشان به زمين رسيد (وجان دادند)، از گوشت آنها بخوريد، و مستمندان قانع

كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَٰهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٣٦) لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا

و سائلان را نيز از آن اطعام کنيد. اين گونه ما آنها را مسخرتان ساختيم، تا شکر ج خدا را به جا آوريد. (٣۶) نه گوشتهاي آنها و نه خونهاي آنها،

وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقْوَىٰ مِنكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ

هرگز به خدا نمي‌رسد، ولي آنچه به او مي‌رسد، قلى پرهيزگاري شماست.اين گونه خداوند آنها را مسخر شما ساخته،

لِتُكَبِّرُوا۟ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُحْسِنِينَ (٣٧) ۞ إِنَّ

تا خدا را بخاطر آن‌که شما را هدايت کرده است بزرگ بشمريد؛ و بشارت ده نيکوکاران را. (٣٧) خداوند

ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (٣٨)

از کساني که ايمان آورده‌اند دفاع مي‌کند؛ خداوند هيچ خيانتکار ناسپاسي را دوست ندارد. (٣٨)

ص: ۳۳۶

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُواْۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ

به کساني که جنگ بر آنان تحميل گرديده، اجازهٔ جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و به يقين خدا

لَقَدِيرٌ (٣٩) ٱلَّذِينَ أُخْرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُواْ

بر ياري آنها تواناست. (۳۹) همانها که از خانه‌ها (و شهر) خود، به ناحق رانده شدند، (و گناهي نداشتند) جز اين‌که مي‌گفتند:

رَبُّنَا ٱللَّهُۗ وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَٰمِعُ

«پروردگار ما، خداي يکتاست!» و اگر خداوند بعضي از مردم رابوسيلهٔ بعضي ديگر دفع نکند، ديرها، و معابد يهود

وَبِيَعٌ وَصَلَوَٰتٌ وَمَسَٰجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا ٱسْمُ ٱللَّهِ كَثِيرًاۗ وَ

و نصاري، و مساجدي که نام خدا در آن بسيار برده مي‌شود،ويران مي‌گردد.

لَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (٤٠) ٱلَّذِينَ

و خداوند کساني را که ياري او کنند (و از آيينش دفاع نمايند) ياري مي‌کند؛ خداوند توانا و شکست‌ناپذير است. (۴۰) همان کساني که

إِن مَّكَّنَّٰهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ وَ

هرگاه در زمين به آنها قدرت ببخشيم، نماز را برپا مي‌دارند، و زکات مي‌دهند،

أَمَرُواْ بِٱلْمَعْرُوفِ وَنَهَوْاْ عَنِ ٱلْمُنكَرِۗ وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلْأُمُورِ (٤١)

و امر به معروف و نهي از منکر مي‌کنند، و پايان همهٔ کارها از آن خداست! (۴۱)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ

اگر تو را تکذيب کنند، (امر تازه‌اي نيست؛) پيش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پيامبرانشان را) تکذيب کردند.

(٤٢) وَقَوْمُ إِبْرَٰهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ (٤٣) وَأَصْحَٰبُ مَدْيَنَۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ

(۴۲) و (همچنين) قوم ابراهيم و قوم لوط؛ (۴۳) و اصحاب مدين [= قوم شعيب]؛ و نيز موسي (از سوي فرعونيان) تکذيب شد؛

فَأَمْلَيْتُ لِلْكَٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (٤٤)

امّا من به کافران مهلت دادم، پس از آن، آنها را مجازات کردم. ديدي چگونه (عمل آنها را) پاسخ گفتم؟! (۴۴)

فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَا وَهِىَ ظَالِمَةٌ فَهِىَ خَاوِيَةٌ

چه بسيار اهل شهرهاو آباديهايي که آنها را نابود و هلاک کرديم در حالي که ستمکار بودند، و ديوارهاي آن بر روي سقفهايش فرو ريخت!

عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ (٤٥) أَفَلَمْ يَسِيرُواْ

و چه بسيار چاه پرآب و قصرهاي محکم و مرتفع که بي صاحب ماند! (۴۵) آيا آنان در زمين سير نکردند،

فِى ٱلْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَآ أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَاۖ

تا دلهايي داشته باشند که (حقيقت را) با آن درک کنند؛ يا گوشهايي که با آن (نداي حق را) بشنوند؟!

فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى ٱلْأَبْصَٰرُ وَلَٰكِن تَعْمَى ٱلْقُلُوبُ ٱلَّتِى فِى ٱلصُّدُورِ (٤٦)

زيرا (بسيار مي‌شود که) چشمهاي ظاهر نابينا نمي‌شود، بلکه دلهايي که در سينه‌هاست کور مي‌شود. (۴۶)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ ۚ وَإِنَّ يَوْمًا

آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعدهٔ خود تخلّف نخواهد کرد.

عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ

و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که‌شما می‌شمرید! (۴۷) و چه بسیار شهرها و آبادیهایی

أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿٤٨﴾ قُلْ

که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمکار بودند؛ (امّا از این مهلت برای اصلاح خود استفاده نکردند.) سپس آنها را مجازات کردم؛ و بازگشت، (همگان) تنها

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٤٩﴾ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

به سوی من است. (۴۸) بگو: «ای مردم! من برای شما بیم‌دهندهٔ آشکاری هستم. (۴۹) آنها که ایمان آوردند و کارهای

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٥٠﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا

شایسته انجام دادند، آمرزش و روزی پرارزشی برای آنهاست. (۵۰) و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند،

مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

(و چنین می‌پنداشتند که می‌توانند از عذاب ما بگریزند)، اصحاب دوزخند.» (۵۱) هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم

مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ

مگر این‌که هرگاه آرزو (ی پیشبرد اهداف الهی خود می‌کرد)، شیطان (وسوسه‌ها و) القائاتی در آن می‌افکند؛

فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ

امّا خداوند القائات شیطان را از میان می‌برد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشد؛ و خداوند

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي

دانا و حکیم است. (۵۲) هدف این بود که خداوند القائات شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که‌در

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ

دلهایشان بیماری است، و آنها که سنگدلند؛ و به یقین ستمکاران در عداوت شدید دامنه

بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

داری هستند. (۵۳) و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقّی است از سوی پروردگارت،

فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا

و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دلهایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند،

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ

به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند. (۵۴) پیوسته کافران دربارهٔ قرآن در شک هستند،

حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

تا آن‌که قیامت ناگهان فرا رسد، یا عذاب روز عقیم [=روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند] به سراغشان آید! (۵۵)

ٱلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

حکومت در آن روز از آنِ خداست؛ و میان آنها داوری می‌کند: کسانی که ایمان آورده

وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ فِى جَنَّـٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟

و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در باغهای پرنعمت بهشتند؛ (۵۶) و کسانی که کافر شدند

وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا فَأُو۟لَـٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ

و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب‌خوارکننده‌ای برای آنهاست! (۵۷) و کسانی که

هَاجَرُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓا۟ أَوْ مَاتُوا۟ لَيَرْزُقَنَّهُمُ

در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند،

ٱللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٥٨﴾

خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد؛ و به یقین خداوند، بهترین روزی‌دهندگان است. (۵۸)

لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُۥ ۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾

خداوند آنان را در جایگاهی وارد می‌کند که از آن خشنود خواهند بود؛ و به یقین خداوند دانا و دارای حلم است. (۵۹)

۞ ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِىَ عَلَيْهِ

(آری) این گونه خواهد بود! و هرکس به همان اندازه که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدّی قرار گیرد،

لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ

خدا او را یاری خواهد کرد؛ به یقین خداوند بخشنده و آمرزنده است. (۶۰) این (وعدهٔ نصرت الهی)

ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ

بخاطر آن است (که او بر هر چیز قادر است؛ خداوندی) که شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند؛

وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّ

و خداوند شنوا و بیناست. (۶۱) این بخاطر آن است که خداوند حق است؛ و آنچه را

مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلْبَـٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ

غیر از او می‌خوانند باطل است؛ و خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

ٱلْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً

(۶۲) آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، که زمین (بر اثر آن)

فَتُصْبِحُ ٱلْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ لَّهُۥ مَا فِى

سرسبز و خرّم می‌گردد؟! و به یقین خداوند دارای لطف و آگاهی است. (۶۳) آنچه در

ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾

آسمانها و آنچه در زمین است از آنِ اوست؛ و خداوند، بی‌نیاز و شایستهٔ ستایش است. (۶۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ وَٱلْفُلْكَ تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ
آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است و نیز کشتیهایی راکه به فرمان او بر صفحهٔ اقیانوسها حرکت می‌کنند،
بِأَمْرِهِۦ وَيُمْسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِۦٓ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ
مسخر شما کرد؛ وآسمان [= کرات و سنگهای آسمانی] رانگه می‌دارد، تا جز به اجازهٔ او، بر زمین فرو نیفتند؟!
بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاكُمْ ثُمَّ
خداوند نسبت به مردم رئوف و مهربان است. (۶۵) و او کسی است که‌شما را زنده کرد، سپس
يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾ لِّكُلِّ أُمَّةٍ
شما را می‌میراند، بار دیگر شما را زنده می‌کند، به یقین انسان بسیار ناسپاس است. (۶۶) برای هر امّتی
جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ۖ فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِى ٱلْأَمْرِ ۚ وَٱدْعُ
عبادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند؛ پس نباید در این امر با تو به نزاع برخیزند!
إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾ وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ
به سوی پروردگارت دعوت کن، که تو بر هدایت مستقیم قرار داری (و راه راست همین است). (۶۷) و اگر آنان با تو به جدال برخیزند،
ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ ٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ
بگو: «خدا از کارهایی که انجام می‌دهید آگاهتر است. (۶۸) و خداوند در روز قیامت، میان شما
فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى
در آنچه اختلاف می‌کردید، داوری می‌کند.» (۶۹) آیا نمی‌دانستی خداوند آنچه را در
ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ فِى كِتَٰبٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ
آسمان و زمین است می‌داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی‌پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است.
﴿٧٠﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ سُلْطَٰنًا وَمَا لَيْسَ
(۷۰) آنها غیر از خداوند، چیزی را می‌پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزی را که علم و آگاهی به آن ندارند.
لَهُم بِهِۦ عِلْمٌ ۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا
و برای ستمکاران، یاوری نیست. (۷۱) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود،
بَيِّنَٰتٍ تَعْرِفُ فِى وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلْمُنكَرَ ۖ يَكَادُونَ
در چهره‌های کافران آثار انکار مشاهده می‌کنی،آنچنان که نزدیک است (برخیزند و)
يَسْطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا ۗ قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم
به کسانی که آیات ما را بر آنها می‌خوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر
بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ ۗ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾
از این خبر دهم؟ که همان آتش سوزنده است که خدا به کافران وعده داده؛ و بدسرانجامی است!» (۷۲)

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَٱسْتَمِعُواْ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ

ای مردم! مَثَلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)،

مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن يَخْلُقُواْ ذُبَابًا وَلَوِ ٱجْتَمَعُواْ لَهُۥۖ وَإِن يَسْلُبْهُمُ

هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند؛ و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید،

ٱلذُّبَابُ شَيْـًٔا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُۚ ضَعُفَ ٱلطَّالِبُ وَٱلْمَطْلُوبُ

نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. هم طلب‌کننده ناتوان است، و هم طلب شونده (هم عابدان، و هم معبودان)!

(۷۳) مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِىٌّ عَزِيزٌ (۷۴)

(۷۳) خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند توانا و شکست‌ناپذیر است. (۷۴)

ٱللَّهُ يَصْطَفِى مِنَ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ

خداوند از فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و همچنین از انسانها؛ به یقین خداوند

سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ (۷۵) يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْۗ وَإِلَى ٱللَّهِ

شنوا و بیناست! (۷۵) آنچه پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می‌داند؛ و همهٔ امور به سوی خدا

تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ (۷۶) يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرْكَعُواْ

بازگردانده می‌شود. (۷۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید،

وَٱسْجُدُواْ وَٱعْبُدُواْ رَبَّكُمْ وَٱفْعَلُواْ ٱلْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

و سجود به جاآورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید،

تُفْلِحُونَ ۩ (۷۷) وَجَـٰهِدُواْ فِى ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجْتَبَىٰكُمْ

تا رستگار شوید. (۷۷) و در راه خدا آنگونه که سزاوار اوست جهاد کنید،

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِى ٱلدِّينِ مِنْ حَرَجٍۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَٰهِيمَۚ هُوَ

او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛

سَمَّىٰكُمُ ٱلْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِى هَـٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا

خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد،

عَلَيْكُمْ وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ

و شما گواهان بر مردم. پس نماز را برپا دارید، و زکات را ادا کنید،

وَٱعْتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوْلَىٰكُمْۖ فَنِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ (۷۸)

و به خدا تمسّک جویید، که او سرپرست (و یاور) شماست، چه سرپرست خوبی، و چه یاور شایسته‌ای! (۷۸)

سُورَةُ ٱلْمُؤْمِنُونَ

ترتيبها ۲۳ — آياتها ۱۱۸

۲۳ – سوره المؤمنون

الجزء ۱۸ الحزب ۳۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾
به یقین مؤمنان رستگار شدند: (۱) آنها که در نمازشان خشوع دارند: (۲)
وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ
و آنها که از لغو و بیهودگی رویگردانند: (۳) و آنها که به (دستور) زکات عمل می‌کنند؛
﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ
(۴) و آنها که دامان خود را حفظ می‌کنند: (۵) جز در مورد همسران و
مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ
کنیزانشان، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛ (۶) و کسانی که جز
ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ
این را طلب کنند، تجاوزگرند. (۷) و آنها که امانتها و عهد خود را
رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ
رعایت می‌کنند؛ (۸) و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند؛ (۹) (آری،) آنها
الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾
وارثانند. (۱۰) (وارثانی) که بهشت برین را به ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند. (۱۱)
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً
و ما انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریدیم؛ (۱۲) سپس‌ او را نطفه‌ای در قرارگاه
فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ
مطمئن (رَحِم) قرار دادیم؛ (۱۳) سپس نطفه را بصورت علقه [= خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]،
مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ
و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشاندیم؛ سپس
أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۚ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ
آن را آفرینش تازه‌ای بخشیدیم؛ پس بزرگ و پر برکت است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (۱۴) آنگاه شما
بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾
بعد از آن می‌میرید؛ (۱۵) سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید. (۱۶)
وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾
ما بر فراز شما هفت راه [= طبقات هفتگانهٔ آسمان] را قرار دادیم؛ و هرگز از خلق (خود) غافل نبوده‌ایم. (۱۷)

وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ
و از آسمان، آبی به اندازهٔ معین فرو فرستادیم؛ و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم؛ و ما بر از بین بردن آن
لَقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا
کاملاً قادریم. (۱۸) پس بوسیلهٔ آن باغهایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛
فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ
باغهایی که در آن برای شما میوه‌های فراوانی است؛ و از آن می‌خورید. (۱۹) و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید [= درخت زیتون]،
تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآكِلِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً
و از آن روغن و «نان خورش» برای خورندگان فراهم می‌گردد (آفریدیم). (۲۰) و در آفرینش چهارپایان برای شما عبرتی است؛
نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾
از آنچه (از شیر) در درون آنهاست به شما می‌نوشانیم؛ و برای شما در آنها منافع بسیار (دیگری) است؛ و از (گوشت) آنها می‌خورید؛ (۲۱)
وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ
و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید. (۲۲) ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛
فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ
پس گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید،که جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی‌کنید؟!» (۲۳)
الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ
جمعیّت اشرافی (و مغرور) از قوم او که کافر بودند گفتند: «این (مرد) بشری همچون شما است،
عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا
که می‌خواهد بر شما برتری جوید؛ اگر خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می‌کرد؛ ما چنین چیزی را هرگز در
الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ
نیاکان خود نشنیده‌ایم! (۲۴) او فقط مردی است که به جنونی مبتلاست؛ پس مدّتی دربارهٔ او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهایی یابد.)»
﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ
(۲۵) (نوح) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن.» (۲۶) ما به نوح وحی کردیم که:
الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ
کشتی را در حضور ما، و مطابق وحی ما بساز. و هنگامی که فرمان ما فرا رسد، و (آب از) تنور بجوشد (که نشانهٔ فرا رسیدن طوفان است)، از هریک (از انواع
فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ
حیوانات) یک جفت در کشتی سوار کن؛ و (همچنین) خانواده‌ات را، مگر آنانی که قبلاً وعدهٔ هلاکشان داده شده
الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾
[= همسر و فرزند کافرت]؛ و دیگر دربارهٔ ستمکاران با من سخن مگو (و شفاعت مکن)، که آنان همگی غرق خواهند شد. (۲۷)

فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ

و هنگامی که تو و همهٔ کسانی که با تو هستند در کشتی مستقر شدید، بگو: «ستایش مخصوص خدایی است که ما را از

ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِى مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ

قوم ستمکار نجات بخشید.» (۲۸) و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگانی.»

﴿٢٩﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ

(۲۹) (آری،) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه‌هایی است؛ و ما به یقین (همگان را)

قَرْنًا ءَاخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ

آزمایش می‌کنیم. (۳۰) سپس گروه دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم. (۳۱) و در میان آنان پیامبری از خودشان فرستادیم که: «خدای یگانه را بپرستید؛

إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟

که جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک) پرهیز نمی‌کنید؟!» (۳۲) ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را

بِلِقَآءِ ٱلْءَاخِرَةِ وَأَتْرَفْنَٰهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ

تکذیب می‌کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛

يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُم

از آنچه شما می‌خورید می‌خورد؛ و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد! (پس چگونه می‌تواند پیامبر باشد؟!) (۳۳) و اگر از

بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ

بشری همانند خودتان اطاعت کنید، در این صورت به یقین شما زیانکارید. (۳۴) آیا او به شما وعده می‌دهد هنگامی که مُردید و

تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾ ۞ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ

خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! (۳۵) دور است، دور است این وعده‌هایی که به شما داده می‌شود!

﴿٣٦﴾ إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

(۳۶) به یقین غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی (در کار) نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم، و نسل دیگری زنده می‌شود؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!

﴿٣٧﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُۥ بِمُؤْمِنِينَ

(۳۷) او فقط مردی است که بر خدا دروغ بسته؛ و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد!»

﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ

(۳۸) (پیامبرشان) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن!» (۳۹) (خداوند) فرمود: «بزودی پشیمان خواهند شد؛

نَٰدِمِينَ ﴿٤٠﴾ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ بِٱلْحَقِّ فَجَعَلْنَٰهُمْ غُثَآءً فَبُعْدًا

(امّا زمانی که دیگر سودی به حالشان ندارد.)» (۴۰) سرانجام صیحهٔ (مرگبار آسمانی) آنها را بحق فرو گرفت؛ و ما آنها را

لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخَرِينَ ﴿٤٢﴾

همچون خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ دور باد قوم ستمکار (از رحمت خدا)! (۴۱) سپس اقوام دیگری را پس از آنها پدید آوردیم. (۴۲)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَـْٔخِرُونَ ﴿٤٣﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا ۖ كُلَّ

هیچ امّتی بر اجل حتمی خود پیشی نمی‌گیرد، و از آن تأخیر نیز نمی‌کند. (۴۳) سپس پیامبران خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛

مَا جَآءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۚ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَٰهُمْ أَحَادِيثَ ۚ

هر زمان پیامبری برای (هدایت) قومی می‌آمد،او را تکذیب می‌کردند؛ و ما این امّتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را خبرهایی قرار

فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَٰرُونَ

دادیم؛ (که تنها نامی از آنان باقی ماند.) دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی‌آورند! (۴۴) سپس موسی و برادرش هارون را

بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦ فَٱسْتَكْبَرُوا۟

با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم، (۴۵) به سوی فرعون و اطرافیان اشرافی او؛ امّا آنها تکبّر کردند،

وَكَانُوا۟ قَوْمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوٓا۟ أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا

و آنها مردمی برتری جوی بودند. (۴۶) آنها گفتند: «آیا ما به دو بشر همانند خودمان ایمان بیاوریم، درحالی که قوم آنها ما را می‌پرستند

عَٰبِدُونَ ﴿٤٧﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا۟ مِنَ ٱلْمُهْلَكِينَ ﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا

(و بردگان ما هستند)؟!» (۴۷) و آنها آن دو را تکذیب کردند؛ و سرانجام هلاک شدند. (۴۸) و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛

مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ وَجَعَلْنَا ٱبْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةً

شاید آنان [= بنی‌اسرائیل] هدایت شوند. (۴۹) و ما فرزند مریم [= عیسی] و مادرش را نشانه‌ای قرار دادیم؛

وَءَاوَيْنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿٥٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُوا۟

و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیّت و آب روان بود جای دادیم. (۵۰) ای پیامبران! از غذاهای

مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعْمَلُوا۟ صَٰلِحًا ۖ إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾ وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ

پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید دانا هستم. (۵۱) و این است امّت شما که همگی امّت واحدی هستید؛

أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَا۠ رَبُّكُمْ فَٱتَّقُونِ ﴿٥٢﴾ فَتَقَطَّعُوٓا۟ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ

و من پروردگارشما هستم؛ پس،از (مخالفت فرمان) من بپرهیزید! (۵۲) (گروهی از پیروان ناآگاه پیامبران) کار خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند،

زُبُرًا ۖ كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرْهُمْ فِى غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾

و هر گروهی به راهی رفتند؛ هر گروه به آنچه نزد خود دارند شادمانند! (۵۳) آنها را در جهل و غفلتشان رها کن تا زمانی (که مرگشان فرا رسد یا گرفتار

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿٥٥﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ

عذاب الهی شوند). (۵۴) آیا گمان می کنند اموال و فرزندانی که به آنان می بخشیم، (۵۵) برای این است که درهای خیرات را با سرعت به روی آنها بگشاییم؟!

بَل لَّا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ

(چنین نیست) بلکه آنها نمی‌فهمند (که این وسیلهٔ امتحانشان است). (۵۶) به یقین کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند، (۵۷) و آنان که

هُم بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند، (۵۸) و آنها که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند، (۵۹)

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾

و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و با این حال، از این‌که سرانجام به سوی پروردگارشان باز می‌گردند، دل‌هایشان ترسان است (۶۰)

أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا

چنین کسانی درخیرات شتاب می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند. (۶۱) و ما هیچ کس را جز به اندازهٔ

إِلَّا وُسْعَهَا ۖ وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ ۚ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ

تواناییش تکلیف نمی‌کنیم؛ و نزد ما کتابی است که بحق سخن می‌گوید؛ وبه آنان هیچ ستمی نمی‌شود. (۶۲) ولی دلهای آنها از این

فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾

(نامهٔ اعمال و روز حساب) در بی‌خبری فرورفته؛ و اعمال (زشتی) جز این دارند که پیوسته آن را انجام می‌دهند. (۶۳)

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ ۖ

تا زمانی که متنعّمان (مغرور) آنها را در چنگال عذاب گرفتار سازیم؛ ناگاه، ناله‌های دردناک و استغاثه‌آمیز آنها بلند می‌شود. (۶۴) (امّا به آنها گفته می‌شود:)

إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَىٰ

امروز ناله و فریاد نکنید، زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد. (۶۵) (آیا فراموش کرده‌اید که) در گذشته آیات من پیوسته بر شما خوانده می‌شد؛ امّا شما

أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿٦٦﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ

(اعراض کرده) به عقب باز می‌گشتید؟! (۶۶) در حالی که در برابر او [= پیامبر] استکبار می‌کردید، و در جلسات شبانه خود به بدگویی می‌پرداختید! (۶۷) آیا

يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا

آنها در این گفتار (الهی) نیندیشیدند، یا این‌که چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟! (۶۸) یا این‌که پیامبرشان را نشناختند

رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ ۚ بَلْ جَاءَهُم

(وازسوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می‌کنند؟! (۶۹) یا می‌گویند او به جنون مبتلا است؟! (چنین نیست) بلکه

بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ

او حق را برای آنان آورده؛ امّا بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند). (۷۰) و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می‌کرد،

لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ ۚ بَلْ أَتَيْنَاهُم

آسمانها و زمین و همهٔ کسانی که در آنها هستند تباه می‌شدند. و ما به آنها چیزی دادیم که مایهٔ یادآوری (و عزّت و شرف) آنهاست،

بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ

امّا آنان از آنچه مایهٔ یادآوری (و عزت) آنهاست رویگردانند. (۷۱) یا این‌که تو از آنها مزد و هزینه‌ای (در برابر دعوتت) می‌خواهی؟ با این‌که مزد

رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی‌دهندگان است. (۷۲) به یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می‌کنی.

﴿٧٣﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ﴿٧٤﴾

(۷۳) امّا کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرف می‌شوند. (۷۴)

۞ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ
و اگر به آنان رحم کنیم و ناراحتی‌ها (و مشکلات) آنان را برطرف سازیم، (نه تنها بیدار نمی‌شوند، بلکه) در طغیانشان لجاجت می‌ورزند و
يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا
سرگردان می‌مانند. (۷۵) و به راستی‌ما آنها را به عذاب (و بلا) گرفتار ساختیم(تا بیدار شوند)، امّا آنان نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند، و نه به
يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ
درگاهش تضرّع می‌کنند. (۷۶) (این وضع ادامه می‌یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می‌شوند که) ناگهان کاملاً
مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا
مأیوس گردند. (۷۷) و او کسی است که برای شما گوش و چشم و عقل آفرید؛ امّا کمتر شکر (او را)
مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾
به جا می‌آورید. (۷۸) و او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و به سوی او محشور می‌شوید. (۷۹)
وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
و او کسی است که‌زنده می‌کند و می‌میراند؛ و آمد و شد شب و روز از آن اوست؛ آیا نمی‌اندیشید؟!
﴿٨٠﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا
(۸۰) (نه تنها نمی‌اندیشند،) بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند. (۸۱) آنها گفتند: «آیا هنگامی که مُردیم
تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا
و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدیم، آیا برانگیخته خواهیم‌شد؟! (۸۲) این وعده به ما و پدرانمان از قبل داده شده؛
هَٰذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ
این فقط افسانه‌های پیشینیان است.» (۸۳) بگو: «زمین و کسانی که در آن هستند
وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ
از آن کیست، اگر شما می‌دانید؟!» (۸۴) بزودی می‌گویند: «(همه) از آنِ خداست.» بگو:
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ
«آیا متذکّر نمی‌شوید؟!» (۸۵) بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾
عرش عظیم است؟» (۸۶) بزودی خواهند گفت: «(همهٔ اینها) از آن خداست.» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید (و دست از شرک بر نمی‌دارید)؟!» (۸۷)
قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ
بگو: «اگر می‌دانید، چه کسی حاکمیت همهٔ موجودات را در دست دارد، و (به بی‌پناهان) پناه می‌دهد، و نیاز به پناه دادن ندارد؟!»
إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾
(۸۸) خواهند گفت: «(همهٔ اینها) از آنِ خداست.» بگو: «با این حال چگونه (می‌گویید) سحر شده‌اید (و این سخنان سحر و افسون است)؟!» (۸۹)

بَلْ أَتَيْنَٰهُم بِٱلْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن وَلَدٍ

(چنین نیست) بلکه ما حق را برای آنها آوردیم؛ و به یقین آنها دروغگو هستند. (۹۰) خدا هرگز فرزندی اختیار نکرده؛

وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنْ إِلَٰهٍ ۚ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهٍۭ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا

و خدای دیگری با او نیست؛که اگر چنین می‌شد، هر یک از خدایان مخلوقات خود را تحت تدبیر خود می‌برد

بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٩١﴾ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ

و بعضی از آنان بر بعضی دیگر برتری می‌جست (و جهان هستی به تباهی کشیده می‌شد)؛ منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند! (۹۱) او دانای نهان و

وَٱلشَّهَٰدَةِ فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّى مَا

آشکار است؛ پس برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند! (۹۲) بگو: «پروردگارا! اگر عذابهایی را که به

يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِى فِى ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا

آنان وعده داده می‌شودبه من نشان دهی، (۹۳) پروردگارا! مرا (در این عذابها) با گروه ستمکاران قرار مده.» (۹۴) و ما تواناییم که آنچه را

عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَٰدِرُونَ ﴿٩٥﴾ ٱدْفَعْ بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ

به آنها وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم. (۹۵) بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده).

ٱلسَّيِّئَةَ ۚ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَٰتِ

ما به آنچه توصیف می‌کنند داناتریم. (۹۶) و بگو: «پروردگارا! از وسوسه‌های

ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ

شیاطین به تو پناه می‌برم؛ (۹۷) و پروردگارا از اینکه آنان نزد من حاضر شوند به تو پناه می‌برم.» (۹۸) (آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند)

أَحَدَهُمُ ٱلْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ٱرْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّىٓ أَعْمَلُ صَٰلِحًا فِيمَا

تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، می‌گوید: «پروردگارا! مرا باز گردانید؛ (۹۹) شاید در برابر آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام

تَرَكْتُ ۚ كَلَّآ ۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَا ۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

دهم.» (ولی به او می‌گویند:) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، همان راه را ادامه می‌دهد)؛ و در پی (مرگ) آنان برزخی است

﴿١٠٠﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ

تا روزی که برانگیخته شوند. (۱۰۰) و هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی در آن روز میان آنها نخواهد بود؛ و از یکدیگر

﴿١٠١﴾ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ

تقاضای کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست). (۱۰۱) کسانی که کفهٔ ترازوهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند. (۱۰۲) و آنان که

خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فِى جَهَنَّمَ

کفهٔ ترازوهای (عمل) آنها سبک باشد، کسانی هستند که سرمایهٔ وجود خود را از دست داده، در جهنم

خَٰلِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَٰلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

جاودانه خواهند ماند. (۱۰۳) شعله‌های سوزان آتش (همچون شمشیر) به صورتهایشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهره‌ای زشت و عبوس دارند. (۱۰۴)

أَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (١٠٥) قَالُوا۟ رَبَّنَا

(به آنها گفته می‌شود:) آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد، پس آن را تکذیب می‌کردید؟! (۱۰۵) می‌گویند: «پروردگارا!

غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّينَ (١٠٦) رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا

تیره‌بختی ما بر ما چیره شد، و ما گروه گمراهی بودیم. (۱۰۶) پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر،

مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ (١٠٧) قَالَ ٱخْسَـُٔوا۟ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ

اگر تکرار کردیم به یقین ستمکاریم (و مستحق عذاب).» (۱۰۷) (خداوند) می‌گوید: «دور شوید و به دوزخ درآیید، و با من سخن مگویید!

(١٠٨) إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا

(۱۰۸) (فراموش کرده‌اید) گروهی از بندگانم می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم؛ ما را بیامرز و بر ما

وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ (١٠٩) فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ

رحم کن؛ و تو بهترین رحم‌کنندگانی. (۱۰۹) امّا شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا (این عمل)

ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ (١١٠) إِنِّى جَزَيْتُهُمُ ٱلْيَوْمَ بِمَا

شما را از یاد من غافل کرد؛ و شما به آنان می‌خندیدید! (۱۱۰) ولی من امروز آنها را بخاطر

صَبَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ (١١١) قَٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ عَدَدَ

صبر و استقامتشان پاداش دادم؛ آنها پیروز و رستگارند.» (۱۱۱) (خداوند) می‌گوید: «چند سال در روی زمین

سِنِينَ (١١٢) قَالُوا۟ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ ٱلْعَآدِّينَ (١١٣) قَٰلَ إِن

درنگ کردید؟» (۱۱۲) (در پاسخ) می‌گویند: «به اندازهٔ یک روز، یا بخشی از یک روز؛ از شمار بپرس.» (۱۱۳) می‌فرماید:

لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (١١٤) أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا

«(آری،) شما مقدار کمی درنگ کردید اگر می‌دانستید!» (۱۱۴) آیا گمان کردید شما را

خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (١١٥) فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ

بیهوده آفریده‌ایم، و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟! (۱۱۵) پس بلندمرتبه است خداوندی که فرمانروای

ٱلْحَقُّ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ (١١٦) وَمَن يَدْعُ

حق است، معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است. (۱۱۶) و هرکس معبود دیگری را

مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ

با خدا بخواند ـ و به یقین هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت ـ حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛

لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ (١١٧) وَقُل رَّبِّ ٱغْفِرْ وَٱرْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ (١١٨)

به راستی کافران رستگار نخواهند شد. (۱۱۷) و بگو: «پروردگارا! مرا بیامرز و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم‌کنندگانی.» (۱۱۸)

سُورَةُ النُّورِ

ترتيبها ٢٤ — آياتها ٦٤

۲۴ – سوره النور

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

سُورَةٌ أَنزَلْنَٰهَا وَفَرَضْنَٰهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَآ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١﴾

(این) سوره‌ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکّر شوید. (۱)

ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِى فَٱجْلِدُوا۟ كُلَّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا مِا۟ئَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ

هر یک از زن و مرد زناکار راصد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبّت کاذب) نسبت به آن دو شما را از (اجرای) حکم الهی مانع شود،

فِى دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۖ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ

اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید؛ و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را

مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ ٱلزَّانِى لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَٱلزَّانِيَةُ لَا

مشاهده کنند. (۲) مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند؛ و زن زناکار را،جز

يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ وَٱلَّذِينَ

مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی‌آورد؛ و این کار بر مؤمنان حرام شده است. (۳) و کسانی که

يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا۟ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجْلِدُوهُمْ ثَمَٰنِينَ جَلْدَةً وَلَا

زنان پاکدامن را (به زنا) متهم می‌کنند، سپس‌چهار شاهد (بر مدعای خود) نمی‌آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید

تَقْبَلُوا۟ لَهُمْ شَهَٰدَةً أَبَدًا ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿٤﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟

و شهادتشان را هرگز نپذیرید؛ و آنها همان فاسقانند. (۴) مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند

مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥﴾ وَٱلَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَٰجَهُمْ

و جبران نمایند (که خداوند آنها را می‌بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۵) و کسانی که زنان خود را (به زنا)

وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَآءُ إِلَّآ أَنفُسُهُمْ فَشَهَٰدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَٰدَٰتٍۭ بِٱللَّهِ ۙ إِنَّهُۥ

متهم می‌کنند،و گواهانی جز خودشان ندارند، هریک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد

لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٦﴾ وَٱلْخَٰمِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ

که از راستگویان است؛ (۶) و در پنجمین بار بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد.

﴿٧﴾ وَيَدْرَؤُا۟ عَنْهَا ٱلْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَٰدَٰتٍۭ بِٱللَّهِ ۙ إِنَّهُۥ لَمِنَ

(۷) آن زن نیز می‌تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او داده) از

ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٨﴾ وَٱلْخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيْهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ

دروغگویان است. (۸) و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگرآن مرد از راستگویان باشد (و در این صورت مجازات از هر دو برداشته می‌شود).

﴿٩﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

(۹) و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و این‌که او توبه‌پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می‌شدید)! (۱۰)

إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ
به يقين كساني كه آن تهمت عظيم را عنوان كردند گروهي (متشكّل و توطئه‌گر) از شما بودند؛ امّا گمان نكنيد
لَّكُمۡۚ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُم مَّا ٱكۡتَسَبَ مِنَ ٱلۡإِثۡمِۚ وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ كِبۡرَهُۥ مِنۡهُمۡ
اين ماجرا به زيان شما است، بلكه خير شما در آن است؛ هر يک از آنها سهم خود را از اين گناهي كه مرتكب شدند دارند؛ و آن‌كس از آنان كه بخش مهمّ آن
لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿١١﴾ لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ
را بر عهده داشت عذاب عظيمي براي اوست! (١١) چرا هنگامي كه اين (تهمت) را شنيديد، مردان و زنان باايمان نسبت
بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ ﴿١٢﴾ لَّوۡلَا جَآءُو عَلَيۡهِ بِأَرۡبَعَةِ
به كسي كه از خودشان بود، گمان خير نبردند و نگفتند اين دروغ بزرگ آشكاري است؟! (١٢) چرا چهار
شُهَدَآءَۚ فَإِذۡ لَمۡ يَأۡتُواْ بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُوْلَٰٓئِكَ عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ
شاهد بر آن نياوردند؟! و هنگامي كه گواهان را نياوردند، آنان در پيشگاه خدا دروغگويانند.
﴿١٣﴾ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ لَمَسَّكُمۡ فِي
(١٣) و اگر فضل و رحمت الهي در دنيا و آخرت شامل حال شما نمي‌شد، بخاطر اين گناهي كه كرديد
مَآ أَفَضۡتُمۡ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ
عذاب سختي به شما مي‌رسيد! (١۴) (به ياد آوريد) زماني را كه اين شايعه را از زبان يكديگر مي‌گرفتيد،
بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ
و با دهان خود سخني مي‌گفتيد كه به آن يقين نداشتيد؛ و آن را ساده و كوچک مي‌پنداشتيد در حالي كه نزد خدا
عَظِيمٞ ﴿١٥﴾ وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا
بزرگ است! (١۵) چرا هنگامي كه آن را شنيديد نگفتيد: «ما حق نداريم كه به اين سخن تكلّم كنيم؛
سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ ﴿١٦﴾ يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُواْ لِمِثۡلِهِۦٓ
خداوندا منزّهي تو، اين بهتان بزرگي است»؟! (١۶) خداوند شما را اندرز مي‌دهد كه اگر ايمان داريد
أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
هرگز چنين كاري را تكرار نكنيد. (١٧) و خداوند آيات را براي شما بيان مي‌كند، و خدا دانا و حكيم است.
﴿١٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ
(١٨) به يقين كساني كه دوست دارند زشتيها در ميان مردم باايمان شايع شود براي آنان
عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿١٩﴾
در دنيا و آخرت عذاب دردناكي است؛ و خداوند مي‌داند و شما نمي‌دانيد. (١٩)
وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿٢٠﴾
و اگر فضل و رحمت الهي شامل حال شما نبود و اين‌كه خدا رئوف و مهربان است (مجازات سختي دامانتان را مي‌گرفت)! (٢٠)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعْ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید. هر کس پیرو
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِۚ وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ
گامهای شیطان شود او به کارهای زشت و منکر فرمان می‌دهد. و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود،
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّى مَن يَشَآءُۗ
هرگز احدی از شما پاک نمی‌شد؛ ولی خداوند هر که را بخواهد (و شایسته باشد) پاکیزه می‌سازد،
وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾ وَلَا يَأْتَلِ أُوْلُواْ ٱلْفَضْلِ مِنكُمْ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤْتُوٓاْ
و خدا شنوا و داناست. (۲۱) آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند
أُوْلِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلْيَعْفُواْ
نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛
وَلْيَصْفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَكُمْۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢﴾ إِنَّ
آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را بیامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۲)
ٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْغَٰفِلَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِى ٱلدُّنْيَا
کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خبر (از هر گونه آلودگی) و مؤمن را متهم می‌سازند، در دنیا
وَٱلْءَاخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ
و آخرت از رحمت الهی دور شدند و عذاب سختی برای آنهاست. (۲۳) در روزی که زبانها و دستها
وَأَرْجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلْحَقَّ
و پاهایشان بر ضدّ آنها بر اعمالی که مرتکب می‌شدند گواهی می‌دهد. (۲۴) آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی کم و کاست می‌دهد؛
وَيَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ ٱلْخَبِيثَٰتُ لِلْخَبِيثِينَ
و می‌دانند که خداوند حقّ آشکار است. (۲۵) زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند،
وَٱلْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ
و مردان ناپاک از آن زنان ناپاک؛ و زنان پاک از آن مردان پاکند، و مردان پاک از آن زنان پاک!
أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٦﴾
اینان از آنچه که (ناپاکان) به آنان نسبت می‌دهند مبرّا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است. (۲۶)
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدْخُلُواْ بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُواْ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانهٔ خود وارد نشوید تا
وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهْلِهَاۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾
اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکّر شوید. (۲۷)

فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ

و اگر كسي را در آن نيافتيد، وارد آن نشويد تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شود: «بازگرديد!»بازگرديد؛

لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

اين براي شما پاكيزه‌تر است؛ و خداوند به آنچه انجام مي‌دهيد دانا است.

(۲۸) لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ

(۲۸) (ولي) هيچ گناهي بر شما نيست كه وارد خانه‌هاي غير مسكوني بشويد كه در آن متاعي متعلّق به شما وجود دارد؛

لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲۹) قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ

و خدا آنچه را آشكار مي‌كنيد و آنچه را پنهان مي‌داريد، مي‌داند. (۲۹) به مؤمنان بگو

يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ

چشمهاي خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گيرند، و دامان خود را (از بي عفتي) حفظ كنند؛ اين براي آنان پاكيزه‌تر است؛

خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

خداوند به آنچه انجام مي‌دهند آگاه است. (۳۰) و به زنان با ايمان بگو چشمهاي خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گيرند،

وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

و دامان خويش را (از بي عفتي) حفظ كنند و زينت خود را ـ جز آن مقدار از آنان كه نمايان است ـ آشكار ننمايند،

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا

و (اطراف) روسري‌هاي خود را بر سينهٔ خود افكنند (تا گردن و سينه با آن پوشانده شود)، وزينت خود را آشكار نسازند

لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ

مگر براي شوهرانشان، يا پدرانشان، يا پدران شوهرانشان، يا پسرانشان،

أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي

يا پسران همسرانشان، يا برادرانشان، يا پسران برادرانشان، يا پسران

أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ

خواهرانشان، يا زنان هم كيششان، يا بردگانشان [= كنيزانشان]، يا مردان سفيه وابسته (به آنها)

غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ

كه تمايلي به زن ندارند، يا كودكاني كه از امور جنسي مربوط به زنان آگاه نيستند؛

عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ

و (به زنان با ايمان بگو: هنگام راه رفتن) پاهاي خود را به زمين نزنند تا زينتِ پنهانيشان دانسته شود

وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)

(و صداي خلخال كه برپا دارند به گوش رسد). و اي مؤمنان همگي به سوي خدا بازگرديد، تا رستگار شويد. (۳۱)

وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند،

إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾

خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است. (۳۲)

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند.

يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ

و آن بردگانتان که خواستار قرار داد برای آزادی هستند، با آنان قرارداد ببندید اگر صلاحیت (زندگی مستقل را)

خَيْرًا ۖ وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۚ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ

در آنان احساس می‌کنید؛ و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید. و کنیزان خود را برای دستیابی شما به متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به

عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَمَن يُكْرِههُّنَّ

خودفروشی نکنید. (به خصوص) اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند. و هرکس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد، و توبه کند) خداوند بعد از

فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ

این اجبار کردن آنها آمرزنده و مهربان است.(۳۳) ما بر شما آیاتی روشنگر فرستادیم،

مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾

اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران. (۳۴)

۞ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۖ

خداوند نور آسمانها و زمین است؛ و مَثَل نورش همانند چراغدانی است که در آن‌چراغی (پرفروغ) باشد،

الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۖ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ

آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی (شفاف و درخشنده) همچون ستاره‌ای فروزان، چراغی که افروخته می‌شود از (روغن) درخت

مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ

پربرکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی؛ روغنش (آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون

تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ ۗ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللَّهُ

تماس با آتش شعله‌ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛و خدا هرکس را بخواهد با نور خود هدایت می‌کند، و خدا

الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن

برای مردم مثلها می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست. (۳۵) (این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی‌قرار دارد که خداوند اذن فرموده (دیواره‌های)

تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾

آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین در امان باشد)؛ و در آنها نام خدا برده شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او گویند.(۳۶)

رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَٰرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ

مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز

ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلْقُلُوبُ وَٱلْأَبْصَٰرُ ﴿٣٧﴾ لِيَجْزِيَهُمُ

و ادای زکات غافل نمی‌کند؛ آنها از روزی می‌ترسند که در آن،دلها و چشمها دگرگون می‌شود. (۳۷) (آنها چنین می‌کنند)

ٱللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا۟ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ

تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد، و از فضل خود بر (پاداش) آنها بیفزاید؛ و خداوند به هرکس بخواهد بی‌حساب روزی

حِسَابٍ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَعْمَٰلُهُمْ كَسَرَابٍۭ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ

می‌دهد (و از مواهب بی‌انتهای خویش بهره‌مند می‌سازد). (۳۸) کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه (از دور) آن

ٱلظَّمْـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمْ يَجِدْهُ شَيْـًٔا وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ

را آب می‌پندارد؛ امّا هنگامی که به سراغ آن می‌آید چیزی نمی‌یابد، و خدا را نزد آن می‌یابد که حساب او را بطور

فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥ ۗ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿٣٩﴾ أَوْ كَظُلُمَٰتٍ فِى بَحْرٍ لُّجِّىٍّ

کامل می‌دهد؛ و خداوند سریع‌الحساب است. (۳۹) یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق

يَغْشَىٰهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِۦ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِۦ سَحَابٌ ۚ ظُلُمَٰتٌۢ بَعْضُهَا

و پهناور که موجی آن را پوشانده، و بر فراز آن موج‌دیگری،و بر فراز آن ابری تاریک است؛

فَوْقَ بَعْضٍ إِذَآ أَخْرَجَ يَدَهُۥ لَمْ يَكَدْ يَرَىٰهَا ۗ وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورًا

ظلمتهایی است یکی بر فراز دیگری، (آن گونه که) هرگاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده،

فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

هیچ نوری برای او نیست. (۴۰) آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می‌گویند،

وَٱلطَّيْرُ صَٰٓفَّٰتٍ ۖ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسْبِيحَهُۥ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِمَا

و همچنین پرندگان به‌هنگامی‌که‌برفراز آسمان بال گسترده‌اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌داند؛ و خداوند به آنچه انجام

يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿٤٢﴾

می‌دهند داناست. (۴۱) و از برای خداست حکومت و مالکیت آسمانها و زمین؛ و بازگشت (همه) به سوی اوست. (۴۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزْجِى سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُۥ ثُمَّ يَجْعَلُهُۥ رُكَامًا فَتَرَى ٱلْوَدْقَ

آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس میان آنها پیوند می‌دهد، و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، می‌بینی که (دانه‌های)

يَخْرُجُ مِنْ خِلَٰلِهِۦ وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٍ فِيهَا مِنۢ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن

باران از لابه لای آن خارج می‌شود؛ و از آسمان ـ از کوههایی در آن [= ابرهایی به شکل کوه] ـ دانه‌های تگرگ نازل می‌کند، و هر کس را بخواهد

يَشَآءُ وَيَصْرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُ ۖ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِۦ يَذْهَبُ بِٱلْأَبْصَٰرِ ﴿٤٣﴾

بوسیلهٔ آن زیان می‌رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می‌کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها، بینایی) چشمها را ببرد! (۴۳)

يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُو۟لِى ٱلْأَبْصَٰرِ ﴿٤٤﴾ وَٱللَّهُ

خداوند شب و روز را دگرگون (و جابه جا) می‌کند؛ به یقین در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت. (۴۴) و خداوند

خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّن مَّآءٍ ۖ فَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰ بَطْنِهِۦ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰ

هر جنبنده‌ای را ازآبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود،

رِجْلَيْنِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰٓ أَرْبَعٍ ۚ يَخْلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ

و گروهی بر چهارپا راه می‌روند؛ خداوند آنچه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر

كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ لَّقَدْ أَنزَلْنَآ ءَايَٰتٍ مُّبَيِّنَٰتٍ ۚ وَٱللَّهُ يَهْدِى مَن

همه چیز تواناست. (۴۵) ما آیات روشنگری نازل کردیم؛ و خدا هر که را بخواهد (و شایسته باشد)

يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ

به راه راست هدایت می‌کند. (۴۶) آنها می‌گویند: «به خدا و پیامبر ایمان آورده‌ایم

وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۚ وَمَآ أُو۟لَٰٓئِكَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ

و اطاعت کرده‌ایم.» ولی بعد از این (ادعا)، گروهی از آنان رویگردان می‌شوند؛ آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند.

﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم مُّعْرِضُونَ

(۴۷) و هنگامی که به سوی خدا وپیامبرش دعوت شوند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می‌شوند.

﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلْحَقُّ يَأْتُوٓا۟ إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ

(۴۸) ولی اگر آنها حقی داشته باشند (و داوری به نفع آنها باشد) با سرعت و تسلیم به سوی او می‌آیند. (۴۹) آیا در دلهای آنان بیماری است،

ٱرْتَابُوٓا۟ أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُۥ ۚ بَلْ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ

یا شک و تردید دارند، یا می‌ترسند خدا و پیامبرش بر آنان ستم کنند؟! (چنین نیست)، بلکه آنها خودشان

ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ

ستمکارند. (۵۰) سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و پیامبرش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند،

لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا۟ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾

تنها (و در هر حال) این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و اینها همان رستگاران (واقعی) هستند. (۵۱)

وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخْشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند،و از خدا بترسد و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان (واقعی) هستند.

﴿٥٢﴾ ۞ وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ ۖ قُل

(۵۲) آنها با نهایت تأکید به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (به سوی میدان جهاد) بیرون می‌روند (و حاضرند

لَّا تُقْسِمُوا۟ ۖ طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

از مال و جان خود چشم بپوشند)؛ بگو: «سوگند یاد نکنید؛ شما اطاعت شایسته داشته باشید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» (۵۳)

قُلْ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ

بگو: «اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر (خدا) را؛ و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول تکالیف خویش است

وَعَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ ۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا۟ ۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا

و شما مسؤول تکالیف خود؛ و اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز

ٱلْبَلَٰغُ ٱلْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ

ابلاغ آشکار نیست.» (۵۴) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ كَمَا ٱسْتَخْلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید؛

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ ٱلَّذِى ٱرْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ

و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را

أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِى لَا يُشْرِكُونَ بِى شَيْـًٔا ۚ وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ

به امنیت و آرامش مبدّل می‌کند، (بگونه‌ای) که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد. و کسانی که پس از آن کافر

فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ

شوند، آنها همان فاسقانند. (۵۵) و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید،

وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾ لَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟

و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید. (۵۶) گمان مبر کافران می‌توانند

مُعْجِزِينَ فِى ٱلْأَرْضِ ۚ وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ ۖ وَلَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾

از مجازات الهی در زمین فرار کنند. جایگاه آنان آتش است، و چه بد سرانجامی است! (۵۷)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لِيَسْتَـْٔذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ وَٱلَّذِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کسانی از شما

لَمْ يَبْلُغُوا۟ ٱلْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٍ ۚ مِّن قَبْلِ صَلَوٰةِ ٱلْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ

که به حدّ بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که

ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعْدِ صَلَوٰةِ ٱلْعِشَآءِ ۚ ثَلَٰثُ عَوْرَٰتٍ لَّكُمْ ۚ

لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه (وقت خصوصی) برای خلوت شماست؛

لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌۢ بَعْدَهُنَّ ۚ طَوَّٰفُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ

امّا بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید

عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْـَٔايَٰتِ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

(و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، و خداوند دانا و حکیم است. (۵۸)

وَإِذَا بَلَغَ ٱلْأَطْفَٰلُ مِنكُمُ ٱلْحُلُمَ فَلْيَسْتَـْٔذِنُوا۟ كَمَا ٱسْتَـْٔذَنَ ٱلَّذِينَ

و هنگامی که اطفال شما به حد بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که

مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند؛اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است.

﴿٥٩﴾ وَٱلْقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِى لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ

(۵۹) و زنان‌از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست

عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَٰتٍۭ بِزِينَةٍ ۖ

که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، در حالی که (در برابر مردم) خودآرایی نکنند؛

وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٠﴾ لَّيْسَ عَلَى

و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (۶۰)

ٱلْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْمَرِيضِ حَرَجٌ

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار ایرادی نیست (که با شما هم غذا شوند)،

وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا۟ مِنۢ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ

و بر شما نیز ایرادی نیست که از خانه‌های خودتان [=خانه های فرزندان یا همسرانتان که خانهٔ خود شما محسوب می‌شود بدون اجازهٔ خاصّی] غذا بخورید؛ و

ءَابَآئِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَٰتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَٰنِكُمْ أَوْ

همچنین خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا

بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَٰمِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمْ

خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان،

أَوْ بُيُوتِ أَخْوَٰلِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُم

یا خانه‌های داییهایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا خانه‌هایی که

مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوْ صَدِيقِكُمْ ۚ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن

کلیدهایش در اختیار شماست، یا خانه‌های دوستانتان، بر شما ایرادی نیست

تَأْكُلُوا۟ جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا ۚ فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا۟ عَلَىٰٓ

که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید،

أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةً طَيِّبَةً ۚ كَذَٰلِكَ

بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیّتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت‌و پاکیزه.

يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾

این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌کند، باشد که بیندیشید. (۶۱)

۲۵ – سوره الفرقان

إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُوا۟ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمْرٍ

مؤمنان (واقعي) تنها كساني هستند كه به خدا و پيامبرش ايمان آورده‌اند و هنگامي كه در

جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا۟ حَتَّىٰ يَسْتَـْٔذِنُوهُ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَـْٔذِنُونَكَ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ

كار جامع (و مهمّي) با او باشند، بي‌اجازهٔ او جايي نمي‌روند.كساني كه از تو اجازه مي‌گيرند،

يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ فَإِذَا ٱسْتَـْٔذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن

براستي به خدا و پيامبرش ايمان آورده‌اند. در اين صورت، هرگاه براي بعضي كارهاي (مهمّ) خود از تو اجازه بخواهند،

لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمُ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٢﴾

به هر كدام كه مي‌خواهي (و صلاح مي‌بيني) اجازه ده، و برايشان از خدا آمرزش بخواه كه خداوند آمرزنده و مهربان است. (۶۲)

لَّا تَجْعَلُوا۟ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُم بَعْضًا ۚ

دعوت پيامبر (از شما) را در ميان خود، مانند دعوت از يكديگر قرار ندهيد؛

قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ ٱلَّذِينَ

(و از دعوت پيامبر هيچگاه تخلف نكنيد) خداوند كساني از شما را كه پشت سر ديگران پنهان مي‌شوند، و يكي پس از ديگري فرار مي‌كنند مي‌داند.

يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

پس كساني كه فرمان او را مخالفت مي‌كنند، بايد بترسند از اين‌كه فتنه‌اي دامنشان را بگيرد، يا عذابي دردناك به آنها برسد! (۶۳)

أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ قَدْ يَعْلَمُ مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ

آگاه باشيد كه براي خداست آنچه در آسمانها و زمين است؛ او مي‌داندآنچه را كه شما بر آن هستيد، و (مي‌داند) روزي را كه

وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟ ۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌۢ ﴿٦٤﴾

به سوي او بازگردانده مي‌شوند؛ و (در آن روز) آنها را از اعمالي كه انجام دادند آگاه مي‌سازد؛ و خداوند به هر چيزي داناست. (۶۴)

سُورَةُ الفُرْقَان

ترتيبها ۲۵ — آياتها ۷۷

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

تَبَارَكَ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِۦ لِيَكُونَ لِلْعَٰلَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾

زوال‌ناپذير و پربركت است كسي كه قرآن را بر بنده‌اش نازل كرد تا بيم‌دهندهٔ جهانيان باشد. (۱)

ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ

خداوندي كه حكومت آسمانها و زمين از آن اوست، و فرزندي (براي خود) انتخاب نكرده،

يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ فِى ٱلْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَىْءٍ فَقَدَّرَهُۥ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾

و همتايي در حكومت ندارد، و همه چيز را آفريد و به دقت اندازه‌گيري نمود. (۲)

وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـًٔا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا

آنان غیر از خداوند معبودانی (برای خود) برگزیدند؛ که چیزی را نمی‌آفرینند، در حالی که خودشان مخلوقند،

يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرًّا وَلَا نَفۡعًا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتًا وَلَا حَيَوٰةً

نه مالک زیان و سود خویشند، و نه مالک مرگ و حیات و رستاخیز خود.

وَلَا نُشُورًا ﴿٣﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ

(۳) و کافران گفتند: «این (قرآن) فقط دروغی است که او به خدا افترا بسته،

عَلَيۡهِ قَوۡمٌ ءَاخَرُونَۖ فَقَدۡ جَآءُو ظُلۡمًا وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ

و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده‌اند.» آنها (با این سخن،) ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند. (۴) و گفتند:

ٱلۡأَوَّلِينَ ٱكۡتَتَبَهَا فَهِيَ تُمۡلَىٰ عَلَيۡهِ بُكۡرَةً وَأَصِيلًا

«این همان افسانه‌های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می‌شود.»

﴿٥﴾ قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ

(۵) بگو: «کسی آن را نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می‌داند؛ به یقین او (همیشه)

كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٦﴾ وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ

آمرزنده و مهربان بوده است.» (۶) و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟!

ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ لَوۡلَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ

(نه سنّت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا (لا اقل) فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند

مَعَهُۥ نَذِيرًا ﴿٧﴾ أَوۡ يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٌ

(و گواه صدق دعوی او باشد)؟! (۷) یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی‌داشته باشد که از (میوه) آن بخورد

يَأۡكُلُ مِنۡهَاۚ وَقَالَ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا

(و امرار معاش کند)؟!» و ستمکاران گفتند: «شما تنها از مردی افسون شده

مَّسۡحُورًا ﴿٨﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَٰلَ فَضَلُّواْ

پیروی می‌کنید!» (۸) ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند،

فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٩﴾ تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيۡرًا

و توان پیدا کردن راه را ندارند! (۹) زوال‌ناپذیر و پربرکت است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از اینها قرار می‌دهد:

مِّن ذَٰلِكَ جَنَّٰتٍ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَيَجۡعَل لَّكَ قُصُورَۢا

باغهایی که نهرها از پای درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلّل قرار می‌دهد.

﴿١٠﴾ بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾

(۱۰) بلکه (اینها همه بهانه است و) آنان قیامت را تکذیب کرده‌اند؛ و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعله‌ور و سوزان فراهم کرده‌ایم! (۱۱)

إِذَا رَأَتۡهُم مِّن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظٗا وَزَفِيرٗا ﴿١٢﴾ وَإِذَآ

هنگامي كه (اين آتش) آنان را از مكاني دور ببيند، صداي خشم آلودش را كه با نفس زدن شديد همراه است مي‌شنوند. (۱۲) و هنگامي كه

أُلۡقُواْ مِنۡهَا مَكَانٗا ضَيِّقٗا مُّقَرَّنِينَ دَعَوۡاْ هُنَالِكَ ثُبُورٗا ﴿١٣﴾ لَّا

در جاي محدود و تنگي از آن افكنده شوند در حالي كه در غل و زنجيرند، در آنجا فرياد واويلاي آنان بلند مي‌شود! (۱۳)

تَدۡعُواْ ٱلۡيَوۡمَ ثُبُورٗا وَٰحِدٗا وَٱدۡعُواْ ثُبُورٗا كَثِيرٗا ﴿١٤﴾ قُلۡ أَذَٰلِكَ

(به آنان گفته مي‌شود:) امروز يک بار واويلا كم است، بلكه بسيار واويلا بگوييد! (۱۴) (اي پيامبر!) بگو:

خَيۡرٌ أَمۡ جَنَّةُ ٱلۡخُلۡدِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۚ كَانَتۡ لَهُمۡ جَزَآءٗ

«آيا اين بهتر است يا بهشت جاويداني كه به پرهيزگاران وعده داده شده؟! بهشتي كه پاداش اعمال آنها،

وَمَصِيرٗا ﴿١٥﴾ لَّهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ

و سرانجامشان است.» (۱۵) هرچه‌بخواهند در آن‌جا برايشان فراهم است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ اين وعده‌اي است مسلّم كه پروردگارت

وَعۡدٗا مَّسۡـُٔولٗا ﴿١٦﴾ وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ

بر عهده گرفته است. (۱۶) (به خاطر بياور) روزي را كه همهٔ آنان و آنچه را كه غير از خدا مي‌پرستند جمع مي‌كند،

فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ

آنگاه به آنها مي‌گويد: «آيا شما اين بندگان مرا گمراه كرديديا خودشان راه را گم كردند؟!»

﴿١٧﴾ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنۡ

(۱۷) (در پاسخ) مي‌گويند: «منزّهي تو! براي ما سزاوار نبود كه‌غير از تو اوليايي برگزينيم،

أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ

ولي آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودي تا اين‌كه (به جاي شكر نعمت) ياد تو را فراموش كردند

وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا ﴿١٨﴾ فَقَدۡ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا

و همگي تباه و هلاک شدند.» (۱۸) (خداوند به آنان مي‌گويد: ببينيد معبودهايتان،) شما را در آنچه مي‌گوييد تكذيب كردند؛

تَسۡتَطِيعُونَ صَرۡفٗا وَلَا نَصۡرٗاۚ وَمَن يَظۡلِم مِّنكُمۡ نُذِقۡهُ عَذَابٗا

اكنون نمي‌توانيد عذاب الهي را برطرف سازيد، يا از كسي ياري بطلبيد. و هر كس از شما ستم كند، عذاب شديدي

كَبِيرٗا ﴿١٩﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّآ إِنَّهُمۡ

به او مي‌چشانيم! (۱۹) ما هيچ يک از پيامبران را پيش از تو نفرستاديم مگر اين‌كه آنها نيز

لَيَأۡكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشُونَ فِي ٱلۡأَسۡوَاقِۗ وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ

غذا مي‌خوردند و در بازارها (براي تهيه نيازشان) راه مي‌رفتند؛و بعضي از شما را وسيلهٔ امتحان بعضي ديگر قرار داديم،

لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا ﴿٢٠﴾

آيا صبر و شكيبايي مي‌كنيد (و از عهدهٔ امتحان بر مي‌آييد)؟! و پروردگار تو همواره بصير و بينا بوده است.(۲۰)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ
و کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز)، ندارند گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند
أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿٢١﴾
و یا پروردگارمان را با چشم نمی‌بینیم؟!» آنها تکبّر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند! (۲۱)
يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا
(آنها فرشتگان را خواهند دید، امّا) روزی که فرشتگان را می‌بینند، (در آن) روز هیچ بشارتی برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است)؛
مَحْجُورًا ﴿٢٢﴾ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
و می‌گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید.» (امّا سودی ندارد.) (۲۲) و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم، و همه را همچون غباری پراکنده (در
﴿٢٣﴾ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾
هوا) قرار می‌دهیم. (۲۳) بهشتیان در آن روز بهترین جایگاه و نیکوترین استراحتگاه را دارند. (۲۴)
وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ﴿٢٥﴾ الْمُلْكُ
و (همان) روزی که آسمان با ابرها شکافته می‌شود، و فرشتگان پی در پی نازل می‌گردند. (۲۵) حکومت
يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾
در آن روز از آنِ خداوند رحمان است؛ و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود! (۲۶)
وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ
و (همان) روزی که ستمکار دستشان خود را (از شدّت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا)
سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي
راهی برگزیده بودم! (۲۷) ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را به دوستی انتخاب نکرده بودم! (۲۸) او مرا از یادآوری (حق)
عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا
گمراه ساخت بعد از آن‌که (یاد حق) به سراغ من آمده بود.» و شیطان همیشه انسان را تنها و بی یاور می‌گذارد.
﴿٢٩﴾ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا
(۲۹) و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را متروک ساختند.»
﴿٣٠﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ
(۳۰) (آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ امّا همین بس که پروردگارت
هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ
هادی و یاور (تو) باشد. (۳۱) و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟!»
جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٢﴾
این (نزول تدریجی) برای این است که قلب تو را بوسیلهٔ آن محکم داریم، و (از این رو) آن را بتدریج بر تو خواندیم. (۳۲)

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾

آنان هیچ مَثَلی برای تو نمی‌آورند مگر این‌که ما حق و بهترین تفسیر را برای تو می‌آوریم، (و پاسخی قاطع که در برابر آن ناتوان شوند). (۳۳)

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا

(تو را متهم به گمراهی می‌کنند، ولی،) آنان که برصورتهایشان به سوی جهنم محشور می‌شوند، بدترین محل را دارند

وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ

و گمراه‌ترین افرادند. (۳۴) و ما به‌موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و برادرش

أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

هارون را یاور او قرار دادیم؛ (۳۵) و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» (امّا آن مردم به مخالفت برخاستند)

بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ

و ما آنان را به طور کامل هلاک کردیم. (۳۶) و قوم نوح را هنگامی که پیامبران را تکذیب کردند

أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ

غرق نمودیم، و آنان را نشانه و عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمکاران

عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ

عذاب دردناکی فراهم ساخته‌ایم! (۳۷) (همچنین) قوم عادو ثمود و اصحاب رسّ [= گروهی که درختان صنوبر را می پرستیدند] و اقوام

ذَٰلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٨﴾ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا

بسیاری را که در این میان بودند، (هلاک کردیم) (۳۸) و برای هر یک از آنها مَثَلها زدیم؛ و (چون سودی نداد،) همگی را

تَتْبِيرًا ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ ۚ أَفَلَمْ

نابود کردیم. (۳۹) (مشرکان مکّه) از کنار شهری که باران شرّ بر آن باریده بود [= دیار قوم لوط که خداوند آن را سنگباران کرده بود]

يَكُونُوا يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٤٠﴾ وَإِذَا

گذشتند: آیا آن را نمی‌دیدند؟! (آری، می دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتند. (۴۰) و هنگامی

رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا

که تو را می‌بینند، کاری جز مسخره کردن تو ندارند (و می‌گویند:) آیا این همان کسی است که خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟!

إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۚ

(۴۱) اگر ما بر (پرستش) معبودهایمان استقامت نمی‌کردیم، بیم آن می‌رفت که ما را گمراه سازد!

وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾

امّا هنگامی که عذاب الهی را ببینند، بزودی می‌فهمند چه کسی گمراه‌تر بوده است! (۴۲)

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می‌توانی به دفاع از او برخیزی (و او را هدایت کنی)؟! (۴۳)

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ إِلَّا

آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط همچون

كَالْأَنْعَامِ ۖ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ

چهارپایانند، بلکه گمراهترند. (۴۴) آیا ندیدی چگونه پروردگارت

الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می‌خواست آن را ساکن قرار می‌داد؛ سپس خورشید را دلیلی بر آن قرار دادیم.

﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

(۴۵) سپس آن را آهسته جمع می‌کنیم (و نظام حیات بخش سایه و آفتاب را حاکم می‌سازیم). (۴۶) او کسی است که شب را برای شما

اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ الَّذِي

پوشش قرار داد، و خواب را مایهٔ استراحت، و روز را وسیلهٔ حیات (و حرکت). (۴۷) او کسی است که

أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

بادها را بشارتگرانی پیش از (باران) رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم،

طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا

(۴۸) تا بوسیلهٔ آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم؛ و آن را به مخلوقاتی که آفریده‌ایم - چهار پایان و

وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ

انسانهای بسیار - بنوشانیم. (۴۹) ما این آیات را بصورتهای گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکّر شوند، ولی بیشتر

النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا

مردم از هر کاری جز انکار و کفر ابا دارند. (۵۰) و اگر می‌خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم‌دهنده‌ای برمی‌انگیختیم (ولی این کار لزومی نداشت.)

﴿٥١﴾ فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

(۵۱) بنابراین از کافران اطاعت مکن، و بوسیلهٔ قرآن با آنان مبارزه و جهاد بزرگی بنما.

﴿٥٢﴾ ۞ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ

(۵۲) او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرارداد؛ این گوارا و شیرین، و آن شور و تلخ؛

وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ

و در میان آنها برزخی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند گویی هر یک به دیگری می‌گوید:) دور باش و نزدیک نیا! (۵۳) او کسی است که از آب، انسانی را

بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ

آفرید؛ سپس او را (دارای) نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است. (۵۴) و آنان جز خدا

دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان سودی می‌رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند. (۵۵)

وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾ قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

(ای پیامبر!)ما تو را جز بشارت دهنده و بیم دهنده نفرستادیم. (۵۶) بگو:«من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) از شما هیچ گونه پاداشی نمی‌طلبم؛

أَجْرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَىِّ

مگر کسی که بخواهدراهی به سوی پروردگارش برگزیند (و این پاداش من است.)» (۵۷) و توکّل کن بر آن زنده‌ای

ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِۦ ۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا

که هرگز نمی‌میرد؛ و تسبیح و حمد او را بگو؛ و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است.

﴿٥٨﴾ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

(۵۸) همان کسی که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز[= شش دوران] آفرید؛

ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ ۚ ٱلرَّحْمَٰنُ فَسْـَٔلْ بِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ

سپس بر عرش (قدرت و تدبیر جهان هستی) قرار گرفت، او خداوندِ رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است. (۵۹) و هنگامی که به

لَهُمُ ٱسْجُدُوا۟ لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا۟ وَمَا ٱلرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ

آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید.» می‌گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلاً رحمان را نمی‌شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما

نُفُورًا ۩ ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ ٱلَّذِى جَعَلَ فِى ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا

دستور می‌دهی؟!» (این سخن را می‌گویند) و بر نفرتشان افزوده می‌شود. (۶۰) زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که در آسمان منزلگاههایی برای ستارگان

سِرَٰجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ خِلْفَةً

قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن (خورشید) و ماه تابان آفرید. (۶۱) و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که

لِّمَنْ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ ٱلرَّحْمَٰنِ

بخواهد متذکّر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس). (۶۲) بندگان (خاصّ) خداوند رحمان، کسانی هستند

ٱلَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى ٱلْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلْجَٰهِلُونَ

که آرام و بی تکبّر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند

قَالُوا۟ سَلَٰمًا ﴿٦٣﴾ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَٰمًا ﴿٦٤﴾

(و با بزرگواری می‌گذرند)؛ (۶۳) کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند؛ (۶۴)

وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۖ إِنَّ عَذَابَهَا

و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است.

كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ

(۶۵) به یقین جهنم، بد جایگاه و بد محلّ اقامتی است!» (۶۶) و کسانی که هر گاه انفاق کنند،

أَنفَقُوا۟ لَمْ يُسْرِفُوا۟ وَلَمْ يَقْتُرُوا۟ وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

نه اسراف و زیاده روی دارند و نه سختگیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند. (۶۷)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي

و كساني كه معبود ديگري را با خداوند نمي‌خوانند؛ و انساني را كه خداوند خونش را حرام شمرده،

حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا

جز بحق نمي‌كشند؛ و زنا نمي كنند؛ و هر كس چنين كند، مجازات سختي خواهد ديد!

﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾

(۶۸) عذاب او در روز قيامت مضاعف مي‌گردد، و هميشه با خواري در آن خواهد ماند. (۶۹)

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ

مگر كساني كه توبه كنند و ايمان آورند و عمل صالح انجام دهند، كه خداوند سيئات آنان را به حسنات مبدّل مي‌كند؛

سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَن تَابَ

و خداوند هماره آمرزنده و مهربان بوده است. (۷۰) و كسي كه توبه كند

وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا

و عمل صالح انجام دهد،به سوي خدا بازگشت مي‌كند(و پاداش خود را از او مي‌گيرد). (۷۱) و كساني كه شهادت به

يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ

باطل نمي‌دهند (و در مجالس باطل شركت نمي‌كنند)؛ و هنگامي كه با لغو و بيهودگي برخورد كنند،بزرگوارانه از آن مي‌گذرند. (۷۲) و كساني كه

إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾

هر گاه آيات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، كر و كور روي آن نمي‌افتند. (۷۳)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ

و كساني كه مي‌گويند: «پروردگارا! همسران و فرزندانمان را مايهٔ روشني

أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ

چشم ما قرار ده، و ما را پيشوايي براي پرهيزگاران گردان.» (۷۴) (آري،) آنها هستند كه در برابر

الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾

شكيباييشان درجات عالي بهشت به آنان پاداش داده مي‌شود؛ و در آن، با تحيّت و سلام رو به رو مي‌شوند. (۷۵)

خَالِدِينَ فِيهَا ۚ حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ

در حالي كه جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محل اقامت نيكويي! (۷۶) بگو: «پروردگارم براي شما ارزشي قائل نيست

رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

اگر دعاي شما نباشد؛ شما (آيات خدا و پيامبران را) تكذيب كرديد، و (اين عمل دامان شما را خواهد گرفت و) از شما جدا نخواهد شد.» (۷۷)

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

آياتها ٢٢٧ — ترتيبها ٢٦

۲۶ – سوره الشعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

طسٓمٓ ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا

طسم. (۱) این آیات کتاب روشنگر است. (۲) گویی می‌خواهی جان خود را از شدّت اندوه از دست دهی بخاطر

يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ أَعْنَٰقُهُمْ

این‌که آنها ایمان نمی‌آورند! (۳) اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن

لَهَا خَٰضِعِينَ ﴿٤﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهُ

(بی اختیار) خاضع گردد. (۴) و هیچ یادآوری تازه‌ای از سوی خداوند رحمان برای آنها نمی‌آید مگر این‌که از آن

مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا۟ فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ

رویگردان می‌شوند. (۵) آنان تکذیب کردند؛ امّا بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می‌کردند به آنان می‌رسد!

﴿٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ فِى

(۶) آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چه قدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟! (۷)

ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ

در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا)؛ ولی‌بیشترشان هرگز مؤمن نبوده‌اند. (۸) و پروردگار تو توانا و مهربان است.

﴿٩﴾ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ

(۹) (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمکار برو، (۱۰) (همان) قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان

أَلَا يَتَّقُونَ ﴿١١﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِى

پروردگار) پرهیز نمی‌کنند؟! (۱۱) (موسی) گفت: «پرورگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند! (۱۲) و سینه‌ام تنگ می‌شود، و زبانم

وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَٰرُونَ ﴿١٣﴾ وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ

(بقدر کافی) گویا نیست؛ (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند). (۱۳) و آنان (به اعتقاد خودشان)بر گردن‌من گناهی دارند؛ می ترسم مرا بکشند

أَن يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾ قَالَ كَلَّا ۖ فَٱذْهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآ ۖ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ

(و این رسالت به پایان نرسد)!» (۱۴) فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی‌توانند انجام دهند)، شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما

﴿١٥﴾ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا

هستیم و (سخنانتان را) می‌شنویم. (۱۵) به سراغ فرعون بروید و بگویید: «ما فرستادهٔ پروردگارجهانیان هستیم؛ (۱۶) بنی‌اسرائیل‌رابامابفرست.»

بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿١٧﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

(آنها به سراغ فرعون آمدند)؛ (۱۷) (فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی‌از زندگیت را در میان ما نبودی؟!

﴿١٨﴾ وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِى فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٩﴾

(۱۸) و سرانجام، آن کارت را (که نمی‌بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسان بودی!» (۱۹)

قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی‌خبران بودم. (۲۰) و چون از شما ترسیدم از میان شما فرار کردم؛

فَوَهَبَ لِى رَبِّى حُكْمًا وَجَعَلَنِى مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا

و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، ومرا از پیامبران قرار داد. (۲۱) آیا این که بنی‌اسرائیل را

عَلَىَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٣﴾

بردهٔ خود ساخته‌ای، نعمتی است که منت آن را بر من می‌گذاری؟!» (۲۲) فرعون گفت: «پروردگار جهانیان چیست؟!» (۲۳)

قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر خواهان یقین هستید.» (۲۴) (فرعون)

لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾

به اطرافیانش گفت: «آیا نمی‌شنوید (این مرد چه می‌گوید)؟!» (۲۵) (موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.» (۲۶)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِىٓ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ

(فرعون) گفت: «(این) پیامبری که به سوی شما فرستاده شده به یقین دیوانه است.» (۲۷) (موسی)گفت: «او پروردگار مشرق

وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِى

و مغرب و آنچه میان آن دو است می‌باشد، اگر شما عقل‌واندیشهٔ خود را به‌کار می‌گرفتید.» (۲۸) (فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من

لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَىْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

برگزینی، مسلماً تو را از زندانیان قرار خواهم داد!» (۲۹) (موسی) گفت: «حتی اگر نشانهٔ آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!» (۳۰)

قَالَ فَأْتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ

گفت: «اگر راست می‌گویی آن را بیاور!» (۳۱) در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان

ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَإِ

اژدهای آشکاری شد؛ (۳۲) و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و نورانی بود. (۳۳) (فرعون) به گروهی که اطراف او

حَوْلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم

بودند گفت: «این ساحری ماهر و دانا است! (۳۴) او می‌خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند؛

بِسِحْرِهِۦ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَٱبْعَثْ فِى ٱلْمَدَآئِنِ

شما چه نظر می‌دهید؟» (۳۵) گفتند: «او و برادرش را مهلت ده؛ و مأموران را برای گردآوری (ساحران) به تمام شهرها

حَٰشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ

اعزام کن، (۳۶) تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند.» (۳۷) سرانجام ساحران برای وعده‌گاهِ

لِمِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

روز معیّنی جمع‌آوری شدند. (۳۸) و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می‌کنید، (۳۹)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!» (۴۰) هنگامی که ساحران آمدند،

قَالُواْ لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ

به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمّی خواهیم داشت؟» (۴۱) گفت: «آری، و در آن صورت مسلماً شما

إِذًا لَّمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُواْ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْاْ

از مقرّبان خواهید بود.» (۴۲) (روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند؛) موسی به ساحران گفت: «آنچه (از وسایل سحر) می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید!» (۴۳)

حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَىٰ

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «سوگند به عزّت فرعون که ما به یقین پیروزیم!» (۴۴) سپس

مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾ فَأُلْقِىَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ

موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید. (۴۵) در این هنگام همهٔ ساحران به سجده افتادند.

﴿٤٦﴾ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿٤٨﴾ قَالَ

(۴۶) گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (۴۷) پروردگار موسی و هارون.» (۴۸) (فرعون) گفت:

ءَامَنتُمْ لَهُۥ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ

«آیا پیش از این‌که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! به یقین او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)!

فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ

امّا بزودی خواهید دانست! دستها و پاهای شما را بعکس یکدیگر (دست راست با پای چپ یا به عکس) قطع می‌کنم، و همهٔ شما را به دار می‌آویزم!»

أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُواْ لَا ضَيْرَ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَن

(۴۹) گفتند: «مهمّ نیست، (هر کاری از دستت ساخته است بکن)؛ ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. (۵۰) ما امیدواریم که

يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ ۞ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ

پروردگارمان خطاهای ما را بیامرزد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم.» (۵۱) و به موسی وحی کردیم که

مُوسَىٰٓ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِىٓ إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى ٱلْمَدَآئِنِ

شبانه بندگانم را (از مصر با خود) ببر، زیرا شما مورد تعقیب هستید. (۵۲) فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) مأموران گردآوری نیرو را به شهرها

حَٰشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا

فرستاد، (۵۳) (و گفت:) به یقین اینها گروهی اندکند؛ (۵۴) و اینها ما را به خشم آورده‌اند؛ (۵۵) و ما همگی

لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

آمادهٔ پیکاریم. (۵۶) (سرانجام فرعونیان مغلوب شدند،) و ما آنها را از باغها و چشمه‌ها بیرون راندیم، (۵۷) وازگنجهاوقصرهای مجلّل

﴿٥٨﴾ كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَٰهَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾ فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

(۵۸) (آری،) اینچنین کردیم؛ و بنی‌اسرائیل را وارث آنها ساختیم. (۵۹) آنان (به تعقیب بنی‌اسرائیل پرداختند، و) به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند. (۶۰)

فَلَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّا

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما (در چنگال فرعونیان) گرفتار شدیم!» (۶۱) (موسی) گفت: «چنین نیست!

إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ

به یقین پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد.» (۶۲) و به دنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن.»

الْبَحْرَ ۖ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا

(او چنین کرد) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی شد! (۶۳) و دیگران [= لشکر فرعون]

ثَمَّ الْآخَرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا

را نیز به دریا نزدیک ساختیم. (۶۴) و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم. (۶۵) سپس دیگران را

الْآخَرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ

غرق کردیم. (۶۶) دراین ماجرا، نشانهٔ روشنی بود ولی بیشترشان ایمان نیاوردند؛ (چرا که طالب حق نبودند). (۶۷) و پروردگارت

رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ

شکست‌ناپذیر و مهربان است. (۶۸) و بر آنان سرگذشت ابراهیم را بخوان، (۶۹) هنگامی که به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش آزر بود]

لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ

و قوم او گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!» (۷۰) گفتند: «بتهایی را می‌پرستیم، و پیوسته ملازم عبادت آنهاییم.»

﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

(۷۱) گفت: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما رامی‌شنوند؟! (۷۲) یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!»

﴿٧٣﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُم مَّا كُنتُمْ

(۷۳) گفتند: «ما پدران خود را یافتیم که چنین می‌کنند.» (۷۴) گفت: «آیا خبر دارید (این) چیزهایی را که پیوسته

تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي

پرستش می‌کردید، (۷۵) شما و پدران پیشین شما، (۷۶) همهٔ آنها دشمن من هستند

إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾ وَالَّذِي هُوَ

(و من دشمن آنها)، مگرپروردگار جهانیان. (۷۷) همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنماییم می‌کند، (۷۸) و کسی که مرا

يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ وَالَّذِي

غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید، (۷۹) و هنگامی که‌بیمار شوم مرا شفا می‌دهد، (۸۰) و کسی که

يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ

مرا می‌میراند و سپس زنده می‌کند، (۸۱) و کسی که امید دارم خطایم را در روز جزا

الدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾

بیامرزد. (۸۲) پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن. (۸۳)

وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ
و برای من در میان امتهای آینده، نام نیکی قرار ده. (۸۴) و مرا از وارثان بهشت پر
ٱلنَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ
نعمت گردان. (۸۵) و پدرم [= عمویم] را بیامرز،که او از گمراهان بود. (۸۶) و در آن روز که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن.
يُبۡعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ
(۸۷) در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، (۸۸) مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.»
﴿٨٩﴾ وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِلۡغَاوِينَ ﴿٩١﴾ وَقِيلَ
(۸۹) (در آن روز،) بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌شود، (۹۰) و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌گردد، (۹۱) و به آنان
لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ أَوۡ يَنتَصِرُونَ
گفته می‌شود: «کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می‌کردید، (۹۲) (معبودهایی) غیر از خدا؟! آیا آنها شما را یاری می‌کنند، یا کسی به یاری آنها
﴿٩٣﴾ فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ أَجۡمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُواْ
می‌آید؟!» (۹۳) پس همهٔ آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می‌شوند؛ (۹۴) و (همچنین) همگی لشکریان ابلیس. (۹۵) آنها در آن‌جا
وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذۡ
در حالی که به مخاصمه برخاسته‌اند می‌گویند: (۹۶) «به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (۹۷)
نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا مِن
چون شما را با پروردگار جهانیان برابر می‌شمردیم! (۹۸) و کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد. (۹۹) (افسوس که امروز)
شَٰفِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ ﴿١٠١﴾ فَلَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
شفاعت‌کنندگانی برای ما وجود ندارد، (۱۰۰) و نه دوست گرم و پر محبتی. (۱۰۱) ای کاش بار دیگر باز می‌گشتیم تا از مؤمنان باشیم!»
﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ
(۱۰۲) به یقین در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۰۳) و پروردگار تو
ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ
توانا و مهربان است. (۱۰۴) قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند، (۱۰۵) هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت:
نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٠٧﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٠٨﴾
«آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۰۶) به یقین من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۰۷) تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید. (۱۰۸)
وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٩﴾
من برای این (دعوت،) هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است. (۱۰۹)
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١١٠﴾ ۞ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلۡأَرۡذَلُونَ ﴿١١١﴾
پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.» (۱۱۰) گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی‌ارزش از تو پیروی کرده‌اند؟!» (۱۱۱)

الحزب ۳۸

قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي

(نوح) گفت: «من چه می‌دانم آنها چه کاری انجام می‌داده‌اند! (۱۱۲) حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر

لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿١١٥﴾

شما می‌فهمیدید. (۱۱۳) و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد. (۱۱۴) من تنها بیم‌دهنده‌ای آشکارم.» (۱۱۵)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي

گفتند: «ای نوح! اگر (از ادعاهای خود) دست برنداری، سنگسار خواهی شد.» (۱۱۶) گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا

كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

تکذیب کردند. (۱۱۷) اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن؛ و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش.»

﴿١١٨﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ

(۱۱۸) ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پُر (از انسان و انواع حیوانات) بود، رهایی بخشیدیم. (۱۱۹) سپس باقیماندگان را غرق‌کردیم.

﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ

(۱۲۰) در این ماجرا نشانهٔ روشنی بود؛ امّا بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۲۱) و پروردگار تو

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ

توانا و مهربان است. (۱۲۲) قوم عاد (نیز) پیامبران را تکذیب کردند، (۱۲۳) هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت:

هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ

«آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۲۴) به یقین من برای شما پیامبری‌امین هستم. (۱۲۵) پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید.

﴿١٢٦﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ

(۱۲۶) من در برابر این دعوت، هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است.

﴿١٢٧﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ

(۱۲۷) آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟! (۱۲۸) و قصرهای محکم (و قلعه‌های زیبا) بنا می‌کنید

لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ

به امید اینکه (در دنیا) جاودانه بمانید؟! (۱۲۹) و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جبّاران کیفر می‌دهید! (۱۳۰) پس تقوای الهی پیشه کنید

وَأَطِيعُونِ ﴿١٣١﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ

و مرا اطاعت نمایید. (۱۳۱) و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می‌دانید یاری کرده؛ (۱۳۲) شما را به چهارپایان

وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

و نیز پسران (برومند) امداد فرموده؛ (۱۳۳) و (همچنین) به باغها و چشمه‌ها. (۱۳۴) (اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی

عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

بزرگ می‌ترسم.» (۱۳۵) (قوم عاد) گفتند: «برای ما تفاوت نمی‌کند، چه ما را اندرز دهی یا ندهی؛ (ما به تو ایمان نمی‌آوریم).(۱۳۶)

إِنْ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ

این همان روش و اخلاق پیشینیان است. (۱۳۷) و ما هرگز مجازات نخواهیم شد.» (۱۳۸) آنان هود را تکذیب کردند،

فَأَهْلَكْنَٰهُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ وَإِنَّ

ما هم نابودشان کردیم؛ و در این، ماجرا نشانهٔ روشنی بود؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۳۹) و به یقین

رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ

پروردگار تو توانا و مهربان است. (۱۴۰) قوم ثمود (نیز) پیامبران راتکذیب کردند، (۱۴۱) هنگامی که

أَخُوهُمْ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ

برادرشان صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۴۲) من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۴۳) پس تقوای الهی پیشه کنید

وَأَطِيعُونِ ﴿١٤٤﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ

و مرا اطاعت نمایید. (۱۴۴) من در برابر این (دعوت،) پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ پاداش من تنها بر پروردگار

ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾ فِي جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ

جهانیان است. (۱۴۵) آیا (شما فکر می‌کنید) همیشه در نهایت امنیّت در نعمتهایی که این‌جاست می‌مانید، (۱۴۶) در این باغها و چشمه‌ها،

﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾ وَتَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ

(۱۴۷) در میان کشتزارها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟! (۱۴۸) و از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید،

بُيُوتًا فَٰرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٥٠﴾ وَلَا تُطِيعُوٓا۟ أَمْرَ ٱلْمُسْرِفِينَ

و در آن به عیش و نوش می‌پردازید. (۱۴۹) پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید. (۱۵۰) وفرمان مسرفان را اطاعت نکنید.

﴿١٥١﴾ ٱلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوٓا۟ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ

(۱۵۱) همان کسانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.» (۱۵۲) گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون‌شدگانی

ٱلْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِـَٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ

(و عقل خود را از دست داده‌ای.) (۱۵۳) تو فقط بشری همچون مایی؛ اگر راست می‌گویی معجزه

ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ هَٰذِهِۦ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

و نشانه‌ای بیاور.» (۱۵۴) گفت: «این ناقه‌ای است که (معجزهٔ الهی است) برای او سهمی از آب (قریه)، و برای شما سهم روز معیّنی است.

﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا

(۱۵۵) هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت.» (۱۵۶) سرانجام (بر آن ناقه حمله نموده) آن را از پای در آوردند،

فَأَصْبَحُوا۟ نَٰدِمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ ٱلْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا

سپس از کردهٔ خود پشیمان شدند. (۱۵۷) و عذاب الهی آنان را فرا گرفت؛ در این ماجرا نشانهٔ روشنی بود؛

كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۵۸) و پروردگار تو توانا و مهربان است. (۱۵۹)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾
قوم لوط (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. (۱۶۰) هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۶۱)
إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٦٣﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ
من برای شما پیامبری‌امین هستم. (۱۶۲) پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید. (۱۶۳) من دربرابراین (دعوت،)
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٤﴾ أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ
هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم، پاداش من فقط برپروردگار جهانیان است. (۱۶۴) آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید
مِنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَٰجِكُم بَلْ أَنتُمْ
(و همجنس بازی پیشه می‌کنید.) (۱۶۵) و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می‌کنید؟! حقّا شما
قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ
قوم تجاوزگر (و زشت‌کاری) هستید!» (۱۶۶) گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین تو را (از شهر) بیرون خواهیم کرد.»
﴿١٦٧﴾ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ
(۱۶۷) گفت: «من از دشمنان سرسخت عمل (پلید) شما هستم. (۱۶۸) پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می‌دهند رهایی بخش.»
﴿١٦٩﴾ فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ
(۱۶۹) ما او و تمامی خاندانش رانجات دادیم، (۱۷۰) جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود. (۱۷۱) سپس
دَمَّرْنَا ٱلْءَاخَرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿١٧٣﴾
دیگران را هلاک کردیم. (۱۷۲) و بارانی (از سنگ) بر آنها فرو ریختیم؛ چه بد بود باران انذار شدگان! (۱۷۳)
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ
در این ماجرا نشانه (و عبرتی) بود؛ امّا بیشترشان مؤمن نبودند. (۱۷۴) و پروردگار تو توانا
ٱلرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ لْـَٔيْكَةِ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ
و مهربان است. (۱۷۵) اصحاب «ایکه» [= صاحبان سرزمینهای پردرخت] پیامبران را تکذیب کردند. (۱۷۶) هنگامی که شعیب به آنها گفت:
أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٧٩﴾ وَمَآ
«آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۷۷) به یقین من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۷۸) پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید. (۱۷۹)
أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٨٠﴾ ۞ أَوْفُواْ
من در برابر این (دعوت،) هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ پاداش من تنهابر پروردگار جهانیان است. (۱۸۰) حق پیمانه را ادا کنید
ٱلْكَيْلَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُواْ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ
(و کم فروشی نکنید)، و به دیگران زیان نرسانید. (۱۸۱) و با ترازوی صحیح وزن کنید.
﴿١٨٢﴾ وَلَا تَبْخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْاْ فِي ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾
(۱۸۲) و از اموال مردم چیزی کم نگذارید، و در زمین به فساد نکوشید. (۱۸۳)

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۸۴﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ

از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!» (۱۸۴) آنها گفتند: «تو فقط از

الْمُسَحَّرِينَ ﴿۱۸۵﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

افسون شدگانی (۱۸۵) وتو بشری همچون ما هستی؛ و ما تو را از دروغ گویان می‌دانیم.

﴿۱۸۶﴾ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

(۱۸۶) اگر راست می‌گویی، قطعات (سنگهای) آسمانی را بر ما بباران!»

﴿۱۸۷﴾ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۸۸﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ

(۱۸۷) (شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می‌دهید داناتراست.» (۱۸۸) سرانجام او را تکذیب کردند،و عذاب روز

الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۸۹﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ

سایبان (سایبانی از ابر صاعقه‌خیز) آنها را فرا گرفت؛ به یقین آن عذاب روزی بزرگ بود! (۱۸۹) در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) بود؛

أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۹۰﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۹۱﴾ وَإِنَّهُ

ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند. (۱۹۰) و پروردگار تو توانا و مهربان است. (۱۹۱) به یقین

لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۹۲﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۳﴾ عَلَىٰ قَلْبِكَ

این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است. (۱۹۲) روح الامین آن را نازل کرده، (۱۹۳) بر قلب (پاک) تو،

لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿۱۹۵﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ

تا از بیم‌دهندگان باشی. (۱۹۴) (آن را) به زبان عربی (و گویا، و) آشکار (نازل کرد). (۱۹۵) و توصیف آن در کتابهای (آسمانی)

الْأَوَّلِينَ ﴿۱۹۶﴾ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۱۹۷﴾

پیشینیان نیز آمده است. (۱۹۶) آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی‌اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟! (۱۹۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿۱۹۸﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ

هرگاه ما آن را بر فردی از عجم [= غیر عرب] ها نازل می‌کردیم، (۱۹۸) و او آن را بر ایشان می‌خواند، به آن

مُؤْمِنِينَ ﴿۱۹۹﴾ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿۲۰۰﴾ لَا يُؤْمِنُونَ

ایمان نمی‌آوردند. (۱۹۹) (آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن رادر دلهای مجرمان وارد کردیم. (۲۰۰) (امّا) به آن ایمان نمی‌آورند

بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۲۰۱﴾ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

تا عذاب دردناک را مشاهده کنند. (۲۰۱) ناگهان به سراغشان می‌آید،در حالی که توجّه (و انتظار آن را) ندارند.

﴿۲۰۲﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿۲۰۳﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۲۰۴﴾

(۲۰۲) و (در آن هنگام) می‌گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!» (۲۰۳) یا برای عذاب ما عجله می‌کنند؟! (۲۰۴)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿۲۰۵﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿۲۰۶﴾

آیا می‌دانی که، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره‌مند سازیم، (۲۰۵) سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید، (۲۰۶)

مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾ وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا لَهَا

این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت! (۲۰۷) ما (اهل) هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر این‌که بیم دهندگانی (از پیامبران الهی)

مُنذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾ ذِكۡرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٢٠٩﴾ وَمَا تَنَزَّلَتۡ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ

داشتند. (۲۰۸) تا متذکر شوند؛ زیرا ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجت مجازات کنیم) (۲۰۹) (هرگز) این آیات را شیاطین نازل نکردند.

﴿٢١٠﴾ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمۡ وَمَا يَسۡتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ إِنَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّمۡعِ لَمَعۡزُولُونَ

(۲۱۰) و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت (بر چنین کاری) ندارند. (۲۱۱) آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) بر کنارند.

﴿٢١٢﴾ فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾ وَأَنذِرۡ

(۲۱۲) (ای پیامبر!) هیچ معبود دیگری را با خداوند یگانه مخوان، که از عذاب شدگان خواهی بود. (۲۱۳) و (نخست)

عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ

خویشاوندان نزدیکت را انذار کن. (۲۱۴) و پر و بال (عطوفت) خود را برای مومنانی که از تو پیروی

ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢١٥﴾ فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلۡ

می‌کنند فرود آر. (۲۱۵) و اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شماانجام می‌دهید بیزارم!» (۲۱۶) و بر (خداوند)

عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾ ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقَلُّبَكَ فِي

توانا و مهربان توکل کن. (۲۱۷) همان کسی که‌تو را به هنگامی که(برای عبادت)بر می‌خیزی می‌بیند؛ (۲۱۸) و(نیز)حرکت تو را

ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ

در میان سجده‌کنندگان (مشاهده می‌کند). (۲۱۹) اوست (خدای) شنوا و دانا. (۲۲۰) آیا به شما خبر دهم که

ٱلشَّيَٰطِينُ ﴿٢٢١﴾ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾ يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ

شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟! (۲۲۱) آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می‌گردند؛ (۲۲۲) شنیده‌هایشان را (به دیگران) القا می‌کنند؛

وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾ وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلۡغَاوُۥنَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمۡ تَرَ

و بیشترشان‌دروغگو هستند. (۲۲۳) (پیامبر اسلام شاعر نیست؛) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. (۲۲۴) آیا ندیدی آنها

أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمۡ يَقُولُونَ مَا لَا يَفۡعَلُونَ

در هر وادی سرگردانند؟ (۲۲۵) و سخنانی می‌گویند که (به آنها) عمل نمی‌کنند؟!

﴿٢٢٦﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱنتَصَرُواْ

(۲۲۶) مگر کسانی (از آنها) که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند و خدا را بسیار یاد کردند، و به هنگامی که مورد ستم واقع شدند به دفاع از خویشتن

مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

(و مؤمنان) بر می‌خاستند؛ (و از اشعارشان در این راه کمک گرفتند) و کسانی که ستم کردند بزودی خواهند دانست که به کدامین جایگاه باز می‌گردند! (۲۲۷)

سُورَةُ النَّمۡلِ

ترتيبها ٢٧ | آياتها ٩٣

۲۷ – سوره النمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

طسٓ ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ﴿١﴾ هُدًى وَبُشْرَىٰ

طس، این آیات قرآن و کتاب مبین است، (۱) که وسیلهٔ هدایت و بشارت

لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ

برای مؤمنان است؛ (۲) همان کسانی که‌نماز را برپا می‌دارند، و زکات را ادا می‌کنند، و آنها

هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ

که به آخرت یقین دارند. (۳) کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد) شان را برای آنان زینت می‌دهیم به گونه‌ای که

يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ

(در تشخیص حق) سرگردان می‌شوند. (۴) آنان کسانی هستند که عذاب بد (و دردناک) برای آنهاست؛ و آنها در آخرت،

الْأَخْسَرُونَ ﴿٥﴾ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾ إِذْ

زیانکارترین مردمند! (۵) به یقین این قرآن از سوی (خداوند) حکیم و دانا بر تو القا می‌شود. (۶) (به خاطر بیاور) هنگامی را

قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ

که موسی به خانوادهٔ خود گفت: «من‌آتشی (از دور) دیدم؛ (همین جا توقف کنید؛) بزودی خبری از آن برای شما می‌آورم،

قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ

یا شعلهٔ آتشی تا گرم شوید.» (۷) هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «پر برکت باد آن کس که در آتش است

وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾ يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ

و آن کس که در اطراف آن است [=فرشتگان و موسی]! و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (۸) ای موسی! من خداوند توانا

الْحَكِيمُ ﴿٩﴾ وَأَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ

و حکیمم. (۹) و عصایت را بیفکن.ا هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می‌دود، (ترسید و) پشت کرد (و گریخت)،

يُعَقِّبْ ۚ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ

و حتی به پشت سر خود نگاه نکرد - ای موسی! نترس، که پیامبران در نزد من نمی‌ترسند. (۱۰) مگر کسی که ستم کرده؛

بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ

سپس بدی را به نیکی تبدیل نموده، که (توبهٔ او را می‌پذیرم) زیرا منم آمرزندهٔ مهربان. (۱۱) ودستت را در گریبانت داخل کن؛

تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۖ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا

هنگامی که خارج می‌شود، سفید و نورانی است بی آن‌که عیبی در آن باشد؛ این از جملهٔ معجزات نه‌گانه‌ای است که تو با آنها به سوی فرعون و قومش

فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٣﴾

فرستاده می‌شوی؛ آنان قومی فاسق و نافرمانند.» (۱۲) و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری آشکار است!» (۱۳)

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ

و آن را از روی ظلم و تکبر انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند. پس بنگر سرانجام تبهکاران

عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا

و مفسدان چگونه بود! (۱۴) و ما به داود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ

«ستایش مخصوص خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.» (۱۵) و سلیمان وارث

سُلَيْمَانُ دَاوُودَ ۖ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ

داود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده

شَيْءٍ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ

به یقین؛ این فضیلت آشکاری است.» (۱۶) لشکریان سلیمان، از جنّ وانس و پرندگان،

الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ

نزد او گردآوری شدند، آنها (آن قدر زیاد بودند که) باید توقف می‌کردند تا به هم ملحق شوند. (۱۷) (سپس حرکت کردند)

قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ

تا به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه‌ای گفت: «ای مورچگان! به لانه های خود بروید تا

سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا

سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند.» (۱۸) (سلیمان) از سخن او تبسّمی کرد و خندید

وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ

و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایت را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن،

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ

(و توفیق ده) تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا به رحمت خود در زمرهٔ بندگان

الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ

صالحت وارد کن.» (۱۹) (سلیمان) جویای حال پرندگان شد و گفت «چرا هُدهُد را نمی‌بینم،

أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ

آیا او از غایبان است؟! (۲۰) به یقین او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می‌کنم،

لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ

مگر آن‌که دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد!» (۲۱) چندان درنگ نکرد (که هُدهُد آمد و)

فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» خبری قطعی برای تو آورده‌ام. (۲۲)

إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا عَرۡشٌ
من زني را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز به او داده شده، و (بخصوص) تخت سلطنتی
عَظِيمٞ ﴿٢٣﴾ وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ
بزرگی دارد! (۲۳) او و قومش را دیدم که برای خورشید سجده می‌کنند نه برای خدا؛
وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ
و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه (حق) بازداشته؛ از این رو هدایت نمی‌شوند
﴿٢٤﴾ أَلَّاۤ يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ
(۲۴) تا برای خداوندی سجده کنند که آنچه را درآسمانها و زمین پنهان است خارج(و آشکار)می‌سازد،
وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ﴿٢٥﴾ ٱللَّهُ لَاۤ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ
و آنچه را پنهان می‌دارید یا آشکار می‌کنید می‌داند؟! (۲۵) خداوند یگانه‌ای که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش
ٱلۡعَظِيمِ ۩ ﴿٢٦﴾ ۞ قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ
عظیم است.» (۲۶) (سلیمان) گفت: «تحقیق می‌کنیم ببینیم آیا راست گفتی یا از دروغگویان هستی.
﴿٢٧﴾ ٱذۡهَب بِّكِتَٰبِي هَٰذَا فَأَلۡقِهۡ إِلَيۡهِمۡ ثُمَّ تَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَٱنظُرۡ
(۲۷) این نامهٔ مرا ببر و آن را بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه‌ای توقف کن) ببین
مَاذَا يَرۡجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ إِنِّيٓ أُلۡقِيَ إِلَيَّ كِتَٰبٞ كَرِيمٌ
آنها چه عکس‌العملی نشان می‌دهند.» (۲۸) (ملکهٔ سبا) گفت: «ای اشراف! نامهٔ پرارزشی‌به سوی من افکنده شده!
﴿٢٩﴾ إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَّا تَعۡلُواْ
(۲۹) این نامه از سلیمان است، و چنین است: به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. (۳۰) توصیهٔ من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید،
عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَفۡتُونِي فِيٓ أَمۡرِي مَا
و به سوی من آیید در حالی که تسلیم (حق) هستید.» (۳۱) (سپس) گفت: «ای اشراف! نظر خود را در این امر مهمّ به من بازگو کنید،
كُنتُ قَاطِعَةً أَمۡرًا حَتَّىٰ تَشۡهَدُونِ ﴿٣٢﴾ قَالُواْ نَحۡنُ أُوْلُواْ قُوَّةٖ وَأُوْلُواْ بَأۡسٖ
که من دربارهٔ هیچ کار مهمی، بدون حضور (و مشورت) شما تصمیم نگرفته‌ام.» (۳۲) گفتند: «ما دارای نیروی زیاد و قدرت جنگی فراوان هستیم،
شَدِيدٖ وَٱلۡأَمۡرُ إِلَيۡكِ فَٱنظُرِي مَاذَا تَأۡمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتۡ إِنَّ ٱلۡمُلُوكَ إِذَا
ولی فرمان با توست؛ ببین چه دستورمی‌دهی.» (۳۳) گفت: «پادشاهان هنگامی که وارد منطقهٔ آبادی شوند
دَخَلُواْ قَرۡيَةً أَفۡسَدُوهَا وَجَعَلُوٓاْ أَعِزَّةَ أَهۡلِهَآ أَذِلَّةٗۚ وَكَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ
آن را به فساد و تباهی می‌کشند، و عزیزان آن‌جا را ذلیل می‌کنند؛ (آری) روش آنان همواره این گونه است.
﴿٣٤﴾ وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٣٥﴾
(۳۴) ومن (اکنون جنگ‌را صلاح‌نمی‌بینم،) هدیهٔ گرانبهایی برای آنان می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند (تا از این طریق آنها را بیازمایم).» (۳۵)

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيْمَـٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّآ
هنگامي كه (فرستادهٔ ملكهٔ سبا) نزد سليمان آمد، گفت: «مي‌خواهيد مرا با مالي كمك كنيد (و فريب دهيد)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه
ءَاتَىٰكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾ ٱرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم
به شما داده؛ بلكه شمائيد كه به هديه‌هايتان شاد مي‌شويد. (۳۶) به سوي آنان باز گرد (و اعلام كن) با
بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَآ أَذِلَّةً وَهُمْ صَـٰغِرُونَ ﴿٣٧﴾ قَالَ يَـٰٓأَيُّهَا
لشكرياني به سراغ آنان مي‌آييم كه قدرت مقابله با آن را نداشته باشند؛ و آنان را از آن (سرزمين) با ذلّت و حقارت بيرون مي‌رانيم!» (۳۷) (سليمان) گفت:
ٱلْمَلَؤُا۟ أَيُّكُمْ يَأْتِينِى بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِى مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ عِفْرِيتٌ
«اي بزرگان! كدام يک از شما تخت او را براي من مي‌آورد پيش از آن‌كه به حال تسليم نزد من آيند؟» (۳۸) فرد نيرومندي
مِّنَ ٱلْجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ ۖ وَإِنِّى عَلَيْهِ لَقَوِىٌّ أَمِينٌ
از جنّ گفت: «من آن را نزد تو مي‌آورم پيش از آن‌كه از جايگاهت برخيزي و من نسبت به اين امر، توانا و امينم.»
﴿٣٩﴾ قَالَ ٱلَّذِى عِندَهُۥ عِلْمٌ مِّنَ ٱلْكِتَـٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ
(۳۹) (امّا) كسي كه دانشي از كتاب(آسماني)داشت گفت: «من پيش از آن‌كه چشم بر هم زني، آن را نزد تو خواهم آورد!» و
طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَـٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّى لِيَبْلُوَنِىٓ
هنگامي‌كه(سليمان)آن(تخت)رانزدخودثابت و پابرجا ديد گفت: «اين از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمايش كند
ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّى
كه آيا شكر او را به جا مي‌آورم يا كفران مي‌كنم؟! و هر كس شكر كند، به نفع خود شكر مي‌كند؛ و هر كس كفران نمايد (به خودش زيان رسانده.) چراكه
غَنِىٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكِّرُوا۟ لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِىٓ أَمْ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ
پروردگار من، بي‌نياز و بخشنده است.» (۴۰) سليمان گفت: «تخت او را برايش ناشناس سازيد؛ ببينيم آيا متوجّه مي‌شود يا از كساني است كه
لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا جَآءَتْ قِيلَ أَهَـٰكَذَا عَرْشُكِ ۖ قَالَتْ كَأَنَّهُۥ هُوَ ۚ وَأُوتِينَا
هدايت نمي‌شوند؟!» (۴۱) هنگامي كه (ملكهٔ سبا) آمد، به او گفته شد: «آيا تخت تو اين گونه است؟» گفت: «گويا خود آن است! و ما پيش از
ٱلْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ إِنَّهَا
اين هم آگاه بوديم واسلام آورده بوديم.» (۴۲) و (سليمان) او را از آنچه غير از خدا مي‌پرستيد باز داشت، كه او
كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَـٰفِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ٱدْخُلِى ٱلصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ
(= ملكه سبا) از قوم كافران بود. (۴۳) به او گفته شد: «داخل قصر شو!» هنگامي كه نظر به آن افكند، پنداشت نهر آبي است
لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا ۚ قَالَ إِنَّهُۥ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ ۗ قَالَتْ
و ساق پاهاي خود را برهنه كرد (تا از آب بگذرد؛ امّا سليمان) گفت: «اين (آب نيست، بلكه) قصري است از بلور شفاف.» (ملكه سبا) گفت:
رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَـٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ ﴿٤٤﴾
«پروردگارا! من به خود ستم كردم؛ و (اينک) با سليمان به خداوندي كه پروردگار جهانيان است اسلام آوردم.» (۴۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ فَإِذَا هُمْ

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» رافرستادیم که: خدای یگانه را بپرستید؛ امّا آنان به دو گروه

فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَٰقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِٱلسَّيِّئَةِ

تقسیم شدند و به مخاصمه پرداختند. (۴۵) (صالح) گفت: «ای قوم من! چرا قبل از نیکی برای بدی عجله می‌کنید

قَبْلَ ٱلْحَسَنَةِ ۖ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

(و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند آمرزش نمی‌طلبید، شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!» (۴۶)

قَالُوا۟ ٱطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ ۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمْ عِندَ ٱللَّهِ ۖ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم.» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همهٔ مقدّرات به قدرت او تعیین می‌گردد)؛

تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِى ٱلْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِى

بلکه‌شما گروهی فریب خورده هستید. (۴۷) و در آن شهر، نُه گروهک بودند که در زمین به فساد می‌پرداختند

ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾ قَالُوا۟ تَقَاسَمُوا۟ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ

و اصلاح نمی‌کردند. (۴۸) آنها گفتند: «بیایید به خدا هم قسم شوید که بر او [= صالح] و خانواده‌اش شبیخون می‌زنیم

وَأَهْلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِۦ وَإِنَّا

(و آنها را به قتل می‌رسانیم؛) سپس به ولیّ دَمِ او می‌گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود

لَصَٰدِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُوا۟ مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا

راستگو هستیم.» (۴۹) آنها توطئهٔ مهمّی چیدند، و ما هم تدبیر مهمّی داشتیم؛

يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا

در حالی که آنها نمی‌فهمیدند. (۵۰) بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و

دَمَّرْنَٰهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةًۢ بِمَا

قومشان را همگی نابود کردیم! (۵۱) این خانه‌های آنهاست درحالی که بخاطر ظلم و ستمشان فرو ریخته؛

ظَلَمُوٓا۟ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَنجَيْنَا

و در این نشانهٔ روشنی است برای کسانی که آگاهند. (۵۲) و کسانی را که ایمان آورده

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَكَانُوا۟ يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ

و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم. (۵۳) و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت:

لِقَوْمِهِۦٓ أَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَئِنَّكُمْ

«آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می‌روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می‌بینید؟! (۵۴) آیا شما از

لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِ ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾

روی شهوت به جای زنان، به سراغ مردان می‌روید؟! شما گروهی جاهل هستید.» (۵۵)

۞ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓا۟ أَخْرِجُوٓا۟ ءَالَ لُوطٍ

قوم او پاسخي جز اين نداشتند كه (به يكديگر) گفتند: «خاندان لوط را

مِّن قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ

از شهر و ديار خود بيرون كنيد، كه اينهاافرادي هستند كه پاكدامني را مي‌طلبند!» (۵۶) ما او و خانواده‌اش را نجات داديم،

إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿٥٧﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا ۖ

بجز همسرش كه مقدّر كرديم جزء باقي ماندگان (در آن شهر) باشد. (۵۷) سپس باراني (از سنگ) بر آنها فرو ريختيم (و همگي زير آن مدفون شدند)؛

فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿٥٨﴾ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ

و چه بد بود باران بيم‌داده شده‌گان! (۵۸) بگو: «ستايش مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزيده‌اش!»

ٱصْطَفَىٰٓ ۗ ءَآللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ أَمَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

آيا خداوند بهتر است يا بتهايي كه همتاي او قرار مي‌دهند؟! (۵۹) (آيا بتهايي كه معبود شما هستند بهترند) يا كسي كه آسمانها

وَٱلْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ

و زمين را آفريده؟! و براي شما از آسمان، آبي فرستاد كه با آن، باغهايي زيبا و سرورانگيز رويانديم؛

ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنۢبِتُوا۟ شَجَرَهَآ ۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ

شما هرگز قدرت نداشتيد درختان آن را برويانيد! آيا معبودي با خداست؟! (چنين نيست،) بلكه آنها گروهي هستند كه (از روي ناداني، مخلوقات را)

بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَمَّن جَعَلَ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ

همطراز (پروردگارشان) قرار مي‌دهند. (۶۰) يا كسي كه‌زمين را مستقرّ و آرام قرار داد،

خِلَٰلَهَآ أَنْهَٰرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِىَ وَجَعَلَ بَيْنَ ٱلْبَحْرَيْنِ

و ميان آن نهرهايي روان ساخت، و براي آن كوههاي ثابت و استوار ايجاد كرد، و ميان دو دريا مانعي قرار داد (تا آب شور و شيرين با هم

حَاجِزًا ۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّن يُجِيبُ

مخلوط نشود؛ با اين حال) آيا معبودي با خداست؟! (چنين نيست،) بلكه بيشتر آنان نمي‌دانند (و جاهلند). (۶۱) يا كسي كه (دعاي)

ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ

مضطر را هنگامي كه او را بخواند اجابت مي‌كند و ناراحتي (او) را برطرف مي‌سازد، و شما را خلفاي

ٱلْأَرْضِ ۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمَّن يَهْدِيكُمْ

زمين قرار مي‌دهد؛ آيا معبودي با خداست؟! كمتر متذكّر مي‌شويد. (۶۲) يا كسي كه شما را در تاريكيهاي

فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَىْ

صحرا و دريا راهنمايي مي‌كند، و كسي كه بادها را بشارت دهنده در پيشاپيش (باران) رحمتش مي‌فرستد؛

رَحْمَتِهِۦٓ ۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

(با اين حال) آيا معبودي با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه همتاي او قرار مي‌دهند. (۶۳)

أَمَّن يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۗ
یا کسی که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؛
أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُل
آیا معبودی با خداست؟! بگو: «اگر راست می‌گویید دلیل‌تان را بیاورید!» (۶۴) بگو:
لَّا يَعْلَمُ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلْغَيْبَ إِلَّا ٱللَّهُ ۚ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ
«کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی‌دانند جز خدا، و نمی‌دانند چه زمانی (در قیامت)
يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾ بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلْمُهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ ۚ بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ مِّنْهَا ۖ
برانگیخته می‌شوند.» (۶۵) آنها [= مشرکان] اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند؛ بلکه در اصل آن شک دارند؛
بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا وَءَابَآؤُنَآ
بلکه نسبت به آن نابینا (و کور دل) هستند. (۶۶) و کافران گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم، (زنده می‌شویم
أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ
و از دل خاک) بیرون می‌آییم؟! (۶۷) این وعده‌ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده؛
إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْ سِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُوا۟
اینها همان افسانه‌های پیشینیان است.» (۶۸) بگو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید
كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِى
سرانجام مجرمان چگونه بود!» (۶۹) و به خاطر (کارهای) آنان اندوهگین (و دلسرد) مشو،
ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ
و از توطئه‌های آنان در تنگنا قرار مگیر. (۷۰) آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده (عذاب که به ما می‌دهید) کی
صَٰدِقِينَ ﴿٧١﴾ قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ ٱلَّذِى
خواهد آمد؟!» (۷۱) بگو: «شاید پاره‌ای از آنچه درباره آن شتاب می‌کنید، نزدیک و در
تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
کنار شما باشد.» (۷۲) به یقین پروردگارتو نسبت به مردم، دارای فضل (و رحمت) است ؛ ولی بیشترشان
لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ
شکرگزار نیستند. (۷۳) و پروردگارت آنچه را در سینه‌هایشان پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند (بخوبی) می‌داند.
﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِى ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَٰذَا
(۷۴) و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر این‌که در کتاب مبین (و علم بی‌پایان پروردگار) ثبت است. (۷۵) این
ٱلْقُرْءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَكْثَرَ ٱلَّذِى هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾
قرآن اکثر چیزهایی را که بنی‌اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می‌کند؛ (۷۶)

وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم

و مايهٔ هدايت و رحمت براي مومنان است. (۷۷) پروردگار تو ميان آنها در قيامت به حكم خود داوري مي‌كند؛

بِحُكْمِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى ٱلْحَقِّ

و اوست توانا و دانا. (۷۸) پس بر خدا توكل كن، به يقين تو بر حق آشكار هستي.

ٱلْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟

(۷۹) مسلماً تو نمي‌تواني صداي خود را به گوش مردگان برساني، و نه سخنت را به گوش كران هنگامي كه روي برگردانند

مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِي ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ ۖ إِن تُسْمِعُ إِلَّا

و دور شوند. (۸۰) و نيز نمي‌تواني نابينايان را از گمراهيشان هدايت كني؛ تو فقط مي‌تواني سخن خود را به گوش كساني برساني كه

مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ ۞ وَإِذَا وَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِمْ

آمادهٔ پذيرش ايمان به آيات ما هستند و (در برابر حق) تسليمند. (۸۱) و هنگامي كه فرمان عذاب آنها فرارسد (و در آستانهٔ رستاخيز قرار گيرند)،

أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ ٱلنَّاسَ كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا لَا

جنبنده‌اي را از زمين براي آنها خارج مي‌كنيم كه با آنان سخن مي‌گويد كه مردم به آيات ما ايمان

يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِـَٔايَٰتِنَا

نمي‌آوردند. (۸۲) (به خاطر آور) روزي را كه ما از هر امتي، گروهي را از كساني كه آيات ما را تكذيب مي‌كردند محشور مي‌كنيم؛ و آنها را نگه مي‌داريم

فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ أَكَذَّبْتُم بِـَٔايَٰتِي وَلَمْ

تا به يكديگر ملحق شوند. (۸۳) تا زماني كه (به پاي حساب) مي‌آيند، (خداوند به آنان) مي‌گويد: «آيا آيات مرا تكذيب كرديد

تُحِيطُوا۟ بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا

در حالي كه احاطهٔ علمي بر آن نداشتيد؟! (بگوييد) شما چه اعمالي انجام مي‌داديد؟!» (۸۴) در اين هنگام، به سبب ظلمشان فرمان عذاب بر آنها

ظَلَمُوا۟ فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا جَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِيَسْكُنُوا۟ فِيهِ

واقع مي‌شود، و آنها سخني براي گفتن ندارند. (۸۵) آيا نديدند كه ما شب را براي آرامش آنها قرار داديم

وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنفَخُ

و روز را روشني بخش؟! دراين امور نشانه‌هاي روشني است براي كساني كه ايمان مي‌آورند (وآماده قبول حقند). (۸۶) و (به خاطر آوريد) روزي را

فِي ٱلصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُ ۚ

كه در «صور» دميده مي‌شود، و تمام كساني كه در آسمانها وزمين‌هستنددروحشت‌فرومي‌روند، جز كساني كه خدا خواسته؛

وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَٰخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى ٱلْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ

و همگي با خضوع در پيشگاه او حاضر مي‌شوند. (۸۷) كوهها را مي‌بيني، و آنها را ساكن و بي حركت مي‌پنداري، در حالي كه مانند ابرها در حركتند؛

ٱلسَّحَابِ ۚ صُنْعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ۚ إِنَّهُۥ خَبِيرٌۢ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

اين صنع و آفرينش خداوندي است كه همه چيز را متقن و استوار آفريده؛ به يقين او از كارهايي كه شما انجام مي‌دهيد آگاه است. (۸۸)

۲۸ – سوره القصص

من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من فزع يومئذ آمنون (۸۹)
کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت؛ و آنان از وحشت آن روز در امانند. (۸۹)
ومن جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار هل تجزون
و آنها که کار بدی انجام دهند،به صورت در آتش افکنده می‌شوند؛ آیا جزایی
إلا ما كنتم تعملون (۹۰) إنما أمرت أن أعبد رب هذه
جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت؟! (۹۰) (بگو:) من مأمورم که پروردگار این
البلدة الذي حرمها وله كل شيء وأمرت أن أكون من
شهر (مقدّس مکّه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده؛ در حالی که همه چیز از آن اوست؛ و من مأمورم که
المسلمين (۹۱) وأن أتلو القرآن فمن اهتدى فإنما يهتدي
از مسلمانان باشم؛ (۹۱) و مأمورم قرآن را (برای همگان) تلاوت کنم، هرکس هدایت شود به سود خود هدایت شده؛
لنفسه ومن ضل فقل إنما أنا من المنذرين (۹۲) وقل الحمد
و هر کس گمراه گردد بگو: «من فقط از بیم‌دهندگانم!» (۹۲) بگو: «ستایش مخصوص خداست؛
لله سيريكم آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون (۹۳)
بزودی نشانه‌هایش را به شما نشان می‌دهد تا آن را بشناسید؛ و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۹۳)

سورة القصص

ترتيبها ۲۸ — آياتها ۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

طسم (۱) تلك آيات الكتاب المبين (۲) نتلو عليك من نبإ موسى
طسم. (۱) این آیات کتاب مبین است. (۲) ما از داستان موسی
وفرعون بالحق لقوم يؤمنون (۳) إن فرعون علا في الأرض وجعل
و فرعون به درستی بر تو می‌خوانیم، برای گروهی که ایمان می‌آورند. (۳) فرعون در زمین برتری جویی کرد،
أهلها شيعا يستضعف طائفة منهم يذبح أبناءهم ويستحيي
و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی از آنها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید
نساءهم إنه كان من المفسدين (٤) ونريد أن نمن على الذين
و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از تبهکاران بود. (۴) ما اراده کرده‌ایم تا بر
استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمة ونجعلهم الوارثين (۵)
مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. (۵)

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ

و حکومتشان را در زمین استوار سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از سوی آنها

مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ

[= بنی‌اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم. (۶) ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛

فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۖ إِنَّا

و هنگامی که بر (جان) او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش،

رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾ فَالْتَقَطَهُ آلُ

که ما او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از پیامبران قرار می‌دهیم.» (۷) (هنگامی که مادرش به فرمان خدا

فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۗ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ

او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را (از آب) گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایهٔ اندوهشان گردد!

وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ﴿٨﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ

(مسلّماً) فرعون و هامان‌و لشکریانشان خطاکار بودند. (۸) همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت:

قُرَّتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ

«او مایهٔ روشنایی چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را به فرزندی برگزینیم.»

هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۖ إِنْ

و آنها نمی‌فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش می‌پرورانند)! (۹) (سرانجام) قلب مادر موسی

كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ

(از همه چیز جز یاد فرزندش) تهی گشت؛ و اگر دل او را بوسیلهٔ ایمان (و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود

الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ۖ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ

مطلب را فاش کند. (۱۰) و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «در جستجو (حال) او باش.» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد

جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾ ۞ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ

در حالی که آنان‌بی‌خبر بودند. (۱۱) ما همهٔ زنان شیر ده را از پیش بر او حرام کرده بودیم (تا تنها به آغوش مادر باز گردد)؛

فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ

و خواهرش (که بی تابی مأموران فرعون را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که این نوزاد را برای شما کفالت

نَاصِحُونَ ﴿١٢﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ

می‌کنند و خیرخواه او می‌باشند؟!» (۱۲) سرانجام او را به مادرش باز گردانیم تا چشمش روشن شود

وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

وغمگین نباشد و بداند که وعدهٔ الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۱۳)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسۡتَوَىٰٓ ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي

و هنگامی که (موسی) به رشد و کمال رسید، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را

ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ ٱلۡمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفۡلَةٖ مِّنۡ أَهۡلِهَا فَوَجَدَ

پاداش می‌دهیم. (۱۴) او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛

فِيهَا رَجُلَيۡنِ يَقۡتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنۡ عَدُوِّهِۦۖ فَٱسۡتَغَٰثَهُ

یکی از پیروان او بود (و ازبنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش؛ آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛

ٱلَّذِي مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِي مِنۡ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيۡهِۖ قَالَ

موسی مشت محکمی بر سینهٔ او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مُرد)؛ موسی گفت:

هَٰذَا مِنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ إِنَّهُۥ عَدُوّٞ مُّضِلّٞ مُّبِينٞ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي

«این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه‌کننده‌ای آشکار است.» (۱۵) (سپس) عرضه داشت: «پروردگارا!

ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ لِي فَغَفَرَ لَهُۥٓۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦﴾

من به خویشتن ستم کردم؛ مرا بیامرز.» خداوند او را آمرزید، که او آمرزندهٔ مهربان است. (۱۶)

قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ فَلَنۡ أَكُونَ ظَهِيرٗا لِّلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصۡبَحَ

گفت: «پروردگارا! به شکرانهٔ نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود.» (۱۷) موسی

فِي ٱلۡمَدِينَةِ خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا ٱلَّذِي ٱسۡتَنصَرَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَسۡتَصۡرِخُهُۥۚ

در شهر ترسان شد و هر لحظه در انتظار حادثه (و خبری) بود؛ ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می‌زند و از او کمک می‌خواهد؛

قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ لَغَوِيّٞ مُّبِينٞ ﴿١٨﴾ فَلَمَّآ أَنۡ أَرَادَ أَن يَبۡطِشَ

موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی.» (۱۸) و هنگامی که (موسی) خواست با کسی که

بِٱلَّذِي هُوَ عَدُوّٞ لَّهُمَا قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ أَتُرِيدُ أَن تَقۡتُلَنِي كَمَا قَتَلۡتَ نَفۡسَۢا

دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود (و با قدرت مانع او گردد، فریاد او بلند شد،) گفت: «ای موسی! می‌خواهی مرا بکشی همان گونه

بِٱلۡأَمۡسِۖ إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ

که دیروز انسانی را کشتی؟! تو فقط می‌خواهی ستمگری در روی زمین باشی، و نمی‌خواهی از

ٱلۡمُصۡلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَجَآءَ رَجُلٞ مِّنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ

مصلحان باشی!» (۱۹) (در این هنگام) مردی با شتاب از دورترین نقطهٔ شهر [= مرکز فرعونیان] آمد و گفت: «ای موسی!

إِنَّ ٱلۡمَلَأَ يَأۡتَمِرُونَ بِكَ لِيَقۡتُلُوكَ فَٱخۡرُجۡ إِنِّي لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ

اطرافیان فرعون برای کشتن تو به مشورت نشسته‌اند؛ فوراً (از شهر) خارج شو، که من از خیرخواهان توام.» (۲۰) موسی از شهر خارج شد

﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنۡهَا خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢١﴾

در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای؛ (به پیشگاه خدا) عرضه داشت: «پروردگارا! مرا از این قوم ستمکار رهایی بخش.» (۲۱)

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلۡقَآءَ مَدۡيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهۡدِيَنِي سَوَآءَ

و هنگامي كه به سوي مدين حركت كرد گفت: «اميد است پروردگارم مرا به راه راست

ٱلسَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدۡيَنَ وَجَدَ عَلَيۡهِ أُمَّةً مِّنَ

هدايت كند.» (۲۲) و هنگامي كه‌به (چاه) آب مدين رسيد، گروهي از مردم را در آن‌جا ديد

ٱلنَّاسِ يَسۡقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمۡرَأَتَيۡنِ تَذُودَانِۖ قَالَ مَا

كه چهارپايان خود را آب مي‌دهند؛ و در كنار آنان دو زن را ديد كه از گوسفندان خويش مراقبت مي‌كنند (و به چاه نزديك نمي‌شوند؛ موسي) به آن دو گفت:

خَطۡبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسۡقِي حَتَّىٰ يُصۡدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيۡخٞ

«منظور شما (از اين كار) چيست؟» گفتند: «ما آنها را آب نمي‌دهيم تا چوپانها همگي خارج شوند؛ و پدر ما پيرمرد كهنسالي است (قادر بر اين كارها نيست).»

كَبِيرٞ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ

(۲۳) موسي براي (گوسفندان) آن دو آب كشيد؛ سپس رو به سايه آورد و عرض كرد: «پروردگارا! به هر خير و نيكي كه تو

أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ ﴿٢٤﴾ فَجَآءَتۡهُ إِحۡدَىٰهُمَا تَمۡشِي عَلَى ٱسۡتِحۡيَآءٖ

بر من فرو فرستي نيازمندم.» (۲۴) ناگهان يكي از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالي كه با نهايت حيا گام برمي‌داشت،

قَالَتۡ إِنَّ أَبِي يَدۡعُوكَ لِيَجۡزِيَكَ أَجۡرَ مَا سَقَيۡتَ لَنَاۚ فَلَمَّا

گفت: «پدرم از تو دعوت مي‌كند تا مزد آب دادن (گوسفندان) را كه براي ما انجام دادي به تو بپردازد.»

جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيۡهِ ٱلۡقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفۡۖ نَجَوۡتَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ

هنگامي كه موسي نزد او [= شعيب] آمد و سرگذشت خود را براي او شرح داد، گفت: «نترس، از قوم

ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا يَٰٓأَبَتِ ٱسۡتَـٔۡجِرۡهُۖ إِنَّ خَيۡرَ مَنِ

ستمكار نجات يافتي.» (۲۵) يكي از آن دو (دختر) گفت: «اي پدر! او را استخدام كن، زيرا بهترين كسي را كه مي‌تواني

ٱسۡتَـٔۡجَرۡتَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَنۡ أُنكِحَكَ

استخدام كني آن كس است كه نيرومند و درستكار باشد (و او همين مرد است).» (۲۶) (شعيب) گفت: «من مي‌خواهم يكي از

إِحۡدَى ٱبۡنَتَيَّ هَٰتَيۡنِ عَلَىٰٓ أَن تَأۡجُرَنِي ثَمَٰنِيَ حِجَجٖۖ فَإِنۡ أَتۡمَمۡتَ

اين دو دخترم رابه همسري تو درآورم‌به اين شرط كه هشت سال براي من كار كني؛ و اگر آن را تا

عَشۡرٗا فَمِنۡ عِندِكَۖ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أَشُقَّ عَلَيۡكَۚ سَتَجِدُنِيٓ

ده سال افزايش دهي، (محبّتي) از ناحية توست؛ من نمي‌خواهم‌كار سنگيني بر دوش تو بگذارم؛ و

إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَٰلِكَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَۖ أَيَّمَا

ان شاء الله مرا از صالحان خواهي يافت.» (۲۷) (موسي) گفت: «(مانعي ندارد،) اين قراردادي ميان من وتو باشد؛

ٱلۡأَجَلَيۡنِ قَضَيۡتُ فَلَا عُدۡوَٰنَ عَلَيَّۖ وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ ﴿٢٨﴾

البته هر كدام از اين دو مدت را انجام دهم ستمي بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم)؛ و خدا بر آنچه ما مي‌گوييم گواه است.» (۲۸)

۞ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ
هنگامی که موسی مدّت (قرار داد) را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور
نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ ٱمْكُثُوٓا۟ إِنِّىٓ ءَانَسْتُ نَارًا لَّعَلِّىٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ
آتشی دید؛ به خانواده‌اش گفت: «درنگ کنید که من (از دور) آتشی دیدم؛ (می‌روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم،
أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا
یا شعله‌ای از آتش تا با آن گرم شوید.» (۲۹) هنگامی که به سراغ
نُودِىَ مِن شَـٰطِئِ ٱلْوَادِ ٱلْأَيْمَنِ فِى ٱلْبُقْعَةِ ٱلْمُبَـٰرَكَةِ مِنَ
آتش آمد، از کرانهٔ راست درّه، در آن سرزمین پربرکت، از میان
ٱلشَّجَرَةِ أَن يَـٰمُوسَىٰٓ إِنِّىٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَـٰلَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَنْ
درختی ندا آمد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان. (۳۰)
أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ
عصایت را بیفکن.» هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می‌کند، ترسید و به عقب برگشت،
يَـٰمُوسَىٰٓ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۖ إِنَّكَ مِنَ ٱلْـَٔامِنِينَ ﴿٣١﴾ ٱسْلُكْ يَدَكَ فِى
و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! (ندا آمد:) «ای موسی! برگرد و نترس، تو در امان هستی. (۳۱) دستت را
جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ وَٱضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ
در گریبان خود فرو بر، هنگامی که خارج می‌شود سفید و نورانی است بدون عیب و نقص؛
ٱلرَّهْبِ ۖ فَذَٰنِكَ بُرْهَـٰنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦٓ ۚ
ودستهایت را برای دوری از ترس و وحشت، بر سینه‌ات بگذار. این دو (معجزه: عصا و ید بیضا) دو دلیل روشن از پروردگارت به سوی فرعون واطرافیان
إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَـٰسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّى قَتَلْتُ مِنْهُمْ
اوست، که آنان گروه نافرمانی هستند.» (۳۲) عرض کرد: «پروردگارا! من یک تن از آنان را کشته‌ام؛
نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَأَخِى هَـٰرُونُ هُوَ أَفْصَحُ
می‌ترسم مرا به قتل برسانند. (۳۳) و برادرم هارون زبانش از من فصیح‌تر است؛
مِنِّى لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِىَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِىٓ ۖ إِنِّىٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ
او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند.»
﴿٣٤﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَـٰنًا فَلَا
(۳۴) فرمود: «بزودی بازوان تو را بوسیله برادرت محکم (و نیرومند) می‌کنیم، وبرای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم؛
يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ۚ بِـَٔايَـٰتِنَآ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلْغَـٰلِبُونَ ﴿٣٥﴾
و آنها به برکت معجزات ما، بر شما دست نمی‌یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید.» (۳۵)

فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى
هنگامي كه موسي با معجزات روشن ما به سوی آنان آمد، گفتند: «اين چيزی جز سحر نيست كه بدروغ به خدا بسته شده؛
وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ
ما هرگزچنين چيزی را در نياكان خود نشنيده‌ايم!» (۳۶) موسي گفت: «پروردگارم
أَعْلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلْهُدَىٰ مِنْ عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ
از حال كساني كه هدايت را از نزد او آورده‌اند، و كساني كه عاقبت نيک سرا (ی دنيا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است.
إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَأُ مَا
به يقين ستمكاران رستگار نخواهند شد.» (۳۷) فرعون گفت: «ای گروه اشراف!
عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ
من خدايي جز خودم برای شما سراغ ندارم. (امّا برای تحقيق بيشتر،) ای هامان، برايم آتشي بر گل بيفروز
فَٱجْعَل لِّي صَرْحًا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ
(و آجرهای محكم بساز)، و برای من برج بلندی ترتيب ده تا از خدای موسي خبر گيرم؛ هر چند من گمان مي‌كنم او
مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٣٨﴾ وَٱسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ
از دروغگويان است.» (۳۸) (سرانجام) فرعون و لشكريانش به ناحق در زمين تكبر ورزيدند،
ٱلْحَقِّ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَٰهُ وَ
و پنداشتند به سوی ما بازگردانده نمي‌شوند. (۳۹) ما نيز او و
جُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِي ٱلْيَمِّ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ
لشكريانش را گرفتيم و به دريا افكنديم؛ اكنون بنگر سرانجام ستمكاران
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَجَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ
چگونه بود! (۴۰) و آنان [= فرعونيان] را پيشواياني قرار داديم كه به سوی آتش (دوزخ) دعوت مي‌كنند؛
وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَأَتْبَعْنَٰهُمْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا
و روز رستاخيز ياری نخواهند شد. (۴۱) و در اين دنيا نيز لعنت (و دوری از رحمت را)
لَعْنَةً وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ
به دنبال آنان قرار داديم؛ و روز قيامت از زشت رويانند. (۴۲) و ما به
ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِ مَآ أَهْلَكْنَا ٱلْقُرُونَ ٱلْأُولَىٰ
موسي كتاب آسماني داديم بعد از آن‌كه اقوام (گمراه) پيشين را هلاک كرديم؛
بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾
كتابي كه برای مردم بصيرت‌آفرين بود، و مايهٔ هدايت و رحمت؛ شايد متذكّر شوند. (۴۳)

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلۡغَرۡبِيِّ إِذۡ قَضَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلۡأَمۡرَ وَمَا كُنتَ مِنَ

تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان (نبوّت) را به موسی دادیم؛ و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را

ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَٰكِنَّآ أَنشَأۡنَا قُرُونٗا فَتَطَاوَلَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۚ

در اختیار موسی گذاردیم). (۴۴) ولی ما اقوامی را (در اعصار مختلف) خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلهایشان محو شد؛ پس تو

وَمَا كُنتَ ثَاوِيٗا فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ تَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا

را فرستادیم). تو هرگز در میان مردم مَدیَن اقامت نداشتی تا (اخبار آنها را بدانی و) آیات ما را برای اینها [= مشرکان مکه] بخوانی؛ ولی ما بودیم که تو را

كُنَّا مُرۡسِلِينَ ﴿٤٥﴾ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلطُّورِ إِذۡ نَادَيۡنَا وَلَٰكِن

فرستادیم (و این اخبار را در اختیارت قرار دادیم). (۴۵) تو در کنار کوه طور نبودی زمانی که ما (به موسی) ندا دادیم؛ ولی

رَّحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ

این رحمتی از سوی پروردگارت بود (که این اخبار را در اختیار تو نهاد) تا بوسیله آن قومی را بیم دهی که پیش از تو هیچ بیم‌دهنده‌ای

لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوۡلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةُۢ

برای آنان نیامده بود؛ شاید متذکّر شوند. (۴۶) هرگاه (پیش از فرستادن پیامبری) مجازات و مصیبتی بر اثر

بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَيَقُولُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا رَسُولٗا

اعمالشان به آنان می‌رسید، می‌گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا

فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَآءَهُمُ

از آیات تو پیروی کنیم و از مومنان باشیم؟!» (۴۷) ولی هنگامی که حق از نزد ما

ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ لَوۡلَآ أُوتِيَ مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ مُوسَىٰٓۚ أَوَلَمۡ

برای آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان معجزاتی که به موسی داده شد به این پیامبر داده نشده است؟!» مگر (بهانه جویانی همانند آنان،)

يَكۡفُرُواْ بِمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُۖ قَالُواْ سِحۡرَانِ تَظَٰهَرَا وَقَالُوٓاْ

معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «(قرآن و تورات) هر دو سحرند، که دست به دست هم داده‌اند

إِنَّا بِكُلّٖ كَٰفِرُونَ ﴿٤٨﴾ قُلۡ فَأۡتُواْ بِكِتَٰبٖ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ

(تا ما را گمراه کنند)» و گفتند: «ما به هر دو کافریم»؟! (۴۸) بگو: «اگر راست می‌گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)،

أَهۡدَىٰ مِنۡهُمَآ أَتَّبِعۡهُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِن لَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ

کتابی هدایت بخش‌تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا از آن پیروی کنم!» (۴۹) اگر پیشنهاد تو را نپذیرند،

لَكَ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ

بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می‌کنند، و چه کسی گمراهتر است از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده

بِغَيۡرِ هُدٗى مِّنَ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٠﴾

و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته؟! به یقین خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۵۰)

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ ٱلْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ ٱلَّذِينَ

ما آيات (قرآن) را يكي پس از ديگري براي آنان آورديم شايد متذكر شوند. (۵۱) كساني كه

ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِهِۦ هُم بِهِۦ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوٓا۟

قبلاً كتاب آسماني به آنان داده‌ايم‌به‌آن [= قرآن] ايمان مي‌آورند. (۵۲) و هنگامي كه (آيات قرآن) بر آنان خوانده شود مي‌گويند:

ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِۦ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ

«به آن ايمان آورديم؛ اين حقيقتي از سوي پروردگار ماست؛ ما پيش از اين نيز مسلمان بوديم.» (۵۳) آنها

يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا۟ وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا

كساني هستند كه بخاطر شكيباييشان، پاداششان را دوبار دريافت مي‌دارند؛ و بوسيلهٔ نيكيها بديها را دفع‌مي‌كنند؛ و از آنچه به آنان

رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟

روزي داده‌ايم انفاق مي‌نمايند؛ (۵۴) و هرگاه سخن لغو و بيهوده بشنوند، از آن روي مي‌گردانند و مي‌گويند:

لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٥٥﴾

«اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)؛ ما خواهان جاهلان نيستيم.» (۵۵)

إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ

تو نمي‌تواني هر كس را كه دوست داري هدايت كني؛ ولي خداوند هركس را بخواهد (و شايسته باشد) هدايت مي‌كند؛ و او به

بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ وَقَالُوٓا۟ إِن نَّتَّبِعِ ٱلْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ

هدايت‌شوندگان آگاهتر است. (۵۶) آنها گفتند: «ما اگر هدايت را همراه تو پذيرا شويم،

أَرْضِنَآ ۚ أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجْبَىٰٓ إِلَيْهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَىْءٍ

ما را از سرزمينمان مي‌ربايند.» آيا ما حرم امني در اختيار آنها قرار نداديم كه ثمرات هر چيزي (از هر شهر و دياري)

رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ

به سوي آن آورده مي‌شود كه رزقي است از جانب ما؟! ولي بيشتر آنان نمي‌دانند. (۵۷) و چه بسيار

أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا ۖ فَتِلْكَ مَسَٰكِنُهُمْ لَمْ

از شهرها و آباديهايي را كه بر اثر فزوني نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاك كرديم! اين خانه‌هاي آنهاست كه (ويران شده، و)

تُسْكَن مِّنۢ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَكُنَّا نَحْنُ ٱلْوَٰرِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَ

بعد ازآنان جز مدت كمي، كسي در آن سكونت نكرد؛ و تنها ما وارث آنان بوديم. (۵۸) و پروردگار تو

رَبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِىٓ أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا ۚ

هرگز (اهل) شهرها و آباديها را هلاك نمي‌كرد تا اين‌كه در كانون آنها پيامبري مبعوث كندكه آيات ما را

وَمَا كُنَّا مُهْلِكِى ٱلْقُرَىٰٓ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَٰلِمُونَ ﴿٥٩﴾

بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آباديها و شهرها را نابود نكرديم مگر آن‌كه اهلش ستمكار بودند. (۵۹)

وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ

آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است؛ و آنچه نزد خداست

خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَن وَعَدۡنَٰهُ وَعۡدًا حَسَنٗا فَهُوَ لَٰقِيهِ

بهتر و پایدارتر است؛ آیا نمی‌اندیشید؟! (۶۰) آیا کسی که به او وعدهٔ نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید،

كَمَن مَّتَّعۡنَٰهُ مَتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ هُوَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ

همانند کسی است که (فقط) متاع زندگی دنیا به او داده‌ایم سپس روز قیامت (برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟!

﴿٦١﴾ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ

(۶۱) روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آنان را ندا می‌دهد و می‌گوید: «کجا هستند همتایانی که شما برای من می‌پنداشتید؟!»

﴿٦٢﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ

(۶۲) گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب دربارهٔ آنها مسلّم شده است می‌گویند: «پروردگارا! ما این (عابدت کنندگانمان) را گمراه کردیم؛ (آری) ما آنها را

كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَۖ مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ

گمراه کردیم همان گونه که خودمان گمراه شدیم؛ ما از آنان به سوی تو بیزاری می‌جوییم؛ آنان در حقیقت ما را نمی‌پرستیدند» (۶۳) و (به آن عبادت

ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ لَوۡ أَنَّهُمۡ

کنندگان) گفته می‌شود: «معبودهایتان را که همتای خدا می‌پنداشتید بخوانید (تا شما را یاری کنند)!» معبودهایشان را می‌خوانند، ولی جوابی به آنان نمی‌دهند، و

كَانُواْ يَهۡتَدُونَ ﴿٦٤﴾ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ

(در این هنگام) عذاب الهی را (با چشم خود) می‌بینند، و آرزو می‌کنند ای کاش هدایت یافته بودند! (۶۴) (به خاطر آورید) روزی را که خداوند آنان را ندا

﴿٦٥﴾ فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَنۢبَآءُ يَوۡمَئِذٖ فَهُمۡ لَا يَتَسَآءَلُونَ ﴿٦٦﴾

می‌دهد و می‌گوید: «چه پاسخی به پیامبران (مَن) گفتید؟!» (۶۵) در آن روز، همهٔ اخبار بر آنان پوشیده می‌ماند، (حتّی) نمی‌توانند از یکدیگر سؤالی کنند. (۶۶)

فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ

امّا کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از

ٱلۡمُفۡلِحِينَ ﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ

رستگاران باشد. (۶۷) پروردگار تو هرچه بخواهد می‌آفریند، و هر چه بخواهد برمی‌گزیند؛

لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ

آنان (در برابر او) اختیاری ندارند؛ منزّه است خداوند، و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند! (۶۸) و پروردگار تو

يَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا

می‌داند آنچه را که سینه‌هایشان پنهان می‌دارد و آنچه را آشکار می‌سازند. (۶۹) و او خدای یگانه است که هیچ معبودی جز او نیست؛

هُوَۖ لَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأُولَىٰ وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٧٠﴾

ستایش تنها برای اوست در این جهان و در جهان دیگر؛ حاکمیّت(نیز) از آن اوست؛ و همهٔ شما به سوی او باز گردانده می‌شوید. (۷۰)

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَنْ
بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا روز قیامت بر شما جاودان سازد،
إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَآءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ
آیا معبودی جز خداوند یگانه می‌تواندروشنایی برای شمابیاورد؟!آیانمی‌شنوید؟!» (۷۱) بگو:
أَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ
«به من خبر دهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند،
مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ
آیا معبودی غیر از خدا می‌تواند شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی‌بینید؟!»
﴿٧٢﴾ وَمِن رَّحْمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا۟
(۷۲) و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و
مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ
هم از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر (نعمت‌های او را) به جا آورید. (۷۳) (به خاطر آورید) روزی را که
شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِن
آنها را ندا می‌دهد و می‌گوید: «کجایند همتایانی که برای من می‌پنداشتید؟!» (۷۴) و (در آن روز) از هر
كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ فَعَلِمُوٓا۟ أَنَّ ٱلْحَقَّ
امتی گواهی برمی‌گزینیم و (به مشرکان) می‌گوییم: «دلیل خود را بیاورید!» (در آن هنگام) می‌دانند که حق از آن خداست،
لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾ ۞ إِنَّ قَٰرُونَ
و تمام آنچه را به خدا افترا می‌بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد. (۷۵) قارون از قوم موسی بود،
كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَءَاتَيْنَٰهُ مِنَ ٱلْكُنُوزِ مَآ إِنَّ
امّا بر آنان ستم کرد؛ ما آن قدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای گروهی نیرومند، دشوار بود!
مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ بِٱلْعُصْبَةِ أُو۟لِى ٱلْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُۥ قَوْمُهُۥ لَا تَفْرَحْ ۖ
(به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه از سر غرور شادی مکن،
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَٱبْتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ
که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد. (۷۶) و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛
ٱلْءَاخِرَةَ ۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِن كَمَآ أَحْسَنَ ٱللَّهُ
و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛
إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَبْغِ ٱلْفَسَادَ فِى ٱلْأَرْضِ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾
و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد.» (۷۷)

قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍ عِندِيٓ ۚ أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیلهٔ دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی‌دانست که خداوند

قَبْلِهِۦ مِنَ ٱلْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا ۚ وَلَا يُسْـَٔلُ

از میان اقوام پیشین کسانی را هلاک کردکه نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان

عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ فِى زِينَتِهِۦ ۖ قَالَ

از گناهانشان سؤال نمی‌شوند. (۷۸) (قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد،

ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا يَـٰلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآ أُوتِىَ قَـٰرُونُ

آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم!

إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ

براستی که او بهرهٔ عظیمی دارد!» (۷۹) امّا کسانی که دانش به آنها داده شده بود گفتند:

وَيْلَكُمْ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَـٰلِحًا ۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ

«وای بر شما! ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، امّا

إِلَّا ٱلصَّـٰبِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَخَسَفْنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلْأَرْضَ فَمَا كَانَ

جز صابران به آن نمی‌رسند.» (۸۰) سپس ما، او وخانه‌اش را در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت

لَهُۥ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُنتَصِرِينَ

که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند، و خودش نیز نمی‌توانست خویشتن را یاری دهد.

﴿٨١﴾ وَأَصْبَحَ ٱلَّذِينَ تَمَنَّوْا۟ مَكَانَهُۥ بِٱلْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ

(۸۱) و آنها که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند بامدادان (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند:

ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ ۖ لَوْلَآ أَن مَّنَّ ٱللَّهُ

«وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هرکس از بندگانش بخواهد وسعت می‌بخشد یا تنگ می‌گیرد. اگر خدا بر ما منّت ننهاده بود،

عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا ۖ وَيْكَأَنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَـٰفِرُونَ ﴿٨٢﴾ تِلْكَ ٱلدَّارُ

ما را نیز در زمین فرو می‌برد. ای وای! گویی کافران هرگز رستگار نمی‌شوند.» (۸۲) (آری،) این سرای

ٱلْـَٔاخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۚ وَٱلْعَـٰقِبَةُ

آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که ارادهٔ برتری‌جویی و فساد در زمین را ندارند؛ و عاقبت نیک برای

لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾ مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا ۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ

پرهیزگاران است. (۸۳) کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن است؛

فَلَا يُجْزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ إِلَّا مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

و کسی که کار بدی انجام دهد، مجازات بدکاران جز (به مقدار) اعمالشان نخواهد بود. (۸۴)

۲۹ – سوره العنكبوت

إِنَّ ٱلَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ ۚ قُل رَّبِّيٓ أَعْلَمُ مَن جَآءَ

آن کس که قرآن را بر تو لازم کرد، تو را به جایگاهت [= زادگاهت] باز می‌گرداند. بگو: «پروردگار من از همه بهتر می‌داند چه کسی

بِٱلْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنتَ تَرْجُوٓا۟ أَن يُلْقَىٰٓ إِلَيْكَ

(برنامهٔ) هدایت آورده، وچه کسی در گمراهی آشکار است.» (۸۵) و تو هرگز امید نداشتی که این کتاب آسمانی به تو القا شود؛

ٱلْكِتَٰبُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۖ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَٰفِرِينَ ﴿٨٦﴾

ولی رحمت پروردگارت چنین اقتضا کرد؛ اکنون که چنین است، هیچگاه پشتیبان کافران مباش؛ (۸۶)

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ ۖ وَٱدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ وَلَا

و مبادا (آنها) تو را از آیات خداوند، بعد از آن‌که بر تو نازل گشت، باز دارند؛ به سوی پروردگارت

تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ ۘ لَآ إِلَٰهَ

دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش. (۸۷) معبود دیگری را باخدا مخوان،که هیچ معبودی جز او نیست؛

إِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُۥ ۚ لَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود؛ حاکمیّت تنها از آن اوست؛ و همه به سوی او باز گردانده می‌شوید. (۸۸)

سُورَةُ العَنكَبُوتِ

ترتیبها ۲۹ — آیاتها ۶۹

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓمٓ ﴿١﴾ أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓا۟ أَن يَقُولُوٓا۟ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا

الم. (۱) آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و

يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ

آزمایش نخواهند شد؟! (۲) ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم)؛ تا علم خداوند کسانی را که

صَدَقُوا۟ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٣﴾ أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ

راست می‌گویند و کسانی را که دروغ می‌گویند مشخص سازد. (۳) آیا کسانی که اعمال بد انجام می‌دهند گمان کردند

ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسْبِقُونَا ۚ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾ مَن كَانَ يَرْجُوا۟

بر ما پیش خواهند گرفت (و چیره خواهند شد)؟! چه بد داوری می‌کنند! (۴) کسی که امید به

لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ لَءَاتٍ ۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَن

لقای خداوند یگانه (و رستاخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد.) زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرا می‌رسد؛ و او شنوا و داناست! (۵) کسی که

جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفْسِهِۦٓ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦﴾

جهاد (و تلاش) کند، به سود خود جهاد می‌کند؛ چرا که خداوند از همهٔ جهانیان بی‌نیاز است. (۶)

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ
و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می‌بخشیم و آنان را
وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٧﴾ وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ
به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش می‌دهیم. (۷) ما به انسان توصیه کردیم که
بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗاۖ وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا
به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که از آن آگاهی نداری،
تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٨﴾ وَٱلَّذِينَ
از آنها پیروی مکن. بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت. (۸) وکسانی که
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٩﴾ وَمِنَ
ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، به یقین آنها را در زمرهٔ صالحان وارد خواهیم کرد. (۹) و بعضی از
ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ
مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم.» امّا هنگامی که در راه خدا آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می‌شمارند
كَعَذَابِ ٱللَّهِۖ وَلَئِن جَآءَ نَصۡرٞ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمۡۚ
(و از آن وحشت می‌کنند)؛ ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) فرا رسد، می‌گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)».
أَوَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠﴾ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
آیا خداوند به آنچه در سینه‌های جهانیان است آگاه‌تر نیست؟! (۱۰) مسلماً خداوند مؤمنان را
ءَامَنُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ ﴿١١﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ
می‌شناسد، و به یقین منافقان را (نیز) می‌شناسد. (۱۱) و کافران به مؤمنان گفتند:
ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا وَلۡنَحۡمِلۡ خَطَٰيَٰكُمۡ وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ
«شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی داشته باشد) ما گناهانتان را بر عهده می‌گیریم.»
مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن شَيۡءٍۖ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَلَيَحۡمِلُنَّ
آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر عهده نخواهند گرفت؛ آنان به یقین دروغگو هستند. (۱۲) آنها بار
أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡۖ وَلَيُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ
سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می‌کشند، و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود؛ و روز قیامت به یقین از دروغ‌هایی که به
يَفۡتَرُونَ ﴿١٣﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ
خدا می‌بستند سؤال خواهند شد. (۱۳) و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ و او در میان آنان نهصد و پنجاه سال، درنگ کرد؛
سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ﴿١٤﴾
(ولی تبلیغ او جز در گروه اندکی مؤثر واقع نشد) و سرانجام طوفان (عظیم) آنان را فرا گرفت در حالی که ستمکار بودند. (۱۴)

فَأَنجَيْنَـٰهُ وَأَصْحَـٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلْنَـٰهَآ ءَايَةً لِّلْعَـٰلَمِينَ ﴿١٥﴾
ما او و همراهانش را که بر کشتی سوار بودند رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم. (۱۵)
وَإِبْرَٰهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ ۖ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ
ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم،هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که
إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَـٰنًا
این برای شما بهتر است اگر بدانید. (۱۶) شما غیر از خدا فقط بتهایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید
وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ
و دروغی به هم می‌بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ گونه روزی برای شما نیستند؛
لَكُمْ رِزْقًا فَٱبْتَغُوا۟ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزْقَ وَٱعْبُدُوهُ وَٱشْكُرُوا۟ لَهُۥٓ ۖ
روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را به جا آورید که به سوی
إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَإِن تُكَذِّبُوا۟ فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن
او بازگردانده می‌شوید. (۱۷) اگر شما (مرا) تکذیب کنید (جای تعجب نیست)، امتهایی
قَبْلِكُمْ ۖ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلْبَلَـٰغُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟
پیش از شما نیز (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ وظیفهٔ فرستاده (خدا) جزابلاغ آشکار نیست». (۱۸) آیا آنان ندیدند
كَيْفَ يُبْدِئُ ٱللَّهُ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ
چگونه خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند؟! این امر بر خدا آسان است.
﴿١٩﴾ قُلْ سِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ بَدَأَ ٱلْخَلْقَ ۚ ثُمَّ
(۱۹) بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس
ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْـَٔاخِرَةَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾
خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ به یقین خدا بر هر چیزی تواناست. (۲۰)
يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَآءُ ۖ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَآ أَنتُم
هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد) مجازات می‌کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می‌دهد؛ و شما به سوی او باز گردانده می‌شوید. (۲۱) شما هرگز
بِمُعْجِزِينَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ ۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ
نمی‌توانید از حوزهٔ قدرت خداوند در زمین و آسمان بگریزید؛ و برای شما جز خدا،
مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ
سرپرست و یاوری نیست.» (۲۲) کسانی که به آیات خدا و لقای او
أُو۟لَـٰٓئِكَ يَئِسُوا۟ مِن رَّحْمَتِى وَأُو۟لَـٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٣﴾
کافر شدند، از رحمت من مأیوسند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است! (۲۳)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَىٰهُ

اما جواب قوم او [= ابراهیم] جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید!» ولی

ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٤﴾ وَقَالَ

خداوند او را از آتش رهایی بخشید؛ به یقین در این ماجرا نشانه‌هایی است برای کسانی که ایمان می‌آورند. (۲۴) (ابراهیم) گفت:

إِنَّمَا ٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ

«شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایهٔ دوستی و محبّت میان شما در زندگی دنیا است؛

ٱلدُّنْيَا ۖ ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ

سپس روز قیامت منکر یکدیگر شده (و از هم بیزاری می‌جویید) و یکدیگر را لعن می‌کنید؛

بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ

و جایگاه (همهٔ) شما آتش است؛ و هیچ یار و یاوری برای شما نخواهد بود.»

﴿٢٥﴾ ۞ فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٌ ۘ وَقَالَ إِنِّى مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّىٓ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ

(۲۵) و لوط به او [= ابراهیم] ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم به یقین او

ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِى

توانا و حکیم است.» (۲۶) و (در پیری) اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوّت

ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلْكِتَٰبَ وَءَاتَيْنَٰهُ أَجْرَهُۥ فِى ٱلدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُۥ فِى

و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش (دنیوی) او را دادیم و او در

ٱلْءَاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّكُمْ

آخرت از صالحان است. (۲۷) و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت:

لَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ

«شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما آن را

ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ

انجام نداده است! (۲۸) آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (بقای نسل انسان) را قطع می‌کنید

وَتَأْتُونَ فِى نَادِيكُمُ ٱلْمُنكَرَ ۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ

و در مرکز اجتماعتان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟!» امّا پاسخ قومش جز این نبود

قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ ٱئْتِنَا بِعَذَابِ ٱللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ

که گفتند: «اگر راست می‌گویی عذاب الهی را برای ما بیاور!»

ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

(۲۹) (لوط) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما.» (۳۰)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلِ

و هنگامی که فرستادگان ما بشارت (تولد فرزند) را برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این

هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ إِنَّ

شهر و آبادی (قوم لوط) را هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمکارند.» (۳۱) (ابراهیم) گفت:

فِيهَا لُوطًا ۚ قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا ۖ لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا

«در آنجا لوط است!» گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاهتریم؛ او و خانواده‌اش را نجات می‌دهیم؛

امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ

جز همسرش که از بازماندگان در شهر و هلاک‌شدگان خواهد بود.» (۳۲) هنگامی که فرستادگان ما

رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ

نزد لوط آمدند، از دیدن آنها ناراحت و دلتنگ شد؛ گفتند: «نترس و غمگین مباش،

وَلَا تَحْزَنْ ۖ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ

ما تو و خانواده‌ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که از بازماندگان

الْغَابِرِينَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا

(در شهر) خواهد بود. (۳۳) ما بر اهل این شهر و آبادی بخاطر گناهانشان،

مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا

عذابی از آسمان فرو می‌فرستیم.» (۳۴) و از این آبادی نشانه روشنی

آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا

(و درس عبرتی) برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذاردیم. (۳۵) و ما به سوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم؛

فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي

گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین ایمان بیاورید، و در

الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ

زمین به فساد نکوشید.» (۳۶) (ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فرا گرفت،

فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ

و بامدادان در خانه‌های خود به رو درافتاده و مرده بودند. (۳۷) ما قوم «عاد» و «ثمود» را نیز

تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ ۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ

(به سبب اعمالشان هلاک کردیم)، و خانه‌های (ویران شده) آنان برای شما آشکار است؛ شیطان

أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾

اعمالشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) باز داشت در حالی که بینا بودند (و حق را می‌شناختند. (۳۸)

وَقَٰرُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ ۖ وَلَقَدْ جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ
و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نیز (هلاک کردیم)؛ موسی با دلایل روشن به سراغشان آمد،
فَٱسْتَكْبَرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا كَانُوا۟ سَٰبِقِينَ ﴿٣٩﴾ فَكُلًّا
امّا آنان در زمین تکبر ورزیدند، ولی نتوانستند (بر خدا) پیشی گیرند. (۳۹) ما هر یک
أَخَذْنَا بِذَنۢبِهِۦ ۖ فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ
از آنان را به گناهشان گرفتیم (و مجازات کردیم)، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم،
ٱلصَّيْحَةُ وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ وَمِنْهُم مَّنْ
و بعضی از آنان را صیحهٔ (مرگبار آسمانی) فرو گرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم،
أَغْرَقْنَا ۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ
و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خویشتن
يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ
ستم می‌کردند. (۴۰) مَثَل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند،
كَمَثَلِ ٱلْعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتْ بَيْتًا ۖ وَإِنَّ أَوْهَنَ ٱلْبُيُوتِ
مَثَل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سست‌ترین خانه‌ها
لَبَيْتُ ٱلْعَنكَبُوتِ ۖ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ ٱللَّهَ
خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند. (۴۱) خداوند آنچه را
يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مِن شَىْءٍ ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ
غیر از او می‌خوانند می‌داند، واو توانا و حکیم است.
ٱلْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا
(۴۲) اینها مثالهایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز اهل دانش
يَعْقِلُهَآ إِلَّا ٱلْعَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾ خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ
آن را درک نمی‌کنند. (۴۳) خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفرید؛
بِٱلْحَقِّ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ ٱتْلُ مَآ أُوحِىَ إِلَيْكَ
به یقین در این آیتی است برای مؤمنان. (۴۴) آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده
مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ ۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ
تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و اعمال ناپسند باز می‌دارد،
وَٱلْمُنكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾
و یاد خدا بزرگتر (و برتر) است؛ و خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (۴۵)

الجزء ٢١ الحزب ٤١

۞ وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ

با اهل کتاب جز به نیکوترین روش مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که

ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ

ستم کردند؛ و(به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم،

وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ

و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم.» (۴۶) و این گونه، کتاب

إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ

(آسمانی) را بر تو نازل کردیم، کسانی که (پیش از این) کتاب (آسمانی) به آنها داده‌ایم به این کتاب ایمان می‌آورند؛

هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٤٧﴾

و بعضی از این گروه [= مشرکان] نیز به آن مؤمن می‌شوند؛ و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند. (۴۷)

وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا

تو هرگز پیش از این هیچ کتابی نمی‌خواندی، و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، مبادا کسانی که در صدد (تکذیب و)

لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ﴿٤٨﴾ بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ

ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند. (۴۸) ولی این آیات روشنی است که در سینه کسانی که

أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُواْ

دانش به آنها داده شده جای دارد؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند. (۴۹) گفتند:

لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ

«چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟!» بگو: «معجزات فقط نزد خداست

وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا

(و به فرمان او نازل می‌شود)؛ من تنها بیم‌دهنده‌ای آشکارم.» (۵۰) آیا برای آنان کافی نیست که این

عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَ

کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می‌شود؟! در این، رحمت و هشداری است

ذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ

برای کسانی که ایمان می‌آورند. (۵۱) بگو: «همین بس که خدا میان من و شما

شَهِيدٗاۖ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

گواه است: آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به

بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٥٢﴾

باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند.» (۵۲)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ وَلَوْلَآ أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَآءَهُمُ ٱلْعَذَابُ

آنان با شتاب از تو عذاب را می‌طلبند؛ و اگر موعد مقرّری تعیین نشده بود، عذاب(الهی)به سراغ آنان می‌آمد؛

وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ وَإِنَّ

و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی‌بر آنها وارد می‌شود در حالی که نمی‌دانند (و غافلند). (۵۳) آنان با عجله از تو عذاب می‌طلبند،

جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِن

در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد. (۵۴) آن روزکه عذاب (الهی) آنها را از

فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾

بالای سر و پایین پایشان فرا می‌گیرد و به آنها می‌گوید: «بچشید آنچه را عمل می‌کردید» (۵۵)

يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ أَرْضِى وَٰسِعَةٌ فَإِيَّٰىَ فَٱعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ كُلُّ

ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من گسترده است، پس تنها مرا بپرستید (و هجرت کنید و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید). (۵۶) هر

نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۖ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟

انسانی مرگ را می‌چشد؛ سپس به سوی ما باز گردانده می‌شوید. (۵۷) و کسانی که ایمان آورده و کارهای

ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ

شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم‌که نهرها در زیر آن جاری است؛

خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ نِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ ﴿٥٨﴾ ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان! (۵۸) همان کسانی که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و تنها بر پروردگارشان

﴿٥٩﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا ٱللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۚ وَهُوَ

توکّل می‌کنند. (۵۹) چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد؛ و

ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ

اوشنوا و داناست. (۶۰) و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده،

وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾ ٱللَّهُ يَبْسُطُ

و خورشید و ماه را مسخّر کرده است؟» می‌گویند: «خداوند یگانه»! پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می‌سازند؟! (۶۱) خداوند روزی را

ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ لَهُۥٓ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾

برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می‌بخشد یا تنگ می‌گیرد؛ خداوند به همه چیز داناست. (۶۲)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِ

و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیلهٔ آن‌زمین را پس از مردنش زنده کرد»؟

مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۚ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

می‌گویند: «خداوند یگانه»! بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست»! امّا بیشتر آنها نمی‌فهمند. (۶۳)

۳۰ – سوره الروم

وَمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ ۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلْءَاخِرَةَ لَهِىَ
این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و فقط سرای آخرت، سرای
ٱلْحَيَوَانُ ۚ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا۟ فِى ٱلْفُلْكِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ
زندگی (واقعی) است، اگر می‌دانستند. (۶۴) هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با
مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾
اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ امّا هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند. (۶۵)
لِيَكْفُرُوا۟ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا۟ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟
(بگذار) تا آنچه را (از آیات) به آنها داده‌ایم انکار کنند و (از لذّات زودگذر زندگی) بهره گیرند؛ امّا بزودی آگاه خواهند شد! (۶۶) آیا ندیدند که
أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِٱلْبَٰطِلِ
ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم از اطراف آنان (در بیرون این حرم) ربوده می‌شوند؟! آیا به باطل
يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ ٱللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا
ایمان می‌آورند و نعمت خدا را کفران می‌کنند؟! (۶۷) چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته
أَوْ كَذَّبَ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓ ۚ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾
یا حق را پس از آن‌که به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟! (۶۸)
وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُوا۟ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾
و آنها که در راه ما (با خلوص نیّت) جهاد کنند، قطعاً به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و به یقین خداوند با نیکوکاران است. (۶۹)

سُورَةُ الرُّومِ

ترتيبها ٣٠ — آياتها ٦٠

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان

الٓمٓ ﴿١﴾ غُلِبَتِ ٱلرُّومُ ﴿٢﴾ فِىٓ أَدْنَى ٱلْأَرْضِ وَهُم مِّنۢ بَعْدِ
الم. (۱) رومیان شکست خوردند. (۲) (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ امّا آنان پس از (این)
غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِى بِضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ ٱلْأَمْرُ
شکست بزودی پیروز خواهند شد... (۳) در چند سال (آینده، این پیروزی رخ می‌دهد). همه کارها از آن خداست؛
مِن قَبْلُ وَمِنۢ بَعْدُ ۚ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾
چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی)؛ و در آن روز، مومنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال‌خواهند شد... (۴)
بِنَصْرِ ٱللَّهِ ۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾
به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد؛ و او توانا و مهربان است. (۵)

وَعْدَ ٱللَّهِ ۖ لَا يُخْلِفُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

این وعدهٔ خداست؛ و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (۶)

يَعْلَمُونَ ظَٰهِرًا مِّنَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ ٱلْءَاخِرَةِ هُمْ غَٰفِلُونَ ﴿٧﴾

آنها فقط ظاهری اززندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند. (۷)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِم ۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند،آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است

إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ

جز بحق (و در جهت هدف مهمّی) و برای زمان معیّنی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای

لَكَٰفِرُونَ ﴿٨﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ

پروردگارشان را منکرند. (۸) آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند

ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوٓا۟ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا۟ ٱلْأَرْضَ وَعَمَرُوهَآ

چگونه بود؟!آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) دگرگون ساختند

أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ ۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ

و بیش از اینان، آن را آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (امّا آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛

لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ ثُمَّ كَانَ

خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، ولی خودشان به خویشتن ستم می‌کردند. (۹) سپس سرانجام

عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔوا۟ ٱلسُّوٓأَىٰٓ أَن كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُوا۟

کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته

بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾ ٱللَّهُ يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيْهِ

آن را مسخره می‌نمودند. (۱۰) (آگاه باشید) خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، سپس شما به سوی او

تُرْجَعُونَ ﴿١١﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبْلِسُ ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿١٢﴾ وَلَمْ يَكُن

باز گردانده می‌شوید. (۱۱) آن روز که قیامت برپا می‌شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند. (۱۲) و برای آنان

لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمْ شُفَعَٰٓؤُا۟ وَكَانُوا۟ بِشُرَكَآئِهِمْ كَٰفِرِينَ ﴿١٣﴾

شفیعانی از همتایانی که (برای خدا) می‌پنداشتند نخواهد بود، ونسبت به آن همتایان، کافر می‌شوند. (۱۳)

وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ

آن روز که قیامت برپا می‌گردد، (مؤمنان و کافران) از هم جدا می‌شوند؛ (۱۴) امّا کسانی که

ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمْ فِى رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿١٥﴾

ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود. (۱۵)

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآيِٕ ٱلْأَخِرَةِ فَأُوْلَٰٓئِكَ
امّا کسانی که کافر شدند و آیات ما و لقای آخرت را تکذیب کردند،
فِي ٱلْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿١٦﴾ فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ
در عذاب الهی احضار می‌شوند. (۱۶) منزّه است خداوند به هنگامی که شام می‌کنید آنگاه که
تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ
و صبح می‌کنید؛ (۱۷) و حمد و ستایش در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست، و به هنگام عصر و هنگامی که
تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ ٱلْحَيَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَيِّ
ظهر می‌کنید. (۱۸) او زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده؛
وَيُحْيِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١٩﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ
و زمین را پس از مردنش حیات می‌بخشد؛ و به همین گونه (روز قیامت از قبر) بیرون آورده می‌شوید. (۱۹) از نشانه‌های او این است
خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ
که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسانهایی شدید و (در روی زمین) منتشر می‌شوید! (۲۰) و از نشانه‌های او این‌که
أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا لِّتَسْكُنُوٓاْ إِلَيْهَا وَجَعَلَ
همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان محبت
بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾
و رحمت قرار داد؛ به یقین در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند. (۲۱)
وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفُ أَلْسِنَتِكُمْ
و از نشانه‌های او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و
وَأَلْوَٰنِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّلْعَٰلِمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ
رنگهای شماست؛ در این نشانه‌هایی است برای اهل دانش. (۲۲) و از نشانه‌های
مَنَامُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبْتِغَآؤُكُم مِّن فَضْلِهِۦٓ إِنَّ فِي
او خواب شما در شب و روز است و (تلاش و کوششتان برای) بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش)؛
ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ
در این امور نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند. (۲۳) و از نشانه‌های او این است که
ٱلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيِۦ بِهِ ٱلْأَرْضَ
برق (آسمانی) را به شما نشان می‌دهد که مایهٔ بیم و امید است (بیم از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد
بَعْدَ مَوْتِهَآ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾
که زمین را بعد از مردنش بوسیلهٔ آن زنده می‌کند؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند. (۲۴)

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ بِأَمْرِهِۦ ۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً

از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست؛ سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فرا خواند،

مِّنَ ٱلْأَرْضِ إِذَآ أَنتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ

ناگهان همه شما خارج می‌شوید (و در صحنهٔ محشر حضور می‌یابید)! (۲۵) و از آن اوست همهٔ کسانی که در آسمانها و زمین‌اند

كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ﴿٢٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ

و همگی در برابر او خاضع و مطیع‌اند. (۲۶) او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند،

وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ ۚ وَلَهُ ٱلْمَثَلُ ٱلْأَعْلَىٰ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَهُوَ

و این کار برای او آسانتر است؛ و برترین اوصاف در آسمانها و زمین برای اوست؛ و اوست

ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ ۖ هَل لَّكُم

توانا و حکیم. (۲۷) خداوند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده‌ای داشته باشید)،

مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِى مَا رَزَقْنَٰكُمْ فَأَنتُمْ

این برده‌های شما هرگز در روزیهایی که به شما داده‌ایم شریک شما می‌باشند، آنچنان که هر دو در آن مساوی بوده و از

فِيهِ سَوَآءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ

(تصرّف مستقل و بدون اجازهٔ) آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد (شرکای آزاد) خود بیم دارید؟! اینچنین

ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَهْوَآءَهُم

آیات خود را برای کسانی که می‌اندیشند شرح می‌دهیم. (۲۸) ولی ستمکاران بدون علم و آگاهی، از هوی و هوسهای خود پیروی کردند.

بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ فَمَن يَهْدِى مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ ۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٩﴾

پس چه کسی می‌تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! و برای آنها هیچ یاوری نخواهد بود. (۲۹)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيْهَا ۚ

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن، این سرشت الهی است که خداوند،

لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ

انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر

ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ ۞ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا۟

مردم نمی‌دانند. (۳۰) (رو به سوی فطرت الهی آورید) در حالی که (توبه کنان) به سوی او باز می‌گردید

ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ ٱلَّذِينَ

و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید. (۳۱) از کسانی که

فَرَّقُوا۟ دِينَهُمْ وَكَانُوا۟ شِيَعًا ۖ كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

در دین خود تفرقه ایجاد کردند و به دسته‌ها و گروهها تقسیم شدند؛ و (عجب این‌که) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست دلخوشند! (۳۲)

وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم مِّنْهُ

هنگامی که رنج و زیانی به مردم برسد، پروردگار خود را می‌خوانند در حالی که (توبه‌کنان) به سوی او باز می‌گردند؛ امّا همین که خداوند رحمتی از جانب

رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ لِيَكْفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ

خویش به آنان بچشاند (و ناراحتی آنان برطرف شود)، در آن هنگام گروهی از آنان برای پروردگارشان همتا قائل می‌شوند. (۳۳) (بگذار) تا نعمتهایی را که ما

فَتَمَتَّعُواْ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنًا فَهُوَ

به آنها داده‌ایم کفران کنند! و (به آنها بگو: هر چه می‌توانید) بهره گیرید؛ امّا بزودی (نتیجهٔ اعمالتان را) خواهید دانست. (۳۴) آیا ما دلیلی بر آنان فرستادیم

يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُواْ بِهِۦ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُواْ

که از آنچه همتای خدا قرار می‌دهند سخن می‌گوید (و آن را موجه می‌شمارد)؟! (۳۵) و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن شاد می‌شوند؛

بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾

و هر گاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنان رسد، ناگهان مأیوس می‌شوند. (۳۶)

أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ

آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می‌بخشد یا تنگ می‌گیرد؟! در این نشانه‌هایی است

لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ

برای گروهی که ایمان می‌آورند. (۳۷) پس حق خویشاوندان و مستمندان و در راه‌ماندگان را ادا کن،

ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ ٱللَّهِ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ

این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند.

﴿٣٨﴾ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَاْ فِيٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرْبُواْ عِندَ ٱللَّهِ

(۳۸) آنچه بعنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛

وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُضْعِفُونَ

و آنچه را بعنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایهٔ برکت و فزونی است؛ و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند.

﴿٣٩﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

(۳۹) خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می‌میراند، سپس زنده می‌کند؛

هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍ سُبْحَٰنَهُۥ

آیا هیچ یک از همتایانی که برای خدا قرار داده‌اید چیزی ازاین کارها را می‌توانند انجام دهند؟! او منزّه

وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ

و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند. (۴۰) فساد، در صحرا و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛

أَيْدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

خدا می‌خواهد نتیجهٔ بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند. (۴۱)

قُلْ سِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَـٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلُ ۚ كَانَ

بگو: «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؛

أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ ٱلْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن

بیشتر آنها مشرک بودند. (۴۲) روی خود را به سوی آیین مستقیم و پایدار بدار، پیش از آن‌که روزی فرارسد که هیچ کس نمی‌تواند

يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۖ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ

آن را از خدا باز گرداند (و برنامهٔ الهی را تعطیل کند)؛ در آن روز مردم به گروههایی تقسیم می‌شوند: (۴۳) هر کس کافر شود،

كُفْرُهُۥ ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَـٰلِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾ لِيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ

کفرش بر زیان خود اوست؛ و آنها که کار شایسته انجام دهند، برای خودشان آماده می‌سازند (و ذخیره می‌کنند). (۴۴) این برای آن است

ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ مِن فَضْلِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنْ

که خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، از فضلش پاداش دهد؛ به یقین او کافران را دوست نمی‌دارد. (۴۵) و از

ءَايَـٰتِهِۦٓ أَن يُرْسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٍ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحْمَتِهِۦ وَلِتَجْرِىَ

نشانه‌های (عظمت) خدا این است که بادها را بشارتگرانی (برای نزول باران) می‌فرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند)

ٱلْفُلْكُ بِأَمْرِهِۦ وَلِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

وکشتیها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید. (۴۶) و پیش از تو پیامبرانی

مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَآءُوهُم بِٱلْبَيِّنَـٰتِ فَٱنتَقَمْنَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟ ۖ

را به سوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند،ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) مجرمان را مجازات کردیم؛

وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى يُرْسِلُ ٱلرِّيَـٰحَ

(و مؤمنان را یاری نمودیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقّی است بر عهدهٔ ما. (۴۷) خداوند همان کسی است که بادها را می‌فرستد

فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُۥ فِى ٱلسَّمَآءِ كَيْفَ يَشَآءُ وَيَجْعَلُهُۥ كِسَفًا فَتَرَى

تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و متراکم می‌سازد؛ در این هنگام دانه‌های باران را می‌بینی

ٱلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَـٰلِهِۦ ۖ فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمْ

که‌از لابه لای آن خارج می‌شود؛ هنگامی که این (باران حیاتبخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند،

يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِۦ

ناگهان خوشحال می‌شوند. (۴۸) هرچند پیش از آن‌که بر آنان نازل شود مایوس بودند.

لَمُبْلِسِينَ ﴿٤٩﴾ فَٱنظُرْ إِلَىٰٓ ءَاثَـٰرِ رَحْمَتِ ٱللَّهِ كَيْفَ يُحْىِ ٱلْأَرْضَ

(۴۹) به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه‌زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ چنین کسی

بَعْدَ مَوْتِهَآ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

(که زمین مرده را زنده می‌کند) زنده‌کنندهٔ مردگان (در قیامت) است؛ و او بر هر چیزی تواناست. (۵۰)

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنۢ بَعْدِهِۦ يَكْفُرُونَ ﴿٥١﴾
و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان)، و بر اثر آن زراعت خود را زرد و پژمرده ببینند، (مأیوس شده و) پس از آن ناسپاسی می‌کنند. (۵۱)

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ
به یقین تو نمی‌توانی صدای خود رابه گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند.

﴿٥٢﴾ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ ۖ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ
(۵۲) و (نیز) نمی‌توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی؛ تو تنها می‌توانی سخنت را به گوش کسانی برسانی که آمادهٔ پذیرش ایمان

بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾ ۞ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ
به آیات ما هستند و (در برابر حق) تسلیمند. (۵۳) خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس

جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۚ
بعد از ناتوانی، قوّت بخشید و باز بعد از قوّت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد (به هر کیفیت)

يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۖ وَهُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقْسِمُ
می‌آفریند، و اوست دانا و توانا. (۵۴) و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند

ٱلْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾
که‌جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! (در گذشته نیز) اینگونه از درک حقیقت باز گردانده می‌شدند. (۵۵)

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا ٱلْعِلْمَ وَٱلْإِيمَٰنَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ
ولی کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می‌گویند: «شما به فرمان خدا تا روز قیامت

ٱلْبَعْثِ ۖ فَهَٰذَا يَوْمُ ٱلْبَعْثِ وَلَٰكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾
(در عالم برزخ) درنگ کردید، و این روز رستاخیز است، امّا شما نمی‌دانستید.» (۵۶)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
آن روز عذرخواهی ستمکاران سودی به حالشان ندارد، و آنها توانایی بر جلب رضایت پروردگار نمی‌یابند (و توبه به آنان پذیرفته نمی‌شود).

﴿٥٧﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَلَئِن
(۵۷) ما برای مردم در این قرآن از هر چیز نمونه‌ای آوردیم (و هر گونه معارف در آن جمع است)؛

جِئْتَهُم بِـَٔايَةٍ لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾
و اگر معجزه‌ای برای آنان بیاوری، کافران می‌گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر است).» (۵۸)

كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾ فَٱصْبِرْ
این‌گونه خداوند بر دلهای آنان که آگاهی ندارند مُهر می‌نهد. (۵۹) اکنون که چنین است صبر

إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦٠﴾
و استقامت پیشه کن که وعدهٔ خدا حق است؛ و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و سبک نشمرند)! (۶۰)

۳۱ – سوره لقمان

سُورَةُ لُقْمَانَ

ترتيبها ۳۱ | آياتها ۳۴

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓمٓ ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٢﴾ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

الم. (۱) این آیات کتاب حکیم است (کتابی پرمحتوا و استوار)! (۲) مایهٔ هدایت و رحمت برای نیکوکاران است.

﴿٣﴾ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

(۳) همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند و آنها به آخرت یقین دارند.

﴿٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ وَمِنَ

(۴) آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند، و آنانند رستگاران. (۵) و بعضی از

ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند

وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ

و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است! (۶) و هنگامی که

ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِىٓ أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۖ فَبَشِّرْهُ

آیات ما بر او خوانده شود، با تکبر روی برمی‌گرداند، چنانچه گویی آن را نشنیده است؛ گویا اصلاً گوشهایش سنگین است؛ او را

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ

به عذابی دردناک بشارت ده! (۷) (ولی) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، باغهای

جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ

پرنعمت بهشت از آن آنهاست؛ (۸) جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعدهٔ حتمی الهی است؛ و اوست توانا و حکیم.

﴿٩﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۖ وَأَلْقَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِىَ

(۹) (او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه‌های استواری قرار داد

أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ ۚ وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً

مبادا شما را بلرزاند (و آرامش را از شما بگیرد) و از هر گونه جنبنده‌ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم

فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿١٠﴾ هَٰذَا خَلْقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِى

و بوسیلهٔ آن در روی زمین انواع گوناگونی از گیاهان پرارزش رویاندیم. (۱۰) (بگو) این آفرینش خداست؛ امّا به من نشان دهید

مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿١١﴾

(معبودانی) غیر او چه چیز را آفریده‌اند؟! ولی ستمکاران در گمراهی آشکارند. (۱۱)

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَٰنَ ٱلْحِكْمَةَ أَنِ ٱشْكُرْ لِلَّهِ ۚ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا

ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم:) شکر خدا را به جای آور. هر کس شکرگزاری کند،

يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَٰنُ

تنها به سود خویش شکر می‌کند؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند)؛ چرا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است. (۱۲) (به خاطر بیاور) هنگامی را که

لِٱبْنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَىَّ لَا تُشْرِكْ بِٱللَّهِ ۖ إِنَّ ٱلشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.»

﴿١٣﴾ وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَ

(۱۳) و ما به انسان دربارهٔ پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روز افزون حمل کرد و دوران شیرخوارگی او در دوسال پایان می‌یابد؛

فِصَٰلُهُۥ فِى عَامَيْنِ أَنِ ٱشْكُرْ لِى وَلِوَٰلِدَيْكَ إِلَىَّ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٤﴾

(آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همهٔ شما) به سوی من است. (۱۴)

وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ

و هر گاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن،

وَصَاحِبْهُمَا فِى ٱلدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَٱتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىَّ ۚ ثُمَّ

ولی با آن دو، در دنیا بطرز شایسته‌ای رفتار کن؛ و از راه کسانی پیروی کن که (توبه‌کنان) به سوی من آمده‌اند؛ سپس

إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَٰبُنَىَّ إِنَّهَآ

بازگشت همهٔ شما به سوی من است و من شما را از آنچه انجام می‌دادید، باخبر می‌سازم. (۱۵) پسرم! اگر به

إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِى صَخْرَةٍ أَوْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ

اندازه سنگینی دانهٔ خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد،

أَوْ فِى ٱلْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾ يَٰبُنَىَّ أَقِمِ

خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد؛ خداوند از اسرار دقیق باخبر و آگاه است. (۱۶) پسرم! نماز را برپا دار،

ٱلصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱنْهَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ ۖ

و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که

إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِى

این از کارهای مهمّ است. (۱۷) (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و با تکبر و غرور

ٱلْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ وَٱقْصِدْ فِى مَشْيِكَ

بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد. (۱۸) (پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛

وَٱغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلْأَصْوَٰتِ لَصَوْتُ ٱلْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است. (۱۹)

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخّر شما کرده، و نعمتهای آشکار

نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةً وَبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا

و پنهان خود را بطور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟!ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت

هُدًى وَلَا كِتَٰبٍ مُّنِيرٍ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُوا

و کتاب روشنگری دربارهٔ خدا مجادله می‌کنند. (۲۰) و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید.»، می‌گویند:

بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ ۚ أَوَلَوْ كَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ يَدْعُوهُمْ

«نه، بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم.» آیا حتّی اگر شیطان آنان را دعوت به

إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿٢١﴾ ۞ وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ

عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیّت می‌کنند)؟! (۲۱) کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد،

مُحْسِنٌ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ ۗ وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلْأُمُورِ

به محکم‌ترین دستگیره چنگ زده (و به مطمئن‌ترین تکیه‌گاه، تکیه کرده است)؛ و عاقبت همهٔ امور به سوی خداست.

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُۥٓ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا

و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد؛بازگشت همهٔ آنان به سوی ماست (۲۲)

عَمِلُوٓا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ

و ما آنها را از اعمالی که انجام داده‌اند (و نتایج شوم آن) باخبر خواهیم ساخت؛ خداوند به آنچه درون سینه‌هاست آگاه است. (۲۳) ما اندکی آنها را (از متاع

نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٢٤﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

دنیا) بهره‌مند می‌کنیم، سپس آنها را به تحمل عذاب شدیدی وادار می‌سازیم! (۲۴) وهر گاه از آنان سوال کنی: «چه کسی آسمانها

وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۚ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾

وزمین را آفریده است؟» به یقین می‌گویند: «خداوند یگانه». بگو: «الحمدلله (که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۲۵)

لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِيُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ

آنچه در آسمانهاو زمین است فقط از آن خداست، به یقین خداوند بی‌نیاز و ستوده است. (۲۶) و اگر

أَنَّمَا فِي ٱلْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَٰمٌ وَٱلْبَحْرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ سَبْعَةُ

همهٔ درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکّب گردد، و هفت دریا به آن افزوده شود،

أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ مَّا خَلْقُكُمْ

(اینها همه تمام می‌شود ولی) کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند توانا و حکیم است. (۲۷) آفرینش

وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَٰحِدَةٍ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

و برانگیختن (و زندگی دوبارهٔ) همه شما (برای خداوند) همانند یک فرد بیش نیست؛ خداوند شنوا و بیناست. (۲۸)

الحزب ٤٢

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ
آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند،
وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِىٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا
و خورشید و ماه را مسخّر ساخته‌وهر کدام تا سر آمد معیّنی به حرکت خودادامه می‌دهند؟! خداوند
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ
به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲۹) این به خاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است، و آنچه غیر از
ٱلْبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱلْفُلْكَ تَجْرِى فِى
او می‌خوانند باطل است، و خداوند بلند مرتبه و بزرگ است. (۳۰) آیا ندیدی کشتیها به برکت نعمت خدا
ٱلْبَحْرِ بِنِعْمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنْ ءَايَٰتِهِۦٓ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ
در دریا حرکت می‌کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه‌هایی است برای هر
صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ
شکیبای شکرگزار. (۳۱) و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بر سرشان سایه افکند)، خدا را با خلوص عقیده می‌خوانند؛
لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ
امّا وقتی آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بعضی از آنها راه اعتدال (و اخلاص) را پیش می‌گیرند (در حالی که بعضی دیگر به شرک باز می‌گردند)؛ و آیات
إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ وَٱخْشَوْا۟
ما را هیچ کس جز پیمان‌شکنان ناسپاس انکار نمی‌کنند. (۳۲) ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از
يَوْمًا لَّا يَجْزِى وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ
روزی که نه پدری مجازات فرزندش را پذیرا می‌شود، و نه فرزندی چیزی از مجازات پدرش را؛
شَيْـًٔا إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَلَا
به یقین وعدهٔ الهی حق است؛ پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را نسبت
يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ﴿٣٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ
به (کَرَم) خدا بفریبد (و مغرور سازد)! (۳۳) آگاهی از (زمان قیام) قیامت مخصوص خداست، و او باران را نازل می‌کند،
ٱلْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ
(و از نزول دقیق آن آگاه است) و آنچه را که در رحمها (ی مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داندفردا چه به دست می‌آورد،
غَدًا وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌۢ ﴿٣٤﴾
و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ به یقین خداوند (نسبت به همهٔ این امور) دانا و آگاه است. (۳۴)

سُورَةُ السَّجْدَةِ

ترتیبها ۳۲ — آیاتها ۳۰

۳۲ – سوره السجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الٓمٓ (١) تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ (٢)

الم. (۱) این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شک و تردیدی در آن نیست. (۲)

أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ ۚ بَلْ هُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم

ولی آنان می‌گویند: «(محمّد) آن را بدروغ به خدا بسته است»،امّا این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را

مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (٣) ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ

انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده‌ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند. (۳) خداوند کسی است که

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى

آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [= شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت و تدبیر جهان هستی) قرار گرفت؛

ٱلْعَرْشِ ۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (٤)

هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای شما جز او نیست؛ آیا متذکر نمی‌شوید؟! (۴)

يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِى يَوْمٍ كَانَ

امور (این جهان) را از آسمان‌به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است

مِقْدَارُهُۥٓ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (٥) ذَٰلِكَ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ

که شما می‌شمرید به سوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد). (۵) او خداوندی است که از پنهان و آشکار باخبر است،

ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (٦) ٱلَّذِىٓ أَحْسَنَ كُلَّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ ۖ وَبَدَأَ خَلْقَ

و توانا و مهربان است. (۶) همان کسی که هرچه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش

ٱلْإِنسَٰنِ مِن طِينٍ (٧) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٍ مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ

انسان را از گِل آغاز کرد؛ (۷) سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید.

(٨) ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِۦ ۖ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَ

(۸) سپس (اندام) او را نظام بخشید و از روح خویش [= روحی شریف و برجسته] در وی دمید؛ و برای شما گوش‌ها

ٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (٩) وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا ضَلَلْنَا فِى

و چشمها و دلها [= عقلها] قرار داد؛ امّا کمتر شکر (نعمتهای او را) به جا می‌آورید. (۹) آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مُردیم و) در

ٱلْأَرْضِ أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍۭ ۚ بَلْ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كَٰفِرُونَ (١٠) ۞ قُلْ

زمین ناپدید شدیم، آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟!» بلکه آنان لقای پروردگارشان را انکار می‌کنند (تا به هوسرانی خویش ادامه دهند). (۱۰) بگو:

يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلْمَوْتِ ٱلَّذِى وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (١١)

«فرشتهٔ مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می‌گیرد؛ سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می‌شوید.» (۱۱)

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا۟ رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَآ

و اگر ببيني مجرمان را هنگامي كه در پيشگاه پروردگارشان سر به زير افكنده، (و مي‌گويند): «پروردگارا!

أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَٱرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ﴿١٢﴾ وَلَوْ

(آنچه وعده كرده بودي) ديديم و شنيديم؛ما را بازگردان تا كار شايسته انجام دهيم؛ ما (به قيامت) يقين داريم.» (۱۲) و اگر

شِئْنَا لَءَاتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَىٰهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ ٱلْقَوْلُ مِنِّى لَأَمْلَأَنَّ

مي‌خواستيم به هر انساني هدايت لازمش را (از روي اجبار بدهيم) مي‌داديم؛ولي (من آنها را آزاد گذارده‌ام و) سخن و وعده‌ام حق است

جَهَنَّمَ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٣﴾ فَذُوقُوا۟ بِمَا نَسِيتُمْ

كه دوزخ را (از افراد بي‌ايمان و گنهكار) از جنّ و انس همگي پر كنم! (۱۳) (و به آنها مي‌گويم:) بچشيد (عذاب جهنم را)!

لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمْ ۖ وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ

بخاطر اين‌كه ديدار امروزتان را فراموش كرديد، ما نيز شما را فراموش كرديم؛ و بچشيد عذاب جاودان را

بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا۟

بخاطر آنچه كه انجام مي‌داديدا (۱۴) تنها كساني به آيات ما ايمان مي‌آورند كه هر وقت اين آيات به آنان يادآوري شود

بِهَا خَرُّوا۟ سُجَّدًا وَسَبَّحُوا۟ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۩

به سجده مي‌افتندو تسبيح و حمد پروردگارشان را مي‌گويند، و تكبّر نمي‌كنند.

سجدة واجبة

﴿١٥﴾ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا

(۱۵) پهلوهايشان از بسترها دور مي‌شود (و شبانگاه به پا مي‌خيزند و رو به درگاه خدا مي‌آورند) و پروردگار خود را با بيم و اميد مي‌خوانند،

وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿١٦﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ أُخْفِىَ لَهُم مِّن

و از آنچه به آنان روزي داده‌ايم انفاق مي‌كنند. (۱۶) هيچ كس نمي‌داند چه پاداشهاي مهمّي كه مايهٔ روشني چشمهاست

قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ

براي آنها نهفته شده، به پاداش كارهايي كه انجام مي‌دادند. (۱۷) آيا كسي كه باايمان بوده همچون كسي است كه

فَاسِقًا ۚ لَّا يَسْتَوُۥنَ ﴿١٨﴾ أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ

فاسق بوده؟! (نه، هرگز) آنها برابر نيستند. (۱۸) امّا كساني كه ايمان آوردند و كارهاي شايسته انجام دادند،

فَلَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْمَأْوَىٰ نُزُلًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ

باغهاي جاويدان بهشتي از آن آنها خواهد بود،اين وسيلهٔ پذيرايي (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام مي‌دادند. (۱۹) و امّا كساني كه

فَسَقُوا۟ فَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ ۖ كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَآ أُعِيدُوا۟ فِيهَا

از اطاعت خدا سرباز زدند، جايگاه هميشگي آنها آتش است؛ هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾

باز مي‌گردانند و به آنان گفته مي‌شود: «بچشيد عذاب آتشي را كه تكذيب مي‌كرديد!» (۲۰)

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَدْنَىٰ دُونَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ
به آنان از عذاب نزدیک (دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید
يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَآ
بازگردند. (۲۱) چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده، سپس او از آن اعراض کرده است؟! به یقین
إِنَّا مِنَ ٱلْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ
ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت. (۲۲) و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛
فَلَا تَكُن فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآئِهِۦ ۖ وَجَعَلْنَٰهُ هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٣﴾
و شک نداشته باش که او آن را دریافت داشت؛ و ما آن را وسیلهٔ هدایت بنی‌اسرائیل قرار دادیم. (۲۳)
وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا۟ ۖ وَكَانُوا۟
و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند،
بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا
و به آیات ما یقین داشتند. (۲۴) البته پروردگار تو میان آنان روز قیامت در آنچه در آن اختلاف داشتند حکم می‌کند
كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٥﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن
(و هرکس را به سزای اعمالش می‌رساند). (۲۵) آیا برای هدایت آنها کافی نیست که بسیاری از اقوام پیشین را
قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْقُرُونِ يَمْشُونَ فِى مَسَٰكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَٰتٍ ۖ
(که طغیان کردند) هلاک نمودیم؟! در حالی که اینها در مساکن (ویران شدهٔ) آنان راه می‌روند؛ در این نشانه‌هایی است (از قدرت خداوند و
أَفَلَا يَسْمَعُونَ ﴿٢٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَسُوقُ ٱلْمَآءَ إِلَى ٱلْأَرْضِ
مجازات دردناک مجرمان)؛ آیا نمی‌شنوند؟! (۲۶) آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمینهای خشک
ٱلْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِۦ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَٰمُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ ۖ أَفَلَا
و بی گیاه می‌رانیم و بوسیلهٔ آن زراعتهایی می‌رویانیم که هم چهار پایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان؛
يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ
آیا نمی‌بینند؟! (۲۷) آنان می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این پیروزی (شما) کی خواهد بود؟!»
﴿٢٨﴾ قُلْ يَوْمَ ٱلْفَتْحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِيمَٰنُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ
(۲۸) بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت؛ و به آنها هیچ مهلت داده نمی‌شود.»
﴿٢٩﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَٱنتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾
(۲۹) حال که چنین است، از آنها روی بگردان و منتظر باش؛ آنها نیز منتظرند. (تو منتظر پیروزی و رحمت الهی و آنها منتظر عذاب او!) (۳۰)

سُورَةُ الأَحْزَابِ

ترتیبها ۳۳ — آیاتها ۷۳

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ

ای پیامبرا تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند

عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١﴾ وَٱتَّبِعْ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ

دانا و حکیم است. (۱) و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن که خداوند

كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٢﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ

به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲) و بر خدا توکّل کن،و همین بس که خداوند حافظ و مدافع

وَكِيلًا ﴿٣﴾ مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِى جَوْفِهِۦ ۚ وَمَا جَعَلَ

(انسان) باشد. (۳) خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده؛ و هرگز

أَزْوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔى تُظَٰهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَآءَكُمْ

همسرانتان را که مورد«ظهار» قرار می‌دهید مادران شما قرار نداده؛ و (نیز) پسرخوانده‌های شما را

أَبْنَآءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُم بِأَفْوَٰهِكُمْ ۖ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِى

پسر (واقعی) شماقرارنداده است؛این سخن شماست که با دهان خود می‌گویید (سخنی که واقعیت ندارد)؛ امّا خداوند حق را می‌گوید و او به

ٱلسَّبِيلَ ﴿٤﴾ ٱدْعُوهُمْ لِءَابَآئِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ فَإِن لَّمْ

راه راست هدایت می‌کند. (۴) آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است؛ و اگر

تَعْلَمُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ فَإِخْوَٰنُكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمْ ۚ وَلَيْسَ

پدرانشان را نمی‌شناسید، آنها برادران دینی و یاران شما هستند؛ امّا گناهی بر شما نیست

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَآ أَخْطَأْتُم بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ

در خطاهایی که (در نامیدن آنها به نام دیگران) از شما سر می‌زند، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥﴾ ٱلنَّبِىُّ أَوْلَىٰ بِٱلْمُؤْمِنِينَ مِنْ

(مورد مؤاخذه قرار خواهد داد)؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۵) پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است؛

أَنفُسِهِمْ ۖ وَأَزْوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمْ ۗ وَأُو۟لُوا۟ ٱلْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ

و همسران او مادران آنها [= مؤمنان] محسوب می‌شوند؛ و خویشاوندان‌نسبت به یگدیگر

فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفْعَلُوٓا۟ إِلَىٰٓ

از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرّر داشته اولی هستند، مگر این‌که بخواهید نسبت به

أَوْلِيَآئِكُم مَّعْرُوفًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾

دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است. (۶)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ

(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی

وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۖ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾ لِّيَسْأَلَ

و عیسی بن مریم،و ما از همهٔ آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت کوتاهی نکنند). (۷) به این منظور

الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ ۚ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا

که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است. (۸) ای کسانی که

الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا

ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را برخود به یاد آورید آنگاه که (در جنگ احزاب) لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و

عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم)؛ و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا است.

﴿٩﴾ إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ

(۹) (به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما هجوم آوردند (و مدینه را محاصره کردند)

الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ﴿١٠﴾

و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و دلها به گلوگاه رسیده بود،و گمانهای گوناگون بدی به خدا می‌بردید. (۱۰)

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ

آن‌جا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند. (۱۱) و (نیز به خاطر آورید) زمانی را که

الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا

منافقان و بیماردلان می‌گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند.»

غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا

(۱۲) و (نیز به خاطر آورید) زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! این‌جا جای ماندن شما نیست؛

وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۖ

به خانه‌های خود باز گردید.» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است.» در حالی که بی‌حفاظ نبود؛

إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا

آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند. (۱۳) در حالی که اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و پیشنهاد بازگشت

الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا

به فتنه (و سوی شرک) به آنان می‌کردند می‌پذیرفتند، و جز مدّت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی‌کردند. (۱۴) با اینکه آنان قبل از

عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند). (۱۵)

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ ٱلْمَوْتِ أَوِ ٱلْقَتْلِ وَإِذًا لَّا تُمَتَّعُونَ
بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، سودی به حال شما نخواهد داشت؛ و در آن هنگام
إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾ قُلْ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوٓءًا
جز بهرهٔ کمی (از زندگانی) نخواهید گرفت.» (۱۶) بگو: «چه کسی می‌تواند شما را از ارادهٔ خدا نگه دارد اگر او بدی یا رحمتی را
أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾
برای شما اراده کند؟!» و آنها جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای خود نخواهند یافت. (۱۷)
۞ قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَٱلْقَآئِلِينَ لِإِخْوَٰنِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۖ وَلَا
خداوند کسانی که مردم را (از جنگ) باز می‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: «به سوی ما بیایید (و خود را از معرکه بیرون کشید)» بخوبی
يَأْتُونَ ٱلْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلْخَوْفُ
می‌شناسد؛ و آنها (مردمی ضعیفند و) جز اندکی پیکار نمی‌کنند. (۱۸) آنها (در همه چیز) نسبت به شما بخیلند؛
رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَٱلَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ ۖ
و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آنچنان به تو نگاه می‌کنند، و چشمهایشان در حدقه می‌چرخد، مانند کسی که می‌خواهد قالب تهی
فَإِذَا ذَهَبَ ٱلْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلْخَيْرِ ۚ
کند! امّا وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و گزندهٔ خود را با انبوهی خشم بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند.) در
أُو۟لَٰٓئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا۟ فَأَحْبَطَ ٱللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا
حالی که در مال حریص و بخیلند؛ آنها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد؛ و این (کار) بر خدا آسان است.
﴿١٩﴾ يَحْسَبُونَ ٱلْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا۟ ۖ وَإِن يَأْتِ ٱلْأَحْزَابُ يَوَدُّوا۟
(۱۹) آنها گمان می‌کنند هنوز لشکر احزاب نرفته‌اند؛ و اگر برگردند (آنان از ترس) دوست می‌دارند می‌توانستند
لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِي ٱلْأَعْرَابِ يَسْـَٔلُونَ عَنْ أَنۢبَآئِكُمْ ۖ وَلَوْ
در میان اعراب بادیه نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جویا گردند؛ و اگر
كَانُوا۟ فِيكُم مَّا قَٰتَلُوٓا۟ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾ لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ
در میان شما بودند جز اندکی پیکار نمی‌کردند. (۲۰) به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود،
ٱللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْـَٔاخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ
برای آنها که امید به رحمت خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.
كَثِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَمَّا رَءَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْأَحْزَابَ قَالُوا۟ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ
(۲۱) (امّا) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده،
وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ ۚ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّآ إِيمَٰنًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾
و خدا و پیامبرش راست گفته‌اند.» و این (موضوع) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (۲۲)

مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا۟ مَا عَٰهَدُوا۟ ٱللَّهَ عَلَيْهِ ۖ فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند(ودرراه‌اوشربت شهادت نوشیدند)،

نَحْبَهُۥ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا۟ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾ لِّيَجْزِىَ ٱللَّهُ

و بعضی دیگردر انتظارند؛ و هیچ گونه تغییری در پیمان خود ندادند. (۲۳) هدف این است که خداوند

ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوْ يَتُوبَ

راستگویان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نمایدیا (اگر توبه کنند) توبهٔ آنها را بپذیرد؛

عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِغَيْظِهِمْ

چرا که خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (۲۴) و خدا کافران را با دلی پر از خشم (از میدان جنگ احزاب) باز گرداند بی‌آن‌که نتیجهٔ مطلوبی

لَمْ يَنَالُوا۟ خَيْرًا ۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا

(از کار خود) گرفته باشند؛ و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد)؛ و خدا توانا و شکست‌ناپذیر است.

﴿٢٥﴾ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمْ

(۲۵) و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان [= مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه‌های محکمشان پایین کشید

وَقَذَفَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٦﴾

و در دلهایشان وحشت افکند؛(و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید. (۲۶)

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَٰرَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَـُٔوهَا ۚ وَكَانَ

و زمینها و خانه‌ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت، و (همچنین)زمینی را که هرگز در آن گام ننهاده بودید؛

ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ قُل لِّأَزْوَٰجِكَ إِن

و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۷) ای پیامبر! به همسرانت بگو:

كُنتُنَّ تُرِدْنَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ

«اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای

وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ

شما را بهره‌مند ساخته و به نیکویی رها سازم. (۲۸) و اگر شما خدا و پیامبرش

وَٱلدَّارَ ٱلْءَاخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.»

﴿٢٩﴾ يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِىِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَٰعَفْ

(۲۹) ای همسران پیامبر! هر کس از شما گناه‌آشکار و فاحشی مرتکب شود،

لَهَا ٱلْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

عذاب او دو چندان خواهد بود؛ و این برای خدا آسان است. (۳۰)

وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعْمَلْ صَٰلِحًا نُّؤْتِهَآ أَجْرَهَا
و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد،
مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِىِّ لَسْتُنَّ
دوباره به او پاداش خواهیم داد، وروزی پرارزشی برای او آماده کرده‌ایم. (۳۱) ای همسران پیامبر!
كَأَحَدٍ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ ۚ إِنِ ٱتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ فَيَطْمَعَ
شما همچون یکی از زنان (عادی) نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که
ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِۦ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ فِى بُيُوتِكُنَّ
بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید. (۳۲) و در خانه‌های خود بمانید،
وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ ۖ وَأَقِمْنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ
و همچون دوران جاهلیّت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و
ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ
زکات را بپردازید،و خدا وپیامبرش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی (گناه) را از شما
عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَٱذْكُرْنَ
اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (۳۳) آنچه را در خانه‌های شما
مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ
از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود یاد آور شوید؛ خداوند به اسرار دقیق
لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ
آگاه و داناست. (۳۴) به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان
وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ
و زنان با ایمان، مردان مطیع (فرمان خدا) و زنان مطیع (فرمان خدا)، مردان راستگو و زنان راستگو،
وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلْخَٰشِعِينَ وَٱلْخَٰشِعَٰتِ
و مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع،
وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ وَٱلْمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ
مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار،
وَٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ
مردان پاکدامن و زنان پاکدامن ومردانی که بسیار به یاد خدا هستند
كَثِيرًا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾
و زنانی که (بسیار خدا را) یاد می‌کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (۳۵)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش فرمانی صادر کنند، اختیاری (در برابر فرمان خدا)

ٱلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا مُّبِينًا

در کار خود داشته باشد؛ و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!

﴿٣٦﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِىٓ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ

(۳۶) (به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خواندهات «زید»] می‌گفتی:

عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخْفِى فِى نَفْسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى

«همسرت را برای خود نگاه‌دار و از خدا بپرهیز.» و در دل خود چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند؛ و از مردم می‌ترسیدی در حالی که

ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَىٰهُ ۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَٰكَهَا

خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سر آورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم

لِكَىْ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِىٓ أَزْوَٰجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا۟

تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخوانده‌هایشان ـ هنگامی که از آنها بی نیاز شدند (و آنها را طلاق دادند) ـ نباشد؛

مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾ مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ مِنْ حَرَجٍ

و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنّت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (۳۷) هیچ‌گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا

فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥ ۖ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ

برای او مقرر داشته نیست؛ این سنّت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب

قَدَرًا مَّقْدُورًا ﴿٣٨﴾ ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُۥ وَلَا

و تدبیر کاملی است. (۳۸) (پیامبران پیشین) کسانی بودند که رسالتهای الهی را تبلیغ می‌کردند و از او بیم داشتند،

يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ

واز هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش‌دهندهٔ اعمال آنها) است. (۳۹) محمد پدر هیچ یک

مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّۦنَ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ

از مردان شما نبوده است؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه

شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾

چیز دانا است. (۴۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید، (۴۱)

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ

و صبح و شام او را تسبیح گویید. (۴۲) او کسی است که بر شما درود و رحمت می‌فرستد،و فرشتگان او (نیز برای شما تقاضای رحمت می‌کنند)

لِيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

تا شما را از تاریکی‌های (جهل و شرک و گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) خارج سازد؛ او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است. (۴۳)

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُۥ سَلَٰمٌ ۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ

تحیّت (فرشتگان به) آنان در روزی که به لقای او می‌رسند سلام است؛ و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است. (۴۴) ای پیامبر!

إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ

ما تو را گواه فرستادیم‌و بشارت دهنده و بیم دهنده. (۴۵) و تو را دعوت‌کننده به سوی خدا

بِإِذْنِهِۦ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضْلًا

به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش. (۴۶) و مؤمنان رابشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل

كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَدَعْ أَذَىٰهُمْ وَتَوَكَّلْ

بزرگی است. (۴۷) و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما، بر خدا توکّل کن،

عَلَى ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا نَكَحْتُمُ

و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) باشد. (۴۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که‌با

ٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ

زنان باایمان ازدواج کردید و آنان را قبل از آمیزش طلاق دادید، عدّه‌ای برای شما

عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا ۖ فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید؛ آنها را با هدیهٔ مناسبی بهره‌مند سازید و بطرز نیکویی رهایشان کنید.

﴿٤٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ إِنَّآ أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَٰجَكَ ٱلَّٰتِىٓ ءَاتَيْتَ

(۴۹) ای پیامبر! ماهمسران تو را که مهرشان را پرداخته‌ای برای تو حلال کردیم،

أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ

و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو داده است مالک شده‌ای‌و دختران

عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّٰتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَٰلَٰتِكَ ٱلَّٰتِى

عموی تو، و دختران عمه‌ها، و دختران دایی‌تو، و دختران خاله‌ها که

هَاجَرْنَ مَعَكَ وَٱمْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِىِّ إِنْ أَرَادَ

با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو جایز است) و (نیز) زن باایمانی که خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد

ٱلنَّبِىُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۗ قَدْ

می‌تواند او را به همسری برگزیند؛ امّا چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان؛

عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِىٓ أَزْوَٰجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ

ما می‌دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرّر داشته‌ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می‌کند)؛

لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٠﴾

این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی)؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۵۰)

۞ تُرْجِي مَن تَشَآءُ مِنْهُنَّ وَتُـْٔوِيٓ إِلَيْكَ مَن تَشَآءُ ۖ وَمَنِ ٱبْتَغَيْتَ مِمَّنْ

(موعد) هر یک از آنان [= همسرانت] را بخواهي مي‌تواني به تأخير اندازي، و هر كدام را بخواهي نزد خود جاي دهي؛

عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ

و هرگاه بعضي از آنان را كه بركنار ساخته‌اي بخواهي نزد خود جاي دهي، گناهي بر تو نيست؛ اين (حكم الهي) براي روشني چشم آنان، و اين‌كه غمگين نباشند

وَيَرْضَيْنَ بِمَآ ءَاتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۚ وَكَانَ

و همگي به آنچه به آنان مي‌دهي راضي شوند نزديكتر است؛ و خدا آنچه را در دل‌هاي شماست مي‌داند، و خداوند دانا و داراي حلم است (از مصالح بندگان

ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَّا يَحِلُّ لَكَ ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعْدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ

خود باخبر است، و در كيفر آنها عجله نمي‌كند). (۵۱) بعد از اين زنان (ديگر) بر تو حلال نيستند، و نمي‌تواني همسرانت را به همسران ديگري مبدّل كني

بِهِنَّ مِنْ أَزْوَٰجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ

و بعضي را طلاق دهي و همسر ديگري به جاي او برگزيني) هر چند خوبي آنها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنچه كه در ملك تو در آيد. و خداوند مراقب هر

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ رَّقِيبًا ﴿٥٢﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَدْخُلُوا۟

چيز است (و با اين حكم فشار قبايل عرب را در اختيار همسر از آنان، از تو برداشتيم). (۵۲) اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! در خانه‌هاي پيامبر داخل نشويد

بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَـٰظِرِينَ إِنَىٰهُ

مگر به شما براي صرف غذا اجازه داده شود، مشروط بر اينكه (قبل از موعد نياييد و) در انتظار وقت غذا ننشينيد؛

وَلَـٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَٱدْخُلُوا۟ فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَٱنتَشِرُوا۟ وَلَا

امّا هنگامي كه دعوت شديد داخل شويد؛ و وقتي غذا خورديد پراكنده شويد، و (بعد از صرف غذا)

مُسْتَـْٔنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِى ٱلنَّبِىَّ فَيَسْتَحْىِۦ

به بحث و صحبت ننشينيد؛ زيرا اين عمل، پيامبر را ناراحت مي‌نمايد، ولي‌از شما شرم مي‌كند (و چيزي نمي‌گويد)؛

مِنكُمْ ۖ وَٱللَّهُ لَا يَسْتَحْىِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ ۚ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَـٰعًا

امّا خداوند از (بيان) حق شرم نمي‌كند. و هنگامي كه چيزي از وسايل زندگي را (بعنوان عاريت)

فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۚ

از آنان [=همسران پيامبر] مي‌خواهيد از پشت پرده بخواهيد؛ اين كار براي پاكي دلهاي شما و آنها بهتر است.

وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا۟ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓا۟

و شما حق نداريد پيامبر خدا را آزار دهيد، و نه هرگز همسران او را بعد از او به

أَزْوَٰجَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾

همسري خود درآوريد كه (گناه) اين كار نزد خدا بزرگ است! (۵۳)

إِن تُبْدُوا۟ شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

اگر چيزي را آشكار كنيد يا آن را پنهان داريد، خداوند همه چيز دانا است. (۵۴)

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ
بر آنان [= همسران پیامبر] گناهی نیست در مورد پدران و پسران و برادران و پسران
إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ
برادران و پسران خواهران خود و زنان هم کیششان و بردگان خویش (که بدون حجاب در برابر آنان ظاهر شوند)؛
وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱللَّهَ
و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت به هرچیزی شاهد (و آگاه) است. (۵۵) خدا
وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ صَلُّوا۟
و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید
عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ
و (در برابر اوامر او) کاملاً تسلیم باشید. (۵۶) آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند،
ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ
خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. (۵۷) و آنان که
يُؤْذُونَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ بِغَيْرِ مَا ٱكْتَسَبُوا۟ فَقَدِ
مردان وزنان با ایمان را در برابر گناهی که مرتکب نشده‌اند آزار می‌دهند،
ٱحْتَمَلُوا۟ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَٰجِكَ
بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش‌کشیده‌اند. (۵۸) ای پیامبرابه همسران و
وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ
دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [= روسری های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این‌که‌شناخته شوند
أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٩﴾ ۞ لَّئِن لَّمْ
و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده و مهربان است». (۵۹) اگر
يَنتَهِ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَٱلْمُرْجِفُونَ فِي ٱلْمَدِينَةِ
منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس را در مدینه پخش می‌کنند دست برندارند،
لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٠﴾ مَّلْعُونِينَ
تو را بر ضدّ آنان می‌شورانیم، سپس‌جز مدّت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند. (۶۰) و از همه جا طرد می‌شوند،
أَيْنَمَا ثُقِفُوٓا۟ أُخِذُوا۟ وَقُتِّلُوا۟ تَقْتِيلًا ﴿٦١﴾ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي
و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید. (۶۱) این سنّت خداوند در
ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٦٢﴾
اقوام پیشین است، و برای سنّت الهی هیچ گونه تغییری نخواهی یافت. (۶۲)

يَسْـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِ ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ
مردم از تو دربارهٔ (زمان قیام) قیامت سؤال می‌کنند، بگو: «علم آن تنها نزد خداست.»
ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلْكَـٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ
و چه می‌داني شايد قيامت نزديک باشد. (۶۳) خداوند کافران را از رحمت خود دور داشته و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده
سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ خَـٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾ يَوْمَ
نموده است. (۶۴) در حالی که همواره در آن تا ابد می‌مانند؛ و سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (۶۵) در آن روز
تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِى ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَـٰلَيْتَنَآ أَطَعْنَا ٱللَّهَ وَأَطَعْنَا ٱلرَّسُولَا۠
که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت‌کرده بودیم!»
وَقَالُوا۟ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ ﴿٦٦﴾
و می‌گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند. (۶۶)
رَبَّنَآ ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ ٱلْعَذَابِ وَٱلْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٧﴾ ﴿٦٨﴾
پروردگارا! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را به طور کامل از رحمتت دور ساز!» (۶۷) (۶۸)
يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ ءَاذَوْا۟ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خداوند او را از آنچه (در حق او) گفتند مبرّا ساخت؛
قَالُوا۟ ۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ
و او نزد خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود. (۶۹) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید
وَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَـٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
و سخن حق بگویید، (۷۰) تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد؛
وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ إِنَّا عَرَضْنَا
و هر کس اطاعت خدا وپیامبرش کند، به رستگاری (و پیروزی) بزرگي دست یافته است. (۷۱) ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهي)
ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا
را بر آسمانهاو زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند (و اظهار ناتوانی کردند)؛
وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَـٰنُ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾ لِّيُعَذِّبَ
امّا انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ستمگار و نادان بود، (چون بر خود ستم کرد و قدر این مقام والا را ندانست). (۷۲) هدف این بود
ٱللَّهُ ٱلْمُنَـٰفِقِينَ وَٱلْمُنَـٰفِقَـٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَـٰتِ وَيَتُوبَ
که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند،
ٱللَّهُ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًۢا ﴿٧٣﴾
و خدا توبهٔ مردان و زنان با ایمان را بپذیرد؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (۷۳)

۳۴ – سوره سبإ

سُورَةُ سَبَإٍ — ترتيبها ۳۴ — آياتها ۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که تمام آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست؛ و (نیز) حمد و ستایش در سرای

الْآخِرَةِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ

آخرت مخصوص اوست؛ و او حکیم و آگاه است. (۱) آنچه در زمین داخل می‌شود و آنچه را ازآن برمی‌آید می‌داند،

مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

و (همچنین) آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه بر آن بالا می‌رود؛ و او مهربان و آمرزنده است.

﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۖ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي

(۲) کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد.» بگو: «آری به پروردگارم سوگند

لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ۖ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ

که به سراغ شما خواهد آمد، پروردگاری که از غیب آگاه است و حتی به اندازهٔ سنگینی ذرّه‌ای در آسمانها

وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ

و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر این‌که در کتابی

مُبِينٍ ﴿٣﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ

آشکار ثبت است.» (۳) تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد؛

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا

برای آنان آمرزش و روزی پرارزشی است. (۴) و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند

مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ

و گمان کردند می‌توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، (و به ارادهٔ حتمی ما غالب شوند) عذابی شدید و دردناک خواهند داشت! (۵) کسانی که به

أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي

ایشان علم داده شده،می‌دانند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است و به راه خداوند

إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ

توانا و ستوده هدایت می‌کند. (۶) و کافران گفتند:«آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می‌دهد هنگامی که

رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

(مُردید و) کاملاً از هم متلاشی شدید، (بار دیگر) آفرینش تازه‌ای خواهید یافت؟! (۷)

أَفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةُۢ ۗ بَلِ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ فِى

آیا او بر خدا دروغ بسته یا به جنونی گرفتار است؟!» (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند،

ٱلْعَذَابِ وَٱلضَّلَـٰلِ ٱلْبَعِيدِ ﴿٨﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

در عذاب و گمراهی‌دوری هستند. (۸) آیا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد

خَلْفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۚ إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ ٱلْأَرْضَ

نگاه نکردند (تا به قدرت خدا بر همه چیز واقف شوند)؟! اگر ما بخواهیم‌آنها را (با یک زمین لرزه) در زمین فرو می‌بریم،

أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ

یا قطعه‌هایی از سنگهای آسمانی را بر آنها فرو می‌ریزیم؛ در این نشانه‌ای است (بر قدرت خداوند) برای هر بندهٔ بازگشت کننده

مُّنِيبٍ ﴿٩﴾ ۞ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضْلًا ۖ يَـٰجِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُۥ وَ

(به سوی خدا)، (۹) و ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوهها و پرندگان گفتیم:) ای کوهها و ای پرندگان! با او (در تسبیح خدا)

ٱلطَّيْرَ ۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنِ ٱعْمَلْ سَـٰبِغَـٰتٍ وَقَدِّرْ فِى ٱلسَّرْدِ ۖ

هم آواز شوید، و آهن را برای او نرم کردیم. (۱۰) (و به او گفتیم:) زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن،

وَٱعْمَلُوا۟ صَـٰلِحًا ۖ إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَلِسُلَيْمَـٰنَ ٱلرِّيحَ

و عمل صالح به جا آورید که من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم. (۱۱) و باد را برای سلیمان مسخّر ساختیم

غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُۥ عَيْنَ ٱلْقِطْرِ ۖ وَمِنَ ٱلْجِنِّ مَن

که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را؛ و چشمهٔ مس مذاب را برای او روان ساختیم؛

يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ ۖ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ

و گروهی از جنّ پیش روی او به فرمان پروردگارش کار می‌کردند؛ و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را از

عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١٢﴾ يَعْمَلُونَ لَهُۥ مَا يَشَآءُ مِن مَّحَـٰرِيبَ وَتَمَـٰثِيلَ

عذاب آتش سوزان می‌چشاندیم! (۱۲) آنها هرچه سلیمان می‌خواست برایش می‌ساختند: معبدها، تمثالها،

وَجِفَانٍ كَٱلْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَـٰتٍ ۚ ٱعْمَلُوٓا۟ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكْرًا ۚ وَ

ظروف بزرگ غذا به اندازهٔ حوضها،و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود؛ و به آنان گفتیم:) ای خاندان داود! شکر (این همه نعمت را) به جا

قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِىَ ٱلشَّكُورُ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ

آورید؛ ولی عدّهٔ کمی از بندگان من شکرگزارند. (۱۳) (با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرّر داشتیم،

عَلَىٰ مَوْتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُۥ ۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ

آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبندهٔ زمین [= موریانه] در حالی که عصای او را می‌خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)؛

ٱلْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ٱلْغَيْبَ مَا لَبِثُوا۟ فِى ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ ﴿١٤﴾

هنگامی که بر زمین افتاد جنّیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی‌ماندند. (۱۴)

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا

برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ با میوه‌های فراوان) از راست و چپ (رودخانهٔ عظیم؛ و به آنها گفتیم:)

مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (۱۵)

از روزی پروردگارتان بخورید وشکر او را به جا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان). (۱۵)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ

امّا آنها (از خدا) روی‌گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پر برکت) شان را به دو باغ

ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶) ذَٰلِكَ

(بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان «شوره‌گز» و اندکی درخت سدر مبدّل ساختیم. (۱۶) این

جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ (۱۷) وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ

کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا ما کسی جز افراد کفران‌کننده را مجازات می‌کنیم؟! (۱۷) و میان آنها و

وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۖ

شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری (بر سر راهشان) قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصلهٔ نزدیک) مقرّر داشتیم؛

سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸) فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ

(و به آنان گفتیم:) شبها و روزها در این آبادیهابا ایمنی (کامل) سفر کنید. (۱۸) ولی (این ناسپاسان) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا

أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ

بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند. و اینگونه) به خویشتن ستم کردند؛ و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیّتشان را

مُمَزَّقٍ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱۹) وَلَقَدْ صَدَّقَ

به طور کامل متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صبور شکرگزار است. (۱۹) (آری) به یقین،

عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰) وَمَا

ابلیس گمان خود را در بارهٔ آنها محقق ساخت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان. (۲۰) او هیچ

كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ

سلطه‌ای بر آنان نداشت جز برای این‌که مؤمنان به آخرت را از آنها که دربارهٔ آن شک هستند

هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ ۗ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱) قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ

مشخص سازیم؛ و پروردگار تو، نگاهبان‌همه چیز است. (۲۱) بگو: «کسانی را که

زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ

غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی‌گشایند، چرا که) آنها به اندازه ذرّه‌ای‌در آسمانها

وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ (۲۲)

و زمین مالک نیستند، و نه در (خلقت و مالکیّت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند». (۲۲)

وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥۚ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن

شفاعت نزد او، جز برای کسی که (خداوند) برای او اذن شفاعت داده، سودی ندارد. (در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دلهای آنان زایل

قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٢٣﴾

گردد (و فرمان از ناحیهٔ او صادر شود؛ مجرمان به شفیعان) می‌گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می‌گویند: «حق را (بیان کرد و اجازهٔ شفاعت دربارهٔ

۞ قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُلِ ٱللَّهُۖ وَإِنَّآ أَوۡ

مستحقان داد)؛ و اوست بلند مرتبه و بزرگ.» (۲۳) بگو: «چه کسی شما را از آسمانها وزمین روزی می‌دهد؟» بگو: «خداوند یگانه! و ما

إِيَّاكُمۡ لَعَلَىٰ هُدًى أَوۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٢٤﴾ قُل لَّا تُسۡـَٔلُونَ

یا شما بر (طریق) هدایت یا در گمراهی آشکاری هستیم.» (۲۴) بگو: «شما از گناهی که ما کرده‌ایم سؤال نخواهید شد،

عَمَّآ أَجۡرَمۡنَا وَلَا نُسۡـَٔلُ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلۡ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَا رَبُّنَا

(همان گونه که) ما در برابر آنچه شما انجام می‌دهید، سؤال نخواهیم شد.» (۲۵) بگو: «پروردگار ما همهٔ ما را جمع می‌کند،

ثُمَّ يَفۡتَحُ بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَهُوَ ٱلۡفَتَّاحُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلۡ أَرُونِيَ ٱلَّذِينَ

سپس در میان ما بحق داوری می‌نماید (و مجرمان را از نیکوکاران جدا می‌سازد)، و اوست داور آگاه.» (۲۶) بگو: «کسانی را که بعنوان همتا

أَلۡحَقۡتُم بِهِۦ شُرَكَآءَۖ كَلَّاۚ بَلۡ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَآ

به او ملحق ساخته‌اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! (او همتا و شبیهی ندارد)، بلکه او خداوند توانا و حکیم است.» (۲۷) و ما

أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ

تو را جز برای همهٔ مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداشهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛

ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٢٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن

ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۲۸) می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعدهٔ (رستاخیز)

كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوۡمٖ لَّا تَسۡتَـٔۡخِرُونَ عَنۡهُ

کی خواهد بود؟!» (۲۹) بگو: «وعدهٔ شما روزی خواهد بود که نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنید

سَاعَةٗ وَلَا تَسۡتَقۡدِمُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ

و نه (بر آن) پیشی خواهید گرفت.» (۳۰) کافران گفتند: «ما هرگز به این

بِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَلَا بِٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ

قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد.» اگر ببینی هنگامی که این ستمکاران

مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ يَقُولُ

در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و مجازات) نگه داشته شده‌اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد

ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ ﴿٣١﴾

(از کار آنها تعجب می‌کنی)! مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم.» (۳۱)

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ لِلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوٓا۟ أَنَحْنُ صَدَدْنَٰكُمْ عَنِ

(امّا) مستکبران به مستضعفان می‌گویند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آن‌که

ٱلْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَآءَكُم ۖ بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا۟

به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟! بلکه شما خود مجرم بودید.» (۳۲) و مستضعفان به مستکبران می‌گویند:

لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ بَلْ مَكْرُ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَآ أَن نَّكْفُرَ

«مکر و نیرنگ شما در شب و روز (مایهٔ گمراهی ما شد)،هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم

بِٱللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُۥٓ أَندَادًا ۚ وَأَسَرُّوا۟ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ وَ

و همتایانی برای او قرار دهیم.» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند

جَعَلْنَا ٱلْأَغْلَٰلَ فِىٓ أَعْنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا۟

(تا بیشتر رسوا نشوند). و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می‌نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آنها جزا

يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَا فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَآ إِنَّا

داده می‌شود؟! (۳۳) و ما در هیچ شهر و دیاری (پیامبری) بیم‌دهنده‌ای نفرستادیم مگر این‌که ثروتمندان آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند:

بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٣٤﴾ وَقَالُوا۟ نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَٰلًا وَ

«ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم.» (۳۴) و گفتند: «اموال و فرزندان ما (از همه) بیشتر است (و این نشانهٔ علاقه خدا به ماست.)؛

أَوْلَٰدًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ

و ما هرگز عذاب نخواهیم شد.» (۳۵) بگو: «پروردگار من‌روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می‌بخشد

وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ

یا تنگ می‌گیرد، (این نشانهٔ قرب و بعد به درگاه او نیست)؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (۳۶) اموال و فرزندانتان

أَوْلَٰدُكُم بِٱلَّتِى تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰٓ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا

هرگزشما را نزد ما مقرّب نمی‌سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند

فَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ جَزَآءُ ٱلضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا۟ وَهُمْ فِى ٱلْغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ

که برای آنان در برابر کارهایی که انجام داده‌اند پاداش مضاعف است؛ و آنها در غرفه‌های بهشتی در (نهایت) امنیت خواهند بود.

﴿٣٧﴾ وَٱلَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ٱلْعَذَابِ

(۳۷) و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می‌کنند و می‌پندارند از حوزهٔ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی)

مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ

احضار می‌شوند. (۳۸) بگو: «پروردگارم روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می‌بخشد یا تنگ می‌گیرد؛

لَهُۥ ۚ وَمَآ أَنفَقْتُم مِّن شَىْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُۥ ۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٣٩﴾

و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن رامی‌دهد (و جای آن را پر می‌کند)؛ و او بهترین روزی‌دهندگان است.» (۳۹)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ

(به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همهٔ آنان را محشور می‌کند، سپس به فرشتگان می‌گوید: «آیا اینها شما را پرستش می‌کردند؟!»

﴿٤٠﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم ۖ بَلْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّ ۖ

(۴۰) آنها می‌گویند: «منزّهی (از این‌که همتایی داشته باشی)! تنها تو ولیّ و سرپرست مایی، نه آنها؛ (آنها ما را پرستش نمی‌کردند) بلکه جنّ را پرستش

أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَٱلْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا

می‌نمودند؛ و اکثرشان به آنها ایمان داشتند.» (۴۱) (آری) امروز کسی از شما نسبت به دیگری مالک سود

وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ

و زیانی نیست؛ و به ستمکاران می‌گوییم: «بچشید عذاب آتشی راکه تکذیب می‌کردید!»

﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن

(۴۲) و هنگامی که آیات روشنگر ما برآنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «او فقط مردی است که می‌خواهد

يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُكُمْ وَقَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّآ إِفْكٌ مُّفْتَرًى ۚ وَ

شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند باز دارد.» و می‌گویند: «این جز دروغ بزرگی که (به خدا) بسته شده چیز دیگری نیست.»

قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾

و کافران دربارهٔ حق هنگامی که به سراغشان آمد گفتند: «این، جز افسونی آشکار نیست.» (۴۳)

وَمَآ ءَاتَيْنَٰهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا ۖ وَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن

ما (قبلاً) چیزی از کتابهای آسمانی را به آنان نداده‌ایم که آن را بیاموزند (و به اتکای آن سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ (پیامبری) بیم دهنده‌ای

نَّذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا۟ مِعْشَارَ مَآ

برای آنان نفرستادیم. (۴۴) کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) تکذیب کردند، در حالی که اینها به ده یک آنچه به آنان دادیم نرسیده‌اند. (آری)

ءَاتَيْنَٰهُمْ فَكَذَّبُوا۟ رُسُلِى ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾ ۞ قُلْ إِنَّمَآ

آنها فرستادگان مرا تکذیب کردند؛ پس (ببین) مجازات من (نسبت به آنها) چگونه بود! (۴۵) بگو: «شما را تنها

أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍ ۖ أَن تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ ۚ

به یک چیز اندرز می‌دهم، دو نفر دو نفر یا بتنهائی برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید

مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ

این دوست و همنشین شما [= محمد] هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم‌دهندهٔ شما در برابر عذاب

شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ ۖ

شدید (الهی) است!» (۴۶) بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است، و

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

او بر همه چیز گواه است.» (۴۷) بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می‌افکند، که او دانای اسرار نهان است.» (۴۸)

۳۵ – سوره فاطر

قُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ ٱلْبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ
بگو: «حق آمد؛ و باطل (كاري از آن ساخته نيست و) نمي‌تواند آغازگر (چيزي) باشد و نه تجديدكننده (آن).» (۴۹) بگو: «اگر من گمراه شوم، از ناحيهٔ خود
عَلَىٰ نَفْسِى ۖ وَإِنِ ٱهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِىٓ إِلَىَّ رَبِّىٓ ۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾
گمراه مي‌شوم؛ و اگر هدايت يابم، بوسيله آنچه پروردگارم به من وحي مي‌كند مي‌باشد؛ زيرا او شنوا و نزديک است.» (۵۰) اگر ببيني هنگامي كه فريادشان
وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُوا۟ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا۟ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوٓا۟ ءَامَنَّا
بلند مي‌شود امّا نمي‌توانند (از عذاب الهي) بگريزند، و آنها را از جاي نزديكي (كه انتظارش را ندارند) مي‌گيرند (از درماندگي آنها تعجب خواهي كرد)! (۵۱) و
بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا۟ بِهِۦ مِن قَبْلُ ۖ
(در آن حال) مي‌گويند: «به حق ايمان آورديم.» ولي چگونه مي‌توانند از فاصلهٔ دور به آن دسترسي پيدا كنند؟! (۵۲) در حالي كه پيش از اين (كه در نهايت
وَيَقْذِفُونَ بِٱلْغَيْبِ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا
آزادي بودند) به آن كافر شدند و بدون آگاهي و دورا دور، نسبتهاي ناروا مي‌دادند. (۵۳) (سرانجام) ميان آنها و خواسته‌هايشان جدايي افكنده شد،
يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ فِى شَكٍّ مُّرِيبٍۭ ﴿٥٤﴾
همان گونه كه پيش از اين با هم‌كيشان آنها رفتار شد، چرا كه آنها (نيز) در شكي توأم با بدگماني بودند. (۵۴)

سُورَةُ فَاطِرٍ

ترتيبها ۳۵ — آياتها ۴۵

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُو۟لِىٓ
ستايش مخصوص خداوندي است كه آفرينندهٔ آسمانها و زمين است، كه فرشتگان را رسولاني قرار داد
أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ ۚ يَزِيدُ فِى ٱلْخَلْقِ مَا يَشَآءُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ
داراي بالهاي دوگانه و سه گانه و چهارگانه، او هرچه بخواهد در آفرينش مي‌افزايد، زيرا خداوند بر
شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۖ وَ
هر چيزي تواناست. (۱) هر رحمتي را خدا به روي مردم بگشايد، كسي بازدارندهٔ آن نيست؛
مَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا
و هرچه را او باز دارد، كسي بعد از او قادر به فرستادن آن نيست؛ و او توانا و حكيم است. (۲) اي مردم!
ٱلنَّاسُ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ هَلْ مِنْ خَٰلِقٍ غَيْرُ ٱللَّهِ يَرْزُقُكُم
نعمت خدا را بر خود به ياد آوريد؛ آيا آفريننده‌اي جز خدا هست كه شما را از
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٣﴾
آسمان و زمين روزي دهد؟! هيچ معبودي جز او نيست؛ با اين حال چگونه (به سوي باطل) منحرف مي‌شويد؟! (۳)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤﴾

اگر تو را تکذیب کنند (غم مخور، موضوع تازه‌ای نیست) پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند؛ و همه کارها به سوی خدا بازگشت داده می‌شود. (۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۖ وَلَا يَغُرَّنَّكُم

ای مردم!وعده خداوند حق است؛ مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را نسبت

بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۚ إِنَّمَا يَدْعُو

به (کَرَم) خدا فریب دهد (و مغرور سازد)! (۵) به یقین شیطان‌دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط

حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ

حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند. (۶) کسانی که‌راه کفر پیش گرفتند، برای آنان عذابی شدید است؛

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَن زُيِّنَ

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداشی بزرگ از آن آنهاست. (۷) آیا کسی که زشتی عملش برای او

لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا ۖ فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن

آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند (همانند کسی است که واقع را می‌یابد)؟! خداوند هر کس را بخواهد (و سزاوار باشد) گمراه می‌سازد

يَشَاءُ ۖ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾

و هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند) هدایت می‌کند؛ پس جانت بخاطر شدّت تأسف بر آنان از دست نرود؛ خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست.

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ

(۸) خداوند کسی است که بادها را فرستادتا ابرهایی را به حرکت در آورند؛ ما این ابرها را به سوی زمین مرده‌ای راندیم

فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ كَذَٰلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ

و بوسیلهٔ آن، زمین را پس از مردنش زنده کردیم؛ رستاخیز نیز همین گونه است. (۹) کسی که خواهان عزّت و توانایی است

الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۚ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ

(باید از خدا بخواهد؛ چرا که) تمام عزّت و توانایی برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد؛

يَرْفَعُهُ ۚ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَمَكْرُ

و آنها که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و توطئه) آنان نابود می‌شود

أُولَٰئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿١٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ

(و به جایی نمی‌رسد). (۱۰) خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای؛ سپس شما را بصورت

أَزْوَاجًا ۚ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِن

زوجهایی قرار داد؛ هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم او،و هیچ کس عمر طولانی نمی‌کند،

مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾

یا از عمرکس کاسته نمی‌شود مگر این‌که در کتاب (علم خداوند) ثبت است؛ اینها همه برای خداوند آسان است.(۱۱)

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَآئِغٌ شَرَابُهُۥ وَهَٰذَا مِلْحٌ

(این) دو دریا یکسان نیستند: این گوارا و شیرین است و نوشیدنش خوشگوار، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر؛

أُجَاجٌ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً

ولی از هر یک (از آن دو) گوشتی تازه می‌خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می‌پوشید؛

تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى ٱلْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ

و کشتیها را در آن می‌بینی که آبها را می‌شکافند (و به سوی مقصد پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره گیرید، و شاید

تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ

شکر (نعمتهای او را) به جا آورید. (۱۲) او شب را در روز داخل می‌کند و روز را در شب؛

وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَٰلِكُمُ

و خورشید و ماه را مسخّر (شما) کرده، هر یک تا سر آمد معیّنی به حرکت خود ادامه می‌دهد؛

ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمْلِكُونَ

این است خداوند، پروردگار شما؛ حاکمیت (در سراسر عالم) از آن اوست. و کسانی را که جز او می‌خوانید (و می‌پرستید)

مِن قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا۟ دُعَآءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا۟

مالک کوچکترین چیزی نیستند. (۱۳) اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند،

مَا ٱسْتَجَابُوا۟ لَكُمْ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا

و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی‌گویند؛ و روز قیامت، شرک (و پرستش) شما را منکر می‌شوند؛ و هیچ کس مانند (خداوند) آگاه از همه چیز،

يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿١٤﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ

تو را (از حقایق) باخبر نمی‌سازد. (۱۴) ای مردم! شما (همگی) نیازمند به خدایید؛

وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ

تنها خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است. (۱۵) اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق

جَدِيدٍ ﴿١٦﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ

جدیدی می‌آورد؛ (۱۶) و این برای خداوند مشکل نیست. (۱۷) هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛

أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَىْءٌ وَلَوْ كَانَ

و اگر شخص سنگین باری دیگری را برای حمل بار (گناه) خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند

ذَا قُرْبَىٰٓ إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ

از خویشاوندان او باشد. تو فقط کسانی را می‌توانی انذار کنی که از پروردگار خود در نهان (و آشکار) می‌ترسندو نماز را برپا می‌دارند؛

وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

و هرکس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجهٔ آن به خودش باز می‌گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خداست. (۱۸)

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ ﴿٢٠﴾

(بدانید) نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، (۱۹) و نه تاریکی‌ها و روشنایی، (۲۰)

وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَحْيَآءُ وَلَا ٱلْأَمْوَٰتُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ

و نه سایهٔ (آرام‌بخش) و باد داغ و سوزان، (۲۱) و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند.

يُسْمِعُ مَن يَشَآءُ ۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي ٱلْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنْ أَنتَ إِلَّا

خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند، و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور (خفته)اند برسانی. (۲۲) تو فقط انذارکننده‌ای،

نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۚ وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا

(اگر ایمان نیاورند نگران نباش، وظیفه‌ات را انجام ده.) (۲۳) ما تو را بحق به عنوان بشارت‌دهنده و انذار کننده فرستادیم؛ و هر امّتی

فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

در گذشته انذارکننده‌ای داشته است! (۲۴) اگر تو را تکذیب کنند (عجب نیست)؛ کسانی که پیش از آنان بودند (نیز پیامبران خود را) تکذیب کردند؛

جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ وَبِٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ

آنها با دلایل روشن و نوشته‌های محکم و متین و کتاب آسمانی روشنگر به سراغ آنان آمدند (امّا کوردلان ایمان نیاوردند.) (۲۵) سپس

أَخَذْتُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ

من کافران را (بعد از اتمام حجّت) مجازات کردم، پس (ببین) مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟! (۲۶) آیا ندیدی خداوند

مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهَا ۚ وَمِنَ ٱلْجِبَالِ

از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه‌هایی به رنگهای گوناگون (از زمین) خارج ساختیم و از کوهها نیز

جُدَدٌۢ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ

(به لطف پروردگار) راه‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه. (۲۷) و از

ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلْأَنْعَٰمِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَ ۗ إِنَّمَا يَخْشَى

انسانها و جنبندگان و چهار پایان انواعی با رنگهای مختلف آفریدیم، آری (آفرینش جهان با عظمت) چنین است.

ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُا۟ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ

از میان بندگان او، دانشمندان خدا ترسند؛ خداوند توانا و آمرزنده است. (۲۸) به یقین کسانی که

يَتْلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ

کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند،

سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُوَفِّيَهُمْ

تجارتی (پرسود و) بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند. (۲۹) (آنها این اعمال صالح را انجام می‌دهند)

أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٠﴾

تا خداوند اجر و پاداش کامل به آنها دهد و از فضلش بر (پاداش) آنها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار (و قدردان) است. (۳۰)

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق کننده (و هماهنگ) با کتب پیش از آن؛

إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ

به یقین خداوند نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (۳۱) سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از

اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ۖ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ

بندگان برگزیدهٔ خود به میراث دادیم؛ ولی بعضی از آنان برخود ستم کردند، و بعضی از آنان میانه‌رو بودند،

مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

و بعضی به اذن خدا در نیکیها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان‌فضیلت بزرگ است.

﴿٣٢﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ

(۳۲) (پاداش آنان) باغهای جاویدان بهشتی است که در آن وارد می‌شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا

لُؤْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ

و مروارید آراسته‌اند، و لباسشان در آن‌جا حریر است. (۳۳) آنها می‌گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است

عَنَّا الْحَزَنَ ۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ

که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و شکرگزار (و قدردان) است. (۳۴) همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت

مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾

(جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می‌رسدو نه سستی و واماندگی.» (۳۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا

و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست؛ هرگز فرمان مرگشان صادر نمی‌شود تا بمیرند،

يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ﴿٣٦﴾

و نه عذاب آن، از آنان کاسته می‌شود؛ این گونه هر ناسپاس را مجازات می‌کنیم. (۳۶)

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي

آنها در دوزخ فریاد می‌زنند: «پروردگارا! ما را بیرون آور تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از

كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ

آنچه انجام می‌دادیم.» (به آنان گفته می‌شود:) آیا شما را به اندازه‌ای که‌هرکس اهل تذکر است در آن متذکر می‌شود عمر ندادیم،

جَاءَكُمُ النَّذِيرُ ۖ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ

و انذارکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بچشید که برای ستمکاران هیچ یاوری نیست! (۳۷) خداوند

عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

از غیب آسمانها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون سینه‌هاست می‌داند. (۳۸)

هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلْأَرْضِ ۚ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُۥ ۖ وَلَا يَزِيدُ
اوست که (به لطفش) شما را جانشینانی در زمین قرار داد؛ هر کس کافر شود، کفر او به زیان خودش خواهد بود، و کفر کافران چیزی جز
ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا
خشم و غضب در نزد پروردگار نمی‌افزاید، و (نیز) کفرشان جز زیان و خسران چیزی برآنها اضافه نمی‌کند.
خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي
(۳۹) بگو: «به من خبر دهید این (معبودان و) همتایانی راکه جز خدا می‌خوانید
مَاذَا خَلَقُوا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَمْ ءَاتَيْنَٰهُمْ كِتَٰبًا
چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا این‌که شرکتی در (آفرینش و مالکیت) آسمانها دارند؟! یابه آنان کتابی (آسمانی) داده‌ایم
فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِّنْهُ ۚ بَلْ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا
و دلیلی از آن (برای شرک خود دارند؟!» (نه هیچ یک از اینها نیست،) بلکه ستمکاران فقط وعده‌های دروغین به
غُرُورًا ﴿٤٠﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ يُمْسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ أَن تَزُولَا ۚ وَ
یکدیگر می‌دهند. (۴۰) خداوند آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا (از نظام خود) منحرف نشوند؛
لَئِن زَالَتَآ إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾
و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد؛ او دارای حلم و آمرزنده است. (۴۱)
وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ
آنان سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که اگر (پیامبر) انذارکننده‌ای به سراغشان آید، هدایت یافته‌ترین امتها خواهند بود؛
إِحْدَى ٱلْأُمَمِ ۖ فَلَمَّا جَآءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾ ٱسْتِكْبَارًا
امّا چون (پیامبر) انذار کننده‌ای برای آنان آمد، جز فرار و فاصله گرفتن (از حق) چیزی بر آنها نیفزود. (۴۲) (اینها همه) بخاطر استکبار
فِي ٱلْأَرْضِ وَمَكْرَ ٱلسَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ ٱلْمَكْرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِۦ ۚ فَهَلْ
در زمین و نیرنگهای بدشان بود؛ و نیرنگ بد تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛
يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلْأَوَّلِينَ ۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَن تَجِدَ
آیا آنها چیزی جز سنّت پیشینیان (و عذابهای دردناک الهی) را انتظار دارند؟!هرگز برای سنّت خدا تبدیلی نخواهی یافت،
لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِي ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ
و هرگز برای سنّت الهی دگرگونی نمی‌یابی. (۴۳) آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که
عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوٓا۟ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعْجِزَهُۥ
پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان نیرومندتر بودند؛
مِن شَيْءٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلْأَرْضِ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾
نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ به یقین او دانا و تواناست. (۴۴)

۳۶ – سوره یس

وَلَوْ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُوا۟ مَا تَرَكَ عَلَىٰ
اگر خداوند مردم را بسبب کارهایی که مرتکب شده‌اند مجازات کند، جنبنده‌ای را بر
ظَهْرِهَا مِن دَآبَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ
پشت زمین باقی نخواهد گذاشت؛ ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معیّنی تأخیر می‌اندازد (و مهلت اصلاح می‌دهد)
فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرًۢا ﴿٤٥﴾
امّا هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می‌دهد) به یقین خداوند نسبت به بندگانش بیناست. (۴۵)

سُورَةُ يسٓ

ترتيبها ٣٦ — آياتها ٨٣

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يسٓ ﴿١﴾ وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَىٰ صِرَٰطٍ
یس، (۱) سوگند به قرآن حکیم (و استوار)، (۲) که تو قطعاً از فرستادگان (خداوند) هستی، (۳) بر راهی
مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنزِيلَ ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمْ
راست (قرارداری)؛ (۴) (این قرآنی است که) از سوی خداوند توانا و مهربان نازل شده است؛ (۵) تا قومی را انذار کنی
فَهُمْ غَٰفِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ ٱلْقَوْلُ عَلَىٰٓ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾
که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند. (۶) فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها (به کیفر اعمالشان) تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی‌آورند. (۷)
إِنَّا جَعَلْنَا فِىٓ أَعْنَٰقِهِمْ أَغْلَٰلًا فَهِىَ إِلَى ٱلْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾
ما در گردنهای آنان غلهایی [= طوقهایی] قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است. (۸)
وَجَعَلْنَا مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَٰهُمْ
و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده‌ایم،
فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا
لذا نمی‌بینند. (۹) برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی یا نکنی،
يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكْرَ وَخَشِىَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ ۖ
ایمان نمی‌آورند. (۱۰) تو فقط کسی را می‌توانی انذار کنی که ازاین یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد؛
فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ
سپس او را به آمرزش و پاداشی پرارزش بشارت ده. (۱۱) به یقین مامردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند
مَا قَدَّمُوا۟ وَءَاثَٰرَهُمْ ۚ وَكُلَّ شَىْءٍ أَحْصَيْنَٰهُ فِىٓ إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾
و آنچه را از خود باقی گذاشته‌اند؛ و همه چیز را در کتاب روشنگری احصا کرده‌ایم. (۱۲)

وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذۡ

و برای آنها، اصحاب شهر (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛ (۱۳)

أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَيۡكُم

در آن زمان که دو نفر (از رسولان خود) را به سوی آنها فرستادیم، امّا آنان فرستادگان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سوّمی را

مُّرۡسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُواْ مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن

فرستادیم؛ و آنها گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم.» (۱۴) امّا آنان (در جواب) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان

شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُواْ رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ

چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می‌گویید.» (۱۵) (فرستادگان ما) گفتند: «پروردگار ما می‌داند که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم،

﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡ

(۱۶) و بر عهدهٔ ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.» (۱۷) آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته‌ایم (و شما را شوم می‌دانیم)،

لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٨﴾ قَالُواْ

و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (۱۸) (فرستادگان) گفتند:

طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ أَئِن ذُكِّرۡتُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَ

«اگر درست بیندیشید فال بد شما با خود شماست، بلکه شما گروهی اسرافکارید.» (۱۹) و

جَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ

مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب آمد، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید.

﴿٢٠﴾ ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ ﴿٢١﴾

(۲۰) از کسانی پیروی کنید که از شما اجر و پاداشی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند. (۲۱)

وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٢﴾ ءَأَتَّخِذُ مِن

چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می‌شوید؟! (۲۲) آیا غیر از او

دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ

معبودانی را انتخاب کنم‌که اگر خداوند رحمان بخواهد زیانی به من برساند، شفاعت آنها

شَيۡـٔٗا وَلَا يُنقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾

کمترین فایده‌ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد؟! (۲۳) اگر چنین کنم،در گمراهی آشکاری خواهم بود. (۲۴)

إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ

(به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم؛ پس به سخنان من گوش فرا دهید.» (۲۵) (سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو.»

قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ﴿٢٧﴾

گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند... (۲۶) که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی‌داشتگان قرار داده است!» (۲۷)

۞ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا
و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنّت ما براین نبود؛
مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ ﴿٢٩﴾
(٢٨) (بلکه)فقط یک صیحهٔ آسمانی بود و ناگهان همگی خاموش شدند. (٢٩)
يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ
افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری به سراغ آنان نیامد مگر این‌که او را استهزا می‌کردند!
﴿٣٠﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا
(٣٠) آیا ندیدند چه قدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم که آنها هرگز به سوی ایشان
يَرۡجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ﴿٣٢﴾ وَءَايَةٞ لَّهُمُ
باز نمی‌گردند (و زنده نمی‌شوند)؟! (٣١) و همهٔ آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می‌شوند. (٣٢) و زمین
ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ
مرده برای آنها نشانه‌ای (از عظمت خدا) است که ما آن را زنده کردیم و دانه (های غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می‌خورند؛
﴿٣٣﴾ وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا
(٣٣) و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی آن جاری
مِنَ ٱلۡعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأۡكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتۡهُ أَيۡدِيهِمۡۚ أَفَلَا
ساختیم، (٣٤) تا از میوهٔ آن بخورند در حالی که با دست خود آن را به عمل نیاورده‌اند. آیا
يَشۡكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا
شکر (خدا را) به جا نمی‌آورند؟! (٣٥) منزّه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه
تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ وَمِنۡ أَنفُسِهِمۡ وَمِمَّا لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَءَايَةٞ
زمین می‌رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند. (٣٦) شب (نیز) برای آنها
لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلشَّمۡسُ
نشانه‌ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی‌گیریم، در این هنگام آنان در تاریکی فرو می‌روند. (٣٧) و خورشید
تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَٱلۡقَمَرَ
(نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند توانا و داناست. (٣٨) و برای ماه
قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ
منزلگاههایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت شاخهٔ کهنهٔ (قوسی شکل و زرد رنگ) خرما درمی‌آید. (٣٩) نه خورشید
أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٤٠﴾
راسزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر یک در مسیر خود شناورند. (٤٠)

وَءَايَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا لَهُم

نشانه‌ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان این است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (۴۱) و برای آنها مرکبهای

مِّن مِّثْلِهِۦ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ

(دیگری) همانند آن آفریدیم. (۴۲) و اگر بخواهیم آنها را غرق می‌کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند

يُنقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ

و نه نجات داده شوند. (۴۳) مگر این‌که رحمت ما (شامل حالشان شود)، و تا زمان معیّنی (از این زندگی) بهره گیرند. (۴۴) و هر گاه به آنها گفته شود:

ٱتَّقُوا۟ مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِم

«از آنچه پیش رو و پشت سر شماست (از عذاب دنیا و آخرت) بپرهیزید تا مشمول رحمت الهی شوید.» (اعتنا نمی‌کنند). (۴۵) و هیچ آیه‌ای از آیات

مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ

پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر این‌که از آن روی‌گردان می‌شوند. (۴۶) و هنگامی که به آنان گفته شود:

لَهُمْ أَنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنُطْعِمُ

«از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید.»، کافران به مؤمنان می‌گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که

مَن لَّوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطْعَمَهُۥٓ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ

اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد و) شما فقط در گمراهی آشکارید.» (۴۷) آنها می‌گویند:

مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً

«اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟!» (۴۸) (امّا) جز این انتظار نمی‌کشندکه یک صیحهٔ عظیم (آسمانی) آنها را فرا گیرد،

تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَآ إِلَىٰٓ

در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (۴۹) و (چنان غافلگیر می‌شوند که حتّی) نمی‌توانند وصیّتی کنند

أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلْأَجْدَاثِ

و نه به سوی خانوادهٔ خود باز گردند. (۵۰) (بار دیگر) در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان

إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۜ هَٰذَا

به سوی (دادگاه) پروردگارشان‌می‌روند. (۵۱) می‌گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری)

مَا وَعَدَ ٱلرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا

این همان (روز جزا) است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او)راست گفتند.» (۵۲) صیحهٔ واحدی بیش نیست،

صَيْحَةً وَٰحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَٱلْيَوْمَ لَا

(فریادی عظیم برمی‌خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می‌شوند. (۵۳) (و به آنها گفته می‌شود:)

تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

امروز به هیچ کس کمترین ستمی نخواهد شد، و جز آنچه انجام می‌دادید، کیفر داده نمی‌شوید.(۵۴)

إِنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ ٱلْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فَٰكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَٰجُهُمْ فِى

بهشتیان، امروز (به نعمتهای خدا) مشغول و مسرورند. (۵۵) آنها و همسرانشان

ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ وَلَهُم مَّا

در سایه‌هایی (از قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده‌اند. (۵۶) برای آنها در بهشت میوهٔ بسیار لذت‌بخشی است، و هرچه بخواهند در اختیارشان

يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَٰمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَٱمْتَٰزُوا۟ ٱلْيَوْمَ أَيُّهَا

خواهد بود. (۵۷) سلام (و درود الهی بر آنها)، سخنی است از سوی پروردگاری مهربان. (۵۸) (و به گروهی دیگر گفته می‌شود:) جدا شوید امروز ای

ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ ۞ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا۟

گنهکاران! (۵۹) ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید،

ٱلشَّيْطَٰنَ ۖ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنِ ٱعْبُدُونِى ۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ

که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (۶۰) و اینکه مرا بپرستید که راه

مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ۖ أَفَلَمْ تَكُونُوا۟ تَعْقِلُونَ

مستقیم این است؟! (۶۱) او گروه زیادی از شما را گمراه کرد؛ آیا اندیشه نکردید؟!

﴿٦٢﴾ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ ٱصْلَوْهَا ٱلْيَوْمَ بِمَا

(۶۲) این همان دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد. (۶۳) امروز بخاطر کفری که داشتید

كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ ٱلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰٓ أَفْوَٰهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ

به آتش آن بسوزید! (۶۴) امروز بر دهانشان مهر می‌نهیم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند

أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَآءُ

و پاهایشان به کارهایی که انجام می‌دادند گواهی می‌دهند. (۶۵) و اگر بخواهیم (در همین جهان)

لَطَمَسْنَا عَلَىٰٓ أَعْيُنِهِمْ فَٱسْتَبَقُوا۟ ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾

چشمانشان رامحو می‌کنیم؛ سپس برای عبور از راه، می‌خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، امّا چگونه می‌توانند ببینند؟! (۶۶)

وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنَٰهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟

و اگر بخواهیم آنها رادر جای خود مسخ می‌کنیم (و به مجسّمه‌هایی بی‌روح مبدّل می‌سازیم)

مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى ٱلْخَلْقِ ۖ

تا نتوانند راه خود را ادامه دهند و نه به عقب بازگردند. (۶۷) هر کس را عمر طولانی دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز

أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَّمْنَٰهُ ٱلشِّعْرَ وَمَا يَنۢبَغِى لَهُۥٓ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ

می‌گردانیم)؛ آیا نمی‌اندیشند؟! (۶۸) ما شعر به او [= پیامبر] نیاموختیم، و شایستهٔ او نیست؛ (شاعر باشد) این (کتاب آسمانی) فقط مایهٔ یادآوری و

قُرْءَانٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ ٱلْقَوْلُ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧٠﴾

قرآن مبین است. (۶۹) تا هرکس را که زنده است (و حیات انسانی دارد) انذار کند (و بر کافران اتمام حجّت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلّم گردد. (۷۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعَٰمًا فَهُمْ لَهَا مَٰلِكُونَ

آیا ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟!

وَذَلَّلْنَٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (71) وَلَهُمْ فِيهَا

(71) و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند؛ (72) و برای آنان بهره‌های

مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (73) وَٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ

دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهایی گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟! (73) آنان غیر از خدا معبودانی

ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (74) لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ

(برای خویش) برگزیدند به این امید که یاری شوند. (74) (ولی) آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت‌کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند

جُندٌ مُّحْضَرُونَ (75) فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ

بود که (در آتش دوزخ) احضار می‌شوند. (75) پس سخنانشان تو را غمگین نسازد؛ ما آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار

وَمَا يُعْلِنُونَ (76) أَوَلَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا

می‌کنند می‌دانیم. (76) آیا انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و

هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (77) وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِىَ خَلْقَهُۥ ۖ قَالَ مَن

نطق شد که) به مخاصمهٔ آشکار (با ما) برخاست. (77) و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت:

يُحْىِ ٱلْعِظَٰمَ وَهِىَ رَمِيمٌ (78) قُلْ يُحْيِيهَا ٱلَّذِىٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ

«چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟!» (78) بگو: «همان کسی آن را زنده می‌کند که‌نخستین بار آن را آفرید؛

مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (79) ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ

و او نسبت به هر مخلوقی داناست. (79) همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید

ٱلْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَآ أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ (80) أَوَلَيْسَ ٱلَّذِى خَلَقَ

و شما بوسیلهٔ آن، آتش می‌افروزید.» (80) آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده،

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم ۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلْخَلَّٰقُ

قادر نیست همانند آنان را بیافریند؟! آری (می‌تواند)، و او آفریدگار

ٱلْعَلِيمُ (81) إِنَّمَآ أَمْرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيْـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ

آگاه است. (81) فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود.

(82) فَسُبْحَٰنَ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (83)

(82) پس منزّه‌است خداوندی که مالکیّت همه چیز در دست اوست؛ و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (83)

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

ترتیبها ۳۷ — آیاتها ۱۸۲

۳۷ – سوره الصافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾ إِنَّ

سوگند به صف کشیدگان [= فرشتگان منظم و گوش به فرمان]، (۱) و به نهی کنندگان [= فرشتگان بازدارنده]، (۲) و تلاوت‌کنندگان آیات الهی، (۳) که

إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

به یقین معبود شما یگانه است؛ (۴) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها.

﴿٥﴾ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ

(۵) ما آسمان نزدیک [= پایین] را با زیور ستارگان آراستیم، (۶) تا آن را از هر شیطان متمرّدی حفظ کنیم،

مَارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾

(۷) آنها نمی‌توانند به سخنان فرشتگان عالم بالا گوش فرا دهند، (و هر گاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می‌گیرند. (۸)

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ

آنها بشدّت به عقب رانده می‌شوند؛ و برای آنان مجازاتی دائم است. (۹) مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه (به آسمان نزدیک شوند و) استراق سمع کنند، که

ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا ۚ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ

«شهابی ثاقب» آنها را تعقیب می‌کند. (۱۰) از آنان بپرس: «آیا آفرینش (دوبارهٔ) آنان سخت‌تر است یا آفرینش تمام کسانی (از فرشتگان و اهل آسمانها و

طِينٍ لَازِبٍ ﴿١١﴾ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

زمین) که آفریده‌ایم؟!» ما آنان را از گل چسبنده‌ای آفریدیم. (۱۱) تو از انکارشان تعجب می‌کنی، ولی آنها مسخره می‌کنند. (۱۲) و هنگامی که تذکر داده

﴿١٣﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٤﴾ وَقَالُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾

شوند، متذکر نمی‌شوند. (۱۳) و هنگامی که معجزه‌ای را ببینند، (دیگران را) به استهزا دعوت می‌کنند. (۱۴) و می‌گویند: «این فقط سحری آشکار است. (۱۵)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾

آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان (پوسیده) شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (۱۶) و آیا نیاکان ما (باز می‌گردند)؟!» (۱۷)

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾

بگو: «آری، (همهٔ شما زنده می‌شوید) در حالی که خوار خواهید بود. (۱۸) و این (بازگشت) تنها با یک صیحهٔ عظیم واقع می‌شود، و ناگهان همه (از قبرها بر

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾ هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

می‌خیزند و) نگاه می‌کنند. (۱۹) و می‌گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست!» (۲۰) (آری) این همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما آن را تکذیب

﴿٢١﴾ ۞ احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾ مِنْ دُونِ

می‌کردید. (۲۱) (در این هنگام به فرشتگان دستور داده می‌شود:) ستمکاران و همردیفانشان و آنچه را می‌پرستیدند، گرد آورید (۲۲) (آری آنچه را) غیر از

اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾ وَقِفُوهُمْ ۖ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾

خدا (می‌پرستیدند جمع کنید) و به سوی راه دوزخ هدایتشان نمایید. (۲۳) آنها را (در کنار دوزخ) نگهدارید که باید بازپرسی قرار گیرند. (۲۴)

مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلۡ هُمُ ٱلۡيَوۡمَ مُسۡتَسۡلِمُونَ ﴿٢٦﴾ وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ

شما را چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید؟! (۲۵) ولی آنان در آن روز (در برابر قدرت خدا) تسلیمند. (۲۶) (و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم سئوال

بَعۡضٍ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَأۡتُونَنَا عَنِ ٱلۡيَمِينِ ﴿٢٨﴾ قَالُواْ بَل

می‌کنند؛ (۲۷) گروهی می‌گویند: «شما (رهبران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید (امّا جز فریب چیزی در کارتان نبود)!»

لَّمۡ تَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيۡكُم مِّن سُلۡطَٰنِۭۖ بَلۡ كُنتُمۡ قَوۡمًا

(۲۸) (آنها در جواب) می‌گویند: «بلکه شما خودتان اهل ایمان نبودید (۲۹) ما هیچ گونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود گروهی طغیانگر بودید.

طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيۡنَا قَوۡلُ رَبِّنَآۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ﴿٣١﴾ فَأَغۡوَيۡنَٰكُمۡ إِنَّا كُنَّا

(۳۰) اکنون فرمان پروردگارمان بر همهٔ ما مسلّم شده، و همگی از عذاب او می‌چشیم. (۳۱) ما شما را گمراه کردیم، زیرا خود

غَٰوِينَ ﴿٣٢﴾ فَإِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٖ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ

گمراه بودیم.» (۳۲) (آری) همه آنها [= پیشوایان و پیروان گمراه] در آن روز در عذاب الهی شرکت دارند! (۳۳) ما این گونه با

بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ

مجرمان رفتار می‌کنیم! (۳۴) چرا که وقتی به آنها گفته می‌شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبّر و سرکشی می‌کردند؛

﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٖ مَّجۡنُونِۭ ﴿٣٦﴾ بَلۡ جَآءَ بِٱلۡحَقِّ

(۳۵) و پیوسته می‌گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!» (۳۶) (چنین نیست)، بلکه او حق را آورده

وَصَدَّقَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّكُمۡ لَذَآئِقُواْ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجۡزَوۡنَ

و پیامبران (پیشین) را تصدیق کرده است. (۳۷) امّا شما (مستکبران کوردل) بطور مسلّم عذاب دردناک را خواهید چشید! (۳۸) و جز به آنچه

إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٤٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ

انجام می‌دادید کیفر داده نمی‌شوید، (۳۹) جز بندگان خالص شده خدا (که از این کیفرها برکنارند). (۴۰) برای آنان

لَهُمۡ رِزۡقٞ مَّعۡلُومٞ ﴿٤١﴾ فَوَٰكِهُۖ وَهُم مُّكۡرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ

روزی معیّن و ویژه‌ای است، (۴۱) میوه‌ها (ی گوناگون پرارزش)، و آنها گرامی داشته می‌شوند، (۴۲) در باغهای پرنعمت بهشتی؛

﴿٤٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيۡهِم بِكَأۡسٖ مِّن مَّعِينِۭ ﴿٤٥﴾

(۴۳) در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگرند، (۴۴) و گرداگردشان قدحهای لبریز از شراب طهور را می‌گردانند؛ (۴۵)

بَيۡضَآءَ لَذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوۡلٞ وَلَا هُمۡ عَنۡهَا يُنزَفُونَ ﴿٤٧﴾

درخشنده، و لذتبخش برای نوشندگان؛ (۴۶) شرابی که نه در آن مایهٔ تباهی عقل است و نه ازآن‌مست‌می‌شوند. (۴۷) و نزد آنها

وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ عِينٞ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيۡضٞ مَّكۡنُونٞ ﴿٤٩﴾ فَأَقۡبَلَ

همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند. (۴۸) گویی (از لطافت و سفیدی) همچون تخم‌مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ)

بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٞ ﴿٥١﴾

پنهان مانده. (۴۹) (در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) رو به یکدیگر کرده از هم سؤال می‌کنند؛ (۵۰) یکی از آنها می‌گوید: «من همنشینی داشتم، (۵۱)

يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا

که پیوسته می‌گفت: آیا تو باور داری، (۵۲) که وقتی ما مُردیم و خاک و استخوانی (پوشیده) شدیم، (بار دیگر زنده می‌شویم و) جزا داده

لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَآءِ

خواهیم شد؟!» (۵۳) (سپس) می‌گوید: «آیا شما (از وضع او) آگاهید؟» (۵۴) این‌جاست که نگاهی می‌کند، ناگهان او را در میان

ٱلْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ

دوزخ می‌بیند. (۵۵) می‌گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بکشانی! (۵۶) و اگر نعمت پروردگارم نبود، من

مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا

(نیز) از احضارشدگان (در دوزخ) بودم! (۵۷) (سپس می‌گوید:ای دوستان!) آیا ما هرگز نمی‌میریم، (و در بهشت جاودانه خواهیم بود). (۵۸) و جز همان مرگ

نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾ لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ

اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟! (۵۹) راستی این همان پیروزی بزرگ است!» (۶۰) (آری)، برای همانند چنین پاداشی، باید

ٱلْعَٰمِلُونَ ﴿٦١﴾ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَٰهَا

عمل کنندگان عمل کنند. (۶۱) آیا این نعمتها (ی جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت‌انگیز) زقوم؟! (۶۲) ما آن را مایهٔ درد

فِتْنَةً لِّلظَّٰلِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ ٱلْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾

و رنج ستمکاران قرار دادیم. (۶۳) آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید. (۶۴)

طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَءَاكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِـُٔونَ

شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است. (۶۵) آنها [= مجرمان] از آن می‌خورند و شکمها

مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ

را از آن پر می‌کنند. (۶۶) سپس روی آن آب آلودهٔ سوزانی می‌نوشند. (۶۷) آنگاه بازگشت

مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا۟ ءَابَآءَهُمْ ضَآلِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ

آنها به سوی جهنم است. (۶۸) چرا که آنها پدران خود را گمراه یافته‌اند، (۶۹) با این حال

عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾

بسرعت (و بدون اندیشه) به دنبال آنان کشانده می‌شوند. (۷۰) و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند. (۷۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ

ما در میان آنها انذارکنندگانی فرستادیم! (۷۲) ولی بنگر عاقبت انذارشوندگان

ٱلْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾ وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ

چگونه بود! (۷۳) مگر بندگان خالص شدهٔ خداوند. (۷۴) و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم)؛

فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

و چه خوب اجابت کننده‌ای هستیم! (۷۵) و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم، (۷۶)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى ٱلْءَاخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰ
و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم، (۷۷) و نام نیک او را در میان امّتهای بعد باقی نهادیم. (۷۸) سلام بر

نُوحٍ فِى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا
نوح در میان جهانیان باد! (۷۹) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۸۰) چرا که او از بندگان با

ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْءَاخَرِينَ ﴿٨٢﴾ ۞ وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِۦ
ایمان ما بود. (۸۱) سپس دیگران [= دشمنان او] را غرق کردیم. (۸۲) و از پیروان او

لَإِبْرَٰهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ
ابراهیم بود؛ (۸۳) (به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد؛ (۸۴) هنگامی که به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش

مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَئِفْكًا ءَالِهَةً دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ
بود] و قومش گفت: «اینها چیست که می‌پرستید؟! (۸۵) آیا از روی دروغ به سراغ معبودانی غیر از خدا می‌روید؟! (۸۶) شما دربارهٔ پروردگار جهانیان چه

ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِى ٱلنُّجُومِ ﴿٨٨﴾ فَقَالَ إِنِّى سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا۟
گمان می‌برید؟!» (۸۷) (سپس) نگاهی به ستارگان افکند، (۸۸) و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی‌آیم).» (۸۹) آنها از او روی برتافته و به او

عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا
پشت کردند (و به سرعت از شهر بیرون رفتند). (۹۰) او به سراغ خدایان آنها آمد و (از روی تمسخر) گفت: «چرا (از این غذاها) نمی‌خورید؟! (۹۱) (اصلاً)

تَنطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًۢا بِٱلْيَمِينِ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوٓا۟ إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾
چرا سخن نمی‌گویید؟!» (۹۲) سپس ضربه‌ای محکم با دست راست بر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را در هم شکست). (۹۳) آنها با سرعت به او

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا۟
روی آوردند. (۹۴) گفت: «آیا چیزی را می‌پرستید که خود می‌تراشید؟! (۹۵) با این‌که خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی را که می‌سازید!» (۹۶) (بت

ٱبْنُوا۟ لَهُۥ بُنْيَٰنًا فَأَلْقُوهُ فِى ٱلْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا۟ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ
پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنمی از آتش بیفکنید!» (۹۷) آنها برای نابودی ابراهیم توطئه‌ای کردند، ولی ما آنان را پست و

ٱلْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾ وَقَالَ إِنِّى ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّى سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ
مغلوب ساختیم. (۹۸) (آتش بر او گلستان شد و بسلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می‌روم، اومرا هدایت خواهد کرد. (۹۹) پروردگارا! به

لِى مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرْنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ
من (فرزندی) از صالحان ببخش.» (۱۰۰) ما او [= ابراهیم] را به نوجوانی بردبار (و صبور) بشارت دادیم. (۱۰۱) هنگامی که با او به مقام

ٱلسَّعْىَ قَالَ يَٰبُنَىَّ إِنِّىٓ أَرَىٰ فِى ٱلْمَنَامِ أَنِّىٓ أَذْبَحُكَ فَٱنظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ
سعی و کوشش (و حد رشد) رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، پس بنگر رأی تو چیست؟»

قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ۖ سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٠٢﴾
گفت: «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.» (۱۰۲)

فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَٰدَيۡنَٰهُ أَن يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدۡ

هنگامي كه هر دو تسليم (فرمان الهي) شدند و ابراهيم پيشاني او را بر خاك نهاد، (۱۰۳) او را ندا داديم كه: «اي ابراهيم! (۱۰۴)

صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ

آن رويا را تحقق بخشيدي (و آمادهٔ قرباني فرزند شدي)،» ما اين گونه، نيكوكاران را پاداش مي‌دهيم. (۱۰۵) به يقين اين همان امتحان

ٱلۡمُبِينُ ﴿١٠٦﴾ وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ

آشكار است. (۱۰۶) ما قرباني عظيمي را فداي او كرديم، (۱۰۷) و نام نيك او را در امتهاي بعد باقي نهاديم.

﴿١٠٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١١٠﴾ إِنَّهُۥ مِنۡ

(۱۰۸) سلام بر ابراهيم! (۱۰۹) اين‌گونه نيكوكاران را پاداش مي‌دهيم. (۱۱۰) چراكه او از

عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرۡنَٰهُ بِإِسۡحَٰقَ نَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٢﴾

بندگان با ايمان ما بود. (۱۱۱) ما او را به اسحاق ـ پيامبري از شايستگان ـ بشارت داديم. (۱۱۲)

وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ

ما به او و اسحاق بركت داديم؛ و از دودمان آن دو، افرادي بودند نيكوكار ولي افرادي آشكارا به

مُبِينٞ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١١٤﴾ وَنَجَّيۡنَٰهُمَا

خود ستم كردند. (۱۱۳) ما به موسي و هارون نعمت بخشيديم. (۱۱۴) و آن دو و

وَقَوۡمَهُمَا مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرۡنَٰهُمۡ فَكَانُواْ هُمُ

قومشان را از اندوه بزرگ نجات داديم. (۱۱۵) و آنها را ياري كرديم تا بر دشمنان خود

ٱلۡغَٰلِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَءَاتَيۡنَٰهُمَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلۡمُسۡتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيۡنَٰهُمَا

پيروز شدند. (۱۱۶) ما به آن دو، كتاب روشني بخشي داديم، (۱۱۷) و آن دو را به

ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِمَا فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَٰمٌ

راه راست هدايت نموديم. (۱۱۸) و نام نيكشان را در اقوام بعد باقي گذارديم. (۱۱۹) سلام

عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ

بر موسي و هارون! (۱۲۰) ما اين گونه نيكوكاران را پاداش مي‌دهيم.

﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنَّ إِلۡيَاسَ لَمِنَ

(۱۲۱) آن دو از بندگان مومن ما بودند. (۱۲۲) و (همچنين) الياس از

ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدۡعُونَ بَعۡلٗا وَتَذَرُونَ

پيامبران (ما) بود. (۱۲۳) (به خاطر بياور) هنگامي را كه به قومش گفت: «آيا تقوا پيشه نمي‌كنيد؟! (۱۲۴) آيا بت «بعل» را مي‌خوانيد

أَحۡسَنَ ٱلۡخَٰلِقِينَ ﴿١٢٥﴾ ٱللَّهَ رَبَّكُمۡ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

و بهترين آفريدگار را رها مي‌سازيد؟! (۱۲۵) خدايي كه پروردگار شما و پروردگار نياكان شماست!» (۱۲۶)

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾ وَ

امّا آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می‌شوند؛ (۱۲۷) مگر بندگان مخلص خدا. (۱۲۸)

تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي

ما نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی گذاردیم. (۱۲۹) سلام بر الیاسین! (۱۳۰) ما این گونه

الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ

نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۱۳۱) او از بندگان مؤمن ما بود. (۱۳۲) و (همچنین) لوط از پیامبران

الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

(ما) بود. (۱۳۳) (به خاطر بیاور) زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم، (۱۳۴) مگر پیر زنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت گناهکاران گرفتار

﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَ

شد). (۱۳۵) سپس دیگران را نابود کردیم. (۱۳۶) و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه‌های شهرهای) آنها می‌گذرید، (۱۳۷)

بِاللَّيْلِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ

و (همچنین) شبانگاه؛ آیا نمی‌اندیشید؟! (۱۳۸) و یونس از پیامبران (ما) بود. (۱۳۹) (به خاطربیاور)

إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾

زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیّت و بار) فرار کرد. (۱۴۰) و با آنها قرعه افکند، و (قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد. (۱۴۱)

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که درخور سرزنش بود. (۱۴۲) و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود، (۱۴۳)

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ ۞ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ

تا روز قیامت در شکم آن (ماهی) می‌ماند! (۱۴۴) سرانجام (او را رهایی بخشیدیم و) او را در سرزمینی خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود.

الحزب ۴۶

﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ

(۱۴۵) و بوته کدویی بر او رویاندیم (تا در سایهٔ برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد). (۱۴۶) و او را به سوی جمعیّت یکصد هزار

أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ

نفری ـ یا بیشتر ـ فرستادیم. (۱۴۷) آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدّت معلومی آنان را (از مواهب زندگی) بهره‌مند ساختیم. (۱۴۸) از آنان بپرس:

أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ

آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟! (۱۴۹) آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم

إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾

و آنها ناظر بودند؟! (۱۵۰) بدانید آنها به سبب این تهمت بزرگشان می‌گویند: (۱۵۱) «خداوند فرزند آورده.»

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

ولی آنها به یقین دروغ می‌گویند. (۱۵۲) آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟! (با اینکه شما آن را برای خود نمی‌پذیرید)(۱۵۳)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ﴿١٥٦﴾

شما را چه شده است؟! چگونه حکم می‌کنید؟! (هیچ می فهمید چه می گویید؟!) (۱۵۴) آیا متذکر نمی شوید؟! (۱۵۵) یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟ (۱۵۶)

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ

کتابتان را بیاورید اگر راست می‌گویید! (۱۵۷) آنها میان خداوند و جنّ، نسبتی قائل شدند؛ در حالی که

عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا

جنّیان بخوبی می‌دانند که آنها [= بت پرستان] در دادگاه الهی احضار می‌شوند. (۱۵۸) منزّه است خداوند از آنچه توصیف می‌کنند، (۱۵۹) مگر

عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ

بندگان مخلص خدا. (۱۶۰) شما و آنچه را پرستش می‌کنید، (۱۶۱) هرگز نمی‌توانید کسی را (با آن) فریب دهید،

﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا

(۱۶۲) مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می‌شوند. (۱۶۳) و هیچ یک از ما (فرشتگان) نیست جز آن‌که مقام معلومی دارد؛ (۱۶۴)

لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده‌ایم؛ (۱۶۵) و ما همه تسبیح گو (ی او) هستیم. (۱۶۶) آنها پیوسته می‌گفتند: (۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا

«اگر یکی از کتابهای پیشینیان نزد ما بود، (۱۶۸) به یقین، ما بندگان‌مخلص خدا بودیم.» (۱۶۹) (امّا وقتی قرآن آمد،) به آن کافر شدند؛

بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾

ولی بزودی خواهند دانست! (۱۷۰) وعدهٔ قطعی ما دربارهٔ بندگان فرستاده شدهٔ ما از پیش مسلّم شده، (۱۷۱)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى

که آنان یاری شدگانند، (۱۷۲) و لشکر ما پیروزند. (۱۷۳) بنابراین از آنها [= کافران] روی بگردان (و آنان را رها کن) تا زمان معیّنی

حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا

(که فرمان جهاد فرا رسد). (۱۷۴) و آنها را بنگر! که بزودی (نتیجهٔ اعمال خود را) می‌بینند! (۱۷۵) آیا آنها برای عذاب ما شتاب می‌کنند؟! (۱۷۶)

نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٨﴾

امّا هنگامی که عذاب ما در آستانهٔ خانه‌هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت! (۱۷۷) از آنان روی بگردان تا زمان معیّنی، (۱۷۸)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

و آنها را بنگر که بزودی (نتیجه اعمال خود را) می‌بینند! (۱۷۹) منزّه است پروردگار تو، پروردگار صاحب قدرت، از آنچه آنان توصیف می‌کنند.

﴿١٨٠﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

(۱۸۰) و سلام بر پیامبران! (۱۸۱) و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۱۸۲)

سُورَةُ ص

ترتيبها ۳۸ — آياتها ۸۸

۳۸ – سوره ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾ كَمْ

ص، سوگند به قرآني که داراي ذکر است(که اين کتاب، معجزه الهي است). (۱) ولي کافران گرفتار غرور و اختلافند. (۲)

أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾ وَعَجِبُوا أَنْ

چه بسيار اقوامي را که پيش از آنها هلاک کرديم؛ و به هنگام نزول عذاب فرياد مى‌زدند (و کمک مى‌خواستند) ولي وقت نجات گذشته بود. (۳) آنها تعجب

جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ۖ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ

کردند که (پيامبر)انذار کننده‌اي از ميان خودشان به سويشان آمده؛ و کافران گفتند: «اين ساحر بسيار دروغگويي است. (۴) آيا او به جاي اين همه خدايان،

إِلَٰهًا وَاحِدًا ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾ وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَ

خداي واحدي قرار داده؟! اين براستي چيز عجيبي است!» (۵) سرکردگان آنها بيرون آمدند و گفتند: «برويد و بر (پرستش) خدايانتان،

اصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ

اين چيزي است که خواسته مى‌شود (تا به سبب آن شما را گمراه کنند). (۶) ما هرگز چنين چيزي در آيين ديگري نشنيده‌ايم؛

الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿٧﴾ أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي

اين تنها يک امر ساختگي است. (۷) آيا از ميان همهٔ ما، قرآن تنها بر او [= محمد] نازل شده؟!» آنها در حقيقت در اصل وحي من ترديد دارند، بلکه آنان

شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي ۖ بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿٨﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ

هنوز عذاب الهي را نچشيده‌اند (که اين چنين گستاخانه سخن مى‌گويند). (۸) مگر خزاين رحمت پروردگار توانا و بخشنده‌ات نزد آنهاست

الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا

(تا به هر کس ميل دارند بدهند)؟! (۹) يا اين‌که حکومت آسمانها و زمين و آنچه‌ميان اين دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنين است) با هر وسيلهٔ ممکن به

فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾ جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

آسمانها بروند (و از نزول وحي بر پيامبر جلوگيري کنند)!(۱۰) اينها لشکر کوچک شکست خورده‌اي از احزابند! (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ

پيش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پيامبران ما را) تکذيب کردند!(۱۲) و (نيز) قوم ثمود

لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ۚ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾ إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ

و لوط و اصحاب ايکه [= قوم شعيب]، اينهااحزابي بودند (که به تکذيب پيامبران برخاستند)!(۱۳) هر يک (از اين گروهها) فرستادگان (ما) را

الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾ وَمَا يَنْظُرُ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا

تکذيب کردند، و عذاب من دربارهٔ آنان تحقق يافت! (۱۴) اينها (با اين اعمالشان) جز يک صيحه آسماني را انتظار نمى‌کشند که هيچ مهلت و بازگشتي براي آن

لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٥﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

وجود ندارد! (۱۵) آنها (از روي خيره سري و لجاجت) گفتند: «پروردگارا! بهرهٔ ما را (از عذاب) هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما بده!» (۱۶)

ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا

در برابرآنچه مي گويند شكيبا باش، و به خاطر بياور بندهٔ ما داود صاحب قدرت را، كه او بسيار توبه‌كننده بود. (۱۷)

سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَٱلطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۖ

ما كوهها را مسخّر او ساختيم كه‌هر شامگاه و صبحگاه با او تسبيح مي‌گفتند. (۱۸) پرندگان را نيز دسته جمعي مسخّر او كرديم (تا همراه او تسبيح خدا گويند)؛

كُلٌّ لَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُۥ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحِكْمَةَ وَفَصْلَ

و همگي بازگشت‌كننده به سوی او بودند. (۱۹) و حكومت او را استحكام بخشيديم؛ (هم) دانش به او داديم و (هم) داوری عادلانه.

ٱلْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ ۞ وَهَلْ أَتَىٰكَ نَبَؤُا۟ ٱلْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا۟ ٱلْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾

(۲۰) آيا خبر شاكيان هنگامي كه از محراب (داود) بالا رفتند به تو رسيده است؟! (۲۱)

إِذْ دَخَلُوا۟ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا۟ لَا تَخَفْ ۖ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا

در آن هنگام كه (بي مقدمه) بر داود وارد شدند و او از ديدن آنها وحشت كرد؛ گفتند: «نترس، دو نفر شاكي هستيم

عَلَىٰ بَعْضٍ فَٱحْكُم بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَٱهْدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ

كه يكي از ما بر ديگری ستم كرده؛اكنون در ميان ما بحق داوری كن و سخن ناروا مگو و ما رابه راه راست هدايت كن.

﴿٢٢﴾ إِنَّ هَٰذَآ أَخِى لَهُۥ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِىَ نَعْجَةٌ وَٰحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا

(۲۲) اين برادر من است؛ او نود ونه ميش داردو من (تنها) يک ميش دارم؛ امّا او اصرار مي‌كند كه: اين را (نيز) به من واگذار؛

وَعَزَّنِى فِى ٱلْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦ ۖ

و در سخن بر من غلبه كرده است.» (۲۳) (داود) گفت: «به يقين او با درخواست ميش تو برای افزودن آن به ميشهايش، بر تو ستم نموده؛

وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ لَيَبْغِى بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟

و بسياری از شريكان (و دوستان) به يكديگر ستم مي‌كنند، مگر كساني كه ايمان آورده و اعمال‌صالح انجام داده‌اند؛

ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَ

امّا عدّه آنان كم است.» داود دانست كه ما او را (با اين ماجرا) آزموده‌ايم، از اين رو از پروردگارش طلب

خَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩ ﴿٢٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَ

آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه كرد. (۲۴) ما اين عمل را بر او بخشيديم؛ و او نزد ما دارای

حُسْنَ مَـَٔابٍ ﴿٢٥﴾ يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَٰكَ خَلِيفَةً فِى ٱلْأَرْضِ فَٱحْكُم

مقامي والا و سرانجامي نيكوست. (۲۵) ای داود! ما تو را خليفه (و نماينده خود) در زمين قرار داديم؛ پس در ميان

بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ

مردم بحق داوری كن، و از هوای نفس پيروی مكن كه تو را از راه خدا منحرف سازد؛كساني كه از

يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا نَسُوا۟ يَوْمَ ٱلْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

راه خدا گمراه شوند، عذاب شديدی بخاطر فراموش كردن روز حساب دارند! (۲۶)

وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَٰطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ فَوَيْلٌ

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای

لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنَ ٱلنَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ

بر کافران ازآتش (دوزخ)! (۲۷) آیا کسانی را که ایمان آورده و کار های شایسته انجام داده‌اند

كَٱلْمُفْسِدِينَ فِى ٱلْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾ كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ

همچون مفسدان در زمین قرار دهیم، یا پرهیزگاران راهمچون فاجران؟! (۲۸) این کتابی است

إِلَيْكَ مُبَٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوٓا۟ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا

پر برکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند. (۲۹) ما

لِدَاوُۥدَ سُلَيْمَٰنَ ۚ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِٱلْعَشِىِّ

سلیمان را به داود بخشیدیم؛ چه بندهٔ خوبی! زیرا او بسیار توبه کننده بود. (۳۰) (به خاطر بیاور) هنگامی را که

ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّىٓ أَحْبَبْتُ حُبَّ ٱلْخَيْرِ عَن ذِكْرِ

عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند، (۳۱) گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می‌خواهم از آنها در جهاد استفاده

رَبِّى حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِٱلْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوهَا عَلَىَّ ۖ فَطَفِقَ مَسْحًۢا بِٱلسُّوقِ

کنم.» او به آنها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (۳۲) (آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید. و دست به ساقها و

وَٱلْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَٰنَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِۦ جَسَدًا ثُمَّ

گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد). (۳۳) ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت اوجسدی افکندیم؛ سپس او (به درگاه خداوند)

أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ لِى وَهَبْ لِى مُلْكًا لَّا يَنۢبَغِى لِأَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِىٓ ۖ

توبه کرد. (۳۴) گفت: «پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد،

إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِى بِأَمْرِهِۦ رُخَآءً حَيْثُ

که توبسیار بخشنده‌ای.» (۳۵) پس ما باد را مسخّر او ساختیم تا به فرمانش بنرمی به هر جا او می‌خواهد برود.

أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَٱلشَّيَٰطِينَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾ وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِى

(۳۶) و هر بنا و غواصی از شیاطین را مسخّر او کردیم. (۳۷) و گروه دیگری (از شیاطین متمرد) را در غل و زنجیر (تحت سلطهٔ او)

ٱلْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُۥ

قرار دادیم، (۳۸) (و به او گفتیم:) این عطای ماست؛ به هر کس می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) بی حساب ببخش، و از هر کس می‌خواهی امساک کن. (۳۹) و برای

عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ ﴿٤٠﴾ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَآ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَسَّنِىَ

او [= سلیمان] نزد ما مقامی والا و سرانجامی نیکوست. (۴۰) و به خاطر بیاور بندهٔ ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا شیطان مرا

ٱلشَّيْطَٰنُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

به رنج و عذاب افکنده است. (۴۱) (به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب؛ (تا چشمه‌ای ظاهر گردد) این آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است. (۴۲)

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٤٣﴾

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای خردمندان. (۴۳)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَٱضْرِب بِّهِۦ وَلَا تَحْنَثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَٰهُ صَابِرًا ۚ نِّعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ

(و به او گفتیم:) بسته‌ای از ساقه (های گندم مانند آن) را برگیر و با آن (به همسرت) بزن و سوگند خود را مشکن. ما او را شکیبا یافتیم؛ چه بندهٔ خوبی که

إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾ وَٱذْكُرْ عِبَٰدَنَآ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ أُو۟لِى ٱلْأَيْدِى

بسیار توبه کننده بود! (۴۴) و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان قدرت

وَٱلْأَبْصَٰرِ ﴿٤٥﴾ إِنَّآ أَخْلَصْنَٰهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى ٱلدَّارِ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّهُمْ

و بصیرت. (۴۵) ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص گردانیم، که همان یادآوری سرای آخرت بود. (۴۶) و

عِندَنَا لَمِنَ ٱلْمُصْطَفَيْنَ ٱلْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾ وَٱذْكُرْ إِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَذَا

آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکان بودند. (۴۷) و به خاطر بیاور «اسماعیل» و «الیسع»

ٱلْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ ٱلْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾ هَٰذَا ذِكْرٌ ۚ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَـَٔابٍ

و «ذوالکفل» راکه همه از نیکان بودند. (۴۸) این یک یادآوری است، و به یقین برای پرهیزگاران فرجام نیکویی است:

﴿٤٩﴾ جَنَّٰتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ ٱلْأَبْوَٰبُ ﴿٥٠﴾ مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا

(۴۹) (همان) باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است. (۵۰) در حالی که در آن (بر تختها) تکیه کرده‌اند

بِفَٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾ ۞ وَعِندَهُمْ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ أَتْرَابٌ

و میوه‌های بسیار و نوشیدنیهای فراوان در اختیار آنان است. (۵۱) و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند، و همسن و سالند.

﴿٥٢﴾ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ ٱلْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُۥ مِن

(۵۲) این همان (پاداشی) است که برای روز حساب به شما وعده داده می‌شود (و عدهٔای تخلف‌ناپذیر). (۵۳) این روزی ماست که آن را پایانی نیست!

نَّفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَٰذَا ۚ وَإِنَّ لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

(۵۴) این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین سرانجام است: (۵۵) (همان) دوزخ، که در آن وارد می‌شوند؛

فَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾ وَءَاخَرُ مِن

و چه بد جایگاهی است! (۵۶) این مایع سوزان و مایع بدبوئی است که باید از آن بچشند! (۵۷) و کیفرهای دیگری

شَكْلِهِۦٓ أَزْوَٰجٌ ﴿٥٨﴾ هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ ۖ لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ ۚ إِنَّهُمْ

همانند آن دارند. (۵۸) (سرکردگان گمراه به یکدیگر می‌گویند:) این گروهی (از پیروان شما) است که همراه شما وارد دوزخ می‌شوند؛ خوشامد بر آنها مباد؛

صَالُوا۟ ٱلنَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا۟ بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًۢا بِكُمْ ۖ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا ۖ فَبِئْسَ

همگی در آتش خواهند سوخت! (۵۹) آنها (به رؤسای خود) می‌گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این (عذاب) را شما برای ما فراهم ساختید و چه بد قرار

ٱلْقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا۟ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِى ٱلنَّارِ ﴿٦١﴾

گاهی است!» (۶۰) (سپس) می‌گویند: «پروردگارا! هر کس این (عذاب) را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزا.» (۶۱)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَتَّخَذْنَاهُمْ

آنها می‌گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می‌شمردیم (در آتش دوزخ) نمی‌بینیم؟! (۶۲) آیا ما آنان را (بی جهت)

سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ

به مسخره گرفتیم یا چشمها آنها را نمی‌بیند؟!» (۶۳) گفتگوهای خصمانهٔ دوزخیان، یک واقعیت است.

﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ

(۶۴) بگو: «من تنها انذار کننده‌ام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه و حاکم بر همه چیز نیست. (۶۵) پروردگار

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾

آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار توانا و بسیار آمرزنده.» (۶۶) بگو: «این خبری بزرگ است، (۶۷)

أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

که شما از آن روی‌گردانید! (۶۸) من از ملأ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (دربارهٔ آفرینش آدم) گفتگو می‌کردند خبر ندارم. (۶۹)

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ

تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که من انذارکنندهٔ آشکاری هستم.» (۷۰) (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری

بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ

را از گل می‌آفرینم. (۷۱) هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به

سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ

سجده افتید.» (۷۲) در آن هنگام همهٔ فرشتگان بدون استثنا سجده کردند، (۷۳) جز ابلیس

اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا

که تکبّر ورزید و از کافران بود. (۷۴) فرمود: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر

خَلَقْتُ بِيَدَيَّ ۖ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ ۖ

مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبّر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از این‌که فرمان سجود به تو داده شود!)» (۷۵) گفت: «من از او

خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿٧٦﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾

بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل.» (۷۶) فرمود: «از آن (مقامات) خارج شو، که تو (از درگاه من) رانده شده‌ای! (۷۷)

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

و به یقین لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود.» (۷۸) گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می‌شوند مهلت ده.»

﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ

(۷۹) فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی، (۸۰) (ولی) تا روز و زمان معیّن.» (۸۱) گفت:

فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾

«به عزّتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، (۸۲) مگر بندگان خالص شده‌ات، از میان آنها.» (۸۳)

۳۹ – سوره الزمر

قَالَ فَٱلْحَقُّ وَٱلْحَقَّ أَقُولُ ﴿۸۴﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ
فرمود: «به حق سوگند، و حق می‌گویم، (۸۴) که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پُر خواهم کرد!»
أَجْمَعِينَ ﴿۸۵﴾ قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُتَكَلِّفِينَ ﴿۸۶﴾
(۸۵) (ای پیامبر!) بگو: «من در برابر این دعوت هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم، و من از متکلفان نیستم. (سخنانم روشن و همراه بادلیل است.)» (۸۶)
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿۸۷﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍۭ ﴿۸۸﴾
این (قرآن) فقط تذکری برای جهانیان است؛ (۸۷) و به یقین خبر (پیروزی) آن را بعد از مدّتی خواهید دانست. (۸۸)

سُورَةُ الزُّمَرِ

ترتیبها ۳۹ — آیاتها ۷۵

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ﴿۱﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ
این کتابی است که از سوی خداوند توانا و حکیم نازل شده است. (۱) ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛
بِٱلْحَقِّ فَٱعْبُدِ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿۲﴾ أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلْخَالِصُ ۚ
پس خدا را پرستش کن در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌ای. (۲) آگاه باشید که دین خالص از آن خداست،
وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ
و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند، (و می‌گفتند:) اینها را نمی‌پرستیم مگر
إِلَى ٱللَّهِ زُلْفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ
بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند، خدا (روز قیامت) میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند؛
ٱللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ ﴿۳﴾ لَّوْ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن
خداوند آن کس را که دروغگو و ناسپاس است هرگز هدایت نخواهد کرد. (۳) (به فرض محال) اگر خدا می‌خواست
يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّٱصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ ۖ هُوَ ٱللَّهُ
فرزندی داشته باشد، از میان مخلوقاتش آنچه را می‌خواست برمی‌گزید؛ منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)! او خداوند
ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ ﴿۴﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ ۖ يُكَوِّرُ
یگانه و حاکم بر همه چیز است. (۴) آسمانها و زمین را بحق آفرید؛
ٱلَّيْلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَ
شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب؛ وخورشید و ماه را مسخر (فرمان خویش) قرار داد؛
ٱلْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ ﴿۵﴾
هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت (خود) ادامه می‌دهند؛ آگاه باشید که او توانا و آمرزنده است. (۵)

خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ

او (همهٔ) شما را از یک انسان آفرید، و همسرش را از جنس او خلق کرد؛ و برای شما هشت زوج از

ٱلْأَنْعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ ۚ يَخْلُقُكُمْ فِى بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ خَلْقًا مِّنۢ

چهارپایان آفرید؛ او شما را در شکم مادرانتان در میان تاریکی‌های سه‌گانهٔ (پوسته شکم، رحم و کیسهٔ جنین) آفرینشی

بَعْدِ خَلْقٍ فِى ظُلُمَٰتٍ ثَلَٰثٍ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ ٱلْمُلْكُ ۖ لَآ إِلَٰهَ

بعد از آفرینش دیگر می‌بخشد. این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست؛ هیچ معبودی

إِلَّا هُوَ ۖ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾ إِن تَكْفُرُوا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ عَنكُمْ ۖ

جز او نیست؛ پس چگونه (از راه حق) منحرف می‌شوید؟! (۶) اگر ناسپاسی کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است

وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلْكُفْرَ ۖ وَإِن تَشْكُرُوا۟ يَرْضَهُ لَكُمْ ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ

و هرگز ناسپاسی را برای بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر شکر او را به جا آورید آن را برای شما می‌پسندد. و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بردوش

وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ

نمی‌کشد.سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد؛

تَعْمَلُونَ ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٧﴾ ۞ وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ

چرا که او به آنچه درون سینه‌هاست آگاه است. (۷) هنگامی که به انسان زیانی رسد،

ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِىَ مَا كَانَ يَدْعُوٓا۟

پروردگار خود را می‌خواند در حالی که به سوی او باز می‌گردد؛ امّا هنگامی که نعمتی از جانب خویش به او عطا کند،

إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦ ۚ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ

آنچه‌رابخاطر آن قبلاً خدا را می‌خواند از یاد می‌برد و برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد تا (مردم را) از راه او گمراه سازد؛

قَلِيلًا ۖ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلنَّارِ ﴿٨﴾ أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ سَاجِدًا

بگو: «چند روزی از کفر و ناسپاسی خود بهره‌گیر که به یقین از دوزخیانی!» (۸) آیا (چنین کسی با ارزش است یا) کسی که در ساعات شب در حال سجده و

وَقَآئِمًا يَحْذَرُ ٱلْءَاخِرَةَ وَيَرْجُوا۟ رَحْمَةَ رَبِّهِۦ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى

قیام به عبادت مشغول است و از عذاب آخرت می‌ترسدو به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که

ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٩﴾ قُلْ

می‌دانند باکسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند» (۹) بگو:

يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا

«ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است.

حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

و زمین خدا گسترده است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی‌حساب دریافت می‌دارند. (۱۰)

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ

بگو: «من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم. (۱۱) و مأمورم که نخستین

الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلِ

مسلمان باشم.» (۱۲) بگو:«من اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم.» (۱۳) بگو:

اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ

«من تنها خدا را می‌پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می‌کنم. (۱۴) پس شما هر چه را جز او می‌خواهید بپرستید (که زیانکارید).» بگو:

الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ

«زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایهٔ وجود خویش و بستگانشان را در روزقیامت از دست داده‌اند. آگاه باشید

الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ

زیان آشکار همین است.» (۱۵) برای آنان از بالای سرشان طبقاتی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبانهایی (از آتش) است:

ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ ۚ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ

این چیزی است که‌خداوند با آن بندگانش را می‌ترساند. ای بندگان من! از (نافرمانی) من بپرهیزید. (۱۶) و کسانی که از عبادت طاغوت دوری کردند

أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ

و به سوی خداوند بازگشتند،بشارت از آن آنهاست؛ پس بندگان مرا بشارت ده. (۱۷) همان کسانی که

يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ

سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که‌خدا هدایتشان کرده،

وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ

و آنها خردمندانند. (۱۸) آیا تو می‌توانی کسی را که فرمان عذاب دربارهٔ او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو می‌توانی کسی را که

تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾ لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا

در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟! (۱۹) ولی برای آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه‌هایی در بهشت است که بر فراز آن

غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَعْدَ اللَّهِ ۖ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ

غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آن نهرها جاری است. این وعدهٔ الهی است، و خداوند در وعدهٔ خود تخلف نمی‌کند.

﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي

(۲۰) آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را بصورت چشمه‌هایی در

الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا

زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را که رنگهای مختلف دارد؛ بعد آن گیاه خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زرد و بی‌روح می‌بینی؛

ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

سپس آن را درهم می‌شکند و خرد می‌کند؟! در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا). (۲۱)

أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ فَوَيْلٌ

آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز (مرکبی از) نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!) وای بر

لِّلْقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾ ٱللَّهُ

آنان که قلبهایی سخت در برابرذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند. (۲۲) خداوند

نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا مَّثَانِىَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ

بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛

ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ

آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد؛

ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ

سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود؛این هدایت الهی است که هرکس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند؛ و هر کس را خداوند گمراه سازد،

مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّقِى بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ وَ

هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود. (۲۳) آیا کسی که (ناچار است) با صورت خود عذاب دردناک (الهی) را در روز قیامت دور سازد (همانند کسی است که

قِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

آتش دوزخ هرگز به او نمی‌رسد)؟! و به ستمکاران گفته می‌شود: «بچشید (نتیجهٔ) آنچه را انجام‌می‌دادید!» (۲۴) کسانی که قبل از آنها بودند نیز (آیات ما را)

فَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ

تکذیب نمودند، و عذاب (الهی) از جایی که فکر نمی‌کردند به سراغشان آمد. (۲۵) پس‌خداوند خواری را در

ٱلْخِزْىَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

زندگی این دنیا به آنها چشانید، و عذاب آخرت شدیدتر است اگر می‌دانستند. (۲۶)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ

ما برای مردم در این قرآن از هر چیز نمونه‌ای آوردیم (و همهٔ معارف در آن جمع است)، شاید

يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِى عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ

متذکر شوند. (۲۷) قرآنی است فصیح و خالی از هرگونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه کنند. (۲۸) خداوند

ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ

مثالی زده است: مردی را که مملوک شریکانی است که دربارهٔ او پیوسته با هم نزاع دارند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است؛

يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ

آیا این دو یکسانند؟! حمد و ستایش مخصوص خداست، ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۲۹) به یقین تو می‌میری

إِنَّهُم مَّيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

و آنها نیز خواهند مُرد. (۳۰) سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه می‌کنید. (۳۱)

۞ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدْقِ

چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست (و وحی الهی) را

إِذْ جَآءَهُۥٓ ۚ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّذِى جَآءَ

هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا درجهنم جایگاهی برای کافران نیست؟! (۳۲) امّا کسی که

بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾ لَهُم مَّا

سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند. (۳۳) آنچه بخواهند

يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾ لِيُكَفِّرَ

نزد پروردگارشان برای آنان موجود است: و این است جزای نیکوکاران. (۳۴) تا خداوند

ٱللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ ٱلَّذِى

(حتی) بدترین اعمالی را که انجام داده‌اند (در سایه ایمان و صداقت آنها) بیامرزد، و آنها را مطابق بهترین اعمالی

كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ

که انجام می‌دادند پاداش دهد. (۳۵) آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟! ولی آنها تو را از غیر او می‌ترسانند.

بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾

(آنها گمراهند) و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود! (۳۶)

وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ ﴿٣٧﴾

و هر کس را خدا راهنمایی کند، هیچ گمراه کننده‌ای نخواهد داشت. آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟! (۳۷)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۚ قُلْ

و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟» به یقین می‌گویند: «خدا!» بگو:

أَفَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنْ أَرَادَنِىَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ

«آیا هیچ دربارهٔ معبودانی که غیر از خدا می‌خوانید اندیشه می‌کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد،

كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوْ أَرَادَنِى بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَٰتُ

آیا آنها می‌توانند زیان او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند مانع رحمت او شوند؟!»

رَحْمَتِهِۦ ۚ قُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ ۖ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ

بگو: «خدا مرا کافی است؛ و همهٔ توکل کنندگان تنها بر او توکل می‌کنند.» (۳۸) بگو:

يَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَٰمِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

«ای قوم من! شما هرچه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفهٔ خود عمل می‌کنم؛ امّا بزودی خواهید دانست،

﴿٣٩﴾ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾

(۳۹) چه کسی عذاب خوارکننده‌ای (در دنیا) به سراغش می‌آید، و (سپس) عذابی جاویدان (در آخرت) بر او وارد می‌گردد!» (۴۰)

إِنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَلِنَفۡسِهِۦۖ

ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت شود به نفع خود اوست؛

وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٍ

و هر کس گمراهی را برگزیند،تنها به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و تو مأمور اجبارشان (به هدایت) نیستی.

﴿٤١﴾ ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي لَمۡ تَمُتۡ فِي

(۴۱) خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند، و رواح کسانی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد؛

مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ

سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می‌دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) باز می‌گرداند

أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

تا سرآمدی معیّن؛ در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که می‌اندیشند. (۴۲)

أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ قُلۡ أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ

آیاآنان غیر از خدا شفیعانی گرفته‌اند؟! به آنان بگو: «آیا (از آنها شفاعت می‌طلبید) هر چند مالک چیزی نباشند

شَيۡـٔٗا وَلَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ

و درک و شعوری برای آنها نباشد؟!» (۴۳) بگو: «تمام شفاعت تنها از آنِ خداست، (زیرا)

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ

حاکمیّت آسمانها و زمین از آنِ اوست، سپس همهٔ شما به سوی او باز گردانده می‌شوید.» (۴۴) هنگامی که خداوند

ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِۖ

به یگانگی یاد می‌شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند مشمئز (و متنفّر) می‌گردد؛

وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ

امّا هنگامی که‌از معبودهایی غیر از او یاد می‌شود، آنان خوشحال می‌شوند. (۴۵) بگو:

ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ

«خداوندا! ای آفرینندهٔ آسمانهاو زمین، و آگاه از اسرار نهان و آشکار، تو

تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوۡ أَنَّ

در میان بندگانت در آنچه دربارهٔ آن اختلاف داشته‌اند داوری خواهی کرد.» (۴۶) اگر

لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦ مِن

ستمکاران تمام آنچه را روی زمین است مالک باشند و همانند آن بر آن افزوده شود، حاضرند همه را فدا کنند

سُوٓءِ ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

تا از عذاب شدید روز قیامت رهایی یابند؛ و از سوی خدا برای آنها اموری ظاهر می‌شود که هرگز گمان نمی‌کردند. (۴۷)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ

(در آن روز) اعمال بدي را كه انجام داده‌اند براي آنها آشكار مي‌شود، و آنچه را (از عذاب الهي) استهزا مي‌كردند

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَٰهُ نِعْمَةً

بر آنها واقع مي‌گردد. (۴۸) هنگامي كه‌انسان را زياني رسد، ما را (براي‌حل‌مشكلش) مي‌خواند؛ سپس هنگامي كه از جانب خود به او نعمتي دهيم،

مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا

مي‌گويد: «اين نعمت بخاطر كارداني خودم به من داده شده»؛ (چنين نيست) بلكه اين وسيلهٔ آزمايش (آنها) است، هرچند بيشترشان

يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُواْ

نمي‌دانند. (۴۹) اين سخن را كساني كه قبل ازآنها بودند نيز گفتند، ولي آنچه را به دست مي‌آوردندبراي

يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ ۚ وَٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْ

آنها سودي نداشت. (۵۰) سپس بديهاي اعمالشان به آنها رسيد؛ و ستمكاران اين گروه [= بت پرستان اهل مكّه]

هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾

نيز بزودي گرفتار بديهاي اعمالي كه انجام داده‌اند خواهند شد، و هرگز نمي‌توانند از عذاب الهي بگريزند. (۵۱)

أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى

آيا آنها ندانستند كه خداوندروزي را براي هر كس بخواهد گسترده يا تنگ مي‌سازد؟! در

ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ ۞ قُلْ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُواْ

اين، نشانه‌هايي است براي گروهي كه ايمان مي‌آورند. (۵۲) بگو: «اي بندگان من‌كه برخود اسراف

عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ

و ستم كرده‌ايد! از رحمت خداوند نوميد نشويد كه خدا همهٔ گناهان را مي‌آمرزد،

جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُواْ

زيرا او بسيار آمرزنده و مهربان است. (۵۳) و به درگاه پروردگارتان بازگرديد و در برابر او تسليم شويد،

لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَٱتَّبِعُوٓاْ

پيش از آن‌كه عذاب به سراغ شما آيد، سپس (از سوي هيچ كس) ياري نشويد. (۵۴) و از بهترين

أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ

دستورهايي كه از سوي پروردگارتان بر شما نازل شده پيروي كنيد پيش از آن‌كه

ٱلْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ

عذاب (الهي) ناگهان به سراغ شما آيد در حالي كه از آن آگاه نيستند» (۵۵) (اين دستورها براي آن است كه)

عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ﴿٥٦﴾

مبادا كسي روز قيامت بگويد: «افسوس بر من از كوتاهي‌هايي كه در اطاعت فرمان خدا كردم و از مسخره‌كنندگان (آيات او) بودم» (۵۶)

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ
یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، از پرهیزگاران بودم.» (۵۷) یا
تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ
هنگامی که عذاب را می‌بیند بگوید: «ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازمی‌گشتم و از نیکوکاران بودم!»
﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَآءَتْكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَٱسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ
(۵۸) آری، آیات من به سراغ تو آمد، امّا آن را تکذیب کردی و تکبر نمودی
مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُوا۟ عَلَى
و از کافران بودی. (۵۹) و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند (و تکبر ورزیدند)
ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ
می‌بینی که صورتهایشان سیاه است؛ آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟!
﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ
(۶۰) و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند رهایی می‌بخشد و رستگار می‌کند؛ هیچ بدی به آنان نمی‌رسد
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
و هرگز اندوهگین نخواهند شد. (۶۱) خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و نگهبان
شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ وَٱلَّذِينَ
بر همه اشیاء است. (۶۲) کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ و کسانی که
كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ أَفَغَيْرَ
به آیات خداوند کافر شدند زیانکاران (واقعی) هستند. (۶۳) بگو: «آیا به من
ٱللَّهِ تَأْمُرُوٓنِّيٓ أَعْبُدُ أَيُّهَا ٱلْجَٰهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى
دستور می‌دهید که غیر خدا را بپرستم ای جاهلان؟!» (۶۴) به تو و همهٔ پیامبران پیشین وحی شده که
ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ
اگر مشرک شوی، تمام اعمالت تباه می‌شود و از زیانکاران خواهی بود.
ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ ٱللَّهَ فَٱعْبُدْ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا۟
(۶۵) بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش. (۶۶) آنها خدا را آن گونه
ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦ وَٱلْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَ
که باید بشناسند، نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضهٔ (قدرت) اوست
ٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطْوِيَّٰتٌۢ بِيَمِينِهِۦ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾
و آسمانها پیچیده در دست او؛ خداوند منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند. (۶۷)

وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا

و (در آستانهٔ قیامت) در «صور» دمیده می‌شود، و در پی آن همهٔ کسانی که در آسمانها و زمینند می‌میرند، مگر

مَن شَآءَ ٱللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ ﴿٦٨﴾

کسانی که خدا بخواهد؛ سپس‌بار دیگر در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند. (۶۸)

وَأَشْرَقَتِ ٱلْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ وَجِاْىٓءَ بِٱلنَّبِيِّـۧنَ

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند و پیامبران

وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ

و گواهان را حاضر می‌سازند، و میان آنها بحق داوری می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد. (۶۹) و به هرکس

كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ

آنچه انجام داده است بی کم و کاست داده می‌شود؛ و او نسبت به آنچه انجام می‌دادند از همه آگاهتر است. (۷۰) و کسانی که

كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا وَ

کافر شدندگروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند؛ هنگامی که به دوزخ می‌رسند، درهای آن گشوده می‌شود

قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ

و نگهبانان دوزخ به آنها می‌گویند: «آیا پیامبرانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند

رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ

و نسبت به ملاقات این روز شما را انذار کنند؟!» می‌گویند: «آری، (پیامبران آمدند) ولی (ما مخالفت کردیم و)»

كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ٱدْخُلُوٓاْ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ

فرمان عذاب الهی بر کافران مسلّم شده است. (۷۱) به آنان گفته می‌شود: «از درهای جهنم وارد شوید،

خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ فَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ

جاودانه در آن بمانید؛ چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران!» (۷۲) و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند

ٱتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتْ

گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند؛ هنگامی که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود

أَبْوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَٱدْخُلُوهَا

و نگهبانان به آنان می‌گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد! داخل بهشت شوید و

خَٰلِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُواْ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُۥ وَأَوْرَثَنَا

جاودانه بمانید!» (۷۳) آنها می‌گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعدهٔ خویش دربارهٔ ما وفا کرد

ٱلْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ ﴿٧٤﴾

و این سرزمین را میراث ما قرار داد که هر جای بهشت را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ و چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!» (۷۴)

۴۰ – سوره غافر

وَتَرَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ ٱلْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ

(در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش حلقه زده‌اند و پروردگارشان را حمد و تسبیح می‌گویند؛

رَبِّهِمْ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَقِيلَ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٥﴾

و در میان آنان [= بندگان] بحق داوری می‌شود؛ و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.» (۷۵)

سُورَةُ غَافِر

ترتیبها ۴۰ — آیاتها ۸۵

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ ﴿٢﴾ غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ

حم. (۱) این کتابی است که از سوی خداوند توانا و دانا نازل شده است. (۲) خداوندی که آمرزندهٔ گناه،

وَقَابِلِ ٱلتَّوْبِ شَدِيدِ ٱلْعِقَابِ ذِي ٱلطَّوْلِ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ إِلَيْهِ

پذیرندهٔ توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و بازگشت (همهٔ شما)

ٱلْمَصِيرُ ﴿٣﴾ مَا يُجَٰدِلُ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَلَا يَغْرُرْكَ

به سوی اوست. (۳) تنها کسانی در آیات ما مجادله می‌کنند که (از روی عناد) کافر شده‌اند؛ پس مبادا رفت و آمد آنان در شهرها

تَقَلُّبُهُمْ فِي ٱلْبِلَٰدِ ﴿٤﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَٱلْأَحْزَابُ

(و قدرت‌نماییشان) تو را فریب دهد! (۴) پیش از آنها قوم نوح و گروه‌هایی که بعد از آنها بودند

مِنۢ بَعْدِهِمْ ۖ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍۭ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ ۖ وَجَٰدَلُوا۟

(پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امّتی در پی آن بودند که پیامبرشان را بگیرند (و آزار دهند)، و برای محو حق به

بِٱلْبَٰطِلِ لِيُدْحِضُوا۟ بِهِ ٱلْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٥﴾

مجادله باطل دست زدند؛ امّا من آنها را مجازات کردم؛ دیدی که مجازات من چگونه بود! (۵)

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ

واین گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلّم شده که آنها همه اهل آتشند.

﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ

(۶) فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می‌کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند

بِهِۦ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَ

و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می‌طلبند (و می‌گویند:) پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است؛

عِلْمًا فَٱغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا۟ وَٱتَّبَعُوا۟ سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ ﴿٧﴾

پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار. (۷)

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِى وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ مِنْ
پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشتی که به آنها وعده فرموده‌ای وارد کن و (همچنین)
ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ
از پدران و همسران‌و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند، به یقین تو توانا و حکیمی.
﴿٨﴾ وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ
(۸) و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر کس را در آن روز از بدیها نگاه داری،
رَحِمْتَهُۥ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟
مشمول رحمتت ساخته‌ای؛ و این همان رستگاری بزرگ! (۹) روز قیامت کسانی را که کافر شدند
يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَّقْتِكُمْ أَنفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ
صدا می‌زنند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است، چرا که
إِلَى ٱلْإِيمَٰنِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾ قَالُوا۟ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا ٱثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا
به سوی ایمان دعوت می‌شدید،ولی انکار می‌کردید. (۱۰) آنها می‌گویند: «پروردگارا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی؛
ٱثْنَتَيْنِ فَٱعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ ﴿١١﴾
اکنون به گناهان خود معترفیم؛ آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟» (۱۱)
ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِىَ ٱللَّهُ وَحْدَهُۥ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِن يُشْرَكْ
(گفته می‌شود) این به سبب آن است که وقتی خداوند به یگانگی خوانده می‌شد انکار می‌کردید، و اگر برای او همتایی می‌پنداشتند
بِهِۦ تُؤْمِنُوا۟ ۚ فَٱلْحُكْمُ لِلَّهِ ٱلْعَلِىِّ ٱلْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُرِيكُمْ
ایمان می‌آوردید؛ اکنون داوری مخصوص خداوند بلند مرتبه و بزرگ است (و شما را مطابق عدل خود کیفر می‌دهد). (۱۲) او کسی است که
ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ رِزْقًا ۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ
آیات خود را به شما نشان می‌دهد و از آسمان برای شما روزی با ارزشی می‌فرستد؛ تنها کسانی متذکر این حقایق می‌شوند
إِلَّا مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾ فَٱدْعُوا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ
که (به سوی خدا) بازمی‌گردند (و پیوسته به یاد او هستند). (۱۳) (تنها) خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هر چند
ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿١٤﴾ رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلْعَرْشِ يُلْقِى ٱلرُّوحَ مِنْ
کافران ناخشنود باشند. (۱۴) او درجات (بندگان صالح) را بالا می‌برد، او صاحب عرش است، روح [= وحی الهی] را
أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوْمَ ٱلتَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ هُم بَٰرِزُونَ ۖ
به فرمانش بر هر کس از بندگانش که بخواهد القاء می‌کند تا (مردم را) از روز لقای پروردگار بیم دهد. (۱۵) روزی که همهٔ آنان آشکار می‌شوند
لَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنْهُمْ شَىْءٌ ۚ لِّمَنِ ٱلْمُلْكُ ٱلْيَوْمَ ۖ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ ﴿١٦﴾
و چیزی از آنها بر خدا پنهان نخواهد ماند؛ (و گفته می‌شود:) حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای حاکم بر همه چیز است. (۱۶)

ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ ٱللَّهَ

امروز هر کسی در برابر آنچه انجام داده است جزا داده می‌شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ خداوند

سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ لَدَى

سریع الحساب است. (۱۷) و آنها را از روز نزدیک [= روز قیامت] بترسان، هنگامی که (از شدّت وحشت) دلها به گلوگاه می‌رسد

ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَۚ مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ حَمِيمٖ وَلَا شَفِيعٖ يُطَاعُ ﴿١٨﴾

در حالی که تمامی وجود آنها مملوّ از اندوه است؛ برای ستمکاران نه دوستی وجود دارد، و نه شفاعت کننده‌ای که شفاعتش پذیرفته شود. (۱۸)

يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَٱللَّهُ يَقۡضِي بِٱلۡحَقِّۖ

او چشمهایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند. (۱۹) خداوندبحق داوری می‌کند،

وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقۡضُونَ بِشَيۡءٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ

و معبودهایی را که غیر از او می‌خوانند (قدرت بر) هیچ گونه داوری ندارند؛ خداوند شنوا

ٱلۡبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ ۞ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ

و بیناست. (۲۰) آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟!

عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُواْ هُمۡ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا

آنها در قدرت و ایجاد آثار مهمّ در زمین از اینها برتر بودند؛

فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن

ولی خداوند آنان را به گناهانشان گرفت، و دربرابر (عذاب) او مدافعی

وَاقٖ ﴿٢١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ

نداشتند. (۲۱) این برای آن بود که پیامبرانشان پیوسته با دلایل روشن به سراغشان می‌آمدند،

فَكَفَرُواْ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدۡ

ولی آنها انکار می‌کردند؛ بدین سبب خداوند آنان را گرفت (و کیفر داد) که او توانا و مجازاتش شدید است. (۲۲) ما

أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ

موسی را با معجزات خود و دلیل روشنی فرستادیم، (۲۳) به سوی فرعون و

وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم

هامان و قارون؛ ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است.» (۲۴) و هنگامی که حق را از سوی ما

بِٱلۡحَقِّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَ

برای آنها آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را

ٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ﴿٢٥﴾

(برای خدمت) زنده بگذارید.» امّا نقشهٔ کافران راه به جایی نمی‌برد (و نقش بر آب می‌شود). (۲۵)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَن

و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)!

يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾ وَقَالَ

زیرا من می‌ترسم که آیین شما را دگرگون سازد،و یا در این سرزمین فساد برپا کند!» (۲۶) موسی گفت:

مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ

«من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم‌از هر متکبری که به روز حساب

بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ

ایمان نمی‌آورد.» (۲۷) و مرد مؤمنی از فرعونیان که ایمان خود راپنهان می‌داشت گفت:

إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُم

«آیا می‌خواهید مردی را به قتل برسانید بخاطر این‌که می‌گوید: پروردگار من «اللّه» است،

بِالْبَيِّنَاتِ مِن رَّبِّكُمْ وَإِن يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِن

در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! اگر دروغگو باشد،

يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

دروغش دامن خودش را خواهد گرفت؛ و اگر راستگو باشد، (لااقل) بعضی از عذابهایی را که وعده می‌دهد به شما خواهد رسید؛ خداوند کسی را

مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾ يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ

که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی‌کند. (۲۸) ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروزید؛

فِي الْأَرْضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِن بَأْسِ اللَّهِ إِن جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا

اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟!» فرعون گفت:«من جز آنچه را مصلحت می‌بینیم

أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ

به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی‌کنم. (دستور، همان قتل موسی است.)» (۲۹) کسی که

الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُم مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾

ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم! (۳۰) و از روشی

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا

همچون روش قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که‌بعد از آنان بودند (و راه کفر و طغیان پیمودند بر شما می‌ترسم)؛ و خداوند برای بندگانش ستمی نمی‌خواهد.

لِّلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُوَلُّونَ

(۳۱) ای قوم من! من از روزی که مردم یکدیگر را صدا می‌زنند (و از هم یاری می‌طلبند) بر شما بیمناکم! (۳۲) همان روزی که روی می‌گردانید و فرار می‌کنید؛

مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

امّا هیچ وسیلهٔ نجاتی برای شما در برابر (عذاب) خداوند نیست؛ و هر کس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدایت کننده‌ای برای او نیست! (۳۳)

وَلَقَدۡ جَآءَكُمۡ يُوسُفُ مِن قَبۡلُ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلۡتُمۡ فِي شَكّٖ مِّمَّا
پیش از این یوسف با دلایل روشن به سراغ شما آمد، ولی شما پیوسته در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید؛
جَآءَكُم بِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلۡتُمۡ لَن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِهِۦ
تا زمانی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد!
رَسُولٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ مُّرۡتَابٌ ﴿٣٤﴾
این گونه خداوند هر اسرافکار تردید کننده‌ای را گمراه می‌سازد. (۳۴)
ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡۖ كَبُرَ
همان کسانی که در آیات خدا بی آن‌که دلیلی برایشان آمده باشد به مجادله می‌پردازند؛
مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
(این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده‌اند به بار می‌آورد؛ این گونه خداوند
قَلۡبِ مُتَكَبِّرٖ جَبَّارٖ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰهَٰمَٰنُ ٱبۡنِ لِي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ
بر دل هر متکبر گردنکشی مُهر می‌نهد.» (۳۵) فرعون گفت: «ای هامان! برای من برج بلندی بساز، شاید
أَبۡلُغُ ٱلۡأَسۡبَٰبَ ﴿٣٦﴾ أَسۡبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ
به وسایلی دست یابم، (۳۶) وسایل (دست یافتن به) آسمانها تا از خدای موسی آگاه شوم؛
وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗاۚ وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ
هر چند گمان می‌کنم او دروغگو باشد.» اینچنین اعمال بد فرعون در نظرش آراسته جلوه کرد
وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِۚ وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ ﴿٣٧﴾
و از راه حق باز داشته شد؛ و توطئهٔ فرعون (و امثال او) جز به نابودی نمی‌انجامد. (۳۷)
وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُونِ أَهۡدِكُمۡ سَبِيلَ
کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه صواب،
ٱلرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا مَتَٰعٞ وَإِنَّ
راهنمایی کنم. (۳۸) ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛
ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ دَارُ ٱلۡقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنۡ عَمِلَ سَيِّئَةٗ فَلَا يُجۡزَىٰٓ
و فقط آخرت سرای پایدار است. (۳۹) هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی‌شود؛
إِلَّا مِثۡلَهَاۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ
ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد ـ خواه مرد یا زن ـ در حالی که مؤمن باشد چنین کسانی
مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ يُرۡزَقُونَ فِيهَا بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٤٠﴾
وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌حسابی به آنها داده خواهد شد. (۴۰)

الحزب ٤٨

وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدۡعُونَنِيٓ إِلَى ٱلنَّارِ

ای قوم من! چرا من شما را به سوی نجات دعوت می‌کنم، امّا شما مرا به سوی آتش فرا می‌خوانید؟!

٤١ تَدۡعُونَنِي لِأَكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشۡرِكَ بِهِۦ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞ

(۴۱) مرا دعوت می‌کنیدکه به خداوند یگانه کافر شوم و همتایی که به آن علم ندارم برای او قرار دهم،

وَأَنَا۠ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡغَفَّٰرِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدۡعُونَنِيٓ

در حالی که من شما را به سوی خداوند توانا و آمرزنده دعوت می‌کنم! (۴۲) به یقین آنچه مرا به سوی آن می‌خوانید،

إِلَيۡهِ لَيۡسَ لَهُۥ دَعۡوَةٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَلَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ

نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا دارد و نه درآخرت؛ و به یقین بازگشت ما در قیامت به سوی خداست؛

وَأَنَّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ﴿٤٣﴾ فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ

و اسرافکاران اهل آتشند. (۴۳) و بزودی آنچه را به شما می‌گویم به خاطر خواهید آورد

أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ

(و پشیمان خواهید شد)! من کار خود را به خدا وامی‌گذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست.»

٤٤ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرۡعَوۡنَ

(۴۴) خداوند او را از توطئه‌های شوم آنها نگه داشت، و عذاب شدیدی فرعونیان را فراگرفت

سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ﴿٤٥﴾ ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ

(۴۵) (عذاب آنها) آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که

تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ﴿٤٦﴾ وَإِذۡ

قیامت برپا شود (می‌فرماید:) «فرعونیان را در سخت ترین عذابها وارد کنید.» (۴۶)

يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ

(به خاطر بیاور) هنگامی را که در آتش دوزخ با هم به گفتگو و ستیزه می‌پردازند؛

إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ

ضعیفان به مستکبران می‌گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را

ٱلنَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ

به جای ما پذیرا می‌شوید؟!» (۴۷) مستکبران می‌گویند: «ما همگی در آن هستیم، زیرا

ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ بَيۡنَ ٱلۡعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ

خداوند در میان بندگانش (بعدالت) حکم کرده است.» (۴۸) و آنها که در آتشند

لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ﴿٤٩﴾

به ماموران دوزخ می‌گویند: «از پروردگارتان بخواهید یک روز عذاب را از ما بردارد.» (۴۹)

قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ بَلَىٰۚ
آنها مي‌گويند: «آيا پيامبران شما با دلايل روشن به سراغتان نيامدند؟!» مي‌گويند: «آرى (آمدند ولي ما نپذيرفتيم)»
قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ ﴿٥٠﴾ إِنَّا
آنها مي‌گويند: «پس هر چه مي‌خواهيد (خدا را) بخوانيد؛ ولي دعاى كافران (به اجابت نمي‌رسد و) جز در گمراهي نيست.» (۵۰)
لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيَوۡمَ يَقُومُ
ما به يقين پيامبران خود و كساني را كه ايمان آورده‌اند، در زندگي دنيا و (در آخرت) روزى كه گواهان به پا مي‌خيزند
ٱلۡأَشۡهَٰدُ ﴿٥١﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعۡذِرَتُهُمۡۖ وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ
يارى مي‌دهيم. (۵۱) روزى كه عذرخواهي ستمكاران سودى به حالشان نمي‌بخشد؛ و لعنت (و دورى از رحمت الهي)
وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ
و جايگاه بد براى آنان است. (۵۲) و ما به موسى هدايت بخشيديم، و بني‌اسرائيل را وارثان
إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ ﴿٥٣﴾ هُدٗى وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ
كتاب (تورات) قرار داريم. (۵۳) كتابي كه مايهٔ هدايت و تذكر براى خردمندان بود.
﴿٥٤﴾ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ
(۵۴) پس (اى پيامبر!) صبر و شكيبايي پيشه كن كه وعده خدا حق است، و براى گناه [= ترك اولاى] خود استغفار كن،
بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
و هر صبح و شام تسبيح و حمد پروردگارت را به جا آور. (۵۵) كساني كه در آيات خداوند
يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي
بدون دليلي كه براى آنها آمده باشد ستيزه‌جويي مي‌كنند، در سينه‌هايشان فقط تكبر
صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ
(و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسيد، پس به خدا پناه بر
إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿٥٦﴾ لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَ
كه او شنوا و بيناست. (۵۶) آفرينش آسمانها و
ٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ خَلۡقِ ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا
زمين از آفرينش انسانها عظيم‌تر است، ولي بيشتر مردم
يَعۡلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ
نمي‌دانند. (۵۷) هرگز نابينا و بينا يكسان نيستند؛ و (همچنين) كساني كه
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾
ايمان آورده، و اعمال صالح انجام داده‌اند با بدكاران؛ هرچند شما كمتر متذكر مي‌شويد. (۵۸)

إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٌ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا

روز رستاخیز به یقین آمدنی است، و شکی در آن نیست؛ ولی اکثر مردم

يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ

ایمان نمی‌آورند. (۵۹) پروردگار شماگفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم.

ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

به یقین کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند بزودی با ذلّت وارد دوزخ می‌شوند.»

﴿٦٠﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ

(۶۰) خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید، و روز را روشنی‌بخش قرار داد؛

مُبۡصِرًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ

خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کَرَم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری

ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ خَٰلِقُ كُلِّ

نمی‌کنند. (۶۱) این است خداوند، پروردگار شما که آفرینندهٔ همه چیز است؛

شَيۡءٖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ﴿٦٢﴾ كَذَٰلِكَ يُؤۡفَكُ ٱلَّذِينَ

هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه (از راه حق) منحرف می‌شوید؟! (۶۲) اینگونه، آنهایی که آیات خدا

كَانُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ﴿٦٣﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

را انکار می‌کردند (از راه راست) منحرف می‌شوند. (۶۳) خداوند کسی است که زمین را

ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ

برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بر فرازتان)؛

صُوَرَكُمۡ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ

و شما را (در عالم جنین) صورتگری کرد، و تصویرتان را نیکو آفرید؛ و از نعمت‌های پاکیزه به شما روزی داد؛

فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ إِلَٰهَ

این است خداوند پروردگار شما؛ زوال ناپذیر و پربرکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است. (۶۴) زنده (واقعی) اوست؛

إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ

معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌اید. ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

﴿٦٥﴾ ۞ قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا

(۶۵) بگو: «من از پرستش معبودهایی که شما غیر از خدا می‌خوانید نهی شده‌ام، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم

جَآءَنِيَ ٱلۡبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦٦﴾

برای من آمده است؛ و مأمورم که تنها در برابر پروردگار جهانیان تسلیم باشم.» (۶۶)

هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٍ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٍ ثُمَّ

او كسي است كه شما را از خاكي آفريد، سپس از نطفه‌اي، سپس از علقه (و خون بسته شده)اي،

يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلًا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخًاۚ

سپس شما را بصورت طفلي (از شكم مادر) بيرون مي‌آورد، بعد (رشد مي‌كنيد تا) به مرحلهٔ كمال قوّت خود مي‌رسيد، و بعد از آن پير مي‌شويد؛

وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبۡلُۖ وَلِتَبۡلُغُوٓاْ أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمۡ

و (در اين ميان) گروهي از شما پيش از رسيدن به اين مرحله مي‌ميرند و (در نهايت) به اجل حتمي خود مي‌رسيد؛ شايد

تَعۡقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرًا فَإِنَّمَا

(در اين مراحل) بينديشيد. (۶۷) او كسي است كه زنده مي‌كند و مي‌ميراند؛ و هنگامي كه وجود چيزي را مقرّر كند،تنها به آن

يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ

مي‌گويد: «موجود باش!» بي‌درنگ موجود مي‌شود. (۶۸) آيا نديدي كساني را كه در آيات خدا مجادله مي‌كنند،

ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ ﴿٦٩﴾ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلۡكِتَٰبِ وَبِمَآ

چگونه (از راه حق) منحرف مي‌شوند؟! (۶۹) همان كساني كه كتاب آسماني و آنچه را به وسيلهٔ پيامبرانمان

أَرۡسَلۡنَا بِهِۦ رُسُلَنَاۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ

فرستاده‌ايم تكذيب كردند؛ امّا بزودي (از نتيجهٔ كار خود) آسماني! (۷۰) در آن هنگام كه غل و زنجيرها

أَعۡنَٰقِهِمۡ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسۡحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي ٱلۡحَمِيمِ ثُمَّ فِي ٱلنَّارِ

برگردن آنان قرار گرفته و آنها را مي‌كشند؛ (۷۱) و در آب سوزان وارد مي‌كنند؛ سپس در آتش

يُسۡجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِن دُونِ

دوزخ مي‌سوزند! (۷۲) سپس به آنها گفته مي‌شود: «كجايند آنچه را همتاى خدا قرارمي‌داديد، (۷۳) همان معبودهايي را

ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمۡ نَكُن نَّدۡعُواْ مِن قَبۡلُ شَيۡـٔٗاۚ كَذَٰلِكَ

كه جز خدا پرستش مي‌كرديد؟!» آنها مي‌گويند: «همه از نظر ما پنهان و گم شدند؛ بلكه ما اصلاً پيش از اين چيزي را پرستش نمي‌كرديم!»

يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ

اين گونه خداوند كافران را گمراه مي‌سازد. (۷۴) اين (عذاب) بخاطر آن است كه به ناحق در زمين شادي مي‌كرديد

بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ

و از روي غرور و مستي به خوشحالي مي‌پرداختيد. (۷۵) از درهاي جهنم وارد شويد و جاودانه در آن بمانيد

فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۚ

و چه بد است جايگاه متكبّران! (۷۶) پس (اي پيامبر) صبر كن كه وعدهٔ خدا حق است؛ و هرگاه قسمتي از مجازاتهايي را كه به آنها وعده داده‌ايم

فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ﴿٧٧﴾

در حال حياتت به تو نشان دهيم، يا تو را (پيش از آن) از دنيا ببريم (مهم نيست)؛ چرا كه آنان را فقط به سوي ما باز مي‌گردانند. (۷۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ

ما پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو باز گفته،

مِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ

و سرگذشت گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم؛و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه‌ای جز به فرمان خدا بیاورد،

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ

و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات کافران) صادر شود، بحق داوری خواهد شد؛ و آن‌جا اهل

الْمُبْطِلُونَ ﴿۷۸﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا

باطل زیان خواهند کرد. (۷۸) خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید

وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۹﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً

و از بعضی تغذیه کنید. (۷۹) و برای شما در آنها منافع بسیاری (جز اینها) است، تا بوسیله آنها به مقصدی که

فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿۸۰﴾ وَيُرِيكُمْ

دردل دارید برسید؛ و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید. (۸۰) او آیاتش را

آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنكِرُونَ ﴿۸۱﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي

همواره به شما نشان می‌دهد؛ پس کدام یک از آیات خدا را انکار می‌کنید؟! (۸۱) آیا روی

الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ

زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همان کسانی که نفراتشان از اینها

كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ

بیشتر، و نیرو و آثارشان در زمین فرونتر و پایدارتر بود؛ امّا هرگز آنچه را به دست می‌آوردند

عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۸۲﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

نتوانست آنها را بی‌نیاز سازد (و از عذاب الهی رهای بخشد). (۸۲) هنگامی که پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغ آنان آمدند،

فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ

به دانشی که خود داشتند دلخوش شدند (و غیرآن را هیچ شمردند)؛ ولی آنچه را (از عذاب) به تمسخر می‌گرفتند

يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۸۳﴾ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا

آنان را فرا گرفت. (۸۳) هنگامی که عذاب ما را دیدند گفتند: «هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای

بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿۸۴﴾ فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا

او می‌شمردیم کافر شدیم.» (۸۴) امّا هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت.

سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ ۖ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿۸۵﴾

این سنّت خداوند است که همواره در میان بندگانش جاری شده، و در آن‌جا کافران زیانکار شدند. (۸۵)

۴۱ – سوره فصلت

سُورَةُ فُصِّلَتْ — ترتيبها ۴۱ — آياتها ۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾ كِتَٰبٌ فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥ

حم. (۱) این کتابی است که از سوی خداوند بخشندهٔ مهربان نازل شده است؛ (۲) کتابی که آیاتش هر مطلبی را

قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ

در جای خود بازگو کرده، و قرآنی است فصیح و گویاست برای جمعیتی که آگاهند، (۳) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است؛ ولی بیشتر آنان روی‌گردان شدند؛

فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤﴾ وَقَالُوا۟ قُلُوبُنَا فِىٓ أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ

از این رو (حقایق را) نمی‌شنوند. (۴) آنها گفتند: «دل‌های ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می‌کنی در پوششهایی قرار گرفته

وَفِىٓ ءَاذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنۢ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَٱعْمَلْ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ

و در گوشهای ما سنگینی است، و میان‌ما و تو (گویا) حجابی وجود دارد؛ پس تو کار خود را انجام بده و ما هم کار خود را انجام می‌دهیم.»

﴿٥﴾ قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

(۵) بگو: «من فقط انسانی مثل شما هستم؛ (ولی) بر من وحی می‌شود که معبود شما معبودی یگانه است؛

فَٱسْتَقِيمُوٓا۟ إِلَيْهِ وَٱسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ لَا

پس تمام توجه خود را به طور کامل به سوی او کنید و از وی آمرزش بخواهید؛ وای بر مشرکان! (۶) همان

يُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ كَٰفِرُونَ ﴿٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ

کسانی که زکات نمی‌پردازند، و آخرت را منکرند. (۷) امّا کسانی که

ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٨﴾ ۞ قُلْ

ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند.» (۸) بگو:

أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَرْضَ فِى يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادًا

«آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز [= در دوران] آفرید کافر می‌شوید و برای او همانندهایی قرار می‌دهید؟!

ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٩﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ مِن فَوْقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ

او پروردگار جهانیان است. (۹) او برفراز زمین کوههای استواری قرار داد و برکاتی در آن نهاد و مواد غذایی آن را مقدّر

فِيهَآ أَقْوَٰتَهَا فِىٓ أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَآءً لِّلسَّآئِلِينَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَ

فرمود، - اینها همه در چهار روز [= چهار دوران] بود - درست به اندازهٔ نیاز تقاضاکنندگان.» (۱۰) سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود

هِىَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ٱئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَآ أَتَيْنَا طَآئِعِينَ ﴿١١﴾

بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آیید، (و شکل گیرید) خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت آمدیم.» (۱۱)

فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ فِي يَوۡمَيۡنِ وَأَوۡحَىٰ فِي كُلِّ سَمَآءٍ أَمۡرَهَاۚ وَزَيَّنَّا

آنگاه آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز [= دو دوران] آفرید، و در هر آسمانی امر (و برنامهٔ) آن (آسمان) را وحی (و مقرّر) فرمود،

ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَحِفۡظٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿١٢﴾

و آسمان پایین را با چراغهایی [= ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم؛ این است تقدیر خداوند توانا و دانا. (۱۲)

فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ عَادٖ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾

اگر آنها روی‌گردان شوند، بگو: «من شما را ازصاعقه‌ای همانند صاعقهٔ عاد و ثمود بیم می‌دهم!» (۱۳)

إِذۡ جَآءَتۡهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا

در آن هنگام که پیامبران از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت کردند) که جز

ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ

خدا را نپرستید. آنها گفتند: «اگر پروردگار ما می‌خواست به یقین فرشتگانی نازل می‌کرد؛ از این رو ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم.»

﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ

(۱۴) امّا قوم عاد به ناحق در زمین تکبّر ورزیدند و گفتند: «چه کسی از

أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةًۖ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَهُمۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۖ

ما نیرومندتر است؟!» آیا نمی‌دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قویتر است؟! و

وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ﴿١٥﴾ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِيٓ

(بخاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می‌کردند. (۱۵) سرانجام تند بادی هول‌انگیز و سرد در

أَيَّامٖ نَّحِسَاتٖ لِّنُذِيقَهُمۡ عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ

روزهایی شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم؛و به یقین عذاب

ٱلۡأٓخِرَةِ أَخۡزَىٰۖ وَهُمۡ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ

آخرت خوارکننده‌تر است، و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند. (۱۶) امّا ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها

فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى ٱلۡهُدَىٰ فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ

نابینایی (و گمراهی) را بر هدایت ترجیح دادند؛ به همین جهت صاعقهٔ عذاب خوارکننده بخاطر اعمالی که

بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَنَجَّيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾

انجام می‌دادند آنها را فرو گرفت. (۱۷) و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات بخشیدیم. (۱۸)

وَيَوۡمَ يُحۡشَرُ أَعۡدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا

و (یاد کن) روزی را که دشمنان خدا به سوی دوزخ گردآوری می‌شوند، و آنان نگه داشته می‌شوند تا به یکدیگر محلق شوند.(۱۹) وقتی به آن

شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٠﴾

می‌رسند، گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به آنچه انجام می‌دادند گواهی می‌دهند. (۲۰)

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا ۖ قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي
آنها به پوستهای خود می‌گویند: «چرا بر ضدّ ما گواهی دادید؟!» جواب می‌دهند: «همان خدایی که
أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا
هر موجودی را به سخن در آورده ما را گویا ساخته (تا حقایق را بازگو کنیم)؛ و اوشما را نخستین بار آفرید، و به سوی او بازگردانده می‌شوید.» (۲۱) شما
كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا
اگر گناهانتان را مخفی می‌کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوشها و چشمها و پوستهای تنتان بیم داشتید
جُلُودُكُمْ وَلَٰكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَ
(زیرا باور نمی‌داشتید آنها به سخن درآیند)، بلکه شما گمان می‌کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که (پنهانی) انجام می‌دهید نمی‌داند. (۲۲)
ذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ
آری این گمانی (ناروا) بود که دربارهٔ پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما شد، و سرانجام از زیانکاران شدید.
﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ۖ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ
(۲۳) دوزخ جایگاه آنهاست؛ خواه صبر کنند (یا نکنند) و اگر تقاضای عفو کنند، مورد عفو
الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ ۞ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
قرار نمی‌گیرند. (۲۴) ما برای آنها همنشینانی (زشت سیرت) قرار دادیم که زشتیها را از پیش رو
وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ
و پشت سر آنها در نظرشان جلوه دادند؛ و فرمان الهی درباره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا
جنّ و انس که قبل از آنها بودند گرفتار شدند؛ به یقین آنها زیانکار بودند. (۲۵) کافران گفتند:
تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنُذِيقَنَّ
«به این قرآن گوش فرا ندهید؛ و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید.» (۲۶) به یقین به کافران
الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ
عذاب شدیدی می‌چشانیم، و آنها را به بدترین اعمالی که انجام می‌دادند کیفر می‌دهیم.
﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ ۖ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ ۖ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
(۲۷) این آتش کیفر دشمنان خداست،سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخاطر این‌که آیات ما را
بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا
انکار می‌کردند. (۲۸) کافران گفتند: «پروردگارا! کسانی از جنّ و انس که ما را گمراه کردند
مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾
به ما نشان ده تا زیر پای خود نهیم (و لگدمالشان کنیم) تا از پست ترین مردم باشند.» (۲۹)

إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است.» سپس استقامت کردند،
ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحْزَنُواْ وَأَبْشِرُواْ بِٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى
فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که
كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِى
به شما وعده داده شده است! (۳۰) ما (فرشتگان) یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا
ٱلْءَاخِرَةِ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِىٓ أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا
و آخرت هستیم؛ و برای شما هرچه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است، و هرچه طلب کنید
تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن
به شما داده می‌شود. (۳۱) در حالی که اینها وسیلهٔ پذیرایی از سوی خداوند آمرزنده و مهربان است.» (۳۲) چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت
دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا وَقَالَ إِنَّنِى مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا
به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم»؟! (۳۳) هرگز
تَسْتَوِى ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ ۚ ٱدْفَعْ بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِى
نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که
بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ كَأَنَّهُۥ وَلِىٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا
میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است. (۳۴) اما جز کسانی که
ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ
دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهرهٔ عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی‌گردند. (۳۵) و هرگاه
مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ نَزْغٌ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾
وسوسه‌ای از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنونده و داناست. (۳۶)
وَمِنْ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيْلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُواْ
و از نشانه‌های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ (ولی) برای خورشید
لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَٱسْجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَهُنَّ إِن
و ماه سجده نکنید، (بلکه) برای خدایی که آفرینندهٔ آنهاست سجده کنید اگر
كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ ٱسْتَكْبَرُواْ فَٱلَّذِينَ
تنها او را می‌پرستید. (۳۷) و اگر (از عبادت پروردگار) تکبّر کنند، کسانی [= فرشتگانی] که
عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُونَ ۩ ﴿٣٨﴾
نزد پروردگار تو هستند شب و روز برای او تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند. (۳۸)

سجدة واجبة

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ
و از آيات او اين است كه زمين را خشك (و بي‌جان) مي‌بيني، امّا هنگامي كه آب (باران) بر آن مي‌فرستيم
ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ
به جنبش در مي‌آيد و رشد مي‌كند؛ همان كس كه‌آن را زنده كرد، مردگان را نيز زنده مي‌كند؛ به يقين او بر هر چيز تواناست.
﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ ۗ أَفَمَن يُلْقَىٰ فِى
(۳۹) كساني كه آيات ما را تحريف مي‌كنند برما پوشيده نخواهند بود. آيا كسي كه در
ٱلنَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِىٓ ءَامِنًا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ ٱعْمَلُوا۟ مَا شِئْتُمْ ۖ إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ
آتش افكنده مي‌شود بهتر است يا كسي كه در روز قيامت با امنيت به عرصهٔ محشر مي‌آيد؟! هر كاري مي‌خواهيد بكنيد، او به آنچه انجام مي‌دهيد
بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِٱلذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ ۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ
بيناست. (۴۰) كساني كه به اين ذكر [= قرآن] هنگامي كه به سراغشان آمد كافر شدند (نيز بر ما مخفي نخواهند ماند)! و اين كتابي است قطعاً شكست ناپذير،
﴿٤١﴾ لَّا يَأْتِيهِ ٱلْبَٰطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِۦ ۖ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ
(۴۱) كه هيچ گونه باطلي، نه از پيش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمي‌آيد؛ چرا كه از سوي خداوند حكيم و شايستهٔ ستايش
حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو
نازل شده است. (۴۲) آنچه به ناروا دربارهٔ تو مي‌گويند همان است كه دربارهٔ پيامبران قبل از تو نيز گفته شده؛ پروردگار تو (هم)
مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا۟ لَوْلَا
داراي آمرزش و (هم) داراي كيفر دردناكي است! (۴۳) اگر آن راقرآني عجمي قرار مي‌داديم به يقين مي‌گفتند:
فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥٓ ۖ ءَا۬عْجَمِىٌّ وَعَرَبِىٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى
«چرا آياتش به روشني بيان نشده؟! قرآن عجمي از پيغمبري عربي؟!» بگو: «اين (كتاب) براي كساني كه ايمان آورده‌اندهدايت و شفا است؛
وَشِفَآءٌ ۖ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ
ولي كساني كه ايمان نمي‌آورند، در گوشهايشان سنگيني است و از مشاهدهٔ آن نابينا هستند؛
عَمًى ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
آنها (همچون كساني هستند كه گويي) از راه دور صدا زده مي‌شوند.» (۴۴) ما به موسي كتاب آسماني داديم؛
مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَٱخْتُلِفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ
سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرماني از ناحيهٔ پروردگارت در اين باره صادر نشده بود، كه بايد به آنان مهلت داد
لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَّنْ عَمِلَ
تا اتمام حجت شود) در ميان آنها داوري مي‌شد (و به كيفر مي‌رسيدند)؛ ولي آنها هنوز دربارهٔ آن شكي توأم با بدگماني دارند. (۴۵) كسي كه عمل
صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾
صالحي انجام دهد، سودش براي خود اوست؛ و هر كس بدي كند، به خويشتن بدي كرده است؛ و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمي‌كند. (۴۶)

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا

علم به قیامت (و لحظه وقوع آن) تنها به خدا باز می‌گردد؛ هیچ میوه‌ای از غلاف خود خارج نمی‌شود، و هیچ ماده‌ای باردار نمی‌گردد

تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي

ووضع حمل نمی‌کند مگر به علم او؛ و آن روز که آنها را ندا می‌دهد کجایند همتایانی که برای من می‌پنداشتید؟!

قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ

می‌گویند: «(پروردگارا!) ما اعلام داشتیم که هیچ گواهی (بر گفتهٔ خود) نداریم.» (۴۷) و همهٔ معبودانی را که قبلاً می‌خواندند

مِنْ قَبْلُ ۖ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ﴿٤٨﴾ لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ

از نظر آنها گم و پنهان می‌شوند؛ و می‌دانند هیچ گریزگاهی ندارند. (۴۸) انسان‌هرگز از درخواست نیکی (و نعمت) خسته نمی‌شود؛

الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً

و اگر شرّ و بدی به او رسد، بسیار مایوس و نومید می‌گردد. (۴۹) و هرگاه بعد از ناراحتی که به او رسیده رحمتی

مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ

از سوی خود به او بچشانیم می‌گوید: «این بخاطر شایستگی و استحقاق من بوده، و گمان نمی‌کنم قیامت برپا شود؛

قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ ۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ

و (بفرض که قیامتی باشد،) هرگاه‌به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، برای من نزد او بهترین پاداش است.

الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾

ما کافران را از اعمالی که انجام داده‌اند (بزودی) آگاه خواهیم کرد و از عذاب شدید به آنها می‌چشانیم. (۵۰)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

و هرگاه به انسان (غافل و بی‌خبر) نعمت دهیم، روی می‌گرداند و با حال تکبّر (از حق) دور می‌شود؛ ولی هرگاه بدی (و مختصر ناراحتی) به او رسد،

فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

تقاضای فراوان و مستمر (برای برطرف شدن آن) دارد. (۵۱) بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما

ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾

به آن کافر شوید، چه کسی گمراهتر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی (با آن) قرار دارد؟! (۵۲)

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ

بزودی نشانه‌های خود را در اطراف عالم و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است؛

الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا

آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیزشاهد و گواه است؟! (۵۳) آگاه باشید که

إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ﴿٥٤﴾

آنها از لقای پروردگارشان در شک و تردیدند؛ و آگاه باشید که او بر همه چیز احاطه دارد.» (۵۴)

۴۲ – سوره الشوری

ترتيبها ٤٢ — **سُورَةُ الشُّورَىٰ** — آياتها ٥٣

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حمٓ ﴿١﴾ عٓسٓقٓ ﴿٢﴾ كَذَٰلِكَ يُوحِىٓ إِلَيْكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ ٱللَّهُ

حم. (۱) عسق. (۲) این گونه خداوند توانا و حکیم به تو و پیامبرانی که

ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣﴾ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ

پیش از تو بودند وحی می‌کند. (۳) آنچه‌در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛

ٱلْعَظِيمُ ﴿٤﴾ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ ۚ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ

و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۴) نزدیک است آسمانها (بخاطر نسبتهای ناروای مشرکان) از فرازشان متلاشی شود. و فرشتگان

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ ۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ

پیوسته تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می‌طلبند؛ آگاه باشید خداوند

هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ ٱللَّهُ

آمرزنده و مهربان است. (۵) کسانی که غیر او را ولیّ خود انتخاب کردند، خداوند حساب اعمالشان را نگه می‌دارد؛

حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ﴿٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ

و تو مأمور اجبار آنها (بر قبول حق) نیستی. (۶) و این گونه قرآنی فصیح و گویا را بر تو وحی کردیم

قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ ٱلْجَمْعِ لَا رَيْبَ

تا «امّ القری» و کسانی را که گرد آن هستید [= ساکنان مکه و همهٔ جهانیان را] انذار کنی و آنها را از روزی که همگان در آن روز جمع می‌شوند

فِيهِ ۚ فَرِيقٌ فِى ٱلْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِى ٱلسَّعِيرِ ﴿٧﴾ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَهُمْ

و هیچ شک و تردیدی در آن نیست بیم دهی؛ (در آن روز) گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان! (۷) و اگر خدا می‌خواست همهٔ آنها را

أُمَّةً وَٰحِدَةً وَلَٰكِن يُدْخِلُ مَن يَشَآءُ فِى رَحْمَتِهِۦ ۚ وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن

(به اجبار) امّت واحدی قرار می‌داد، (ولی هدایت اجباری سودی ندارد)؛ امّا خداوند هر کس را بخواهد در رحمتش وارد می‌کند، و برای ستمکاران،

وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٨﴾ أَمِ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ ۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلْوَلِىُّ وَهُوَ

سرپرست و یاوری نیست. (۸) آیا آنها غیر از او را ولیّ خود برگزیدند؟! در حالی که «ولیّ» فقط خداوند است

يُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٩﴾ وَمَا ٱخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَىْءٍ

و اوست که مردگان را زنده می‌کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست. (۹) در هر چیز اختلاف کنید،

فَحُكْمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّى عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿١٠﴾

(بگو:) داوریش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکّل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم! (۱۰)

فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا وَمِنَ
او آفرینندهٔ آسمانها و زمین است و همسرانی از جنس خودتان برای شما قرار داد و نیز جفتهایی از
ٱلْأَنْعَٰمِ أَزْوَٰجًا ۖ يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ ۚ لَيْسَ كَمِثْلِهِۦ شَىْءٌ ۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ
چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [= از طریق زوجیت] زیاد می‌کند؛ هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و
ٱلْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن
بیناست. (۱۱) کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترده می‌سازد
يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾ ۞ شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ
یا تنگ می‌گیرد؛ او به همه چیز داناست. (۱۲) آیینی را برای شما مقرر نمود که
مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحًا وَٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِۦٓ إِبْرَٰهِيمَ
به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و
وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓ ۖ أَنْ أَقِيمُوا۟ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا۟ فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى
موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: همان دین (خالص) را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.
ٱلْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۚ ٱللَّهُ يَجْتَبِىٓ إِلَيْهِ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ
و آنچه مشرکان را به آن دعوت می‌کنید [= توحید] بر آنها گران است. خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که توبه کند
إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَفَرَّقُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ
به سوی هدایت می‌نماید. (۱۳) آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آن‌که علم و آگاهی به سراغشان آمد؛
بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِىَ
و این (تفرقه‌جویی) بخاطر انحراف از حق بود؛ و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معیّنی (زنده و آزاد) باشند، در میان آنها
بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِهِمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ
داوری می‌شد (و به کیفر خود می‌رسیدند)؛ و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شکی توأم با
مُرِيبٍ ﴿١٤﴾ فَلِذَٰلِكَ فَٱدْعُ ۖ وَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ
بدگمانی‌اند! (۱۴) پس به همین خاطر تو (نیز آنان را به سوی این آیین توحیدی) دعوت کن و آنچنان که مأمور شده‌ای استقامت نما،
أَهْوَآءَهُمْ ۖ وَقُلْ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٍ ۖ وَأُمِرْتُ
و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به تمام کتابهایی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت را اجرا کنم؛
لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ ۖ
خداوند پروردگار ما و شماست؛ (نتیجهٔ) اعمال ما از آن ماست و (نتیجهٔ) اعمال شما از آن شما؛
لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ۖ ٱللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٥﴾
خصومت شخصی در میان ما و شما نیست؛ و خداوند ما و شما را (در قیامت) جمع می‌کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست.» (۱۵)

وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ دَاحِضَةٌ

کسانی که دربارهٔ خدا بعد از پذیرفته شدن دعوت الهی (از سوی مردم منصف)، جدال و ستیزه جویی می‌کنند، دلیلشان

عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ

نزد پروردگارشان باطل و بی‌پایه است؛ وغضب (الهی) بر آنهاست و عذابی شدید دارند. (۱۶) خداوند کسی است که

أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ

کتاب را بحق نازل کرد و میزان (سنجش حق از باطل و همچنین خبر قیامت) را؛ تو چه می‌دانی شاید روز رستاخیز نزدیک باشد!

يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ﴿١٧﴾

(۱۷) کسانی که به قیامت ایمان ندارند در بارهٔ آن شتاب می‌کنند؛ ولی آنهاکه ایمان آورده‌اند

مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا وَيَعۡلَمُونَ أَنَّهَا ٱلۡحَقُّۗ أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُمَارُونَ فِي

پیوسته از آن هراسانند، و می‌دانند آن حق است؛ آگاه باشید کسانی که در قیامت القای تردید می‌کنند،

ٱلسَّاعَةِ لَفِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾ ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن

در گمراهی عمیقی هستند. (۱۸) خداوند نسبت به بندگانش لطف دارد؛ هر کس را بخواهد روزی می‌دهد

يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ ﴿١٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ

و او توانا و شکست‌ناپذیر است. (۱۹) کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او فزونی می‌بخشیم

نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا

(و بر محصولش می‌افزاییم)؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، بهره‌ای از آن به او می‌دهیم

وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ

امّا در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد. (۲۰) آیا معبودانی دارند که بی اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته‌اند؟!

لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ

اگر وعدهٔ قطعی (الهی و اجل معینی) برای آنها نبود، در میانشان داوری می‌شد

لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢١﴾ تَرَى

(و دستور عذاب صادر می‌گشت) و به یقین برای ستمکاران عذاب دردناکی است! (۲۱)

ٱلظَّٰلِمِينَ مُشۡفِقِينَ مِمَّا كَسَبُواْ وَهُوَ وَاقِعُۢ بِهِمۡۗ

(در آن روز) ستمکاران را می‌بینی که از اعمالی‌که انجام داده‌اند سخت بیمناکند،

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ

در حالی که (نتیجهٔ) اعمالشان آنها را فرا گرفته امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند

لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

در باغهای سرسبز بهشتند و هرچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است؛ این است فضل (و بخشش) بزرگ! (۲۲)

ذَٰلِكَ ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ۗ قُل لَّآ

این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد. بگو:

أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ ۗ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُۥ فِيهَا

«من هیچگونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]»؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش

حُسْنًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا ۖ فَإِن يَشَإِ

می‌افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و قدردان است. (۲۳) آیا می‌گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد

ٱللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ ٱللَّهُ ٱلْبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ

(و تو را دروغگو بداند) بر قلب تو مهر می‌نهد و باطل را محو می‌کند و حق را به فرمانش پا برجا می‌سازد؛ به یقین

بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٢٤﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَعْفُواْ عَنِ

او از آنچه درون سینه‌هاست آگاه است. (۲۴) او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد

ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ

و بدیها را می‌بخشد، و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (۲۵) و درخواست کسانی را که ایمان آورده

عَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِۦ ۚ وَٱلْكَٰفِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

و کارهای نیک انجام داده‌اند می‌پذیرد و از فضل خود بر آنها می‌افزاید؛ امّا برای کافران عذاب شدیدی است!

﴿٢٦﴾ ۞ وَلَوْ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزْقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوْاْ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَٰكِن

(۲۶) اگر خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند؛ ولی

يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ ۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرٌۢ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ

به مقداری که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) نازل می‌کند، چراکه او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (۲۷) او کسی است که

ٱلْغَيْثَ مِنۢ بَعْدِ مَا قَنَطُواْ وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُۥ ۚ وَهُوَ ٱلْوَلِيُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾

باران سودمند را پس از آن‌که مأیوس شدند نازل می‌کند و رحمت خویش را می‌گستراند؛ و او ولیّ (و سرپرستِ) شایستهٔ ستایش است. (۲۸)

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٍ ۚ

و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛

وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن

و او هرگاه بخواهد بر گردآوری آنها تواناست. (۲۹) هر مصیبتی به شما رسد بخاطر

مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُواْ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَآ أَنتُم

اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند. (۳۰) و شما هرگز

بِمُعْجِزِينَ فِي ٱلْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

نمی‌توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. (۳۱)

وَمِنْ ءَايَٰتِهِ ٱلْجَوَارِ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ ﴿٣٢﴾ إِن يَشَأْ يُسْكِنِ ٱلرِّيحَ

از نشانه‌های او کشتی‌های کوه پیکری است که در دریا (به کمک بادها) حرکت می‌کنند. (۳۲) اگر او اراده کند، باد را ساکن می‌سازد

فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

تا آنها بر روی دریا بی‌حرکت بمانند؛ در این نشانه‌هایی است برای هر صبور شکرگزار.

﴿٣٣﴾ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا۟ وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ

(۳۳) یا اگر بخواهد آنها را بخاطر اعمالی که سرنشینانش انجام داده‌اند نابود می‌سازد؛ و بسیاری را می‌بخشد. (۳۴) تا کسانی که در آیات ما

يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ

مجادله می‌کنند بدانند هیچ گریزگاهی ندارند. (۳۵) آنچه به شما عطا شده متاع (زودگذر) زندگی دنیاست،

ٱلدُّنْيَا ۖ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾

و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است. (۳۶)

وَٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا۟ هُمْ يَغْفِرُونَ

همان کسانی که‌از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند.

﴿٣٧﴾ وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا

(۳۷) و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده ونماز را برپا می‌دارند و امورشان با مشورت در میان آنها انجام می‌گیرد

رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَ

و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند، (۳۸) و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد (تسلیم ظلم نمی‌شوند و)یاری می‌طلبند. (۳۹)

جَزَٰٓؤُا۟ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ لَا

کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ ولی هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او باخداست؛ به یقین او

يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن

ستمکاران را دوست ندارد. (۴۰) و کسی که چون ستمی بر او واقع شود (از خود دفاع کند و) یاری طلبد، هیچ ایرادی

سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ

بر او نیست؛ (۴۱) ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین

بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ

به ناحق ظلم روا می‌دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است! (۴۲) و هر کس شکیبایی نموده و عفو کند، این کار،

لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿٤٣﴾ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِىٍّ مِّنۢ بَعْدِهِۦ ۗ وَتَرَى

از امور پرارزش است. (۴۳) کسی راکه خدا گمراه کند، هیچ سرپرست و یاوری جز او نخواهد داشت؛ و (روز قیامت)

ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

ستمکاران را در آن هنگام که عذاب الهی را مشاهده می‌کنند می‌بینی که می‌گویند: «آیا راهی به سوی بازگشت (و جبران) وجود دارد؟!»(۴۴)

وَتَرَىٰهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن
و آنها را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند در حالی که از شدّت ذلّت سرافکنده‌اند و زیر چشمی (به آن) نگاه می‌کنند؛
طَرْفٍ خَفِيٍّ ۗ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟
وکسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «زیانکاران واقعی آنانند که سرمایهٔ وجود خود و خانوادهٔ
أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ فِى عَذَابٍ
خویش را در روز قیامت از دست داده‌اند؛ آگاه باشید که ستمکاران (آن روز) در عذاب دائم هستند!»
مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۗ وَمَن
(۴۵) آنها جز خدا سرپرست و یاوری ندارند که یاریشان کنند؛و هر کس را خدا گمراه سازد،
يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ ٱسْتَجِيبُوا۟ لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن
هیچ راه نجاتی برای او نیست. (۴۶) اجابت کنید دعوت پروردگار خود را پیش از آن‌که
يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۚ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم
روزی فرا رسد که هیچ چیز مانع آن در برابر ارادهٔ خدا نیست؛ و در آن روز، نه پناهگاهی دارید
مِّن نَّكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا۟ فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ إِنْ
و نه مدافعی. (۴۷) و اگر (از آیین تو) روی‌گردان شوند (غمگین مباش)،ما تو را حافظ آنان (و مأمور اجبارشان) قرار نداده‌ایم؛
عَلَيْكَ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ ۗ وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۖ
وظیفهٔ تو تنها ابلاغ است. و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می‌شود،
وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ كَفُورٌ
و اگر بلایی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنها رسد (به ناسپاسی می‌پردازند، چرا که) انسان بسیار ناسپاس است.
﴿٤٨﴾ لِّلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ يَهَبُ
(۴۸) مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر چه را بخواهد می‌آفریند؛
لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ
به هرکس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر، (۴۹) یا (اگر بخواهد)
ذُكْرَانًا وَإِنَٰثًا ۖ وَيَجْعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾
پسر و دختر - هر دو- را به آنان می‌دهد، و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد؛ زیرا که او دانا و توانا است. (۵۰)
وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ
و امکان ندارد خدا با هیچ انسانی سخن بگوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجابی (همچون ایجاد صوت)،
يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِىَ بِإِذْنِهِۦ مَا يَشَآءُ ۚ إِنَّهُۥ عَلِىٌّ حَكِيمٌ ﴿٥١﴾
یا پیامبری [= فرشته‌ای] می‌فرستد و به فرمان خود آنچه را بخواهد وحی می‌کند؛ چرا که او بلند مقام و حکیم است. (۵۱)

۴۳ – سوره الزخرف

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ

همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز حقایقی را به فرمان خود وحی کردیم؛

وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ

تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست؛ (و از محتوای قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم

وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ

که بوسیلهٔ آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم؛ و به یقین تو مسلّماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی. (۵۲) راه خداوندی

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آنِ اوست؛ آگاه باشید که همهٔ امور تنها به سوی خدا باز می‌گردد. (۵۳)

سُورَةُ الزُّخْرُفِ

ترتیبها ۴۳ — آیاتها ۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

حم. (۱) سوگند به کتاب مبین (و روشنگر)، (۲) که ما آن را قرآنی فصیح و گویا قرار دادیم،

لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ

تا شما (آن را به خوبی) درک کنید. (۳) و این (قرآن) در لوح محفوظ نزد ما والا و

حَكِيمٌ ﴿٤﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ

استوار است! (۴) آیا این ذکر [= قرآن] را از شما بازگیریم بخاطر این‌که

قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا

قومی اسرافکارید؟! (۵) چه پیامبران بسیاری (برای هدایت) در میان اقوام پیشین فرستادیم؛ (۶) ولی

يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٧﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم

هیچ پیامبری به سوی آنها نمی‌آمد مگر این‌که او را استهزا می‌کردند. (۷) امّا ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند

بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

هلاک کردیم، و داستان (هلاکت) پیشینیان گذشت. (۸) اگر از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها

وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

و زمین را آفریده است؟» به یقین می‌گویند: «خداوند توانا و دانا آنها را آفریده است». (۹) همان کسی که

الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

زمین را محل آرامش شما قرار داد، و برای شما در آن راههایی آفرید، باشد تا هدایت شوید (و به مقصد برسید). (۱۰)

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ

همان کسی که از آسمان آبی فرستاد به مقدار معیّن، و بوسیلهٔ آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم؛ همین گونه (در قیامت از قبرها)

تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ

بیرون آورده می‌شوید. (۱۱) و همان کسی که همهٔ زوجها را آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان

وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ

مرکبهایی قرار داد که بر آن سوار می‌شوید. (۱۲) تا بر پشت آنهابخوبی قرار گیرید؛ سپس هنگامی که بر آنها قرار گرفتید، نعمت

رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَ

پروردگارتان را یاد کنید و بگویید: «پاک و منزّه است کسی که این را مسخّرما ساخت،

مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا

وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم! (۱۳) و به یقین ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم.» (۱۴) آنها برای او از

لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمِ اتَّخَذَ

میان‌بندگانش جزئی قرار دادند (و ملائکه را دختران خدا خواندند)؛ انسان ناسپاسی آشکار است. (۱۵) آیا از میان

مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم

مخلوقاتش دختران را (برای خود) انتخاب کرده وپسران را مخصوص شما ساخته است؟! (۱۶) در حالی که هر گاه یکی از آنها را

بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾

به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده [= به تولّد دختر] بشارت دهند، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و خشمگین می‌گردد. (۱۷)

أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾

آیا کسی را که در میان زینتها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می‌خوانید)؟! (۱۸)

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا

و آنها فرشتگان را که بندگان خداوند رحمانند مؤنث پنداشتند؛ آیا هنگام آفرینش آنها حضور داشته‌اند؟!

خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ

گواهی آنان نوشته می‌شود و (از آن) بازخواست خواهند شد. (۱۹) آنان گفتند: «اگر خداوند رحمان می‌خواست

الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

ما آنها [= فرشتگان] را پرستش نمی‌کردیم.» ولی به این امر هیچ گونه‌علم و یقین ندارند و تنها حدسی بی اساس دارند.

﴿٢٠﴾ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ

(۲۰) یا این‌که ما کتابی پیش از این به آنان داده‌ایم و آنها به آن تمسّک می‌جویند؟! (۲۱)

قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾

(چنین نبوده است،) بلکه آنها می‌گویند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم.» (۲۲)

وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا
و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو، انذارکننده‌ای نفرستادیم مگر این‌که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند:

وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ﴿٢٣﴾ ۞ قَٰلَ
«ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.» (۲۳) (پیامبرشان) گفت:

أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ
«آیا اگر من برای شما آیینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (بازهم انکار می‌کنید)؟!» گفتند: «(آری،)

أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ
ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم.» (۲۴) به همین جهت آنان را مجازات کردیم؛ بنگر پایان کار

ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا
تکذیب‌کنندگان چگونه بود! (۲۵) و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش آزر] و قومش گفت: «من از آنچه شما

تَعۡبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ
می‌پرستید بیزارم. (۲۶) جز آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد.» (۲۷) او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای

بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٢٨﴾ بَلۡ مَتَّعۡتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ
در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید (به سوی خدا) بازگردند. (۲۸) ولی من این گروه و پدرانشان را از مواهب دنیا بهره‌مند ساختم

حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ وَرَسُولٞ مُّبِينٞ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا
تا حق و فرستاده آشکار(الهی)به سراغشان آمد؛ (۲۹) هنگامی که حق به سراغشان آمد؛گفتند:

سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ
«این سحر است، و ما نسبت به آن کافریم.» (۳۰) و گفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این

مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ أَهُمۡ يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا
دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟!» (۳۱) آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟!

بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ
ما معیشت آنها را در زندگی دنیا در میانشان تقسیم کردیم و درجات بعضی را برتر از بعضی قرار دادیم

لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ﴿٣٢﴾
تا یکدیگر را به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است. (۳۲)

وَلَوۡلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ
اگر (بهرهٔ فراوان کفّار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همهٔ مردم امّت واحد (گمراهی) شوند، ما برای خانه های کسانی که

بِٱلرَّحۡمَٰنِ لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ ﴿٣٣﴾
به (خداوند) رحمان کافر می‌شدند سقفهایی از نقره و نردبانهایی (نقره‌ای) که از آن بالا روند قرار می‌دادیم. (۳۳)

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرُفًا ۚ وَإِن كُلُّ

و برای خانه‌هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره‌ای) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند؛ (۳۴) و انواع زیورها؛ ولی تمام

ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ وَٱلْـَٔاخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

اینها بهرهٔ زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است. (۳۵)

وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَٰنًا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَ

و هر کس از یاد خداوند رحمان، روی‌گردان شود شیطانی را بر او مسلط می‌سازیم که همواره همنشین او خواهد بود. (۳۶) و

إِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾

آنها [= شیاطین] این گروه را از راه (خدا) باز می‌دارند، در حالی که گمان می‌کنند هدایت‌یافتگان (حقیقی) آنها هستند. (۳۷)

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ

تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر شود می‌گوید: «ای کاش میان من و تو فاصلهٔ مشرق و مغرب بود؛ چه بد همنشینی بودی!»

ٱلْقَرِينُ ﴿٣٨﴾ وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى ٱلْعَذَابِ

(۳۸) (ولی به آنها می‌گوییم:) این گفتگوها امروز به حال شما سودی ندارد، چرا که ظلم کردید؛ و همه در عذاب

مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَمَن

شرکت دادید. (۳۹) (ای پیامبر!) آیا تو می‌توانی‌سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را

كَانَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ

که در گمراهی آشکاری هستند هدایت کنی؟! (۴۰) و هرگاه تو را (از میان آنها) ببریم، به یقین آنان را مجازات خواهیم کرد؛

﴿٤١﴾ أَوْ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِى وَعَدْنَٰهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾

(۴۱) و یا اگر (زنده بمانی) آنچه را (از کیفر اعمالشان) به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان خواهیم داد، زیرا ما بر آنها مسلّط هستیم. (۴۲)

فَٱسْتَمْسِكْ بِٱلَّذِىٓ أُوحِىَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَ

آنچه را بر تو وحی شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیمی. (۴۳) و این مایهٔ

إِنَّهُۥ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْـَٔلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسْـَٔلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن

یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است و بزودی (از رفتارتان با این نعمت) سؤال خواهید شد. (۴۴) از پیامبرانی که

قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَآ أَجَعَلْنَا مِن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾

پیش از تو فرستادیم (و پیروان راستین آنها) بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای پرستش قرار دادیم؟! (۴۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦ فَقَالَ إِنِّى

ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ (موسی به آنها) گفت: «من فرستاده

رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

پروردگار جهانیانم». (۴۶) ولی هنگامی که او با نشانه‌های ما به سراغ آنها آمد، به آن می‌خندیدند. (۴۷)

وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم

ما هیچ آیه (و معجزه‌ای) به آنان نشان نمی‌دادیم مگر این‌که از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود؛ و آنها را به (انواع)

بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ

عذاب گرفتار کردیم شاید (بیدار شوند و) بازگردند. (۴۸) (وقتی گرفتار بلا می‌شدند می) گفتند: «ای ساحر! پروردگارت را به عهدی که با تو کرده بخوان،

بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا

تا ما را از این بلا برهاند، که ما هدایت خواهیم یافت (و ایمان می‌آوریم)» (۴۹) امّا هنگامی که‌عذاب را از آنها برطرف می‌ساختیم، بی‌درنگ

هُمْ يَنكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ

پیمان خود را می‌شکستند. (۵۰) فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت

لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ

مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟! آیا نمی بینید؟!

﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَا

(۵۱) مگر نه این است که من از این کسی که از طبقهٔ پایین است و نمی‌تواند واضح سخن بگوید بهترم؟! (۵۲)

أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ

(اگر راست می‌گوید)چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا این‌که چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده‌اند (تا گفتارش را تأیید کنند)؟!»

﴿٥٣﴾ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

(۵۳) (فرعون) قوم خود را سبک شمرد (و فریب داد)، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ به یقین آنان قومی فاسق بودند.

﴿٥٤﴾ فَلَمَّا ءَاسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

(۵۴) امّا هنگامی که ما رابه خشم آوردند، آنان را مجازات کرده و همه را غرق کردیم.

﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾ ۞ وَلَمَّا ضُرِبَ

(۵۵) و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم. (۵۶) و هنگامی که دربارهٔ

ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا

فرزند مریم مَثَلی زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن دادوفریاد راه انداختند. (۵۷) و گفتند:

ءَأَٰلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ

«آیا خدایان ما بهترند یا او [= مسیح]؟! (اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده)»؛ ولی آنها این مَثَل راجز از طریق

خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي

جدال (و لجاج) برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه‌توز و پرخاشگرند. (۵۸) او [= مسیح] فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم

إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

و او را نمونه و اسوه‌ای برای بنی‌اسرائیل قرار دادیم. (۵۹) و اگر بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می‌دهیم که جانشین (شما) گردند. (۶۰)

وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ

و او سبب آگاهی (و نشانه‌ای) بر روز قیامت است،(زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است)؛ هرگز در قیامت تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این

(٦١) وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ (٦٢) وَلَمَّا

راه مستقیم‌است. (۶۱) وشیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، که او به یقین دشمن آشکار شماست. (۶۲) و هنگامی که

جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالَ قَدۡ جِئۡتُكُم بِٱلۡحِكۡمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم

عیسی با دلایل روشن به سراغ آنها [= بنی اسرائیل] آمد گفت: «من برای شما حکمت آورده‌ام، و آمده‌ام تا

بَعۡضَ ٱلَّذِي تَخۡتَلِفُونَ فِيهِۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ (٦٣) إِنَّ ٱللَّهَ

برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید برای شما روشن کنم؛ پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید. (۶۳) به یقین خداوند

هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ (٦٤) فَٱخۡتَلَفَ

پروردگار من و پروردگار شماست؛ (تنها) او را پرستش کنید که راه راست همین است.» (۶۴) ولی گروههایی از

ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡ عَذَابِ يَوۡمٍ أَلِيمٍ

میان آنها (دربارهٔ مسیح) اختلاف کردند(و بعضی او را خدا پنداشتند)؛ وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک!

(٦٥) هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ

(۶۵) آیا جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید در حالی که نمی‌فهمند؟!

(٦٦) ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۭ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ

(۶۶) دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران.

(٦٧) يَٰعِبَادِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ (٦٨)

(۶۷) ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید. (۶۸)

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ مُسۡلِمِينَ (٦٩) ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ

همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند. (۶۹) (به آنها خطاب می‌شود:) شما

أَنتُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ تُحۡبَرُونَ (٧٠) يُطَافُ عَلَيۡهِم بِصِحَافٖ مِّن

و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! (۷۰) (این در حالی است که برای پذیرایی آنها)

ذَهَبٖ وَأَكۡوَابٖۖ وَفِيهَا مَا تَشۡتَهِيهِ ٱلۡأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلۡأَعۡيُنُۖ

ظرفهای طلایی و جامهای (شراب طهور) را گرداگرد آنها می‌گردانند؛ و در آنجا هر چه دلها می‌خواهد و چشمها

وَأَنتُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ (٧١) وَتِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِيٓ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا

از آن لذت می‌برد آماده است؛ و شما جاودانه در آن خواهید ماند. (۷۱) این بهشتی است که‌شما وارث آن می‌شوید

كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ (٧٢) لَكُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ كَثِيرَةٞ مِّنۡهَا تَأۡكُلُونَ (٧٣)

بخاطر اعمالی که انجام می‌دادید. (۷۲) و در آن برای شما میوه‌های فراوان است که از آن می‌خورید.(۷۳)

إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ (٧٤) لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ

(ولی) مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می‌مانند. (۷۴) هرگز عذاب آنان کاسته نمی‌شود، و در آن‌جا

مُبْلِسُونَ (٧٥) وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا۟ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ (٧٦) وَنَادَوْا۟

(از همه چیز) مأیوسند. (۷۵) و ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود ستمکار بودند. (۷۶) آنها فریاد می‌کشند:

يَٰمَٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ (٧٧) لَقَدْ جِئْنَٰكُم

«ای مالک دوزخ! (ای کاش) پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم)!» می‌گوید: «شما (در این جا) ماندگار هستید.» (۷۷) ما حق را

بِٱلْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ (٧٨) أَمْ أَبْرَمُوٓا۟ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ

برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از حق ناخشنود بودید. (۷۸) بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند؛ ما نیزارادهٔ محکمی(دربارهٔ آنها) داریم.

(٧٩) أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ

(۷۹) آیا آنان می‌پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی‌شنویم؟! آری، فرستادگان [= فرشتگان] ما نزد آنها هستند

يَكْتُبُونَ (٨٠) قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْعَٰبِدِينَ (٨١)

و می‌نویسند. (۸۰) بگو: «اگر برای خداوند فرزندی بود، من نخستین پرستش کنندهٔ او بودم.» (۸۱)

سُبْحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (٨٢)

منزّه است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از آنچه (دربارهٔ او) توصیف می‌کنند! (۸۲) آنان را

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ (٨٣) وَ

(به حال خود) واگذار تا در باطل غوطه‌ور باشند و سرگرم بازی شوند تا روزی را که به‌آنها وعده‌داده‌شده است ملاقات کنند (و نتیجهٔ کار خود را ببینند)! (۸۳)

هُوَ ٱلَّذِى فِى ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٌ وَفِى ٱلْأَرْضِ إِلَٰهٌ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْعَلِيمُ (٨٤)

او کسی است که هم در آسمان معبود است و هم در زمین؛ و او حکیم و داناست. (۸۴)

وَتَبَارَكَ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلْمُ

پر برکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است از آن اوست؛ و آگاهی از قیام قیامت نزد اوست

ٱلسَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٨٥) وَلَا يَمْلِكُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ

و به سوی اوبازگردانده می‌شوید. (۸۵) کسانی را که غیر از او می‌خوانند اختیار شفاعت ندارند؛

ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (٨٦) وَلَئِن سَأَلْتَهُم

مگر آنها که شهادت بحق داده‌اند و بخوبی آگاهند. (۸۶) و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده،

مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (٨٧) وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ

به یقین می‌گویند: خداوند یگانه؛ پس چگونه (از عبادت او) منحرف می‌شوند؟! (۸۷) و (چگونه از شکایت پیامبر که) می‌گوید: «پروردگارا! اینها قومی هستند

قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ (٨٨) فَٱصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَٰمٌ ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (٨٩)

که ایمان نمی‌آورند» (غافل‌می‌شوند؟!) (۸۸) پس (اکنون) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، امّا بزودی خواهند دانست! (۸۹)

۴۴ – سوره الدخان

سُورَةُ الدُّخَانِ

ترتيبها ٤٤ — آياتها ٥٩

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حمٓ ﴿١﴾ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ

حم. (۱) سوگند به این کتاب روشنگر، (۲) که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛

إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَآ

ما همواره انذار کننده بوده‌ایم. (۳) در آن شب هر امری بر اساس حکمت، (الهی) تدبیر می‌گردد. (۴) (نزول قرآن) فرمانی بود از سوی ما؛

إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ

ما (آن را) فرستادیم. (۵) رحمتی است ازسوی پروردگارت، که او شنونده و داناست.

﴿٦﴾ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ

(۶) (همان) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، اگر اهل یقین هستید.

﴿٧﴾ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ

(۷) هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ او پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست.

﴿٨﴾ بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾ فَٱرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِى ٱلسَّمَآءُ

(۸) ولی آنها در شکند و (با حقایق) بازی می‌کنند. (۹) پس منتظر روزی باش که آسمان

بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى ٱلنَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَّبَّنَا

دود آشکاری پدید آورد، (۱۰) که همهٔ مردم را فرا می‌گیرد؛ این عذاب دردناکی است! (۱۱) (آن روز کافران می‌گویند:)

ٱكْشِفْ عَنَّا ٱلْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَآءَهُمْ

پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می‌آوریم. (۱۲) چگونه ممکن است متذکر شوند با این‌که

رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَاشِفُوا۟

رسول روشنگر (بامعجزات و منطق روشن) به سراغشان آمد! (۱۳) سپس از او روی‌گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته‌ای دیوانه است.» (۱۴)

ٱلْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَآئِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ ٱلْبَطْشَةَ ٱلْكُبْرَىٰٓ

ما عذاب را اندکی برطرف می‌سازیم، ولی شما (به کارهای خود) باز می‌گردید. (۱۵) در آن روز آنها را با قدرت عظیمی خواهیم گرفت؛

إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿١٦﴾ ۞ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَآءَهُمْ

به یقین ما آنها را مجازات خواهیم کرد. (۱۶) ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و پیامبر

رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٧﴾ أَنْ أَدُّوٓا۟ إِلَىَّ عِبَادَ ٱللَّهِ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾

بزرگواری به سراغشان آمد. (۱۷) (و به آنان گفت:) امور) بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستادهٔ امینی برای شما هستم. (۱۸)

وَأَن لَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ ۖ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي

و در برابر خداوند برتری مجوئید که من برای شما دلیل روشنی می‌آورم. (۱۹) و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این‌که مرا متهم کنید.

وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ

(۲۰) و اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره گیری کنید. (و مانع ایمان آوردن مردم نشوید). (۲۱) (آنها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند،و موسی) به

هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾

پیشگاه پروردگارش عرضه داشت: اینها قومی مجرمند. (۲۲) (فرمود:) بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می‌شوید. (۲۳) (هنگامی که از دریا گذشتید)

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا ۖ إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ تَرَكُوا مِن جَنَّاتٍ وَ

دریا را آرام و گشاده بگذار (و بگذر) به یقین آنها (که در تعقیب شما می‌آیند) لشکری غرق شده خواهند بود. (۲۴) (سرانجام همگی نابود شدند) چه بسیار

عُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿٢٧﴾

باغها و چشمه‌ها که به جای گذاشتند، (۲۵) و کشتزارها و قصرهای پر ارزش، (۲۶) و نعمتهای فراوان دیگر که در آن غرق شادمانی بودند! (۲۷)

كَذَٰلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ

اینچنین بود (ماجرای آنان!) وما این (نعمتها) را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم. (۲۸) نه آسمان و

الْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ

زمین، بر آنان گریست، و نه به آنها مهلتی داده شد. (۲۹) ما بنی‌اسرائیل را از عذاب خوار کننده

الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِن فِرْعَوْنَ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ

رهایی بخشیدیم؛ (۳۰) از فرعون که متکبری از زمرهٔ اسرافکاران بود. (۳۱) ما آنها را با

اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ

علم (خویش) بر جهانیان برگزیدیم، (۳۲) و آیاتی (از قدرت خویش) را به آنها دادیم که آزمایش آشکاری در آن بود

مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا

(ولی آنان کفران کردند و مجازات شدند). (۳۳) اینها [= مشرکان] می‌گویند: (۳۴) «مرگ ما جز

مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ

همان مرگ اوّل نیست و هرگزبرانگیخته نخواهیم شد. (۳۵) اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید

صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ أَهْلَكْنَاهُمْ ۖ إِنَّهُمْ

(تا گواهی دهند)!» (۳۶) آیا آنان بهترند یا قوم «تبّع» و کسانی که‌پیش از آنها بودند؟! ما آنان را هلاک کردیم،

كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ

چرا که آنها مجرم بودند. (۳۷) ما آسمانها و زمین وآنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی‌هدف) نیافریدیم.

﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

(۳۸) ما آن دو را جز بحق نیافریدیم؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۳۹)

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ

روز جدایی (حق از باطل) وعده‌گاه همهٔ آنهاست. (۴۰) روزی که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی‌کند،

مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ ۚ إِنَّهُ هُوَ

و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند؛ (۴۱) مگر کسی که خدا او را مورد رحمت قرار داده، چرا که او

الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ

توانا و مهربان است. (۴۲) به یقین درخت زقوم، (۴۳) غذای گنهکاران است،

﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ

(۴۴) همانند فلز گداخته در شکمها می‌جوشد؛ (۴۵) همچون جوشش آب سوزان! (۴۶) (آنگاه به مأموران

فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ

دوزخ خطاب می‌شود:) او را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید. (۴۷) سپس بر سر او از عذاب

الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَٰذَا

آب سوزان بریزید. (۴۸) (به او گفته می‌شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار توانا و بزرگوار بودی! (۴۹) این همان چیزی است

مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي

که پیوسته در آن تردید می‌کردید. (۵۰) (ولی) پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند. (۵۱) در

جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ

میان باغها و چشمه‌ها؛ (۵۲) آنها لباسهایی ازحریر نازک و ضخیم می‌پوشند، در حالی که در

مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾

مقابل یکدیگر نشسته‌اند؛ (۵۳) اینچنین‌اند بهشتیان؛ و آنها را با «حورالعین» تزویج می‌کنیم. (۵۴)

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ

آنها در آن‌جا هر نوع میوه‌ای را بخواهند طلب می‌کنند در حالی که در نهایت امنیت به سر می‌برند. (۵۵) هرگز مرگی جز همان

فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ۖ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

مرگ اول (که در دنیا چشیده‌اند) نخواهند چشید، و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می‌کند؛

﴿٥٦﴾ فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ

(۵۶) این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، این همان رستگاری بزرگ است. (۵۷) به یقین ما آن [= قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم،

بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

شاید آنان متذکّر شوند. (۵۸) (امّا اگر نپذیرفتند) منتظر باش، آنها نیز منتظرند (تو منتظر پیروزی الهی و آنها منتظر عذاب و شکست)! (۵۹)

سُورَةُ الجَاثِيَةِ

ترتيبها ٤٥ — آياتها ٣٧

۴۵ – سوره الجاثیه

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حمٓ (١) تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ (٢) إِنَّ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَ

حم. (۱) این کتاب از سوی خداوند توانا و حکیم نازل شده است. (۲) بی‌شک در آسمانها

ٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ (٣) وَفِى خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ

و زمین نشانه‌های (فراوانی) برای مؤمنان وجود دارد؛ (۳) و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه‌هایی است برای

يُوقِنُونَ (٤) وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزْقٍ

گروهی که اهل یقینند. (۴) و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزقی (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده

فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (٥)

و بوسیلهٔ آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادها، نشانه‌های روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند. (۵)

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ فَبِأَىِّ حَدِيثٍ بَعْدَ ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ

اینها آیات خداوند است که ما آن را بحق بر تو تلاوت می‌کنیم؛ (اگر آنها به آن ایمان نیاورند،) به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیاتش

يُؤْمِنُونَ (٦) وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (٧) يَسْمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ

ایمان می‌آورند؟! (۶) وای بر هر دروغگوی گنهکار، (۷) که پیوسته آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود می‌شنود،

مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٨) وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَٰتِنَا

امّا از روی تکبّر، اصرار بر مخالفت دارد؛ گویی اصلاً آن را نشنیده است؛ او را به عذابی دردناک بشارت ده! (۸) و هرگاه از بعضی آیات ما آگاه شود،

شَيْـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًا أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (٩) مِّن وَرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا

آن را به باد استهزا می‌گیرد؛ برای آنان عذاب خوارکننده‌ای است! (۹) و پشت سرشان دوزخ است؛ و هرگز آنچه را

يُغْنِى عَنْهُم مَّا كَسَبُوا۟ شَيْـًٔا وَلَا مَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ وَلَهُمْ

به دست آورده‌اند آنها را (از عذاب الهی) رهایی نمی‌بخشد، و نه اولیایی که غیر از خدا برای خود برگزیدند؛ (مایهٔ نجاتشان خواهند بود)؛ و

عَذَابٌ عَظِيمٌ (١٠) هَٰذَا هُدًى وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن

عذاب بزرگی برای آنهاست! (۱۰) این (قرآن) مایهٔ هدایت است؛ و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، عذابی سخت

رِّجْزٍ أَلِيمٌ (١١) ۞ ٱللَّهُ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَكُمُ ٱلْبَحْرَ لِتَجْرِىَ ٱلْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِۦ

و دردناک دارند! (۱۱) خداوند کسی است که دریا را مسخّر شما کرد تا کشتیها به فرمانش در آن حرکت کنند

وَلِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (١٢) وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ

و از فضل او بهره گیرید، شاید شکر (نعمتهایش را) به جا آورید. (۱۲) او آنچه در آسمانها و آنچه

وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (١٣)

در زمین است همه را از جانب خویش مسخّر شما ساخته؛ در این نشانه‌های (مهمّی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند. (۱۳)

قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغْفِرُواْ لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًۢا

به مؤمنان بگو: «کساني را که اميد به ايّام الله [= روز رستاخيز] ندارند مورد عفو قرار دهند تا (روزي که) خداوند هر قومي را

بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَسَآءَ

به اعمالي که انجام مي‌دادند جزا دهد.» (۱۴) هر کس کار شايسته‌اي به جا آورد، به نفع خود به جا آورده است؛ و هر کس کار بد مي‌کند،

فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ

به زيان خود اوست؛ سپس همهٔ شما به سوي پروردگارتان بازگردانده مي‌شويد. (۱۵) ما بني‌اسرائيل را کتاب آسماني و حکومت

ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَى

و نبوّت بخشيديم و از نعمت‌هاي پاکيزه به آنها روزي داديم و آنان را بر جهانيان [= مردم عصر خويش]

ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ ۖ فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ

برتري بخشيديم؛ (۱۶) و دلايل روشني از امر (نبوّت و شريعت) در اختيارشان قرار داديم؛ آنها اختلاف نکردند مگر

بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ

بعد از علم و آگاهي؛ و اين اختلاف بخاطر ستم و برتري‌جويي آنان بود؛ امّا پروردگارت روز

ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ

قيامت در ميان آنها در آنچه پيوسته اختلاف داشتند داوري مي‌کند. (۱۷) سپس تو را بر شريعت و آيين حقي قرار داديم؛

مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ

از آن پيروي کن و از هوسهاي کساني که آگاهي ندارند پيروي مکن. (۱۸) آنها هرگز

لَن يُغْنُواْ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا ۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ

نمي‌توانند تو را در برابر خداوند بي‌نياز کنند (و از عذابش برهانند)؛ و ستمکاران يار و ياور يکديگرند،

بَعْضٍ ۖ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

امّا خداوند يار و ياور پرهيزگاران است. (۱۹) اين (قرآن و شريعت آسماني) اسباب بينايي مردم و مايهٔ هدايت و رحمت است

لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ

براي گروهي که (به آن) يقين دارند. (۲۰) آيا کساني که مرتکب بديها (و گناهان) شدند چنين پنداشتند که ما آنها را همچون

أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ

کساني قرار مي‌دهيم که ايمان آورده و اعمال‌صالح انجام داده‌اند که حيات و مرگشان (با آنها) يکسان باشد؟!

وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ

چه بد داوري مي‌کنند! (۲۱) و خداوند آسمانها و زمين را بحق آفريده است

بِٱلْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

تا هرکس در برابر اعمالي که انجام داده است جزا داده شود؛ و به آنها ستمي نخواهد شد. (۲۲)

أَفَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِۦ وَقَلْبِهِۦ

آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر این‌که شایستهٔ هدایت نیست) گمراه ساخته و برگوش و قلبش

وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِنۢ بَعْدِ ٱللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

مهر زده و بر چشمش پرده‌ای قرار داده است؟! با این حال، غیر از خدا چه کسی می‌تواند او را هدایت کند؟! آیا متذکّر نمی‌شوید؟!

﴿٢٣﴾ وَقَالُوا۟ مَا هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَآ إِلَّا ٱلدَّهْرُ ۚ وَ

(۲۳) آنها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می‌میرند وگروهی جای آنها را می‌گیرند؛ و جز

مَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا

طبیعت روزگار [= طبیعت] ما را هلاک نمی‌کند.» آنان به این سخن که می‌گویند علمی ندارند، بلکه تنها گمانی بی‌پایه دارند. (۲۴) و هنگامی که آیات روشن ما

بَيِّنَٰتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ ٱئْتُوا۟ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٥﴾

بر آنها خوانده می‌شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز این‌که می‌گویند: «اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید (تا گواهی دهند)!» (۲۵)

قُلِ ٱللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ

بگو: «خداوند شما را زنده می‌کند، سپس می‌میراند، بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می‌کند؛

أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَيَوْمَ تَقُومُ

ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (۲۶) مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین برای خداست؛

ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ ٱلْمُبْطِلُونَ ﴿٢٧﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً ۚ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰٓ

و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می‌بینند. (۲۷) در آن روز هر امّتی را می‌بینی (که از شدّت ترس و وحشت) به زانو درآمده؛ هر امّتی

إِلَىٰ كِتَٰبِهَا ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم

به سوی کتابش خوانده می‌شود، و (به آنها می‌گویند:) امروز (جزای) آنچه را انجام می‌دادید به شما داده می‌شود. (۲۸) این نامهٔ اعمال شماست که ما نوشته‌ایم

بِٱلْحَقِّ ۚ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

و به حق بر ضد شما سخن می‌گوید؛ ما آنچه را انجام می‌دادید می‌نوشتیم. (۲۹) امّا کسانی که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِى رَحْمَتِهِۦ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ

و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می‌کند؛ این همان پیروزی

ٱلْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَٱسْتَكْبَرْتُمْ

آشکار است. (۳۰) امّا کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می‌شود:) مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما استکبار کردید

وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا

و قوم مجرمی بودید؟! (۳۱) و هنگامی که گفته می‌شد: «وعدهٔ خداوند حق است، و در قیامت هیچ شکی نیست»، شما می‌گفتید:

قُلْتُم مَّا نَدْرِى مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾

«ما نمی‌دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی داریم، و به هیچ وجه (به آن) یقین نداریم.» (۳۲)

۴۶ – سوره الأحقاف

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۳) وَقِيلَ

و بديهای اعمالشان برای آنان آشكار می‌شود، و سرانجام آنچه را استهزا می‌كردند آنها را فرا می‌گيرد. (۳۳) و به آنها

الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ

گفته می‌شود: «امروز شما را فراموش می‌كنيم همان‌گونه كه شما ديدار امروزتان را فراموش كرديد؛ و جايگاه شما دوزخ است و هيچ

نَاصِرِينَ (۳۴) ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

ياوری نداريد. (۳۴) اين بخاطر آن است كه شما آيات خدا را به مسخره گرفتيد و زندگی دنيا شما را فريب داد.»

فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵) فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ

امروز نه آنان از دوزخ بيرون آورده می‌شوند، و نه هيچ گونه عذری از آنها پذيرفته می‌شود. (۳۵) پس حمد و ستايش مخصوص خداست،

السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶) وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ

پروردگار آسمانها و پروردگار زمين و پروردگار همهٔ جهانيان. (۳۶) و برای اوست كبريا (و عظمت)

وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)

در آسمانها و زمين، و اوست توانا و حكيم. (۳۷)

سُورَةُ الأحقاف

ترتيبها ۴۶ — آياتها ۳۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

حم (۱) تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲) مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ

حم. (۱) اين كتاب از سوی خداوند توانا و حكيم نازل شده است. (۲) ما آسمانها

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا

و زمين و آنچه را در ميان اين دو است جز بحق و برای سرآمد معيّنی نيافريديم؛ امّا كافران از آنچه انذار می‌شوند

مُعْرِضُونَ (۳) قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ

روی‌گرداناند. (۳) به آنان بگو: «به من نشان دهيد آنچه را كه غير از خدا پرستش می‌كنيد چه چيزی از

الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ

زمين را آفريده‌اند، يا شركتی در آفرينش آسمانها دارند؟! كتابی آسمانی پيش از اين، يا اثر

مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴) وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ

علمی از گذشتگان برای من بياوريد (كه دليل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می‌گوييد!» (۴) چه كسی گمراهتر است از آن كس كه

دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

معبودی غير خدا را می‌خواند كه تا قيامت هم به او پاسخ نمی‌گويد و از خواندن آنها (كاملاً) غافل است؟! (و صدای آنها را هيچ نمی‌شنود!)(۵)

الجزء ۲۶ — الحزب ۵۱

وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمْ أَعْدَآءً وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمْ كَٰفِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ
و هنگامي كه مردم محشور مي‌شوند، معبودهاي آنها دشمنانشان خواهند بود؛ و (حتي) عبادت آنها را انكار مي‌كنند! (۶) هنگامي كه
عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ
آيات روشن ما بر آنان خوانده مي‌شود، كافران در برابر حقّي كه براي آنها آمده مي‌گويند: «اين سحري آشكار است.»
﴿٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ قُلْ إِنِ ٱفْتَرَيْتُهُۥ فَلَا تَمْلِكُونَ لِى مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا
(۷) بلكه آنها مي‌گويند: «آن (آيات) را بر خدا افترا بسته است!» بگو: «اگر من آن را بدروغ (به خدا) نسبت‌داده باشم (لازم است مرا رسوا كند و)شما
هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدًۢا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ ٱلْغَفُورُ
نمي‌توانيد در برابر خداوند از من دفاع كنيد. او كارهايي را كه شما در آن وارد مي‌شويد بهتر مي‌داند؛ همين بس كه او گواه ميان من و شما باشد؛ و او آمرزنده
ٱلرَّحِيمُ ﴿٨﴾ قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنَ ٱلرُّسُلِ وَمَآ أَدْرِى مَا يُفْعَلُ بِى وَلَا
و مهربان است.» (۸) بگو: «من پيامبر نوظهوري نيستم؛ (كه با ساير پيامبران متفاوت باشم) و نمي‌دانم با من و شما چه خواهد شد؛
بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ
من تنها از آنچه بر من وحي مي‌شود پيروي مي‌كنم، و جز انذار كنندهٔ آشكاري نيستم.» (۹) بگو: «به من خبر دهيد
إِن كَانَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ وَكَفَرْتُم بِهِۦ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ
اگر اين قرآن از سوي خدا باشد و شما به آن كافر شويد، در حالي كه شاهدي از بني‌اسرائيل بر آن شهادت دهد،
مِثْلِهِۦ فَـَٔامَنَ وَٱسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠﴾
و او ايمان آورد و شما استكبار كنيد (و ايمان نياوريد، چه كسي گمراهتر از شما خواهد بود)؟! خداوند گروه ستمكاران را هدايت نمي‌كند.» (۱۰)
وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيْهِ
كافران دربارهٔ مؤمنان چنين گفتند: «اگر (اسلام) چيز خوبي بود، هرگز آنها در پذيرش آن بر ما پيشي نمي‌گرفتند.»
وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُواْ بِهِۦ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفْكٌ قَدِيمٌ ﴿١١﴾ وَمِن
و چون خودشان بوسيلهٔ آن هدايت نشدند مي‌گويند: «اين يك دروغ (و افسانه‌اي) قديمي است.» (۱۱) و پيش از
قَبْلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَٰذَا كِتَٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا
آن، كتاب موسي كه پيشوا و رحمت بود (نشانه‌هاي قرآن رابيان كرده)، و اين كتابي است كه هماهنگ با نشانه‌هاي آن [= تورات] است در حالي كه به زبان
عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
عربي و فصيح و گوياست، تا ستمكاران را انذار كند و براي نيكوكاران بشارتي باشد. (۱۲) كساني كه گفتند:
قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَٰمُواْ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
«پروردگار ما «خداوند يگانه» است»، سپس استقامت كردند، نه ترسي بر آنان است و نه‌اندوهگين مي‌شوند.
﴿١٣﴾ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا جَزَآءًۢ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾
(۱۳) آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن مي‌مانند؛ اين پاداش اعمالي است كه انجام مي‌دادند. (۱۴)

وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ إِحْسَٰنًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ
ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی وضع
وَحَمْلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهْرًا ۚ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ
حمل می‌نماید؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به نیرومندی و کمال خود مانع گردد و به چهل سالگی می‌گوید:
سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِىٓ أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلَىٰ
«پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از
وَٰلِدَىَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَٰلِحًا تَرْضَىٰهُ وَأَصْلِحْ لِى فِى ذُرِّيَّتِىٓ ۖ إِنِّى تُبْتُ
آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به‌سوی تو باز گشتم (و توبه کردم)،
إِلَيْكَ وَإِنِّى مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ
و من از مسلمانانم» (۱۵) آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می‌کنیم
مَا عَمِلُوا۟ وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمْ فِىٓ أَصْحَٰبِ ٱلْجَنَّةِ ۖ وَعْدَ ٱلصِّدْقِ ٱلَّذِى
و از گناهانشان می‌گذریم و در میان بهشتیان جای دارند؛ این وعدهٔ راستی است که
كَانُوا۟ يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِى قَالَ لِوَٰلِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِىٓ أَنْ
وعده داده می‌شدند. (۱۶) و کسی که به پدر و مادرش می‌گوید: «اف بر شما! آیا به من وعده می‌دهید که من (روز قیامت) مبعوث می‌شوم؟!
أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ ٱلْقُرُونُ مِن قَبْلِى وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ ٱللَّهَ وَيْلَكَ ءَامِنْ
در حالی که پیش از من اقوامی زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند)! و آن دو پیوسته (فریاد می‌کشند و) خدا را به یاری می‌طلبند که: وای بر تو،
إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ
ایمان بیاور که وعده خدا حق است!» امّا او پیوسته می‌گوید: «این چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.» (۱۷) آنها
ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَ
کسانی هستند که فرمان عذاب درباره آنان همراه اقوام (کافری) که پیش از آنان از جنّ و
ٱلْإِنسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ خَٰسِرِينَ ﴿١٨﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوا۟ ۖ وَلِيُوَفِّيَهُمْ
انس بودند تحقّق یافته، به یقین آنان زیانکار بودند. (۱۸) وبرای هر کدام درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند، تا خداوند کارهایشان را بی کم و
أَعْمَٰلَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ أَذْهَبْتُمْ
کاست به آنان باز پس دهد؛ و آنها مورد ستم واقع نمی‌شوند. (۱۹) آنروز که کافران را بر آتش عرضه می‌کنند (به آنها گفته می‌شود:)
طَيِّبَٰتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنْيَا وَٱسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ
از نعمت‌های پاکیزه در زندگی دنیای خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید؛ امّا امروز عذاب
ٱلْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾
ذلت‌بار بخاطر استکباری که در زمین به ناحق داشتید و بخاطر گناهانی که انجام می‌دادید، جزای شما خواهد بود. (۲۰)

۞ وَٱذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُۥ بِٱلْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» انذار کرد،

بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦٓ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

در حالي که پیامبران انذارکننده‌ای قبل از او در گذشته‌های دور و نزدیک آمده بودند (و گفت:) جز خدای یگانه را نپرستید، زیرا من بر شما از

يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾ قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن

عذاب روزی بزرگ می‌ترسم! (۲۱) آنها گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را (با دروغهایت) از معبودانمان بازگرداني؟! اگر راست مي‌گويي آنچه

كُنتَ مِنَ ٱلصَّـٰدِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا ٱلْعِلْمُ عِندَ ٱللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّآ

(از عذاب الهي) که به ما وعده مي‌دهي بياور!» (۲۲) گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او مي‌داند چه زماني شما را مجازات کند)؛ من آنچه را به آن فرستاده

أُرْسِلْتُ بِهِۦ وَلَـٰكِنِّىٓ أَرَىٰكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا

شده‌ام به شما ابلاغ مي‌کنم، (وظيفهٔ من همين است.) ولي شما را گروهي مي‌بينيم که پيوسته در ناداني هستيد.» (۲۳) هنگامي که آن (عذاب) را بصورت

مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا۟ هَـٰذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا ۚ بَلْ هُوَ مَا ٱسْتَعْجَلْتُم

ابر گسترده‌اي ديدند که به سوي درّه‌ها و آبگيرهاي آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «اين ابري است که بر ما مي‌بارد!» (به آنها گفته شد:) اين

بِهِۦ ۖ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تُدَمِّرُ كُلَّ شَىْءٍۭ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا۟

همان چيزي است که براي آمدنش شتاب مي‌کرديد، تند بادي است (وحشتناک) که عذاب دردناکي در آن است! (۲۴) همه چيز را به فرمان پروردگارش در

لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَـٰكِنُهُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْقَوْمَ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ

هم مي‌کوبد ونابود مي‌کند. (آري) آنها صبح کردند در حالي که چيزي جز خانه‌هايشان به چشم نمي‌خورد؛ ما اين گونه گروه مجرمان را کيفر مي‌دهيم. (۲۵) و

مَكَّنَّـٰهُمْ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّـٰكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَـٰرًا وَأَفْـِٔدَةً

ما به آنها [= قوم عاد] قدرتي داديم که به شما نداديم، و براي آنان گوش و چشم

فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَآ أَبْصَـٰرُهُمْ وَلَآ أَفْـِٔدَتُهُم مِّن شَىْءٍ إِذْ

و قرار داديم؛ (امّا به هنگام نزول عذاب) نه گوشها و چشمها و نه عقلهايشان براي آنان هيچ سودي نداشت،

كَانُوا۟ يَجْحَدُونَ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ

چرا که آيات خدا را انکار مي‌کردند؛ و سرانجام آنچه را استهزا مي‌کردند بر آنها وارد شد.

﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ ٱلْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا ٱلْـَٔايَـٰتِ لَعَلَّهُمْ

(۲۶) ما آباديهايي را که پيرامون شما بودند نابود ساختيم، و (پيش از آن) آيات خود را بصورتهاي گوناگون (براي مردم آنها) بيان کرديم شايد

يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ قُرْبَانًا

بازگردند. (۲۷) پس چرا معبوداني را که غير از خدا بر گزيدند ـ به گمان اين‌که به خدا نزديکشان سازد ـ آنها را ياري نکردند؟!

ءَالِهَةًۢ ۖ بَلْ ضَلُّوا۟ عَنْهُمْ ۚ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

بلکه از نظرشان گم شدند! اين بود نتيجهٔ دروغ آنها و آنچه افترا مي‌بستند. (۲۸)

وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ

(به یاد آور) هنگامی که گروهی از جنّ را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند؛ وقتی حضور یافتند به یکدیگر

قَالُوٓا۟ أَنصِتُوا۟ ۖ فَلَمَّا قُضِىَ وَلَّوْا۟ إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ (٢٩) قَالُوا۟

گفتند: «خاموش باشید و گوش فرا دهید.» و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود باز گشتند و آنها را انذار می‌کردند. (۲۹) گفتند:

يَـٰقَوْمَنَآ إِنَّا سَمِعْنَا كِتَـٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ

«ای قوم ما! به یقین ما کتابی را شنیدیم که بعد ازموسی نازل شده، هماهنگ با نشانه‌های

يَدَيْهِ يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (٣٠) يَـٰقَوْمَنَآ أَجِيبُوا۟

کتابهای پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند. (۳۰) ای قوم ما! دعوت‌کنندهٔ

دَاعِىَ ٱللَّهِ وَءَامِنُوا۟ بِهِۦ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ

الهی را اجابت کنید و به خدا ایمان آورید تا گناهانتان را بیامرزد و شما را از عذابی

أَلِيمٍ (٣١) وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِىَ ٱللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَيْسَ

دردناک پناه دهد. (۳۱) و هرکس دعوت‌کنندهٔ الهی را اجابت نکند، هرگز نمی‌تواند از عذاب الهی در زمین فرار کند،

لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءُ ۚ أُو۟لَـٰٓئِكَ فِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ (٣٢) أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ

و غیر از او یار و یاوری برایش نیست؛ چنین کسانی در گمراهی آشکارند.» (۳۲) آیا آنها نمی‌دانند خداوندی

ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَلَمْ يَعْىَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَـٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن

که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان نشده است، می‌تواند مردگان را زنده کند؟!

يُحْـِۧىَ ٱلْمَوْتَىٰ ۚ بَلَىٰٓ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (٣٣) وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ

آری (می‌تواند) زیرا او بر هر چیز تواناست. (۳۳) روزی را به یادآور که کافران را بر آتش عرضه می‌دارند

كَفَرُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ أَلَيْسَ هَـٰذَا بِٱلْحَقِّ ۖ قَالُوا۟ بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا۟

(و به آنها گفته می‌شود:) آیا این حق نیست؟! می‌گویند: «آری، به پروردگارمان سوگند (که حق است)!» (در این هنگام خداوند) می‌گوید:

ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (٣٤) فَٱصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُو۟لُوا۟ ٱلْعَزْمِ مِنَ

«پس عذاب را بخاطر کفرتان بچشید!» (۳۴) پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اولوا العزم» صبر کردند،

ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوٓا۟

و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! روزی که وعده‌هایی را که به آنها داده می‌شود ببینند،(احساس می‌کنند که) گویی

إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍۭ ۚ بَلَـٰغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْفَـٰسِقُونَ (٣٥)

جز ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف نکرده‌اند؛ این ابلاغی است برای همگان؛ آیا جز قوم نافرمان هلاک خواهند شد؟! (۳۵)

سُورَةُ مُحَمَّدٍ

ترتيبها ٤٧ — آياتها ٣٨

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿١﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَ

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، (خداوند) اعمالشان را نابود می‌کند. (۱) و کسانی که ایمان آوردند

عَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُوا۟ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ

و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد نازل شده ـ و آن حقّی است از سوی پروردگارشان ـ نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان

سَيِّـَٔاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱتَّبَعُوا۟ ٱلْبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ

را می‌بخشد و کارشان رااصلاح می‌کند. (۲) این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقّی که از سوی پروردگارشان است تبعیت

ءَامَنُوا۟ ٱتَّبَعُوا۟ ٱلْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَٰلَهُمْ ﴿٣﴾ فَإِذَا

نمودند؛ این گونه خداوند برای مردم مَثَلهای (زندگی) آنان را بیان می‌کند. (۳) وهنگامی‌که با کافران (جنایت پیشه در میدان جنگ) روبرو شدید گردنهایشان

لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَضَرْبَ ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا۟ ٱلْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّۢا

را بزنید، تا آنها را از پا در آورید؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید؛ سپس یا منّت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیه [= غرامت]

بَعْدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن

بگیرید؛ (و آزادشان کنید؛ و این وضع را ادامه دهید) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد؛ (آری وظیفه) این است؛ و اگر خدا می‌خواست خودش آنها را

لِّيَبْلُوَا۟ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ ۗ وَٱلَّذِينَ قُتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَٰلَهُمْ

مجازات می‌کرد، امّا می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی‌برد.

﴿٤﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾ وَيُدْخِلُهُمُ ٱلْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾

(۴) و آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می‌کند؛ (۵) و آنها را در بهشت (جاویدانش) که اوصاف آن را برای آنان بیان کرده وارد می‌کند. (۶)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِن تَنصُرُوا۟ ٱللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾ وَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد. (۷)

ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٨﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا۟ مَآ

و کسانی که کافر شدند، مرگ بر آنان! و اعمالشان نابود بادا! (۸) این بخاطر آن است که از آنچه خداوند

أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٩﴾ ۞ أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟

نازل کرده ناخشنود بودند؛ از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد. (۹) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند

كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَلِلْكَٰفِرِينَ أَمْثَٰلُهَا

(و با حق ستیز کردند) چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد؛ و برای کافران امثال آن خواهد بود.

﴿١٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَأَنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ ﴿١١﴾

(۱۰) این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند؛ امّا کافران مولایی ندارند. (۱۱)

إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا

خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند وارد باغهای بهشتی می‌کند که نهرها از

ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى

پای درختانش جاری است؛ در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می‌گیرند و همچون چهارپایان می‌خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه

لَّهُمۡ ﴿١٢﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةٗ مِّن قَرۡيَتِكَ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَتۡكَ

آنهاست. (۱۲) و چه بسیار شهرهایی که از شهر تو که بیرونت کرد نیرومندتر بودند؛ و ما همهٔ آنها را (به سزای اعمالشان)

أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ فَلَا نَاصِرَ لَهُمۡ ﴿١٣﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ

هلاک کردیم و هیچ یاوری نداشتند. (۱۳) آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که

سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم ﴿١٤﴾ مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ فِيهَآ

زشتی اعمالش در نظرش آراسته شده و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند؟! (۱۴) وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده،

أَنۡهَٰرٞ مِّن مَّآءٍ غَيۡرِ ءَاسِنٖ وَأَنۡهَٰرٞ مِّن لَّبَنٖ لَّمۡ يَتَغَيَّرۡ طَعۡمُهُۥ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ خَمۡرٖ لَّذَّةٖ

چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایهٔ لذت نوشندگان است،

لِّلشَّٰرِبِينَ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ عَسَلٖ مُّصَفّٗىۖ وَلَهُمۡ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَمَغۡفِرَةٞ مِّن

و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای آنها در آن از همه انواع میوه‌ها فراهم است؛ و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا اینها همانند

رَّبِّهِمۡۖ كَمَنۡ هُوَ خَٰلِدٞ فِي ٱلنَّارِ وَسُقُواْ مَآءً حَمِيمٗا فَقَطَّعَ أَمۡعَآءَهُمۡ ﴿١٥﴾ وَ

کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آبی داغ و سوزان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند؟! (۱۵) گروهی

مِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَ حَتَّىٰٓ إِذَا خَرَجُواْ مِنۡ عِندِكَ قَالُواْ لِلَّذِينَ أُوتُواْ

از آنان به سخنانت گوش فرا می‌دهند، امّا هنگامی که از نزد تو خارج می‌شوند به کسانی که دانش به آنان بخشیده شده

ٱلۡعِلۡمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَٱتَّبَعُوٓاْ

(از روی استهزا) می‌گویند: «(این مرد) اکنون چه گفت؟!» آنها کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان مُهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده‌اند (از این رو

أَهۡوَآءَهُمۡ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ زَادَهُمۡ هُدٗى وَءَاتَىٰهُمۡ تَقۡوَىٰهُمۡ ﴿١٧﴾

چیزی نمی‌فهمند). (۱۶) کسانی که هدایت یافته‌اند، (خداوند) بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد. (۱۷)

فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ فَأَنَّىٰ لَهُمۡ

آیا کافران جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید (آنگاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است؛ امّا

إِذَا جَآءَتۡهُمۡ ذِكۡرَىٰهُمۡ ﴿١٨﴾ فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ

هنگامی که به سراغ آنها بیاید، ایمان آنها چه سودی خواهد داشت. (۱۸) پس بدان که معبودی جز «خداوند یگانه» نیست؛

لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ ﴿١٩﴾

و برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان آمرزش بخواه. و خداوند گذرگاه و قرارگاه شما را می‌داند. (۱۹)

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ

کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟!» امّا هنگامی که سوره‌ای محکم

وَذُكِرَ فِيهَا ٱلْقِتَالُ رَأَيْتَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ

(و روشنی) نازل می‌گردد و در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیماردل را می‌بینی که همچون کسی که در

إِلَيْكَ نَظَرَ ٱلْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ فَأَوْلَىٰ لَهُمْ (٢٠) طَاعَةٌ وَ

آستانهٔ مرگ قرار گرفته به تو نگاه می‌کنند؛ پس چه بهتر که آنها بمیرند! (۲۰) (ولی بدانند) اطاعت (فرمان خدا)

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ ٱلْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُواْ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ

و سخن سنجیده برای آنان شایسته‌تر است؛ و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می‌شود به خدا راست گویند (و از در صدق و صفا درآیند) برای آنها بهتر

(٢١) فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُواْ فِي ٱلْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ

می‌باشد. (۲۱) اگر حکومت را بدست گیرید، آیا جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد نمائید و پیوند خویشاوندی

أَرْحَامَكُمْ (٢٢) أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَىٰٓ أَبْصَٰرَهُمْ

را قطع کنید؟! (۲۲) آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشهایشان را کر و چشمهایشان را کور کرده است.

(٢٣) أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَآ (٢٤) إِنَّ

(۲۳) آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا بر دلهایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟! (۲۴) به یقین

ٱلَّذِينَ ٱرْتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدْبَٰرِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَى

کسانی که بعد از روشن شدن راه هدایت برای آنها، پشت به آن کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده

ٱلشَّيْطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ (٢٥) ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ

و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است. (۲۵) این بخاطر آن است که آنان به کسانی که از نزول

لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ ٱلْأَمْرِ

وحی الهی ناخشنود بودند گفتند: «ما در بعضی از امور از شما پیروی می‌کنیم.» در حالی که

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (٢٦) فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ

خداوند پنهانکاری آنان را می‌داند. (۲۶) حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان

يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَٰرَهُمْ (٢٧) ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ

(مرگ) بر صورت و پشت آنان می‌زنند و جانشان را می‌گیرند؟! (۲۷) این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند

أَسْخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُواْ رِضْوَٰنَهُۥ فَأَحْبَطَ أَعْمَٰلَهُمْ (٢٨) أَمْ

را به خشم می‌آورد پیروی کردند، و از آنچه موجب رضای اوست ناخشنود بودند؛ از این رو (خداوند) اعمالشان را نابود کرد. (۲۸)

حَسِبَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ ٱللَّهُ أَضْغَٰنَهُمْ (٢٩)

آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند خدا کینه‌هایشان را آشکار نمی‌کند؟! (۲۹)

وَلَوْ نَشَآءُ لَأَرَيْنَٰكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَٰهُمْ ۚ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ
و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می‌دهیم تا آنان را با قیافه‌هایشان بشناسی، هر چند آنها را از طرز سخنانشان خواهی شناخت؛
ٱلْقَوْلِ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ ٱلْمُجَٰهِدِينَ
و خداوند اعمال شما را می‌داند. (۳۰) به یقین ما همهٔ شما را می‌آزماییم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و
مِنكُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبْلُوَا۟ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن
صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم. (۳۱) آنان که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند
سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّوا۟ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا۟ ٱللَّهَ
و بعد از روشن شدن هدایت برای آنان (باز) به مخالفت با پیامبر برخاستند،هرگز زیانی به خدا نمی‌رسانند و
شَيْـًٔا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٣٢﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟
(خداوند) بزودی اعمالشان را نابود می‌کند. (۳۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را،
ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوٓا۟ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟
و اطاعت کنید پیامبر (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید. (۳۳) کسانی که کافر شدند
وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا۟ وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾
و (مردم را) از راه خدا بازداشتند سپس در حال کفر از دنیا رفتند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید. (۳۴)
فَلَا تَهِنُوا۟ وَتَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱلسَّلْمِ وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ
پس هرگز سست نشوید و (از دشمنان) صلح (ذلّت بار) نطلبید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و هرگز از (ثواب)
أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۚ وَإِن تُؤْمِنُوا۟ وَ
اعمالتان نمی‌کاهد. (۳۵) زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است؛ و اگر ایمان آورید
تَتَّقُوا۟ يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ أَمْوَٰلَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِن يَسْـَٔلْكُمُوهَا
و تقوا پیشه کنید، پاداشهای شما را می‌دهد و (جز اندکی از) اموال شما را طلب نمی‌کند، (۳۶) چراکه هرگاه اموال شما را طلب کند
فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا۟ وَيُخْرِجْ أَضْغَٰنَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ
و بر آن تأکید نماید، بخل می‌ورزید؛ و کینه و خشم شما را آشکار می‌سازد. (۳۷) آری، شما همان گروهی هستید
تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ ۖ وَمَن
که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید،بعضی از شما بخل می‌ورزند؛ و هر کس بخل ورزد،
يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِۦ ۚ وَٱللَّهُ ٱلْغَنِىُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ ۚ وَ
نسبت به خود بخل کرده است؛ و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید؛ و هرگاه سرپیچی کنید،
إِن تَتَوَلَّوْا۟ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا۟ أَمْثَٰلَكُم ﴿٣٨﴾
خداوند گروه دیگری را به جای شما می‌آورد، پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می‌کنند). (۳۸)

۴۸ – سوره الفتح

سُورَةُ الفَتْحِ

ترتیبها ۴۸ — آیاتها ۲۹

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾ لِّيَغْفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا

ما برای تو پیروزی آشکاری [= فتح مکه] را فراهم ساختیم، (۱) تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد

تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢﴾ وَيَنصُرَكَ

(و حقّانیّت تو را ثابت نموده) و نعمتش رابر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید، (۲) و پیروزی

ٱللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ﴿٣﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِى قُلُوبِ ٱلْمُؤْمِنِينَ

شکست‌ناپذیری نصیب تو کند. (۳) او کسی است که آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد

لِيَزْدَادُوٓا۟ إِيمَٰنًا مَّعَ إِيمَٰنِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَكَانَ

تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ و لشکریان آسمانهاو زمین از آنِ خداست، و

ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾ لِّيُدْخِلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا

خداوند دانا و حکیم است. (۴) هدف (دیگر از آن پیروزی آشکار) این بود که مردان و زنان با ایمان (به سبب فداکاری‌هایشان) را در باغهایی (از بهشت)

ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ

وارد کند که‌نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که جاودانه در آن می‌مانند، و تا گناهانشان را ببخشد، و این نزد خدا پیروزی و

ٱللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ

رستگاری بزرگی است. (۵) و (نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را

وَٱلْمُشْرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ ۚ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِ ۖ

که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند؛ (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان فرو می‌آید.

وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَسَآءَتْ مَصِيرًا

خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده؛ و چه بد سرانجامی است!

﴿٦﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾ إِنَّآ

(۶) لشکریان آسمانها و زمین تنها از آنِ خداست؛ و خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است. (۷)

أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾ لِّتُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَ

بیقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم، (۸) تا (شما) به خدا و

رَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾

پیامبرش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گویید. (۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن

به يقين كساني كه با تو بيعت مي‌كنند (در حقيقت) تنها با خدا بيعت مي‌نمايند، و دست خدا بالاي دست آنهاست؛

نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ

پس هر كس پيمان‌شكني كند، تنها به‌زيان خود پيمان مي‌شكند؛ و آن كس كه نسبت به عهدي كه با خدا بسته وفا كند، بزودي

أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا

پاداش عظيمي به او خواهد داد. (۱۰) بزودي تخلف كنندگان از اعراب باديه‌نشين (عذر تراشي كرده) مي‌گويند:

أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِي

«(حفظ) اموال و خانواده‌هايمان، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستيم در سفر حديبيه تو را همراهي كنيم)،

قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ

براي ما طلب آمرزش كن.» آنها به زبان خود چيزي مي‌گويند كه در دل ندارند. بگو: «هرگاه خدا زياني براي شما بخواهد، چه كسي مي‌تواند

أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن

در برابر او از شما دفاع كند؛ و يا اگرنفعي اراده كند (مانع گردد)؟! و خداوند آنچه كه انجام مي‌دهيد آگاه است.» (۱۱) ولي شما گمان كرديد

يَنقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي

پيامبر و مؤمنان هرگز نزد خانواده‌هاي خود باز نخواهند گشت؛ و اين (پندار غلط) در دلهاي شما زينت يافته بود و

قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَن لَّمْ

گمان بد كرديد؛ و سرانجام گروهي بوديد كه (در دام شيطان افتاديد و)هلاك شديد. (۱۲) آن كس كه به خدا

يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ

و پيامبرش ايمان نياورده (سرنوشتش دوزخ است)، چرا كه ما براي كافران آتش سوزان آماده كرده‌ايم! (۱۳) مالكيّت و حاكميّت

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ

آسمانها و زمين از آن خداست؛ هركس را بخواهد (و شايسته بداند) مي‌بخشد، و هر كس را بخواهد مجازات مي‌كند؛

اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ

و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۴) هنگامي كه شما براي به دست آوردن غنايمي حركت كنيد،

إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا

متخلّفان (حديبيه) مي‌گويند: «بگذاريد ما هم در پي شما بياييم.» آنها مي‌خواهند كلام خدا را دگرگون سازند؛

كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ

بگو: «هرگز به دنبال ما نياييد؛ اين گونه‌خداوند از قبل گفته است.» آنها بزودي

فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾

مي‌گويند: «شما نسبت به ما حسد مي‌ورزيد.» ولي آنها جز اندكي نمي‌فهمند. (۱۵)

قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُو۟لِى بَأْسٍ شَدِيدٍ
به متخلفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می‌شود که به سوی قومی نیرومند و جنگجو بروید
تُقَٰتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۖ فَإِن تُطِيعُوا۟ يُؤْتِكُمُ ٱللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ۖ وَإِن
و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند؛ اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می‌دهد؛ و اگر
تَتَوَلَّوْا۟ كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾ لَّيْسَ عَلَى ٱلْأَعْمَىٰ
سرپیچی نمایید ـ همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید ـ شما را با عذاب‌دردناکی کیفر می‌دهد!» (۱۶) بر نابینا و لنگ و بیمار
حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْمَرِيضِ حَرَجٌ ۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَ
(اگر در میدان جهاد شرکت نکنند) گناهی نیست؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت نماید،
رَسُولَهُۥ يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ
او را در باغهای بهشتی وارد می‌کند که نهرها از درختانش جاری است؛ و آن کس که سرپیچی کند، او را با
عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾ ۞ لَّقَدْ رَضِىَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ
عذاب دردناکی کیفر می‌دهد! (۱۷) خداوند از مؤمنان ـ هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند ـ خشنود شد؛
تَحْتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَٰبَهُمْ
خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و
فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
پیروزی نزدیکی پاداش آنها قرار داد؛ (۱۸) و (همچنین) غنایم بسیاری‌که آن را به دست می‌آورند؛ و خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است.
﴿١٩﴾ وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ
(۱۹) خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می‌آورید، ولی این یکی [= غنایم خیبر] را
هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيْدِىَ ٱلنَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ
زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و دست تعدّی مردم [= دشمنان] را از شما بازداشت تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد و شما رابه
صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ ٱللَّهُ
راه راست هدایت کند. (۲۰) و نیز غنایم و فتوحات دیگری (نصیبتان می‌کند) که شما توانایی (به دست آوردن) آن را ندارید،
بِهَا ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟
ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد؛ و خداوند برهمه چیز تواناست. (۲۱) و اگر کافران (در سرزمین حدیبیّه)
لَوَلَّوُا۟ ٱلْأَدْبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾ سُنَّةَ
با شما پیکار می‌کردند بزودی فرار می‌کردند، سپس سرپرست و یاوری نمی‌یافتند. (۲۲) این سنّت الهی است
ٱللَّهِ ٱلَّتِى قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾
که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنّت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. (۲۳)

وَهُوَ ٱلَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنۢ بَعْدِ

او کسی است که دست آنها را از شما، و دست شما را از آنان در دل مکّه کوتاه کرد، بعد از

أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾ هُمُ ٱلَّذِينَ

آن‌که شما را بر آنها پیروز ساخت؛و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۴) آنها کسانی هستند

كَفَرُوا۟ وَصَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَٱلْهَدْىَ مَعْكُوفًا أَن

که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجدالحرام و رسیدن قربانیهایتان به قربانگاه بازداشتند؛

يَبْلُغَ مَحِلَّهُۥ ۚ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَآءٌ مُّؤْمِنَٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن

و اگر نبود که مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیردست و پا، از بین می‌رفتند

تَطَـُٔوهُمْ فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ لِّيُدْخِلَ ٱللَّهُ فِى

و که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می‌رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد). هدف این بود که خدا هر کس را می‌خواهد

رَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوا۟ لَعَذَّبْنَا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ عَذَابًا

در رحمت خود وارد کند؛ و اگر (مؤمنان و کفّار در مکّه) از هم جدا می‌شدند، کافران را با عذاب دردناکی مجازات

أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذْ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ

می‌کردیم! (۲۵) (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دلهای خود خشم و نخوت جاهلیّت داشتند؛

ٱلْجَٰهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ

و (در مقابل،) خداوند آرامش و سکینهٔ خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل فرمود

وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ ٱلتَّقْوَىٰ وَكَانُوٓا۟ أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ۚ وَكَانَ

و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هرکس شایسته‌تر و اهل آن بودند؛

ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾ لَّقَدْ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءْيَا

وخداوند به همه چیز داناست. (۲۶) خداوند آنچه را به پیامبرش در رؤیا نشان داد،

بِٱلْحَقِّ ۖ لَتَدْخُلُنَّ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ

به حق راست گفت؛ بطور قطع همهٔ شما به خواست خدا واردمسجدالحرام می‌شوید در نهایت امنیت و در حالی که

رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۖ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا۟ فَجَعَلَ

سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده‌اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید

مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ

(و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (در خیبر برای شما) قرارداده است. (۲۷) او کسی است که پیامبرش را با هدایت

وَدِينِ ٱلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

و دین حق فرستاده تا آن را بر همهٔ ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه (این موضوع) باشد. (۲۸)

۴۹ – سوره الحجرات

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ ۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَىٰهُمْ

محمد فرستادهٔ خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را

رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا ۖ سِيمَاهُمْ فِى وُجُوهِهِم

درحال رکوع و سجود می‌بینی‌در حالی که همواره فضل و رضای خدا را می‌طلبند؛ نشانهٔ آنها در صورتشان

مِّنْ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِى ٱلْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ

از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات است و توصیف آنان در انجیل، همانند زراعتی است

أَخْرَجَ شَطْـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسْتَغْلَظَ فَٱسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعْجِبُ

که جوانه‌اش را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده وبر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده

ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟

که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای‌آن است که کافران را به خشم آورد! و کسانی از آنها را که ایمان آورده

ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًۢا ﴿٢٩﴾

و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعدهٔ آمرزش و پاداش عظیمی داده است. (۲۹)

سُورَةُ الحُجُرَاتِ

ترتیبها ۴۹ | آیاتها ۱۸

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا وپیامبرش مقدّم ندارید (و از آنها پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَرْفَعُوٓا۟ أَصْوَٰتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ

شنوا و داناست. (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را از صدای پیامبر بالاتر نبرید،

ٱلنَّبِىِّ وَلَا تَجْهَرُوا۟ لَهُۥ بِٱلْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَـٰلُكُمْ

و در برابر او بلند سخن مگویید (و او را بلند صدا نزنید) آن گونه که‌بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد

وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَٰتَهُمْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ

در حالی که نمی‌دانید. (۲) به یقین که صدای خود را نزد پیامبر خدا پایین می‌آورند

أُو۟لَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمْتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ ۚ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾

همان کسانی هستند که خداوند دلهایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش وپاداش عظیمی است. (۳)

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلْحُجُرَٰتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، بیشترشان نمی‌فهمند. (۴)

وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ

اگر آنها صبر می‌کردند تا تو به نزد آنها بیرون آیی، برای آنان بهتر بود؛ و خداوند آمرزنده و

رَّحِيمٞ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن

مهربان است. (۵) ای کسانی که‌ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، دربارهٔ آن تحقیق کنید،

تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ﴿٦﴾ وَٱعۡلَمُوٓاْ

مبادا به گروهی از روی ناآگاهی آسیب برسانید و از کردهٔ خود پشیمان شوید. (۶) و بدانید

أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ

پیامبر خدا در میان شماست؛ هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقّت خواهید افتاد؛ ولی خداوند

حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ

ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهایتان زینت بخشیده، و کفر و فسق

وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ﴿٧﴾ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعۡمَةٗۚ

و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند. (۷) (و این) فضل و نعمتی از سوی خداست؛

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٨﴾ وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ

و خداوند دانا و حکیم است. (۸) و اگر دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند،

فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي

آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید

حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ

تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینهٔ صلح فراهم شد)، درمیان آن دو صلح عادلانه برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ

که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد. (۹) مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس بین

بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا

دو برادر خود صلح و آشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید، تا مشمول رحمت او شوید. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ

(هرگز) گروهی از مردان شما گروه دیگری را مسخره نکنند، شاید آنها ازاینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را،

عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ

شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید وبا القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید،

ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿١١﴾

بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ستمکارند. (۱۱)

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجْتَنِبُواْ كَثِيرًا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ ٱلظَّنِّ إِثْمٌ ۖ وَلَا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛

تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ

و (هرگز در کار دیگران) تجسس نکنید؛ وهیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که

لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَـٰٓأَيُّهَا

گوشت برادر مردهٔ خود را بخورد؟! (بیقین همهٔ) شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای‌الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. (۱۲) ای مردم!

ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَـٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَـٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْ ۚ

ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرارداديم تا يكديگر را بشناسيد؛

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ ۞ قَالَتِ

(اینها ملاک برتری نیست،) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ به یقین خداوند دانا و آگاه است. (۱۳)

ٱلْأَعْرَابُ ءَامَنَّا ۖ قُل لَّمْ تُؤْمِنُواْ وَلَـٰكِن قُولُوٓاْ أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ

اعراب بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم.» بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم،

ٱلْإِيمَـٰنُ فِى قُلُوبِكُمْ ۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَـٰلِكُمْ

هنوز ایمان وارد قلوب شما نشده است؛ و اگر ازخدا وپیامبرش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند،

شَيْـًٔا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ

خداوند، آمرزندهٔ و مهربان است.» (۱۴) مؤمنان (واقعی) تنهاکسانی هستند که به خدا وپیامبرش ایمان آورده‌اند،

وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُواْ وَجَـٰهَدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ

سپس شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛

ٱللَّهِ ۚ أُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّـٰدِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ

آنها راستگویانند. (۱۵) بگو: «آیا خدا را از ایمان خود باخبر می‌سازید؟!

بِدِينِكُمْ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ

او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند؛ و خداوند بر همه

شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُواْ ۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَىَّ إِسْلَـٰمَكُم ۖ

چیز داناست.» (۱۶) آنها بر تو منّت می‌نهند که اسلام آورده‌اند؛ بگو: «اسلام آوردن خود را بر من منّت نگذارید،

بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَىٰكُمْ لِلْإِيمَـٰنِ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّ

بلکه خداوند بر شما منّت می‌نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر (در ادعای ایمان) راستگو هستید. (۱۷)

ٱللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

خداوند غیب آسمانها و زمین را می‌داند و خدا نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست.» (۱۸)

۵۰ – سوره ق

سُورَةُ قٓ

ترتيبها ٥٠ | آياتها ٤٥

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قٓ وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْمَجِيدِ ﴿١﴾ بَلْ عَجِبُوٓا۟ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ

ق، سوگند به قرآن مجید (که قیامت و رستاخیز حق است)! (۱) آنها تعجب کردند که پیامبری انذارگر از میان خودشان به سراغ آنها آمده (و سخن از معاد

ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَىْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ۖ ذَٰلِكَ رَجْعٌۢ بَعِيدٌ

می‌گوید)؛ و کافران گفتند: «این چیز شگفت آوری است! (۲) آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم (دوباره به زندگی باز می‌گردیم)؟! این بازگشتی است

﴿٣﴾ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ ٱلْأَرْضُ مِنْهُمْ ۖ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ حَفِيظٌۢ ﴿٤﴾ بَلْ

بعید!» (۳) ولي ما آنچه را زمین از بدن آنها می‌کاهد؛ و نزد ما کتابي است که همه چیز در آن محفوظ است. (۴)

كَذَّبُوا۟ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِىٓ أَمْرٍ مَّرِيجٍ ﴿٥﴾ أَفَلَمْ يَنظُرُوٓا۟ إِلَى

آنها حق را هنگامي که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ از این رو پیوسته در کار آشفتهٔ خود متحیرند. (۵) آیا آنان به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند

ٱلسَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ ﴿٦﴾ وَ

که چگونه ما آن را بنا کرده‌ایم، و چگونه آن را (بوسیلهٔ ستارگان) زینت بخشیده‌ایم و هیچ شکاف و شکستي در آن نیست؟! (۶) و

ٱلْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍۭ بَهِيجٍ

زمین را گسترش دادیم و در آن کوههایي عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت‌انگیز در آن رویاندیم،

﴿٧﴾ تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿٨﴾ وَنَزَّلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً

(۷) تا سبب بینایي و یادآوري براي هر بندهٔ توبه‌کاري باشد! (۸) واز آسمان، آبي پربرکت نازل کردیم، و بوسیلهٔ آن باغها

مُّبَٰرَكًا فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ وَحَبَّ ٱلْحَصِيدِ ﴿٩﴾ وَٱلنَّخْلَ بَاسِقَٰتٍ

و دانه‌هایي را که درو می‌کنند رویاندیم، (۹) و نخلهای بلندقامت که میوه‌های متراکم‌دارند: (۱۰) همهٔ اینها برای روزی بخشیدن به بندگان است. و بوسیلهٔ

لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ﴿١٠﴾ رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ ۖ وَأَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذَٰلِكَ

باران سرزمین مرده را زنده کردیم؛ (آری) زنده شدن مردگان نیز همین گونه است. (۱۱) پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب رسّ» [= قومی که در یمامه زندگی

ٱلْخُرُوجُ ﴿١١﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ ﴿١٢﴾ وَعَادٌ

می‌کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند، (۱۲) و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط، (۱۳) «و اصحاب ایکه» [=

وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَٰنُ لُوطٍ ﴿١٣﴾ وَأَصْحَٰبُ ٱلْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۚ كُلٌّ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ

قوم شعیب] و قوم تُبَّع (که در سرزمین یمن زندگي می‌کردند)، هر یک از آنها پیامبران را تکذیب کردند و وعدهٔ عذاب دربارهٔ آنان تحقق یافت. (۱۴) آیا ما

فَحَقَّ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ أَفَعَيِينَا بِٱلْخَلْقِ ٱلْأَوَّلِ ۚ بَلْ هُمْ فِى لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٥﴾

از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش دوبارهٔ آنها نباشیم)؟! ولي آنها (با این دلایل روشن) در آفرینش جدید تردید دارند. (۱۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ ۖ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ

ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از

حَبْلِ ٱلْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذْ يَتَلَقَّى ٱلْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَّا

رگ قلبش نزدیکتریم! (۱۶) (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند؛ (۱۷) انسان هیچ

يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ وَجَآءَتْ سَكْرَةُ ٱلْمَوْتِ بِٱلْحَقِّ

سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه، فرشته‌ای مراقب و آماده (برای ضبط آن) نزد او حاضر است! (۱۸) و سرانجام، سکرات مرگ حقیقت را (پیش چشم

ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾ وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ ٱلْوَعِيدِ ﴿٢٠﴾ وَ

او) می‌آورد (و گفته می‌شود:) این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی! (۱۹) و در «صور» دمیده می‌شود؛ آن روز، روز وعده وحشتناک است! (۲۰) و

جَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢١﴾ لَّقَدْ كُنتَ فِى غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا

هر انسانی (به محشر) می‌آید در حالی که فرشته‌ای او را (به سوی دادگاه عدل الهی) می‌راند و گواهی همراه اوست! (۲۱) (به او خطاب می‌شود) تو از این صحنه

فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلْيَوْمَ حَدِيدٌ ﴿٢٢﴾ وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَىَّ

غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت تیزبین است. (۲۲) فرشتهٔ همراه او می‌گوید: «این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر است!»

عَتِيدٌ ﴿٢٣﴾ أَلْقِيَا فِى جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٢٤﴾ مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ

(۲۳) (خداوند فرمان می‌دهد:) هر کافر حق ستیزی را در دوزخ افکنید! (۲۴) آن کسی که به شدت مانع خیر و متجاوز و در شک و تردید بوده است؛

﴿٢٥﴾ ٱلَّذِى جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِى ٱلْعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾

(۲۵) همان کسی که معبود دیگری با خدا قرارداده بود، (آری) او را درعذاب شدید بیفکنید! (۲۶)

۞ قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطْغَيْتُهُۥ وَلَٰكِن كَانَ فِى ضَلَٰلٍۭ بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾ قَالَ لَا

و همنشینش (از شیاطین) می‌گوید: «پروردگارا! من او را به طغیان وانداشتم، بلکه او خود در گمراهی دور و درازی بود!» (۲۷) (خداوند) می‌گوید:

تَخْتَصِمُوا۟ لَدَىَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِٱلْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾ مَا يُبَدَّلُ ٱلْقَوْلُ لَدَىَّ وَ

«نزد من جدال و مخاصمه نکنید؛ من پیشتر به شما هشدار داده‌ام (و اتمام حجّت کرده‌ام)! (۲۸) سخن من تغییرناپذیر است، و من هرگز به

مَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن

بندگان ستم نخواهم کرد!» (۲۹) (به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنم می‌گوییم: «آیا پر شده‌ای؟!» و او می‌گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟!»

مَّزِيدٍ ﴿٣٠﴾ وَأُزْلِفَتِ ٱلْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ

(۳۰) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می‌کنند، و فاصله‌ای از آنان ندارد! (۳۱) این چیزی است که به شما وعده داده می‌شود، برای توبه کاران و حافظان پیمان،

أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾ مَّنْ خَشِىَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ﴿٣٣﴾

(۳۲) همان کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی‌پر انابه در محضر او حاضر شود! (۳۳) (به آنان گفته می‌شود:) بسلامت وارد بهشت شوید،

ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ۖ ذَٰلِكَ يَوْمُ ٱلْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾

امروز روز جاودانگی است. (۳۴) هرچه بخواهند در آن‌جا برای آنها هست، و نزد ما افزون بر آن است (نعمتهایی که به فکر هیچ کس نمی‌رسد)! (۳۵)

۵۱ – سوره الذاریات

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند و شهرها (و کشورها) را گشودند؛

هَلْ مِن مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ

آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد؟! (۳۶) در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرا دهد

أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ

در حالی که حضور (قلب) داشته باشد. (۳۷) ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست

الْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ ﴿٣٨﴾

در شش روز [= شش‌دوران] آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید. (با این حال چگونه زنده کردن مردگان برای ما مشکل است؟!) (۳۸)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

در برابر آنچه آنها می‌گویند شکیبا باش، و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب تسبیح و حمد پروردگارت

وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾ وَاسْتَمِعْ

را بگوی، (۳۹) و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده‌ها. (۴۰) و گوش فرا ده و

يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ

منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد، (۴۱) روزی که همگان صیحهٔ رستاخیز را بحق می‌شنوند؛ آن روز،

يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ يَوْمَ

روز خروج(ازقبرها) است. (۴۲) ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و بازگشت تنها به سوی ماست. (۴۳) روزی

تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا

که زمین بسرعت از روی آنها شکافته می‌شود و (از قبرها) خارج می‌گردند؛ و این جمع کردن برای ما آسان است. (۴۴) ما به آنچه آنها می‌گویند آگاهتریم،

يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی؛ پس بوسیلهٔ قرآن، کسانی را که از عذاب من می‌ترسند متذکّر ساز (وظیفهٔ تو همین است). (۴۵)

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

ترتيبها ٥١ | آياتها ٦٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا ﴿١﴾ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ﴿٢﴾ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ﴿٣﴾

سوگند به بادهایی که (ابرها را) به حرکت در می‌آورند، (۱) و به آن ابرها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می‌کنند، (۲) و به کشتیهایی که به آسانی به حرکت در می‌آیند، (۳)

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا ﴿٤﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾

و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند، (۴) (آری سوگند به همهٔ اینها) که آنچه به شما وعده شده قطعاً راست است؛ (۵) و بی‌شک جزای اعمال واقع شدنی است! (۶)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿٧﴾ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ﴿٨﴾ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ

قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست، (۷) که شما (دربارهٔ قیامت) در گفتار مختلفی هستید! (۸) (تنها) کسی از (ایمان به) آن منحرف می‌شود

﴿٩﴾ قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ﴿١١﴾ يَسْأَلُونَ

که (از قبول حق) سرباز زده است. (۹) کشته باد دروغگویان، (۱۰) همانها که در جهل و غفلت فرو رفته‌اند، (۱۱) و پیوسته سؤال می‌کنند:

أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٢﴾ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿١٣﴾ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا

«روز جزا کی فرا می‌رسد؟!» (۱۲) (بگو: آری) همان روزی است که آنها را بر آتش عذاب می‌کنند! (۱۳) (و گفته می‌شود:) بچشید عذاب خود را، این همان

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾

چیزی است که برای آن شتاب داشتید! (۱۴) به یقین، پرهیزگاران در باغهای بهشتی و در میان چشمه‌ها قراردارند، (۱۵)

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿١٦﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ

و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می‌دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند. (۱۶) آنها کمی از

اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٨﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ

شب را می‌خوابیدند، (۱۷) و در سحرگاهان استغفار می‌کردند، (۱۸) و در اموال آنها حقّی برای

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿١٩﴾ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَفِي أَنْفُسِكُمْ ۚ

سائل و محروم بود. (۱۹) و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است، (۲۰) و در وجود شما (نیز آیاتی است)؛

أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢١﴾ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ

آیا نمی‌بینید؟! (۲۱) و روزی شما در آسمان است و نیز آنچه شما وعده داده می‌شوید. (۲۲) سوگند به پروردگار آسمان و

الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ ﴿٢٣﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ

زمین که این مطلب حق است همان گونه که شما سخن می‌گویید! (۲۳) آیا خبر مهمانهای گرامی

إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ

ابراهیم به تو رسیده است؟! (۲۴) در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که گروهی ناآشنایید!»

مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ

(۲۵) سپس پنهانی به سوی خانوادهٔ خود رفت و گوسالهٔ فربه (و بریان شده‌ای را برای آنها) آورد، (۲۶) و نزدیک آنها گذارد، (ولی با تعجب دید دست به

قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ وَبَشَّرُوهُ

سوی غذا نمی‌برند) گفت: «چرا نمی‌خورید؟!» (۲۷) و (چون غذا نخوردند) از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: «نترس (ما فرستادگان و فرشتگان پروردگار

بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ

توایم)!» و او را بشارت به تولّد پسری دانا دادند. (۲۸) در این هنگام همسرش جلو آمد در حالی که (از خوشحالی و تعجّب) فریاد می‌کشید، به صورت خود زد

عَقِيمٌ ﴿٢٩﴾ قَالُوا كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾

و گفت: «(آیا پسری خواهم آورد با اینکه) پیرزنی نازا هستم؟!» (۲۹) گفتند: «پروردگارت چنین گفته است، و او حکیم و داناست.» (۳۰)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۱﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ

(ابراهیم) گفت: «ای فرستادگان (خدا) ماموریت شما چیست؟» (۳۱) گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده‌ایم،

﴿۳۲﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ﴿۳۳﴾ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ

(۳۲) تا بارانی از «گل‌های متحجّر» برآنهابفرستیم؛ (۳۳) که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان‌گذاشته‌شده‌است.»

﴿۳۴﴾ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۵﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ

(۳۴) ما مؤمنانی را که در آن (شهرها) بودند (قبل ازنزول عذاب) خارج کردیم، (۳۵) ولی جز یک خانوادهٔ با ایمان در آنجا نیافتیم.

الْمُسْلِمِينَ ﴿۳۶﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۳۷﴾

(۳۶) و در آن (شهرهای بلا دیده) نشانه‌ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می‌ترسند به جای گذاردیم. (۳۷)

وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿۳۸﴾ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ

و در سرگذشت موسی نیز(نشانه و درس عبرتی بود)هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم؛ (۳۸) امّا او با تمام وجودش روی برتافت و

سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿۳۹﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿۴۰﴾

گفت: «این مرد یا ساحراست یادیوانه!» (۳۹) از این رو ما او و لشکریانش راگرفتیم وبه دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش بود. (۴۰)

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿۴۱﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ

و(همچنین) در سرگذشتِ «عاد» در آن هنگام که تندبادی بی‌باران بر آنها فرستادیم، (۴۱) که بر هیچ چیز نمی‌گذشت مگر این‌که آن را همچون استخوانهای

إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿۴۲﴾ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۴۳﴾

پوسیده می‌ساخت. (۴۲) و نیز در سر گذشت قوم «ثمود» عبرتی است آنگاه که به آنان گفته شد: «مدتی (کوتاه) بهره‌مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!» (۴۳)

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿۴۴﴾ فَمَا

آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که نگاه می‌کردند (بی‌آنکه قدرت دفاع داشته باشند). (۴۴) (چنان بر زمین

اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ﴿۴۵﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ

افتادند که) نه توان برخاستن داشتند و نه می‌توانستند از کسی یاری طلبند! (۴۵) همچنین قوم نوح را پیش از آنها (هلاک کردیم)،

كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۴۶﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿۴۷﴾

چرا که‌قوم فاسقی بودند. (۴۶) و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می‌بخشیم. (۴۷)

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿۴۸﴾ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا

و زمین را گستردیم، و چه خوب گسترانندهٔ‌ای هستیم! (۴۸) و از هر چیز یک جفت آفریدیم، (و اینها همه

زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ ۖ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ

برای آن است که) شاید متذکّر شوید. (۴۹) پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما انذارکننده‌ای آشکارم.

﴿۵۰﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ ۖ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿۵۱﴾

(۵۰) و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم دهنده‌ای آشکارم. (۵۱)

۵۲ – سوره الطور

كَذَٰلِكَ مَآ أَتَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُواْ سَاحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٌ ﴿٥٢﴾

این گونه است که هیچ پیامبری به سوی کسانی که قبل از آنها بودند فرستاده نشد مگر این‌که گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!» (۵۲) آیا یکدیگر را

أَتَوَاصَوۡاْ بِهِۦۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٌ طَاغُونَ ﴿٥٣﴾ فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَمَآ أَنتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٤﴾

به آن سفارش می‌کردند؟! چنین نیست، بلکه آنها قومی طغیانگرند. (۵۳) حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خورِ ملامت نخواهی بود؛ (۵۴)

وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٥٥﴾ وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَ

و پیوسته تذکّر ده، زیرا تذکّر مؤمنان را سود می‌بخشد. (۵۵) من جنّ و انس را نیافریدم

ٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٍ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ

جز برای این‌که مرا پرستش کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند). (۵۶) هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند.

﴿٥٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ﴿٥٨﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبًا

(۵۷) زیرا تنها خداوند روزی دهنده و صاحب قدرت است و ناتوانی در او راه ندارد. (۵۸) و برای کسانی که ستم کردند،

مِّثۡلَ ذَنُوبِ أَصۡحَٰبِهِمۡ فَلَا يَسۡتَعۡجِلُونِ ﴿٥٩﴾ فَوَيۡلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن

سهم بزرگی (از عذاب) است همانندسهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین)؛ بنابراین عجله نکنند! (۵۹) پس وای بر کسانی که

يَوۡمِهِمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

کافر شدند از روزی که به آن وعده داده می‌شوند! (۶۰)

سُورَةُ الطُّورِ

ترتیبها ۵۲ — آیاتها ۴۹

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَٱلطُّورِ ﴿١﴾ وَكِتَٰبٍ مَّسۡطُورٍ ﴿٢﴾ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ ﴿٣﴾ وَٱلۡبَيۡتِ ٱلۡمَعۡمُورِ ﴿٤﴾

سوگند به کوهِ طور، (۱) و کتابی که نوشته شده، (۲) در صفحه‌ای گسترده، (۳) و سوگند به «بیت المعمور»، (۴)

وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ ﴿٥﴾ وَٱلۡبَحۡرِ ٱلۡمَسۡجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٌ ﴿٧﴾

وسقف برافراشته، (۵) و دریای مملوّ و برافروخته، (۶) که عذاب پروردگارت واقع شدنی است، (۷) و چیزی

مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٍ ﴿٨﴾ يَوۡمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ مَوۡرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ ٱلۡجِبَالُ سَيۡرًا ﴿١٠﴾

مانع آن نخواهد بود! (۸) (این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان بشدّت به حرکت در می‌آید، (۹) و کوهها از جا کنده و متحرک می‌شوند! (۱۰)

فَوَيۡلٌ يَوۡمَئِذٍ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي خَوۡضٍ يَلۡعَبُونَ ﴿١٢﴾ يَوۡمَ يُدَعُّونَ

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، (۱۱) همانها که در سخنان باطل‌به بازی مشغولند! (۱۲) در آن روز که آنها را

إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ﴿١٣﴾ هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾

به سوی آتش دوزخ می‌رانند. (۱۳) (به آنها می‌گویند:) این همان آتشی است که آن را تکذیب می‌کردید! (۱۴)

أَفَسِحْرٌ هَٰذَآ أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ ٱصْلَوْهَا فَٱصْبِرُوٓاْ أَوْ لَا

آیا این (دوزخ که می‌بینید) سحر است یا شما نمی‌بینید؟! (۱۵) در آن وارد شوید و بسوزید؛ می‌خواهید

تَصْبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ ۖ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ

صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ تنها به اعمالتان جزا داده می‌شوید! (۱۶) ولی پرهیزگاران در میان

فِى جَنَّٰتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَىٰهُمْ رَبُّهُمْ

باغهای بهشتی و نعمتهای فراوان جای دارند. (۱۷) و از آنچه پروردگارشان به آنها داده شاد و مسرورند و پروردگارشان آنان را از

عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُواْ وَٱشْرَبُواْ هَنِيٓـًٔۢا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

عذاب دوزخ نگاه داشته است. (۱۸) (به آنها گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید گوارا باد (بر شما)؛ اینها در برابر اعمالی است که انجام می‌دادید. (۱۹)

مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَٰهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَٱلَّذِينَ

این در حالی است که بر تختهایی که در کنار هم چیده شده تکیه می‌زنند، و «حورالعین» را به همسری آنها درمی‌آوریم. (۲۰) کسانی که

ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَآ أَلَتْنَٰهُم مِّنْ

ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم؛

عَمَلِهِم مِّن شَىْءٍ ۚ كُلُّ ٱمْرِئٍۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾ وَأَمْدَدْنَٰهُم بِفَٰكِهَةٍ وَ

و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است. (۲۱) و همواره از انواع میوه‌ها و گوشتها ـ از هر گونه که بخواهند ـ در

لَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ﴿٢٣﴾

اختیارشان می‌گذاریم. (۲۲) آنها در بهشت جامهای لبریز (از شراب طهور) را که نه بیهوده‌گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می‌گیرند. (۲۳)

۞ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ

و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می‌کنند که همچون مرواریدهای پوشیده در صدفند. (۲۴) در این هنگام رو به یکدیگر کرده

عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِىٓ أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾

(از گذشته‌ها) می‌پرسند؛ (۲۵) می‌گویند: «ما در میان خانوادهٔ خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)! (۲۶)

فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِن

امّا خداوند بر ما منّت نهاد و از عذاب سخت و نافذ (دوزخ) ما را حفظ کرد. (۲۷) ما از پیش او را می‌خواندیم

قَبْلُ نَدْعُوهُ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْبَرُّ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكِّرْ فَمَآ أَنتَ بِنِعْمَتِ

(و می‌پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان.» (۲۸) پس تذکّر ده، که به نعمت و لطف

رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيْبَ

پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی، (۲۹) بلکه آنها می‌گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را

ٱلْمَنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُواْ فَإِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

می‌کشیم!» (۳۰) بگو: «انتظار بکشید که من هم با شما انتظار می‌کشم (شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی)!» (۳۱)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَٰذَا ۚ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۚ بَل لَّا

آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور می‌دهد، یا قومی طغیانگرند؟! (۳۲) یا می‌گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»؟! چنین نیست، بلکه آنان

يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾ أَمْ

ایمان ندارند. (۳۳) اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند! (۳۴) آیا

خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَ

آنها بدون خالق آفریده شده‌اند، یا اینکه خود خالق خویشند؟! (۳۵) آیا آنها آسمانها و

الْأَرْضَ ۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ

زمین را آفریده‌اند؟! چنین نیست، آنها جویای یقین نیستند. (۳۶) آیا خزاین پروردگارت نزد آنهاست یا (بر همه چیز عالم) سیطره دارند؟!

﴿٣٧﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۖ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

(۳۷) آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می‌روند) و اسرار وحی را می‌شنوند؟! کسی از آنها که اسرار وحی را شنیده دلیل روشنی بیاورد! (۳۸)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران (که فرشتگان را دختران خدا می‌نامید)؟! (۳۹) آیا تو از آنها پاداشی می‌طلبی که در زیر بار گران آن قرار

﴿٤٠﴾ أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا

دارند؟! (۴۰) آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می‌نویسند؟! (۴۱) آیا می‌خواهند نقشه‌ای (شیطانی) بکشند؟! ولی بدانند کافران خودشان

هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾

در دام این نقشه‌ها گرفتار می‌شوند! (۴۲) یا معبودی غیر خداوند دارند (که قول یاری به آنها داده)؟! منزّه است خدا از آنچه همتای او قرار می‌دهند! (۴۳)

وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿٤٤﴾ فَذَرْهُمْ

آنها (چنان لجوجند که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می‌کند می‌گویند: «این ابر متراکمی است!» (۴۴) حال که چنین است

حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ

آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند! (۴۵) روزی که نقشه‌های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت

كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ

و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند. (۴۶) و برای کسانی که ستم کردند عذابی قبل از آن

ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَ

(در همین جهان) است؛ ولی بیشترشان نمی‌دانند. (۴۷) در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو تحت مراقبت و حفظ ما هستی. و هنگامی

سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

که برمی‌خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی. (۴۸) همچنین به هنگام شب او را تسبیح گوی و نیز به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح). (۴۹)

سُورَةُ النَّجْمِ

ترتيبها ٥٣ — آياتها ٦٢

۵۳ – سوره النجم

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَٱلنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يَنطِقُ عَنِ

سوگند به ستاره هنگامی که افول می‌کند، (۱) که هرگز دوست شما [= رسول خدا] گمراه نشده و منحرف نگردیده است، (۲) و هرگز از روی هوای نفس

ٱلْهَوَىٰٓ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾ عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلْقُوَىٰ ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ

سخن نمی‌گوید. (۳) آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او القا شده نیست. (۴) آن کس که قدرت عظیمی دارد [= جبرئیل امین] او را تعلیم داده است: (۵)

فَٱسْتَوَىٰ ﴿٦﴾ وَهُوَ بِٱلْأُفُقِ ٱلْأَعْلَىٰ ﴿٧﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ﴿٨﴾ فَكَانَ قَابَ

همان کس که توانایی فوق‌العاده دارد؛ آنگاه او [= پیامبر] به حدّ کمال رسید، (۶) در حالی که در افق اعلی بود. (۷) سپس نزدیک و نزدیکتر شد، (۸) تا

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾ فَأَوْحَىٰٓ إِلَىٰ عَبْدِهِۦ مَآ أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾ مَا كَذَبَ ٱلْفُؤَادُ

آن‌که فاصلهٔ او (با جبرئیل) به اندازهٔ فاصلهٔ دو قوس کمان یا کمتر بود: (۹) در این جا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده‌اش وحی نمود. (۱۰) قلب (پاک

مَا رَأَىٰٓ ﴿١١﴾ أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾ عِندَ

او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. (۱۱) آیا با او دربارهٔ آنچه (با چشم خود در معراج) دیده مجادله می‌کنید؟! (۱۲) و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد، (۱۳)

سِدْرَةِ ٱلْمُنتَهَىٰ ﴿١٤﴾ عِندَهَا جَنَّةُ ٱلْمَأْوَىٰٓ ﴿١٥﴾ إِذْ يَغْشَى ٱلسِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ

نزد «سدرة المنتهی»، (۱۴) که «بهشت جاویدان» در آن‌جاست. (۱۵) در آن هنگام که چیزی [= نور خیره کننده‌ای] سدرة المنتهی را پوشانده بود،

﴿١٦﴾ مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٧﴾ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِ ٱلْكُبْرَىٰٓ ﴿١٨﴾

(۱۶) چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیّت بود) (۱۷) به یقین او بزرگترین نشانه‌های پروردگارش را (در آن سفر آسمانی) دید. (۱۸)

أَفَرَءَيْتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلْعُزَّىٰ ﴿١٩﴾ وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ ٱلْأُخْرَىٰٓ ﴿٢٠﴾ أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ

به من خبر دهید آیا بتهای «لات» و «عزّی»، (۱۹) و «منات» که سوّمین آنهاست (دختران خداهستند)؟! (۲۰) آیا سهم شما پسر است و سهم او

وَلَهُ ٱلْأُنثَىٰ ﴿٢١﴾ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰٓ ﴿٢٢﴾ إِنْ هِىَ إِلَّآ أَسْمَآءٌ سَمَّيْتُمُوهَآ

دختر؟! (در حالی که به زعم شما دختران کم ارزش‌ترند!) (۲۱) در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است. (۲۲) اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر

أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ ۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا

آنها گذاشته‌اید (نامهایی بی‌محتوا و اسمهایی بی‌مسمّا)، و هرگز خداوند دلیل و حجّتی بر آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمانهای بی‌اساس و هوای نفس پیروی

تَهْوَى ٱلْأَنفُسُ ۖ وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلْهُدَىٰٓ ﴿٢٣﴾ أَمْ لِلْإِنسَٰنِ مَا

می‌کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است. (۲۳) آیا آنچه انسان تمنّا دارد

تَمَنَّىٰ ﴿٢٤﴾ فَلِلَّهِ ٱلْءَاخِرَةُ وَٱلْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾ ۞ وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ

به آن می‌رسد؟! (۲۴) در حالی که آخرت و دنیا از آن خداست (و بدون ارادهٔ او کسی به چیزی نمی‌رسد). (۲۵) و چه بسیار فرشتگان آسمانها

لَا تُغْنِى شَفَٰعَتُهُمْ شَيْـًٔا إِلَّا مِنۢ بَعْدِ أَن يَأْذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرْضَىٰٓ ﴿٢٦﴾

که شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد مگر پس از آن‌که خدا برای هرکس بخواهد و راضی باشد اجازهٔ (شفاعت) دهد. (۲۶)

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةَ تَسْمِيَةَ ٱلْأُنثَىٰ ﴿٢٧﴾ وَمَا

کساني که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختران (خدا) نامگذاري مي‌کنند. (۲۷) آنها هرگز

لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ ۖ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغْنِى مِنَ ٱلْحَقِّ شَيْـًٔا

در این باره دانشي ندارند،تنها از گمان بي‌پایه پیروي مي‌کنند با این‌که «گمان» هرگز (انسان را) از حق بي‌نیاز نمي‌کند.

﴿٢٨﴾ فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَ

(۲۸) حال که چنین است از کسي که از یاد ما روي گردانده و جز زندگي دنیا را نخواسته، اعراض کن. (۲۹) این

مَبْلَغُهُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ

آخرین حدّ آگاهي آنهاست؛ پروردگار تو کساني را که از راه او گمراه شده‌اند بهتر مي‌شناسد،و (همچنین) هدایت یافتگان را از همه

ٱهْتَدَىٰ ﴿٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ لِيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ

بهتر مي‌شناسد. (۳۰) و براي خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهایشان برساند

أَسَـٰٓـُٔوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟ وَيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ بِٱلْحُسْنَى ﴿٣١﴾ ٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ

و نیکوکاران را در برابر اعمالشان پاداش دهد. (۳۱) همان کساني که از گناهان کبیره و اعمال زشت دوري مي‌کنند، جز گناهان صغیره (که گاه آلودهٔ آن

كَبَـٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلْمَغْفِرَةِ ۚ هُوَ أَعْلَمُ

مي‌شوند)؛ (و بدان که) آمرزش پروردگار تو گسترده است؛ او نسبت به شما از همه آگاهتر است از آن هنگام که

بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِى بُطُونِ أُمَّهَـٰتِكُمْ ۖ

شما را از زمین آفرید و در آن موقع که بصورت جنینهایي در شکم مادرانتان بودید؛ پس خودستایي نکنید،

فَلَا تُزَكُّوٓا۟ أَنفُسَكُمْ ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ ﴿٣٢﴾ أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِى تَوَلَّىٰ ﴿٣٣﴾

او پرهیزگاران را بهتر مي‌شناسد. (۳۲) آیا دیدي آن کس را که (از حق) روي‌گردان شد؟! (۳۳) و کمي عطا کرد،

وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰٓ ﴿٣٤﴾ أَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰٓ ﴿٣٥﴾ أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ

و امساک نمود! (و گناهش را به گردن دیگري افکند) (۳۴) آیا نزد او علم غیب است و مي‌بیند (که دیگران مي‌توانند گناهان او را بر دوش گیرند)؟! (۳۵) آیا از

بِمَا فِى صُحُفِ مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَإِبْرَٰهِيمَ ٱلَّذِى وَفَّىٰٓ ﴿٣٧﴾ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ

آنچه در کتب موسي نازل گردیده با خبر نشده است؟! (۳۶) و (نیز از آنچه در کتب) ابراهیم، همان کسي که وظیفهٔ خود را بطور کامل ادا کرد... (۳۷) که هیچ

وِزْرَ أُخْرَىٰ ﴿٣٨﴾ وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَـٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَنَّ سَعْيَهُۥ

گنهکاري بار گناه دیگري را بر دوش نمي‌گیرد، (۳۸) و این‌که براي انسان چیزي جز (حاصل) سعي و کوشش او نیست، (۳۹) و این‌که تلاش او بزودي دیده

سَوْفَ يُرَىٰ ﴿٤٠﴾ ثُمَّ يُجْزَىٰهُ ٱلْجَزَآءَ ٱلْأَوْفَىٰ ﴿٤١﴾ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلْمُنتَهَىٰ

مي‌شود، (۴۰) سپس به او جزاي کامل داده خواهد شد. (۴۱) و (آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) اینکه همهٔ امور به پروردگارت منتهي مي‌گردد؟!

﴿٤٢﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ ﴿٤٣﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

(۴۲) و این‌که اوست که خنداند و گریاند، (۴۳) و اوست که میراند و زنده کرد، (۴۴)

ص :۵۲۷

۵۴ – سوره القمر

وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوْجَيْنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ﴿٤٦﴾ وَأَنَّ عَلَيْهِ

و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید، (۴۵) از نطفهٔ ناچیزی در آن هنگام که (در رحم) ریخته می‌شود، (۴۶) و این‌که بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت

ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُخْرَىٰ ﴿٤٧﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ﴿٤٨﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ رَبُّ ٱلشِّعْرَىٰ

اجرا گردد)، (۴۷) و این‌که اوست که بی‌نیاز کرد و سرمایهٔ باقی بخشید، (۴۸) و این‌که اوست پروردگار ستارهٔ (بزرگ و درخشندهٔ) «شعری»! (۴۹) (و آیا به

﴿٤٩﴾ وَأَنَّهُۥٓ أَهْلَكَ عَادًا ٱلْأُولَىٰ ﴿٥٠﴾ وَثَمُودَا۟ فَمَآ أَبْقَىٰ ﴿٥١﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن

انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) اینکه خداوند قوم «عاد نخستین» را (به کیفر اعمالشان) هلاک کرد؟ (۵۰) و همچنین قوم «ثمود» را، و

قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ ﴿٥٢﴾ وَٱلْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ﴿٥٣﴾ فَغَشَّىٰهَا

کسی از آنان را باقی نگذارد! (۵۱) و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالم‌تر و طغیانگرتر بودند! (۵۲) و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط)

مَا غَشَّىٰ ﴿٥٤﴾ فَبِأَىِّ ءَالَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ﴿٥٥﴾ هَـٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلْأُولَىٰٓ

را فرو کوبید، (۵۳) سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید! (۵۴) (بگو:) در کدام یک از نعمتهای پروردگارت می‌توانی تردید کنی؟! (۵۵) این بیم دهنده‌ای از

﴿٥٦﴾ أَزِفَتِ ٱلْـَٔازِفَةُ ﴿٥٧﴾ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾ أَفَمِنْ هَـٰذَا

(زمرهٔ) بیم دهندگان پیشین است. (۵۶) آنچه باید نزدیک شود، نزدیک شده است (و قیامت فرا می‌رسد). (۵۷) و هیچ کس جز خدا نمی‌تواند سختیهای آن

ٱلْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾ وَأَنتُمْ سَـٰمِدُونَ ﴿٦١﴾

را برطرف سازد. (۵۸) آیا از این سخن تعجب می‌کنید، (۵۹) و می‌خندید و نمی‌گریید، (۶۰) و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می‌برید؟! (۶۱)

فَٱسْجُدُوا۟ لِلَّهِ وَٱعْبُدُوا۟ ۩ ﴿٦٢﴾

پس (بیدار شوید و همه) برای خدا سجده کنید و او را بپرستید. (۶۲)

سجدهٔ واجبة

سُورَةُ القَمَر

ترتيبها ۵۴　آياتها ۵۵

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ ﴿١﴾ وَإِن يَرَوْا۟ ءَايَةً يُعْرِضُوا۟ وَيَقُولُوا۟ سِحْرٌ

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! (۱) و هرگاه نشانه و معجزه‌ای را ببینند روی برمی‌گردانند و می‌گویند: «این سحری همیشگی است». (۲) آنها

مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾ وَكَذَّبُوا۟ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾

تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند؛ و هر امری سرانجامی دارد (و حق عاقبت آشکار خواهد شد). (۳) به اندازهٔ کافی برای بازداشتن از بدیها

وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّنَ ٱلْأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾ حِكْمَةٌۢ بَـٰلِغَةٌ ۖ

اخبار (و سرگذشت امتهای پیشین) به آنان رسیده است. (۴) (این آیات،) حکمت بالغه است؛ امّا انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی‌دهد. (۵) بنابراین از

فَمَا تُغْنِ ٱلنُّذُرُ ﴿٥﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ ۘ يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَىْءٍ نُّكُرٍ ﴿٦﴾

آنها روی بگردان، و روزی را به یاد آور که دعوت کنندهٔ الهی (مردم را) به امر (وحشتناک و) ناخوشایندی [= حساب اعمال] دعوت می‌کند! (۶)

خُشَّعًا أَبْصَٰرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ﴿٧﴾ مُّهْطِعِينَ

آنان در حالي كه چشمهايشان از شدّت وحشت به زير افتاده، همچون ملخهايي كه به هرسو پراكنده مي‌شوند از قبرها بيرون مي‌آيند، (٧) در حالي كه به

إِلَى ٱلدَّاعِ يَقُولُ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾ ۞ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ

سوي اين دعوت‌كنندهٔ الهي گردن مي‌كشند؛ كافران مي‌گويند: «امروز روز سخت (و دردناكي) است!» (٨) پيش از آنها قوم نوح (پيامبرشان را) تكذيب كردند،

فَكَذَّبُوا۟ عَبْدَنَا وَقَالُوا۟ مَجْنُونٌ وَٱزْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَغْلُوبٌ

(آري) بندهٔ ما را تكذيب كرده و گفتند: «او ديوانه است.» و (با انواع آزارها از ادامهٔ رسالتش) بازداشته شد. (٩) او به پيشگاه پروردگار عرضه داشت: «من

فَٱنتَصِرْ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَآ أَبْوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا ٱلْأَرْضَ

مغلوب (اين قوم طغيانگر) شده‌ام، پس (مرا) ياري كن!» (١٠) در اين هنگام درهاي آسمان را با آبي فراوان و بي وقفه گشوديم؛ (١١) و زمين را شكافتيم و

عُيُونًا فَٱلْتَقَى ٱلْمَآءُ عَلَىٰٓ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾ وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَٰحٍ وَ

چشمه‌هاي زيادي بيرون فرستاديم؛ و اين دو آب براي هدفي كه مقدّر شده بود درآميختند (و درياي وحشتناكي تشكيل شد)! (١٢) و او را بر (كشتي) ساخته

دُسُرٍ ﴿١٣﴾ تَجْرِى بِأَعْيُنِنَا جَزَآءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾ وَلَقَد تَّرَكْنَٰهَآ ءَايَةً

شده از الواح و ميخها سوار كرديم؛ (١٣) (آن كشتي) تحت مراقبت ما حركت مي‌كرد. اين پاداشي بود براي كساني كه مورد انكار قرار گرفته بودند. (١٤) ما

فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا

اين ماجرا را بعنوان نشانه‌اي در ميان امتها باقي گذارديم؛ آيا كسي هست كه پند گيرد؟! (١٥) (اكنون بنگريد) عذاب و انذارهاي من چگونه بود! (١٦) ما قرآن

ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿١٧﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى

را براي پند گرفتن آسان ساختيم؛ آيا كسي هست كه پند گيرد؟! (١٧) قوم عاد (نيز پيامبر خود را) تكذيب كردند؛ پس (ببينيد) عذاب و انذارهاي من چگونه

وَنُذُرِ ﴿١٨﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِى يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

بود! (١٨) ما تندباد وحشتناك و سردي را در روزي شوم مستمر بر آنان فرستاديم، (١٩)

تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ

كه‌مردم را همچون تنه‌هاي نخل ريشه كن شده از جا برمي‌كند! (٢٠) پس (ببينيد) عذاب و انذارهاي من چگونه بود!

﴿٢١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِٱلنُّذُرِ

(٢١) ما قرآن را براي پند گرفتن آسان ساختيم؛ آيا كسي هست كه پند گيرد؟! (٢٢) طايفهٔ ثمود (نيز) انذارهاي الهي را تكذيب كردند،

﴿٢٣﴾ فَقَالُوٓا۟ أَبَشَرًا مِّنَّا وَٰحِدًا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذًا لَّفِى ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾ أَءُلْقِىَ

(٢٣) و گفتند: «آيا ما از بشري از جنس خود پيروي كنيم؟! اگر چنين كنيم در گمراهي و جنون خواهيم بود. (٢٤) آيا از ميان

ٱلذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنۢ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ﴿٢٥﴾ سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَّنِ ٱلْكَذَّابُ

ما تنها بر او وحي نازل شده؟! نه، او دروغگوي هوسبازي است.» (٢٥) ولي فردا مي‌فهمند چه كسي دروغگوي

ٱلْأَشِرُ ﴿٢٦﴾ إِنَّا مُرْسِلُوا۟ ٱلنَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَٱرْتَقِبْهُمْ وَٱصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

هوسباز است! (٢٦) (به صالح گفتيم:) ما «ناقه» را براي آزمايش آنها مي‌فرستيم؛ در انتظار پايان كار آنان باش و صبر كن! (٢٧)

وَنَبِّئۡهُمۡ أَنَّ ٱلۡمَآءَ قِسۡمَةُۢ بَيۡنَهُمۡۖ كُلُّ شِرۡبٖ مُّحۡتَضَرٞ ﴿٢٨﴾ فَنَادَوۡاْ صَاحِبَهُمۡ فَتَعَاطَىٰ

و به آنها خبر ده که آب(قریه) باید در میانشان تقسیم شود، و هر یک برای سهم خود باید حاضر شوند. (۲۸) (برای از بین بردن ناقه) یکی از یاران خود را

فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ

صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد. (۲۹) پس (بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (۳۰) ما فقط یک صیحهٔ آسمانی بر آنها فرستادیم و

فَكَانُواْ كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ ﴿٣١﴾ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ

به دنبال آن همگی بصورت گیاهان خشک که برای چهارپایان آماده می‌کنند درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع آوری می‌کند! (۳۱) ما قرآن را برای

﴿٣٢﴾ كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطِۭ بِٱلنُّذُرِ ﴿٣٣﴾ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٖۖ

پند گرفتن آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟! (۳۲) قوم لوط انذارها را تکذیب کردند؛ (۳۳) ما بر آنها طوفانی از شن فرستادیم (و همه را هلاک

نَّجَّيۡنَٰهُم بِسَحَرٖ ﴿٣٤﴾ نِّعۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَن شَكَرَ ﴿٣٥﴾ وَ

کرد)، جز خاندان لوط که سحرگاهان نجاتشان دادیم. (۳۴) این نعمتی بود از ناحیهٔ ما؛ این گونه هر کسی را که شکر کند پاداش می‌دهیم. (۳۵) او آنها را از

لَقَدۡ أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدۡ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيۡفِهِۦ

مجازات ما بیم داد، ولی آنها اصرار بر مجادله و القای شک در برابر انذارهای الهی داشتند. (۳۶) آنها از او خواستند میهمانانش را در اختیارشان بگذارد؛ ولی

فَطَمَسۡنَآ أَعۡيُنَهُمۡ فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدۡ صَبَّحَهُم بُكۡرَةً

ما چشمانشان را نابینا کردیم (و گفتیم:) بچشید عذاب و انذارهای مرا! (۳۷) سرانجام صبحگاهان و در اوّل روز عذابی طولانی به

عَذَابٞ مُّسۡتَقِرّٞ ﴿٣٨﴾ فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ

سراغشان آمد. (۳۸) (و گفتیم:) پس بچشید عذاب وانذارهای مرا! (۳۹) ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که پند گرفتن؟! (۴۰) و

لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدۡ جَآءَ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ ٱلنُّذُرُ ﴿٤١﴾ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا

(همچنین) انذارها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ فرعونیان آمد. (۴۱) امّا آنها همهٔ آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم

كُلِّهَا فَأَخَذۡنَٰهُمۡ أَخۡذَ عَزِيزٖ مُّقۡتَدِرٍ ﴿٤٢﴾ أَكُفَّارُكُمۡ خَيۡرٞ مِّنۡ أُوْلَٰٓئِكُمۡ

و مجازات کردیم، گرفتن قدرتمندی! (۴۲) آیا کافران شما بهتر از آنانند یا

أَمۡ لَكُم بَرَآءَةٞ فِي ٱلزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ﴿٤٤﴾

برای شما امان نامه‌ای در کتب آسمانی نازل شده است؟! (۴۳) یا می‌گویند: «ماجماعتی متحد و پیروزیم»؟! (۴۴)

سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ وَٱلسَّاعَةُ

(امّا) بزودی جمعشان شکست می‌خورد و پا به فرار می‌گذارند! (۴۵) (علاوه بر این) رستاخیز موعد آنهاست، و مجازات قیامت

أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾ إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٖ ﴿٤٧﴾ يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي

هولناکتر و تلخ‌تر است! (۴۶) مجرمان در گمراهی و شعله‌های آتشند. (۴۷) در آن روز که به صورت در

ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ﴿٤٩﴾

آتش دوزخ کشیده می‌شوند (و به آنها گفته می‌شود:) بچشید عذاب دوزخ را! (۴۸) به یقین ما هر چیز را به اندازه آفریدیم. (۴۹)

۵۵ – سوره الرحمن

وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۭ بِٱلۡبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَآ

و فرمان ما یک امر بیش نیست، همچون یک چشم بر هم زدن. (۵۰) ما کسانی را که در گذشته شبیه شما

أَشۡيَاعَكُمۡ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيۡءٖ فَعَلُوهُ فِي

بودند هلاک کردیم! آیا کسی هست‌که پند گیرد؟! (۵۱) و هر کاری را انجام دادند در نامه‌های

ٱلزُّبُرِ ﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٖ وَكَبِيرٖ مُّسۡتَطَرٌ ﴿٥٣﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي

اعمالشان ثبت است. (۵۲) و هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده است. (۵۳) به یقین پرهیزگاران در

جَنَّٰتٖ وَنَهَرٖ ﴿٥٤﴾ فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۭ ﴿٥٥﴾

باغها و نهرهای بهشتی جای دارند، (۵۴) درجایگاه صدق نزد خداوند حاکم مقتدر. (۵۵)

سُورَةُ الرَّحۡمَٰن

ترتيبها ۵۵ — آياتها ۷۸

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ٱلرَّحۡمَٰنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ ﴿٢﴾ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ

خداوند رحمان، (۱) قرآن را تعلیم فرمود، (۲) انسان را آفرید، (۳) و به او سخن

ٱلۡبَيَانَ ﴿٤﴾ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ بِحُسۡبَانٖ ﴿٥﴾ وَٱلنَّجۡمُ وَٱلشَّجَرُ

گفتن آموخت. (۴) خورشید و ماه با حساب دقیقی در گردشند، (۵) و گیاهان و درختان

يَسۡجُدَانِ ﴿٦﴾ وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ ﴿٧﴾ أَلَّا تَطۡغَوۡاْ

برای خدا سجده می‌کنند. (۶) و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون نهاد، (۷) تا در میزان طغیان

فِي ٱلۡمِيزَانِ ﴿٨﴾ وَأَقِيمُواْ ٱلۡوَزۡنَ بِٱلۡقِسۡطِ وَلَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ

نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (۸) و وزن را براساس عدل برپا دارید و در سنجش کاستی نکنید.

﴿٩﴾ وَٱلۡأَرۡضَ وَضَعَهَا لِلۡأَنَامِ ﴿١٠﴾ فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَٱلنَّخۡلُ ذَاتُ

(۹) و زمین را برای مردم آفرید، (۱۰) که در آن میوه‌ها و نخلهای پرشکوفه است،

ٱلۡأَكۡمَامِ ﴿١١﴾ وَٱلۡحَبُّ ذُو ٱلۡعَصۡفِ وَٱلرَّيۡحَانُ ﴿١٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

(۱۱) و دانه‌هایی که همراه با ساقه و برگی است که بصورت کاه (و خوراک حیوانات) در می‌آید، و گیاهان خوشبو. (۱۲) پس (ای گروه جن و انس) کدامین

تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ كَٱلۡفَخَّارِ ﴿١٤﴾ وَ

نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۱۳) انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید، (۱۴) و

خَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ ﴿١٥﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾

جنّ را از شعله‌های آتش خلق کرد. (۱۵) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۱۶)

رَبُّ ٱلْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ ٱلْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾ مَرَجَ

او پروردگار دومشرق و دو مغرب است. (١٧) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (١٨) دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در

ٱلْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ (١٩) در میان آن دو مانعی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند (و به هم نمی‌آمیزند). (٢٠) پس کدامین

تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ يَخْرُجُ مِنْهُمَا ٱللُّؤْلُؤُ وَٱلْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (٢١) از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود. (٢٢) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!

تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ ٱلْجَوَارِ ٱلْمُنشَـَٔاتُ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَـٰمِ ﴿٢٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ

(٢٣) و برای او (و از ناحیهٔ او) است کشتیهای کوه پیکر ساخته شده که در دریا به حرکت در می‌آیند! (٢٤) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو ٱلْجَلَـٰلِ

انکار می‌کنید؟! (٢٥) همهٔ کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می‌شوند، (٢٦) و تنها ذات صاحب جلال و گرامی پروردگارت

وَٱلْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾ يَسْـَٔلُهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ

باقی می‌ماند. (٢٧) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (٢٨) تمام کسانی که در آسمانها

وَٱلْأَرْضِ ۚ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾

و زمین هستند از او تقاضا می‌کنند، و او هر روز در شأن و کاری است. (٢٩) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (٣٠)

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾

ای دو گروه انس و جن! بزودی به (حساب) شما می‌پردازیم! (٣١) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (٣٢)

يَـٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ إِنِ ٱسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا۟ مِنْ أَقْطَارِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَ

ای گروه جنّ و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید،

ٱلْأَرْضِ فَٱنفُذُوا۟ ۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَـٰنٍ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده). (٣٣) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را

تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾

انکار می‌کنید؟! (٣٤) (در قیامت) شعله‌هایی از آتش، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود؛ و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید. (٣٥)

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (٣٦) در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ

كَٱلدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْـَٔلُ عَن

می‌دهد که تاب تحمّل آن را نخواهید داشت). (٣٧) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (٣٨) در آن روز هیچ کس از

ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٌ وَلَا جَآنٌّ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

انس و جن از گناهش سؤال نمی‌شود (و همه چیز روشن است). (٣٩) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (٤٠)

يُعْرَفُ ٱلْمُجْرِمُونَ بِسِيمَٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِٱلنَّوَٰصِي وَٱلْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ

مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند؛ و موهای پیش سر، و پاهایشان را می‌گیرند (و به دوزخ می‌افکنند). (۴۱) پس کدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۲) این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می‌کردند. (۴۳)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلِمَنْ

اکنون در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند. (۴۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۵) و برای کسی که از مقام پروردگارش خائف

خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ ذَوَاتَآ أَفْنَانٍ

است، دو باغ بهشتی است. (۴۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۷) (آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها (و درختان پرطراوت)

﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ

است. (۴۸) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۴۹) در آنها دو چشمهٔ همیشه جاری است. (۵۰) پس کدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۵۱) در آن دو، از هر میوه‌ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر). (۵۲) پس کدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشٍۭ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۚ وَجَنَى

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۵۳) این در حالی است که آنها برفرشهایی تکیه کرده‌اند باآسترهایی از دیباوابریشم، ومیوه‌های رسیدهٔآن

ٱلْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ

دو باغ بهشتی نزدیک (و در دسترس) است. (۵۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان راانکار می‌کنید؟! (۵۵) در آن باغهای بهشتی زنانی هستند

ٱلطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند؛ و هیچ انس و جنّی پیش از ایشان با آنان تماس نداشته است. (۵۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را

تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا

انکار می‌کنید؟! (۵۷) آنها همچون یاقوت و مرجانند. (۵۸) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را

تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَآءُ ٱلْإِحْسَٰنِ إِلَّا ٱلْإِحْسَٰنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ

انکار می‌کنید؟! (۵۹) آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (۶۰) پس کدامین نعمتهای

ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۱) و پایین تر از آنها،دو باغ بهشتی (دیگر) است. (۶۲) پس کدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَآمَّتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۳) هر دو خرّم و سرسبزند. (۶۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!

﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

(۶۵) در آنها دو چشمهٔ جوشنده است. (۶۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۷)

فِيهِمَا فَٰكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِنَّ

در آنها میوه‌های فراوان و درخت خرما و انار است. (۶۸) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۶۹) و در آن باغهای بهشتی

خَيْرَٰتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ

زنانی نیکوخلق وزیبایند. (۷۰) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۷۱) حوریانی که در خیمه‌های

فِى ٱلْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ

بهشتی مستورند. (۷۲) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۷۳) هیچ انس و جنّی پیش از ایشان با آنها

قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ

تماس نداشته است (۷۴) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (۷۵) این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی

رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾

سبز رنگ ممتاز و زیبا تکیه زده‌اند که با بهترین و زیباترین پارچه‌های سبزرنگ پوشانده شده است. (۷۶) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار

تَبَٰرَكَ ٱسْمُ رَبِّكَ ذِى ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

می‌کنید؟! (۷۷) پربرکت و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگوار تو. (۷۸)

سُورَةُ ٱلْوَاقِعَةِ

ترتیبها ٥٦ — آیاتها ٩٦

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذَا

هنگامی که واقعهٔ عظیم (قیامت) واقع شود، (۱) هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند. (۲) (این واقعه) گروهی را پایین می‌آورد و گروهی را بالا می‌برد. (۳)

رُجَّتِ ٱلْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ ٱلْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنۢبَثًّا

در آن هنگام که زمین بشدّت به لرزه درمی‌آید، (۴) و کوهها درهم کوبیده می‌شود، (۵) و بصورت غبار پراکنده درمی‌آید،

﴿٦﴾ وَكُنتُمْ أَزْوَٰجًا ثَلَٰثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ

(۶) و شما (در آن زمان) سه گروه خواهید بود. (۷) (نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانی!

﴿٨﴾ وَأَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ ﴿٩﴾ وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ ﴿١٠﴾

(۸) و (گروه دیگر) شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی! (۹) و (سوّمین گروه) پیشگامان پیشگامند، (۱۰)

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ

آنها مقربانند. (۱۱) در باغهای پرنعمت بهشت (جای دارند). (۱۲) گروه زیادی (از آنها) از امتهای نخستین‌اند، (۱۳) و اندکی از امتهای آخرین.

مِّنَ ٱلْءَاخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ ﴿١٦﴾

(۱۴) (مقرّبان) بر تختهایی که در صفوف مختلف در کنار هم چیده شده قرار دارند، (۱۵) در حالی که بر آنها تکیه زده و رو به روی یکدیگرند. (۱۶)

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿١٨﴾

نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت) پیوسته برگرد آنان می‌گردند، (۱۷) با قدحها و کوزه‌ها و جامهایی لبریز از شراب طهور، (۱۸)

لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَحْمِ

شرابی که از آن دردسر می‌گیرند ونه مست می‌شوند، (۱۹) و میوه‌هایی از هر نوع که انتخاب کنند، (۲۰)

طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾

و گوشت پرنده از هر گونه که مایل باشند. (۲۱) و همسرانی از حورالعین دارند، (۲۲) همچون مروارید در صدف پنهان، (۲۳)

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلًا

اینها پاداشی است مطابق اعمالی که انجام می‌دادند. (۲۴) در آنجا نه لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند نه سخنان گناه آلود؛ (۲۵) تنها سخنی که

سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ

می‌شنوند «سلام» است «سلام». (۲۶) و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین و خجستگانی! (۲۷) آنها در سایهٔ درختان «سدر» بی‌خار قرار دارند،

﴿٢٨﴾ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَاكِهَةٍ

(۲۸) و در سایه درخت (خوش رنگ و پر برگ) «طلح»، (۲۹) و سایه‌ای گسترده، (۳۰) و در کنار آبشارها، (۳۱) و میوه‌های

كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ

فراوان، (۳۲) که هرگز پایان نمی‌گیرد و ممنوع نمی‌شود، (۳۳) و همسرانی والا مقام. (۳۴) ما آنها را آفرینش نوینی

إِنشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٧﴾ لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ

بخشیدیم، (۳۵) و همه را دوشیزه قرارداديم، (۳۶) زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند (و خوش زبان و فصیح) و همسن و سالند. (۳۷) اینها همه برای

﴿٣٨﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ

اصحاب یمین است، (۳۸) که گروهی از امّتهای نخستینند، (۳۹) و گروهی از امّتهای آخرین. (۴۰) واصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامهٔ اعمالشان به

مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَّا

نشانهٔ جرمشان به دست چپ آنها داده شده) (۴۱) آنها در میان بادهای کُشنده و آب سوزان قرار دارند، (۴۲) و در سایهٔ دودهای متراکم و آتش زا! (۴۳)

بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ

سایه‌ای که نه خنک است و نه آرام‌بخش. (۴۴) آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند، (۴۵) و همواره بر گناهان

عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا

بزرگ اصرار می‌ورزیدند، (۴۶) و می‌گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم،

وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ

آیا برانگیخته خواهیم شد؟! (۴۷) و آیا پدران نخستین ما (برانگیخته می‌شوند)؟!» (۴۸) بگو:

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾

«اوّلین و آخرین، (۴۹) همگی در موعد روزی معین گردآوری می‌شوند، (۵۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِئُونَ

سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده! (۵۱) به یقین از درخت (نفرت‌انگیز) زقوم می‌خورید، (۵۲) و شکمها را از

مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ

آن پر می‌کنید، (۵۳) و روی آن از آب سوزان می‌نوشید، (۵۴) و همچون شتران تشنه، از آن می‌آشامید.

﴿٥٥﴾ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾

(۵۵) این است وسیلهٔ پذیرایی از آنها در روز جزا! (۵۶) ما شما را آفریدیم؛ پس چرا (آفرینش مجدّد را) تصدیق نمی‌کنید؟! (۵۷)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ

آیا از نطفه‌ای که (در رحم) می‌ریزید آگاهید؟! (۵۸) آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می‌دهید یا ما آفریدگاریم؟! (۵۹) ما

قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَ

در میان شما مرگ را مقدّر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد. (۶۰) تا شما را به صورت دیگری تبدیل کرده و در جهانی که

نُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا

نمی‌دانید آفرینشی (تازه) بخشیم! (۶۱) شما عالَم نخستین را دانستید؛ پس چرا متذکّر نمی‌شوید

تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

(که جهانی بعد از آن است)؟! (۶۲) آیا دربارهٔ آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟! (۶۳) آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟!

﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ

(۶۴) اگر می‌خواستیم آن را مبدّل به کاه در هم کوبیده می‌کردیم تا در تعجب فرو روید! (۶۵) (بگونه‌ای که می‌گفتید:) براستی ما زیان کرده‌ایم،

﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ أَأَنْتُمْ

(۶۶) بلکه ما بکلّی محروم شده‌ایم! (۶۷) آیا به آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید؟! (۶۸) آیا شما آن را

أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا

از ابر نازل کرده‌اید یا ما نازل می‌کنیم؟! (۶۹) اگر می‌خواستیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می‌دادیم؛ پس چرا

تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ

شُکر نمی‌کنید؟! (۷۰) آیا دربارهٔ آتشی که می‌افروزید فکر کرده‌اید؟! (۷۱) آیا شما درخت آن را آفریده‌اید

شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ

یا ما آفریده‌ایم؟! (۷۲) ما آن را وسیلهٔ یادآوری (برای همگان) و وسیلهٔ زندگی برای مسافران قرار داده‌ایم.

﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ ۞ فَلَا أُقْسِمُ

(۷۳) حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی (و او را پاک و منزّه بشمار). (۷۴) سوگند به جایگاه ستارگان

بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

(و محل طلوع و غروب آنها)! (۷۵) و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! (۷۶)

۵۷ – سوره الحدید

إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ ﴿٧٨﴾ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ

که آن، قرآن پر ارزشی است، (۷۷) که در کتاب محفوظی جای دارد، (۷۸) و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند (و دست یابند).

﴿٧٩﴾ تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَنتُم مُّدۡهِنُونَ ﴿٨١﴾

(۷۹) آن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده؛ (۸۰) آیا این سخن را [= این قرآن را با اوصافی که گفته شد] سست و کوچک می‌شمرید، (۸۱)

وَتَجۡعَلُونَ رِزۡقَكُمۡ أَنَّكُمۡ تُكَذِّبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ ﴿٨٣﴾

و به جای شکر روزیهایی که به شما داده شده تکذیب می‌کنید؟! (۸۲) پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می‌رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟! (۸۳)

وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ

و شما در این حال نظاره می‌کنید(و کاری از دستتان ساخته نیست)؛ (۸۴) و ما از شما به او نزدیکتریم‌ولی نمی‌بینید.

﴿٨٥﴾ فَلَوۡلَآ إِن كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٨٧﴾

(۸۵) اگر (با انتقال به سرای دیگر، هرگز در برابر اعمالتان) جزا داده نمی‌شوید، (۸۶) پس آن (روح) را بازگردانید اگر راست می‌گویید! (۸۷)

فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ﴿٨٩﴾ وَ

(ولی) هرگاه او از مقرّبان باشد، (۸۸) در رَوح و ریحان و بهشت پرنعمت است. (۸۹)

أَمَّآ إِن كَانَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَٰمٞ لَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ

امّا اگر از اصحاب یمین باشد، (۹۰) (به او گفته می‌شود:) سلام بر تو از سوی اصحاب یمین (که از یاران تواند).

﴿٩١﴾ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزُلٞ مِّنۡ حَمِيمٖ ﴿٩٣﴾ وَ

(۹۱) امّا اگر او از تکذیب‌کنندگان گمراه باشد، (۹۲) با آب سوزان دوزخ پذیرایی می‌شود (۹۳)

تَصۡلِيَةُ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلۡيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است؛ (۹۴) به یقین حق و یقین این است. (۹۵) پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را منزّه بشمار). (۹۶)

سُورَةُ الحَدِيدِ

ترتیبها ۵۷ — آیاتها ۲۹

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُۥ مُلۡكُ

آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او توانا و حکیم است. (۱) مالکیّت و حاکمیّت

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٢﴾

آسمانها و زمین از آنِ اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و او بر هر چیز تواناست. (۲)

هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

اوست اوّل و آخر و پیدا و پنهان؛ و او به هر چیز داناست. (۳)

ص :۵۳۷

هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى

او كسي است كه آسمانها و زمين را در شش روز [= شش دوران] آفريد؛ سپس بر عرش قدرت قرارگرفت

ٱلْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَ

(و به تدبير جهان‌پرداخت)؛آنچه را در زمين داخل مي‌شود مي‌داند،و آنچه را از آن خارج مي‌شود و آنچه از آسمان نازل مي‌گردد

مَا يَعْرُجُ فِيهَا ۖ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾ لَّهُۥ

و آنچه به آسمان بالا مي‌رود؛ و هر جا باشيد او با شماست، و خداوند نسبت به آنچه انجام مي‌دهيد بيناست. (۴)

مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ﴿٥﴾ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِي

مالكيّت و حاكميت آسمانها و زمين از آنِ اوست؛ و همهٔ امور به سوي او بازگردانده مي‌شود. (۵) شب رادر روز داخل مي‌كند

ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيْلِ ۚ وَهُوَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٦﴾ ءَامِنُوا۟

و روز را در شب؛ و او به آنچه در درون سينه‌ها وجود دارد داناست. (۶) به خدا

بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُوا۟ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ۖ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

وپيامبرش ايمان بياوريد و از آنچه شما را جانشين و نمايندهٔ (خود) در آن قرارداده انفاق كنيد؛ (زيرا) كساني كه از شما ايمان بياورند

مِنكُمْ وَأَنفَقُوا۟ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ ۙ وَٱلرَّسُولُ

و انفاق كنند، اجربزرگي دارند. (۷) چرا به خدا ايمان نمي‌آوريد در حالي كه پيامبر شما را مي‌خواند

يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا۟ بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَٰقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ

كه به پروردگارتان ايمان بياوريد، و از شما پيمان گرفته است (پيماني از طريق فطرت و خرد)، اگر اهل ايمان آوردن هستيد؟! (۸) او

ٱلَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِۦٓ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى

كسي است كه آيات روشني بر بنده‌اش نازل مي‌كند تا شما را از تاريكيها به سوي نور خارج كند؛

ٱلنُّورِ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا۟ فِي سَبِيلِ

و خداوند نسبت به شما رئوف و مهربان است. (۹) چرا در راه خدا انفاق نمي‌كنيد در حالي كه

ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن

ميراث آسمانها و زمين همه از آنِ خداست (و كسي چيزي را با خود نمي‌برد)؟! كساني كه قبل از پيروزي انفاق كردند

قَبْلِ ٱلْفَتْحِ وَقَٰتَلَ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُوا۟ مِنۢ بَعْدُ وَ

و جنگيدند (با كساني كه پس از پيروزي انفاق كردند) يكسان نيستند؛ آنها والا مقام‌تر از كساني هستند كه بعد از فتح انفاق نمودند

قَٰتَلُوا۟ ۚ وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾ مَّن

و جنگ كردند؛ و خداوند به هر دو وعدهٔ نيك داده؛ و خدا به آنچه انجام مي‌دهيدآگاه است. (۱۰) كيست كه

ذَا ٱلَّذِي يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

به خدا وام نيكو دهد (و از اموالي كه به او ارزاني داشته انفاق كند) تا خداوند آن را براي او چندين برابر كند؟ و براي او پاداش پرارزشي است! (۱۱)

يَوْمَ تَرَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَـٰنِهِم

(این پاداش) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می‌نگری که نورشان پیش‌رو ودر سمتِ راستشان بسرعت حرکت می‌کند(وبه آنهامی‌گویند:) بشارت

بُشْرَىٰكُمُ ٱلْيَوْمَ جَنَّـٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ خَـٰلِدِينَ فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ هُوَ

باد بر شما امروز به باغهای بهشتی که نهرها از پای درختان آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند، و این همان

ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ ٱلْمُنَـٰفِقُونَ وَٱلْمُنَـٰفِقَـٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

رستگاری بزرگ است. (۱۲) همان روزی که مردان وزنان منافق به مؤمنان می‌گویند:

ٱنظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ٱرْجِعُوا۟ وَرَآءَكُمْ فَٱلْتَمِسُوا۟ نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم

«نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم.» به آنها گفته می‌شود: «به پشت سر خود بازگردید و نوری به دست آورید.»

بِسُورٍ لَّهُۥ بَابٌۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحْمَةُ وَظَـٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُونَهُمْ

در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و از طرف برونش عذاب. (۱۳) آنها بهشتیان را صدا می‌زنند:

أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ ۖ قَالُوا۟ بَلَىٰ وَلَـٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَٱرْتَبْتُمْ

«مگر ما با شما نبودیم؟!» می گویند: «آری، ولی شما خود را به گمراهی افکندید و انتظار (نابودی حق را) کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و

وَغَرَّتْكُمُ ٱلْأَمَانِىُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ﴿١٤﴾

آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد. (۱۴)

فَٱلْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ مَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ ۖ هِىَ

پس امروز نه از شما فدیه‌ای پذیرفته می‌شود، و نه از کافران؛ و جایگاهتان آتش است و همان شایسته شماست؛

مَوْلَىٰكُمْ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ ۞ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَن تَخْشَعَ

و چه بد سرانجامی است!» (۱۵) آیا وقت آن نرسیده است که دلهای کسانی که ایمان آورده‌اند،

قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟

در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع گردد و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد،

ٱلْكِتَـٰبَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ ٱلْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ

سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان (بر اثر فراموشکاری) قساوت یافت؛

فَـٰسِقُونَ ﴿١٦﴾ ٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يُحْىِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ

و بسیاری از آنها گنهکارند؟! (۱۶) بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند.

ٱلْـَٔايَـٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ ٱلْمُصَّدِّقِينَ وَٱلْمُصَّدِّقَـٰتِ وَ

ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید بیاندیشید. (۱۷) مردان و زنان انفاق کننده، و آنها که (از این راه)

أَقْرَضُوا۟ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَـٰعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

به خدا «قرض الحسنه» دهند، (پاداششان) برای آنان مضاعف می‌شود و پاداش پرارزشی دارند. (۱۸)

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَ ۖ وَٱلشُّهَدَآءُ عِندَ

کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند، آنها صدیقان و شاهدان نزد

رَبِّهِمۡ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ وَنُورُهُمۡ ۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ

پروردگارشانند؛ برای آنان است پاداش (اعمال) شان‌و نور (ایمان) شان؛ و کسانی که کافر شدند

أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١٩﴾ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَ

آیات ما را تکذیب کردند، آنها اهل دوزخ. (۱۹) بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی

لَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ ۖ كَمَثَلِ

و تجمّل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند

غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ

بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی و سرور فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زرد رنگ می‌بینی؛

حُطَٰمٗا ۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞ ۚ وَمَا

سپس تبدیل به کاه می‌شود. (آری دنیا نیز به همین سرعت می‌گذرد) و در آخرت، عذاب شدید است یا آمرزش و رضای الهی؛

ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ﴿٢٠﴾ سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن

و زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست. (۲۰) به پیش تازید برای رسیدن به آمرزش

رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ ۖ أُعِدَّتۡ لِلَّذِينَ

پروردگارتان و بهشتی که پهنهٔ آن مانند پهنهٔ آسمان و زمین است وبرای کسانی که

ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ ۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ

به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند؛ آماده شده است، این فضل خداوند است که به هرکس بخواهد می‌دهد؛ و خداوند دارای فضل

ٱلۡعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا

عظیم است. (۲۱) هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد

فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ﴿٢٢﴾

مگر این‌که همهٔ آنها قبل از آن‌که زمین را بیافرینیم‌در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است. (۲۲)

لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡ ۗ وَ

این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید؛

ٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ

و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. (۲۳) همان کسانی که بخل می‌ورزند ومردم را به بخل دعوت می‌کنند؛

ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

و هر کس (از این فرمان الهی) روی‌گردان شود، (به خود زیان می‌رساند، چرا که) خداوند بی‌نیاز و شایستهٔ ستایش است. (۲۴)

لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَ

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و

ٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ

میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به‌عدالت کنند؛

شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ

و آهن را آفریدیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا مشخص شود چه کسی خدا و پیامبرانش را یاری می‌کند بی آن‌که او را ببینند؛

ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحٗا وَإِبۡرَٰهِيمَ وَجَعَلۡنَا فِي

خداوند توانا و شکست‌ناپذیر است. (۲۵) ما نوح و ابراهیم را فرستادیم،

ذُرِّيَّتِهِمَا ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَۖ فَمِنۡهُم مُّهۡتَدٖۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ

و در دودمان آن دو نبوّت و کتاب قرار دادیم؛ بعضی از آنها هدایت یافته‌اند و بسیاری از آنها

فَٰسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى

گنهکارند. (۲۶) سپس در پی آنان پیامبران (دیگر) خود را فرستادیم، و به دنبال آنان عیسی

ٱبۡنِ مَرۡيَمَ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَ وَجَعَلۡنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ

بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند

ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَرَهۡبَانِيَّةً ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ

رأفت و رحمت قرار دادیم؛ و رهبانیّتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرّر نداشته بودیم؛

إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَاۖ فَـَٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ

گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آنها که

ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ

ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنها گنهکارند. (۲۷) ای کسانی که

ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ وَ

ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا بهره‌ای دو چندان از رحمتش به شما بدهد

يَجۡعَل لَّكُمۡ نُورٗا تَمۡشُونَ بِهِۦ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٢٨﴾

و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد؛و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۸)

لِّئَلَّا يَعۡلَمَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَلَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّن فَضۡلِ ٱللَّهِ

تا اهل کتاب بدانند که قادر بر (به دست آوردن) چیزی از فضل خدا نیستند،

وَأَنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می‌بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است. (۲۹)

۵۸ – سوره المجادله

سُورَةُ المُجَادِلَةِ — ترتيبها ۵۸ — آياتها ۲۲

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّتِى تُجَٰدِلُكَ فِى زَوْجِهَا وَتَشْتَكِىٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ

خداوند سخن آن زن را که دربارهٔ همسرش با تو گفتگو می‌کرد و به خداوند شکایت می‌نمود شنید (و تقاضای او را اجابت کرد)؛

يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَآ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿١﴾ ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن

خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را دربارهٔ حل مشکلش) می‌شنید؛ به یقین خداوند شنوا و بیناست. (۱) کسانی که از شما نسبت به

نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمْ ۖ إِنْ أُمَّهَٰتُهُمْ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔى وَلَدْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ

زنانشان «ظهار» می‌کنند (و می‌گویند: «تو نسبت به من به منزلهٔ مادرم هستی»)، آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی‌اند که آنها را به دنیا

لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ ٱلْقَوْلِ وَزُورًا ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٢﴾

آورده‌اند. آنها سخنی ناپسند و باطل می‌گویند؛ و به یقین خداوند بخشنده و آمرزنده است. (۲)

وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا۟ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن

وکسانی که نسبت به زنان خود «ظهار» می‌کنند، سپس از گفتهٔ خود باز می‌گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با یکدیگر، برده‌ای را آزاد کنند؛

قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا ۚ ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِۦ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾

این چیزی است که به آن اندرز داده می‌شوید؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۳)

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا ۖ فَمَن لَّمْ

و کسی که توانایی (آزاد کردن برده‌ای) نداشته باشد، دو ماه پیاپی قبل از آمیزش با یکدیگر، روزه بگیرد؛

يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ۚ ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ وَ

و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام کند؛ این برای آن است که به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید؛

تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۗ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ

اینها مرزهای الهی است؛ و برای کافران، عذاب دردناکی است! (۴) کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی می‌کنند

وَرَسُولَهُۥ كُبِتُوا۟ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ وَقَدْ أَنزَلْنَآ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ ۚ وَ

خوار شدند آن گونه که پیشینیان خوار شدند؛ ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای

لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم

کافران عذاب خوارکننده‌ای است. (۵) در آن روز که خداوند همهٔ آنها را برمی‌انگیزد و از اعمالی که انجام دادند باخبر می‌سازد،

بِمَا عَمِلُوٓا۟ ۚ أَحْصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٦﴾

اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آنها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است. (۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۖ مَا يَكُونُ مِن

آیا نمی‌دانی که خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند؛

نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَىٰ

هیچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر این‌که خداوند چهارمین آنهاست، و هیچ گاه پنج نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر این‌که او ششمین آنهاست، و نه تعدادی

مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا۟ ۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟ يَوْمَ

کمتر و نه بیشتر از آن هستند مگر این‌که او همراه آنهاست هر جا که باشند، سپس روز قیامت آنها را از اعمالشان باخبر می‌سازد،

ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نُهُوا۟ عَنِ ٱلنَّجْوَىٰ ثُمَّ

چرا که خداوند به هر چیزی داناست. (۷) آیا ندیدی کسانی را که از نجوا [= سخنان در گوشی] نهی شدند،

يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا۟ عَنْهُ وَيَتَنَٰجَوْنَ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ

سپس به کاری که از آن نهی شده بودند باز می‌گردند و برای انجام گناه و تعدّی و نافرمانی

ٱلرَّسُولِ وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ ٱللَّهُ وَيَقُولُونَ فِيٓ أَنفُسِهِمْ

پیامبر به نجوا می‌پردازند و هنگامی که نزد تو می‌آیند تو را تحیّتی می‌گویند که خدا به تو نگفته است (تحیتی توهین‌آمیز)،

لَوْلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُ ۚ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا ۖ فَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ

و در دل خود می‌گویند: «چرا خداوند ما را بخاطر گفته‌هایمان عذاب نمی‌کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، وارد آن می‌شوند، و چه بد فرجامی است!

﴿٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا تَنَٰجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ

(۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، به گناه و تعدّی و نافرمانی پیامبر نجوا نکنید،

وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ وَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از (مخالفت فرمان) خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید بپرهیزید.

﴿٩﴾ إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيْسَ

(۹) نجوا تنها از سوی شیطان است؛ تا مؤمنان را غمگین سازد؛ ولی نمی‌تواند

بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾

هیچ‌گونه ضرری به‌آنها برساند جز به فرمان خدا؛ پس مؤمنان تنها بر خدا توکّل کنند. (۱۰)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا۟ فِي ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا۟

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید (وبه تازه واردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای

يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ ۖ وَإِذَا قِيلَ ٱنشُزُوا۟ فَٱنشُزُوا۟ يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

شما وسعت می‌بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند

مِنكُمْ وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۱)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَةٗۚ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که می‌خواهید با پیامبر نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه‌ای (در راه خدا) بدهید؛
ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ ءَأَشۡفَقۡتُمۡ
این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است. و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۲) آیا ترسیدید
أَن تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖۚ فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ
(فقیر شوید) که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟! اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبهٔ شما را پذیرفت،
فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا
نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و (بدانید) خداوند از آنچه انجام می‌دهید
تَعۡمَلُونَ ﴿١٣﴾ ۞ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا هُم مِّنكُمۡ
آگاه است. (۱۳) آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند
وَلَا مِنۡهُمۡ وَيَحۡلِفُونَ عَلَى ٱلۡكَذِبِ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿١٤﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا
و نه از آنان. سوگند دروغ یاد می‌کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می‌دانند (دروغ می‌گویند). (۱۴) خداوند عذاب شدیدی برای
شَدِيدًاۖ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٥﴾ ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ
آنان فراهم ساخته، چرا که اعمال بدی انجام می‌دادند. (۱۵) آنها سوگندهای خود را سپری قرار دادند و (به این وسیله)
عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ﴿١٦﴾ لَّن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ
مردم را از راه خدا باز داشتند؛ از این رو برای آنان عذاب خوارکننده‌ای است. (۱۶) هرگز اموال و
أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١٧﴾
فرزندانشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی‌کند؛ آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند. (۱۷)
يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡۖ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ عَلَىٰ
(به خاطر بیاورید) روزی را که خداوند همهٔ آنها را برمی‌انگیزد، آنها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می‌کنند همان گونه که (امروز) برای شما سوگند یاد
شَيۡءٍۚ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ﴿١٨﴾ ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ
می‌کنند؛ و گمان می‌کنند جایگاهی دارند؛ بدانید آنها دروغگویانند. (۱۸) شیطان بر آنان مسلط شده
ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ
و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند. بدانید حزب شیطان زیانکارانند.
﴿١٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ ﴿٢٠﴾
(۱۹) کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی می‌کنند، آنها در زمرهٔ ذلیل‌ترین افرادند. (۲۰)
كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغۡلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِيٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ﴿٢١﴾
خداوند چنین مقرّر داشته که من و پیامبرانم پیروز می‌شویم؛ چرا که خداوند توانا و شکست‌ناپذیر است. (۲۱)

۵۹ – سوره الحشر

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا

اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ

و پیامبرش دوستی کنند، هر چند پدران یا پسران یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛

أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ

آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحهٔ دلهایشان نوشته‌ و با روحی از ناحیهٔ خودش آنها

بِرُوحٍ مِنْهُ ۖ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

را تأیید فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشتی وارد می‌کند که نهرها از پای درختانش جاری است، جاودانه

فِيهَا ۚ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ ۚ أَلَا إِنَّ

در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از او خشنودند؛ آنها «حزب الله»اند؛

حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند. (۲۲)

سُورَةُ الْحَشْرِ

ترتيبها ٥٩ — آياتها ٢٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او توانا و حکیم است. (۱)

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ۚ

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون راند.

مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا ۖ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ

گمان نمی‌کردید آنان بیرون روند، و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود؛

اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ ۚ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ

امّا خداوند از آن جا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، به گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست

وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ

مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت! (۲) و اگر نه این بود که خداوند

اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٣﴾

ترک وطن را بر آنان مقرّر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد؛ و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است. (۳)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ

این بخاطر آن است که آنها با خدا وپیامبرش به مخالفت برخاستند؛ و هر کس با خدا مخالفت کند (باید بداند که) خدا دارای مجازات شدیدی است!

﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ أُصُولِهَا

(۴) هر درخت نخل با ارزشی را قطع کردید یا آن را به حال خود واگذاشتید، همه

فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيُخْزِىَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْهُمْ

به اذن خدا بود؛ و برای این بود که فاسقان را رسوا کند. (۵) و آنچه را خدا از آنان [= یهود] به پیامبرش باز گردانده

فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ

(و بخشیده) چیزی است که شما (برای به دست آوردن آن زحمتی نکشیدید،) نه اسبی بر آن تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند پیامبران خود را

عَلَىٰ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ

بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد؛ و خدا بر هر چیز تواناست. (۶) آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به پیامبرش

مِنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَ

باز گرداند، از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان

ٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ كَىْ لَا يَكُونَ دُولَةًۢ بَيْنَ ٱلْأَغْنِيَآءِ مِنكُمْ ۚ وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ

و در راه‌ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.

ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ

آنچه را پیامبر برای شما آورده بگیرید (و اطاعت کنید)، و از آنچه شما را نهی کرده‌خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که

شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٧﴾ لِلْفُقَرَآءِ ٱلْمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن

خداوند کیفرش شدید است! (۷) (این اموال) برای مهاجران نیازمندی است که از

دِيَٰرِهِمْ وَأَمْوَٰلِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ

خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا

وَرَسُولَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿٨﴾ وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلْإِيمَٰنَ

و پیامبرش را یاری می‌کنند؛ و آنهاراستگویانند. (۸) و برای (نیازمندان از) کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدینه]

مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِى صُدُورِهِمْ

و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل

حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُوا۟ وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ

خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند

خَصَاصَةٌ ۚ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند. (۹)

وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَ
(همچنین) کسانی که بعد از آنها [= بعد از مهاجران و انصار] آمدند و می‌گویند: «پروردگارا! ما
لِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا
و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حسد
لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾ ۞ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ
و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا، تو رئوف و مهربانی.» (۱۰) آیا منافقان را ندیدی که
نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخۡوَٰنِهِمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَئِنۡ
پیوسته به برادران کافرشان از اهل کتاب می‌گفتند: «اگر شما را (از وطن) بیرون کنند،
أُخۡرِجۡتُمۡ لَنَخۡرُجَنَّ مَعَكُمۡ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمۡ أَحَدًا أَبَدٗا وَإِن قُوتِلۡتُمۡ
ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز از هیچ کس دربارهٔ شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما پیکار شود،
لَنَنصُرَنَّكُمۡ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿١١﴾ لَئِنۡ أُخۡرِجُواْ لَا يَخۡرُجُونَ
یاریتان خواهیم نمود»؟! خداوند شهادت می‌دهد که آنها دروغ می‌گویند. (۱۱) اگر آنها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی‌روند،
مَعَهُمۡ وَلَئِن قُوتِلُواْ لَا يَنصُرُونَهُمۡ وَلَئِن نَّصَرُوهُمۡ لَيُوَلُّنَّ ٱلۡأَدۡبَٰرَ
و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند پشت (به میدان) کرده فرار می‌کنند؛
ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٢﴾ لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ
سپس کسی آنان را یاری نمی‌کند. (۱۲) وحشت از شما در دلهای آنها بیش از ترس
ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ﴿١٣﴾ لَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ
از خداست؛ این بخاطر آن است که آنها گروهی نادانند. (۱۳) آنها همگی جز در
جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرٗى مُّحَصَّنَةٍ أَوۡ مِن وَرَآءِ جُدُرِۭۚ بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ
دژهای محکم یا ازپشت دیوارها با شما نمی‌جنگند. پیکارشان در میان خودشان شدید است، (امّا در برابر شما ضعیف!)
تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ
گمان می‌کنی آنها متحدند، در حالی که دلهایشان پراکنده است؛ این بخاطر آن است که آنها گروهی هستند که تعقّل نمی‌کنند.
﴿١٤﴾ كَمَثَلِ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَرِيبٗاۖ ذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
(۱۴) (مثل این گروه از یهود) مثل کسانی است که کمی پیش از آنان بودند، کیفر کار خود را چشیدند و برای آنها عذابی
أَلِيمٞ ﴿١٥﴾ كَمَثَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ إِذۡ قَالَ لِلۡإِنسَٰنِ ٱكۡفُرۡ فَلَمَّا كَفَرَ
دردناک است! (۱۵) آنها مثل شیطانند که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم).» امّا هنگامی که کافر شد
قَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾
گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار جهانیان است بیم دارم.» (۱۶)

فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيْنِ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ

سرانجام کار آن دو این شد که در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می‌مانند؛ و این است کیفر ستمکاران!

(١٧) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ

(۱۷) ای‌کسانی‌که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید؛ وهرکس باید بنگرد تابرای فردایش چه چیزاز پیش فرستاده؛

لِغَدٍۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعْمَلُونَ (١٨) وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ

و تقوای الهی داشته باشید که خداونداز آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۸) و همچون کسانی نباشید که

نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمْ أَنفُسَهُمْۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ (١٩) لَا

خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد؛ آنها گناهکارانند. (۱۹)

يَسْتَوِيٓ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِۚ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمُ

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند؛ بهشتیان رستگار و پیروزند.

ٱلْفَآئِزُونَ (٢٠) لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَٰشِعًا

(۲۰) اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدی که در برابر آن خاشع می‌شود

مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِۚ وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

و از خوف خدا می‌شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می‌زنیم،

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (٢١) هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ

شاید (در آن) بیندیشند. (۲۱) او خداوند یگانه‌ای است که معبودی جز او نیست،

ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ (٢٢) هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي

دانای آشکار و نهان است، و اوست بخشنده و مهربان. (۲۲) او خداوند یگانه‌ای است که

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْمَلِكُ ٱلْقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلْمُؤْمِنُ ٱلْمُهَيْمِنُ

معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی‌کند، امنیّت‌بخش است، مراقب همه چیز است،

ٱلْعَزِيزُ ٱلْجَبَّارُ ٱلْمُتَكَبِّرُۚ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

شکست‌ناپذیری که (با ارادهٔ نافذ خود) هر امری را اصلاح می‌کند، و دارای کبریا و عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه همتای او قرار می‌دهند!

(٢٣) هُوَ ٱللَّهُ ٱلْخَٰلِقُ ٱلْبَارِئُ ٱلْمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰۚ

(۲۳) او خداوندی است هستی بخش، آفریننده‌ای ابداع گر، و صورتگر (بی‌نظیر)؛ از آن اوست

يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٢٤)

بهترین نامها؛ آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند؛ و او توانا و حکیم است. (۲۴)

سُورَةُ المُمْتَحَنَةِ

ترتیبها ٦٠ | آیاتها ١٣

۶۰ – سوره الممتحنه

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ عَدُوِّى وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَآءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبّت می‌کنید،

بِٱلْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا۟ بِمَا جَآءَكُم مِّنَ ٱلْحَقِّ يُخْرِجُونَ ٱلرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ ۙ أَن

در حالی که آنها به آنچه‌از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و پیامبر خدا و شما را بخاطر ایمان به

تُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَٰدًا فِى سَبِيلِى وَٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِى ۚ

خداوندی که پروردگار همهٔ شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ و اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛

تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ وَأَنَا۠ أَعْلَمُ بِمَآ أَخْفَيْتُمْ وَمَآ أَعْلَنتُمْ ۚ وَمَن يَفْعَلْهُ

(پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید.) شما مخفیانه با آنها رابطهٔ دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید (از همه) داناترم. و

مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ﴿١﴾ إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا۟ لَكُمْ أَعْدَآءً

هر کس از شما چنین کند، از راه راست گمراه شده است. (۱) اگر آنها بر شما دست یابند، دشمنانتان خواهند بود

وَيَبْسُطُوٓا۟ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّوا۟ لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾ لَن

و دست و زبان خود را به بدی نسبت به شما می‌گشایند، و دوست دارند کافر شوید. (۲) هرگز

تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ ۚ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا

خویشاوندان و فرزندانتان‌روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت؛ خداوند میان شما جدایی می‌افکند؛ و او به آنچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ

انجام می‌دهید بیناست. (۳) برای شما سرمشق نیکویی در زندگی ابراهیم و کسانی که

مَعَهُۥٓ إِذْ قَالُوا۟ لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُا۟ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرْنَا

با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛

بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥٓ

ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما دشمنی و کینه آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید. - جز

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ ۖ

آن سخن ابراهیم که‌به پدرش [= سرپرستش که در آن زمان عمویش آزر بود] گفت (و وعده داد)که برای تو آمرزش طلب می‌کنم، و در عین حال در برابر

رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٤﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا

خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم). پروردگارا! ما بر تو توکّل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و بازگشت همه بسوی توست. (۴)

فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَٱغْفِرْ لَنَا رَبَّنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٥﴾

پروردگارا! ما را وسیلهٔ آزمایش کافران قرار مده، و ما را ببخش، ای پروردگار ما که تو توانا و حکیمی.» (۵)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْـَٔاخِرَ ۚ وَمَن

(آری)برای شما در زندگی آنها اسوهٔ حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند؛ و هر کس سرپیچی کند (به خویشتن

يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿٦﴾ ۞ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ

ضرر زده است، زیرا) خداوندبی‌نیاز و شایستهٔ ستایش است. (۶) امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که باشما دشمنی کردند

ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً ۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٌ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ لَّا يَنْهَىٰكُمُ

(از راه اسلام) پیوند محبّت برقرار کند؛ خداوند تواناست‌و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۷) خدا شما را از نیکی کردن

ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَـٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَـٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ

و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛

وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾ إِنَّمَا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ

چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. (۸) خداوند شما را تنها از دوستی و رابطه‌با کسانی نهی می‌کند که

قَـٰتَلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَـٰرِكُمْ وَظَـٰهَرُوا۟ عَلَىٰٓ إِخْرَاجِكُمْ أَن

در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و (کسانی که) به بیرون راندن شما کمک کردند

تَوَلَّوْهُمْ ۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّـٰلِمُونَ ﴿٩﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا

و هر کس با آنان رابطهٔ دوستی داشته باشد ستمکار است. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

جَآءَكُمُ ٱلْمُؤْمِنَـٰتُ مُهَـٰجِرَٰتٍ فَٱمْتَحِنُوهُنَّ ۖ ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَـٰنِهِنَّ ۖ فَإِنْ

هنگامی که زنان با ایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند،آنها را بیازمایید ـ خداوند به ایمانشان آگاهتر است ـ اگر آنان را مؤمن یافتید،

عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَـٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلْكُفَّارِ ۖ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ

آنها را به سوی کفّار بازنگردانید؛ نه آنها برای کفّار حلالند و نه کفّار برای آنها حلال؛ و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته‌اند

لَهُنَّ ۖ وَءَاتُوهُم مَّآ أَنفَقُوا۟ ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ

به آنان بپردازید؛ و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مَهرشان را به آنان بدهید. و هرگز زنان کافر را

أُجُورَهُنَّ ۚ وَلَا تُمْسِكُوا۟ بِعِصَمِ ٱلْكَوَافِرِ وَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْـَٔلُوا۟ مَآ

در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید مَهری را که پرداخته‌اید مطالبه کنید آنگونه که آنها نیز حق

أَنفَقُوا۟ ۚ ذَٰلِكُمْ حُكْمُ ٱللَّهِ ۖ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِن فَاتَكُمْ

دارند مَهر (زنانشان را که از آنان جدا شده‌اند) از شما مطالبه کنند؛ این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است. (۱۰) و

شَىْءٌ مِّنْ أَزْوَٰجِكُمْ إِلَى ٱلْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَـَٔاتُوا۟ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتْ

اگر بعضی از همسران شما به سوی کفّار بروند و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که

أَزْوَٰجُهُم مِّثْلَ مَآ أَنفَقُوا۟ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

همسرانشان رفته‌اند، همانند مَهری را که پرداخته‌اند بدهید؛ و از (مخالفت) خداوندی که شما به او ایمان دارید بپرهیزید. (۱۱)

۶۱ – سوره الصف

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را همتای خدا قرار ندهند،

شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

و دزدی و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و تهمت و افترایی را که ساخته‌اند

يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ

به کسی نسبت ندهند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند،

فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۲) ای کسانی که

آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ

ایمان آورده‌اید! با قومی که‌خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند

كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴿١٣﴾

همان گونه که کفّار از کسانی که در قبرها مدفونند مأیوس می‌باشند. (۱۳)

سُورَةُ الصَّفِّ

ترتيبها ۶۱ — آیاتها ۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه تسبیح خدا می‌گویند؛ و او توانا و حکیم است. (۱) ای

الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ

کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! (۲) نزد خدا

اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ

بسیار خشم‌آور است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید! (۳) خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در

فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ

یک صف در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آهنین‌اند. (۴) (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت:

لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ۖ

«ای قوم من! چرا مرا آزار می‌دهید با این‌که می‌دانید من فرستادهٔ خدا به سوی شما هستم؟!» هنگامی که آنها

فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾

(از حق) منحرف شدند، خداوند (به کیفر این عمل) قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. (۵)

وَإِذۡ قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُم مُّصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ

و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی‌اسرائیل! من فرستادهٔ خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کنندهٔ

يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَمُبَشِّرَۢا بِرَسُولٖ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِي ٱسۡمُهُۥٓ أَحۡمَدُۖ فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ

توراتی می‌باشم که قبل از من فرستاده شده، وبشارت‌دهنده به پیامبری که بعد از من می‌آید و نام او احمد است.» هنگامی که او [= احمد] با معجزات و دلایل

قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ﴿٦﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُوَ

روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری آشکار است.» (۶) چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که

يُدۡعَىٰٓ إِلَى ٱلۡإِسۡلَٰمِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ

دعوت به اسلام می‌شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۷) آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛

بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ

ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند. (۸) او کسی است که پیامبر خود را

رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ﴿٩﴾

باهدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همهٔ ادیان غالب سازد، هرچند مشرکان ناخشنود باشند. (۹)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ تِجَٰرَةٖ تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿١٠﴾ تُؤۡمِنُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟! (۱۰) به خدا

بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ

و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است

إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿١١﴾ يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا

اگر بدانید. (۱۱) (اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغهایی داخل می‌کند که نهرها از پای درختانش جاری است

ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخۡرَىٰ

و در (قصرها و) مسکنهای پاکیزه در باغهای جاویدان بهشتی جای می‌دهد؛ و این پیروزی عظیم است. (۱۲) و (موهبت) دیگری

تُحِبُّونَهَاۖ نَصۡرٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتۡحٞ قَرِيبٞۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ

که آن را دوست دارید (به شما می‌بخشد،) و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را (به این پیروزی بزرگ) بشارت ده! (۱۳) ای کسانی که

ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّـۧنَ مَنۡ أَنصَارِيٓ

ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید همان گونه که‌عیسی بن مریم به حواریون گفت: «کیست که یاور من

إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِۖ فَـَٔامَنَت طَّآئِفَةٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ

به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران خداییم» در این هنگام گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند

وَكَفَرَت طَّآئِفَةٞۖ فَأَيَّدۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمۡ فَأَصۡبَحُواْ ظَٰهِرِينَ ﴿١٤﴾

و گروهی کافر شدند؛ ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام (بر آنان) پیروزشدند. (۱۴)

۶۲ – سوره الجمعه

سُورَةُ الجُمُعَةِ

ترتيبها ٦٢ — آياتها ١١

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ٱلْمَلِكِ ٱلْقُدُّوسِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می‌گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرّا، و توانا و حکیم است.

﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِى بَعَثَ فِى ٱلْأُمِّيِّـۧنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِهِۦ

(۱) او کسی است که‌در میان جمعیّت درس نخوانده پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَٰلٍ

آنها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

مُّبِينٍ ﴿٢﴾ وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا۟ بِهِمْ ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣﴾

(۲) و (همچنین) پیامبر است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ و او توانا و حکیم است. (۳)

ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٤﴾

این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است. (۴)

مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُوا۟ ٱلتَّوْرَىٰةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلْحِمَارِ

داستان کسانی که مکلف‌به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند داستان درازگوشی است

يَحْمِلُ أَسْفَارًۢا ۚ بِئْسَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ۚ وَٱللَّهُ لَا

که کتابهایی حمل می‌کند، (امّا چیزی از آن نمی‌فهمد). چه بد است مثل گروهی که آیات خدا را انکار کردند، و خداوند

يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ هَادُوٓا۟ إِن زَعَمْتُمْ

قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. (۵) بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که(فقط) شما دوستان خدایید نه سایر مردم،

أَنَّكُمْ أَوْلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُا۟ ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ

پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید (تا به لقای محبوبتان برسید)!»

﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُۥٓ أَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ

(۶) ولی آنان بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند؛ و خداوند ستمگران را بخوبی می‌شناسد.

﴿٧﴾ قُلْ إِنَّ ٱلْمَوْتَ ٱلَّذِى تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمْ ۖ ثُمَّ

(۷) بگو: «مرگی که از آن فرار می‌کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که

تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

دانای پنهان و آشکار است باز گردانده می‌شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهد.» (۸)

۶۳ – سوره المنافقون

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود،

إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ۝٩

به سوی ذکر خدا (و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنیدکه این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید! (۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ

و هنگامی که نماز پایان گرفت (می‌توانید) در زمین پراکنده شوید (و به سراغ کسب و کار رفته) و از فضل خدا

ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ۝١٠ وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً

بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (۱۰) هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی

أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَ

و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوندو به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: «آنچه نزد خداست

مِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ۝١١

بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است.» (۱۱)

سُورَةُ المُنَافِقُونَ

ترتیبها ۶۳ — آیاتها ۱۱

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ

هنگامی‌که منافقان نزد تو آیند می‌گویند: «ما شهادت می‌دهیم که به یقین تو پیامبر خدا هستی!» خداوند می‌داند که تو پیامبر او هستی،

لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ ۝١ ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ

ولی خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغگو هستند (زیرا گفتهٔ خود ایمان ندارند). (۱) آنها سوگندهایشان را

جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ۝٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ

پوششی قرار دادند تا (مردم را) از راه خدا باز دارند، و چه بد است آنچه انجام می‌دادند. (۲) این بخاطر آن است

ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ۝٣ ۞ وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ

که (نخست) ایمان آوردند سپس کافر شدند؛ از این رو بر دلهای آنان مُهر نهاده شده، و (حقیقت را) درک نمی‌کنند. (۳) هنگامی که آنها را می‌بینی، ظاهر

تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ

آنان تو را درشگفتی فرو می‌برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می‌دهی؛ امّا گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده است! هر

يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ۝٤

فریادی بلند شود بر ضد خود می‌پندارند؛ آنها دشمنان واقعی (تو) هستند، از آنان بر حذر باش! خدا آنها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟! (۴)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ يَسۡتَغۡفِرۡ لَكُمۡ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوۡاْ رُءُوسَهُمۡ وَ

هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا پیامبر خدا برای شما طلب آمرزش کند.»، سرهای خود را (از روی استهزاء و غرور) تکان می‌دهند؛

رَأَيۡتَهُمۡ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٥﴾ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ أَسۡتَغۡفَرۡتَ

و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده وتکبّر می‌ورزند. (۵) برای آنها آمرزش بخواهی یا نخواهی بر ایشان

لَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ لَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ

تفاوت نمی‌کند،هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد؛ زیرا خداوند گروه فاسقان (لجوج و منافق) را

ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٦﴾ هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنۡ عِندَ

هدایت نمی‌کند. (۶) آنها کسانی هستند که می‌گویند: «به افرادی که نزد پیامبر خدا هستند

رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْۗ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَ

انفاق نکنید تا پراکنده شوند.» (غافل از این‌که) خزاین آسمانها و زمین از آنِ خداست،

لَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَفۡقَهُونَ ﴿٧﴾ يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعۡنَآ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ

ولی منافقان نمی‌فهمند. (۷) آنها می‌گویند: «اگر به مدینه باز گردیم،

لَيُخۡرِجَنَّ ٱلۡأَعَزُّ مِنۡهَا ٱلۡأَذَلَّۚ وَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَ

عزیزان، ذلیلان را بیرون می‌کنند!» در حالی که عزّت مخصوص خدا و پیامبر او

لِلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ

و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند. (۸) ای کسانی که

ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ

ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نکند!

وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٩﴾ وَأَنفِقُواْ مِن

وکسانی که چنین کنند، زیانکارانند. (۹) و از آنچه به شما

مَّا رَزَقۡنَٰكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوۡلَآ

روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آن‌که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگارا!

أَخَّرۡتَنِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٠﴾ وَ

چرا مرگ مرا مدّت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه تو) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» (۱۰)

لَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَاۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١١﴾

خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجل او فرا رسد به تأخیر نمی‌اندازد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۱)

سُورَةُ التَّغَابُن

ترتیبها ٦٤ — آیاتها ١٨

۶۴ – سوره التغابن

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُۖ وَهُوَ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ مالکیّت و حاکمیت و ستایش مخصوص اوست؛ و او

عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ فَمِنكُمۡ كَافِرٞ وَمِنكُم

بر همه چیز تواناست. (۱) او کسی است که شما را آفرید (و به شما آزادی و اختیار داد)؛ گروهی از شما کافرید

مُّؤۡمِنٞۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ

و گروهی مؤمن؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲) آسمانهاو زمین را بحق آفرید؛ و شما را (در عالم جنین)

وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٣﴾ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَ

تصویر کرد، و صورتی نیکو بخشید؛ و بازگشت (همه) به سوی اوست. (۳) آنچه را درآسمانها

ٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعۡلِنُونَۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٤﴾

و زمین است می‌داند، و از آنچه پنهان یا آشکار می‌کنید باخبر است؛ و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست آگاه است. (۴)

أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ فَذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ

آیا خبر کسانی‌که پیش از این کافر شدند به شما نرسیده است؟! (آری) آنها کیفر کار خود را چشیدند؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست!

﴿٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُۥ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٞ يَهۡدُونَنَا

(۵) این بخاطر آن است که پیامبران آنها (پیوسته) با دلایل روشن به سراغشان می‌آمدند، ولی آنها (از روی کبر و غرور) گفتند: «آیا انسان‌هایی (مثل ما)

فَكَفَرُواْ وَتَوَلَّواْۚ وَّٱسۡتَغۡنَى ٱللَّهُۚ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ﴿٦﴾ زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن

می‌خواهند ما را هدایت کنند؟!» از این رو کافر شدند و روی برگرداندند؛ و خداوند (از ایمان و طاعتشان) بی‌نیاز بود، و خدا غنی و شایستهٔ ستایش است. (۶)

لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ

کافران پنداشتندکه هرگز برانگیخته نمی‌شوند، بگو: «آری به پروردگارم سوگند که همهٔ شما (در قیامت) برانگیخته خواهید شد، پس به آنچه عمل می‌کردید

﴿٧﴾ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلۡنَاۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ

خبر داده می‌شوید، و این برای خدا آسان است.» (۷) حال که چنین است، به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید؛ و (بدانید) خدا به آنچه

﴿٨﴾ يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَ

انجام می‌دهید آگاه است. (۸) این در زمانی خواهد بود که همهٔ شما را در روز اجتماع [= روز رستاخیز] گردآوری می‌کند؛ آن روز،

يَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا

روز احساس خسارت و پشیمانی است! و هر کس به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می‌بخشد واو را در باغهایی بهشتی که

ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٩﴾

نهرها از پای درختانش جاری است وارد می‌کند، جاودانه در آن می‌مانند؛ و این پیروزی بزرگ است. (۹)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
امّا کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخند،
خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ
جاودانه در آن می‌مانند، و چه بد سرانجامی است! (۱۰) هیچ مصیبتی رخ نمی‌دهد
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
مگر به اذن خدا! و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می‌کند؛ و خدا به هرچیز داناست.
﴿١١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ
(۱۱) اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر را؛ و اگر روی‌گردان شوید،
رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٢﴾ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ
پیامبر ما جز ابلاغ آشکار وظیفه‌ای ندارد. (۱۲) خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست،
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ
و مؤمنان باید فقط بر خدا توکّل کنند. (۱۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!
مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِنْ
بعضی از همسران و فرزندانتان دشمن شما هستند، از آنها بر حذر باشید؛
تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤﴾
و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۴)
إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۚ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾
اموال و فرزندانتان فقط وسیلهٔ آزمایش شما هستند؛ و خداست که پاداش عظیم نزد اوست. (۱۵)
فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا
پس تا می‌توانید تقوای الهی‌پیشه کنید و گوش فرا دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید
لِأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
که برای شما بهتر است؛ و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند.
﴿١٦﴾ إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ وَاللَّهُ
(۱۶) اگر به خدا قرض الحسنه دهید (و در راه او انفاق کنید)، آن را برای شما مضاعف می‌سازد و شما را می بخشد؛
شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٧﴾ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾
و خداوند قدردان و دارای حلم است. (۱۷) او دانای پنهان و آشکار و توانا و حکیم است. (۱۸)

سُورَةُ الطَّلَاقِ

ترتيبها ٦٥ — آياتها ١٢

۶۵ – سوره الطلاق

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُواْ ٱلْعِدَّةَ

ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، [= در زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با آنها نزدیکی نکرده باشید]، آنها را طلاق گویید

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنۢ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ

و حساب عدّه را نگه دارید؛ واز(مخالفت فرمان)خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید

إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ

و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آن‌که کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود (و مرزهای) خداست، و هرکس از

ٱللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ لَا تَدْرِى لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا

حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده؛ تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه‌ای (برای اصلاح) فراهم کند.

﴿١﴾ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

(۱) و چون عدّهٔ آنها به پایان نزدیک شود، یا آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید؛

وَأَشْهِدُواْ ذَوَىْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ

ودو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان

بِهِۦ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ

به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند. و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او

مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ

فراهم می‌کند، (۲) و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکّل کند،

حَسْبُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمْرِهِۦ قَدْ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَىْءٍ قَدْرًا ﴿٣﴾

امر او را کفایت می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ به یقین خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. (۳)

وَٱلَّٰٓـِٔى يَئِسْنَ مِنَ ٱلْمَحِيضِ مِن نِّسَآئِكُمْ إِنِ ٱرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَٰثَةُ

و آن گروه از زنان شما که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عدّهٔ آنان سه ماه است،

أَشْهُرٍ وَٱلَّٰٓـِٔى لَمْ يَحِضْنَ وَأُوْلَٰتُ ٱلْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

و همچنین آنها که هیچگاه حیض ندیده‌اند؛ و عدّهٔ زنان باردار این است که وضع حمل کنند؛

وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مِنْ أَمْرِهِۦ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَٰلِكَ أَمْرُ ٱللَّهِ أَنزَلَهُۥٓ

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کارش را بر او آسان می‌سازد. (۴) این فرمان خداست که بر شما نازل کرده؛

إِلَيْكُمْ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُعْظِمْ لَهُۥٓ أَجْرًا ﴿٥﴾

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد. (۵)

أَسۡكِنُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ سَكَنتُم مِّن وُجۡدِكُمۡ وَلَا تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُواْ عَلَيۡهِنَّۚ

آنها [=زنان مطلّقه] را هرجا که خودتان سکونت دارید و در توانایي شماست سکونت دهید؛ و به آنها زیان نرسانید تا آنها را در تنگنا قرار دهید

وَإِن كُنَّ أُوْلَٰتِ حَمۡلٖ فَأَنفِقُواْ عَلَيۡهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّۚ فَإِنۡ أَرۡضَعۡنَ

(و مجبور به ترک منزل شوند)؛ و اگر باردار باشند،نفقهٔ آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند،

لَكُمۡ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأۡتَمِرُواْ بَيۡنَكُم بِمَعۡرُوفٖۖ وَإِن تَعَاسَرۡتُمۡ فَسَتُرۡضِعُ

پاداش آنها را بپردازید؛ و (دربارهٔ شیر دادن فرزند) به طور شایسته با یکدیگر مشاوره کنید؛ و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری

لَهُۥٓ أُخۡرَىٰ ٦ لِيُنفِقۡ ذُو سَعَةٖ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيۡهِ رِزۡقُهُۥ

او را شیر خواهد داد. (۶) آنان که امکانات وسیعي دارند، باید (برای زنان شیرده) از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدست‌اند،

فَلۡيُنفِقۡ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ

از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایي که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند بزودی

بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا ٧ وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ عَتَتۡ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ

بعد از سختیها آساني قرار می‌دهد. (۷) چه بسیار شهرها و آبادیها که (اهل آن) از فرمان خدا و پیامبرانش سرپیچي کردند

فَحَاسَبۡنَٰهَا حِسَابٗا شَدِيدٗا وَعَذَّبۡنَٰهَا عَذَابٗا نُّكۡرٗا ٨ فَذَاقَتۡ وَبَالَ

و ما بشدّت به حسابشان رسیدیم و به مجازات بي‌سابقه‌ای گرفتار ساختیم! (۸) آنها کیفر کار خود

أَمۡرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمۡرِهَا خُسۡرًا ٩ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗاۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

را چشیدند؛ و عاقبت کارشان خسران بود. (۹) خداوند عذاب سختي برای آنها فراهم ساخته؛

يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ قَدۡ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكُمۡ ذِكۡرٗا ١٠ رَّسُولٗا يَتۡلُواْ

پس ای خردمنداني که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! به یقین خداوند چیزی که مایهٔ تذکر است بر شما نازل کرده؛ (۱۰) پیامبری

عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٖ لِّيُخۡرِجَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنَ

(به سوی شما فرستاده) که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کساني را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،

ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي

از تاریکیها به سوي نور خارج سازد. و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایي بهشتي وارد می‌کند

مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ قَدۡ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ لَهُۥ رِزۡقًا ١١ ٱللَّهُ ٱلَّذِي

که از پای درختانش نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، و خداوند روزي نیکویي برای او قرارداده است. (۱۱) خداوند همان کسي است

خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ وَمِنَ ٱلۡأَرۡضِ مِثۡلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ ٱلۡأَمۡرُ بَيۡنَهُنَّ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ

که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان (و تدبیر) او در میان آنهاپیوسته

ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عِلۡمَۢا ١٢

فرود می‌آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و این‌که علم خدا به همه چیز احاطه دارد. (۱۲)

۶۶ – سوره التحريم

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

ترتيبها ۶۶ — آياتها ۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ ۖ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ

اي پيامبر! چرا چيزي را كه خدا براي تو حلال كرده بخاطر جلب رضايت همسرانت (بر خود) حرام مي‌كني؟! و خداوند آمرزنده و

رَحِيمٌ ﴿۱﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ ۚ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ الْعَلِيمُ

مهربان است. (۱) خداوند راه گشودن‌سوگندهايتان را (در اين گونه موارد) تعيين نموده؛ و خداوند مولاي شماست و او دانا و

الْحَكِيمُ ﴿۲﴾ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ

حكيم است. (۲) (به خاطر بياوريد) هنگامي را كه پيامبر يكي از رازهاي خود را به بعضي از همسرانش گفت، ولي هنگامي‌كه وي آن را (نزد يكي ديگر از

وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ ۖ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ

همسران پيامبر) افشا كرد و خداوند پيامبرش را از آن آگاه ساخت، (پيامبر) قسمتي از آن را بازگو كرد و از قسمت ديگر خودداري نمود؛ ولي هنگامي كه

مَنْ أَنْبَأَكَ هَٰذَا ۖ قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۳﴾ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ

پيامبر همسرش را از آن خبر داد، او گفت: «چه كسي تو را از اين راز آگاه ساخت؟!» فرمود: «خداوند دانا و آگاه مرا با خبر ساخت!» (۳) اگر شما (دو همسر

صَغَتْ قُلُوبُكُمَا ۖ وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَ

پيامبر) از كار خود توبه كنيد (به نفع شماست، زيرا) دلهايتان (از حق) منحرف گشته؛ و اگر بر ضدّ او دست به دست هم دهيد،

صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ ﴿۴﴾ عَسَىٰ رَبُّهُ

(كاري از پيش نخواهيد برد) زيرا خداوند ياور اوست و همچنين جبرئيل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتيبان اويند. (۴) (اي همسران پيامبر) اگر

إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ

او شما را طلاق دهد، اميد است پروردگارش به جاي شما همسراني بهتر براي او قرار دهد، همسراني مسلمان، مؤمن، متواضع،

تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا ﴿۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

توبه‌كننده، عبادت كار، هجرت كننده، زناني غيرباكره و باكره. (۵) اي كساني كه ايمان آورده‌ايد!

قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ

خود و خانوادهٔ خويش را از آتشي كه هيزم آن انسانها و سنگهاست نگه داريد؛ آتشي كه فرشتگاني بر آن گمارده شده

غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿۶﴾

كه خشن و سختگيرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمي‌كنند و آنچه‌رافرمان داده شده‌اند (بطور كامل) اجرا مي‌نمايند. (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ۖ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۷﴾

اي كساني كه كافر شده‌ايد! امروز [= روز رستاخيز] عذرخواهي نكنيد، چرا كه تنها به اعمالتان جزا داده مي‌شويد. (۷)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان
يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی بهشتی که نهرها از پای درختانش جاری است
ٱلۡأَنۡهَٰرُ يَوۡمَ لَا يُخۡزِي ٱللَّهُ ٱلنَّبِيَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥۖ نُورُهُمۡ يَسۡعَىٰ
وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند؛
بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ
این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن
إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ
و ما را ببخش که تو بر هرچیز توانایی.» (۸) ای پیامبر! با کافران
وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ
و منافقان پیکار کن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است!
﴿٩﴾ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ
(۹) خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است،
لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا
آن دو تحت سرپرستی دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند
فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَقِيلَ ٱدۡخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ
و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان نداشت، و به آنها گفته شد: «همراه کسانی که وارد آتش می‌شوند،
ٱلدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمۡرَأَتَ
وارد شوید!» (۱۰) و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است،
فِرۡعَوۡنَ إِذۡ قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن
در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! نزد خود برای من خانه‌ای در بهشت بساز،
فِرۡعَوۡنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١١﴾ وَمَرۡيَمَ
و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» (۱۱) و همچنین
ٱبۡنَتَ عِمۡرَٰنَ ٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا
به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دمیدیم؛
وَصَدَّقَتۡ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتۡ مِنَ ٱلۡقَٰنِتِينَ ﴿١٢﴾
او کلمات پروردگار خویش و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان (فرمان خدا) بود. (۱۲)

۶۷ – سوره الملک

سُورَةُ المُلك

آیاتها ۳۰ — ترتیبها ۶۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ

پر برکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حاکمیت و مالکیت (جهان هستی) به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. (۱) آن کس که مرگ و

وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ الَّذِي خَلَقَ

حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید، و او توانا و آمرزنده است. (۲) همان کسی که

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۖ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ ۖ فَارْجِعِ

هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی، بار دیگر نگاه کن،

الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ

آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟! (۳) سپس بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان) ناکام مانده

خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا

و خسته و ناتوان به سوی تو باز می‌گردد. (۴) ما آسمان پایین [= نزدیک] را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [= شهابها] را

رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

تیرهایی برای (راندن) شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم. (۵) و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند

عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ

عذاب جهنم است، و چه بد فرجامی است! (۶) هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می‌شنوند، در حالی که پیوسته

تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۖ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا

فوران می‌کند! (۷) نزدیک است (دوزخ) از شدّت غضب پاره پاره شود؛ هر زمان که گروهی در آن افکنده می‌شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می‌پرسند: «مگر

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ

بیم‌دهندهٔ الهی به سراغ شما نیامد؟!» (۸) می‌گویند: «چرا، بیم‌دهنده‌ای به سراغ ما آمد، ولی ما (او را) تکذیب کردیم و گفتیم: «خداوند

شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي

هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید.» (۹) و می‌گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم،

أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

در میان دوزخیان نبودیم.» (۱۰) این جاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند؛ دور باشند دوزخیان (از رحمت خدا)!

﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾

(۱۱) به یقین کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، آمرزش و پاداش بزرگی دارند. (۱۲)

وَأَسِرُّواْ قَوْلَكُمْ أَوِ ٱجْهَرُواْ بِهِۦٓ ۖ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا يَعْلَمُ
گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی‌کند)، زیرا او به آنچه در درون سینه‌هاست آگاه است. (۱۳) آیا آن کسی که
مَنْ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ
موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در حالی که او(از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است. (۱۴) او کسی است که زمین را برای شما رام کرد،
ذَلُولًا فَٱمْشُواْ فِى مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزْقِهِۦ ۖ وَإِلَيْهِ ٱلنُّشُورُ ﴿١٥﴾ ءَأَمِنتُم
بر پشت آن راه بروید و از روزی خداوند بخورید؛ و (بازگشت و) اجتماع همه تنها به سوی اوست. (۱۵) آیا از این ایمن هستید
مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ ٱلْأَرْضَ فَإِذَا هِىَ تَمُورُ ﴿١٦﴾ أَمْ أَمِنتُم
که خداوند حاکم بر آسمان شما را در زمین فرو برد و همچنان به لرزش خود ادامه دهد؟! (۱۶) یا ایمن هستید
مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ
از اینکه خداوند حاکم بر آسمان طوفانی از شن بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است!
﴿١٧﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْاْ إِلَى
(۱۷) و کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، امّا (ببین) مجازات من چگونه بود! (۱۸) آیا به پرندگانی که
ٱلطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَٰٓفَّٰتٍ وَيَقْبِضْنَ ۚ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحْمَٰنُ ۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ
بالای سرشان است، و بالهای خود را گسترده و جمع می‌کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را برفراز آسمان نگه نمی‌دارد، چرا که او
شَىْءٍۭ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾ أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ ۚ
به هر چیز بیناست. (۱۹) آیا این کسی که لشکر شماست می‌تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟!
إِنِ ٱلْكَٰفِرُونَ إِلَّا فِى غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُۥ ۚ
ولی کافران تنها گرفتار فریبند. (۲۰) یا اگر (خدا) روزیش را بازدارد کیست آن کس که شما را روزی دهد؟!
بَل لَّجُّواْ فِى عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَن يَمْشِى مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِۦٓ أَهْدَىٰٓ
ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می‌ورزند. (۲۱) آیا کسی که به رو افتاده راه می‌رود به هدایت نزدیکتر است
أَمَّن يَمْشِى سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ
یا کسی که‌راست قامت در صراط مستقیم گام برمی‌دارد؟! (۲۲) بگو: «او کسی است که شما را آفرید و برای شما
ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ ۖ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ ٱلَّذِى ذَرَأَكُمْ
گوش و چشم و عقل قرارداد؛ امّا کمتر سپاسگزاری می‌کنید.» (۲۳) بگو: «او کسی است که شما را
فِى ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ
در زمین آفرید و به سوی او محشور می‌شوید.» (۲۴) آنها می‌گویند:«اگر راست می‌گویید این وعدهٔ (قیامت)
صَٰدِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا ٱلْعِلْمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾
چه زمانی است؟!» (۲۵) بگو: «علم آن تنها نزد خداست؛ و من فقط بیم‌دهندهٔ آشکاری هستم.» (۲۶)

۶۸ – سوره القلم

فَلَمَّا رَأَوۡهُ زُلۡفَةٗ سِيٓـَٔتۡ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقِيلَ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم

هنگامی که آن (وعدهٔ الهی) را از نزدیک می‌بینند، صورت کافران زشت و سیاه می‌گردد، و (به آنها) گفته می‌شود: «این همان

بِهِۦ تَدَّعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَهۡلَكَنِيَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوۡ رَحِمَنَا

چیزی است که تقاضای آن را داشتید!» (۲۷) بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند مرا و کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا ما را مورد رحمت قرار دهد،

فَمَن يُجِيرُ ٱلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿٢٨﴾ قُلۡ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ

چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟!» (۲۸) بگو: «او خداوند رحمان است،

وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٢٩﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ

ما به او ایمان آورده و تنها بر او توکّل کرده‌ایم؛ و بزودی می‌دانید چه کسی در گمراهی آشکار است!» (۲۹) بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای

أَصۡبَحَ مَآؤُكُمۡ غَوۡرٗا فَمَن يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۭ ﴿٣٠﴾

(سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار می‌دهد؟!» (۳۰)

سُورَةُ القَلَم

ترتيبها ٦٨ — آياتها ٥٢

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

نٓۚ وَٱلۡقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُونَ ﴿١﴾ مَآ أَنتَ بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ بِمَجۡنُونٖ ﴿٢﴾ وَإِنَّ لَكَ

ن، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند، (۱) که به لطف و نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی، (۲) و برای تو پاداشی

لَأَجۡرًا غَيۡرَ مَمۡنُونٖ ﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ ﴿٤﴾ فَسَتُبۡصِرُ وَيُبۡصِرُونَ

بزرگ و همیشگی است. (۳) و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری. (۴) و بزودی تو می‌بینی و آنان نیز می‌بینند،

﴿٥﴾ بِأَييِّكُمُ ٱلۡمَفۡتُونُ ﴿٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ

(۵) که کدام یک از شما مجنونید! (۶) به یقین پروردگارت بهتر از هر کس می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده، و نیز از هدایت‌یافتگان

أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ﴿٧﴾ فَلَا تُطِعِ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾ وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ

بهتر آگاه است. (۷) حال که چنین است از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن. (۸) آنها دوست دارند (در مورد انحراف از حق) نرمش نشان دهی تا آنها (هم)

﴿٩﴾ وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾ هَمَّازٖ مَّشَّآءِۭ بِنَمِيمٖ ﴿١١﴾ مَّنَّاعٖ

نرمش نشان دهند. (۹) و از کسی که سوگند یاد می‌کند و پست است اطاعت مکن. (۱۰) کسی که بسیار عیبجو و سخن چین است، (۱۱) و بسیار مانع

لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ عُتُلِّۭ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٣﴾ أَن كَانَ ذَا مَالٖ وَ

کار خیر، و متجاوز و گناهکار است؛ (۱۲) علاوه بر این کینه توز و بدنام است. (۱۳) مبادا بخاطر مال و فرزندان فراوانش (از او پیروی کنی)!

بَنِينَ ﴿١٤﴾ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٥﴾

(۱۴) (در حالی که) هرگاه که آیات ما بر او خوانده شود می‌گوید: «اینها افسانه‌های پیشینیان است.» (۱۵)

سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلۡخُرۡطُومِ ﴿١٦﴾ إِنَّا بَلَوۡنَٰهُمۡ كَمَا بَلَوۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ إِذۡ أَقۡسَمُواْ لَيَصۡرِمُنَّهَا

ولي ما بزودی بر بيني او داغ مي‌نهيم. (۱۶) ما آنها را آزموديم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمايش کرديم، هنگامي که سوگند خوردند که ميوه‌های باغ را

مُصۡبِحِينَ ﴿١٧﴾ وَلَا يَسۡتَثۡنُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيۡهَا طَآئِفٞ مِّن رَّبِّكَ وَهُمۡ نَآئِمُونَ

صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچينند. (۱۷) وهيچ (کس را) از آن استثنا نکنند؛ (۱۸) امّا عذابي فراگير از سوی پروردگارت بر باغ آنها فرود آمد در

﴿١٩﴾ فَأَصۡبَحَتۡ كَٱلصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَتَنَادَوۡاْ مُصۡبِحِينَ ﴿٢١﴾ أَنِ ٱغۡدُواْ عَلَىٰ حَرۡثِكُمۡ

حالي که آنان در خواب بودند، (۱۹) و آن باغ (سرسبز) همچون شب سياه و ظلماني شد. (۲۰) صبحگاهان يکديگر را صدا زدند، (۲۱) که اکنون به سوی

إِن كُنتُمۡ صَٰرِمِينَ ﴿٢٢﴾ فَٱنطَلَقُواْ وَهُمۡ يَتَخَٰفَتُونَ ﴿٢٣﴾ أَن لَّا يَدۡخُلَنَّهَا ٱلۡيَوۡمَ

کشتزار و باغ خود حرکت کنيد اگر قصد چيدن ميوه‌ها را داريد. (۲۲) آنها حرکت کردند در حالي که آهسته باهم مي‌گفتند: (۲۳) «مواظب باشيد امروز حتي يک

عَلَيۡكُم مِّسۡكِينٞ ﴿٢٤﴾ وَغَدَوۡاْ عَلَىٰ حَرۡدٖ قَٰدِرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا رَأَوۡهَا قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ

فقير در آن باغ بر شما وارد نشود.» (۲۴) (آری) آنها صبحگاهان تصميم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگيری کنند. (۲۵) هنگامي که (وارد باغ شدند و)

﴿٢٦﴾ بَلۡ نَحۡنُ مَحۡرُومُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوۡسَطُهُمۡ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ لَوۡلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾ قَالُواْ

آن را ديدند گفتند: «حقاًّ گمراهيم. (۲۶) بلکه ما محروميم (و همه چيز از دست ما رفته).» (۲۷) آنکه از همه آنها عاقلتر بود گفت: «آيا به شما نگفتم چرا

سُبۡحَٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَلَٰوَمُونَ ﴿٣٠﴾

تسبيح خدا نمي‌گوييد؟!» (۲۸) گفتند: «منزّه است پروردگار ما، به يقين ما ستمکار بوديم.» (۲۹) سپس رو به يکديگر کرده به سرزنش هم پرداختند، (۳۰)

قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ ﴿٣١﴾ عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبۡدِلَنَا خَيۡرٗا مِّنۡهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ

(وفريادشان بلند شد) گفتند: «وای بر ما که طغيانگر بوديم! (۳۱) اميدواريم پروردگارمان(مارا ببخشد و)بهتر ازآن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به سوی

﴿٣٢﴾ كَذَٰلِكَ ٱلۡعَذَابُۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ عِندَ

پروردگارمان روی آورديم.» (۳۲) اين گونه است عذاب (خداوند در دنيا)، و عذاب آخرت از آن بزرگتر است اگر مي‌دانستند. (۳۳) به يقين برای پرهيزگاران

رَبِّهِمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٣٤﴾ أَفَنَجۡعَلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ كَٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمۡ كَيۡفَ

نزد پروردگارشان باغهای پرنعمت بهشتي است. (۳۴) آيا مؤمنان را همچون مجرمان قرار دهيم؟! (۳۵) شما را چه مي‌شود؟! چگونه داوری مي‌کنيد؟!

تَحۡكُمُونَ ﴿٣٦﴾ أَمۡ لَكُمۡ كِتَٰبٞ فِيهِ تَدۡرُسُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ لَكُمۡ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾ أَمۡ

(۳۶) آيا کتابي داريد که از آن درس مي‌گيريد، (۳۷) که در آن آمده است که هر چه را بخواهيد مي‌توانيد انتخاب کنيد؟! (۳۸) يا اين‌که

لَكُمۡ أَيۡمَٰنٌ عَلَيۡنَا بَٰلِغَةٌ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ إِنَّ لَكُمۡ لَمَا تَحۡكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَلۡهُمۡ

عهد مستمری تا روز قيامت بر ما داريد که هرچه را حکم کنيد برای شماباشد؟! (۳۹) از آنها بپرس کدامشان چنين

أَيُّهُم بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَآءُ فَلۡيَأۡتُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ

چيزی را تضمين مي‌کند؟! (۴۰) يا اين که معبوداني دارند که آنها را همتای خدا قرار داده‌اند (و برای آنان شفاعت مي‌کنند)؟! اگر راست مي‌گويند همتايان

﴿٤١﴾ يَوۡمَ يُكۡشَفُ عَن سَاقٖ وَيُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

خود را بياورند! (۴۱) (به خاطر بياوريد) روزی را که هول و وحشت به نهايت مي‌رسد و دعوت به سجود مي‌شوند، امّا نمي‌توانند (سجده کنند). (۴۲)

۶۹ – سوره الحاقه

خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا۟ يُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾

این در حالی است که چشمهایشان (از شدّت شرمساری) به زیر افتاده، و ذلّت خواری وجودشان را فرا می‌گیرد؛ آنها پیش از این دعوت به سجود می‌شدند در

فَذَرْنِى وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

حالی که سالم بودند. (ولی امروز دیگر توانایی آن راندارند) (۴۳) اکنون مرا با آنها که این سخن راتکذیب‌می‌کنند واگذار! ما آنان را از آن جا که نمی‌دانند

﴿٤٤﴾ وَأُمْلِى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِى مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

بتدریج به سوی عذاب پیش می‌بریم. (۴۴) و به آنها مهلت می‌دهم؛ چرا که نقشه و تدبیر من محکم و متین است. (۴۵) آیا تو از آنها مزدی می‌طلبی که

﴿٤٦﴾ أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾ فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن

پرداختش برای آنها سنگین است؟! (۴۶) یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن را می‌نویسند؟! (۴۷) پس در ابلاغ حکم پروردگارت شکیبا باش، و مانند صاحب

كَصَاحِبِ ٱلْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَّوْلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ

ماهی [= یونس] مباش (که در ابلاغ حکم خدا شتاب کرد و گرفتار کیفر ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند. (۴۸) و اگر رحمت

لَنُبِذَ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٥٠﴾ وَ

پروردگارش به یاریش نیامده بود، (ازشکم ماهی)بیرون افکنده می‌شددر حالی که‌نکوهیده بود. (۴۹) ولی پروردگارش‌او را برگزید و از صالحان قرار داد. (۵۰)

إِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَٰرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا۟ ٱلذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجْنُونٌ

نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند با چشم زخم خود تو را نابود سازند، و می‌گویند: «او به یقین دیوانه است.»

﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٥٢﴾

(۵۱) در حالی که این (قرآن) جز تذکر (و مایهٔ بیداری) برای جهانیان نیست. (۵۲)

سُورَةُ الحَاقَّة

ترتیبها ۶۹ — آیاتها ۵۲

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ٱلْحَآقَّةُ ﴿١﴾ مَا ٱلْحَآقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْحَآقَّةُ ﴿٣﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌۢ بِٱلْقَارِعَةِ

(روز رستاخیز) روزی است که به یقین واقع می‌شود. (۱) چه‌روزواقع شدنی! (۲) و تو چه می‌دانی آن روز واقع شدنی چیست؟! (۳) قوم «ثمود» و «عاد»

﴿٤﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا۟ بِٱلطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا۟ بِرِيحٍ صَرْصَرٍ

عذاب کوبندهٔ الهی را انکار کردند. (۴) امّا قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند. (۵) و قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت

عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى ٱلْقَوْمَ

رسیدند. (۶) (خداوند) این تند باد (بنیان کن) را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلّط ساخت، و (اگر آن‌جا بودی) می‌دیدی که آن

فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾ فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

قوم مانند تنه‌های پوسیدهٔ نخل در میان این تندباد روی زمین افتاده‌اند. (۷) آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی؟! (۸)

وَجَآءَ فِرۡعَوۡنُ وَمَن قَبۡلَهُۥ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتُ بِٱلۡخَاطِئَةِ ﴿٩﴾ فَعَصَوۡاْ رَسُولَ رَبِّهِمۡ

و فرعون و کساني که پيش از او بودند و اهل شهرهاي زير و رو شده [= قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند. (۹) از اين رو با فرستادهٔ پروردگارشان

فَأَخَذَهُمۡ أَخۡذَةٗ رَّابِيَةً ﴿١٠﴾ إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلۡمَآءُ حَمَلۡنَٰكُمۡ فِي ٱلۡجَارِيَةِ ﴿١١﴾

مخالفت کردند؛ و خداوند آنها را به‌عذاب شديدي گرفتار ساخت. (۱۰) و هنگامي که آب طغيان کرد، شما را سوار بر کشتي کرديم، (۱۱)

لِنَجۡعَلَهَا لَكُمۡ تَذۡكِرَةٗ وَتَعِيَهَآ أُذُنٞ وَٰعِيَةٞ ﴿١٢﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ

تا آن را وسيلهٔ تذکري براي شما قرار دهيم و گوشهاي شنوا آن را دريابد (و درک کند). (۱۲) به محض اين‌که نخستين بار در «صور» دميده شود،

﴿١٣﴾ وَحُمِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةٗ وَٰحِدَةٗ ﴿١٤﴾ فَيَوۡمَئِذٖ وَقَعَتِ

(۱۳) و زمين و کوهها از جا برداشته شوند و يکباره در هم کوبيده و متلاشي گردند، (۱۴) در آن روز واقعهٔ

ٱلۡوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾ وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوۡمَئِذٖ وَاهِيَةٞ ﴿١٦﴾ وَٱلۡمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرۡجَآئِهَاۚ

(عظيم قيامت) روي مي‌دهد، (۱۵) و آسمان از هم مي‌شکافد و آنگاه سست مي‌گردد (و فرو مي‌ريزد). (۱۶) فرشتگان در اطراف آسمان قرار مي‌گيرند و آن

وَيَحۡمِلُ عَرۡشَ رَبِّكَ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ ثَمَٰنِيَةٞ ﴿١٧﴾ يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ لَا تَخۡفَىٰ

روز عرش (قدرت) پروردگارت را هشت فرشته برفراز همهٔ آنها حمل مي‌کنند. (۱۷) در آن روز همگي (به پيشگاه خدا) عرضه مي‌شويد و چيزي از کارهاي

مِنكُمۡ خَافِيَةٞ ﴿١٨﴾ فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ كِتَٰبِيَهۡ

مخفي شما پنهان نمي‌ماند. (۱۸) امّا کسي که نامهٔ اعمالش را به دست راستش دهند (از شدّت شادي) فرياد مي‌زند که: (اي اهل محشر!) «نامهٔ اعمال مرا

﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ﴿٢١﴾ فِي

بگيريد و بخوانيد! (۱۹) من يقين داشتم که (قيامتي در کار است و) به حساب اعمالم مي‌رسم.» (۲۰) او در يک زندگي کاملاً رضايتبخش قرار خواهد داشت،

جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ﴿٢٢﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٞ ﴿٢٣﴾ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَآ

(۲۱) در بهشتي عالي، (۲۲) که ميوه‌هايش در دسترس است. (۲۳) (و به آنان گفته مي‌شود:) بخوريد و بياشاميد گوارا باد بر شما، اينها در برابر

أَسۡلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡأَيَّامِ ٱلۡخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ

اعمالي است که در ايام گذشته انجام داديد! (۲۴) امّا کسي که نامهٔ اعمالش را به دست چپش بدهند مي‌گويد:

يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُوتَ كِتَٰبِيَهۡ ﴿٢٥﴾ وَلَمۡ أَدۡرِ مَا حِسَابِيَهۡ ﴿٢٦﴾ يَٰلَيۡتَهَا كَانَتِ ٱلۡقَاضِيَةَ

«اي کاش هرگز نامهٔ اعمالم رابه من نمي‌دادند. (۲۵) و نمي‌دانستم حساب من چيست! (۲۶) اي کاش مرگم فرا مي‌رسيد!

﴿٢٧﴾ مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ ﴿٢٨﴾ هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ ﴿٢٩﴾ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾

(۲۷) مال و ثروتم هرگز مرا بي‌نياز نکرد، (۲۸) قدرت من نيز از دست رفت!» (۲۹) (فرمان مي‌رسد:) او را بگيريد و دربند و زنجيرش کنيد! (۳۰)

ثُمَّ ٱلۡجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِي سِلۡسِلَةٖ ذَرۡعُهَا سَبۡعُونَ ذِرَاعٗا فَٱسۡلُكُوهُ ﴿٣٢﴾

سپس او را در دوزخ بيفکنيد! (۳۱) بعد او را به زنجيري که هفتادذراع است ببنديد! (۳۲)

إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ﴿٣٤﴾

چرا که او (با ديدن دلايل روشن) هرگز به خداوند بزرگ ايمان نمي‌آورد، (۳۳) و هرگز بر اطعام مستمندان تشويق نمي‌نمود؛ (۳۴)

۷۰ – سوره المعارج

فَلَيْسَ لَهُ ٱلْيَوْمَ هَٰهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾ لَّا يَأْكُلُهُۥٓ إِلَّا

از این رو امروز هم در این‌جا دوستی صمیمی ندارد، (۳۵) و نه طعامی، جز از چرک و خون. (۳۶) طعامی که جز خطاکاران

ٱلْخَٰطِـُٔونَ ﴿٣٧﴾ فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُۥ لَقَوْلُ

آن را نمی‌خورند. (۳۷) سوگند به آنچه می‌بینید، (۳۸) و آنچه نمی‌بینید، (۳۹) که این قرآن گفتار

رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۚ

رسول بزرگواری است، (۴۰) و گفتهٔ شاعری‌نیست، امّا کمتر ایمان می‌آورید! (۴۱) و نه گفتهٔ کاهنی، اما کمتر

قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ ٱلْأَقَاوِيلِ

متذکر می‌شوید. (۴۲) کلامی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است. (۴۳) و اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست،

﴿٤٤﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِٱلْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ ٱلْوَتِينَ ﴿٤٦﴾ فَمَا مِنكُم مِّنْ

(۴۴) ما او را با قدرت می‌گرفتیم، (۴۵) سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم، (۴۶) و هیچ کس از شما نمی‌توانست

أَحَدٍ عَنْهُ حَٰجِزِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِنَّهُۥ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم

از (مجازات)او مانع شود. (۴۷) و به یقین این قرآن، تذکری برای پرهیزگاران است. (۴۸) و ما می‌دانیم که بعضی از شما (آن را)

مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِنَّهُۥ لَحَسْرَةٌ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾ وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ ٱلْيَقِينِ ﴿٥١﴾

تکذیب می‌کنید. (۴۹) و آن مایهٔ حسرت کافران است. (۵۰) و آن یقین خالص است. (۵۱)

فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۵۲)

سُورَةُ المَعَارِج

ترتيبها ۷۰ — آياتها ٤٤

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

سَأَلَ سَآئِلٌۢ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾ لِّلْكَٰفِرِينَ لَيْسَ لَهُۥ دَافِعٌ ﴿٢﴾ مِّنَ ٱللَّهِ ذِى

تقاضا کننده‌ای تقاضای عذابی کرد که انجام می‌گیرد. (۱) (این عذاب) برای کافران است، و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند. (۲) از سوی خداوندی که

ٱلْمَعَارِجِ ﴿٣﴾ تَعْرُجُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيْهِ فِى يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥ خَمْسِينَ

فرشتگانش بر آسمانها صعود می‌کنند (۳) فرشتگان و روح (آن فرشته مقرّب خداوند) به‌سوی او عروج می‌کنند در روزی که مقدارش پنجاه

أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾ فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُۥ بَعِيدًا ﴿٦﴾ وَنَرَىٰهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾ يَوْمَ

هزار سال است. (۴) پس صبر جمیل پیشه کن، (۵) زیرا آنها آن روز را دور می‌بینند، (۶) و ما آن رانزدیک می‌بینیم. (۷) همان روزی که آسمان

تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ كَٱلْمُهْلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ﴿٩﴾ وَلَا يَسْـَٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

همچون فلز گداخته می‌شود، (۸) و کوهها مانند پشم رنگین (در فضا) متلاشی خواهد بود، (۹) و هیچ دوستی صمیمی سراغ دوستش را نمی‌گیرد! (۱۰)

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ﴿١١﴾ وَ

آنها را به یکدیگر نشان‌می‌دهند (ولی هرکس گرفتار کارخویشتن است آن‌چنانکه) گنهکار دوست‌می‌دارد فرزندان خودرا دربرابر عذاب آن روزفدا کند، (۱۱)

صَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿١٣﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ

و همسر و برادرش را، (۱۲) و قبیله‌اش را که از او حمایت می‌کرد، (۱۳) و همه مردم روی زمین را تا مایه نجاتش گردند؛ (۱۴) هرگز چنین نیست (که با اینها

يُنْجِيهِ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ ﴿١٥﴾ نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ

بتوان نجات یافت، آری) تنها شعله‌های سوزان آتش است، (۱۵) که پوست بدن را می‌کند و می‌گرد. (۱۶) و کسانی را که (به فرمان خدا) پشت کردند (به سوی

﴿١٧﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ﴿١٨﴾ ۞ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

خود) می‌خواند، (۱۷) و (آنها که اموال را) جمع و ذخیره کردند. (۱۸) به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است، (۱۹) هنگامی که بدی به او رسد

جَزُوعًا ﴿٢٠﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٢١﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾ الَّذِينَ هُمْ

بی‌تابی می‌کند، (۲۰) و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد)، (۲۱) مگر نمازگزاران، (۲۲) کسانی که نمازهایشان

عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ﴿٢٤﴾ لِلسَّائِلِ

را دائماً به جا می‌آورند، (۲۳) و کسانی که در اموالشان حق معیّنی است، (۲۴) برای سائل

وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ

و محروم، (۲۵) و آنها که به روز جزا ایمان دارند، (۲۶) و آنها که از عذاب پروردگارشان

رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٢٧﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ

بیمناکند، (۲۷) چرا که هیچ کس از عذاب پروردگارش در امان نیست، (۲۸) و آنها که دامان خویش را (از بی‌عفتی)

حَافِظُونَ ﴿٢٩﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

حفظ می‌کنند، (۲۹) جز با همسران و کنیزان (که در حکم همسرند آمیزش ندارند)، به یقین چنین کسانی مورد سرزنش‌نخواهند بود.

﴿٣٠﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٣١﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ

(۳۰) و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است. (۳۱) و آنها که امانتها و پیمان خود را

عَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٣٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿٣٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ

رعایت می‌کنند، (۳۲) و آنها که به ادای شهادتشان قیام می‌نمایند، (۳۳) و آنها که بر نمازشان مواظبت دارند،

يُحَافِظُونَ ﴿٣٤﴾ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ ﴿٣٥﴾ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ

(۳۴) آنان (که چنین اوصافی دارند) در باغهای بهشتی گرامی داشته می‌شوند. (۳۵) پس کافران را چه می‌شود که با سرعت نزد

مُهْطِعِينَ ﴿٣٦﴾ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٣٧﴾ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ

تو می‌آیند، (۳۶) از راست و چپ، گروه گروه (و آرزوی بهشت دارند)؟! (۳۷) آیا هریک‌از آنها (با این اعمال زشتش) طمع دارد

مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿٣٨﴾ كَلَّا ۖ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

که او را در بهشت پرنعمت الهی وارد کنند؟! (۳۸) هرگز چنین نیست؛ ما آنها را از آنچه خودشان می‌دانند آفریده‌ایم. (۳۹)

۷۱ – سوره نوح

فَلَآ أُقۡسِمُ بِرَبِّ ٱلۡمَشَٰرِقِ وَٱلۡمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ ﴿٤٠﴾ عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ

سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم، (۴۰) که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند؛

وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ﴿٤١﴾ فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي

و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد. (۴۱) آنان را به حال خود واگذار تا در باطل فرو روند و بازی کنند تا روز موعود خود را

يُوعَدُونَ ﴿٤٢﴾ يَوۡمَ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ سِرَاعٗا كَأَنَّهُمۡ إِلَىٰ نُصُبٖ يُوفِضُونَ

ملاقات نمایند. (۴۲) همان روز که از قبرها بسرعت خارج می‌شوند، گویی به سوی بتها می‌دوند؛ (۴۳) در حالی که چشمهایشان

﴿٤٣﴾ خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۚ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

(از شرم و وحشت) به زیر افتاده، و (پرده‌ای از) ذلّت و خواری آنها را پوشانده است. این همان روزی است که به آنها وعده داده می‌شد. (۴۴)

سُورَةُ نُوحٍ

ترتيبها ٧١ | آياتها ٢٨

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرۡ قَوۡمَكَ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابٌ

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناکی به سراغشان آید.»

أَلِيمٞ ﴿١﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿٢﴾ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ

(۱) گفت: «ای قوم من! به یقین من برای شما انذار کنندهٔ آشکاری هستم، (۲) که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید

وَأَطِيعُونِ ﴿٣﴾ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرۡكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ

و مرا اطاعت نمایید، (۳) تا خدا گناهانتان را بیامرزد و تا زمان معیّنی شما را عمر دهد؛

أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُۚ لَوۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوۡتُ قَوۡمِي لَيۡلٗا

زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تاخیری نخواهد داشت اگر می‌دانستید.» (۴) (نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به‌سوی تو) دعوت کردم،

وَنَهَارٗا ﴿٥﴾ فَلَمۡ يَزِدۡهُمۡ دُعَآءِيٓ إِلَّا فِرَارٗا ﴿٦﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوۡتُهُمۡ لِتَغۡفِرَ لَهُمۡ

(۵) امّا دعوت من چیزی جز فرار (از حق) بر آنان نیفزود. (۶) و من هر زمان آنها را دعوت کردم (که ایمان بیاورند) تا تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش

جَعَلُوٓاْ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ وَأَصَرُّواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ

را در گوشهایشان قرارداده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و بشدّت استکبار کردند.

ٱسۡتِكۡبَارٗا ﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوۡتُهُمۡ جِهَارٗا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّيٓ أَعۡلَنتُ لَهُمۡ وَ

(۷) سپس من آنها را با صدای بلند (به‌اطاعت فرمان تو) دعوت کردم، (۸) سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید

أَسۡرَرۡتُ لَهُمۡ إِسۡرَارٗا ﴿٩﴾ فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ﴿١٠﴾

و ایمان را) برای آنان بیان داشتم، (۹) و گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است، (۱۰)

يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ

تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد، (۱۱) و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز

جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا ﴿١٢﴾ مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ

و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد. (۱۲) چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟! (۱۳) در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به صورت

أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا۟ كَيْفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ

انسان کامل رسیدید). (۱۴) آیا نمی‌دانید چگونه خداوند هفت آسمان را برفراز یکدیگر آفریده است، (۱۵) و ماه را در میان

ٱلْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ ٱلشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾ وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ

آن‌ها مایهٔ روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرارداده است؟! (۱۶) و خداوندشما را همچون گیاهی از زمین

نَبَاتًا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ

رویانید، (۱۷) سپس شما را به زمین باز می‌گرداند، و بار دیگر شما را خارج می‌سازد. (۱۸) و خداوند زمین را برای شما فرش

ٱلْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لِّتَسْلُكُوا۟ مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٌ رَّبِّ

گسترده‌ای قرار داد، (۱۹) تاازراههای وسیع و درّه‌های آن بگذرید (و به هر جا می‌خواهید بروید).» (۲۰) نوح (بعد از نومیدی از هدایت آنان) گفت:

إِنَّهُمْ عَصَوْنِى وَٱتَّبَعُوا۟ مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾ وَمَكَرُوا۟

«پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است. (۲۱) و (این رهبران گمراه)

مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾ وَقَالُوا۟ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا

مکر عظیمی به کار بردند، (۲۲) و گفتند: دست از معبودان خود برندارید (بخصوص) بتهای «ودّ»، «سُواع»،

وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا۟ كَثِيرًا ۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ

«یَغوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید. (۲۳) و آنها بسیاری را گمراه کردند. خداوندا، ستمکاران را

إِلَّا ضَلَٰلًا ﴿٢٤﴾ مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمْ أُغْرِقُوا۟ فَأُدْخِلُوا۟ نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا۟ لَهُم

جز گمراهی میفزا!» (۲۴) (آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و

مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَنصَارًا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى ٱلْأَرْضِ مِنَ

جز خدا یاورانی برای خود نیافتند. (۲۵) نوح گفت: «پروردگارا! هیچ کس از کافران را بر روی زمین

ٱلْكَٰفِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا۟ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓا۟ إِلَّا

باقی مگذار! (۲۶) چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر

فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾ رَّبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ

به دنیا نمی‌آورند. (۲۷) پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و همهٔ کسانی را که با ایمان وارد خانهٔ من شدند،

مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًۢا ﴿٢٨﴾

و جمیع مردان و زنان با ایمان را بیامرز؛ و ستمکاران را جز هلاکت میفزا!» (۲۸)

۷۲ – سوره الجن

سُورَةُ الجِنّ

آیاتها ۲۸ | ترتیبها ۷۲

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الحزب ۵۸

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جنّ به سخنانم گوش فرا داده‌اند، سپس گفته‌اند: «ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم،

﴿۱﴾ يَهْدِيٓ إِلَى ٱلرُّشْدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦ ۖ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدًا ﴿۲﴾ وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ

(۱) که به راه راست هدایت می‌کند، پس ما به آن ایمان آورده‌ایم و هرگز کسی را همتای پروردگارمان قرار نمی‌دهیم، (۲) و این‌که والا است

جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿۳﴾ وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا

مقام با عظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است، (۳) و این‌که سفیه ما (ابلیس) دربارهٔ

عَلَى ٱللَّهِ شَطَطًا ﴿۴﴾ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا

خداوند سخنان ناروا می‌گفت، (۴) و این‌که ما گمان می‌کردیم که انس و جنّ هرگز بر خدا دروغ نمی‌بندند،

﴿۵﴾ وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ ٱلْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

(۵) و این‌که مردانی از بشر به مردانی از جنّ پناه می‌بردند، و بر گمراهی و طغیان آنان می‌افزودند،

﴿۶﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّواْ كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ ٱللَّهُ أَحَدًا ﴿۷﴾ وَأَنَّا لَمَسْنَا

(۶) و این‌که آنها گمان کردند ـ همان گونه که شما گمان می‌کردید که خداوند هرگز کسی را (به نبوت) مبعوث نمی‌کند، (۷) و این‌که ما آسمان را

ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدْنَٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿۸﴾ وَأَنَّا كُنَّا

جستجو کردیم و آن را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم، (۸) و این‌که ما پیش از این به

نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَن يَسْتَمِعِ ٱلْـَٔانَ يَجِدْ لَهُۥ شِهَابًا رَّصَدًا

استراق سمع در آسمانها می‌نشستیم؛ امّا اکنون هرکس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می‌یابد.

﴿۹﴾ وَأَنَّا لَا نَدْرِيٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي ٱلْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

(۹) و این‌که (با این اوضاع) ما نمی‌دانیم آیا ارادهٔ شرّی دربارهٔ اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟!

﴿۱۰﴾ وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ ۖ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا ﴿۱۱﴾ وَأَنَّا

(۱۰) و این‌که در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیرصالحند؛و ما گروههای متفاوتی هستیم، (۱۱) و این‌که

ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعْجِزَ ٱللَّهَ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُۥ هَرَبًا ﴿۱۲﴾ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا

ما یقین داریم هرگز نمی‌توانیم بر ارادهٔ خداوند در زمین غالب شویم و نمی‌توانیم از (پنجهٔ قدرت) او بگریزیم، (۱۲) و این‌که ما هنگامی که

ٱلْهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦ ۖ فَمَن يُؤْمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿۱۳﴾

هدایت (قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هرکس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان (در پاداش) می‌ترسد و نه از ستم (در مجازات). (۱۳)

وَأَنَّا مِنَّا ٱلْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا ٱلْقَٰسِطُونَ ۖ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ تَحَرَّوْا۟

و این‌که گروهی از ما مسلمان و گروهی ستمکارند؛ هرکس اسلام را اختیار کند راه راست را

رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا ٱلْقَٰسِطُونَ فَكَانُوا۟ لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾ وَأَلَّوِ ٱسْتَقَٰمُوا۟

برگزیده است، (۱۴) و امّا ستمکاران آتشگیره و هیزم دوزخند. (۱۵) و این‌که اگر آنها [= جنّ و انس] در راه

عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَٰهُم مَّآءً غَدَقًا ﴿١٦﴾ لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَمَن يُعْرِضْ عَن

(ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان (باران) سیرابشان می‌کنیم. (۱۶) تا آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم؛ و هرکس از

ذِكْرِ رَبِّهِۦ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ ٱلْمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا۟

یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد! (۱۷) و این‌که مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را

مَعَ ٱللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبْدُ ٱللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا۟ يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا

با خدا نخوانید. (۱۸) و این‌که هنگامی که بنده خدا [= محمد] به عبادت برمی‌خاست و او را می‌خواند، گروهی پیرامون او بشدت ازدحام می‌کردند.»

﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَآ أَدْعُوا۟ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ بِهِۦٓ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّى لَآ أَمْلِكُ لَكُمْ

(۱۹) بگو: «من تنها پروردگارم را می‌خوانم و هیچ کس را همتای او قرار نمی‌دهم.» (۲۰) بگو: «من مالک زیان و هدایتی برای

ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّى لَن يُجِيرَنِى مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ

شما نیستم.» (۲۱) بگو: «(اگر من نیز برخلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر خداوند حمایت نمی‌کند و پناهگاهی جز او نمی‌یابم؛

مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَٰغًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِۦ ۚ وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ

(۲۲) تنها وظیفهٔ من ابلاغ ازسوی خدا و رساندن رسالات اوست؛ و کسانی که نافرمانی خدا و پیامبرش کنند،

لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوْا۟ مَا يُوعَدُونَ

آتش دوزخ از آن آنهاست و جاودانه در آن می‌مانند.» (۲۳) (این کارشکنی کفّار همچنان ادامه می یابد) تا هنگامی که آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند؛

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِنْ أَدْرِىٓ

آنگاه می‌دانند چه کسی یاورش ضعیف‌تر و جمعیّتش کمتر است! (۲۴) بگو: «من نمی‌دانم آنچه به شما

أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُۥ رَبِّىٓ أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ

وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار می‌دهد؟! (۲۵) دانای غیب اوست

فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِۦٓ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ٱرْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُۥ

و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، (۲۶) مگر پیامبرانی که (آنان را برگزیده و) از آنها راضی است

يَسْلُكُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا۟

و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می‌دهد، (۲۷) تا معلوم شود پیامبرانش رسالتهای

رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَىْءٍ عَدَدًۢا ﴿٢٨﴾

پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند؛ و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است.» (۲۸)

۷۳ – سوره المزمل

سُورَةُ المُزَّمِّل

ترتيبها ۷۳ — آياتها ۲۰

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُزَّمِّلُ ﴿١﴾ قُمِ ٱلَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ نِّصْفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾

ای جامه به خود پیچیده! (۱) شب را، جز کمی، به پاخیز. (۲) نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، (۳)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ ٱلْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾ إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾

یا بر نصف آن بیفزا، وقرآن را با تأمّل و دقت بخوان. (۴) چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد. (۵)

إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيْلِ هِىَ أَشَدُّ وَطْـًٔا وَأَقْوَمُ قِيلًا ﴿٦﴾ إِنَّ لَكَ فِى ٱلنَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

به یقین نماز و عبادت شبانه گامی استوارتر و گفتاری پایدارتر است. (۶) زیرا تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت (و عبادت شبانه به تو نیرو

﴿٧﴾ وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾ رَّبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ لَآ

می‌بخشد). (۷) نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند. (۸) اوست پروردگار مشرق و مغرب که معبودی جز او نیست،

إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهْجُرْهُمْ هَجْرًا

پس او را تکیه گاه خود انتخاب کن، (۹) و در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبا باش و بطرزی شایسته از آنان دوری گزین.

جَمِيلًا ﴿١٠﴾ وَذَرْنِى وَٱلْمُكَذِّبِينَ أُو۟لِى ٱلنَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَآ

(۱۰) و مرا با تکذیب‌کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده، (۱۱) که (برای آنها) نزد ما غل و

أَنكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ

زنجیرها و (آتش) دوزخ است، (۱۲) و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناک، (۱۳) در آن روز که زمین و

ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ وَكَانَتِ ٱلْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْكُمْ

کوهها سخت به لرزه درمی‌آید، وکوهها (چنان درهم کوبیده می‌شود که) به شکل توده‌هایی از شن نرم درمی‌آید. (۱۴) ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که

رَسُولًا شَٰهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ

گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون پیامبری فرستادیم. (۱۵) (ولی) فرعون به مخالفت و

ٱلرَّسُولَ فَأَخَذْنَٰهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا

نافرمانی آن پیامبر برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم. (۱۶) شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب) روزی که کودکان

يَجْعَلُ ٱلْوِلْدَٰنَ شِيبًا ﴿١٧﴾ ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرٌۢ بِهِۦ ۚ كَانَ وَعْدُهُۥ مَفْعُولًا

را پیر می‌کند برکنار می‌دارید؟! (۱۷) و در آن روز آسمان از هم شکافته می‌شود، و وعدهٔ الهی، انجام شدنی است.

﴿١٨﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

(۱۸) این هشدار و تذکری است، پس هرکس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند. (۱۹)

۷۴ – سوره المدثر

إن ربك يعلم أنك تقوم أدنى من ثلثي الليل ونصفه وثلثه وطائفة من الذين
پروردگارت می‌داند که تو و گروهي از آنها که با تو هستند نزديک دو ثلث از شب يا نصف يا ثلث آن را به پا مي‌خيزيد؛ (و به عبادت و تلاوت قرآن
معك والله يقدر الليل والنهار علم أن لن تحصوه فتاب عليكم فاقرءوا ما
مي‌پردازيد) خداوند شب و روز را اندازه‌گيري مي‌کند؛ او مي‌داند که شما نمي‌توانيد مقدار آن را (به دقت براي عبادت کردن) اندازه‌گيري کنيد، پس شما را
تيسر من القرآن علم أن سيكون منكم مرضى وآخرون يضربون في الأرض
بخشيد؛ اکنون آنچه براي شما ميسّر است قرآن بخوانيد. او مي‌داند بزودي گروهي از شما بيمار مي‌شوند، و گروهي ديگر براي به دست آوردن فضل الهي (و
يبتغون من فضل الله وآخرون يقاتلون في سبيل الله فاقرءوا ما تيسر منه و
کسب روزي) به سفر مي‌روند، و گروهي ديگر در راه خدا جهاد مي‌کنند (و از تلاوت قرآن باز مي‌مانند)، پس آنچه براي شما ممکن است از آن تلاوت کنيد و
أقيموا الصلاة وآتوا الزكاة وأقرضوا الله قرضا حسنا وما تقدموا لأنفسكم
نماز را برپا داريد و زکات بپردازيد و به خدا «قرض الحسنه» دهيد (در راه او انفاق نماييد) و (بدانيد) آنچه از کارهاي نيک براي خود
من خير تجدوه عند الله هو خيرا وأعظم أجرا واستغفروا الله إن الله غفور رحيم ﴿٢٠﴾
از پيش مي‌فرستيد آن را نزد خدا به بهترين وجه و بزرگترين پاداش خواهيد يافت؛ و از خدا آمرزش بطلبيد که خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۰)

سورة المدثر

ترتيبها ۷۴ | آياتها ۵۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

يا أيها المدثر ﴿١﴾ قم فأنذر ﴿٢﴾ وربك فكبر ﴿٣﴾ وثيابك فطهر ﴿٤﴾
اي جامهٔ خواب به خود پيچيده (۱) برخيز و انذار کن، (۲) و پروردگارت را بزرگ بشمار (۳) و لباست را پاکيزه‌دار، (۴)
والرجز فاهجر ﴿٥﴾ ولا تمنن تستكثر ﴿٦﴾ ولربك فاصبر ﴿٧﴾
و از پليدي دوري کن، (۵) و منّت مگذار و عملت را بزرگ مشمار، (۶) و بخاطر پروردگارت شکيبايي کن، (۷)
فإذا نقر في الناقور ﴿٨﴾ فذلك يومئذ يوم عسير ﴿٩﴾ على الكافرين
و (بدانيد) هنگامي که در «صور» دميده شود، (۸) آن روز، روز سختي است، (۹) که براي کافران
غير يسير ﴿١٠﴾ ذرني ومن خلقت وحيدا ﴿١١﴾ وجعلت له مالا
آسان نيست! (۱۰) مرا با کسي که او را به تنهايي آفريده‌ام واگذار! (۱۱) همان کس که براي او مال گسترده‌اي قرار دادم، (۱۲) و فرزندان فراواني که
ممدودا ﴿١٢﴾ وبنين شهودا ﴿١٣﴾ ومهدت له تمهيدا ﴿١٤﴾ ثم يطمع
همواره در کنار او (و در خدمت او) هستند، (۱۳) و وسايل زندگي را (از هر نظر) برايش فراهم ساختم! (۱۴) باز طمع دارد که (به آن) بيفزايم. (۱۵) هرگز.
أن أزيد ﴿١٥﴾ كلا إنه كان لآياتنا عنيدا ﴿١٦﴾ سأرهقه صعودا ﴿١٧﴾
چنين نخواهد شد؛ چرا که او نسبت به آيات ما دشمني مي‌ورزد. (۱۶) و بزودي او را مجبور مي‌کنم که از قلهٔ زندگي بالا رود. (پس او را به زير مي‌افکنم)! (۱۷)

إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾ فَقُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾

او اندیشه کرد و نقشه‌ای (شیطانی) کشید! (۱۸) مرگ بر او! چگونه نقشه‌ای کشید؟! (۱۹) باز هم مرگ بر او، چگونه نقشه کشید؟! (۲۰) پس نگاهی کرد، (۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ أَدۡبَرَ وَٱسۡتَكۡبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ ﴿٢٤﴾

و چهره درهم‌کشید و عجولانه دست به کار شد؛ (۲۲) سپس پشت کرد و تکبّر ورزید، (۲۳) و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی جز سحر پیشینیان نیست! (۲۴)

إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾ لَا

این فقط سخن انسان است.» (۲۵) (امّا) بزودی او را وارد سقر [=دوزخ] می‌کنم! (۲۶) و تو چه می‌دانی «سقر» چیست! (۲۷) (آتش است که)

تُبۡقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ

نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه رها می‌سازد. (۲۸) پوست را دگرگون می‌کند. (۲۹) نوزده (نگهبان) بر آن گمارده‌شده‌اند! (۳۰) نگهبانان ماموران

ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۖ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ

دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم

أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَ

تااهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مومنان بیفزاید، و اهل کتاب و مومنان (در حقانیت این کتاب آسمانی)

ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۚ

تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این سخن چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه

كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَمَا يَعۡلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَۚ وَمَا هِيَ

خداوند هرکس را بخواهد گمراه می‌سازد و هرکس را بخواهد هدایت می‌کند. و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار

إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡبَشَرِ ﴿٣١﴾ كَلَّا وَٱلۡقَمَرِ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ ﴿٣٣﴾ وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ

و تذکری برای انسانها نیست! (۳۱) هرگز چنین نیست سوگند به ماه، (۳۲) و به شب، هنگامی که (دامن برچیند و) پشت کند، (۳۳) و به صبح هنگامی‌که چهره

﴿٣٤﴾ إِنَّهَا لَإِحۡدَى ٱلۡكُبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرٗا لِّلۡبَشَرِ ﴿٣٦﴾ لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَتَقَدَّمَ أَوۡ

بگشاید، (۳۴) که آن (حوادث هولناک قیامت) از مسائل مهم است! (۳۵) هشداری است برای همه انسانها، (۳۶) برای کسانی از شما که می‌خواهند (به سوی

يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّٰتٖ

هدایت) پیش روند یا عقب بمانند (۳۷) (آری) هرکس در گرو اعمال خویش است، (۳۸) مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به دست راستشان

يَتَسَآءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ﴿٤٢﴾ قَالُواْ لَمۡ نَكُ

می‌دهند)! (۳۹) آنها در باغهای بهشتی‌اند، و سوال می‌کنند، (۴۰) از مجرمان: (۴۱) «چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!» (۴۲) می‌گویند:

مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ

«ما از نمازگزاران نبودیم، (۴۳) و اطعام مستمند نمی‌کردیم، (۴۴) و پیوسته با اهل باطل همنشین

مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ﴿٤٧﴾

و همصدا بودیم، (۴۵) و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم، (۴۶) تا زمانی که مرگ ما فرا رسید!» (۴۷)

۷۵ – سوره القیامه

فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ ٱلتَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾

از این رو شفاعت شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشد. (۴۸) چرا آنها از تذکر روی‌گردانند؟! (۴۹)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍۭ ﴿٥١﴾ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ ٱمْرِئٍ

گویی گورخرانی رمیده‌اند، (۵۰) که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند! (۵۱) بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد

مِّنْهُمْ أَن يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً ﴿٥٢﴾ كَلَّا ۖ بَل لَّا يَخَافُونَ ٱلْءَاخِرَةَ ﴿٥٣﴾

نامهٔ جداگانه‌ای (از سوی خدا) به او داده شود. (۵۲) هرگز چنین نیست (که آنان می‌گویند)،بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند. (۵۳)

كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذْكِرَةٌ ﴿٥٤﴾ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّآ أَن

هرگز چنین نیست (که آنها می‌گویند) آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است. (۵۴) و کسانی که بخواهند از آن پند می‌گیرند؛ (۵۵) و آنها پند نمی‌گیرند

يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ هُوَ أَهْلُ ٱلتَّقْوَىٰ وَأَهْلُ ٱلْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

مگر این‌که خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است (و به هر کس آنچه لایق باشد می‌دهد).(۵۶)

سُورَةُ ٱلْقِيَٰمَةِ

ترتیبها ۷۵ — آیاتها ۴۰

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

لَآ أُقْسِمُ بِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ ﴿١﴾ وَلَآ أُقْسِمُ بِٱلنَّفْسِ ٱللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيَحْسَبُ ٱلْإِنسَٰنُ أَلَّن

سوگند به روز قیامت، (۱) و سوگند به نفس ملامتگر (و وجدان بیدار) که رستاخیز حق است)! (۲) آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوانهای او را

نَّجْمَعَ عِظَامَهُۥ ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّىَ بَنَانَهُۥ ﴿٤﴾ بَلْ يُرِيدُ ٱلْإِنسَٰنُ لِيَفْجُرَ

جمع نخواهیم کرد؟! (۳) آری قادریم که انگشتان او را موزون و مرتب کنیم. (۴) (انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می‌خواهد (آزادانه) در تمام عمر گناه

أَمَامَهُۥ ﴿٥﴾ يَسْـَٔلُ أَيَّانَ يَوْمُ ٱلْقِيَٰمَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ ٱلْبَصَرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ ٱلْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ

کند. (۵) (از این رو) می‌پرسد: «روز قیامت کی خواهد بود»؟! (۶) (بگو:) در آن هنگام که چشمها از شدّت وحشت خیره گردد، (۷) و ماه بی‌نور شود، (۸)

ٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ ٱلْإِنسَٰنُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ ٱلْمَفَرُّ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ

و خورشید و ماه با هم جمع شوند، (۹) آن روز انسان می‌گوید: «راه فرار کجاست؟!» (۱۰) هرگز چنین نیست، وپناهگاهی وجود ندارد! (۱۱) آن روز قرارگاه

يَوْمَئِذٍ ٱلْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾ يُنَبَّؤُا۟ ٱلْإِنسَٰنُ يَوْمَئِذٍۭ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ ٱلْإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ

نهایی تنها به سوی پروردگار تو است؛ (۱۲) و در آن روز انسان را از آنچه که از پیش و پشت سر فرستاده آگاه می‌کنند. (۱۳) بلکه انسان از وضع خویش آگاه

بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ﴿١٥﴾ لَا تُحَرِّكْ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِۦٓ ﴿١٦﴾ إِنَّ

است، (۱۴) هرچند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد. (۱۵) (هنگام نزول وحی) زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن حرکت مده، (۱۶) چرا که جمع

عَلَيْنَا جَمْعَهُۥ وَقُرْءَانَهُۥ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأْنَٰهُ فَٱتَّبِعْ قُرْءَانَهُۥ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُۥ ﴿١٩﴾

کردن و خواندن آن بر عهده ماست. (۱۷) پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن. (۱۸) سپس بیان(وتوضیح)آن(نیز) بر عهدهٔ ماست(۱۹)

كلا بل تحبون العاجلة (۲۰) وتذرون الآخرة (۲۱) وجوه يومئذ ناضرة (۲۲) إلى

هرگز چنین نیست بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (۲۰) وآخرت را رها می‌کنید. (۲۱) (آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسروراست، (۲۲) و به

ربها ناظرة (۲۳) ووجوه يومئذ باسرة (۲۴) تظن أن يفعل بها فاقرة (۲۵) كلا إذا

(الطاف) پروردگارشان می‌نگرند. (۲۳) و درآنروز صورتهایی عبوس و درهم کشیده است، (۲۴) (زیرا) می‌دانند عذابی کمرشکن در پیش دارند! (۲۵) هرگز

بلغت التراقي (۲۶) وقيل من راق (۲۷) وظن أنه الفراق (۲۸) والتفت الساق

چنین نیست تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد، (۲۶) و گفته شود: «آیا کسی هست که نجات دهد؟!» (۲۷)او به جدایی از دنیا یقین پیدا می‌کند، (۲۸) و ساق

بالساق (۲۹) إلى ربك يومئذ المساق (۳۰) فلا صدق ولا صلى (۳۱) ولكن

پاها به هم می‌پیچد! (۲۹) در آن روز مسیر همه به سوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود. (۳۰) (در آن روز گفته می‌شود:) او ایمان نیاورد و نماز نخواند، (۳۱)

كذب وتولى (۳۲) ثم ذهب إلى أهله يتمطى (۳۳) أولى لك فأولى (۳۴) ثم

بلکه تکذیب کرد و روی‌گردان شد، (۳۲) سپس به سوی خانوادهٔ خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم بر می‌داشت. (۳۳) (با این اعمال) عذاب الهی برای تو

أولى لك فأولى (۳۵) أيحسب الإنسان أن يترك سدى (۳۶) ألم يك نطفة من

شایسته‌تر است، شایسته‌تر! (۳۴) باز هم عذاب برای تو شایسته‌تر است، شایسته‌تر! (۳۵) آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟! (۳۶) آیا او نطفه‌ای از

مني يمنى (۳۷) ثم كان علقة فخلق فسوى (۳۸) فجعل منه الزوجين الذكر و

منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟! (۳۷) سپس بصورت خون بسته درآمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، (۳۸) و از آن، دو زوج

الأنثى (۳۹) أليس ذلك بقادر على أن يحيي الموتى (۴۰)

مرد و زن آفرید. (۳۹) آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟! (۴۰)

سورة الإنسان

ترتيبها ۷۶ | آياتها ۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا (۱) إنا خلقنا

آیا این گونه نیست که زمانی طولانی از روزگار بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟! (۱) ما انسان را

الإنسان من نطفة أمشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا (۲) إنا هديناه

از نطفه به هم آمیخته‌ای آفریدیم، و او را می‌آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم. (۲) ما راه را به او نشان

السبيل إما شاكرا وإما كفورا (۳) إنا أعتدنا للكافرين سلاسل و

دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس. (۳) ما برای کافران،زنجیرها و غلها و شعله‌های

أغلالا وسعيرا (۴) إن الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورا (۵)

سوزان آتش آماده کرده‌ایم! (۴) به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (۵)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِٱلنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا

از چشمه‌ای که بندگان خاصّ خدا از آن می‌نوشند، و (از هر جا بخواهند) آن را جاری می‌سازند. (۶) آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شرّ و عذابش

كَانَ شَرُّهُۥ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ وَيُطْعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَ

گسترده است می‌ترسند. (۷) و غذای (خود) را با این‌که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مستمند» و «یتیم» و «اسیر» اطعام می‌کنند.

أَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَآءً وَلَا شُكُورًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ

(۸) (و می‌گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، وهیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. (۹) ما از پروردگارمان

مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾ فَوَقَىٰهُمُ ٱللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمِ وَلَقَّىٰهُمْ نَضْرَةً

خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است. (۱۰) (بخاطر این عقیده و عمل)خداوند آنان را از شرّ آن روز نگه می‌دارد و از آنها استقبال می‌کند درحالی که

وَسُرُورًا ﴿١١﴾ وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُوا۟ جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾ مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى

شادمان و مسرورند. (۱۱) و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر (بهشتی) را به آنها پاداش می‌دهد. (۱۲) در آنجا بر تختهای زیبا تکیه کرده‌اند،

ٱلْأَرَآئِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَـٰلُهَا وَذُلِّلَتْ

نه آفتاب (سوزان) را در آن‌جا می‌بینند و نه سرما را. (۱۳) و در حالی است که سایه‌های آن (درختان بهشتی) بر آنها فرو افتاده

قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِـَٔانِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا۠ ﴿١٥﴾

و چیدن میوه‌هایش بسیار آسان است. (۱۴) و در گردا گرد آنها ظرفهایی سیمین و قدحهایی بلورین می‌گردانند، (پر از بهترین غذاها و نوشیدنیها) (۱۵)

قَوَارِيرَا۟ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا

ظرفهای بلورینی از نقره (شفاف)، که آنها را به اندازهٔ مناسب آماده کرده‌اند. (۱۶) و در آن جا از جامهایی سیراب می‌شوند لبریز (از شراب طهوری) که

﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾ ۞ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَٰنٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا

آمیخته با زنجبیل است. (۱۷) از چشمه‌ای در آنجا که نامش سلسبیل است. (۱۸) و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می‌گردند که هرگاه آنها را

رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا

ببینی گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اند. (۱۹) و هنگامی که آن‌جا را ببینی نعمت و ملک عظیمی را می‌بینی!

﴿٢٠﴾ عَـٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ ۖ وَحُلُّوٓا۟ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَ

(۲۰) بر اندام آنها [= بهشتیان] لباسهایی است از حریر نازک سبز رنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند،

سَقَىٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَـٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَآءً وَكَانَ سَعْيُكُم

و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند. (۲۱) این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است.

مَّشْكُورًا ﴿٢٢﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ تَنزِيلًا ﴿٢٣﴾ فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ

(۲۲) به یقین قرآن را ما بر تو نازل کردیم. (۲۳) پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا و با استقامت باش،

لَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾ وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾

و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن. (۲۴) و نام پروردگارت را هر صبح و شام یاد کن. (۲۵)

وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ

و پاسی از شب را برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی. (۲۶) آنها زندگی زودگذر

يُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمۡ يَوۡمٗا ثَقِيلٗا ﴿٢٧﴾ نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ وَشَدَدۡنَآ

دنیا را دوست دارند، در حالي که روز سختي را پشت سر خودرها مي‌کنند. (۲۷) ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم،

أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا ﴿٢٨﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ

و هر زمان بخواهیم جاي آنان را به گروهي همانند آنان مي‌دهیم. (۲۸) این یک تذکر و یادآوری است، و هرکس بخواهد

ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ﴿٢٩﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ

(با استفاده از آن) راهي به سوي پروردگارش برمي‌گزيند. (۲۹) و شما (چیزی را) نمي‌خواهید مگر این‌که خدا بخواهد،خداوند دانا و حکیم

عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿٣٠﴾ يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمَۢا ﴿٣١﴾

بوده و هست. (۳۰) هرکس را بخواهد (و شایسته باشد) در رحمت (وسیع) خود وارد مي‌کند، و برای ستمکاران عذاب دردناکي آماده ساخته است! (۳۱)

سُورَةُ المُرۡسَلَاتِ

ترتیبها ۷۷ — آیاتها ۵۰

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ﴿١﴾ فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا ﴿٢﴾ وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا ﴿٣﴾

سوگند به فرشتگاني که پي در پي فرستاده مي‌شوند، (۱) و آنها که همچون تندباد حرکت مي‌کنند، (۲) و سوگند به آنها که (ابرها را) مي‌گسترانند، (۳)

فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا ﴿٤﴾ فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ ذِكۡرًا ﴿٥﴾ عُذۡرًا أَوۡ نُذۡرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا

و آنها که جدا مي‌کنند، (۴) و سوگند به آنها که آیات بیدارگر (الهي) را (به انبیا) القا مي‌نمایند، (۵) برای اتمام حجّت یا انذار، (۶) (سوگند به همهٔ این امور)

تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٞ ﴿٧﴾ فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ ﴿٨﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ

که آنچه به شما (دربارهٔ قیامت) وعده داده مي‌شود، واقع شدني است! (۷) در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند (۸) و (کرات) آسمان از هم

﴿٩﴾ وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ نُسِفَتۡ ﴿١٠﴾ وَإِذَا ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتۡ ﴿١١﴾ لِأَيِّ يَوۡمٍ أُجِّلَتۡ

بشکافند، (۹) و آنگاه که کوهها از جا کنده و متلاشي شوند، (۱۰) و در آن هنگام که برای پیامبران (به منظور ادای شهادت) تعیین وقت شود. (۱۱) (این

﴿١٢﴾ لِيَوۡمِ ٱلۡفَصۡلِ ﴿١٣﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ﴿١٤﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ

شهادت) برای چه روزی به تأخیر افتاده؟! (۱۲) برای روزجدایي (حق از باطل). (۱۳) تو چه مي‌داني روز جدایي چیست؟! (۱۴) وای در آن روز

لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ أَلَمۡ نُهۡلِكِ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نُتۡبِعُهُمُ ٱلۡأٓخِرِينَ

بر تکذیب کنندگان. (۱۵) آیا ما اقوام(مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟! (۱۶) سپس دیگران را به دنبال آنها مي‌فرستیم.

﴿١٧﴾ كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

(۱۷) (آری) این گونه با مجرمان رفتار مي‌کنیم. (۱۸) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۹)

أَلَمۡ نَخۡلُقكُّم مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ (٢٠) فَجَعَلۡنَٰهُ فِي قَرَارٖ مَّكِينٍ (٢١) إِلَىٰ قَدَرٖ مَّعۡلُومٖ

آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم، (۲۰) سپس آن را در قرارگاهی مطمئن و آماده [= رحم] قرار دادیم، (۲۱) تا مدّتی معیّن؟!

(٢٢) فَقَدَرۡنَا فَنِعۡمَ ٱلۡقَٰدِرُونَ (٢٣) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٢٤) أَلَمۡ نَجۡعَلِ

(۲۲) ما توانایی بر این کار داشتیم، پس ما چه توانای خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است). (۲۳) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۴) آیا زمین

ٱلۡأَرۡضَ كِفَاتًا (٢٥) أَحۡيَآءٗ وَأَمۡوَٰتٗا (٢٦) وَجَعَلۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ شَٰمِخَٰتٖ وَ

را مرکز اجتماع (شما) قرار ندادیم، (۲۵) برای زندگان و مردگان (شما)؟! (۲۶) و در آن کوههای استوار و بلندی قرار دادیم، و آبی

أَسۡقَيۡنَٰكُم مَّآءٗ فُرَاتٗا (٢٧) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٢٨) ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ مَا

گوارا به شما نوشاندیم. (۲۷) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (۲۸) (در آن روز به آنها گفته می‌شود:) بی‌درنگ،به سوی همان چیزی که

كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (٢٩) ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ ظِلّٖ ذِي ثَلَٰثِ شُعَبٖ (٣٠) لَّا ظَلِيلٖ

پیوسته آن را تکذیب می‌کردید بروید. (۲۹) بروید به سوی سایه‌ای سه شاخه (از دودهای خفقان بار و آتش‌زا)! (۳۰) سایه‌ای که نه آرام بخش است

وَلَا يُغۡنِي مِنَ ٱللَّهَبِ (٣١) إِنَّهَا تَرۡمِي بِشَرَرٖ كَٱلۡقَصۡرِ (٣٢) كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٞ

و نه ازشعله‌های آتش جلوگیری می‌کند! (۳۱) شراره‌هایی (از خود) پرتاب می‌کند به بزرگی یک کاخ! (۳۲) گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زرد

صُفۡرٞ (٣٣) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٣٤) هَٰذَا يَوۡمُ لَا يَنطِقُونَ (٣٥) وَلَا

رنگی هستند (که به هر سو پراکنده می‌شوند)! (۳۳) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (۳۴) امروز روزی است که سخن نمی‌گویند، (۳۵) و به آنها اجازه داده

يُؤۡذَنُ لَهُمۡ فَيَعۡتَذِرُونَ (٣٦) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٣٧) هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِۖ

نمی‌شود تا عذرخواهی کنند. (۳۶) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۷) (و به آنها گفته می‌شود:) امروز، روز جدایی (حق از باطل)

جَمَعۡنَٰكُمۡ وَٱلۡأَوَّلِينَ (٣٨) فَإِن كَانَ لَكُمۡ كَيۡدٞ فَكِيدُونِ (٣٩) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ

است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده‌ایم. (۳۸) اگر چاره‌ای در برابر من (برای فرار از چنگال مجازات) دارید انجام دهید! (۳۹) وای در آن روز بر

لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٤٠) إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي ظِلَٰلٖ وَعُيُونٖ (٤١) وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشۡتَهُونَ

تکذیب‌کنندگان! (۴۰) (در آن روز) پرهیزگاران در سایه‌های (درختان بهشتی) و در میان چشمه‌ها قرار دارند، (۴۱) و میوه‌هایی از آنچه مایل باشند.

(٤٢) كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ (٤٣) إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ

(۴۲) بخورید و بنوشید گوارا باد بر شما، اینها در برابراعمالی است که انجام می‌دادید! (۴۳) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

(٤٤) وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٤٥) كُلُواْ وَتَمَتَّعُواْ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجۡرِمُونَ (٤٦)

(۴۴) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (۴۵) (و به مجرمان بگو:) بخورید و اندکی (از زندگی دنیا) بهره گیرید (ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست)

وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٤٧) وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا يَرۡكَعُونَ (٤٨)

چرا که شما مجرمید. (۴۶) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (۴۷) و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید رکوع نمی‌کنند. (۴۸)

وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ (٤٩) فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ (٥٠)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (۴۹) (و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی‌آورند) پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می‌آورند؟! (۵۰)

الجزء ۳۰ الحزب ۵۹

سُورَةُ النَّبَإِ

ترتيبها ۷۸ — آياتها ٤۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۱﴾ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ﴿۲﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿۳﴾ كَلَّا

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟! (۱) از خبر بزرگ و پر اهمیّت (رستاخیز)! (۲) که پیوسته در آن اختلاف دارند. (۳) چنین نیست (که آنها فکر

سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ

می‌کنند)، بزودی خواهند دانست. (۴) باز هم چنین نیست، بزودی می‌دانند (که قیامت حق است)! (۵) آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! (۶) و

أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا

کوهها را میخهایی (برای زمین)؟! (۷) و شما را بصورت زوجها آفریدیم! (۸) و خواب شما رامایهٔ آرامشتان قرار دادیم، (۹) و شب را پوششی

اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا

(برای شما)، (۱۰) و روز را وسیله‌ای برای زندگی و معاش. (۱۱) و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم‌بنا کردیم.

﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا

(۱۲) و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم! (۱۳) و از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم.

﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ

(۱۴) تا بوسیلهٔ آن دانه و گیاه بسیار برویانیم، (۱۵) و باغهایی پر درخت. (۱۶) (آری) روز جدایی (حق از باطل)،

مِيقَاتًا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ

میعاد همگان است! (۱۷) روزی که در «صور» دمیده می‌شود و شما فوج فوج (به محشر) می‌آیید. (۱۸) و آسمان گشوده می‌شود و

فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ

بصورت درهای متعددی در می‌آید. (۱۹) و کوهها به حرکت درمی‌آید (و متلاشی می‌شود) و بصورت سرابی خواهد شد. (۲۰) به یقین (در آن روز) جهنم

مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِلطَّاغِينَ مَآبًا ﴿٢٢﴾ لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا

کمینگاهی است بزرگ، (۲۱) و محل بازگشتی برای طغیانگران. (۲۲) مدتهای طولانی در آن می‌مانند. (۲۳) در آن‌جا نه چیز خنکی می‌چشند و

بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ

نه نوشیدنی گوارایی، (۲۴) جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون. (۲۵) این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان). (۲۶) چرا که

كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلَّ

آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، (۲۷) و آیات ما را به طور کامل تکذیب کردند. (۲۸) و ما همه چیز

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

را در کتابی شمارش و ثبت کرده‌ایم. (۲۹) پس (به آنان گفته می‌شود:) بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم!(۳۰)

۷۹ – سوره النازعات

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿۳۱﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿۳۲﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿۳۳﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا

به يقين براي پرهيزگاران نجات و رستگاري بزرگي است: (۳۱) باغهايي سرسبز، و انواع انگورها، (۳۲) و حورياني بسيار جوان و همسن و سال، (۳۳) و

﴿۳۴﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ﴿۳۵﴾ جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿۳۶﴾ رَبِّ

جامهايي لبريز و پياپي (۳۴) در آن جا نه سخن لغو و بيهوده‌اي مي‌شنوند و نه دروغي. (۳۵) اين پاداشي است از سوي پروردگارت و عطيه‌اي است مطابق

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ ۖ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿۳۷﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ

(اعمالشان)، (۳۶) همان پروردگار آسمانها و زمين و آنچه در ميان آن دو است، همان پروردگار رحمان؛ و (در آن روز) هيچ كس حق ندارد بي اجازه او سخني

وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا ۖ لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿۳۸﴾

بگويد (يا شفاعتي كند). (۳۷) روزي كه «روح» و «ملائكه» به صف مي‌ايستند و هيچ يک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمي‌گويند، و (آنگاه كه مي‌گويند)

ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ ۖ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ﴿۳۹﴾ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا

درست مي‌گويند. (۳۸) آن روز حق است؛ هر كس بخواهد (اكنون) راه بازگشتي به سوي پروردگارش برمي‌گزيند. (۳۹) و ما شما را از عذاب نزديكي بيم

قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿۴۰﴾

داديم؛ در روزي كه انسان آنچه را از قبل با دستهاي خود فرستاده مي‌بيند، و كافر مي‌گويد: «اي كاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمي‌شدم)!» (۴۰)

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

ترتيبها ۷۹ — آياتها ۴۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ﴿۱﴾ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ﴿۲﴾ وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا

سوگند به فرشتگاني كه (روح مجرمان را از بدن‌هايشان) به شدت بر مي‌كشند، (۱) و فرشتگاني كه (روح مؤمنان را) با مدارا و نشاط مي‌گيرند،

﴿۳﴾ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴿۴﴾ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴿۵﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

(۲) و سوگند به فرشتگاني كه (در اجراي فرمان الهي) با سرعت حركت مي‌كنند، (۳) و بر يكديگر سبقت مي‌گيرند، (۴) و آنها كه امور را تدبير مي‌كنند!

﴿۶﴾ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿۷﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿۸﴾ أَبْصَارُهَا

(۵) آن روز كه آن زلزلهٔ وحشتناک (همه چيز را) به لرزه در مي‌آورد، (۶) و از پي آن، حادثهٔ دومين [= صيحهٔ عظيم محشر] رخ مي‌دهد، (۷) دلهايي در

خَاشِعَةٌ ﴿۹﴾ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿۱۰﴾ أَإِذَا كُنَّا

آن روز سخت مضطرب است، (۸) و چشمهاي آنان (از شدت ترس) فرو افتاده‌است. (۹) مي‌گويند: «آيا ما به زندگي مجدد باز مي‌گرديم؟! (۱۰) آيا

عِظَامًا نَخِرَةً ﴿۱۱﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿۱۲﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ

هنگامي كه استخوانهاي پوسيده‌اي شديم (ممكن است زنده شويم)؟!» (۱۱) مي‌گويند: «اگر اينگونه، بازگشتي‌است زيانبار!» (۱۲) ولي (بدانيد)

وَاحِدَةٌ ﴿۱۳﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿۱۴﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿۱۵﴾

اين بازگشت تنها با يک صيحه عظيم‌است! (۱۳) ناگهان همگي بر عرصه زمين ظاهر مي‌گردند! (۱۴) آيا سرگذشت موسي به تو رسيده است؟! (۱۵)

إِذْ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ ٱذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿١٧﴾ فَقُلْ

در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طوی» ندا داد (و گفت): (۱۶) به سوی فرعون برو که طغیان کرده است. (۱۷) و به او بگو:

هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَرَىٰهُ ٱلْءَايَةَ

«آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! (۱۸) و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا (از نافرمانی او) بترسی؟!» (۱۹) سپس موسی بزرگترین معجزه را به او

ٱلْكُبْرَىٰ ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ﴿٢٣﴾

نشان داد. (۲۰) امّا او تکذیب و عصیان کرد. (۲۱) سپس روی گردان شد و (برای محو آیین حق) تلاش نمود! (۲۲) و (ساحران را) جمع کرد و (مردم را)

فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلْأَعْلَىٰ ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلْءَاخِرَةِ وَٱلْأُولَىٰٓ ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ

دعوت نمود. (۲۳) و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم.» (۲۴) از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت. (۲۵) به یقین در این عبرتی

لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰٓ ﴿٢٦﴾ ءَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُ ۚ بَنَىٰهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمْكَهَا

است برای کسی که (از نافرمانی خدا) بترسد. (۲۶) آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل‌تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟! (۲۷) سقف

فَسَوَّىٰهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَىٰهَا ﴿٢٩﴾ وَٱلْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ

آن رابرافراشت و آن را نظام بخشید، (۲۸) و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود. (۲۹) و زمین را بعد از آن گسترش داد،

﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعَىٰهَا ﴿٣١﴾ وَٱلْجِبَالَ أَرْسَىٰهَا ﴿٣٢﴾ مَتَٰعًا لَّكُمْ وَ

(۳۰) و از آن آب و گیاهش را بیرون آورد، (۳۱) و کوهها را استوار ساخت. (۳۲) همهٔ اینها برای بهره‌گیری شما و

لِأَنْعَٰمِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ

چهارپایانتان است. (۳۳) هنگامی که آن حادثه وحشتناک بزرگ رخ دهد، (۳۴) در آن روز انسان به یاد کوششهایش می‌افتد،

﴿٣٥﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا

(۳۵) و دوزخ برای هر بیننده‌ای آشکار می‌گردد. (۳۶) امّا آن کسی که طغیان کرده، (۳۷) و زندگی دنیا را (بر آخرت) مقدّم داشته،

﴿٣٨﴾ فَإِنَّ ٱلْجَحِيمَ هِىَ ٱلْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفْسَ

(۳۸) به یقین دوزخ جایگاه اوست. (۳۹) و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا

عَنِ ٱلْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ ٱلْجَنَّةَ هِىَ ٱلْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ

باز دارد، (۴۰) به یقین بهشت جایگاه اوست. (۴۱) و از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟ (۴۲) تو را با یادآوری زمان آن چه کار؟!

مُرْسَىٰهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَىٰهَآ ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ

(۴۳) نهایت آن به سوی پروردگار توست. (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست). (۴۴) تو فقط بیم دهندهٔ کسانی هستی که از آن می‌ترسند (و آمادگی

مَن يَخْشَىٰهَا ﴿٤٥﴾ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَىٰهَا ﴿٤٦﴾

پذیرش دارند). (۴۵) در آن روز که قیامت را می‌بینند احساس می‌کنند که گویا توقّفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبحگاهی بیشتر نبوده است. (۴۶)

سُورَةُ عَبَسَ

ترتيبها ٨٠ | آياتها ٤٢

۸۰ – سوره عبس

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١﴾ أَن جَآءَهُ ٱلْأَعْمَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ﴿٣﴾ أَوْ يَذَّكَّرُ

چهره درهم کشید و روی بر تافت، (۱) از این‌که نابینایی به سراغ او آمد. (۲) تو چه می‌دانی شاید او تقوا پیشه کند، (۳) یا متذکّر گردد و این

فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكْرَىٰٓ ﴿٤﴾ أَمَّا مَنِ ٱسْتَغْنَىٰ ﴿٥﴾ فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ﴿٦﴾ وَمَا عَلَيْكَ

تذکّر به حال او مفید باشد. (۴) امّا آن کس که خود را توانگر می‌بیند، (۵) تو به‌او روی می‌آوری، (۶) در حالی که اگر او تقوا پیشه نکند چیزی

أَلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسْعَىٰ ﴿٨﴾ وَهُوَ يَخْشَىٰ ﴿٩﴾ فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾

بر تو نیست. (۷) اما کسی که به سراغ تو می‌آید و کوشش می‌کند، (۸) و (از خدا) ترسان است، (۹) تو از او غافل می‌شوی! (۱۰) هرگز چنین نیست (که

كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾ فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ

آنها می‌پندارند)؛ این (قرآن برای همه) تذکر و یادآوری است، (۱۱) و هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد. (۱۲) در الواح پرارزشی (۱۳) والا قدر و پاکیزه،

﴿١٤﴾ بِأَيْدِى سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾ قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ ﴿١٧﴾ مِنْ أَىِّ شَىْءٍ

(۱۴) به دست سفیرانی (۱۵) والا مقام (و فرمانبردار) و نیکوکار! (۱۶) مرگ بر این انسان، ناسپاس است! (۱۷) (خداوند) او را از چه چیز آفریده است؟!

خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾ مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾ ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقْبَرَهُۥ

(۱۸) او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس اندازه‌گیری کرد و موزون ساخت، (۱۹) سپس راه (سعادت) را برای او آسان کرد (۲۰) بعد او را میراند و در قبر

﴿٢١﴾ ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾ فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ

نهاد، (۲۱) پس هرگاه بخواهد او را زنده می‌کند. (۲۲) هرگز چنین نیست (که او می‌پندارد)؛ او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است. (۲۳) انسان

طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾ أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾ فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا

باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد! (۲۴) ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، (۲۵) سپس زمین را از هم شکافتیم، (۲۶) و در آن دانه‌های فراوانی

حَبًّا ﴿٢٧﴾ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾ وَحَدَآئِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾ وَفَٰكِهَةً

رویاندیم، (۲۷) و انگور و سبزی بسیار، (۲۸) و زیتون و نخل فراوان، (۲۹) و باغ‌های پردرخت، (۳۰) و میوه و چراگاه

وَأَبًّا ﴿٣١﴾ مَّتَٰعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَٰمِكُمْ ﴿٣٢﴾ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ﴿٣٣﴾ يَوْمَ يَفِرُّ ٱلْمَرْءُ

(۳۱) تا وسیله‌ای برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان باشد. (۳۲) هنگامی که صیحهٔ رستاخیز بیاید، (۳۳) در آن روز انسان از برادر

مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُمْ

خود می‌گریزد، (۳۴) و از مادر و پدرش، (۳۵) و همسر و فرزندانش؛ (۳۶) آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً

يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾

به خود مشغول می‌سازد. (۳۷) چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است (۳۸) خندان و مسرور است؛ (۳۹)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَفَرَةُ ٱلْفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾

و صورتهایی در آن روز غبارآلود است، (۴۰) و دود تاریکی آنها را پوشانده است، (۴۱) آنان همان کافران و فاجرانند. (۴۲)

سُورَةُ التَّكوِير

ترتیبها ۸۱ — آیاتها ۲۹

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذَا ٱلشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلْجِبَالُ سُيِّرَتْ

در آن‌هنگام که خورشید درهم پیچیده شود، (۱) و ستارگان بی‌فروغ شوند، (۲) و کوهها به حرکت درآیند،

﴿٣﴾ وَإِذَا ٱلْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا ٱلْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾ وَإِذَا

(۳) و با ارزش‌ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، (۴) و در آن هنگام که وحوش جمع شوند، (۵) و که

ٱلْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ وَإِذَا ٱلْمَوْءُۥدَةُ سُئِلَتْ

دریاها برافروخته شوند، (۶) و هر کس با همسان خود قرین گردد، (۷) و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سوال شود:

﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتْ

(۸) به کدامین گناه کشته شدند؟! (۹) و نامه‌های اعمال گشوده شود، (۱۰) و آن هنگام که پرده از روی (اسرار) آسمان برگزیند،

﴿١١﴾ وَإِذَا ٱلْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ٱلْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ

(۱۱) و در آن هنگام که دوزخ شعله‌ور گردد، (۱۲) و بهشت نزدیک شود، (۱۳) (آری در آن هنگام) هر کس می‌داند چه چیزی را

أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾ فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلْخُنَّسِ ﴿١٥﴾ ٱلْجَوَارِ ٱلْكُنَّسِ ﴿١٦﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا

مهیا ساخته است. (۱۴) سوگند به ستارگانی که باز می‌گردند، (۱۵) حرکت می‌کنند و (از دیده‌ها) پنهان می‌شوند، (۱۶) و سوگند به شب، هنگامی که پشت کند و

عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وَٱلصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِى قُوَّةٍ

به آخر رسد، (۱۷) و به صبح، هنگامی که بدمد، (۱۸) که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است [= جبرئیل امین] (۱۹) که صاحب قدرت است و نزد

عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾

(خداوند) صاحب عرش، مقام والایی دارد! (۲۰) در آنجا فرمانروا و امین است! (۲۱) و همنشین شما [=پیامبر] دیوانه نیست. (۲۲)

وَلَقَدْ رَءَاهُ بِٱلْأُفُقِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢٣﴾ وَمَا هُوَ عَلَى ٱلْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ

به یقین او (جبرئیل) را در افق روشن دیده است. (۲۳) و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد. (۲۴) این (قرآن) گفته شیطان رانده شده

شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ ﴿٢٥﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَن شَآءَ

(از درگاه خدا) نیست! (۲۵) پس به کجا می‌روید؟! (۲۶) این (قرآن) چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست. (۲۷) برای کسی از شما که بخواهد

مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٩﴾

راه مستقیم در پیش گیرد! (۲۸) و شما اراده نمی‌کنید مگر این‌که خداوندی که پروردگار جهانیان است، اراده کند! (۲۹)

سُورَةُ الانفِطَار

ترتیبها ۸۲ — آیاتها ۱۹

۸۳ – سوره المطففين / ۸۲ – سوره الإنفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ

آن زمان که (کرات) آسمان از هم شکافته شود. (۱) و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند. (۲) و آن زمان که دریاها به هم بپیوندند.

﴿٣﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾

(۳) و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد، (و مردگان خارج شوند) (۴) (در آن زمان) هر کس آنچه را از پیش و پشت سر فرستاده می‌داند. (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿٦﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ

ای انسان! چه چیز تو را دربرابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! (۶) همان کسی که تو را آفرید و منظم ساخت و اعتدال بخشید،

﴿٧﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ﴿٩﴾ وَإِنَّ

(۷) و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود. (۸) (آری) هرگز آن گونه (که شما می‌پندارید) نیست؛ بلکه شما روز جزا را منکرید. (۹) و به یقین

عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ

نگاهبانانی بر شما گمارده شده، (۱۰) والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)، (۱۱) که می‌دانند شما چه می‌کنید. (۱۲) به یقین (در آن روز) نیکان در

لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ

بهشت پر نعمتند. (۱۳) و بدکاران در دوزخند، (۱۴) روز جزا وارد آن می‌شوند و می‌سوزند، (۱۵) و آنان هرگز

عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ

از آن غایب (و دور) نیستند! (۱۶) تو چه می‌دانی روزجزا چیست؟! (۱۷) باز چه می‌دانی روز

الدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۖ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ ﴿١٩﴾

جزا چیست؟! (۱۸) روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست! (۱۹)

سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ

ترتیبها ۸۳ — آیاتها ۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾

وای بر کم‌فروشان! (۱) آنان که وقتی برای خود چیزی از مردم با پیمانه می‌گیرند، (حق خود را) بطور کامل دریافت می‌دارند؛ (۲)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُم

ولی هنگامی که برای دیگران پیمانه یا وزن می‌کنند، کم می‌گذارند. (۳) آیا آنها گمان نمی‌کنند که

مَّبْعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

برانگیخته می‌شوند، (۴) در روزی بزرگ؟! (۵) روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند. (۶)

كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْفُجَّارِ لَفِى سِجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾ كِتَٰبٌ مَّرْقُومٌ

هرگز چنین نیست (که آنها دربارهٔ قیامت می‌پندارند)، به یقین نامه اعمال بدکاران در «سجّین» است. (۷) تو چه می‌دانی «سجّین» چیست؟! (۸) نامه‌ای است

﴿٩﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يُكَذِّبُ

رقم زده شده (و حکمی است حتمی). (۹) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۰) همان کسانی که روز جزا را انکار می‌کنند. (۱۱) و تنها کسی آن را انکار

بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّا

می‌کند که متجاوز و گنهکار است. (۱۲) (همان کسانی که) وقتی آیات ما بر آنها خوانده می‌شود می‌گویند: «این افسانه‌های پیشینیان است.» (۱۳) چنین نیست

بَلْ ۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّآ إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ

(که آنها می‌پندارند)، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است. (۱۴) چنین نیست (که می‌پندارند)، بلکه آنها در آن روز از (القای) پروردگارشان

﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا۟ ٱلْجَحِيمِ ﴿١٦﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾

محجوبند. (۱۵) سپس آنها به یقین وارد دوزخ می‌شوند. (۱۶) بعد به آنها گفته می‌شود: «این همان چیزی است که آن را انکار می‌کردید!» (۱۷)

كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْأَبْرَارِ لَفِى عِلِّيِّينَ ﴿١٨﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَٰبٌ

چنان نیست (که آنها درباره معاد می‌پندارند) بلکه نامه اعمال نیکان در «علّیّین» است. (۱۸) و تو چه می‌دانی «علّیّین» چیست؟! (۱۹) نامه‌ای است رقم خورده

مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ ٱلْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ

(و حکمی است قطعی)، (۲۰) که مقرّبان شاهد آنند. (۲۱) مسلّماً نیکان در بهشت پرنعمتند: (۲۲) بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت)

يَنظُرُونَ ﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ ٱلنَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ

می‌نگرند. (۲۳) طراوت و نشاط فزونی نعمت را در چهره‌هایشان می‌بینی و. (۲۴) آنها از شراب طهور دست نخورده و مهر شده‌ای

مَّخْتُومٍ ﴿٢٥﴾ خِتَٰمُهُۥ مِسْكٌ ۚ وَفِى ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ ﴿٢٦﴾

سیراب می‌شوند. (۲۵) مُهری که بر آن نهاده شده از مشک است؛ و مشتاقان باید برای این (نعمتهای بهشتی) بر یکدیگر پیشی گیرند. (۲۶)

وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا ٱلْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ

این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است، (۲۷) همان چشمه‌ای که مقرّبان از آن می‌نوشند. (۲۸) (آری)

ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟ كَانُوا۟ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرُّوا۟

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند، (۲۹) و هنگامی که از کنارشان می‌گذشتند آنان را

بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمُ ٱنقَلَبُوا۟ فَكِهِينَ ﴿٣١﴾

با اشاره تمسخر می‌کردند، (۳۰) و چون به سوی خانواده خود باز می‌گشتند مسرور و خندان بودند، (۳۱)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوٓا۟ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ﴿٣٢﴾ وَمَآ أُرْسِلُوا۟ عَلَيْهِمْ

و هنگامی که آنها را می‌دیدند می‌گفتند: «به یقین اینها گمراهانند.» (۳۲) در حالی که آنها

حَٰفِظِينَ ﴿٣٣﴾ فَٱلْيَوْمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنَ ٱلْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

ماموریت مراقبت مومنان را نداشتند. (۳۳) ولی امروز مومنان به کافران می‌خندند، (۳۴)

۸۴ – سوره الإنشقاق

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿۳۵﴾ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾

در حالي كه بر تختهاي بهشتي نشسته و (به سرنوشت شوم آنها) مي‌نگرند! (۳۵) آيا (با اين حال) كافران پاداش بر اعمال خود گرفته‌اند؟! (۳۶)

سُورَةُ الْانْشِقَاقِ

ترتيبها ۸۴ — آياتها ۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ ﴿۱﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۲﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿۳﴾

آن هنگام كه (كرات) آسمان شكافته شود، (۱) و تسليم فرمان پروردگارش شود ـ و سزاوار است كه چنين باشد ـ (۲) و آنگاه كه زمين گسترده شود، (۳)

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿۴﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿۵﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ

و آنچه در درون دارد بيرون افكند و خالي شود، (۴) و تسليم فرمان پروردگارش گردد ـ و شايسته است كه چنين باشد ـ (۵) اي انسان! تو با تلاش و رنج

إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿۶﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

به سوي پروردگارت مي‌روي و او را ملاقات خواهي كرد. (۶) امّا كسي كه نامه اعمالش به دست راستش داده شود،

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿۸﴾ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۹﴾ ﴿۷﴾

(۷) بزودي به آساني به حساب او رسيدگي مي‌شود، (۸) و خوشحال به سوي خانواده‌اش باز مي‌گردد. (۹)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿۱۰﴾ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ﴿۱۱﴾ وَيَصْلَىٰ

و امّا كسي كه نامه اعمالش به پشت سرش داده شود، (۱۰) بزودي فرياد مي‌زند واي بر من كه هلاک شدم! (۱۱) و در شعله‌هاي سوزان آتش مي‌سوزد.

سَعِيرًا ﴿۱۲﴾ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿۱۳﴾ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴿۱۴﴾ بَلَىٰ

(۱۲) چرا كه او در ميان خانواده‌اش پيوسته (از كفر و گناه خود) مسرور بود. (۱۳) او گمان مي‌كرد هرگز (به زندگي جهان ديگر) باز نخواهد گشت. (۱۴) آري،

إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿۱۵﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿۱۶﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ

پروردگارش نسبت به او بينا بود (و اعمالش را براي حساب ثبت كرد)! (۱۵) سوگند به شفق، (۱۶) و سوگند به شب و آنچه گرد مي‌آورد،

﴿۱۷﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿۱۸﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿۱۹﴾ فَمَا لَهُمْ لَا

(۱۷) و سوگند به ماه آنگاه كه بدر كامل مي‌شود، (۱۸) كه همه شما پيوسته از حالي به حال ديگر منتقل مي‌شويد

يُؤْمِنُونَ ﴿۲۰﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۩ ﴿۲۱﴾ بَلِ الَّذِينَ

(تا به كمال برسيد.) (۱۹) پس چرا آنان ايمان نمي‌آورند؟! (۲۰) و هنگامي كه قرآن بر آنها خوانده

كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿۲۲﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿۲۳﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ

مي‌شود سجده نمي‌كنند؟! (۲۱) بلكه كافران پيوسته (آيات الهي را) انكار مي‌كنند. (۲۲) و خداوند آنچه را (در دل) پنهان مي‌دارند بخوبي مي‌داند.

أَلِيمٍ ﴿۲۴﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۲۵﴾

(۲۳) پس آنها را به عذابي دردناک بشارت ده! (۲۴) مگر كساني كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، كه براي آنان پاداشي است دائمي! (۲۵)

ثلاثة أرباع الحزب ۵۹

سجدة

۸۵ – سوره البروج

سُورَةُ البُرُوجِ

ترتیبها ۸۵ — آیاتها ۲۲

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلْبُرُوجِ ﴿١﴾ وَٱلْيَوْمِ ٱلْمَوْعُودِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾

سوگند به آسمان که دارای برجهای [= صورت‌های فلکی] بسیار است، (۱) و سوگند به آن روز موعود، (۲) و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! [= پیامبر و

قُتِلَ أَصْحَٰبُ ٱلْأُخْدُودِ ﴿٤﴾ ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلْوَقُودِ ﴿٥﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾ وَ

اعمال امّت] (۳) مرگ بر (شکنجه‌گران و) صاحبان حفره‌های (آتش)، (۴) آتشی عظیم و شعله‌ور! (۵) هنگامی که در کنار آن نشسته بودند، (۶) و

هُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾ وَمَا نَقَمُوا۟ مِنْهُمْ إِلَّآ أَن يُؤْمِنُوا۟

آنچه را با مؤمنان انجام می‌دادند (با خونسردی و قساوت) تماشا می‌کردند! (۷) آنها هیچ ایرادی بر مومنان نداشتند جز این‌که به خداوند توانا و شایستهٔ

بِٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ ﴿٨﴾ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَٱللَّهُ

ستایش ایمان آورده بودند؛ (۸) همان کسی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست و خداوند

عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُوا۟ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ لَمْ

بر همه چیز گواه است. (۹) کسانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند،

يَتُوبُوا۟ فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ ٱلْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَ

برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است! (۱۰) و برای کسانی که ایمان آوردند

عَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ

و اعمال شایسته انجام دادند، باغهایی بهشتی است که نهرها از پای درختانش جاری است؛ و این رستگاری و پیروزی

ٱلْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ

بزرگ است. (۱۱) به یقین مجازات قهرآمیز پروردگارت بسیار شدید است! (۱۲) اوست‌که‌آفرینش‌راآغاز می‌کند و باز می‌گرداند، (۱۳) و او

ٱلْغَفُورُ ٱلْوَدُودُ ﴿١٤﴾ ذُو ٱلْعَرْشِ ٱلْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أَتَىٰكَ

آمرزنده و دوستدار (مؤمنان) است، (۱۴) صاحب تخت قدرت و دارای مجد و عظمت است، (۱۵) و آنچه را اراده کند انجام می‌دهد. (۱۶) آیا سرگذشت آن

حَدِيثُ ٱلْجُنُودِ ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَ

لشکرها به تو رسیده است، (۱۷) لشکریان فرعون و ثمود؟! (۱۸) ولی کافران پیوسته در حال تکذیب حقّند، (۱۹) و خداوند به همه

ٱللَّهُ مِن وَرَآئِهِم مُّحِيطٌۢ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِى لَوْحٍ مَّحْفُوظٍۭ ﴿٢٢﴾

آنها احاطه دارد. (۲۰) (این آیات، سحر نیست،) بلکه قرآن با عظمت است، (۲۱) که در لوح محفوظ جای دارد. (۲۲)

سُورَةُ الطَّارِقِ

ترتیبها ۸۶ — آیاتها ۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ

سوگند به آسمان و کوبنده شب! (۱) و تو چه می‌دانی کوبنده شب چیست؟! (۲) همان ستارهٔ درخشان و شکافنده تاریکیهاست! (۳) (به این آیات بزرگ

لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾

الهي سوگند) که هر کس مراقب و محافظی دارد! (۴) انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟! (۵) از آبی جهنده آفریده شده است، (۶)

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود! (۷) به یقین او (که انسان را در آغاز اینگونه آفرید) می‌تواند او را بازگرداند. (۸) در آن روز که اسرار نهان

﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ

(انسان) آشکار می‌شود، (۹) و برای او هیچ نیرو و یاوری نیست. (۱۰) سوگندبه آسمان پرباران، (۱۱) و سوگند به زمین پرشکاف (که گیاهان از آن

﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ

می‌رویند)، (۱۲) که این (قرآن) سخنی است که حق را از باطل جدا می‌کند. (۱۳) و هرگز شوخی نیست. (۱۴) آنها پیوسته نقشه‌ای (شیطانی) می‌کشند، (۱۵) و

كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

من هم در برابر آنها تدبیر می‌کنم. (۱۶) حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)! (۱۷)

سُورَةُ الْأَعْلَىٰ

ترتيبها ٨٧ — آياتها ١٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٣﴾ وَالَّذِي

منزّه شمارنام پروردگار بلندمرتبه‌ات را! (۱) همان خداوندی‌که آفریدو موزون ساخت، (۲) و همان کس که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود، (۳) و آن کس

أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ﴿٥﴾ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَىٰ ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَاءَ

که چراگاه را به وجود آورد، (۴) سپس آن را تیره و خشکیده ساخت. (۵) ما بزودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، (۶) مگر

اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ ﴿٧﴾ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٨﴾ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ

آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می‌داند. (۷) و ما انجام کار خیر را برای تو آسان می‌سازیم. (۸) پس تذکر ده به یقین تذکر مفید خواهد بود.

﴿٩﴾ سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ﴿١٢﴾

(۹) بزودی آن‌که از خدا می‌ترسد متذکر می‌شود. (۱۰) امّا بدبخت‌ترین افراد از آن دوری می‌گزینند. (۱۱) همان کسی که در آتش عظیم وارد می‌شود، (۱۲)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿١٣﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ﴿١٥﴾

سپس درآن آتش نه‌می‌میرد و نه‌زنده‌می‌شود. (۱۳) به‌یقین کسی که خود را پاکیزه ساخت، رستگار شد. (۱۴) و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند. (۱۵)

الحزب ٦٠

۸۸ – سوره الغاشیه

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا (۱۶) وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ (۱۷) إِنَّ هَٰذَا

ولی شما زندگی دنیا را مقدّم می‌دارید، (۱۶) در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است. (۱۷) این (دستورها)

لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ (۱۸) صُحُفِ إِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ (۱۹)

در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، (۱۸) در کتب ابراهیم و موسی. (۱۹)

سُورَةُ الغَاشِيَةِ

ترتیبها ۸۸ — آیاتها ۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ الْغَٰشِيَةِ (۱) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ (۲) عَامِلَةٌ

آیا داستان غاشیه [= روزی که وحشت آن همه را فرا می‌گیرد] به تو رسیده است؟! (۱) چهره‌هایی در آن روز خاشع ذلّت بارند، (۲) پیوسته عمل کرده و

نَّاصِبَةٌ (۳) تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً (۴) تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ ءَانِيَةٍ (۵) لَّيْسَ لَهُمْ

خسته شده‌اند (و نتیجه‌ای نگرفته‌اند)، (۳) آنها در آتش سوزان وارد می‌گردند؛ (۴) از چشمه‌ای بسیار داغ به آنان می‌نوشانند؛ (۵) غذایی جز از ضریع [=

طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ (۶) لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (۷) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

گیاهی نامطبوع] ندارند؛ (۶) که نه آنها را فربه می‌کند و نه از گرسنگی می‌رهاند. (۷) چهره‌هایی در آن روز شادابند،

نَّاعِمَةٌ (۸) لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰) لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةً

(۸) و از سعی و تلاش خود خشنودند، (۹) در بهشتی عالی جای دارند، (۱۰) که در آن سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند.

(۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳) وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ (۱۴) وَنَمَارِقُ

(۱۱) در آن چشمه‌ای جاری است، (۱۲) در آن تختهای زیبای بلندی است، (۱۳) و قدحهایی (از شراب طهور) نهاده شده، (۱۴) و بالشها

مَصْفُوفَةٌ (۱۵) وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶) أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ

و پشتیهایی که در کنار هم چیده شده، (۱۵) و فرشهای فاخر گسترده. (۱۶) آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه

خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَآءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

آفریده شده است؟! (۱۷) و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟! (۱۸) و به کوهها که چگونه در جای خود نصب گردیده؟!

(۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰) فَذَكِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

(۱۹) و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! (۲۰) پس تذکّر ده‌که تو فقط تذکّردهنده‌ای! (۲۱)

لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ (۲۲) إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ (۲۳) فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ

تو بر آنان سلطه نداری که مجبورشان به ایمان کنی، (۲۲) (و تذکر برای همهٔ سود بخش است) مگر کسی که پشت کند و کافر شود، (۲۳) که خداوند او را به

الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴) إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم (۲۶)

بزرگترین عذاب، مجازات می‌کند! (۲۴) به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، (۲۵) و به یقین حسابشان (نیز) با ماست. (۲۶)

۸۹ – سوره الفجر

سُورَةُ الفَجْرِ

ترتيبها ۸۹ — آياتها ۳۰

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَٱلْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿٤﴾

به سپیده دم سوگند، (۱) و به شبهای دهگانه، (۲) و به زوج و فرد، (۳) و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می‌کند (۴)

هَلْ فِى ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِى حِجْرٍ ﴿٥﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرَمَ

آیا در این سوگندها، سوگند مهمّی برای‌صاحب خردی نیست؟! (۵) آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (۶) و با آن شهر

ذَاتِ ٱلْعِمَادِ ﴿٧﴾ ٱلَّتِى لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِى ٱلْبِلَٰدِ ﴿٨﴾ وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ

با عظمت «اِرَم»، (۷) که مانندش در شهرها آفریده نشده بود! (۸) و قوم «ثمود» که صخره‌های عظیم را از (کنار)

جَابُوا۟ ٱلصَّخْرَ بِٱلْوَادِ ﴿٩﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِى ٱلْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ ٱلَّذِينَ طَغَوْا۟ فِى

دره می‌بریدند (و از آن خانه و کاخ می‌ساختند)، (۹) و فرعونی که قدرتمند و شکنجه‌گر بود، (۱۰) همان کسانی که در شهرها طغیان

ٱلْبِلَٰدِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا۟ فِيهَا ٱلْفَسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ

کردند، (۱۱) و فساد فراوان در آنها به بار آوردند؛ (۱۲) به همین سبب پروردگارت تازیانهٔ عذاب را بر آنان

عَذَابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا ٱلْإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ

نواخت! (۱۳) به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است. (۱۴) امّا انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، گرامی می‌دارد و نعمت

فَأَكْرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّىٓ أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ فَقَدَرَ

می‌بخشد (مغرور می‌شود و)می‌گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است!» (۱۵) و امّا هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ

عَلَيْهِ رِزْقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّىٓ أَهَٰنَنِ ﴿١٦﴾ كَلَّا ۖ بَل لَّا تُكْرِمُونَ ٱلْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

می‌گیرد (مأیوس می‌شود و)می‌گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است!» (۱۶) چنان نیست؛ (که شما می‌پندارید)؛ شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید، (۱۷)

وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ

و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید، (۱۸) و میراث را (از راه مشروع و نامشروع)

أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾ وَتُحِبُّونَ ٱلْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ كَلَّآ إِذَا دُكَّتِ

جمع کرده می‌خورید، (۱۹) و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب می‌شوید). (۲۰) چنان نیست (که آنها می‌پندارند)،

ٱلْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِا۟ىٓءَ

در آن هنگام که زمین سخت درهم کوبیده شود، (۲۱) و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف در صف حاضر شوند، (۲۲) و در آن

يَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾

روز جهنم را حاضر می‌کنند؛ آن روز است که انسان متذکر می‌شود؛ امّا این تذکر چه سودی برای او دارد؟! (۲۳)

۹۰ – سوره البلد

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾

می‌گوید: «ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم!» (۲۴) در آن روز هیچ کس مانند او عذاب نمی‌کند، (۲۵)

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي

و هیچ کس همچون او کسی را به بند نمی‌کشد. (۲۶) تو ای نفس مطمئن! (۲۷) به سوی پروردگارت بازگرد

إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، (۲۸) پس در سلک بندگان (خالص) من در آی، (۲۹) و در بهشتم وارد شو! (۳۰)

سُورَةُ الْبَلَدِ

ترتيبها ۹۰ — آياتها ۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

لَا أُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾

قسم به این شهر مقدس (مکّه)، (۱) شهری که تو در آن ساکنی، (۲) و سوگند به پدر و فرزندش [= ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح]، (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ

که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از سختی است). (۴) آیا او می‌پندارد هیچ کس نمی‌تواند بر او دست یابد؟! (۵) (به دروغ) می‌گوید:

أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

«مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود کرده‌ام!» (۶) آیا گمان می‌کند هیچ کس او را ندیده (که عمل خیری انجام نداده) است؟! (۷) آیا برای او دو چشم قرار

﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ

ندادیم، (۸) و یک زبان و دو لب؟! (۹) و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم، (۱۰) ولی او از آن گردنه مهم نگذشت،

﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

(۱۱) و تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟! (۱۲) آزاد کردن برده‌ای، (۱۳) یا غذا دادن در روز گرسنگی،

﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ

(۱۴) یتیمی از خویشاوندان، (۱۵) یا مستمندی خاک نشین را، (۱۶) سپس از کسانی باشد که

آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی توصیه می‌کنند. (۱۷) آنها اصحاب یمین و سعادتمندانند.

﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ ﴿٢٠﴾

(۱۸) و کسانی که آیات ما را انکار کرده‌اند افرادی شومند. (۱۹) بر آنها آتشی است فرو بسته (که راه فراری از آن نیست)! (۲۰)

سُورَةُ الشَّمْسِ

ترتيبها ۹۱ — آياتها ۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

والشمس وضحاها (۱) والقمر إذا تلاها (۲) والنهار إذا جلاها (۳) والليل

به خورشید و گسترش نور آن در صبحگاهان سوگند. (۱) و به ماه هنگامی که از پی آن در آید. (۲) و به روز هنگامی که خورشید را آشکار سازد. (۳) و به

إذا يغشاها (۴) والسماء وما بناها (۵) والأرض وما طحاها (۶) ونفس و

شب آن هنگام که آن را بپوشاند. (۴) و سوگند به آسمان و کسی که آن را بنا کرده. (۵) و به زمین و کسی که آن را گسترانیده. (۶) و سوگند به روح آدمی

ما سواها (۷) فألهمها فجورها وتقواها (۸) قد أفلح من زكاها (۹) و

و آن کس که آن را موزون ساخته. (۷) سپس فجور و تقوایش [= شر و خیرش] را به او الهام کرده است. (۸) که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده،

قد خاب من دساها (۱۰) كذبت ثمود بطغواها (۱۱) إذ انبعث أشقاها

رستگار شده؛ (۹) و آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! (۱۰) قوم «ثمود» بر اثر طغیانشان، تکذیب کردند. (۱۱) آنگاه که شقی‌ترین آنها به

(۱۲) فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقياها (۱۳) فكذبوه فعقروها

پا خاست؛ (۱۲) و پیامبر خدا (صالح) به آنان گفت: «ناقه (و معجزهٔ) خداوند را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید).» (۱۳) ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها (۱۴) ولا يخاف عقباها (۱۵)

رساندند)؛ از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهشان درهم کوبید و با خاک یکسان کرد. (۱۴) و او هرگز از فرجام مجازات ستمگران، باک ندارد. (۱۵)

سورة الليل

ترتيبها ۹۲ — آياتها ۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

والليل إذا يغشى (۱) والنهار إذا تجلى (۲) وما خلق الذكر والأنثى (۳)

سوگند به شب در آن هنگام که بپوشاند، (۱) و سوگند به روز هنگامی که جلوه‌گر شود، (۲) و سوگند به آن کس که جنس مذکّر و مونث را آفرید، (۳)

إن سعيكم لشتى (۴) فأما من أعطى واتقى (۵) وصدق بالحسنى (۶)

که سعی و تلاش شما گوناگون است: (۴) امّا آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، (۵) و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، (۶)

فسنيسره لليسرى (۷) وأما من بخل واستغنى (۸) وكذب بالحسنى

ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم. (۷) امّا کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی‌نیازی طلبد، (۸) و پاداش نیک را انکار کند،

(۹) فسنيسره للعسرى (۱۰) وما يغني عنه ماله إذا تردى (۱۱) إن علينا

(۹) او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم؛ (۱۰) و در آن هنگام که (در جهنم) سقوط می‌کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت. (۱۱) به یقین هدایت

للهدى (۱۲) وإن لنا للآخرة والأولى (۱۳) فأنذرتكم نارا تلظى (۱۴)

کردن بر ماست، (۱۲) و آخرت و دنیا (نیز) تنها از آن ماست، (۱۳) و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم، (۱۴)

۹۳ – سوره الضحی / ۹۴ – سوره الشرح

لَا يَصْلَىٰهَا إِلَّا ٱلْأَشْقَى ﴿١٥﴾ ٱلَّذِى كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا ٱلْأَتْقَى

جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود؛ (۱۵) همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و رویگردان شد. (۱۶) و با تقواترین مردم از آن دور داشته خواهد

ٱلَّذِى يُؤْتِى مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٧﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰٓ ﴿١٨﴾

شد، (۱۷) همان کس که‌مال خودرا (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود. (۱۸) وهیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را پاداش دهد.

إِلَّا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ ٱلْأَعْلَىٰ ﴿١٩﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿٢٠﴾ ﴿٢١﴾

(۱۹) بلکه هدفش تنها جلب رضای پروردگار والایش می‌باشد؛ (۲۰) و بزودی (از مواهب فراوان الهی) راضی می‌شود! (۲۱)

سُورَةُ الضُّحَىٰ

ترتيبها ۹۳ — آیاتها ۱۱

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَٱلضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾ وَلَلْـَٔاخِرَةُ

سوگند به روز در آن هنگام که آفتاب برآید و گسترده شود، (۱) و سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد، (۲) که پروردگارت هرگز تو را وانگذاشته و مورد

خَيْرٌ لَّكَ مِنَ ٱلْأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰٓ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ

خشم قرار نداده. (۳) و به یقین آخرت برای تو از دنیا بهتر است. (۴) و بزودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که راضی شوی. (۵) آیا او تو را

يَتِيمًا فَـَٔاوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَآلًّا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَآئِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾

یتیم نیافت و پناه داد؟! (۶) و تو را گمشده یافت و هدایت کرد، (۷) و تو را نیازمند یافت و بی‌نیاز نمود، (۸)

فَأَمَّا ٱلْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن، (۹) و سائل را از خود مران، (۱۰) و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن! (۱۱)

سُورَةُ الشَّرْحِ

ترتيبها ۹۴ — آیاتها ۸

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ ٱلَّذِىٓ

آیا ما سینهٔ تو را گشاده نساختیم، (۱) و بار سنگینت را از (دوش) تو برنداشتیم؟! (۲) همان باری که

أَنقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ

سخت بر پشت تو سنگینی می‌کرد. (۳) و آوازه تو را بلند ساختیم. (۴) (آری) به یقین با سختی آسانی است. (۵) مسلماً

مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَٱنصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرْغَب ﴿٨﴾

با سختی آسانی است، (۶) پس هنگامی که از مهمّی فارغ می‌شوی به مهمّ دیگری پرداز، (۷) و به سوی پروردگارت توجّه کن. (۸)

سُورَةُ التِّين

ترتيبها ۹۵ — آياتها ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ﴿۱﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿۲﴾ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿۳﴾

سوگند به انجیر و زیتون [یا: سوگند به سرزمین شام و بیت المقدس]. (۱) و سوگند به «طور سینا»، (۲) و سوگند به این شهر امن (مکّه)، (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿۴﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿۵﴾

که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم، (۴) سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگرداندیم، (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۶﴾ فَمَا

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که برای آنها پاداشی تمام نشدنی است! (۶) پس (ای انسان) چه

يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿۷﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿۸﴾

چیز سبب می‌شود که بعد از این (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟! (۷) آیا خداوند بهترین حاکمان نیست؟! (۸)

سُورَةُ العَلَق

ترتيبها ۹۶ — آياتها ۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿۲﴾ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿۳﴾

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، (۱) و انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد. (۲) بخوان که پروردگارت (از همه) والاتر است، (۳) همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود،

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿۴﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿۵﴾ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ ﴿۶﴾ أَنْ

(۴) و به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت. (۵) چنین نیست (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند، (۶) از این‌که خود را بی‌نیاز ببیند. (۷) و به یقین بازگشت (همه) به

رَآهُ اسْتَغْنَىٰ ﴿۷﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿۸﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ﴿۹﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿۱۰﴾

سوی پروردگار توست. (۸) به من خبر ده کسی که نهی می‌کند، (۹) بنده‌ای را هنگامی که نماز می‌خواند (آیا مستحق عذاب الهی نیست) (۱۰) به من خبر ده اگر این بنده بر طریق

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ﴿۱۱﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ﴿۱۲﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۳﴾ أَلَمْ يَعْلَمْ

هدایت باشد، (۱۱) یا مردم را به تقوا فرمان دهد (آیا نهی کردن او سزاوار است)؟! (۱۲) به من خبر ده اگر (این طغیانگر) حق را انکار کند و از آن روی گردان شود (۱۳) آیا او ندانست

بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿۱۴﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿۱۵﴾ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿۱۶﴾

که خداوند می‌بیند؟! (۱۴) چنان نیست، اگر دست از کار خود برندارد، ناصیه‌اش [= موی پیش سرش] را گرفته،(و به سوی عذاب) می‌کشانیم. (۱۵) همان ناصیهٔ دروغگوی خطاکار را!

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿۱۷﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿۱۸﴾ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۩ ﴿۱۹﴾

سجدة واجبة

(۱۶) سپس یارانش را صدا زند (۱۷) ما هم بزودی ماموران دوزخ را صدا می‌زنیم (تا او را به دوزخ افکنند)! (۱۸) چنین نیست او را اطاعت مکن، و سجده‌نما و به قرب (خداوند) درآی! (۱۹)

سُورَةُ القَدْرِ

آیاتها ۵ — ترتیبها ۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ

به یقین ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم. (۱) و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟! (۲) شب

ٱلْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

قدر بهتر از هزار ماه است. (۳) فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر)

رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَٰمٌ هِىَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ ﴿٥﴾

هر امری نازل می‌شوند. (۴) شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده. (۵)

سُورَةُ البَيِّنَةِ

آیاتها ۸ — ترتیبها ۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

لَمْ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می‌گفتند:) دست از آیین خود بر نمی‌دارند تا دلیل روشنی برای

ٱلْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِّنَ ٱللَّهِ يَتْلُوا۟ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾ فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ﴿٣﴾

آنها بیاید، (۱) پیامبری از سوی خدا (بیاید) که کتب پاک (آسمانی) را (بر آنها) بخواند، (۲) که در آن نوشته‌های پرارزشی باشد. (۳)

وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَ

اهل کتاب (نیز پیش از این در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آن‌که دلیل روشن برای آنان آمد. (۴) و

مَآ أُمِرُوٓا۟ إِلَّا لِيَعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَ

به آنها دستوری داده نشده بود جز این‌که خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند و به توحید بازگردند، و نماز را برپا دارند

يُؤْتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ

و زکات را بپردازند؛ و این است دین پایدار. (۵) کافران از اهل کتاب و

وَٱلْمُشْرِكِينَ فِى نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾

مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می‌مانند؛ آنها بدترین خلق (خدا) هستند. (۶)

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

(امّا) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین خلق (خدا) هستند. (۷)

جزاؤهم عند ربهم جنت عدن تجري من تحتها الأنهر خلدين فيها

پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای جاویدان بهشتی است که نهرها از پای درختانش جاری است؛ همیشه در آن می‌مانند؛

أبدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه ﴿٨﴾

(هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از او؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از (مخالفت) پروردگارش بترسد. (۸)

سورة الزلزلة

ترتیبها ۹۹ — آیاتها ۸

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إذا زلزلت الأرض زلزالها ﴿١﴾ وأخرجت الأرض أثقالها ﴿٢﴾ وقال

هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، (۱) و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد، (۲) و انسان می‌گوید: «زمین را چه می‌شود

الإنسن ما لها ﴿٣﴾ يومئذ تحدث أخبارها ﴿٤﴾ بأن ربك أوحى لها ﴿٥﴾

(که این گونه می‌لرزد)»؟! (۳) در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند؛ (۴) چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است. (۵)

يومئذ يصدر الناس أشتاتا ليروا أعملهم ﴿٦﴾ فمن يعمل

در آن روز مردم بصورت گروههای پراکنده (از قبرها) خارج می‌شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. (۶) پس هر کس هموزن

مثقال ذرة خيرا يره ﴿٧﴾ ومن يعمل مثقال ذرة شرا يره ﴿٨﴾

ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند. (۷) و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را (نیز) می‌بیند. (۸)

سورة العاديات

ترتیبها ۱۰۰ — آیاتها ۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

والعديت ضبحا ﴿١﴾ فالموريت قدحا ﴿٢﴾ فالمغيرت صبحا

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می‌تاختند، (۱) و سوگند به افروزندگان جرقه آتش در برخورد سمهایشان (۲) و سوگند

﴿٣﴾ فأثرن به نقعا ﴿٤﴾ فوسطن به جمعا ﴿٥﴾ إن الإنسن

به هجوم آوران در سپیده دم، (۳) که گرد و غبار به هر سو پراکندند، (۴) و (ناگهان) در میان جمع (دشمن) ظاهر شدند، (۵) که انسان در برابر

لربه لكنود ﴿٦﴾ وإنه على ذلك لشهيد ﴿٧﴾ وإنه لحب

نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛ (۶) و او خود (نیز) بر این گواه است؛ (۷) و به یقین او علاقهٔ شدید

الخير لشديد ﴿٨﴾ ۞ أفلا يعلم إذا بعثر ما في القبور ﴿٩﴾

به مال دارد. (۸) آیا نمی‌داند در آن زمان که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می‌شوند، (۹)

۱۰۱ – سوره القارعه / ۱۰۲ – سوره التکاثر

وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ (١٠) إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (١١)

و آنچه در درون سینه‌هاست آشکار می‌گردد، (۱۰) در آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً آگاه است؟! (۱۱)

سُورَةُ القَارِعَةِ

ترتيبها ۱۰۱ — آياتها ۱۱

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ٱلْقَارِعَةُ (١) مَا ٱلْقَارِعَةُ (٢) وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْقَارِعَةُ (٣) يَوْمَ

آن حادثه کوبنده، (۱) و چه حادثه کوبنده‌ای! (۲) و تو چه می‌دانی که حادثه کوبنده چیست؟! (آن حادثه همان روز قیامت است!) (۳)

يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلْفَرَاشِ ٱلْمَبْثُوثِ (٤) وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ

روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده خواهند بود، (۴) و کوهها مانند پشم رنگین

كَٱلْعِهْنِ ٱلْمَنفُوشِ (٥) فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ (٦) فَهُوَ

حلاّجی شده (متلاشی) می‌گردد! (۵) امّا کسی که (در آن روز) ترازوهای (اعمال) او سنگین است، (۶)

فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ (٧) وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ (٨) فَأُمُّهُۥ

در یک زندگی کاملاً رضایت بخش خواهد بود. (۷) و امّا کسی که ترازوهای (اعمال) او سبک است، (۸) پناهگاهش

هَاوِيَةٌ (٩) وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا هِيَهْ (١٠) نَارٌ حَامِيَةٌۢ (١١)

«هاویه» [= دوزخ] است. (۹) و تو چه می‌دانی «هاویه» چیست؟! (۱۰) آتشی است سوزان! (۱۱)

سُورَةُ التَّكَاثُرِ

ترتيبها ۱۰۲ — آياتها ۸

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَلْهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ (١) حَتَّىٰ زُرْتُمُ ٱلْمَقَابِرَ (٢) كَلَّا سَوْفَ

افزون‌طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته است. (۱) تا آن جا که به دیدار قبرها رفتید (و به فزونی قبور مردگانتان افتخار کردید). (۲) چنین نیست

تَعْلَمُونَ (٣) ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٤) كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ

(که می‌پندارید) بزودی خواهید دانست! (۳) باز چنان نیست (که شما می‌پندارید)؛ بزودی خواهید دانست! (۴) هرگز چنان نیست (که شما خیال می‌کنید)؛

ٱلْيَقِينِ (٥) لَتَرَوُنَّ ٱلْجَحِيمَ (٦) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ

اگر شما علم‌الیقین (به آخرت) داشتید (افزون‌طلبی شما را از خدا غافل نمی‌کرد)! (۵) به یقین شما جهنم را خواهید دید. (۶) سپس (با ورود در آن) آن را به

ٱلْيَقِينِ (٧) ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ (٨)

عین الیقین مشاهده خواهید کرد. (۷) سپس در آن روز (همه شما) از نعمتها (ی الهی) بازپرسی خواهید شد. (۸)

۱۰۳ – سوره العصر / ۱۰۴ – سوره الهمزه / ۱۰۵ – سوره الفیل

سُورَةُ العَصرِ

ترتیبها ۱۰۳ آیاتها ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

به عصر سوگند، (۱) که انسانها همه در زیانند؛ (۲) مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند،

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

و یکدیگر را به (ادای) حق سفارش کرده و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی توصیه نموده‌اند. (۳)

سُورَةُ الهُمَزَةِ

ترتیبها ۱۰۴ آیاتها ۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ

وای بر هر عیبجوی مسخره کننده‌ای! (۱) همان کس که مال فراوانی جمع‌آوری و آماده ساخته (بی‌آنکه حلال و حرام آن را حساب کند)!

أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾ كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ

(۲) او می‌پندارد اموالش او را جاودانه می‌سازد. (۳) چنین نیست؛ بزودی در «حطمه» [= آتشی خردکننده] پرتاب می‌شود. (۴) و تو چه می‌دانی «حطمه»

الْمُوقَدَةُ ﴿٦﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ ﴿٨﴾ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

چیست؟! (۵) آتش برافروخته الهی است، (۶) که از دلها سر می‌زند. (۷) این آتش بر آنها فرو بسته شده، (۸) در ستونهای کشیده و طولانی. (۹)

سُورَةُ الفِيلِ

ترتیبها ۱۰۵ آیاتها ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي

آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟! (۱) آیا نقشه آنها را در ضلالت

تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ

(و تباهی) قرار نداد؟! (۲) و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، (۳) که با سنگ‌هایی از گل متحجّر آنان را

مِّن سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾

هدف قرار می‌دادند؛ (۴) سرانجام آنها را همچون کاه خورده شده (و متلاشی) قرار داد. (۵)

۱۰۶ – سوره قریش / ۱۰۷ – سوره الماعون / ۱۰۸ – سوره الکوثر

سُورَةُ قُرَيْشٍ
ترتيبها ۱۰۶ | آياتها ٤

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

لِإِيلَٰفِ قُرَيْشٍ ﴿١﴾ إِۦلَٰفِهِمْ رِحْلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيْفِ ﴿٢﴾ فَلْيَعْبُدُوا۟ رَبَّ

(نابودی فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدّس) الفت گیرند (۱) الفت آنها (به این سرزمین و بازگشت آنها به آنجا) در سفرهای

هَٰذَا ٱلْبَيْتِ ﴿٣﴾ ٱلَّذِىٓ أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْفٍۭ ﴿٤﴾

زمستانه و تابستانه. (۲) پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند، (۳) همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. (۴)

سُورَةُ ٱلْمَاعُونِ
ترتيبها ۱۰۷ | آياتها ٧

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

أَرَءَيْتَ ٱلَّذِى يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ﴿١﴾ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِى يَدُعُّ

آیا کسی که پیوسته روز جزا را انکار می‌کند دیدی؟! (۱) او همان کسی است که یتیم را با

ٱلْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ

خشونت می‌راند، (۲) و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند. (۳) پس وای بر

لِّلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ ٱلَّذِينَ

نمازگزاران، (۴) همان کسانی که در نمازخود سهل انگاری می‌کنند. (۵) همان کسانی که

هُمْ يُرَآءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ ٱلْمَاعُونَ ﴿٧﴾

ریا می‌کنند، (۶) و حتی از دادن وسایل ضروری زندگی (به دیگران) (عاریه) خودداری می‌کنند. (۷)

سُورَةُ ٱلْكَوْثَرِ
ترتيبها ۱۰۸ | آياتها ٣

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِنَّآ أَعْطَيْنَٰكَ ٱلْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ

به یقین ما به تو کوثر (و خیر و برکت فراوان) عطا کردیم. (۱) پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. (۲)

شَانِئَكَ هُوَ ٱلْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

(و بدان) دشمن تو به یقین ابتر و بریده نسل است. (۳)

سُورَةُ الكَافِرُونَ

ترتيبها ١٠٩ — آياتها ٦

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قُلْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلْكَـٰفِرُونَ (١) لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (٢) وَلَآ

بگو: ای کافران! (۱) آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم. (۲) و نه شما

أَنتُمْ عَـٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ (٣) وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ (٤) وَلَآ أَنتُمْ

آنچه را من می‌پرستم می‌پرستید، (۳) و نه من آنچه را شما پرستش کرده‌اید می‌پرستم، (۴) و نه شما آنچه را که

عَـٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ (٥) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِىَ دِينِ (٦)

من می‌پرستم پرستش می‌کنید؛ (۵) (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (۶)

سُورَةُ النَّصْرِ

ترتيبها ١١٠ — آياتها ٣

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

إِذَا جَآءَ نَصْرُ ٱللَّهِ وَٱلْفَتْحُ (١) وَرَأَيْتَ ٱلنَّاسَ يَدْخُلُونَ فِى دِينِ

هنگامی که یاری خدا و پیروزی (بر مشرکان مکه) فرا رسد، (۱) و ببینی مردم گروه گروه وارد دین

ٱللَّهِ أَفْوَاجًا (٢) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَٱسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابًۢا (٣)

خدا می‌شوند، (۲) پروردگارت را تسبیح و حمد گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است. (۳)

سُورَةُ المَسَدِ

ترتيبها ١١١ — آياتها ٥

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

تَبَّتْ يَدَآ أَبِى لَهَبٍ وَتَبَّ (١) مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُۥ وَمَا

بریده باد هر دو دست ابولهب و مرگ بر او باد! (۱) هرگز ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش

كَسَبَ (٢) سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (٣) وَٱمْرَأَتُهُۥ

سودی نبخشید. (۲) و بزودی وارد آتشی شعله‌ور و پرلهیب می‌شود؛ (۳) و (نیز) همسرش،

حَمَّالَةَ ٱلْحَطَبِ (٤) فِى جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍۭ (٥)

در حالی که هیزم‌کش (دوزخ) است، (۴) و در گردنش رشته‌ای از لیف خرما. (۵)

۱۱۲ – سوره الإخلاص / ۱۱۳ – سوره الفلق / ۱۱۴ – سوره الناس

سُورَةُ الإِخلَاص
ترتیبها ۱۱۲ — آیاتها ٤

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

بگو: «او خداوند، یکتا و یگانه است؛ (۱) خداوندی بی‌نیاز است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند؛ (۲) (هرگز) نزاد،

يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدٌۢ ﴿٤﴾

و زاده نشد، (۳) و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است.» (۴)

سُورَةُ الفَلَق
ترتیبها ۱۱۳ — آیاتها ٥

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ ﴿١﴾ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِن شَرِّ

بگو: «پناه می‌برم به پروردگار سپیدهٔ صبح، (۱) از شرّ آنچه آفریده است؛ (۲) و از شرّ هر

غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِى ٱلْعُقَدِ

موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود؛ (۳) و از شرّ آنها که (با افسون و سحر) در گره‌ها می‌دمند؛

﴿٤﴾ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

(۴) و از شرّ حسود هنگامی که حسد می‌ورزد.» (۵)

سُورَةُ النَّاس
ترتیبها ۱۱٤ — آیاتها ٦

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَٰهِ

بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم، (۱) مالک و حاکم مردم، (۲) معبود

ٱلنَّاسِ ﴿٣﴾ مِن شَرِّ ٱلْوَسْوَاسِ ٱلْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ ٱلَّذِى يُوَسْوِسُ

مردم، (۳) از شرّ وسوسه‌گر پنهانکار، (۴) که در درون سینه مردمان

فِى صُدُورِ ٱلنَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ﴿٦﴾

وسوسه می‌کند، (۵) خواه از جنّ باشد یا از انسان.» (۶)

ص :۶۰۸

ص :۶۱۴

ص :۶۱۷

ص :۶۱۸

الدعاء عند ختم القرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني قد قرأت ما قضيت لي من
كتابك الذي انزلته على نبيك الصادق
فلك الحمد ربنا اللهم اجعلني ممن احل
حلاله وحرم حرامه وامن بمحكمه و
متشابهه واجعله لي انسا في قبري و
انسا في حشري وانسا في نشري واجعلني
ممن ترقيه بكل اية قرأتها الى درجة
في اعلى عليين امين رب العالمين

عکس

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹